

سلسلهٔ انتشارات انجمن آثار ملی

۹۳۰

از آستارا تا استارباد

مجلد سوم

شامل آثار و بناهای تاریخی

مازندران غربی

تألیف

دکتر منوچهر ستوده

از آستارا تا استاراباد





سلسلهٔ انتشارات انجمن آثار ملی

۱۳۰

از آستارا تا استارباد

مجلد سوم

شامل آثار و بناهای تاریخی مازندران غربی

تألیف

دکتر منوچهر ستوده

از این کتاب ۲۰۰۰ نسخه در چاپخانهٔ
زیبا به چاپ رسید است
شماره ثبت کتابخانهٔ ملی ۱۸۸۳ مورخ ۳۵/۱۱/۲۲

سیزدهمین نشریهٔ انجمن آثار ملی در سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی

سال برگزاری جشن پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی

سرآغاز

بنام آفریدگار بزرگ جهان

با عرض سپاس فراوان به درگاه پروردگار یکتا و درود بسیار بر واپسین پیمبران حضرت محمّد مصطفی (ص) در پرتو عنایات کریمانه و همیشگی ذات خجسته اعلیحضرت همایون محمّد رضا شاه پهلوی شاهنشاه آریامهر مجلّد سوم کتاب "از آستارا تا استارباد" شامل اطلاعات مربوط به آثار و بناهای تاریخی قسمتهای غربی خطّه مازندران به معرض انتشار و استفاده علاقه مندان گذارده میشود.

همانطورکه در دیباچه[1] نخستین مجلد دوره کتاب "از آستارا تا استارباد" اشاره نمود همه سرزمینهای واقع در جنوب دریای خزر بخشی از کشور ما د بزرگ و کانونهائی از تمدنهای باستانی ایران بشمار رفته و بواسطه وضع طبیعی و آب و هوای آن از اصول معماری ویژه ای نیز برخوردار بوده است و بهمین جهت

خواه از لحاظ پیدا شدن آثار مدفون در دل خاک که به دورانهای پیش از تاریخ

یا سده های پیش از اسلام و حتّی تا چند سده بعد از اسلام ارتباط دارد

و خواه از نظر بناهای تاریخی موجود از عهد اسلام حائز اهمیت مخصوص است

و در مجلّد حاضر بشرحی که اشاره رفت اطلاعات مربوط به آثار و ابنیه تاریخی نواحی

غربی مازندران گردآوری و تدوین شده است و یقیناً مطالب ناشناخته

فراوان در بر دارد که خوانندگان گرامی با بررسی متن کتاب بهتر چگونگی آنرا در می یابند .

مؤلف محترم دوره " از آستارا تا استارباد " بصورت اصولی و منظم

نسبت به تألیف مجلدات آن کوشش بخرج داده و میدهد و به ترتیبی که در مجلدات

پیشین گذشت ابتدا آثار باستانی و بناهای تاریخی قسمتهای غربی استان گیلانرا

که در آن سوی سفیدرود واقع گشته است (و بنام بیه پس خوانده میشود) در

نخستین مجلّد معرّفی نموده و پس از آن اینگونه آثار و ابنیه را در قسمت شرقی گیلان

واقع در این جانب سفیدرود (که بنام بیه پیش می نامند) مورد شناسائی و بررسی

قرارداده و شرح آن در مجلّد دوّم بچاپ رسیده و اینک در مجلّد حاضر نوبت به آثار

و بناهای تاریخی مازندران غربی " از سامان رودخانه سورخانی " (= سفید تمیش)

تا کناره رود " هراز " رسیده است و طبعاً " مجلّد چهارم حاوی مطالب و اطلاعات

راجع به آثار و ابنیه تاریخی مربوط به قسمتهای خاوری مازندران خواهد بود و پس از
آن آثار باستانی و بناهای تاریخی سرزمین پهناور گرگان در مجلد پنجم معرفی خواهد
گشت و مجلدات ششم و هفتم بدلایلی که در سرآغاز آن دو جلد مذکور افتاد [۲]
پیش از سه مجلد اخیرالذکر به چاپ رسید و منتشر گردید.

ضمن ستایش از کوششهای همیشگی دانشمند گرامی آقای دکتر منوچهر ستوده
جهت ادامه و تکمیل خدمت خطیری که بر عهده گرفته اند یادآوری این نکته را مناسب
میداند که بسیاری از اطلال باستانی و آثار تاریخی مازندران همانند این گونه مکانها
در گیلان و همچنین نقاطی در دشت و هامونهای گرگان به علت وضع طبیعی محل آنها
از جهات گوناگون ناشناخته مانده است و آنچه بمنظور دسترسی و معرفی آنها
بوسیله مؤلف دوره مجلدات کنونی صورت گرفته و میگیرد در بین سرسختی و پایمردی
و علاقه وی بانجام دادن چنین خدمت مهم و اساسی است و جز اینگونه عوامل
انگیزه دیگری را آن یارائی نتواند بود تا عناصر دانشمند و پژوهنده را به گام نهادن
در این راه دشوار وادار نماید و این معنی بیش و کم در مورد مؤلفان دیگری هم که برای
تهیه کتابهای مربوط به آثار فرهنگ دیرین ایران در سایر استانهای کشور
با انجمن آثار ملی همکاری و همگامی بخرج میدهند صدق میکند و اساساً خدمت

به آثار تاریخی و پاسداری یادگارهای ملّی و فرهنگی ایران در هر کجا و به هر حال و هر صورت نیازمند عشق و اخلاص و ایمان در راه چنین هدفهای مقدّس است به فرموده شیخ اجلّ سعدی :

غم عشق آمد و غمهای دگر پاک ببرد   سوزنی باید کز پای برآرد خاری

در پایان از همهٔ نیکمردانی که برای پیشرفت هدف و منظور ملّی و علمی مؤلف ارجمند کتاب به وی و انجمن آثار ملّی مساعدت و یاری فرموده اند و شادروان ارسلان خلعتبری در زمرهٔ ایشان بوده و نام شریف سایر شخصیّتها هم در مقدّمه کتاب آمده است صمیمانه اظهار حقشناسی می نماید و با امیدواری به توفیق روزافزون فرزندان مرز و بوم عزیز ایران در راه نگهبانی و خدمت به میراث فرهنگی خویش سرآغاز را پایان می بخشد و خوانندگان گرامی را به بهره مندی از متن کتاب دعوت مینماید .

هیئت مؤسسان
انجمن آثار ملّی

---

(۱) نشریهٔ شمارهٔ (۷۰) انجمن آثار ملّی در مرداد ماه ۱۳۴۹ (۲۵۲۹ شاهنشاهی)

(۲) نشریه های شمارهٔ ۱۱۸ و ۱۱۹ـ انجمن آثار ملّی مهرماه ۱۳۵۴ (۲۵۳۴ شاهنشاهی)

فهرست

خداوندا در توفیق بگشای

مقدمـه

کتابی که از زیر نظر خوانندهٔ گرامی می‌گذرد . مجلد سوم از آستارا تا استارباد است . در این مجلد بناها و آثار تاریخی مازندران غربی از سامان رودخانهٔ سورخانی (= سفیدتمیش) تا کنارهٔ رود هراز شرح‌داده شده است و بخشهای جغرافیایی این قسمت از خاك مازندران از غرب به شرق یکی پس از دیگری مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است .

ابتدادشت و شهرهای ساحلی بررسی شد و پس از رسیدن به رودخانه‌هایی که آثاری درکنارهٔ آنها حدس زده‌می‌شد ، دنبالهٔ‌رودخانه راتا سرچشمه‌های آن گرفتم و آثار قابل ذکر کناره‌های چپ‌وراست آن را بررسی کردم‌و دوباره به دشت آمدم .

بخشهایی که‌آثار آنها در این کتاب گنجانـده شده ، بدیـن ترتیب است .

۱ـ تنکابن شامل : سخت‌سر (= رامسر) ، جوردی (= جواهرده) که ییلاق سخت‌سر است ، جنده‌رودبار (=جنت‌رودبار) ، گلیجان، خرم‌آباد ، (=بلده = قلاگردن) . دوهزار ، سه‌هزار ، زوار،

نشتا و لنگا .

۲ـ کلارستاق شامل : دشت کلارستاق، بیرون‌بشم ، کلاردشت ، کوهستان شرقی وغربی کلارستاق .

۳ـ کوهستان کجور شامل : پنجک‌رستاق ، کوهپر ، شهرکجور ، حومهٔ شهرکجور ، زانوس رستاق .

٤ـ دشت‌کجور شامل : کران ، چلندر ، بلدهٔکجور ، علوی‌کلا ، کالج.

٥ـ کوهستان‌نور شامل : اوزرود ، کمررود ، یالورود ، بلدهٔنور ، میانرودبالا ، تترستاق .

٦ـ دشت‌نور شامل : ناتل کنار ، ناتل‌رستاق ، میانرودپایین ، میان‌بند ، نائیج .

۷ـ لارقصران، بالالاریجان، امیری ، بهرستاق ، دلارستاق . نمارستاق. این‌دوبخش اخیریعنی دلارستاق و نمارستاق فعلا در تقسیمات جزء نور به‌حساب آمده‌اند .

آنچه اثر تاریخی در کنارهٔ راست و چپ هرازبود تالیتکوه (= بالاخیابان و پایین خیابان) شرح دادم و لیتکوه واهلم رستاق را که جزء خاك‌آمل به حساب آمده‌اند برای مجلد چهارم گذاشتم چون شرح بناهای تاریخی شهر آمل نیز در آن‌مجلد ذکر خواهد شد .

بناها و آثارتاریخی هربخش جداگانه مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت و شرح‌آن تاجایی‌که‌لازم به نظرمی‌رسید داده شد . بناهای محقر و ناچیز را که‌اهمیت زیادی‌نداشتند در متن‌نیاوردم و درآخر هربخش زیرعنوان «بناها و آثارتاریخی» ذکرکردم . چون امکان دارد که این بناهای بی‌اهمیت امروز ، روزی سروسامانی داشته و مدفن یکی ازبزرگان وسرشناسان محلی‌بوده که‌براثر گذشت‌زمان و فراموش‌شدن نام و نشان او به وضع موجود افتاده است .

در مدت بررسی این پهنهٔ پهناور ، راد مردانی پیدا شدند کـه ساعات عمر عزیز خود را صرف همراهی این بنده کرده یاوسایل‌تسهیل کار اینجانب را فراهم آورده‌اند . یادایشان در اینجا دین ایشان را بردوش من سبکتر خواهد کرد . از یکایك آنان بـرای همیشـه متشکر و ممنونم .

آقای ارسلان خلعت‌بری که حق‌استادی نیز به‌گردن بنده‌دارند، بیش از ده نامه به خویشان و دوستان خود دراین صفحات نوشتند و این بنده را به آنان معرفی کردند . این رادمرد امروز درمیان مانیست خدایش بیامرزد و قرین رحمت کند .

آقای ابوالفضل علامه فهرست‌مفصلی از بناها و آثار تاریخی ناحیهٔ شهسوار را نوشتند و محلهای آنها را نشان دادند .

آقای موسی‌صمیمی رئیس‌آموزش‌وپرورش شهسوار دستوراتی به راهنمایان تعلیماتی دادند و راه را برای بررسی اینجانب گشودند .

آقای حسیـن علی‌رمجـی ـ راهنمای تعلیماتی قسمت غـربی شهسوار ـ دوسه‌روزی این منطقه را پابه‌پای اینجانب آمدند .

آقای پرویز خان‌امیـری ـ راهنمای تعلیماتی ناحیـهٔ خـرم‌آباد ودوهزار و سه هزار ـ در حدود یك هفته در کـوه و دشت بامـن همراهی کـردند .

آقای غلامحسین‌خان خلعت‌بری (نصرت‌نظام) درخانهٔ خودرا برمن گشودند و پس از احضارکربلائی صفرعلی‌منتظری ـ دهبان‌املاك‌ـ وضع بناهای خاندان خلعت‌بری را در خرم‌آباد برای اینجانب روشن کردنـد .

آقای حسینعلی‌علی‌پور در بررسی بخشهای‌نشتا ولنگا همکاری داشتند .

آقای سهراب دیلمی آثار اطراف کلارآباد و چارز ویال‌بندان و

راه قدیمی پیشنبور را معرفی کردند .

آقایان کاظم زال‌رز و علی‌اصغر اسفندیاری و محمدسام در شناسائی آثار تاریخی حومهٔ چالوس و نواحی ییلاقی و کوهستان غربی کلارستاق کمکهای مفیدی کردند .

آقـای سیدعبـدالله حسینـی‌آرا ـ مسؤول سپاه دانش ادارهٔ آموزش و پرورش نوشهر ـ و آقای فیروز کیا ـ راهنمـای تعلیماتـی سپاه‌دانش ـ با اینجانب در سرما و یخبندان زمستان ۱۳۵۳ در کوه و دشت کجور همپا بودند .

آقای‌حاج‌علی روحانی رئیس محضـر شمارهٔدو نوشهـر در شناسائی بخشهای جغرافیائی دشت‌کجور راهنمائیهای با ارزشی کردند .

دکتر افشین‌ستوده ـ دومین فرزند اینجانب ـ درسه سفر در سراسر دهکده‌های نورو نمارستاق یارو یاورمن بود.سفر اول ازکمربن به دهکده‌های اوزرود و کمررود و یالورود رفتیم . سفرهٔ گشادهٔآقای کریم صدیق‌بهزادی دریالو رنج سفر را از خاطر ما برد . درهتر دوربین عکاسی از کار افتاد و مجبور به بازگشت شدیم .

در سفر دوم که خاطرات تلخ آن فراموش نشدنی است ، قاطری چموش که زیرپای اینجانب بود براثربرخورد به‌قاطرهای دیگر ، در نزدیکی اوز مرا به‌سختی به‌زمین‌کوبید . سرو صورت ودست راست آسیب دید . پس از گذراندن شبی‌دراز در اوز مجبور به بازگشت شدیم . پرستاریهای آقای عبدالهادی عقیلی ودلسوزیهای او در طول شب‌فراموش نشدنی است .

سفر سوم بادوست گرامی آقای امیرکاشفی ازکمربن باقاطر به‌راه‌افتادیم . در این‌سفر کاشفی‌نیزاز قاطرپرت شد و براثرآسیب‌پای‌او ازادامهٔسفر منصرف شدیم و بازگشتیم .

سفر چهارم ازکمربن پس از طی دو روز راه در بلده به‌منزل

آقای خانبابا سلطانی وارد شدیم و بلده واطراف آن و ناحیهٔمیانرود بالا را بررسی کردیم و از راه‌فیول وایواونج به درهٔ نمارستاق وارد شدیم . ناحیهٔ نمارستاق را مورد مطالعه قراردادیم و خود را به کنار هراز رساندیم .

آقای نصرت‌الله سالاری معاون ادارهٔ آموزش و پرورش سولده راه را برای بررسی صفحات دشت‌نور گشودند .

آقای الیاس جعفری متصدی دفتر نمایندگی آموزش وپرورش چمستان بیش از یك‌هفته عمر خود رااز بام تاشام صرف همراهی این بنده کردند . از خداوند متعال سلامت و توفیق این افراد را مسئلت دارم .

بسیار مفتخرم که انجمن آثار ملی ، مجلد سوم ازآستارا تا استارباد را جزء سلسله انتشارات خود به چاپ رسانید . درزمان ریاست تیمسار مرحوم سپهبد آق‌اولی‌رحمه‌الله‌رحمةواسعه ، انجمن به فکرافتاد که کتبی دربارهٔآثار تاریخی موجود ایران بنویسد و این کار را میان افراد مختلف‌تقسیم کرد . قرعهٔبررسی آثار تاریخی حاشیهٔ دریای خزر را به‌نام اینجانب زدند .

تاکنون پنج مجلد از کتاب آستارا تا استارباد به ترتیب زیر به چاپ رسیده است :

۱ـ مجلد اول شامل آثار تاریخی گیلان بیه‌پس .
۲ـ مجلد دوم شامل‌آثار تاریخی گیلان‌بیه‌پیش .
۳ـ مجلد سوم شامل آثار تاریخی مازندران غربی .
۴ـ مجلد ششم شامل اسناد تاریخی گرگان .
۵ـ مجلد هفتم شامل اسناد تاریخی گرگان .

امیداست مجلدات چهارم و پنجم که‌دربارهٔ آثار تاریخی مازندران شرقی و گرگان است در آتیهٔ نزدیکی به چاپ برسد .

از دوست همراه و رفیق موافق آقای مسعود گلزاری که در یکی از سفرهای کوهستان کجور وناحیهٔ کلارستاق و سفر دیگری در لاریجان قدم به‌قدم همراه من بودند وعکسهای زیبایی از این نقاط برداشته‌اند ، تشکر می‌کنم . کار چاپ این‌کتاب نیز به‌عهدهٔ ایشان بود و چنانکه از صفحات آن پیداست به‌خوبی‌ازعهده برآمده‌اند .

از کارکنان چاپخانهٔزیبا که‌دقت کافی درچاپ این کتاب کرده‌اند ممنون و متشکرم .

امید است دعای خیر من بدرقهٔراه کسانی باشد که در راه گسترش دانش سعی و کوشش دارند . خداوند چنین کسان را تنها نخواهد گذاشت و نظرلطف خود را از ایشان دریغ‌نخواهد داشت .

منوچهر ستوده

اول امرداد ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی

مطابق ۱۳۵۵ شمسی و۱۳۹۶ هجری قمری

فهرستی از بناها و آثار تاریخی خاك مازندران غربی

به ترتیب سنوات هجری قمری

بناها و آثارمورخ مازندران‌غربی‌زیاد قدیمی نیست . قدیمیترین آنها در ورودی بقعهٔ سیدابوالقاسم پسرالمؤیدبالله در دهکدهٔ جزما (سیدابوالقاسم) در دوهزار خرم‌آباد تنکابن است که تاریخ آن به‌سال ۷۰۶ قمری می‌رسد و ازعمر آن ۶۹۰سال گذشته است . متأسفانه در سال ۱۳۵۳ شمسی که اینجانب مشغول بررسی این صفحات بودم با کمك‌متولی‌یك‌لنگه آن رادرهم شکسته‌ویکی‌دوشمسهٔ آن را به غارت برده بودند .

در ورودی مقبرهٔ پلاسید در سادات‌محلهٔ سخت‌سر (رامسر)مورخ ۷۴۳ چنانکه درمتن همین‌کتاب حدس زده‌ام مربوط به مقبرهٔ اونیست وازمحل دیگری بدینجا نقل شده است . زیرا که صندوق این مقبره مورخ ۹۵۱ هجری قمری است . آثار و بناهای مورخ دیگر متعلق به قرن نهم و دهم هجری و قرون بعد درمازندران غربی‌به‌نظر رسید که فهرست آنها به ترتیب سنوات به‌قرارزیر است :

۱ـ تاریخ درورودی بقعهٔ سیدابوالقاسم در دهکدهٔ جزما(سیدابوالقاسم) دوهزار خرم‌آباد تنکابن (ص۷۵) ۷۰۶ هـ . ق .

۲- تاریخ اتمام در ورودی مقبرهٔ پلاسید در سادات‌محلهٔ سخت‌سر (رامسر) تنکابن (ص۳۶) ۷۴۳ هـ . ق .

۳- تاریخ صندوق طاهر و مطهر در هزارخال کجور (ص ۱۹۳) ربیع‌الاخر ۸۰۴ هـ . ق .

۴- تاریخ در ورودی بقعهٔ سلطان‌محمدکیادبیر صالحانی در صالحان کجور (ص ۲۰۱) محرم‌الحرام ۸۲۰ هـ . ق

۵- تاریخ صندوق امامزاده احمدرضا در لاسم بالالاریجان (ص۴۰۹) ربیع‌الاول ۸۲۱ هـ . ق .

۶- تاریخ کتیبهٔ نمای بیرونی بنای طاهر و مطهر در هزارخال کجور (ص ۱۹۶) ۸۲۸ هـ . ق .

۷- تاریخ اتمام نمای خارج بنای طاهر و مطهر در هزارخال کجور (ص ۱۹۶ و ۱۹۷) ۸۲۹ هـ . ق .

۸- تاریخ ختم بنای شاه‌بالو به‌دستور ملک‌کیومرث‌بن بیستون (ص۳۴۶) ۸۴۰ هـ . ق .

۹- تاریخ کتیبهٔ بیت‌حمام‌سر مقابل قلعهٔ گلیر (ص ۳۰۱) ۸۴۸هـ.ق.

۱۰- تاریخ در ورودی بقعهٔ طاهر و مطهر درهزارخال کجور(ص۱۸۹) جمادی‌الاولی ۸۴۹ هـ . ق .

۱۱- تاریخ درورودی‌بقعهٔ امامزاده ابراهیم در تیرساتترستاق (ص۳۲۱) ۸۴۹ هـ . ق .

۱۲- تاریخ‌اتمام‌بقعهٔ‌جمشید کیاسلطان در المده کجور به دستور ملک‌کیومرث (ص ۲۴۰) ۸۵۱ هـ . ق .

۱۳- تاریخ‌صندوق‌مرقدملک‌کیومرث‌استندار (ص ۱۹۵) ۸۵۸هـ.ق.

۱۴- تاریخ صندوق مرقد درویش‌تاج‌الدین حسن‌ولی درنیاك (ص۴۲۳) محرم ۸۶۰ هـ . ق .

۱۵- تاریخ یادگاری شخصی نامعلوم بردیوار بقعهٔ درویش‌امیر دراراضی

ناسنگ لاشك کجور (ص۲۱۲)   ذی‌قعده ۸۶۰ ه . ق .

۱۶ـ تاریخ یادگاری ولی‌الدین دربقعهٔ درویش‌امیر در اراضی ناسنگ لاشك کجور (ص۲۱۱)   ۸٦٤ ه . ق .

۱۷ـ تاریخ در ورودی بقعهٔ‌درویش تاج‌الدین حسن‌ولی درنیاك(ص٤۲۲) ۸٦٦ ه . ق .

۱۸ـ تاریخ یادگاری قطب‌الدین‌بن شیخ‌نورالدین شاه‌رستم دریاباری دربقعهٔ درویش‌امیر در اراضی ناسنگ‌لاشك کجور (ص ۲۱۱) ۸۷۰ ه . ق .

۱۹ـ درورودی‌بقعهٔ سلطان حاجی که فعلا درورودی مرقد سلطان شهاب‌الدین است (ص ٤۷٥)   ۸۷٤ ه . ق .

۲۰ـتاریخ‌سنگ‌قبر شمس‌الدین‌بن حسام‌توپا در گورستان الیت‌کوهستان غربی کلارستاق (ص ۱٤۸)   ۸۷٤ ه . ق .

۲۱ـ تاریخ اتمام درورودی‌مسجد ابابکرعلی‌در دهکدهٔ‌کلا ازدهکده‌های میانرود بالای نور (ص۳۰۸)   شوال ۸۷۷ ه . ق .

۲۲ـ تاریخ درورودی‌مسجد متصل‌به بقعهٔ‌امامزاده‌محمودبن موسی‌الکاظم درنایهٔ‌نور (ص ۲٦٤)   ذی‌قعده ۸۷۷ ه . ق .

۲۳ـ تاریخ اتمام درورودی یك‌لختی امامزاده سیدزکریا در دهکدهٔ اوزکلای اوزرودنور (ص ۲٥۹)   رمضان ۸۸۰ ه . ق .

۲٤ـ تاریخ سنگ‌قبر کیازین‌الدین خواجه‌ابن اسکندرتاول در گورستان شاهزاده ابراهیم در دهکدهٔ صالحان کجور (ص۲۰۸) ۸۸۰ ه . ق .

۲٥ـ تاریخ درورودی امامزاده محمودبن موسی‌الکاظم‌در نایهٔ اوزرود نور (ص۲٦۲)   جمادی‌الاخری ۸۸٦ ه . ق .

۲٦ـ تاریخ یادگاری درویش مقبولی شاعربردیوار بقعهٔ درویش‌امیر در اراضی ناسنگ‌لاشك‌کجور (ص ۲۱۰)   ۸۸٦ ه . ق .

۲۷ـ تاریخ درسابق امامزاده ابراهیم‌دردهکدهٔ دینان‌امیری لاریجان (ص۴۴۹) ۸۹۸ هـ. ق.

۲۸ـ تاریخ سنگ‌قبرسلیمان‌ورام‌بن حسین ورام در گورستان قدیمی دهکدهٔ الیت در کوهستان غربی کلارستاق (ص۱۴۷) ۹۰۰ هـ. ق.

۲۹ـ تاریخ اتمام درورودی امامزاده یوسف‌بن یعقوب درکلیک‌نور (ص ۲۷۶) سلخ رمضان ۹۰۰ هـ. ق.

۳۰ـ تاریخ کاشی‌کاری ازارهٔ مرقد سلطان‌شهاب‌الدین در دهکدهٔ دیلا از دهکده‌های دلارستاق‌نور (صفحات ۴۶۸ و ۴۶۹ و ۴۷۰ و ۴۷۱) ۹۰۳ـ۹۰۱ هـ. ق.

۳۱ـ تاریخ اتمام درورودی بقعهٔ درویش رستم در دهکدهٔ‌اطاق‌سرای زانوس‌رستاق کجور (ص ۲۲۲) محرم ۹۰۴ هـ. ق.

۳۲ـ تاریخ اتمام درورودی دیگر بقعهٔ‌درویش‌رستم در اطاق‌سرای زانوس رستاق‌کجور (ص ۲۲۴) رمضان ۹۰۴ هـ. ق.

۳۳ـ تاریخ منبرسنگی مصلای دهکدهٔ صالحان کجور (ص ۲۰۷) محرم ۹۰۷ هـ. ق.

۳۴ـ تاریخ اتمام صندوق مرقد امامزاده محمود معروف به غریب‌آقا در دهکدهٔ تیرساتنرستاق‌نور (ص ۳۲۲) ۹۰۹ هـ. ق.

۳۵ـ تاریخ اتمام صندوق امامزاده یحیی‌بن موسی‌بن جعفر در دهکدهٔ نوای بالالاریجان (ص ۴۳۶) ۹۱۹ هـ. ق.

۳۶ـ تاریخ یادگاری درویش عمادالدین‌بن درویش‌احمد نائینی‌بردیوار بقعهٔ درویش‌امیر در اراضی ناسنگ‌لاشک‌کجور (ص۲۱۱) شوال ۹۲۰ هـ. ق.

۳۷ـ تاریخ اتمام صندوق درویش‌الیاس درآس‌تنگهٔ شونادشت لاریجان (ص ۴۴۵) ۹۲۰ هـ. ق.

۳۸ـ تاریخ اتمام درکفش‌کن امامزاده‌محمد و امامزاده ابراهیم دردهکدهٔ هتریالورود نور (ص ۲۸۸) ۹۲۰ هـ . ق .

۳۹ـ تاریخ اتمام در ورودی بقعهٔ امامزاده‌موسی‌بن عون‌بن موسی‌الکاظم دردهکدهٔ اوز ازدهکده‌های اوزرودنور (ص ۲۵۸) ۹۲۳ هـ . ق .

۴۰ـ تاریخ‌اتمام‌صندوق مرقدبی‌بی‌خانم دردهکدهٔ نسل‌نمارستاق‌نور (ص ۴۸۶) ۹۲۶ هـ . ق .

۴۱ـ تاریخ اتمام قبهٔمسین گنبد امامزاده محمد و امامزاده ابراهیم در دهکدهٔ هتریالورودنور (ص ۲۸۹) رجب ۹۲۶ هـ . ق .

۴۲ـ تاریخ‌اتمام درورودی بقعهٔ سلطان ابابکر درکلااز دهکده‌های میانرود بالای‌نور (ص ۳۰۷) رمضان ۹۲۷ هـ . ق .

۴۳ـ تاریخ‌اتمام در ورودی بقعهٔ‌امامزاده جعفربن امام‌علی‌النقی دردهکدهٔ انگرود اوزرودنور (ص ۲۶۹) شعبان ۹۳۳ هـ . ق .

۴۴ـ تاریخ اتمام صندوق امامزاده جعفربن امام‌علی‌النقی در انگرود اوزرود نور (ص ۲۶۹) ذی‌الحجه ۹۳۴ هـ . ق .

۴۵ـ تاریخ اتمام‌درورودی‌امامزاده‌محمدوامامزاده ابراهیم درهتریالورود نور (ص ۲۸۹) غره ذی‌قعده ۹۳۹ هـ . ق .

۴۶ـ تاریخ درورودی سابق سلطان ابابکر در دهکدهٔ‌کلا از دهکده‌های میانرودبالای‌نورکه‌فعلا درانباربقعهٔ است(ص۳۰۸) رجب ۹۴۳ هـ . ق .

۴۷ـ تاریخ یادگاری شیخ‌حسین‌بن شیخ‌عزالدین دریاه‌باری معروف به لارجانی در بقعهٔ‌درویش‌امیر در اراضی ناسنگ‌لاشك‌کجور (ص ۲۱۱) ۹۵۰ هـ . ق .

۴۸ـ تاریخ صندوق مقبرهٔ سلطان ابابکر در دهکدهٔ کلا از دهکده‌های میانرود بالای‌نور (ص ۳۰۵) ۹۵۰ هـ . ق .

۴۹ـ تاریخ صندوق مقبرهٔ پلاسید درسادات‌محلهٔ رامسر (ص ۳۶) ۹۵۱ هـ. ق.

۵۰ـ تاریخ سنگ‌قبری در گورستان بقعهٔ‌سیدحسین‌دردهکدهٔ تازه‌آباد سرراه اسپچین به‌ساقی‌کلایه (ص ۹۳) جمادی‌الاخر۹۵۸ هـ. ق.

۵۱ـ تاریخ اتمام‌صندوق‌مرقدسیدسعدین در یاسل‌نور (ص ۲۷۳) محرم ۹۶۰ هـ. ق.

۵۲ـ تاریخ اتمام صندوق مرقدسید محمدکیا دبیرصالحانی درصالحان کجور (ص ۲۰۳) ذی‌الحجه ۹۶۴ هـ. ق.

۵۳ـ تاریخ اتمام صندوق امامزاده ابراهیم در دهکدهٔتیرساتترستاق‌نور (ص ۳۲۰) ۹۶۸ هـ. ق.

۵۴ـ تاریخ اتمام‌بنا ودرورودی امامزاده هفت‌تنان در هفت‌تنان بهرستاق لاریجان (ص ۴۵۵) ذی‌الحجهٔ ۹۷۰ هـ. ق.

۵۵ـ تاریخ اتمام صندوق مقبرهٔ امامزاده انوشیروان در سراسب‌کمررود نور (ص ۲۸۴) ربیع‌الثانی ۹۷۵ هـ. ق.

۵۶ـ تاریخ اتمام‌بنای‌بقعهٔ درویش‌رستم‌ودرویش شهراگیم دراطاق‌سرای زانوس کجور (ص ۲۲۵) صفر ۹۷۸ هـ. ق.

۵۷ـ تاریخ سنگ‌قبر قاهرعلی‌بیگ غجرچاوشلو در مسجد جامع‌بلدهٔ نور محرم ۹۷۹ هـ. ق.

۵۸ـ تاریخ اتمام درورودی‌دیگر امامزاده هفت‌تنان در دهکدهٔ هفت‌تنان بهرستاق لاریجان (ص ۴۶۵) ۹۸۱ هـ. ق.

۵۹ـ تاریخ یادگاری سیدملک‌جان بردیوار بقعهٔ درویش‌امیر دراراضی ناسنگ لاشک‌کجور (ص ۲۱۲) جمادی‌الاولی ۱۰۱۷ هـ.ق.

۶۰ـ تاریخ یادگاری محمدخیاط بردیوار بقعهٔ درویش‌امیر در اراضی ناسنگ لاشک‌کجور (ص ۲۱۲) ۱۰۱۸ هـ. ق.

۶۱ـ تاریخ سنگ‌قبر سیدصالح‌طاج (ظاهراً : کاج)بن ملك‌مظفر در گورستان خالدکیاسلطان درمناچیرکلای علوی کـلای کجور (ص ۲۳۸)   ربیع‌الاخر ۱۰۲۸ هـ . ق .

۶۲ـ تاریخ اتمام دروردی امامزاده رضا درکچل‌ده میانرود سفلای‌نور (ص ۳۴۷)   ربیع‌الاول ۱۰۲۹ هـ . ق .

۶۳ـ تاریخ اتمام پل‌شاه‌عباسی‌درپلوربالالاریجان (ص ۴۰۵)   ۱۰۳۴ هـ . ق.

۶۴ـ تاریخ تحریرسند مبایعه یافته‌شده در کنـدلوس میخساز کجـور (ص ۲۱۷ و ۲۱۸)   ۱۰۳۶ هـ . ق .

۶۵ـ ماده تاریخ تجدید بنای دزگامزگتی دردهکدهٔ جوردی (جواهرده) ییلاق سخت‌سر (رامسر) تنکابن (ص ۳۲)   ۱۰۴۵ هـ . ق .

۶۶ـ تاریخ سنگ‌قبر آخوند . . . بن‌شیخ‌مراد ملاآقا برسرراه دلیربه الیت از دهکده‌های کوهستان کلارستاق (ص ۱۴۶)   ۱۰۷۰ هـ . ق .

۶۷ـ تاریخ سنگ‌قبرفخرالدین‌بن عبدالهادی‌رستمدار دردهکدهٔ جورکلاك اوزرود نور (ص۲۳۵)   ۱۰۷۷ هـ . ق .

۶۸ـ تاریخ سنگ‌قبر زرینکمر ولدمظفرباغبان وپری‌بنت حسین‌کمانگر در امامزاده محمودبن موسی‌الکاظم در دویلات میانرودنـور (ص ۳۰۰)   ذوالحجه ۱۰۷۸ هـ . ق .

۶۹ـ تاریخ سنگ‌قبرتام‌آور انگریج‌بن محمد در اراضی قلاکوتی‌نسن از دهکده‌های اوزرودنور (ص ۲۴۸)   محرم ۱۰۹۳ هـ . ق .

۷۰ـ تـاریخ سنگ‌قبر درویش مرزا بن زرینکمر در امامزاده محمودبن موسی‌الکاظم در دویلات میانرودنور (ص ۳۰۰)   ۱۱۰۱ هـ . ق .

۷۱ـ تاریخ سنگ‌قبر درویش شاهبیك‌بن زرینکمر درامامزاده محمودبن

موسی‌الکاظم در دویلات میانرود نور (ص ۳۰۰) ۱۱۰۱ هـ . ق .

۷۲ـ تاریخ اتمام صندوق مقبرهٔ شیخ احمد نوری در بلدهٔ نور (ص ۲۹۱) ذوالحجه ۱۱۰۲ هـ . ق .

۷۳ـ تاریخ لوحه‌ای چوبین که سنگ قبر درویش گرشاسب بن درویش محمد در بقعهٔ سید سعدین در یاسل اوزرود نور (ص ۲۷٤) ۱۱۰۹ هـ . ق .

۷٤ـ تاریخ زیارتنامه‌ای بر سنگ پادزهر در بقعهٔ امامزاده سید زکریا در اوزکلای اوزرودنور (ص ۲۶۱) ۱۱۲۷ هـ . ق .

۷۵ـ تاریخ سنگ قبر قاسمعلی پیچ ولد محمدجعفر در گورستان نسن از دهکده‌های اوزرود نور (ص ۲٤۹) ۱۱۳۱ هـ . ق .

۷۶ـ تاریخ سنگ قبر آخوند ملا محمدزمان در دهکدهٔ جورکلاك اوزرود نور (ص ۲۵۳) ۱۱۵۰ هـ . ق .

۷۷ـ تاریخ سنگ قبر آخوند ملا عزیز بن درویش شرف‌الدین در جورکلاك اوزرود نور (ص ۲۵۳) ربیع‌الاول ۱۱۵۶ هـ . ق .

۷۸ـ تاریخ سنگ قبر علی‌نقی ابن کربلائی محمدلطیف بابوکر (ص ۳٤۲) ۱۱۷۷ هـ . ق .

۷۹ـ تاریخ سنگ قبر حوا بنت محمدباقر انگرودی در گورستان نسن از دهکده‌های اوزرود نور (ص ۲٤۹) ۱۱۸٤ هـ . ق .

۸۰ـ تاریخ اتمام صندوق امامزاده ابراهیم در دهکدهٔ دینان امیری لاریجان (ص ٤۵۰) ۱۲۰٤ هـ . ق .

۸۱ـ تاریخ سنگ قبر آقامیر محمدحسین در گورستان مقبرهٔ پلاسید در سادات محلهٔ سخت‌سر (رامسر) تنکابن (ص ۳۷) ۱۲۰۶ هـ.ق.

۸۲ـ تاریخ سنگ قبر رمضانعلی ولد حیدر در گورستان امامزاده ابوالقاسم در دهکدهٔ جزما (امامزاده ابوالقاسم) در دوهزار خرم‌آباد تنکابن

(ص ۷۵)   ۱۲۰۹ هـ . ق .

۸۳ـ تاریخ سنگ‌قبر امیرخان‌بن شاه‌قباد خـواجه‌وند در گـورستان شاهزاده حسین درفیروزکلای پایین‌کجور (ص۱۸۰)   ۱۲۱٤ هـ . ق .

۸٤ـ تاریخ اتمام منبرامامزاده احمدرضا در دهکدهٔ لاسم بالالاریجان (ص ٤۱۰)   ۱۲۱۵ هـ . ق .

۸۵ـ تاریخ‌دررودی‌بقعهٔ‌امامزاده‌یحیی درنوااز دهکده‌های بالالاریجان (ص ٤۲٦)   ۱۲۱۷ هـ . ق .

۸٦ـ تاریخ سنگ قبر حاجی اللّه‌ویردی در گورستان نسن از دهکده‌های اوزرودنور (ص ۲٤۹)   ۱۲۲۰ هـ . ق .

۸۷ـ تاریخ اتمام دررودی بقعهٔ‌امامزاده ابـراهیـم در دهکـدهٔ‌دینان امیری‌لاریجان (ص ٤٤۹)   ذی‌القعده ۱۲۲۳ هـ . ق .

۸۸ـ تاریخ سنگ قبر آقاحسین ولد آقاصالح در گورستان امامـزاده ابوالقاسم در دهکدهٔ جزما (امامزاده‌ابوالقاسم) دوهزارخرم‌آباد تنکابن (ص ۷۵)   ۱۲۲٤ هـ . ق .

۸۹ـ تاریخ سنگ‌قبر تیمورخان ولد شیرمحمدخان‌خواجه‌وند فیروزکلائی (ص ۱۸۰)   ۱۲۲٤ هـ . ق .

۹۰ـ تاریخ سنگ‌قبر علی‌اکبربن عباس‌رکا در الامل‌کوهستان‌کلارستاق (ص ۱۵۲)   ۱۲۲۷ هـ . ق .

۹۱ـ تاریخ سنگ‌قبری در گورستان دزگامزگتی در دهکدهٔ جوردی (جواهرده) ییلاق‌سخت‌سر (رامسر)تنکابن (ص ۳۳)   ۱۲۳۰ هـ . ق .

۹۲ـ تاریخ‌اتمام‌منبر امامزاده عبدالمناف در دهکدهٔ عبدالمناف نمارستاق نور (ص ٤۸۵)   ۱۲۳۰ هـ . ق .

۹۳ـ تاریخ سنگ‌قبر محمدنصیر سلطان‌بن کاکاسلطان خواجه‌وند در

فیروزکلای پایین کجور (ص ۱۸۱) ۱۲۴۰ هـ . ق .

۹۴ـ تاریخ سنگ‌قبر نامدارخان‌بن کاکاسلطان خواجه‌وند درفیروزکلای پایین‌کجور (ص ۱۸۱) ۱۲۴۲ هـ . ق .

۹۵ـ تاریخ سنگ‌قبر خدیجه‌بانو بنت‌کربلائی آقابابادرگورستان‌بقعهٔ‌آقا سیدابراهیم در دهکدهٔ کرات‌کوتی گلیجان تنکابن (ص ۴۹) ۱۲۴۵ هـ . ق .

۹۶ـ تاریخ‌سنگ‌قبری در گورستان بقعهٔ‌آقا سیدابراهیم در دهکدهٔ کرات کوتی گلیجان تنکابن (ص۴۹) ۱۲۶۰ هـ . ق .

۹۷ـ تاریخ سنگ‌قبر کبریاخاتون بنت‌استادعلی‌خان ملقب به‌سیف دربقعهٔ چهارسی پیمد میان‌بندنور (ص۳۶۲) رمضان ۱۲۶۱ هـ.ق.

۹۸ـ تاریخ سنگ‌قبری در گورستان دزگامزگتی در دهکدهٔ جوردی (جواهرده) ییلاق سخت‌سر(رامسر)تنکابن(ص ۳۳) ۱۲۶۷ هـ . ق .

۹۹ـ تاریخ سنگ قبری در گورستان مسجد حاجی میرزا عبدالباقی در جوردی (جواهرده) ییلاق سخت‌سر (رامسر) تنکابن (ص ۳۴) ۱۲۶۷ هـ . ق .

۱۰۰ـ تاریخ سنگ‌قبری درگورستان‌دزگامزگتی در جوردی(جواهرده) ییلاق سخت‌سر (رامسر) تنکابن (ص ۳۳) ۱۲۶۹ هـ . ق .

۱۰۱ـ تاریخ سنگ‌قبری درگورستان دزگامزگتی درجوردی(جواهرده) ییلاق سخت‌سر (رامسر) تنکابن (ص ۳۳) ۱۲۷۰ هـ . ق .

۱۰۲ـ تاریخ سنگ‌قبر رمضان ولدغلامعلی در گورستان بقعهٔ آقاسید ابراهیم در دهکدهٔ کرات کوتی گلیجان تنکابن (ص ۴۹) ۱۲۷۲ هـ . ق .

۱۰۳ـ تاریخ سنگ‌قبری درگورستان مسجد حاجی‌میرزا عبدالباقی در جوردی (جواهرده) ییلاق سخت‌سر (رامسر) تنکابن (ص ۳۴)

۱۲۷۲ هـ . ق .

۱۰۴ـ تاریخ صندوقی‌چوبین برای‌مواد خواربار درنوجمه (ص ۳۷۵) ۱۲۷۲ هـ . ق .

۱۰۵ـ تاریخ سنگ‌قبر شاه‌نظر ولدالهی جوربند لنگا در گورستان بقعهٔ ایوب‌پیغمبردردهکدهٔ بندبن‌لنگای‌تنکابن (ص ۸۸) ۱۲۷۳ هـ . ق .

۱۰۶ـ تدریخ سنگ‌قبر مهربانوبنت علی‌رضا درگورستان بقعهٔ‌ایوب‌پیغمبر در دهکدهٔ بندبن لنگای تنکابن (ص ۸۸) ۱۲۷۴ هـ . ق .

۱۰۷ـ تاریخ سنگ‌قبر زینب‌بنت کربلائی‌حاجی در گورستان بقعهٔ ایوب پیغمبر در دهکدهٔ بندبن لنگای تنکابن (ص ۸۸) ۱۲۷۶ هـ . ق .

۱۰۸ـ تاریخ سنگ‌قبرشهربانوبنت‌آقامحمدبیگ درگورستان دزگامزگتی در جوردی (جواهرده) ییلاق سخت‌سر (رامسر) تنکابن (ص۳۳) ۱۲۷۷ هـ . ق .

۱۰۹ـ تاریخ سنگ‌قبر عباسقلی ولدحبیب‌الله‌خان در گورستان امامزاده ابوالقاسم در دهکدهٔ جزما (امامزاده ابوالقاسم) در دوهزار خرم‌آباد تنکابن (ص ۷۵) ۱۲۷۸ هـ . ق .

۱۱۰ـ تاریخ اتمام بنای تکیهٔ یوش از دهکده‌های اوزرودنور به‌امر محمداسماعیل‌خان نوری وکیل‌الملك (ص ۲۷۱ و ۲۷۲) ذی‌الحجة‌الحرام ۱۲۸۰ هـ . ق .

۱۱۱ـ تاریخ اتمام ضریح بقعهٔ امامزاده محمودبن موسی‌الکاظم درنایهٔ اوزرود نور (ص ۲۶۳) ۱۲۸۸ هـ . ق .

۱۱۲ـ تاریخ سنگ‌قبری در گورستان بقعهٔ‌طاهر ومطهر درهزارخال‌کجور (ص ۱۹۹) ۱۲۹۰ هـ . ق .

۱۱۳ـ تاریخ کتیبهٔ شکل‌شاه در تنگ‌بریده در لاریجان (ص ۴۵۳)

۱۲۹۵ هـ . ق .

۱۱۴- تاریخ سنگ‌قبرعسکرولدمحمدجردورونی درگورستان سیدالوافی درکلارآباد لنگای تنکابن (ص ۹۶) ۱۲۹۵ هـ . ق .

۱۱۵- تاریخ اتمام نجاری بنای امامزاده بلال‌بن عون‌بن موسی‌الکاظم درنانواکلا از دهکده‌های ناتل‌رستاق نور (ص۳۵۱) ۱۲۹۸ هـ . ق .

۱۱۶- تاریخ اتمام در ورودی امامزاده‌قاسم در دهکدهٔ پایین و از ناتل‌رستاق دشت‌نور (ص ۳۴۰) جمادی‌الاخری ۱۲۹۹ هـ . ق .

۱۱۷- تاریخ اتمام در ورودی شاه‌رضاکیاسلطان در گورستان قدیمی ناتل از دهکده‌های ناتل‌کنار نور (ص ۳۵۶) ۱۳۰۱ هـ . ق .

۱۱۸- تاریخ تعمیرامامزاده سیدزکریا در دهکدهٔ اوزکلای اوزرود نور (ص ۲۵۹) ۱۳۰۲ هـ . ق .

۱۱۹- تاریخ‌تعمیر گنبدطاهر ومطهر دردهکدهٔهزارخال کجور(ص۱۹۸) ۱۳۰۴ هـ . ق .

۱۲۰- تاریخ سنگ‌قبری در گورستان بقعهٔطاهر ومطهر درهزارخال‌کجور (ص ۱۹۹) ۱۳۰۹ هـ . ق .

۱۲۱- تاریخ سنگ‌قبر شیخ‌میرزابابا ولد مرحوم ابوالفضل درگورستان امامزاده ابوالقاسم در دهکدهٔ جزما (امامزاده ابوالقاسم)دوهزار خرم‌آباد تنکابن (ص ۷۹) ۱۳۱۲ هـ . ق .

۱۲۲- تاریخ سنگ‌قبر غلامحسین‌بن نوروزعلی‌بیگ‌اسکی درمسجدغربی بقعهٔ سلطان‌سیدمحمد قرشی درامامزاده سرگزنگ بالالاریجان (ص ۴۳۷) ۱۳۱۳ هـ . ق .

۱۲۳- تاریخ درورودی‌امامزاده صالح‌در سوردار میان‌بندنور (ص۳۶۶) شوال ۱۳۲۰ هـ . ق .

۱۲۴ـ تاریخ سنگ‌قبری در گورستان امامزاده قاسم در زوات دشت کلارستاق (ص ۱۰۸)   ۱۳۲۱ هـ . ق .
۱۲۵ـ تاریخ سنگ‌قبری در گورستان مسجدحاجی‌میرزا عبدالباقی در جوردی (جواهرده) ییلاق سخت‌سر (رامسر) تنکابن (ص ۳٤) ۱۳۲۲ هـ . ق .
۱۲۶ـ تاریخ سنگ‌قبری در گورستان دزگامزگتی درجوردی(جواهرده) ییلاق سخت‌سر (رامسر) تنکابن (ص ۳۳)   ۱۳۲۲ هـ . ق .
۱۲۷ـ تاریخ سنگ‌قبر شیخ‌محمدعلی گزانی در مسجدشرقی‌بقعهٔ‌سلطان سیدمحمد قرشی درامامزاده سرگزنگ بالالاریجان (ص ٤۳۸) ۱۳۲۷ هـ . ق .
۱۲۸ـ سنگ‌قبری در گورستان مسجدحاجی‌میرزا عبدالباقی درجوردی (جواهرده)ییلاق سخت‌سر (رامسر)تنکابن (ص ۳٤)   ۱۳۲۹ هـ . ق .
۱۲۹ـ تاریخ سنگ‌قبری در گورستان دزگامزگتی در جوردی(جواهرده) ییلاق سخت‌سر (رامسر) تنکابن (ص ۳۳)   ۱۳۲۹ هـ . ق .
۱۳۰ـ تاریخ سنگ‌قبری در گورستان امامزاده قاسم در زوات‌دشت کلارستاق (ص ۱۰۸)   ۱۳۳۵ هـ . ق .
۱۳۱ـ تاریخ سنگ‌قبری در گورستان امامزاده‌قاسم درزوات دشت کلارستاق (ص ۱۰۸)   ۱۳۳۶ هـ . ق .
۱۳۲ـ تاریخ سنگ‌قبری در گورستان اطراف امامزاده قاسم در زوات دشت‌کلارستاق (ص ۱۰۸)   ۱۳۳۸ هـ . ق .

طرح و نمای بناهای متبرك مازندران غربی

طرح بناهای متبرك درقسمتی از خاك مازندران غربی تقریباً همانند بناهای متبرك گیلان ازاطاقی چهارگوشه یامستطیل شکل‌تشکیل

شده است . در این قسمت از خاک مازندران از حدقدیمی این سرزمین که رودخانهٔ سورخانی یا سفید تمیش است تاسامان کلارستاق به بناهایی برمی‌خوریم که طرح ونمای آنها یابناهایی که یادآور شدیم اختلاف دارد. این بناها تحت تأثیر طرح ونمای بناهای متبرک خاک شرقی مازندران است که معمولا میلهای مدوریاشش ضلعی یاهشت ضلعی است . از آنهااست بقاع متبرک وبنای امامزاده‌های زیر :

۱ـ بقعهٔ سیدابراهیم نزدیک دهکدهٔ کرات کوتی گلیجان تنکابن که طرح ونمای خارجی آن مدور است (ص ٤٨) .

۲ـ بقعهٔ سیدمحمد دردهکدهٔ زوات ازبلوک دشت کلارستاق که نه ترک است (ص ۱۰۷) .

۳ـ بقعهٔ حمزه رضا در دهکدهٔ کوشک سرای چالوس که طرح ونمای آن هشت ضلعی است (ص ۱۱٦) .

٤ـ امامزاده خلیل درسعدآباد بیرون بشم کلارستاق که طرح ونمای اصلی آن چهارگوشه است وبامی کلاه درویشی به شکل منشور مثمن القاعده دارد (ص ۱۱۸) .

٥ـ بقعهٔ آقاعبدالرضا دردهکدهٔ پردنگون بیرون بشم کلارستاق که طرح ونمای آن شش ضلعی است (ص ۱۱۹) .

٦ـ بقعهٔ سیدمحمد دردهکدهٔ گویتر بیرون بشم که نمای آن چهارگوشه است و بامی کلاه درویشی به شکل هرم مثمن القاعده دارد ص(۱۲۳) .

۷ـ امامزاده زکریا در دهکدهٔ شکرکوه کلاردشت که طرح ونمای آن هشت ضلعی است (ص ۱۳۲) .

۸ـ بقعهٔ فضل وفاضل برسر کوه زردک درجنوب دهکدهٔ فشکورکوهستان کلارستاق که طرح آن چهارگوشه است و گنبدی مدور دارد (ص ۱٤٥) .

۹ـ بقعهٔ امامزاده اساعیل در دهکدهٔالامل کوهستان کلارستاق که طرح و نمای آن هشت‌ضلعی است (ص ۱۵۱) .

از ساحل راست رودخانهٔ چالوس که حدفاصل ناحیهٔ کجور و کلارستاق است ، طرح‌ونمای عمومی بناهای متبرك عوض می‌شود و هرچه به جانب شرق مازندران می‌رویم بیشتر به‌بناهای چهارضلعی و شش‌ضلعی وهشت ضلعی بابامهای کلاه‌درویشی برمی‌خوریم و ازکنارهٔ راست رودخانهٔ هراز به جانب شرق تقریباًطرح تمام‌بقاع متبرك هشت ضلعی یا شش‌ضلعی‌است . شاید بقعهٔشاه‌بالو در آهودشت ناتل‌رستاق که درزمان ملك‌کیومرث در سال ۸٤۰ قمری ساخته‌شده و بقعهٔشیخ‌سلطان‌ـ احمد در بلدهٔنوررابتوان نمونه‌های زیبا و کامل این طرح درخـاك مازندران غربی دانست .

برای تزیین این بناها هنرمندان بسیاری سالها به‌کار مشغـول بوده‌اند و به کنده‌کاری درها و صندوقهای مرقدها یاکاشی‌کـاری و گچ‌بری جدارداخلی بناها ونوشتن‌کتیبه‌برجدارهای خارجی‌پرداخته‌اند. دراینجا نامهای‌ایشان رایادآور می‌شویم و به‌ذکر هنر هریك می‌پردازیم.

خطاطان و کتیبه نویسان

۱ـ محمودبن نجیب رستمداری‌درسال ۸۰٤ قمری کتیبهٔ صندوق طاهرو مطهر را در هزارخال کجور نوشته است (ص ۱۹۳) و هموست که کتیبه‌های آجری نمای خارجی این بقعه را درسال ۸۲۹قمری تحریر کرده است (ص ۱۹٦) .

۲ـ گودرز در سال ۹۰٤ قمری کتیبه‌های در ورودی درویش‌رستم و درویش شهراگیم را دراطاق‌سرای زانوس کجور نوشته است (ص ۲۲۳) .

۳ـ حسین بن عباس در سال ۹۵۱ قمری کتیبه‌های صندوق مقبرهٔ پلاسید

رادر دهکدهٔ ساداتمحله از دهکدههای سختسر (رامسر) تنکابن نوشته است (ص ۳۶) .

۴ـ حاجیمحمد گیلانی در سال ۹۶۴ قمری کتیبههای صندوق سیدمحمد کیا دبیرصالحانی را در صالحان کجور نوشته است(ص ۲۰۳).

۵ـ محمدیوسفبن ملاابراهیم ترستاقی در سال ۹۶۸ قمری کتیبههای صندوق امامزاده ابراهیم را در تیرسا از دهکدههای ترستاق نور نوشته است (ص ۳۱۸) .

۶ـ عبدالله درسال ۱۰۲۹ قمری کتیبههای در ورودی بقعهٔامامزاده رضا رادر کچلده میانرود سفلایینور نوشته است (ص ۳۴۷) .

۷ـ سلمانبن محمدبن ملامحمودملك ساکن قریهٔ یالو در سال ۱۲۹۸ قمری کتیبههای بقعهٔ امامزاده بلالبن عونبن موسیالکاظم را در نانواکلای ناتلرستاقنور نوشته است (ص ۳۵۱) .

۸ـ رضا ولد معصومعلیتوب در رجب ۱۳۰۱ کتیبههای درورودیبقعهٔ شاهرضا کیاسلطان رادر ناتلرستاقنور نوشته است (ص۳۵۶).

۹ـ محمود رستمداری نویسندهٔ کتیبهٔ نمدجوق در لاراست کهمتن کتیبهٔ آن را دستی تراشیده و ازمیان بردهاند (ص ۳۸۸) .

۱۰ـ مشهدیحسین روضهخوان کتیبههای تکیهٔ نوا را در دهکدهٔ نوا از دهکدههای بالالاریجان نوشته است (ص ۴۲۷) .

۱۱ـ خسروبن اسکندر کتیبههای صندوق امامزاده احمدرضا را در لاسم بالالاریجان نوشته است . تاریخ اتمام منبر اینامامزاده سال ۱۲۱۵ قمری است . نام ایــن کاتب را اعتمادالسلطنه حسینبن اسکندرخوانده است (ص ۴۰۹) .

نجاران و کندهکاران (=نقاران)

نجاران و کندهکاران فراوان در صفحات دشت و کوهستان

مازندران درهای ظریف و صندوقهای مرقد پرکار ساخته‌اند . کارهای هنری ایشان تا امروز چشم شیفتگان هنررا خیره می‌کند و ازبن‌دندان به تحسین وآفرین وامی‌دارد . تنها در کوهستان نور چهارنسل از خاندانی لواسانی به نامهای محمد وعلاءالدین و خوشنام و محمود ، ازسال ۹۲۳ تا سال ۹۶۶ قمری ، به‌مدت چهل وسه سال به کار نجاری وکنده‌کاری مشغول‌بوده‌اند وکنده‌کاریهای ظریف بردرها وصندوقهای بقاع متبرك نور ازخودبه‌جای گذاشته‌اند . تاجائیکه نگارنده بررسی کرد می‌توان صندوق مرقد سلطان ابابکرکیا را دردهکدهٔ کلا از دهکده‌های میانرود بالای‌نور که به دست علاءالدین‌بن محمد ساخته شده . ظریفترین‌وپرکارترین کار این‌خاندان دانست . باید به جرأت گفت که نظیر این صندوق در سایرنقاط کوهستانی ودشت مازندران غربی نیز دیده نشده است .[1]

برای اینکه نامهای استادان نجار وکنده‌کار ضبط وثبتی پیدا کند ، در اینجا فهرستی ازنامهای ایشان را باذکر کاری که کرده‌اند می‌آوریم :

۱ـ استاد حسین‌بن حاجی‌تنهجانی در سال ۷۴۳ قمری درکنونی [2] مقبرهٔ پلاسید را در سادات محلهٔ سخت‌سر (رامسر) تنکابن ساخته است (ص ۳۶) .

۲ـ فرهادبن استاد رستم خلیل‌المحلی در سال ۷۸۲ صندوق بقعهٔهادی کیا را در حسن‌کیف‌مرکز کلاردشت ساخته است (ص ۱۴۰).

۱ـ شایدبتوان صندوق مرقد طاهرومطهر وصندوق‌گورملك‌کیومرث را در هزارخال کجور تا اندازه‌ای نظیر این صندوق دانست . ۲ـ ظاهراً این در برای این‌بقعه ساخته نشده است .

۳ـ استاد محمدبن‌الحسین‌النجار معروف به کیاکردی ولایت رودی [1] در سال ۸۰۴ صندوق مرقد طاهرومطهر را در هزارخال کجور ساخته است (ص ۱۹۳) .

۴ـ محمدعلی نجار در سال ۸۲۱ صندوق امامزاده احمدرضا را درلاسم بالالاریجان ساخته است (ص ۴۰۹) .

۵ـ حسین‌نجار لواسانی در سال ۸۷۴ در ورودی‌سلطان حاجی را در دلا از دهکده‌های دلارستاق‌نور ساخته است (ص ۴۷۵) .

۶ـ محمدشاه نجار لارجانی در سال ۸۷۴ قمری در ورودی دیگر بقعهٔ سلطان حاجی را دردهکدهٔ دلا از دهکده‌های دلارستاق نور ساخته است (ص ۴۷۵) .

۷ـ محمدبن حسین‌کیاکردی درسال ۸۴۹ قمری در ورودی بقعهٔ طاهرو مطهر را در هزارخال کجور ساخته است (ص ۱۸۸) .

۸ـ استاد یوسف‌بن [حسین] نجار فیروزی در سال ۸۴۹ قمری دردیگر بقعهٔ طاهرومطهر را در هزارخال کجور ساخته است(ص۱۸۹).

۹ـ استاد حاجی‌بن استادمحمود در سال ۸۴۹ در ورودی بقعهٔامامزاده ابراهیم را درتیرسا از دهکده‌های تترستاق‌نور ساختـــه است (ص ۳۲۱) .

۱۰ـ پیروزنجاربن شمس‌نجار در سال ۸۴۹ در ورودی بقعهٔامامزاده ابراهیم را در تیرسا از دهکده‌های تترستاق‌نور ساخته است (ص ۳۲۱) .

۱ـ این دهکده به‌نام «ولات‌رود» معروف است . این نام از سه‌جزء«ویه» به معنی خوب و «لات» به معنی زمین کناررودخانه و کلمه«رود»ترکیب است یعنی محلی‌که زمین کنار رودخانهٔ آن بارور وحاصلخیز است و به غلط به ولایت رود معروف شده است .

۱۱ـ استاد بایزیدبن محمدنجار جیلاردی [1] در سال ۸٦٦ در ورودی درویش تاج‌الدین حسن‌ولی را در نیاك بالالاریجان ساخته‌است (ص ٤۲۲) .

۱۲ـ استاد سلیمان‌بن حسین‌نجار فیروزی در سال ۸۷۵ در ورودی‌انبار کوچك متصل به بقعهٔ امامزاده محمود را در نایه (ناحیه) اوزرود نور ساخته است (ص ۲٦٤) .

۱۳ـ حسین‌بن نجار در شوال‌سال ۸۷۷ قمری در ورودی مسجدسلطان ابابکرکیا را در کلا از دهکده‌های میانرود بالای‌نور ساخته است (ص ۳۰۸) .

۱٤ـ سیدعلی درسال ۸۸۰قمری در ورودی‌بقعهٔ سید زکریارا دردهکدهٔ اوزکلا از دهکده‌های اوزرودنور ساخته است (ص ۲۵۹) .

۱۵ـ استاد خسروبن علی‌نجار در سال ۸۸۰ در ورودی بقعهٔ سیدزکریا را در اوزکلا از دهکده‌های اوزرودنور ساخته است (ص ۲٦۰) .

۱٦ـ استاد حبیب‌بن استادحسین نجارکمری در سال ۸۸٦ در ورودی بقعهٔ امامزاده محمود را در نایه از دهکده‌های اوزرودنور ساخته است (ص ۲٦۲) .

۱۷ـ حبیب‌الله‌بن حسین کمری درسلخ‌رمضان ۹۰۰ در ورودی بقعهٔ امامزاده یوسف رادر کلیك‌نور ساخته است (ص ۲۷٦) .

۱۸ـ استادمحمدبن اسماعیل نجار در حدود سال ۹۰۰ در ورودی بقعهٔ امامزاده زکریا را درشکرکوه کلاردشت کلارستاق ساخته است (ص ۱۳۳) .

۱۹ـ استاد حسن‌بن علی‌نجار در حدود سال ۹۰۰ در ورودی امامزاده

۱ـ امروز گیلیارد گویند از دهکده‌های دماوند است . ۲ـ منسوب به‌کمر (بضم کاف‌ومیم) از دهکده‌های کمر رودنور است .

زکریا را در شکرکوه کلاردشت کلارستاق ساخته است (ص ۱۳۳) .

۲۰ـ استاد علی‌اصغر درحدود سال ۹۰۴ قمری پنجرهٔ مشبك بقعهٔ درویش رستم را در اطاق‌سرای زانوس‌رستاق کجور ساخته است (ص ۲۲۴) .

۲۱ـ استاد درویش محمدبن رستم در سال ۹۰۴ قمری درورودی بقعهٔ درویش‌رستم را در اطاق‌سرای زانوس‌رستاق کجور ساخته است (ص ۲۲۳) .

۲۲ـ استاد محمدخان گیلانی‌در سال ۹۰۹ قمری صندوق امامزاده محمود را در دهکدهٔ تیرسا از دهکده‌های ترستاق‌نورساخته است (ص ۳۲۲) .

۲۳ـ استاد محمودنجار درسال ۹۱۹ صندوق امامزاده یحیی را در دهکدهٔ نوااز دهکده‌های‌بالالاریجان ساخته است (ص٤٢٦).

۲٤ـ خشنام‌لپاسانی در سال ۹۲۳ قمری در ورودی بقعهٔ امامزاده‌موسی را در دهکدهٔ اوز از دهکده‌های اوزرود نور ساخته است (ص ۲۵۸) .

۲۵ـ یعقوب‌کم در سال ۹۲۳ قمری همراه خشنام‌لپاسانی در ورودی بقعهٔ امامزاده موسی را در دهکدهٔ اوز از دهکده‌های اوزرود نور ساخته است (ص ۲۵۸) .

۲٦ـ خشنام‌بن علاءالدین‌بن محمود لباسانی درسال ۹۲٦ صندوق‌مرقد بی‌بی خانم را در نسل نمارستاق ساخته است (ص ٤٨٦) .

۲۷ـ محمدبن حسن در سال ۹۲٦ همراه خشنام‌بن علاءالدین لباسانی صندوق مرقد بی‌بی خانم را در نسل نمارستاق ساخته است (ص ٤٨٦) .

۲۸ـ محمدنجار لواسانی در سال ۹۲۷ در ورودی بقعهٔ‌سلطان‌ابابکرکیا

را در دهکدهٔ کلا از دهکده‌های میانرود بالای‌نور ساخته است (ص ۳۰۲) .

۲۹ـ خشنام‌بن علاءالدین لواسانی درسال ۹۳۳ در ورودی بقعهٔامامزاده جعفر را در انگرود اوزرودنور ساخته است (ص ۲۶۸) .

۳۰ـ خشنام‌بن علاءالدین‌بن محمودنجار لواسانی در سال ۹۳۴ صندوق مرقد امامزاده جعفر را دردهکدهٔ انگرود اوزرودنور ساخته است (ص ۲۶۹) .

۳۱ـ علاءالدین‌بن محمدبن حسن‌لواسانی درسال۹۳۴همراه خشنام‌بن علاءالدین صندوق مرقد امامزاده جعفر را درانگرود اوزرود نور ساخته است (ص ۲۶۹) .

۳۲ـ استادخوشه‌نام (= خشنام)بن استاد علادین (= علاءالدین) لباسانی درغرهٔ ذی‌قعدهٔ ۹۳۹ قمری در ورودی بقعهٔ امامزاده محمد و امامزاده ابراهیم را در هتریالورود نور ساخته است (ص ۲۸۹) .

۳۳ـ استاد ابراهیم‌بن استادنظر تنکابنی در سال ۹۵۱ قمری صندوق مرقد پلاسید را درسادات‌محلهٔ سخت‌سر(رامسر) تنکابن ساخته است (ص ۳۶) .

۳۴ـ علاءالدین‌بن محمدنجار لباسانی در سال ۹۵۶ ، صندوق مرقد سلطان ابابکرکیا را دردهکدهٔ کلا از دهکده‌های میانرود بالای‌نور ساخته است (ص۳۰۳) .

۳۵ـ استاد ابراهیم‌بن خوشنام نجارلباسانی درسال ۹۶۰ صندوق بقعهٔ سید سعدین را درپاسل اوزرودنور ساخته است (ص ۲۷۳) .

۳۶ـ علاءالدین‌بن محمدنجار در سال ۹۶۴ صندوق سیدمحمدکیا دبیر صالحانی را در صالحان‌کجور ساخته است (ص ۲۰۳) .

۳۷ـ استادمحمودبن استادخشنام‌بن محمود لپاسانی درحدود سال۹۶۶

درورودی بقعهٔ سیدسعدین را درپاسل اوزرودنور ساخته است (ص ۲۷۳) .

۳۸ـ شاه‌محمد دیلمانی درشوال ۹۶۸ قمری‌صندوق مرقد امامزاده ابراهیم را درتیرسای تترستاق‌نور ساخته است (ص ۳۲۰) .

۳۹ـ استادکمال صوفی درسال ۹۶۸ همراه شاه‌محمددیلمانی صندوق مرقد امامزاده ابراهیم را در تیرسای تترستاق نور ساخته است (ص ۳۲۰) .

۴۰ـ استاد عزالدین‌بن یوسف‌نجار لباسانی در ربیع‌الثانی سال ۹۷۵ قمری صندوق مرقد امامزاده انوشیروان در سراسب کمررود نور ساخته است (ص ۲۸۴) .

۴۱ـ استاد اسفندیاربن کیا فلک‌الدین‌کلوت در سال ۹۷۶ قمری‌صندوق مرقد امامزاده احمد کیاسلطان را درخجیرکلای اوزرود نور ساخته است (ص ۲۷۰) .

۴۲ـ استاد ضحاک‌بن استادحسین نجار اروی درسال۹۷۹ قمری صندوق هفت تنان در دهکده هفت تنان از دهکده های بهرستاق لاریجان را ساخته است . این صندوق عظیمترین صندوقی است‌که نگارنده تاکنون در صفحات شمال دیده است . (ص ۴۵۸) .

۴۳ـ بابوشاه‌بن جلال‌الدین نجار دماوندی درسال ۹۷۹ همراه استاد ضحاک‌بن استاد حسین‌نجار اروی صندوق هفت‌تنان را ساخته است (ص ۴۵۸) .

۴۴ـ استاد شرف‌الدین‌بن افضل‌صوفی نقارلباسانی در سال ۹۸۱ در ورودی بقعهٔ هفت‌تنان را در هفت‌تنان بهرستاق لاریجان ساخته است (ص ۴۵۶) .

۴۵ـ استاد میرزاعلی ولدمشهدی رمضان‌قصری [1] درسال ۱۰۲۹ قمری در ورودی بقعهٔ‌امامزاده رضارا درکچل‌ده میان‌رود سفلای‌نور ساخته است (ص ۳۴۷) .

۴۶ـ استاد ملاآقاجان نجار در سال ۱۱۰۰ در ورودی‌بقعهٔ سلطان‌احمد نریزنده را دردهکدهٔ دلااز دهکده‌های دلارستاق‌نور ساخته است (ص ۴۶۷) .

۴۷ـ مشهدی گلبابا نجار درسال۱۱۰۰ همراه‌استاد ملاآقاجان‌درورودی بقعهٔ سلطان‌احمد نریزنده را در دهکدهٔ دلا ساخته است (ص ۴۶۷) .

۴۸ـ استاد ابراهیم درذوالحجهٔ سال۱۱۰۲قمری‌صندوق مرقدشیخ‌احمد نوری رادر بلدهٔ‌نور ساخته است (ص ۲۹۱) .

۴۹ـ استاد مظفر در ذوالحجهٔ سال ۱۱۰۲ قمری همراه استاد ابراهیم صندوق مرقدشیخ‌احمد نوری را در بلدهٔ‌نور ساخته است (ص ۲۹۱) .

۵۰ـ استاد محمود در ذوالحجهٔ‌سال ۱۱۰۲ قمری همراه‌استاد ابراهیم صندوق مرقد شیخ‌احمد نوری را در بلدهٔ نور ساخته است (ص ۲۹۱) .

۵۱ـ استاد علی گرشاسف درذوالحجهٔ سال ۱۱۰۲ همراه استاد ابراهیم و دیگران صندوق مرقدشیخ‌احمدنوری را دربلدهٔ نور ساخته است (ص ۲۹۱) .

۵۲ـ استاد حسین پوشگر کاردگر در ذوالحجهٔ سال ۱۱۰۲ همراه‌استاد ابراهیم و دیگران صندوق‌مرقدشیخ احمدنوری را دربلدهٔ‌نور ساخته است (ص ۲۹۱) .

۱ــ منسوب به‌رودبارقصران است که‌در کتب جغرافیایی قدیم به‌نام‌قصران داخل نیز خوانده شده است .

۵۳ـ منوچهر همراه استاد ابراهیم و دیگران درذوالحجهٔ سال ۱۱۰۲ صندوق مرقد شیخ‌احمدنوری را در بلدهٔنور ساخته است (ص ۲۹۱) .

۵٤ـ سیدجعفر نیاکی استاد زمان در سال ۱۲۰٤ درورودی بقعـهٔ امامزاده ابراهیم را دردینان امیری لاریجان ساختـه است (ص ٤۵۰) .

۵۵ـ استاد سلم‌الله درسال ۱۲۰۷ صندوق مرقد سیدزکریا را در اوزکلا از دهکده‌های اوزرود نور ساخته است (ص ۲٦۰) .

۵٦ـ استاد محمدصادق درسال ۱۲۰۷ همراه استاد سلم‌الله صندوق‌مرقد سیدزکریا رادراوزکلا ساخته‌است (ص ۲٦۰) .

۵۷ـ استاد افراسیاب‌بن استاد علی‌نجار لارجانی درحدود سال ۱۲۱۵ قمری درورودی بقعهٔامامزاده احمدرضارادرلاسم بالالاریجان ساخته است (ص ٤۰۹) .

۵۸ـ محمدبن علی‌بابو نجار درحدود سال ۱۲۱۵ قمری‌صندوق مرقد امامزاده احمدرضا را در لاسم بالالاریجان ساختـه اسـت (ص ٤۱۰) .

۵۹ـ استاد آقابابا در سال ۱۲۱۷ درورودی بقعهٔ امامزاده یحیی را در نوا از دهکده‌های بالالاریجان ساخته است (ص ٤۲٦) .

٦۰ـ استاد محمدبن استاد عباسعلی کلج‌ساکن نوشان در سال ۱۲۲۰ ، صندوق بقعهٔ دانیال پیغمبر رادردهکدهٔ دانیال لنگای تنکابن ساخته است (ص ۹٤) .

٦۱ـ استاد نورمحمد نمارستاقی درسال ۱۲۳۸ صندوق امامزاده‌ابراهیم را دردهکدهٔ تیرسای تترستاق نور پس‌از زلزله تعمیر کرده است (ص ۳۱۸) .

٦۲ـ استاد محمدقلی نجار در سال ۱۲٦۷ نجاری بقعهٔآقاعبدالرضا را

نزدیك دهکدهٔ پردنگون بیرون‌بشم کلارستاق به اتمام رسانیده است .(ص ۱۲۲) .

۶۳ـ استاد محمدابن بسطامی در سال ۱۲۸۸ضریح امامزاده محمود را درنایهٔ (ناحیه) اوزرودنور تمام کرده است (ص ۲۶۳) .

۶۴ـ استاد علی‌ابن بسطامی در سال۱۲۸۸ همراه استاد محمدابن‌بسطامی ضریح امامزاده محمود را درنایهٔنور به اتمام رسانیده است (ص ۲۶۳) .

۶۵ـ کربلائی مرتضی‌بن لطفعلی طایفهٔ گرجی‌درسال ۱۲۹۸ نجاری‌بقعهٔ امامزاده بلال را دردهکدهٔ ناتل‌رستاق‌نور تمام کرده است (ص ۳۵۱) .

۶۶ـ کربلایی حمزه سراسبی درحدود سال ۱۳۰۰ سقاخانهٔ چوبین دهکدهٔ یالو از دهکده‌های یالورودنور را تمام کرده است (ص ۲۸۶) .

۶۷ـ محمدکاظم ولد الله‌ویردی میان‌بندی‌نوری‌دررجب ۱۳۰۱ صندوق مرقد شاه‌رضا کیاسلطان و در ورودی بقعهٔ آن را تمام کرده است (ص ۳۵۶) .

۶۸ـ کربلایی کاظم نجار جزنی‌درسال ۱۳۰۶ در ورودی بقعهٔ امامزاده سیدحسین را در جنگل‌سازی‌یك‌اسبی کلای ناتل رستاق نور ساخته است (ص ۳٤۰) .

۶۹ـ استاد جعفرلورائی از اهل‌نسا درسال ۱۳۲۰ قمری نجاری بقعهٔ آقا عبدالرضا را نزدیك دهکدهٔ پردنگون بیرون‌بشم کلارستاق تمام کرده است (ص ۱۲۱) .

۷۰ـ استاد سبزعلی لورائی از اهل‌نسا در سال ۱۳۲۰ همراه استادجعفر لورائی نجاری بقعهٔ عبدالرضا را درپردنگون به اتمام رسانیده است (ص ۱۲۱) .

۷۱ـ محمود نجار در سال ۱۳۲۰ قمری درورودی بقعهٔامامزاده صالح را در سوردار میان‌بندنور ساخته است (ص ۳۶۶) .

۷۲ـ استادعلی‌اصغر ولد کربلائی علی‌مراد سرائی در سال ۱۳۲۲ قمری نجاری بقعهٔ امامزاده اسماعیل را در دهکدهٔ پایین‌واز نائیج‌نور تمام کرده است (ص ۳۷۱) .

۷۳ـ استادحسین نجارباشی درسال ۱۳۳۸ قمری ضریح مرقد امامزاده خطیب ونجیب رادرنایهٔ (ناحیه) اوزرود نور به اتمام رسانیده است (ص ۲۶۵) .

۷۴ـ استاد حسین‌نجارباشی ولدمرحوم مشهدی‌جعفر من‌طایفهٔ حیدریه درسال ۱۳۳۹ در ورودی امامزاده داودکیاسلطان را درنایهٔ اوزرودنور تمام کرده است (ص ۲۶۶) .

۷۵ـ استادحسین باروج در ورودی امامزاده اسماعیل را دردزدبن کوهستان کلارستاق ساخته است (ص ۱٤۹) .

۷۶ـ کربلایی مرتضی نجاری بقعهٔ امامزاده عبدالله را در سوردار میان‌بند نور به‌عهده داشته وبه‌اتمام رسانیده است (ص۳۶۵) .

بنایان

بنایان چیره‌دست از مصالح بنای‌عادی روزگار خود همچون سنگ و آجر و گچ‌وآهك بناهای جالب‌نظر و پایدار ساخته‌اند . اغلب دژهای کوهستانی باسنگ‌قلوه و گچ‌سرندی ساخته شده‌اند و سنگ تراشیده در آنها دیده‌نشد . درآب‌انبارها و مخزن آب این نوع‌بناها، ساروج نیز به‌کار رفته است .

مصالح‌بنای بقاع‌متبرك کوهستانی،همچون دژها ، بیشتر سنگ‌قلوه وگچ‌سرندی است‌وداخل وخارج آنها راباگچ غربالی سفیدکاری کرده‌اند دریکی‌دوبنا در کوهستان‌نور رنگ‌نیز به‌گچ‌اندود دیوارافزوده

بـودند .

آجرهایی با قالبهای معمول دردشت‌وکوهستان مازندران در بناهای امامزاده‌ها و مساجد و تکیه‌ها به‌کار رفته است وبرای ساختن پلها نیز از آنها استفاده شده است . خشت این‌آجرها درمحل زده می‌شد ودرکوره‌های محلی با چوبهای جنگلی می‌پخته‌اند .

برای ساختن دروپنجره و صندوقهای مرقدها و سقف‌بناهای مربع ومستطیل شکل انواع چوبهای محکم جنگلی را به‌کار برده‌اند .

درسالهای اخیر که به‌فکر نوسازی افتاده‌اند ، اغلب مساجد و بقاع پابرجای‌قدیمی را خراب می‌کنندو بـه‌جای آنهاازبلوك (خشت سیمانی) و سیمان‌وآهن بناهایی می‌سازند که‌هیچگونه ظرافت و هنری درآنها دیده نمی‌شود وگذشت‌زمان نشان خواهد داد که استحکامی نیز نداشته‌اند .

ذکر نام‌بنایان و معماران معمولا دربناهای مذهبی نیست . در چندموردی که به‌آنها برخورده‌ایم از این قراربوده است :

۱ـ بهرام‌بنابن‌علی در سال ۸٤۰ قمری به‌دستور ملك کیومرث بنای‌عظیم و زیبای شاه‌بالو را دردهکدهٔ‌آهودشت ناتل‌رستاق‌نور ساخته است (ص ۳٤۵) .

۲ـ پاشابن تهمراس‌بکشاه‌جمشید در سال ۸٤۰ معمار پیشکـار بنای شاه‌بالو درآهودشت ناتل‌رستاق‌نور بوده‌است (ص۳٤۵).

۳ـ استاد حسین‌بن‌علی بنای آملی‌حسینی در حدود سال ۸٤۹ قمری‌بنای بقعهٔ طاهرومطهر را درهزارخال کجور به اتمام رسانیده است (ص ۱۹۰) .

٤ـ محمدبنا در سال ۱۰۳٤ قمری رباطشاه‌عباسی‌پلور را تمام کرده است . این رباط برسرراه لار واقع شد ویکسره از میان رفت (ص ٤۰۵) .

۵ـ استادقنبرعلی‌ابن مرحوم محمدکاظم نوری طایفهٔ ارجوار در سال ۱۲٤۵ بنای بقعهٔ امامزاده اسماعیل الامل‌کوهستان کلارستاق را تمام کرده است (ص ۱۵۱).

٦ـ هاشم‌اوزج شاگرد اوستاد قنبرعلی بوده و درساختن بنای‌امامزاده اسماعیل دست داشته است .

۷ـ رمضانعلی متو در سال ۱۲۹۸ قمری بنای امامزاده بلال‌بن عون‌بن موسی‌الکاظم را در دهکدهٔ نانواکلای ناتـل رستاق‌نور تمام کرده است (ص ۳۵۱) .

۸ـ بایزیدبن حاجی‌جواد بنا امامزاده یحیی رادر نـوای بالالاریجان ساخته است (ص ٤۲٦) .

کاشی‌کاران

دربناهای دشت و کوهستان مازندران غربی به کاشی‌کاریهای قابل‌ذکر برنخوردم . فقط درازارهٔ بقعهٔ سلطان‌شهاب‌الدین در دهکدهٔ دلا از دهکده‌های دلارستاق‌نور ، کاشی‌کاری مفصل و جالب‌نظری دیده شدکه از سال ۹۰۱ تا ۹۰۳ قمری ده‌تن درساختن آن شرکت داشته‌اند . در میان‌کتیبه‌های مفصل این کاشیها که اغلب حدیث‌نبوی وقدسی یاکلمات قصارفتیان وجـوانمردان است به‌نـام ایـن ده‌تـن برمی‌خوریم ، اما معلوم نیست‌که اینان درساختن این ازاره چه سهمی داشته‌اند . نام‌بنا وکاشی‌ساز و خطاط ، بدون تعیین فن‌هریك ، پراکنده دراین کاشیها دیده می‌شود . این نامها به‌قرار زیر هستند :

آقارضی‌بن حیدرکرار (ص ٤٦۷) .

حمدالله‌بن یدالله‌جعفر (ص ٤٦۹) .

علی حدادبن بایزید (ص ٤٦۹) .

سلطان کمانگر (ص ٤٦۹) .

کمال سرخاب (ص ٤٦٩) .
محمد لواف (ص ٤٧١) .
سهراب سرخاب‌آهی (ص ٤٧٣) .
حبیب‌الله (ص ٤٧٤)
جعفر (ص ٤٧٤) .
خاکی صوفی (ص ٤٧٤) .

سنگ‌تراشان

۱ــ استاد عبدالله در سال ۸۸۰ سنگ‌قبر کیازین‌الدین خواجه‌بن اسکندر تاول را تراشیده است (ص ۲۰۸) .
۲ــ حسن هزارخالوئی و برادرش درسال ۹۰۷ قمری منبر سنگی‌مصلای دهکدهٔ صالحان کجور راتراشیده‌اند (ص ۲۰۷) .
۳ــ درویش مرتضی در سال ۱۰۲۸ سنگ‌قبر سیدصالح‌کاج‌بن ملك‌مظفر را در بقعهٔ خالدکیاسلطان در مناچیرکلای علوی کلای کجور تراشیده است (ص ۲۳۸) .
٤ــ استاد علی‌اکبر درکه‌ای درحدود سال ۱۲۸۰ دروازهٔ سنگی که‌خود بیستان (= بیستون) خوانده است برسرراه ناصرالدین‌شاهی نزدیك ولی‌آباد تراشیده است (ص ۱۵٦) .
۵ــ ابراهیم حیدر درسال ۱۳۱۳قمری‌سنگ‌قبر مشهدی یحیی‌ابن‌ملاامین را در چارسی‌آقا درپیسد میان‌بندنور تراشیده است(ص۳٦۲).

رویگران

۱ــ استاد علاءالدین رودگر در سال ۹۲٦ قبهٔمسین امامزاده محمد و ابراهیم را در دهکدهٔ هتریالورود نورساخته است . (ص۲۸۹)

گچبران

۱ـ قربانعلی جغتائی گچبریهای تکیهٔ نوارا در بالالاریجان انجام داده است (ص ۴۲۷) .

درختان کهنسال

در خاک مازندران غربی

زیبایی بیشتر بقعه‌های شمال ایران یا میدانهای بزرگ دهکده‌ها به درختان کهنسل و عظیمی است که درمحوطهٔ آنها دیده می‌شود . عمر بعضی از این درختان جنگلی از قدمت تاریخی بنای بقعه یا احداث میدان بیشتر است یعنی این درختان قبل از بنای بقعه یا احداث میدان درمحل وجودداشته‌اند ولی بعضی ازآنهاراپس ازبنای بقعه یااحداث میدان دستی نشانده‌اند . درخت سور (سرو جنگلی) عجیب بقعهٔ سیدالوافی در کلارآباد دشت کلارستاق و درخت چنارمیدان چناربن زانوس کجور را می‌توان از گروه دوم دانست . درختان عظیم این دودسته که در طی بررسی به‌آنها برخورده‌ایم به ترتیب در این فهرست گنجانده شده‌اند .

درختان آزاد[1]

۱ـ درخت آزاد امامزاده فضل‌الله در دهکدهٔ سیدکلای ناتل‌رستاق نور (ص ۳۵۲)　　۶۸۰ سانتیمتر .

---

1 ـ Zelkova Cronata

۲ـ درخت‌آزاد در گورستان بقعهٔ حمزه‌رضا در کوشک‌سرای چالوس (ص ۱۱۷) ۶۲۰ سانتیمتر .

۳ـ درخت‌آزاد دربقعهٔ سیداسکندر درخرابه باری‌کلای ناتل‌رستاق‌نور (ص ۳۴۳) ۶۰۰ سانتیمتر .

۴ـ درخت‌آزاد در محوطهٔ امامزاده‌رضا درکچل‌ده میانرودسفلای‌نور (ص ۳۴۷) ۵۶۰ سانتیمتر .

۵ـ درخت آزاد امامـزاده سید حسین در جنگـل‌سازی‌یك‌اسبی کـلای ناتل‌رستاق‌نور (ص ۳۴۰) ۵۶۰ سانتیمتر .

۶ـ درخت‌آزاد در گورستان بقعهٔ امامزاده ابوالقاسم در دهکدهٔ جزما دوهزار خرم‌آباد تنکابن (ص ۷۵) ۵۶۰ سانتیـمتر .

۷ـ درخت‌آزاد در گـورستان بقعهٔ خالـدکیاسلطان در مناچیرکلای علوی‌کلای کجور (ص ۲۳۹) ۵۳۰ سانتیمتر .

۸ـ درخت‌آزاد در گورستان‌جمشیدکیاسلطان درالمده مرکزدشت‌کجور (ص ۲۴۰) ۵۲۰ سانتیمتر .

۹ـ درخت‌آزاد گورستان جمشیدکیاسلطان در المده مرکز دشت‌کجور (ص ۲۴۰) ۵۰۵ سانتیمتر .

۱۰ـ درخت‌آزاد در امامـزاده‌رضا درکچـل‌ده میانـرود سفلای‌نـور (ص ۳۴۷) ۵۰۰ سانتیمتر .

۱۱ـ درخت‌آزاد در امـامزاده سیدحسین در جنگل‌سازی‌یك‌اسبی‌کلای ناتل‌رستاق‌نور (ص ۳۴۰) ۴۵۰ سانتیمتر .

۱۲ـ درخت‌آزاد در گورستان بقعهٔ‌حمزه‌رضا در کوشک‌سرای‌چالوس (ص ۱۱۷) ۴۳۰ سانتیـمتر .

۱۳ـ درخت‌آزاد در بقعهٔ‌امامزاده ابوالقاسم دردهکدهٔ جزما دوهزار خرم‌آباد تنکابن (ص ۷۵) ۴۰۵ سانتیـمتر .

۱۴ـ درخت‌آزاد در گـورستان بقعـهٔ سیدابوالحسن (ابوالحسـین)

المؤیدبالله در دهکدهٔ لنگـای تنکابـن (ص ۸۶) ۳۶۳ سانتیمتر .

۱۵ـ درخت‌آزاد در گورستان بقعهٔ حمزه‌رضا در کوشك‌سرای چالوس (ص ۱۱۷) ۳۶۰ سانتیمتر .

۱۶ـ درخت‌آزاد در بقعهٔ سیداسکندر در خرابه باری‌کلای ناتل‌رستاق نور (ص۳٤۳) ۳۵٦ سانتیمتر .

۱۷ـ درخت‌آزاد در گورستان بقعهٔ امامزاده سیدابوالقاسم در دهکدهٔ جزما (امامزاده ابوالقاسم) در دوهزار خـرم‌آباد تنکابـن (ص ۷۵) ۳۲۰ سانتیمتر .

۱۸ـ درخت آزاد در بقعهٔسیداسکندر در خرابه باری‌کلای ناتل‌رستاق نور (ص۳٤۳) ۲۳۰ سانتیمتر .

درختان بلوط (=مازو)[۱]

۱ـ درخت‌بلوط در گورستان بقعهٔ میرشمس‌الدین دردهکدهٔ ولی‌آباد خرم‌آباد تنکابن (ص ٦۷) ٦۸۰ سانتیمتر .

۲ـ درخت بلوط درگورستان بقعهٔ آقاشیرعلی در دهکدهٔ میان‌ناحیهٔ خرم‌آباد تنکابن (ص ٦٤) ٦٤۰ سانتیمتر .

۳ـ درخت‌بلوط درگورستان بقعهٔ امامزاده سیدقوام‌الدین در دهکدهٔ کبودکلایهٔ خرم‌آباد تنکابن (ص٥٦) ٥٦۰ سانتیمتر .

٤ـ درخت بلوط در گورستان بقعهٔامامزاده سیدقوام‌الدین در دهکدهٔ کبودکلایه خرم‌آباد تنکابن (ص ٥٦) ٤۹۰ سانتیمتر .

٥ـ درخت بلوط در گورستان بقعهٔسیدقوام‌الدین در دهکدهٔکبودکلایهٔ خرم‌آباد تنکابن (ص ٥٦) ٤٥۰ سانتیمتر .

٦ـ درخت بلوط در گورستان بقعهٔمیرشمس‌الدین در دهکدهٔولی‌آباد

1 _ Qeorcos Lucitanica.

خرم‌آباد تنکابن (ص ٦٧) . ٣٩٠ سانتیمتر .

درختان پلت = افرا[1]

١ـ درخت‌پلت در گورستان امامزاده محمد در واچك گلیجان تنکابن (ص ٤٨) ٨٣٠ سانتیمتر .

٢ـ درخت‌پت در گورستان مزار سیده فاطمه بر سرراه‌اسپچین وخش‌کلای لنگای تنکابن (ص ٩٢) ٦٥٠ سانتیمتر .

٣ـ درخت پلت در گورستان بقعهٔ گلدسته دربرامسرگلیجان تنکابن (ص ٤٧) ٥٧٠ سانتیمتر .

٤ـ درخت‌پلت در گورستان بقعهٔ امامزاده محمد در دهکدهٔ واچك گلیجان تنکابن (ص ٤٨) ٥٢٠ سانتیمتر .

٥ـ درخت‌پلت در گورستان بقعهٔ امامزاده محمد در دهکدهٔ واچك گلیجان تنکابن (ص ٤٨) ٤٨٠ سانتیمتر .

٦ـ درخت‌پلت در گورستان اطراف بقعهٔ گلدسته در دهکدهٔ برامسر گلیجان تنکابن (ص ٤٧) ٤٤٠ سانتیمتر .

٧ـ درخت‌پلت در گورستان بقعهٔ آقامیرسبحان در دهکدهٔ تمیجانك گلیجان تنکابن (ص ٤٥) ٤٣٠ سانتیمتر .

٨ـ درخت‌پلت در گورستان اطراف بقعهٔ امامزاده محمد در دهکدهٔ واچك‌گلیجان تنکابن (ص ٤٨) ٤٠٠ سانتیمتر .

٩ـ درخت‌پلت در گورستان بقعهٔ امامزاده سیدقوام‌الدین در دهکدهٔ کبودکلایه خرم‌آباد تنکابن (ص ٥٦) ٤٠٠ سانتیمتر .

١٠ـ درخت‌پلت در گورستان اطراف امامزاده سیدقوام‌الدین دردهکدهٔ کبودکلایهٔ خرم‌آباد تنکابن (ص ٥٦) ٣٦٠ سانتیمتر .

١١ـ درخت‌پلت در گورستان اطراف‌امامزاده سیدقوام‌الدین دردهکدهٔ

1 _ Acer Plantanoides.

کبودکلایهٔ خرم‌آباد تنکابن (ص ٥٦) ٣٥٠ سانتیمتر .

١٢ـ درخت‌پلت در گورستان بقعهٔ سیدعلی‌بن سیدحمزه در اراضی اسپچین‌لنگای تنکابن (ص ٩٠) ٢٨٠ سانتیمتر .

١٣ـ درخت پلت در گورستان امامزاده‌سیده فاطمه برسر راه‌اسپچین وخش‌کلای لنگای تنکابن (ص٩٢) ١١٥ سانتیمتر .

١٤ـ درخت‌پلت در گورستان مزارسیده فاطمه برسرراه اسپچین وخش‌کلای لنگای تنکابن (ص ٩٢) ١٠٥ سانتیمتر .

درختان تدانه = تو[1]

١ـ درخت‌تادانه در گورستان بقعهٔ سیدمحمد درگویتر بیرون‌بشم کلارستاق (ص ١٢٣) ٤٤٥ سانتیمتر .

٢ـ درخت‌تادانه در گورستان بقعهٔ سیدمحمد در گویتربیرون‌بشم کلارستاق (ص ١٢٣) ٤٤٤سانتیمتر .

٣ـ درخت‌تادانه در گورستان بقعهٔ سیدمحمد در گویتربیرون‌بشم کلارستاق (ص ١٢٣) ٣٦٠ سانتیمتر .

٤ـ درخت تادانه درگورستان بقعهٔ آقاسیدعلی‌کیا در دهکدهٔ مزرك خرم‌آباد تنکابن (ص ٥٥) ٣٣٠ سانتیمتر .

٥ـ درخت‌تادانه در گورستان بقعهٔامامزاده سید قوام‌الدین در دهکدهٔ کبود کلایهٔ خرم‌آباد تنکابن (ص ٥٦) ٢٦٠ سانتیمتر .

درختان چنار[2]

١ـ درخت‌چنار در بقعهٔ عابدین‌رضا دردهکدهٔ شنگلده امیری بالالاریجان (ص ٤٣٩) ١٢٠٠ سانتیمتر .

---

1 _ Celtis australia. 2 _ PoPulus migra;Populus plantanus.

۲ــ درخت‌چنار در چناربن دهکدهٔ زانوس کجور (ص ۲۲۱) ۱۱۸۰ سانتیمتر .

۳ــ درخت‌چنار بقعهٔ‌سیدعلی‌کیاسلطان‌دردهکدهٔ‌سیدعلی‌کیادرخیررود ــ کنار کجور (ص ۲۳۱) ۱۰۰۰ سانتیمتر .

٤ــ درخت‌چناری در اراضی مونج‌میخساز زانوس‌رستاق کجور (ص ۲۱۵) ۸٦۰ سانتیمتر .

٥ــ درخت‌چنار حسینیه بقعهٔ شاهزاده حسین در فیروزکلای پایین‌کجور (ص ۱۸۱) ۸٤۰ سانتیمتر .

٦ــ درخت‌چنار گورستان جمشید کیاسلطان در المده مرکزدشت‌کجور (ص ۲٤۰) ٦٤۰ سانتیمتر .

۷ــ درخت چنار جلو در ورودی بقعهٔ آقاسیدابراهیم نزدیك دهکدهٔ کرات‌کوتی‌گلیجان تنکابن (ص٤۸) ٦۲۰ سانتیمتر .

۸ــ درخت چنار در محوطهٔ مسجد و تکیهٔ فیروزکلای بالای کجور (ص ۱۸۲ و ۱۸۳) ٥۰٥ سانتیمتر .

۹ــ درخت‌چنار در گورستان بقعهٔ سیدمحمدکیا دبیرصالحانی درصالحان کجور (ص ۲۰٦) ٤۹۰ سانتیمتر .

۱۰ــ درخت چنار امامزاده سلطان سید محمد قرشی در اراضی امامزاده سرگزنك بالالاریجان (ص ٤۳۸) ۳٦٥ سانتیمتر .

۱۱ــ درخت‌چنار نزدیك بقعهٔ آشیخ‌نیکه در رزن‌تترستاق (ص ۳۲٥) ۳٦۰ سانتیمتر .

۱۲ــ درخت‌چنار نزدیك بقعهٔ‌آشیخ‌نیکه در رزن‌تترستاق (ص ۳۲٥) ۳۲٥ سانتیمتر .

درختان سور = سرو جنگلی

۱ــ درخت‌سروی عجیب در گورستان بقعهٔ سیدالوافی درکلارآبار لنگای تنکابن (ص ۹۶) ۴۴۰ سانتیمتر .

۲ــ درخت‌سور درمحوطهٔ امامزاده نوح‌در دهکدهٔاندرور ازدهکده‌های بلدهٔ کجور (ص ۲۳۵) ۲۲۵ سانتیمتر .

درخت سفیدار

۱ــ درخت‌سفیددار در کنار رودخانهٔ سنگ‌رچ‌کیله در دهکدهٔفقیه‌آباد نشتای تنکابن (ص ۸۲) ۱۰۰۰ سانتیمتر .

درختان شهر = شمشاد[1]

۱ــ درخت‌شمشاد در گورستان بقعهٔ آقاسیدعلی در دهکدهٔ مزرك خرم‌آباد تنکابن (ص ۵۵) ۱۶۰ سانتیمتر .

۲ــ درخت شمشاد در گورستان بقعهٔآقا سیدمحمد در اراضی اسپچین لنگای تنکابن (ص ۹۱) ۱۲۵ سانتیمتر .

۳ــ درخت شمشاد دربقعهٔ سیدعلی‌بن سیدحمزه در اراضی اسپچین لنگای تنکابن (ص ۹۰) ۱۲۳ سانتیمتر .

۴ــ درخت شمشاد در گورستان آقانورکیاسلطان در دولت‌آباد اودم جوربند نائیج‌نور (ص ۳۷۰) ۹۵ سانتیمتر .

درختان کرزل[2]

۱ــ درخت‌کرزل در گورستان امامزاده مختار در دهکدهٔ فقیه‌آبادنشتای تنکابن (ص ۸۲) ۴۱۰ سانتیمتر .

۱- Buxus Sempervirens. ۲- Carpinus betulus.

۲ـ درخت کرزل در گورستان امامزاده مختار در دهکدهٔ فقیه‌آباد نشتای تنکابن (ص ۸۲) ۳۶۰ سانتیمتر .

۳ـ درخت کرزل در گورستان امامزاده قاسم درزوات کلارستاق (ص ۱۰۸) ۳۲۰ سانتیمتر .

٤ـ درخت کرزل در گورستان امامزاده مختار در دهکدهٔ فقیه‌آباد نشتای تنکابن (ص ۸۲) ۳۲۰ سانتیمتر .

درخت کهل

۱ـ درخت کهل در گورستان بقعهٔ دهکدهٔ فقیه‌محلهٔ گلیجان تنکابن (ص ٤۷) ۳۷۰ سانتیمتر .

درخت گردو

۱ـ درخت گردو در محوطهٔ امامزاده عابدین‌رضا در دهگدهٔ شنگلده امیری بالالاریجان (ص ٤۳۹) ۳۹۶ سانتیمتر .

درختان لنگا = اوجا = نارون[1]

۱ـ درخت لنگا نزدیك بقعهٔ سیدنبی در دهکدهٔ فیروزکلای بالای کجور (ص ۱۸۲) ۷۰۷ سانتیمتر .

۲ـ درخت لنگا در گورستان چهل‌تن در آستانکرود کجور (ص ۱۶۹) ۵۳۵ سانتیمتر .

۳ـ درخت لنگا در امامزاده قاسم در ایزده ناتل کنارنور (ص ۳۳۶) ۵۰۰ سانتیمتر .

٤ـ درخت لنگا در گورستان چهل‌تن درآستانکرود کجور (ص ۱۶۹) ٤۶۰ سانتیمتر .

1- Ulmus campestris ; Ulmus montana.

۵ـ درخت لنگا در گورستان چهل‌تن در آستانکرودکجور (ص ۱۶۹) ۴۵۴ سانتیمتر .

۶ـ درخت‌لنگا در گورستان بقعهٔ آقاسیدحبیب‌الله در دهکدهٔ میانرود گلیجان تنکابن (ص ۴۹) ۴۱۰ سانتیمتر .

۷ـ درخت‌لنگا در محوطهٔ متصل به گورستان امامزاده سیدولی در فیروزکلای بالای کجور (ص ۱۸۲) ۴۰۴ سانتیمتر .

۸ـ درخت‌لنگا در محوطهٔ متصل به گورستان امامزاده سیدولی در فیروزکلای بالای کجور (ص ۱۸۲) ۴۰۰ سانتیمتر .

۹ـ درخت‌لنگا در گورستان چهل‌تن درآستانکرود کجور (ص ۱۶۹) ۳۹۵ سانتیمتر .

۱۰ـ درخت‌لنگا در گورستان دو برادران در دهکدهٔ کچانك گلیجان تنکابن میان‌شیرود و کچانك (ص ۴۶) ۳۸۰ سانتیمتر.

۱۱ـ درخت‌لنگا در گورستان بقعهٔ ایوب پیغمبر در دهکدهٔ بندبن‌لنگای تنکابن (ص ۸۸) ۳۲۵ سانتیمتر .

۱۲ـ درخت لنگا در امامزاده قاسم درایزده ناتل‌کنارنور (ص ۳۳۶) ۳۰۰ سانتیمتر .

۱۳ـ درخت‌لنگا در گورستان بقعهٔ آقاسیدحبیب‌الله در دهکدهٔمیانرود گلیجان تنکابن (ص ۴۹) ۲۷۶ سانتیمتر .

۱۴ـ درخت‌ملچ[1] در گورستان بقعهٔ‌سیدمحمدطاهر درپایین بلدهٔ خرم‌آباد تنکابن (ص ۵۷) ۳۴۰ سانتیمتر .

۱- Ulmus montana.

کتابشناسی حاشیهٔ دریای مازندران

کتب ورسایلی که به زبانهای خارجی دربارهٔ نواحی و شهرهای ساحلی دریای مازندران نوشته‌اند

ABBOTT, KEITH : Proceedings of the Royal Geographical Society, Vol. III, p. 390.

ABBOTT, W.G. : Bemerkungen über Gilan. St. Petersburg, 1841.

ABBOTT, W.G. : Report on the Silk Trade of Guilan for the year 1864-65. Consular Reports.

ABBOTT, W.G. : Report on the Trade and Resources of the Province of Guilan for the year 1865. Consular Reports.

ABBOTT, W.G. : Report on the Trade and Resources of the Province of Guilan for the year 1869. Consular Reports.

ABBOTT, W.G. : Reports on the Trade of Guilan for the year 1870. Consular Reports.

ABBOTT, W.G. : Report on the Trade and Commerce of Guilan for the year 1871. Consular Reports.

ABBOTT, W.G. : Report on the Trade and Commerce of the Province of Guilan for the year 1872. Consular Reports.

ABBOTT, W.G. : Report on the Trade and Commerce of the Province of Guilan for the year 1873. Consular Reports.

ACTI HISTORICI, t.IV, p. 390. St. Petersburg 1842. (Invasion de Stenko Razin en Perse).

ADES, R. : Persian pottery, examples of the remarkable finds at Gurgan. The Illustrated London News, CCXV, Dec. 3rd, pp. 849-

50, with 12 coloured illustrations 1949, from the Raymond's Ades collections (Creswell 755).

ANET, CLAUDE : Feuilles Persanes. Paris, 1924.

ANON : Gurgan potteries recently excavated at Gumbad-i-Kabuz. The Illustrated London News, CCXI, 27 Sept. 1947, pp. 0-61, with 16 illustrations (Creswell 756).

ARNE, TURE : Die Schwedische Archälogische Ausgrabungs expedition auf des Türkmanen — Steppe, 1933. Petermans Mitteilungen, LXXXI, pp. 293-4. Gotha, 1935.

دربارهٔ سفالهایی از نوع سفالهای ری است که در حفاری محلی در سیزده کیلومتری شمال غربی استراباد (گرگان امروز) بەدست آمده است.

ARNOLD. A. : Through Persia by Caravan. T. 1rst chap. 8 - 10.

BAKER, V. : Clouds in the East. London, 1876.

صفحات ۸۹ــ۶۲ دربارهٔ اشرف ، ساری ، شیرگاه ، زیرآب ، فیروزکوه ، سربندان ، بومهن ، تهران ، لار ، اساك ، خلو ، علی‌آباد مطالبی دارد .

صفحات ۱۴۲ ــ ۸۷ : علی‌آباد ، سورکنده ، چشمه علی ، ده‌ملا ، دامغان .

BARTHOLD : Istor. Georgr. Obzor Irana. St. Petersburg, 1903. pp. 158-161.

این‌کتاب بەنام جغرافیای تاریخی ایران درسال ۱۹۳۰ در تهران ترجمه شده‌است.

صفحات ۲۹۵ــ۲۸۹ این‌کتاب مطالبی دربارهٔ حاشیهٔ دریای مازندران‌دارد.

BATAZERS, BASIL : Nouveaux Mélanges Orientaux. Paris 1886.

Lignes 933-950 مصاحبه با ژنرال *LEVASOFF* فرمانده سربازن روسی در گیلان است .

BAUER : Dattelpalmen an den ufern des Kaspischen Meeres. Bull. de l'acad. des science de St. Pétersburg, Feb. 1859.

BELL, C.M. : Geological Notes on part of Mazandaran. London Geological Transactions, Series 2, Vol. V, p. 577.

BELL, J. : Travels from St. Petersburg to diverse parts of Asia. Glasgow, 1763. T. 1rst. pp. 132-137.

BENJAMIN, S.J. : Persia and the Persians. Boston 1886, pp. 414-422.

BERNARD, V. : Révolution de la Perse. Paris, 1910, pp. 100-117.

BERESFORD, L. : Itinerary notes of route surveys in Northern Persia. Proceedings of R. G. S. V., pp. 57-84. Feb. 1883.

از شهرها و دهکده های : تهران چالوس ، نور ، بلده ، لار ، اسك ، فیروزکوه، فولاد محله ، چهارده ، زیارت ، استرابد شرحی دارد .

BERESINE, E. : Recherches sur les dialects Persans. Casan, 1853.

BINDER. H. : Au Kurdistan, Paris, 1887

صفحات ۴۴۲ ــ ۴۲۷ این کتاب دربارهٔ گیلان است .

BLARAMBERG, J.: Statistische übersicht Persiens. St. Petersburg, 1853.

اطلاعاتی دربارهٔ گیلان دارد .

BLAU, O.: Commercielle Zustände Persiens. Berlin, 1858. p. 73.

BOBEK, H.: Naturlichen Walder und Geholzfluren Irans. Bomner Geogr. Abhandl. Bonne, 1951.

BODE, VON.: Yamut and Guklan. Abhandl. der Russisch. Geograph. Gesellschaft, 1847. Vol. II, p. 209.

BROWNE, E.G : An Abridged Translation of Ibn Isfandyar's history of Tabaristan. London. 1905. E.J.W. Gibb Memorial Series, Vol. II.

BROWNE, E.G. : A Year Amongst the Persians, London, 1893. pp. 557-568.

BUHSE, F.A. : Bergriese von Gilan nach Asterabad. Beiträge zur Kenntniss des Russischen Reiches, 1849, Vol. XIII, p. 125.

صفحات ۲۳۶ ــ ۲۱۷ دربارهٔ ، لسپو ، کلاردشت ، کجور ، اسك ، فیروزکوه و فولاد محله است .

BURNS : Travels into Bokhara, 1835.

فصل ۳ ص ۱۲۲ ــ ۱۰۳ ، دربارهٔ استراباد و اشرف وعلی‌آباد وفیروزکوه و تهران مطالبی دارد .

CHARDIN, SIR JOHN : Travels of Sir John Chardin into Persia, and the Coronation of Soleiman III. London. 1686.

CHODZKO, P. M. ALEXANDRE : Le Guilan ou les marais Caspiens. Description historique du pays qui borde au sud de la mer Caspienne, 1850.

این کتاب قبل از ترجمهٔ کنونی در زمان ناصرالدین‌شاه در مجموعهٔ شمارهٔ ۸۲۸ کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی از ورق یك تا ورق ۵۷ ترجمه شده است .

CHODZKO, P.M. ALEXANDRE : Specimens of the popular poetry of Persia. London, 1842.

CHRISTENSEN, ARTHUR : Contribution a la dialectologie Iranienne. KOBENHAVN, 1930. pp. 30-123.

CLAVIJO : Embassy to Tamerlane 1403-1406. Translated from the Spanish by Guy LeStrange. London, 1928.

CONOLLY : Journey to the north of India overland. London, 1834.

فصل اول صفحات ۲۷ ــ ۲۰ دربارهٔ تهران ، فیروزکوه ، ساری و اشرف مطالبی دارد .

COON, C.S. : Cave Exploration in Iran, 1949. University Museum of the University of Pennsylvania, Philadelphia, 1951.

COON, C.S. : Ecavation in Hotu Cave, Iran, 1951. American Philosophical Society, Vol. 96, 1952.

COSTE, PASCAL : Monuments modernes de la Perse mesurée dessinée et decrite. Paris, 1867

CRENDER : Historia Samanidarum. Göttingen, 1825.

CURZON, Hon. G.N. : Persia and Persian problems.

ج ۱ ، صفحات ۳۸۹ ــ ۳۵٤ اطلاعاتی در بارهٔ گیلان و مازندران دارد .

CUVIER, G. : Le Régne Animal.

در بارهٔ ماهیهای شمال مطالبی دارد .

D'ALLEMAGNE, Henry-René : Du Khorasan au pays des Backtiarie. Paris, 1911.

D'ARCY, E. TODD : Memoranda to accompany a skech of part of Mazandaran etc. J.R.G. Soc. Vol. III. No. 5, April 1836. pp. 101-108.

D'ARCY, E. TODD : Itinerary from Tabriz to Tehran via Ahar, Mishkin, Ardabil, Talyish, Gilan and Kasvin in 1837. J.R.G. Soc. Vol. VIII, pp. 29-39. London, 1838.

DARMESTETER, J. : Lettre de Tansar au Jasnasf Roi de Tabaristan. Journal Asiatique. 1849, pp. 185-250 and 502-555.

تنسر مؤبد موبدان اردشیر اول ، جشنسف را به‌تسلیم ترغیب می‌کند . این سند را ابن مقفع ابتدا از پهلوی به فارسی ترجمه کرد . متن آن در تاریخ طبرستان ابن اسفندیار آمده است .

DE BODE : Ocherki Turkmen. zemli i yugovostoch. Pribrezh. Kapiskago Moria, otechest zapiski, 1856, No. 7 pp. 123-150.

در این قسمت از تهران ، سربندان ، فیروزکوه ، چهارده ، هزار جریب ، استراباد و ساور و رادکان مطالبی دارد همچنین درNo. 8,pp. 459_472 اطلاعاتی راجع بهشمال هست .

DEFREMERY : Memoires sur les Enis-el-Omera. Paris, 1848.

DEFREMERY : Memoires sur la famile de Sadjides. Paris, 1848.

DE MORGAN : Mission Scientifique, Etude Geographique, 1894,

در قسمت اول صفحات ۲۰۸ ــ ۱۱۳ شکلها و تصاویر زیاد دربارهٔ شمال دارد .

DORN B.: Auszüge aus 14 Morgenel. Schriftstellern betreffend des Kaspischen Meer.
Melanges Asiatique, VI, p. 658. VII, pp. 19-44 & 52-92.

در فهرست تاریخی آن نیز مطالبی مفید دارد .

DORN, B. · Auszüge aus Muhammadanischen Schriftstellern betreffend die gechichte und geographi eder Südlichen Künstenländer des Kaspischen Meeres. St. Petersburg, 1858.

مطالبی دربارهٔ مازندران از ۲۸ مجلد کتاب فارسی و عربی و ترکی است که به نام انتخاب البهیه چاپ شده است .

DORN. B. : Bericht über eine Wissenssch. Reise in den Kaukasus etc., Mel. Asiat.. IV, pp. 429-500, 1863.

مطالبی در بارهٔ آشوراده ، اشرف ، بارفروش (بابل) مشهدی‌سر (بابلسر) دارد .

DORN, B. and MIRZA MUHAMMAD SHAFI' : Beiträge Zur Kenntniss der Iranischen Sprachen. Theil I : Masandaranische Sprache. Theil II: Lieferung die Gedichtsammlung des Emir-i-Pazewary. St. Petersburg, 1866.

DORN, B. : Caspia. Memoires de l'ac. des Science de St. Pétersbourge, 1875, Vol. XXIII, No. 1.

همچنین در H.L. Rabino : Le Guilan, p. 9.

زیر کلمهٔ اسکندر مطالبی در بارهٔ حمله اسکندر بهصفحات شمالی ایران دارد .

DORN. B.: Die Geschichte Tabaristans und der Serbedare nach Khondemir. Memorie de l'academie de St. Petersburg, 1850, Vol. VIII.

DORN, B. : Die Münzen der Ispehbede Chalifen und deren Slatthalter. mél. Asiat. T. II S. 243.

DORN, B. : Die Pehlewy - Münzen des Asiat. Museums der Kaiser-

lichen Akademie der Wissenschaften. Mél. Asia. T. II, S. 249.

DORN, B. : Forschungen in der Pehlewy - Münzkunde Mel. Asiat. T. VI p. 22.

DORN, B. : Neue Ansichten in der Pehlewy - Münzkunde. Mel. Asiat. T. III, p. 426.

DORN, B. : Noch Einige Nachweisungen über Pehlewy - Münzen. Mel. Asiat. T. II, S. 387.

DORN, B. : Noch Einige Worte über die auf Pehlewy-Münzen Vorkommendes Sogenanntes münzzeichen oder monogramm. Mel. Asiat. T. III, S. 286.

DORN, B.: Uber die Letzten dem Asiat. museum Zugekommenen Pehlewy-münzen. Mel. Asiat. T. II, S. 608.

DORN, B. : Reise nach Masandaran im j. 1860. St. Petersburg. 1895.

از سن‌پیترزبورگ به اشرف و بازگشت با یك نقشه . در صفحات ۱۶۱ ـــ ۱۵۶ . مطالبی در بارهٔ حملهٔ اسکندر به‌صفحات شمال ایران دارد .

DROUVILLE, G. : Voyage en Perse, 1822-1823. St. Petersburg, 1829.

DROVIN, ED. : Observation sur le monnaiss à lègendes en Pehlewi et Pehlewi Arabe. Revue Archéologique. Paris, 1884.

EASTWICK, E.B. : Journal of a Diplomate's Three Years Residence is Persia. London, 1864. T. 1rst. pp. 321-333, T. II. pp. 1-24.

مطالبی دربارهٔ گیلان دارد . در این کتاب از استراباد، اشرف ، ساری، علی‌آباد، شیرگاه ، زیرآب ، سرخ رباط ، فیروزکوه ، سربندان و بومهن نیز مطالبی دیده می‌شود .

EICHWALD. ED. :Reise auf dem Kaspischen meere und in den Caucasus, Unternommen in dem Jahren 1825-18256. Stuttgard und Tubingen, 1834-38.

دربارهٔ گیلان و مازندران و گرگان مطالبی دارد در فصل یازدهم صفحات ۳۸۵ ـــ ۳۳۰ مطالبی دربارهٔ مشهدی‌سر (بابلسر) وبار فروش (بابل) است.

ELOY AUCHER : Relations de Voyage en Orient, de 1830 à 1838. Paris, 1843.

ENCYCLOPAEDIA BRITANICA.

زیر اعلام مربوط به صفحات شمال ایران اطلاعاتی دارد .

ENCYCLOPAEDIA OF ISLAM. Edited by M. TH. Houtsma and T. W. Arnold, Leyden, 1911.

زیر اعلام مربوط به شمال ایران اطلاعاتی دارد .

FERRAND, G. : Notes sur Recht et le Guilan. Bulletin de la Soc. de Geographie d'Alger, Avril-Juin 1902.

FERTE, H. : Vie de Sultan Hossein Baikara. Paris, 1898.

FLANDIN, E. and COSTE, P. : Voyage en Perse. Perse moderne. Paris, 1854.

FONTON : La Russie danl'Asie Mineure (occupation russe du Guilan).

FORSTER, G. : Sketches on the Caspian Shores.

در ژانویه ۱۷۸٤ در مازندران مسافرت می‌کرده است .

FORSTER, G. : A journey from Bengal to England. London, 1798-1808.

در فصل دوم صفحات ۲۱۰ ــ ۱۷۹ مطالبی دربارهٔ بسطام ، ده ملا ، چالوس ، ساری و بارفروش (بابل) دارد .

FORTESCUE, L.S. : The Caspian Provinces (Lectures given on Feb. 14th, 1924, to the Central Asian Society at the Royal United Service Institution).

FRAEHN, B. : Die Chosroen-münzen der Früheren Chalifen. Verhandl. der Kurländ. Gesellschaft. Bd. II Mitan, 1822.

FRAEHN, B. : Essai servant à determiner d'une manièr plus precise l'epoque d'une expédition enterprise au XS. par les Russes sur les côtes de la mer Caspienne. Nouv. Jour. Asia. T. II, p. 450, 1828.

FRASER, J.B. : History of Persia, published in the Edenburg Cabinet Lib.

طرحی از بناهای قصر صفی‌آباد دارد .

FRASER, J.B. : A Winter's Journey from Constantinople to Tehran. London, 1838.

صفحات ۱٤۵ ــ ۱۳۱ دربارهٔ فیروزکوه ، شهمیرزاد ، شاهرود مطالبی دارد .
ودر صفحات ٤۸۲ ــ ٤۱٦ اطلاعاتی درباره مشهدی‌سر (بابلسر) ایزی ده (ایزده) و سخت‌سر (رامسر) آمده است .

FRASER, J.B. . Adventures in the Persian Provinces on the southern banks of the Caspian Sea. Loudon, 1826.

در صفحات ۲۵ــ۱۲ مطالبی در بارهٔ اشرف ، ساری ، بارفروش ، آمل ، ایزدی‌ده، علی‌آباد ، آب گرم ، لاهیجان می‌توان یافت .

FRASER, J.B. : Narrative of a Journey into Khorasan in the year 1821 and 1822. London, 1825.

GASTEIGER-RAVENSTEIN-KOBACH : Rundreise durch die Nördlischen provinzen Persiens. 1862.

در صفحات ۳۵۶ ــ ۳٤۱ در بارهٔ تهران ، فیروزکوه ، سوادکوه ، ساری ، اشرف (بهشهر) واستراباد (گرگان) مطالبی دارد .

GEIGER & KUHN : Grundriss der Iranischen philologie, die Kaspischen Dialecte.

در صفحات ۳۸۰ــ۳٤٤ در بارهٔ لهجهٔ حاشیهٔ دریای خزر مطالبی دارد .

GEIGER : Ostiranische Kultur. 1882.

GMELIN, S.G. : Reise durch Russland zur untersüchung der dre Natturliche. T. II Reise durch das Noerdliche Persien. T. IV Zweyte Persichen Reise. 1770-1784.

صفحات ٤۷۲ ــ ٤٤۶ مطالبی دربارهٔ آمل ، بار فروش ، علی‌آباد (شاهی) ساری و،شرف (بهشهر) دارد .

GOLUBIANTNIKOV : Neftiyanoye i Slantsevoye Khoziaystvo. Moscow, 1921.

GREWINGK, C. : Die Geognostischen und Orographischen Verhältnisse der Nördlischen Persia. St. Petersburg, 1853.

GROHMANN, R. : Die Entwicklugs — geschichte des Kaspisees und des Schwarzen Meeres. Leipzig, 1937.

GUILLINY, E. : Essai sur le Ghilan. Bull. de la Soc. de Géog. de Paris, Fév. 1866, Sec. V T. II pp. 81-104.

HABLITZL, C. Bemerkungen in der Persischen Landschaft Gilan, und auf dem Ghilanschen Gebirge in dem Jahren, 1773-1774. St. Petersburg, 1783.

HAMMER : Die Sprache Thaberistans' FUND GR. d.o. 1813. Bd. III. S. 46.

HANTZSCHE, J.C. : Physicalisch Medicinische Skizze von Rescht in Persien. Virchow's Archiv. Bd. XXV. Berlin 1862.

HANTZSCHE, J.C. : In einer Persischen Turnhalle Gartenlaube, 1863.

HANTZSCHE, J.C. : Der Aufstand in Rescht im Jahre, 1855.

Z.D.M.G. Bd. XII, S. 309-314.

HANTZSCHE, J.C.: Palaste Schah Abbas I von Persien in Masandaran. Z.D.M.G. 18. 1864.

HANTZSCHE,, J.C.: Specialstatistik von Persien. Koner's Zeitsch. der Ges. für Erdk. in Berlin, 1869, t. IV part, V.

HANTZSCHE, J.C. : Beiträge zur Geographie und Alterthumsikende Nordpersiens, Z.D.M.G. 1862, T. XVI, pp. 525-532.

HANTZSCHE, J.C. : Topographie und Statistik der Persischen Turkmanen. Zeitschrift Allgemeine Erkunde, Berlin, 1862. No. 110.

HANZSCHE, J.C. : Talysch, eine geografische skizze. 3 ter Jahresbericht des Veriens für Erkunde zu Dresden 1866. Anhang, pp 1-64.

HANZSCHE, J.C. : Frühere und Gegenwärtige Politische Eintheilungen der Landschaften von Talysch im W. bis S.W. des Südlichen Beckens des Kaspischen meeres. Koner's Zeitsch. für Allgemeine Erkunde; Neue Folge, T XIX, part VII, pp. 148-151.

HAMMER : Die Geschicbte der Assassinen. Stuttgart und Tübingen, 1818.

HANWAY, Jonas : An historical account of the British Trade over the Caspian Sea, with a Journal of Travels and the Revolution of Persia. In 4 Vol. London, 1753. In 2 Vol. London, 1762.

ج۱ ، فصل سیزدهم ، صفحات ۱۹۸ ــ ۱۹۲ در بارهٔ لنگرود ، آمل ، بارفروش ، اشرف اطلاعاتی دارد .

ج ۱ ، فصل بیست‌وپنجم ، از ص۱۰۹ از لنگرود تا استراباد را با قایق طی کرده و سوانح سر راه را نوشته و دماوند را از دور دیده است .

ج ۱ ، فصل بیست‌وهفتم ، صفحات ۱٤۹ ــ ۱۳۹ دربارهٔ استراباد وبارفروش (بابل) مطالبی دارد .

HANWAY, J. : Zuverlässige Beschreibung seiner Reisen von London durch Russland und Persien etc. 1754.

HASSEL, G. : Vollständige und neueste Erdbeschreibung, 1821.

HERBERT, A.J. : Report on the Trade and Industries of Persia, 1886. Dip. and Cons. Reports.

HERBERT, O. : Relation du voyage de Perse et des Indes Orientales. Paris, 1663.

HERZFELD : Reisebericht. Z.D.M.G. 1926, p. 278.

مطالبی در بارهٔ بسطام ، رادکان ، . گردنهٔ شمشیربر ، دامغان دارد .

HOLMES, W.R. : Sketches of the shores of the Caspian. London, 1845.

فصل دهم مطالبی در بارۀ کلارستاق ، نور . آمل ، فرح‌آباد ، استراباد دارد .
فصل هفدهم شرحی در بارۀ ساور ، شاه‌کوه ، گردنۀ شمشیربر ، چشمه‌علی دارد .

HOMMAIRE, DE HELL, XAVIER : Voyage en Turqui eet en Perse. Paris, 1854-1860.

فصل سوم صفحات ۳۳۶ ــ ۲۱۴ مطالبی دربارۀ تهران ، لار ، آمل ، اشرف ، استراباد ، رادکان ، کرد محله دارد ، و در فصل چهارم صفحات ــ ۲۸۵ــ ۳۰۶ راهها را شرح داده است .

HOTZ, A. : Persian Trade Poutes. Journal of the Society of Arts. London, March 10th, T. XLVII, pp. 341-359.

HUART, CLEMENT : Les Ziarides. Extrait des mémoires de l'academie des Inscription et Belles - Letteres, T. XLII, Paris, 1922.

INOSTRANTSEV : The customs of the inhabitants of the Caspian provinces in the tenth century. Zhiwaya Stariva, 1909.

این کتاب به زبان روسی است عنوان آن ترجمه شده است .

IWASCHINZOFF : Die Russische Aufnahme des Kaspischen Meeres. Mittheilungen .US.W., 1863.

JUSTI : Iranisches Namenbuch, 1895, pp. 430-435.

جداول آن نیز به کار شمال می‌آید .

KHANYKOV, N. : Mémoire sur l'ethnographie de la Perse. Paris. 1866.

KHANYKOV, N. : Voyage Scientifique de M. Dorn dans le Mazanderan, le Caucase et le Daghestan. Journal Asiatique. Feb. 1862, pp. 214-225.

KINNEIR, J.M. : Memoire Géographique sur l'Empire de Perse. Trd. par G. Drouville. St. Petersburg, 1827.

KLPROTH, J. Von. : Russisch-Persisch-Türkishe Graenzbestimmung in Jahre, 1727, in Fundgruben des Orients, T. VI, pp. 349-358. Vienne 1818.

KOSTOMAROV : Der Aufruhr Stenko Rasin. St. Petersburg, 1859.

اصل کتاب به زبان روسی است و نام آن به آلمانی ترجمه شده است .

KRAFFT, A. : Uber HRN. PROF. Dr. OLSHAUSENS Entzifferung der Pehlawi-Legenden auf Münzen Wien. JAHRB. 106, 1844.

KRUSINSKI : Prodromus ad Tragicam Vertentis belli Persici His-

torian Leopoli, 1740.

KUNIK, E. Notes sur l'expédition des Russes Normands en 944 vers les pays situées aux bords de la mer Caspienne d'apres Nizami, IBN-AL-ATHIR et AINY. Bullet. de l'acad. T. 4. 1848.

LAFONT, D.F. : La Sericiculture en perse. Bull. de l'off. l'agriculture, Août 1908.

LAFONT, D.F. : Sur la fabrication des graines de vers à soie en Perse. Bull. de l'Union Franco-Persane. Paris, 1911.

دربارهٔ درختان جنگلی شمال اطلاعات مفصلی دارد .

LANDOR, A.H. SAVAGE : Across Coverted Lands, London, 1902. T. Irst, pp. 36-72.

LANIER, L. : L'Asie. Paris, 1904. T. Irst pp. 483-519.

LEINAT, F. Methodo di Allevamento in Persia; il tilimbar. Une analyse de cet opuscule se trouve dans "Il Bacologo Italiano, Anno IV, 1881-1882."

LE STRANGE, GUY : The Lands of the Eastern Caliphates, Mesopotomia, Persia, and Central Asia. Cambridge 1905, pp. 368-372.

LOVETT, C.B. Report on Astarabad. (Consular Reports March 1882).

LOVETT, C.B. Itinerary Notes of Route Surveys in Northern Persia in 1881 and 1882. Proceedings R.G.S. Vol. V, Feb. 1883, with maps.

MACKENZIE, F. : Report on the Persian Caspian provinces. Rasht 1859-1860. In manuscript.

MARQUART : Alexander's Marsch von Persepolis nach Herat. in Untersuch. z. Gesch. von Eran. II 1905. pp. 45-63.

MARQUART, : Eranschahr nach der Geographie des ps. Moses Xorenachi (abhandlung der Königl. Geselschaft der Wissenschaften zu Göttingen Neue Folge 1Bd. III 1899-1901.

در صفحات ۱۳۶ ــ ۱۲۹ مطالبی دربارهٔ گیلان دارد .

MAZE (le père de la) : Lettres edifiantes et Curieuses. Edition merigot T. IV p. 80.

MELGUNOF. G. : Die Sudliche ufer des Kaspischen Meeres oder die Nordprovinzen Persien. Leipzig, 1868.

MELGUNOF, G. : Essai sur les Dialectes de Mazandéran et du Ghilan, d'après la pronunciation locale. Z.D.M.G., Vol. XVII, pp. 195-224.

MELGONOF. G. : O yuznom berege Kaspiskago Moria
Appendix to Vol. III of Zapiski Akadem. Nauk. St. Petersburg,

1863, pp. 95-195.
Zenker has translated this book into German by the name of Das Südlische ufer des Kaspischen meeres. Liepzig, 1868.

MILES, GEORGE : The Coinage of the Bawandid of Tabaristan.

MONTEITH, E.I.C. : Journal of a Tour through Azerbaijan and the shores of the Caspian. J.R.G.S. London, 1834, T. III, pp. 17-26.

MORDTMANN, A.D. : Nachrichten über Tabaristan aus dem Geschichts - werke Tabaris. Z.D.M.G., Bd. II, p. 285.

MORDTMANN, A.D. : Erklärung der münzen mit Pehlewi Legenden. Z.D.M.G. Bd. VIII v. XII, 1854.

MORDTMANN, A.D. : Münzen der Sassaniden. Z.D.M.G. Vol. XXXIV, pp. 1-162. 1880.

MORIER, M.J. : Voyage en perse. Paris, 1813.

این کتاب از زبان انگلیسی ترجمه شده است .

MORIER, M.J. : Second journey in Persia. London. 1818.

در فصل بیست و سه مطالبی دربارهٔ تهران ، بومهن، دماوند، باغشاه، فیروزکوه، آسران ، فولاد محله ، چشمه‌علی ، ساور ، استراباد دارد .

MURAVIEW: Voygges en Turcomanie et à Khiva. St. Petersburg. 1823.

NAPIER, G.C. : Extracts from a diary of a tour in Khorasan. J.R.G.S. XVI, 1876, pp. 62-171.

دربارهٔ فلهك، گیلیارد، فیروزکوه، گورسفیده خنگ‌رودبار، چشمه‌علی، چهارده، شمشیربر ، اسپی‌نزا ، شاهرود، مطالبی دارد . این کتاب دارای نقشه‌های بسیار خوبی است .

NIEDERMAYER, O. : Die Persien Expedition mitt d. Geogr. Gesell. in München VIII, 1913, pp. 177-188.

مطالبی در بارهٔ فیروزکوه ، تورود ، پیور (بفتح پ و واو) ، ساری ، نکـا ، سفیدچه دارد .

NOEL, J.B. : A Reconnaissance in the Caspian Provinces of Persia. J.R.G.S. June 1921, Vol. LVII, No. 6, pp. 401-418.

در بارهٔ تهران ، آمل ، فرح‌آباد ، نور ، کجور و تنکابن مطالبی دارد .

O'DONOVAN. E. : The merve oasis. Vol. I, New York, 1883.

دربارهٔ تهران ، آمل . فرح‌آباد ، نور ، کجور و تنکابن مطالبی دارد .

OLEARIUS. ADAM : Relation du Voyage d'Oléarius en Moscovie, Tartarie et Perse. Traduit par A. de Wicquefort. Paris, 1659.

ملگونوف سال انتشار را ۱۶۷۶ ذکر کرده است .

OLSHAUSEN, D. Justus : Mazdoran und Mazanderan. Gesammtsitzung der Akademie, 23 Nov. 1876, Vienna, pp. 777-783.

OLSHAUSEN, D. Justus : Die Pehlewi-Legenden auf dem Münzen der Letzten Sassaniden. Kopenhag, 1843.

ONGLEY, H.H. : Report on the Trade and Commerce of Ghilan for the year 1866. (Consular Reports).

ORSOLLE, E. Le Caucase et la Perse. Paris, 1888.

در صفحات ۱۷٤ ـــ ۱٤۲ مطالبی دربارهٔ گیلان دارد .

OUSELEY, W. : Travels in various countries of the East, more particularly Persia. 3 Vol. London, 1819-1823.

در فصل سوم اطلاعاتی در بارهٔ : فیروزکوه ، سرخ ربـاط ، زیرآب ، شیرگا ، علی‌آباد (شاهی) ، ساری ، اشرف (بهشهر) ، فرح‌آباد ، آمل ، میان‌کلا ، دماوند آمده است .

PATENOTRE, Jules. : Les Persans Chez Eux. Revue des deux Mondes. Mars 1875, 1875, pp. 145-168. اطلاعاتی در بارهٔ گیلان دارد .

PETERMANN,A. : Mittheilungen aus Justus Perthes Geographie Anstalt. 1861. Zwei Neue Messungen des Demavand, 1862.

PIETRO dellaValle : Viaggi. 1618. Part II, letter IV.

در این قسمت مطالبی راجع به مازندران دارد .

POLAK, J.E. : Persien, das Land und seine Bewohner. Leipzig. 1865.

در قسمت اول صفحات ۵۸ ـــ ۵۵ مطالبی دربارهٔ گیلان دارد .

POLYBIUS, X, pp. 28-31.

مطالبی دربارهٔ حملهٔ اسکندر به صفحات هیرکانیا دارد .

POTEVES, DESABRAN, JEAN DE : Notes de Voyage d'un Hussard. Paris, 1894.

POPE, Arthur Uphan (Editor) : From prehistoric times to the present. (edition de luxe) Oxford University Press, London and N.Y., 1938.

POPOF : Geschichte des Aufstandes Stenko Rasin's. Moscow, 1857.

اصل کتاب به زبان روسی است نام آن به آلمانی ترجمه شده است .

POSLAWSKI, Général : D'un Voyage sur les rivières Atrek et Gurgan, 1900. Extrait des comptes rendus des Séance du Cercle Turkestanais des amateurs d'archéologie, Protocole 4.

PRICE, D. : Chronological Restoropects of Memoirs of the Principal Events of Mohammedan History. London, 1811, 3 Vol.

PUGH, John : Jonas Hanway; Remarkable Occurrences in His Life; comprehending an abstract of such of his travels in Russia and Persia as are most interesting. London, 1787.

PUSCHKIN, Capt. : The Caspian Sea.

متن کتاب به زبان روسی است نام آن به‌انگلیسی ترجمه شده است .

QUATREMERE : Notice de l'ouvrage "Mesalek-al-Absar fi Memalek-al-Amsar. Noticse et manuscrits. Paris, 18383.

فصل سوم صفحات ۳۰۰ـ۲۹۲ مطالبی راجع به گیلان دارد .

QUERRY, A. Le Qabous-namé. Paris, 1886.

RABINO, H.L. : A journey in Mazandran. J.R.G.S. Nov. 1913, pp. 435-454.

RABINO, J. : Banking in Persia. Journal of the Institute of Bankers. London, 1892.

در این صفحات راجع به رشت تا ساری مطالبی دارد .

RABINO, M. Les Dynasties du Mazandaran de l'Iran de l'an 50 Avant l'Hegire al'an 1006 de l'hegire, d'après les chronique locales. J.A. CCXXVIII, (1936), pp. 409-437.

با شجره‌نامه‌ای در صفحه ٤١٦ .

RABINO, H.L. : Mazandaran and Astarabad, 1928.

وصف راههای ساحلی ، تشکیلات اداری ، فهرستی از دهکده‌ها ، کتیبه‌های اسلامی
در صفحه ۲۰ این کتاب فهرست مفصلی از کتب دربارهٔ ساحل دریای مازندران است .

RABINO, H.L. : Silk in Ghilan, Mazandaran and Astarabad, 1907. Un résumé de ce rapport se trouve dans "The Board of Trade Journal" 6 juin 1907, pp. 455-460.

RABINO, H.L. : Report on the production of Rice in the province of Ghilan, Mazandaran and Astarabad. Une notice de ce rapport se-trouve dans "The Board of Trade Journal" 25 April 1907, p. 185.

RABINO, H.L. : Report from March 21, 1907 to March 20, 1909, on

the trade of the Persian Caspian provinces, consular district of Resht and Astarabad Diplomatic and Consular Reports, Ann series, No. 4398.

RABINO, H.L. : Report from March 20, 1903, to March 20, 1907, on the Trade of the consular district of Resht and Astarabad. Dipl. and Cons. Reports, Ann series No. 3864.

RABINO, H.L. : Reports from March 21, 1909 to March 20, 1911, on the Trade of the Persian Caspian provinces. Consular district of Resht and Astarabad. Dipl. and Cons. Reports Ann. series No. 4828.

RABINO, H.L. and LAFONT, D.F. : L'Industrie Séricicol en Perse Montpellier, 1910.

RABINO, H.L. : Report for the year 1910-1911 on the trade and general condition of the city of Barfurush and the province of Mazandaran Dipl. and Cons. Reports, Ann series No. 4812.

RABINO, H.L. : Culture du tabac en Guilan. Progrès Agricole et Vitocol. Montpellier, 1911.

RABINO, H.L. and LAFONTE, D.F. : La Culture du Riz en Guilan et dans les autres province du Sud de la Caspienne, Montpellier, 1911.

RABINO, H.L. : Carte de la province du Guilan, dressée et dessinée par le Capitaine Faure, et publiée par la Société Lyonnaise sericicole et soies d'Extrême-orient. Lyon, 1914.

RABINO, H.L. : Les anciens sports du Guilan. "Revue du Monde Musulman, Mars 1914.

RABINO, H.L. and LAFONT, D.F. : Culture de la Gourde à Ghalian en Guilan et en Mazandaran. "Revue de Monde Musulman", 1914. T. XXVIII.

RABINO, H.L. : Les provinces Caspiennes de la Perse. Paris, 1917.

RABINO, H.L. : A journey in Mazandaran from Resht to Sari. J.R.G.S. Nov. 1913, pp. 435-454.

RABINO, HL. : Les dynasties Alaouides du Mazandaran. Journal Asiatique, Avril-Juin 1927. pp. 253-277.

RABINO, H.L. : Mazandaran and Astarabad. London, 1928. Persian text printed at Cairo.

RABINO H.L. : Reports on the trade and general condition of the city and province of Astarabad. Dipl. and Cons. Reports, Ann. series No. 4381.

RABINO, H.L. and LAFONT, D.F. : Culture de la Canne à Sucre en Mazandéeran "Revue de monde Musulman".

RABINO, H.L. : Culture des plantes textiles (Coton, chanvre, etc.) en Guilan et Mazanderan.

RABINO, H.L. : Album of coins, medals and seals of the Shahs of Iran (1500-1948). Oxford University Press, 1951.

RADDE, G. : Reisen an der persisch - Russischen Grenze Talysh und Seine Bewohner Leipzig, 1886, pp. 365-377.

RADDE, G. : Die Fauna und Flore des Südwestlichen Caspi-Gebietes. Leipzig.

RADDE, G. : Re.se auch Talysh, aderbaidschen und zum Sawalan, 1879-1880. Petermann's mitt, 1885.

RADDE, G. : Talysh, das Nordwestende Alburs und seine Tiefland. Petermann's mitt, 1885.

RAWLINSON, H.C. : Notes of a journey from Tabriz, through Persian Kurdistan to the Ruins of Takht-i-Soleiman, and from thence by Zenjan and Tarom to Gilan, in Oct. and Nov. 1838. J.R. G.S.T.X. pp. 1-64. London, 1841.

RAUSCH von TRAUBENBERG, PAUL : Hauptverkehrswege Persiens. Halle a.s. 1890, pp. 54-60.

REHATSEK : The Baw and Gaobarah Sepahbuds along the Caspian shores. Journal Bombay Br. R. Asiat. S. 1876. T. XII, pp. 412-445.

RIES. P. : Voyages dans le Guilan et le Mazandéran. Zapisk. Kavkask. Geogr., Vol. VI, 1864.

متن به‌زبان روسی است عنوان به‌فرانسه ترجمه شده است .

RITTER, K. : Die Erkunde von Asien. Berlin, 1838.

صفحات ٤٧١ ــ ٥١٤ : جاده‌های رشته البرز .
صفحات ٥١٤ ــ ٥٥٠ : نواحی ساحلی مازندران .
صفحات ٥٥٠ ــ ٥٩٥ : دماوند .

ROLLIN, CHARLES : The ancient history of the Egyptians, Carthaginians, Assyrians, Babylonians, Medes and Persians, Grecians and Macedonians, with notes by James Bell. 2 Vol. Glasgow, 1842.

ROUSSKIA KONSOULSTVA, Vol. du dixhuitième siècle. Ce volume continent de nombreux extraits de la correspondance des consuls Russes au Guilan pendant le dix-huitième siècle.

RUNDREISE Durch die Nördlichen provinzen Persiens nach briefl.

Mittheilungen des Ritters von Gasteiger-Ravenstein Kobach an Hr. Dr. Brugsch Zeitschr. f. Allg. Erkunde. Berlin, 1862. No. 1071, p. 341.

SACHAU. Ein Verzeichniss des Muhammd. Dynastien. Berlin, 1923.

SARRE, F. : Denkmäler Persischer Baukunst.

ذکری ،زامامزاده‌یحیی درساری‌داردواین بنا را به‌نام ملامجدالدین‌خوانده‌است‌در صورتیکه قبرمجدالدین باسلطان‌رضاکیا در یك‌بناوبرسرراه فرح‌آباداست.

SARRE, F. : Reise in Mazanderan (Persien) Zeitschrift der Geselschaft fur Erkunde, 1902.

در صفحات ۱۱۱ ـــ ۹٦ ذکری از دماوند و آمل و اشرف (بهشهر) و بندرگز دیده می‌شود .

SAUVAIRE. H. : Lettre à propose d'un dérham 'Alide du Guilan appartenant à M. de Saint - Laumer, 1887.

SCHINDLER, A.H. : Reisen in Nordlichen Persien. Zeitsch. d. Ges. F. Erd. Zu Berlin, 1879. T. XIV p. 119.

SCHINDLER, A.H. : Rice and Sugar in Persia. Unite States Consular reports 1888.

SCHINDLER, A.H. : Notes on Demavand, proceedings R.G.S. Feb 1888.

SCHINDLER, A.H. : Eastern Persians. Irak. R.G.S. 1897.

SEIDLITZ : Handel und Wandel an der Kaspischen Südküste. Pet Geog. Mitt, 1869, pp, 98-103 and 255-265.

در بارهٔ سفیدرود ، مشهدسر (بابلسر) و بندرگز و اشرف (بهشهر) و کاخ صفی‌آباد مطلبی دارد .

SHEIL, LADY : Glimpses of Life and Manner in Persia. London, 1886.

SHIEL, JUSTUS. LIEUT. COL. : Itinerary from Tehran to Alamut and Khurrem-abad. Journal of the Royal Geographical Society. T.I. 1837.

SCIENCE MILITAIRE (Journal de) T. II., Notice Geographique et statistique sur le Guilan et le Mazanderan,, provinces de l'Empire de Perse.

SOCIETY OF ARTS (Journal of): Silk production in Persian, Nov. 19, 1886.

SOIMONOFF : Opisanie Kasniiskago Mora. Beschreibung des Kaspichen Meeres, nit Geographischen Zusatzen von Müller) St.

Petersburg, 1763.

SOKOLOV, AL. : Abriss der Geschichte der Reisen auf des Kaspischen Meere. Moscou, 1854.

متن کتاب به روسی است . عنوان آن به آلمانی ترجمه شده است .

SONO, TOSHIHIKO and FUKAI SHINJI : Dailaman III. The excavation at Hassani Mahalleh and Ghale Kut. 1964.

این کتاب در سال ۱۹٦۸ منتشر شده است .

SPIEGEL, Fr. : Nachrichten über Tabaristan. nach dem Tarikh-i-Tabaristan von Abol Hassan Ben Isfendiar Z.D.M.G. Bd. 18, p. 62.

SPIEGEL, Fr. : Eran Altertunskunde, 1871. I., pp. 64-74.

SPIEGEL, Fr. : ERAN, Berlin, 1863.

STACK : Six months in Persia. London. 1882.

فصل دوم صفحات ۲۰۲ ـ ۱۷۰ در بـارۀ تهران ، کوه دمـاوند ، مشهدی‌سر (بابلسر) اطلاعاتی دارد .

STAHL, A.F. Notes on the march of Alexander the Great from Ecbatan to Hyrcania, J.R.G.S. Oct. 1928, pp. 312-319.

STAHL, A.F. : Reisen in Nord und Zentral Persien, with maps, Pet. Geog. Mitt. Ergäsheft, No. 118. Gotha, 1896, Blatt I, 1895.

درصفحات ۱۸ـ۷ : شرحی دربارۀ تهران ، کلارستاق ، نور ، لار ، دماوند ، آمل ، فیروزکوه ، علی‌آباد (شاهی) آمل . استراباد (گرگان) تاش . چهارده ، سمنان با نقشه‌ای مشروح آمده است .

STAHL, A.F. : Die Orographischen und hydrographischen verhältnisse des Elburzgebirges in Persien. Pet. Geog. Mitt. 1927, Heft 7, 8 mit karte, S. Tafel 13.

STAHL, A.F. : Zur Geologie von Persien. Pet. Geog. Mitt. Ergsft. 122. pp. 39-43. Gotha, 1897.

STAHL. A.F. Reisen in Zentral und West Persien. Pet. Geog. Mitt. 1905.

STAHL, A.F. : Reisen in Nord und West Persien. Pet. Geog. Mitt. 1907. Heft VI, pp. 121-132. Tafel 10.

STAHL, A.F. : Die durch Nivellierung des Rescht-Tehraner Wegs erhalten Höhen. Pet. Geog. Mitt. Ergsft, 1902.

STICKEL, J.G. : Allteste Muhammedanische Münzen bis zur mün-

zreform. Abdul Melik's. Leipzig, 1870.

STODART, R.: The Journal of Robert Stodart, published with an introduction and notes by Sir E. Denison Ross. London, 1935.

ترجمهٔ احمد توکلی ، فرهنگ ایران زمین ج ۸ ص ۲۲۰ ـــ ۱۶۱ ـــ سال ۱۳۳۹ .

STOLZE et ANDREAS : Die Handelsverhältnisse Persiens. Pet. Georg. Mitt. Ergsft 77. Gotha, 1885.

STRABO : The geography of strabo translated with notes, the first six volumes by H.S. Hamilton, the remainder by W. Falconer. 3 volumes. Bohn's Classical Lib. London, 1912.

STUART, Gen. Charles : Journal of a Residence in northern Persia and the adjacent provinces of Persia. London, 1884.

در صفحات ۲۸۴ ـــ ۲۴۷ از شهر دماوند ، فیروزکوه ، زیرآب ، ساری و آمل و تهران بحثی بهمیان آمده است .

TSUCKNBERG, S.C. : Hydrographie des Russischen Reiches T.5.. 1848.

SVEN HEDIN · Genom Khorasan. Stockholm, 1892.

در قسمت اول صفحات ۶۹ ـــ ۵۷ از دامغان و چهارده و جهان‌نما و استراباد شرحی به میان آمده است .

SYKES, MAJOR P.M. : A sixth journey in Persia. J.R.G.S. January 1911, London.

TEXIER, C. : Description de l'Armenie, la Perse, et la Mesopotomie. Paris, 1842-45.

THEVENOT : The travels of Monsieur de Thevenot into Levant. London, 1687.

THOLOZAN, Dr. J.D. : Sur les Vents du Nord de la Perse et sur le Foehm du Ghilan. Comptes Rendus, Acad. Sc. de Paris, 1885.

THOMAS, EDWARD. F.R.S. : Recent Pehlawi decipherments. London, 1872.

THOMAS OLDFIELD, F.R.S. : On Mammals from northern Persia, presented to the National Museum by Col. A.C. Bailward. Annals and magazine of Natural History, Ser. 7, Vol. XX, Sept. 1907.

THOMSON, TAYL : An account of the ascent of mount Demavand in 1837. Journal of the Royal Geographical Society, T.I., 1838.

TOMARA, M.L. : Economicheskoé Polojenié Persié. St. Petersburg, 1895.

TORNAUW : Aus der Neuesten Geschichte Persien. Z.D.M.G. 3 Bd. 1849.

TORNBERG : Sur une monnaie de "THAIR FILLAH". Revue Archaeol. 1855, p. 427.

TOWNLEY, W. : Cultivation of Olives in Gilan, 1891. Dipl. and Cons. Rep. Misc. Ser. 191.

TREZEL, Colonel : Notice sur le Ghilan et le Mazandéren, dans le voyage en Armenie et en Perse (1805-1806 de p. Amédée Jaubert. Paris, 1821.

VANDENBERGHE, L. : Archeologie de l'Iran Ancien. Leinden E.J. Brill, 1959. این کتاب را آقای عیسی بهنام به پارسی ترجمه‌کرده‌اند .

VASMER, R. Die Eroberung Tabaristan durch die Araber zur zeit des chaliefen al-mansur. Verlag der Asia major. Leipzig. Separat druck aus Islamica.

VASMER, R. Die Münzen der Ispehbed und Statthalter von Tabaristan.

VOSKOBOINIKOV : Puteshestviye po severnoi persii. 1843-1844. Gornii Zhurnal, St. Petersburg, 1846.
German translation in Ermans Russ Archiv.
مطالبی در زمین شناسی شاهکوه ، ساری ، فیروزکوه ، کجور ، تهران دارد .

Voyage de monsieur le chevalier chardin en Perse, et autre lieux de l'orient. Amesterdam, 1711.

V. WEISS und V. STARKENFELS und TH. V. SCHWARZ HUBER: Key Kaws im Masenderan, aus dem Schahname etc. Wien, 1841.

WAHL, G. : Altes und Neues Vorder und Mittel-Asien. Leipzig, 1795.

WELLS, Lt. Col. H.L. : Across the Elborz mountains to the Caspian Sea. The Scotish geographical magazine. Jan. 1898.
در صفحات ۹ — ۱ از افچه و کجور و نور رودبار و ملاکلا بحثی به‌میان آمده است .

WHIGHAM, H.J. : The Persian problem, London, 1903.

WILBRAHAM, :Travels in the Trans-Caucasian Provinces, London. 1839.
در صفحات ۴۷۷ — ۴۲۳ شرحی دربارهٔ تهران ، فیروزکوه ، زیرآب ، ساری، اشرف (بهشهر) و آمل دارد .

WINDT, H. de : A Ride to India across Persia, London, 1891.

شرحی راجع به راه رشت تااستراباد در این کتاب آمده است .

WULSIN, F.R. : Excavation at Tureng Tepe near Asterabad. Supplement to the bulletin of the American institute for Persian Art and Archaeology, Vol. II, No. 1 bis, March 1932, New York.

ZAMBAUR, EDUARD VON : Die Münzprägunagen des Islam Zeitlish und Ortlich Geordnet. Wiesbaden, 1968.

در این کتاب از ضرابخانه‌هـــای آمل ص ۳٤ و استراباد ص ٤٦ و تیمجـــان ص ۹۳ و جرجان ص ۹٦ و چوکام ص ۱۰۲ ودنباوند ص ۱۱۸ و دیلم ص ۱۲۲ رستمدار ص ۱۲٦ و رشت ص ۱۲۷ و رودبار ص ۱۲۸ و ساری یا ساریه ص ۱۳٦ و طارم یا طرم ص ۱٦۹ و طبرستان ص ۱۷۰ و فریم ص ۱۸۵ و گرجیان ص ۲۰٤ و کرسی‌الدیلم ص ۲۰٦ وگویج و چوکام ص ۲۱۵ و گیلان ص ۲۱٦ و لاهیجان ص ۲۱۸ و لشتنشاه ص۲۱۹ ومازندران ص ۲۲۱ وهوسم ص ۲٦۷ سخن بمیان آمده است .

ZENOVIEFF : Statistique du Guilan de Chahroud et de Bastam, 1879-1881.

متن این کتاب به زبان روسی است . عنوان آن به فرانسه ترجمه شده‌است .

ZUSTAND : Des Russ Handels in der persischesn provinz Masanderan. St. Petersburg. 1836.

فهرست کتبی که قبل از زمان ملگونوف نویسندگان روسی دربارهٔ گیلان و مازندران و گرگان نوشته بوده‌اند

BEREZINA,I. : Puteshestviye po severnoy persii Kazan, 1852.

BLARAMBERGA, N.F. : Statisticheskoye obozryenis Persii, 1841. Zap. Russk. Geogr. Obsh. 1850 i 1853.

BLARAMBERGA, N.F. : Zhurnal Vedenbii vo vremai zkpelesi gla obozhrenia vostochn. ber. Kasp. Moriya, 1836.

BLARAMBERGA, N.F. : Topographicheskoyé i statisticheskoyé opisaniye vost-berega Kasp. Moriya.

BODZ, K. : Opisaniyé Torkmenskoy Zemli. Otech. Zap. 1856, G. Iyul i Avgust.

BODZ, K. : O Turkmenskikha pokoleniyax : Yamudakh i Gokpanakha. Zap. Rus. Geogr. Obsh. 1847. KN. 2.

DRUVILA, G. : Puteshestviyé po Persii ve 1812 i 1813 G. G. Prev Sfrantz, 1826.

IVASHINSOVA, N. : Noveysheye opredeyleniye Gori Damavend and uruvenem Kasp. Moriya. Morskoy Sbornik, 1861, No. 4.

IVASHISOVA, N. : Pisma siyuzhnago Kaspiskavo pribrezhiya Doktora M. Zhurnal "Vremiya", 1862.

IVANINA, M. Poyesdka na Polustova Mangishlaka, 1846. G. Zap Rus. Geogr. Obshch. KN 2. 1847.

GMELINA SAMUILA GOTLIBA : Puteshestviya po Rossi gla izsele dovaniya vesex triox zartsv veleriroje. S. Peterb., 1785. u.z.

KAZEMA-BEKA : Muridizma i Shamil. Zhurnal "Ruskoye Slovo," 1859, Dekabr.

KAZEMA-BEKA : Nadpisi Mazandaranskiya i Gilanskiya Otchet Aka demika Dorna o puteshvii po Kavkazu i Persii. St. Peterb, 1861.

KASTOMAROVA, N. : Bunga stenki Razina, izd. 2. St. Peterb., 1859.

KASTOMAROVA, N. : Bunga stenki Razina, izd. 2. St. Peterb, 1819 1820, G.G. Moskva, 1822.

MELGUNOV, G. : Kaspeyskago Moriya. St. Peterb., 1863.

POPOVA, A.N. : Snosheniya Rossi i Khivoyu Bokharoyu pri petre velikom. Zap. Rus. Geogr. Obshch., 1853.

RISSA : O Taleshinazakh ikha obraze zhizni i yaziki. Zap. Kavk. Otd Rus. Geogr. Obshch., 1853.

Rukopis sa Zamechaniyami Sovorova, 1780-1783, Sostavllenaya ve Astrakhan i ma Kubani.

SAVELEVA : Mukhamedanskaya Numizmatika ve Otnosheni ka Ruskoy istorii. St. Peterb., 1846.

S. Peterburgskiya Vedomesti, Ostrov Ashuradé, 1863, G. No. 63.

SOYMONOVA : Opisaniyé Kaspiskago Moriya sa Dopolneniyami izdatela istoriographa millera. St Peterb., 1763.

KHANIKOVA, N. : O premezha - Yushchikhsiya i izmeneniyakh urovniya Kaspeyskago Moriya. Zap. Kavk. Otd. Rus. Geogr. Obshch. KN. 2. 1853.

KHANIKOVA, N. : Voskhozhdenia na Demavand. Zap. Kabk. Geog. Obshch. 1853.

اصطلاحات فنی و لغات محلی

آویز : قسمتی از نوعی تزیین درهای چوبین است . پاره‌چوبی با کنده‌کاری از کلگی چهارچوب در حدود بیست سانتیمتر پایین آمده و بالای در ورودی قرارمی‌گیرد. این‌نوع کار دربقعهٔ الثایربالله‌درمیانده سیاهکله‌رود گیلان و امامزاده زکریا در شکر کوه کلاردشت دیده شد (ص۱۲۳) .

آهن‌کوبی : آهن ورق را بر خرپاکوبی سقف به‌عنــوان بام یا بر بدنهٔ بنا کوبیدن (ص ۱۵۲) .

اربه (خرمندی) : نوعی درخت جنگلی که میوهٔ آن را برای اربه شیره باسر که به‌کار می‌برند. نام علمی این‌درخت *Diospyros lotus* است (ص۲۲۹) .

اندرونی : قسمتی از بنای خانه‌های قدیمی که محل زندگی صاحبخانه و همسر و متعلقان اوست (ص۵۱) .

اوجا : از درختان جنگلی است که به نام *Ulmus Campestris* شناخته می‌شود (ص ۲۲۹) .

ایوان کتابی : ایوانی باریك در حدود یك متر عرض (ص ٤۹) .

باری : بنایی ازسنگ و گل . این واژه در دهکدهٔ فشکور شنیده شد (ص۱٤٤) .

بیرونی : قسمتی از منزل مسکونی که شامل حیاط و اطاقها است و مخصوص پذیرایی مهمانان است (ص ٥٠) .

پردی کوبی (بفتح پ) = پل‌کوبی : کوبیدن تخته برسر واشانها از بالا . پردو در لغت کوهپایه های تهران به چوبهای دسته بیلی گویند که از داخل اطاق برسقف کوبند (ص ۲۱٤) .

پشته : لبه های پیش آمدهٔ بام که برای جلوگیری از برخورد باران به دیوارها و پنجره‌ها ساخته می‌شود (ص ٤٩) .

پل کوبی – پردی کوبی .

پلور (بفتح پ وسکون لام و فتح واو) : تیرهای سقف را گویند که معمولا در سواحل شمال چهار نبش می‌کنند (ص ۷٤) در کوهستان نور نیز این واژه شنیده شد . در دهکده های نور به دستکهائی که روی پلور می‌اندازند رمس (بفتح راء و سکون میم وسین) گویند و چوبهائی به قطر دسته بیل که چپ وراست روی رمس می‌اندازنـد گلی (بـا چسباندن گاف و لام) گویند . تخته‌ها یا چوبهای گرده به قطر ده سانتیمتر که لاپ کرده وروی پلور بر خلاف جهت آنها قرار می‌دهند، لارده (بسکون راء و کسر دال) خوانند و به چوبهائی به قطر دسته بیل که از زیر به پلور می‌کوبند و با کوتاه و بلند بریدن آنها ، اشکال هندسی نظیر لوزی می‌سازند پردی (بفتح پ) می‌گویند .

پلورگیر = حمال = دوش‌کش : چوب قطوری که در طول بنا در وسط قرار می‌دهند و سرهای پلور از دو طرف بنا برآن می‌افتد (ص ۲۳۵) .

پنجره‌های ارسی (بضم الف و راء) : پنجره‌هائی کـه در دو طرف چهـارچوب دارای ناو هستند و از بالا به پاین و بالعکس حرکت می‌کنند . این پنجره‌ها معمولا آلت سازی دارند و شیشه‌های رنگین در آنهـا به کار می‌رود (ص ۵۱) .

تیجی = امرود : نوعی گلابی وحشی ریز است . درخت آن بزرگ می‌شود و میوهٔ فراوان می‌دهد (ص ۳۷۰) .

تیره : رشتهٔ اصلی کوه که آسمان گدار گویند (ص ۱٤۹) .

تیسکا = توسکا : از درختان جنگلی است که به نامهای علمی *Alnus Glutinosa* و *Alnus Vulgaris,* شناخته می‌شود .

چکش گردان : چوبهای چهار نبشی که سر آنها را با تراش تزیین می‌دهند ودر بالای دیوار برای نصب پشته‌ها قرار می‌دهند (ص٤٩) .

حلب پوش : بامهایی که با حلب پوشیده شده‌اند . در تهران شیروانی گویند (ص ٤٩) .

خرپا کوبی · کوبیدن چوبهای زیر شیروانی (ص ۱۵۲) .

خفنگ : پنجره های مشبك چوبین یا شیشه‌دار نورگیر که در بالای درها نصب می‌کنند (ص ۱۱۹) .

درزپوش زده : برای پوشاندن درز لمبه‌ها ، تخته‌های نازك و باریکی به پهنای چهار پنج سانتیمتر و قطر شش هفت میلی متر می‌تراشند و برروی درزها می‌کوبند لبهٔ این درز پوش گاهی زده است (ص ۷٤) .

دوش‌کش = پلور گیر (ص ۷٤) .

زگالی (بفتح زاء) : بنایی که دیوار آن از چوب است یعنی در فواصل معین چوبهای قطور عمودی در زمین قرار می‌دهند و روی آنها را از خارج و داخل چوبهائی به قطر هفت هشت سانتیمتر یا نازکتر با درازای دو سه متر می‌کوبند و فاصلهٔ این چوبها را با گل پر می‌کنند و،زخارج و داخل جدار بنا را گل مالی می‌کنند (ص ٥٥) .

ستون چوبین چهار سوی پخ زده : ستونهای چوبین چهار نبش که تیزی آن‌را گرفته‌اند (ص ٥٥) .

سربند : محلی در رودخانه که بند جلو آن می‌بندند و آب‌را در نهرها می‌اندازند (ص ۱۳٤) .

سرستون : قسمتی از ستون که چوبین است وجدا ، آن را به شکلهای مختلف تزیینی می‌تراشند و برستون نصب می‌کنند (ص ٤۹) .

سرستون دهان اژدری : سرستونی است که تراش دو طرف آن به شکـــل دهان اژدها است (ص ۸۷) .

سرنال : چوب قطور چهار نبشی که روی ستونها در طول ایوان قرار می‌گیرد (ص ٤۹) .

سفال سر : بناهایی که سقف آنها را باسفال پوشانده‌اند (ص ۸۷) .

سقا سنگ : سنگاب (ص ۳۰۹) .

سقا نفار : بناهای مربع شکل بلند چوبین که بر چهار پایه استوار است و درایام عاشورا یا مواقع دیگر آداب مذهبی در آنها اجرا می‌شود (ص ۳٤٦) .

شب خسب ـ شاغور : درخت گل ابریشم است که از درختان جنگلـــی شمـــال ایران است و در سالهای اخیر دچار آفت شده و بیشتر آنها خشك شده‌اند این درخت به نام علمی *Albizzia Julibrissim* شهرت دارد .

شمسه = نگار : قسمت اصلی تزیین که معمولا بزرگتر از سایر قسمتهاست و در متن صندوق یا در ورودی تکرار می‌شود و نقشهای دیگر از آن جدا می‌گردد (ص ۷٤) .

شهر = کیش = شمشاد : از درختان جنگلی شمال ایران است که چوب آن استفادهٔ صنعتی دارد و به نام علمی *Buxus Sempervirens* شناخته می‌شود (ص ۳۷۰) .

شیرسر : چوبهای چهار نبش با تراشهای زینتی که داخل بنا برای جمع‌کردن دهانهٔ سقف به کار می‌رود (ص ۹۰) .

شیشار = شهر (ص ۲۲۹) .

طاق جناغی : طاقی‌که بر سر درگاهها می‌زنند و میان آن تیز ونوك‌دار است . (ص ۱۳۲) .

طاقنما : قسمتی از دیوار که گودتر از سطح اصلی ساخته می‌شود . معمولا یکی دو طاقنما داخل هم می‌سازند (ص ۱۱٦) .

فرسب (بفتح فا وراء و سکون سین و باء) = پلورگیر . این واژه در دهکدهٔ رینه در بالا لاریجان شنیده شد (ص ٤١٨) .

فرش (بضم فاء) : ماسهٔ نرم را گویند که معمولا با آهك مخلوط می‌کنند و فرش آهك می‌خوانند و جدار دیوار را از داخل و خارج با این مخلوط می‌پوشانند (ص ۲٤۰) .

فرمونی : از درختان جنگلی است (ص ۲۲۹) .

فك (بکسر فاء) = بید : از درختان جنگلی است که معمولا به نام علمی *Salix Pentandra* معروف است (ص ۲۲۹) .

قاب و آلت : درها یا صندوقها که از تخته و آلت ساخته شده‌اند . تخته‌ها معمولا شکلهای هندسی پنج ضلعی دارندکه حاشیهٔ آنها زبانه دارد و داخل کمهای آلت قرار می‌گیرد یا لبهٔ تخته‌ها تیز است و داخل اشکاف آلت می‌افتد (ص ۱۲۰) .

کراب (بکسر کاف) : از درختان جنگلی است شاید با *Carob Tree* که همان درخت کرات است و نام علمی آن *Cerasus Vulgaris* معروف است ارتباط داشته باشد (ص ۳۷۰) .

کلاه درویشی : بامهایی که به شکل منشور مثمن‌القاعده هستند (ص ۱۱٦) .

کله (بفتح اول) : اجاق (ص ۲۷۱) .

کوتی = کتی (بضم کاف) : خاکریزهای دستی یا تپه های کوچك طبیعی که بر بالای آنها قلعه و استحکاماتی ساخته‌اند (۶۵) .

کهله : از درختان جنگلی است که به‌نام علمی *Pterocarya fraxinifolia* شناخته می‌شود (؟) (ص ۳۷۰) .

گلرد (بفتح اول و دوم وسکون سوم و چهارم) = و لرد (با همان اعراب) : قسمتی از کوه که سنگهای بزرگ به قطر نیم متر و هفتاد و پنج سانتیمتر بر اثر ریزش در آن جمع شده باشد (ص ۴۲۹) .

گل سری (بکسر اول و سکون دوم و فتح سوم) : بناهایی که روی سطح زمین می‌سازند و کرسی ندارند (ص ۳۱۱) .

گوشوار : پیش آمدگی کنج بناها نزدیك به سقف برای جمع کردن دهانهٔ سقف . معمولا بناهای چهارگوشه‌را با چهارگوشوار به‌هشت ضلعی تبدیل می‌کنند و پایهٔ بام را براین هشت ضلعی می‌گذارند و بامی به‌شکل هرم مثمن‌القاعده برآن می‌سازند (ص ۱۱۶) .

لاچ‌لنگری هفت‌و هشت : نوعی از کنده‌کاری بر ستونها که به‌شکل هفت و هشت است (ص ۸۷) .

لتازه : حفاظی که با قرار دادن تخته های عمودی جلو ایوان می‌سازند (ص ۱۲۱) .

لت‌پوش (بفتح لام و کسر تاء) : بناهائی‌که بام آنها را باتخته‌هائی به درازی سی و سی‌وپنج سانتیمتر و پهنای ده پانزده سانتیمتر پوشانده‌اند (ص ۱۲۲) .

لك = **کهل** : از درختان جنگلی است که زیر عنوان «کهله» شرح داده شد (ص ۲۳۶) .

لمبه‌کوبی (بفتح لام) : کوبیدن تخته هائی به‌پهنای پانزده بیست سانتیمتر و درازای سه چهارمتر ازداخل اطاق بر سقف تا پلورها پوشیده شود (ص ۵۶) .

مازو : از درختن جنگی شمال‌است‌که به نام علمی *Quercus Castaneaefolia* معروف است (ص ۲۳۵) .

ممرز (بکسر اول و سکون دوم وفتح سوم) = شرم (بفتح اول و دوم) : از

درختان جنگلی شمال است که به‌نام علمی *Carpinus Betulus* معروف است (ص ۲۳۹)

میرگا : مهره زردی و مهره‌های دیگر را گویند (ص ۲۱۵) .

ناو : دره‌ای کم عمق که از زمینهای اطراف بیش از یکی دو متر عمق ندارد (ص ۱٦۹) .

نگار = شمسه (ص ۱۳۳) .

واشان : چوبهای بلند چهار نبش به قطر ده دوازده سانتیمتر یا بیشتر که برای پوشاندن سقف به کار می‌رود . در تهران به جای آنها تیر به‌کار می‌برند (ص ٤۹) .

واشان کشی : تیر ریزی و چیدن واشانهای سقف با فواصل معین (ص ٤۹) .

هشتی : بنایی هشت ضلعی که پس از در ورودی کوچه قرار می‌گرفت و سپس از هشتی باگذشتن از در دیگر وارد حیاط ساختمان مسکونی می‌شدند (ص ۵۰) .

هلی : آلوچهٔ وحشی که به‌نام *Prunus Insititia* شناخته می‌شود (ص۲۲۹) .

یال : بازوهای کوه که از رشتهٔ اصلی به چپ وراست جدا می‌شود (ص ۱٤۹).

منابع و مآخذی که در نوشتن این کتاب از آنها استفاده شده است

آثارالبلاد واخبارالعباد تألیف زکریابن محمدبن محمود قزوینی چاپ بیروت سال ۱۳۸۰ قمری .

احسن‌التقاسیم فی‌معرفة‌الاقالیم تألیف شمس‌الدین ابوعبدالله محمدبن احمدابوبکر مقدسی معروف به بشاری چاپ لیدن سال۱۹۰۶ میلادی .

استرابادنامه به کوشش مسیح‌ذبیحی انتشارات فرهنگ ایران‌زمین‌سلسلهٔ متون و تحقیقات شمارهٔ ۱۲ .

اعلاق النفیسه تألیف ابن رسته چاپ‌لیدن سال ۱۳۰۶ قمری .

اقلیم نور از جمله کتبی‌که انجمن بهائیان تهران به‌چاپ رسانیده است .

تاریخ‌الامم‌والملوك تألیف ابوجعفر محمدبن جریرطبری چاپ قاهره‌سال ۱۳۵۷ قمری .

تاریخ‌خانی تألیف علی‌بن شمس‌الدین محمدلاهجی تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده انتشارات بنیاد فرهنگ ایران شمارهٔ ۱۶۶ سال ۱۳۵۳ شمسی .

تاریخ رویان‌تألیف مولانا اولیاءالله آملی تصحیح و تحشیه منوچهرستوده

انتشارات بنیاد فرهنگ ایران شمارهٔ ٦٤ سال ١٣٤٨ شمسی .
تاریخ طبرستان ورویان و مازندران تألیف سیدظهیرالدین‌بن سید نصیرالدین مرعشی به‌اهتمام عباس شایان تهران ۱۳۳۳ شمسی .
تاریخ گیلان تألیف ملاعبدالفتاح فومنی گیلانی تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده انتشارات بنیاد فرهنگ ایران شمارهٔ ۹۲ سال ١٣٤٩ شمسی .
تاریخ گیلان و دیلمستان تألیف سیدظهیرالدین‌بن سید نصیرالدین مرعشی تصحیح و تحشیهٔ منوچهر ستوده انتشارات بنیاد فرهنگ ایران شمارهٔ ٤٦ دی‌ماه ١٣٤٧ شمسی :
تاریخ مازندران تألیف اسماعیل مهجوری مجلد اول دی‌ماه ١٣٤٢ شمسی.
تاریخ مازندران تألیف اسماعیل مهجوری مجلد دوم تیرماه ١٣٤٥ شمسی .
التدوین فی‌احوال جبال‌شروین تألیف محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه یونت‌ئیل ۱۳۱۱ قمری .
التفهیم لاوایل صناعةالتنجیم تألیف ابوریحان بیرونی تهران ۱۳۱۸ شمسی.
التنبیه‌والاشراف تألیف مسعودی چاپ قاهره سال ۱۳۵۷ قمری .
جغرافیای تاریخی مازندران تألیف حاجی‌محمدمیرزا مهندس سال ۱۳۰۱ نسخهٔ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران .
جغرافی لار تألیف محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه شمارهٔ ٦۳۹ کتب‌خطی کتابخانهٔ ملی ایران .
خرده‌اوستا تفسیر و تألیف پورداود ازسلسله انتشارات انجمن‌زرتشتیان ایران بمبئی و انجمن ایران‌لیگ بمبئی ازنفقهٔ پشوتن‌مارکر .
دائرةالمعارف اسلامی .
روزنامهٔ خاطرات اعتمادالسلطنه تألیف محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه بامقدمه و فهارس از ایرج‌افشار تهران ١٣٤٥ شمسی .

روزنامهٔ کیهان شمارهٔ ۸۵۲۳ یکشنبه ۲۱ آذرماه ۱۳۵۰ شمسی .
روضةالصفای ناصری تألیف رضاقلی‌خان هدایت تهران ۱۲۸۰ قمری .
سفرنامهٔ استراباد و مازندران و . . . مورخ ۱۲۷۵ قمری‌تصحیح مسعود
گلزاری انتشارات بنیاد فرهنگ‌ایران سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی.
از متن عکسی استفاده شده است .
شترستانهای ایران ترجمه از متن پهلوی ازمجموع نوشته‌های پراکندهٔ
صادق هدایت .
صورةالارض تألیف ابن‌حوقل چاپ‌لیدن سال ۱۹۳۸ میلادی .
طرائق‌الحقایق تألیف محمدمعصوم شیرازی معروف به معصوم‌علیشاه
(نایب‌الصدر) به تصحیح محمدجعفر محجوب تهران ۱۳۴۵
شمسی .
عالم‌آرای عباسی، تألیف اسکندربیگ منشی مؤسسهٔ مطبوعاتی امیرکبیر
سال ۱۳۳۵ شمسی .
عباسنامه تألیف محمدطاهر وحید قزوینی به‌تصحیح و تحشیهٔ ابراهیم
دهگان کتابفروشی داودی اراك اسفند ۱۳۲۹ .
غاررنگ‌وجان به قلم عبدالحسین امینی مجلهٔتاج سال دوم شمارهٔ ۹
دوشنبه دوم مرداد ۱۳۲۹ شمسی .
فرهنگ جغرافیائی ایران مجلدسوم استان‌دوم از انتشارات دایرهٔ
جغرافیائی ستاد ارتش شهریور ۱۳۲۹ شمسی .
فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران‌تألیف نصرت‌الله مشکوتی.
الکامل فی‌التاریخ تألیف ابن‌الاثیر جزری مصر ۱۳۰۱ قمری .
کتاب‌البلدان تألیف ابن‌فقیه لیدن ۱۳۱۲ قمری .
گزارشهای باستانشناسی ایران باستان .
مازندران و استراباد تألیف رابینو متن انگلیسی لندن سال ۱۹۲۸
میلادی متن‌کتیبه‌ها درمطبعهٔ اعتمادقاهره سال۱۳۴۲قمری‌مطابق

۱۹۲٤ میلادی .
مازندران و استراباد تألیف رابینو ترجمهٔ وحیدمازندرانی بنگاه ترجمه ونشر کتاب تهران سال ۱۳۳٦ شمسی .
مجلهٔ خواندنیها سال دوازدهم ٤۳ شنبه پنجم بهمن‌ماه ۱۳۳۰ شمسی .
مجلهٔ نیرو و راستی سال پنجم شمارهٔ۱۵۵ ؛ چهارشنبه ۲۸ مردادماه ۱۳۲٦ شمسی .
مجمل‌التواریخ والقصص به تصحیح ملك‌اشعرای بهار تهران ۱۳۱۸ شمسی .
مجموعهٔ شمارهٔ ٤۳۳۰ کتابخانهٔ ملی ملك مورخ ۱۲۹۹ قمری .
مجموعهٔ کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی شمارهٔ ۷۲٦ مجلد دوم .
مجموعهٔ کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی شمارهٔ ۷۳۲ .
مجموعهٔ کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی شمارهٔ ۷۳۳ .
مرآت‌البلدان تألیف محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه تهران۱۲۹۷ قمری .
المسالك‌الممالك تألیف ابواسحق ابراهیم‌بن محمدفارسی اصطخری‌لیدن ۱۹۲۷ میلادی .
معجم‌البلدان تألیف ابوعبدالله یاقوت‌بن عبدالله حموی‌لیپزیك ۱۸٦٦ میلادی .
نزهة‌القلوب تألیف حمدالله مستوفی قزوینی به‌سعی و اهتمام لسترانج لیدن ۱۹۲۳ میلادی .
هیأت علمی فرانسه در ایران ترجمهٔ کاظم‌ودیعی .
یسنا تفسیر وتألیف پورداود سلسله انتشارات انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی و انجمن ایرانلیگ بمبئی ازنفقهٔ پشوتن‌مارکر .
یشتها تفسیر و تألیف‌پورداود از سلسله انتشارات انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی و انجمن ایرانلیگ ازنفقهٔ پشوتن‌مارکر .

کتابهای خارجی

ABBOTT. K.E. : Narrative of a Journey from Tabriz along the Shores of the Caspian Sea to Tehran.

BARTHOLOMAE, C. Altir Wörterbuch.

DARMESTETER, Le Zend Avesta. 3 Vol. Paris, 1892-93.

FRASER, J.Bè : Travels and adventures into the Persian Provinces on the Southern banks of the Caspian Sea, London, 1826.

LOVETT, C.B. : Itenerary notes of Route Surveys in Northern Persia, 1881 and 1882.

MACKENZIE, C.F. : Narrative of a journey from Rasht in Gilan through Mazandaran to Asterabad during the winter and spring of 1858 - 1859.

SAMADI, H. : Les découvertes fortuites Klardasht Garmabak, Oman et Tomadjan.

WELLS, Lt. Col. H.L. : Across the Elborz Mountain to the Caspian Sea in the Scottish Geog. Magazine. Jan. 1898.

دنبالهٔ مجلد دوم

بازماندهٔ بناها و آثار تاریخی جیرولایت اشکور، سیارستاق و بالااشکور

امامزاده برهان [1]

در یك کیلومتری دهکدهٔ میج بالااشکور

بنای امامزاده در میان گورستانی قدیمی است . بیش‌از هشتاد سال است‌که حجةالاسلام آخوند ملاعلی اشکوری‌که از علمای معروف تنکابن و اهل اشکوربالا بود ، بقعهٔ مزبور را از نو ساخت . آخوند زمستانها را در محلهٔ «خوبان رزگاه»[2] و تابستانها را ابتدا در دهکدهٔ « تمل »[3] و بعداً در دهکدهٔ میج می‌گذرانید . قبر او درایوان همین بقعه است. درایام متبرك از اطراف به‌زیارت این بقعه می‌آیند وگاوو گوسفند قربانی می‌کنند .

بقعهٔ شاه سفیدکوه[4]

بالای قلهٔ کوه بلور ، نزدیك گردنهٔ میان کوه ، سرراه میج به‌لاك‌تراشان بنایی

۱ــ ازاین بقعه در ص ۴۱۵ ج ۲ ازآستارا تا استارباد، ذیل باقی‌آثار وبناهای‌تاریخی بالااشکور یاد شده است. ۲ــ بفتح راء وکسر زاء . ۳ــ بضم تاء و میم .

۴ــ درص ۴۱۴ ج۲ از آستارا تا استارباد از این بقعه یاد شده است .

است‌که با تیرهای قطور و چوب ساخته شده است . می‌گویند که هشتصد سال است‌که این بنا برپاست. روزهای‌جمعه وایام متبرك به‌عنوان زیارت دراین بقعه جمع‌می‌شوندو گاو وگوسفند قربانی می‌کنند . نظیر این بقعه‌که بربلندترین قله‌ها ساخته می‌شود ، درکوهستان گیلان زیاد است . ظاهراً کوههای بلند ، همچون درختان عظیم، درنظر کوه‌نشینان مقام و مرتبتی دارند و برای تعظیم و تکریم ، این بناها را بربالای آنها می‌سازند . ازاینها می‌توان سلطان برزکوه ، بقعهٔ تورار ، بقعهٔ گردکول ، بقعه‌های ملاخروشه وسوری واسّه‌تاشان ، بقعهٔ فیروزکوه ، بقعهٔ سام ولام برسر قلهٔ سواتدکوه ، شاه علمدار و بقعهٔ فضل و فاضل[1] را یادکرد .

مطالب از قلم‌افتادهٔ ناحیهٔ اوشیان رانکوه

چشمهٔ دم کش
درفتیج گوابر[2] اوشیان

درفصل زمستان درگودال‌اطراف چشمه ، آب بالا وپایین می‌رود . درتابستانها آب این چشمه چهل وهشت ساعت‌آرام است بطوریکه چشمه خشك می‌شود و چهل‌و هشت ساعت‌بعد آب‌می‌جوشد ونهرها راپرآب می‌کند . هنگام عقب نشینی وجوش‌آب صداهای غریبی‌ازچشمه شنیده می‌شود. نگارنده این چشمه را درتابستان ندیده‌است.

چاه عمیقی که با سنگ چیده‌اند
درپشت چشمهٔ دم‌کش فتیج گوابر اوشیان

درپشت چشمهٔ دم‌کش چاهی است‌که دهانهٔ آن نسبت به قسمت پـایین تنگ‌تر است وتمام داخل‌آن باسنگ چیده شده‌است. نظیر این چاه از واجارگا تارملك‌رامسر

۱ـ ازدوبقعهٔ آخر درمجلد سوم یادخواهیم‌کرد. ۲ـ بکسرفاء و تاء وضم‌گاف‌و فتح باء .

در دامنهٔ رشته تپه‌هایی‌که مسلط به دشت است ، دیده می‌شود . معروف است‌که این چاهها از زیر به هم راه دارند . اهالی می‌گویند این چاهها قرارگاه یا محل زندگی بوده است .

باقی بناها و آثار تاریخی اوشیان

۱ـ بقعهٔ شیخ‌احمد در دهکدهٔ دوران اوشیان .

۲ـ آستانهٔ دیتل دردهکدهٔ فتیج گوابر اوشیان .

۳ـ آستانه‌ای قدیمی دردهکدهٔ هرات‌بر اوشیان . دراین آستانه دوتن به خاك سپرده شده‌اند .

۴ـ گورستانی قدیمی در مرتع خشکاسرای اوشیان . مدفونین این گورستان پا به‌قبله دفن شده‌اند .

۵ـ گورستانی قدیمی در مرتع چوملاسرای اوشیان . دراین گورستان نیز مدفونین پا به‌قبله دفن شده‌اند .

۶ـ درشهرستان که فعلاً مرتعی میان قاسم‌آباد و اوشیان است آثار بنای‌قدیمی دیده می‌شود .

جغرافیای تاریخی و انسانی و تاریخ مازندران

مازندران میان ساحل جنوبی دریای خزر و سلسلهٔ اصلی کوههای البرز واقع است. این ناحیه در عرض جغرافیایی ۳۵ درجه و ۴۵ دقیقه تا ۳۷ درجه و طول جغرافیایی ۵۰ درجه و ۴۰ دقیقه تا ۵۴ درجه و ۳۰ دقیقه است. حدغربی آن بیشتر اوقات رود سورخانی و حدشرقی‌آن جرکلباد بوده‌است. طویلترین قسمت مازندران، از شرق به‌غرب ۲۹۲ میل (درحدود ۸۰ فرسنگ) واگر پیچ وخمهای ساحل دریارا به‌حساب آوریم البته بیشتر خواهد شد و پهن‌ترین قسمت مازندران درجنوب فرح ــ آباد است‌که به ۶۸ میل (۱۸ فرسنگ) می‌رسد. یک‌سوم این پهنا دشت و باقی کوهستان است.[1]

درمشرق جرکلباد، ناحیهٔ گرگان است و اگر گرگان امروزی را همان خاک «وهرکانه»[2] بدانیم، اراضی غربی، یعنی مازندران، دردست«دیوان‌مازنی»[3] بوده‌است.

دارمستتر کلمهٔ مازندران را صفت‌تفضیلی دانسته است و می‌نویسد که Mäzan _ Tara نظیر شوش و شوشتر است.[4]

۱ــ مازندران‌واسترا باد رابینو، متن‌انگلیسی، ص ۳. ۲ــ Vehrkāna

۳ــ Bartholomae , Altir Wörterbuch, Col. 1169 , ذیل Mazaniya Daëva .

۴ــ Darmesteter , Le Zend Avesta 11.373, Note 32 .

شاید حدس « نولدکه » بحقیقت نزدیکتر باشد . او می‌نویسدکه « مازن‌در » به‌معنی دروازهٔ مازن است . این ناحیه حدود معین و مشخصی داشت و زمانی از خاك طبرستان جدا بود .[۱]

درنوشته‌های اوستایی وپهلوی، ایرانیان، ساکنان این‌خاك‌را مردمانی‌خارجی‌و اجنبی دانسته‌اند .

دراوستاکهنترین سند تاریخی ما ، شش‌بار کلمهٔ « ورند »[۲] آمده و درتمام این موارد از دروغ‌پرستان این سرزمین یادشده و نام این دروغ‌پرستان ، اغلب با «دیوان مازنی» یکجا ذکر شده است .[۳] از فحوای این عبارات چنین برمی‌آیدکه در این دو سرزمین ، گروهی به‌آیین قدیم خود باقی مانده و پیرو دین زرتشتی نشده‌اند.

درنخستین‌فرگرد وندیداد فقرهٔ ۱۸، این سرزمین راچهارمین‌کشور روی‌زمین شمرده و مولد و منشأ فریدون دانسته است .

بنابر متن بندهشن « مـردم مازندران ، از پـدر و مادری غیراز پدر و مـادر ایرانیان و عربها بدوجودآمده‌اند . »[۴] درمتن شاهنامه نیز به فکری نظیر همین فکر برمی‌خوریم .

از ساکنان‌گذشتهٔ مازندران « تپیرها »[۵] را می‌توان نام برد . اینان‌درکوهستان شمالی سمنان ساکن بوده‌اند . « امردها »[۶] نیز ازساکنان قدیمی این ناحیه بوده‌اندکه طبق اظهارنظر «اندره‌آس» و «مارکوارت» نام خود را به‌شهرآمل داده‌اند .این‌دوتیره، از اسکندر مقدونی شکست خورده‌اند .

۱- . Grund . d. Iran. Phil . 11 . 178   ۲- بفتح واو وکسر راء وفتح‌نون.
۳- یشتها جلد اول ، ص ۵۷، فقرهٔ ۱۹ هزمـزدیشت . همین‌کتاب صفحهٔ ۶۷، فقرهٔ ۳۲ هزمزدیشت . یسنا جلد اول، ص ۲۳۱،فقرهٔ یك‌یسنای ۲۷. خرده‌اوستا ، ص ۱۰۰،فقرهٔ دوم‌هوشبام . یشتها جلددوم،ص۷۵، فقرهٔ۷۱ فروردین‌یشت . وندیداد فرگردیك،فقرهٔ۱۸.
۴- بندهشن، ص ۲۸، فقرهٔ۱۵.   ۵- بفتح‌تاء .   ۶- بفتح الف و میم .

پادشاه پارتی به نام « فرادات اول » درسال ۱۷۶ پیش‌از میلاد ، امـردها را به ناحیهٔ خوار ، درشرق ورامین کوچ داد وسرزمینی راکه ایشان درآن سکونت‌داشتند به‌تپیرها رسید و ظاهراً بعدها کلمهٔ « طبرستان » به سرزمینی اطـلاق شدکه در دست تپیرها بود .

این نام درسکه‌های پهلوی به‌شکل «تپورستان» دیده می‌شود وطبرستان، شکل نام‌گذاری‌اعراب است .

ابن‌الاثیر ، درتقسیم کردن‌ایران، میان‌سران‌حکومت، به‌توسط‌الب‌ارسلان‌درسال ۴۵۸ هـ .ق . می‌نویسدکه مازندران را به‌امیر ایناتج بیغو داد .[۱]

ابن‌اسفندیار[۲] و یاقوت[۳] می‌نویسند که بتدزگی نام مازندران به جای طبرستان به کار می‌رود . زکریای قزوینی[۴] می‌نویسد که ایرانیان ، طبرستان را مـازندران می‌خوانند . حمدالله مستوفی میان خاك مازندران و طبرستان فرق می‌گـذارد . در زمان او ، هفت‌تومان ولایت مازندران ، شامـل : جرجان ، موروستاق ، استراباد ، آمل ورستمدار ، دهستان ، روغد و سیارستاق بوده است .[۵]

ازطرف دیگر « دیارقومس و طبرستن » شامل :سمنان ، دامغان ، فیروزکوه‌و شهری از خاك دماوند به نام « فرّیم » می‌شود .[۶] خواندمیر نیز متوجه این اختلاف بوده و یادآور شده است .[۷]

ظاهراً نام «پتشخوارگر = پذشخوارگر » بیشتر به‌منطقهٔ کوهستانی مازندران و گیلان اطلاق می‌شده است درصورتیکه وسعت این ناحیه بیشتر بوده‌است .

درمتن پهلوی کتاب شترستانهای ایران‌که درسال ۱۸۴ هـ . ق تألیف شده است

۱ـ الکامل‌فی‌التاریخ،قسمت ۱۰، ص ۳۴. ۲ ــ تاریخ‌طبرستان، ص ۱۴ .
۳ـ معجم‌البلدان، ج ۳، ص ۵۰۲ . ۴ــ آثارالبلاد، ص۲۷۰ .
۵ـ نزهةالقلوب، ص ۱۵۹ و ۱۶۰ . ۶ ــ نزهة القلوب، ص ۱۶۱ و ۱۶۲ .
۷ـ مطالب گذشته از دایرةالمعارف اسلامی ترجمه شده است .

این عبارات دربارهٔ بذشخوارگر دیده می‌شود :

« بیست شهرستان در بذشخوارگر ساخته شده ، چه ارمایل . . . پس او (ارمایل) به‌فرمان فریدون برای کوه‌نشینان ساخت . ایشان ازآزی‌دهاك (ضحاك) شهریاری کوهستان رابه دست آورده بودند . »[۱]

گرگان ناحیهٔ شرقی مازندران از یك‌طرف به‌دینار جاری واز طرف دیگر به جنگل انجدان محدود می‌شد . جنگل انجدان شاید ازتمیشه زیاد دور نبوده است و تمیشه هم محلی بود در مغرب خندقی‌که اسپهبد فرخان‌کبیر ، برای دفاع در برابر تورانیان ، کنده بود . استراباد را « بیرون تمیشه » و اراضی شرقی مازندران را « اندرون تمیشه » می‌گفتند .

حدود مازندران از تمیشه و جنگل انجدان در مشرق تا نمك‌آبرود در مغرب بودکه آن‌را از رستمدار جدامی‌کرد. مازندران‌شرقی، به‌مناسبت عنوان‌شاهزادگانش، اسپهبد یا اسپهبدان خوانده می‌شد ، چنانکه ناحیهٔ رستمدار را نیز « استنداریه » می‌گفتند .

مازندران درقدیم به موزاندرون معروف بود ؛ زیرا «موز»نام کوهی بودکه از حدود گیلان تا لارقصران کشیده می‌شد و چون این سرزمین در درون کوه موزبود ، به‌این نام مشهور شد.[۲]

۱ـ شترستانهای ایران ترجمه از متن پهلوی ، از مجموعهٔ نوشته‌های پراکندهٔ صادق هدایت، ص ۴۲۲ و ۴۲۳ . طبق نقل یاقوت و دینوری ، ارمایل ، آشپز آزی‌دهاك و به روایت دیگر ارمـئیل وزیر بیوراسب بوده است . (التفهیم ، ص ۲۵۷ و ۲۵۸ و مجمل‌التواریخ ص ۴۰)پذشخوارگرسلسلهٔ کوههای البرزاست وفرمانروایان این سرزمین را « کوهیار » گویند . عنوان «کوهیار» در زند وهومن‌یسن‌آمده است(نقل از حاشیهٔ ص ۴۲۳ مجموعهٔ نوشته‌های پراکندهٔ صادق هدایت) . ۲ ـ مازندران و استراباد رابینو، متن انگلیسی، ص۳ .

رشتهٔ اصلی البرز ، حد جنوبی خاك مازندران و موازی با ساحل دریاست . بستر رودخانه‌ها ، این رشته را به‌قسمتهای مختلف ، تقسیم کرده‌است . دهانهٔ این رودخانه‌ها تمام‌شمالی‌است . رود مزارچوب، خاك طبرستان را ازتنکابن جدامی‌کند.

رودهای مازندران به‌دونوع تقسیم می‌شوند . یکصد رودخانهٔ کوتاه ، در خاك مازندران ، جریانی شمالی دارند و به‌دریای خزر می‌ریزند و رودخانه‌های بزرگتر که عمق و وسعت سرچشمه‌های آنها بیشتر است ، ازغرب به‌شرق ، بدین ترتیب‌اند :

سرداب‌رود ، چالوس ، هراز که آبهای لار و دماوند و سرچشمه‌های دیگر درآن می‌ریزد و از میان آمل می‌گذرد ، بابل رود (رودخانهٔ بارفروش) ، تالار (رودخانهٔ علی‌آباد = شاهی) ، تجن (رودخانهٔ ساری) ، رود نکا (اسب‌نیزه) که جریان آن شرقی غربی است .

حدشرقی مازندران (طبرستان) با خاك گرگان (استراباد) ، ظاهراً در تمام اوقات در حوالی کلباد ، برساحل رود کرند بوده است . این رود خلیج استراباد و کوهستان مازندران را ازخاك‌گرگان جدا می‌کند .

ابن‌اسفندیار حدشرقی طبرستان را ازدینار جاری می‌گیرد و حد غربی آن را به « ملاط » ورای هوسم می‌رساند .[۱] در ادوار بعد شهر شالوس (چالوس) برسر مرزو سامان طبرستان و دیلمان واقع بود .[۲] اما بعدها تا درهٔ سرداب‌رود (کلاردشت) نیز جزء خاك طبرستان به حساب آمده است . اراضی ساحلی تنکابن ــ در غرب سرداب‌رود ــ گاهی ادارهٔ آن با مازندران و زمانی باگیلان بوده است .

ابن‌رسته درسال ۲۹۰ هـ . ق . از دیوار آجری و دروازهٔ طمیس (تمیشه)

۱ــ تاریخ طبرستان،ج ۱،ص ۵۶ . دهکدهٔ ملاط تا امروز باقی‌است و مدفن‌خاندان سلاطین کیایی گیلان است وآنطرف هوسم (رودسر) قرار می‌گیرد . ۲ــ اعلاق‌ـ النفسیه ابن رسته، ص ۱۵۰ .

سخن به‌میان آورده ومی‌نویسدکه مسافران باید از این دروازه بگذرند.[۱] وابن‌فقیه نیز عین این مطالب را یاد کرده است.[۲]

جغرافیانویسان مسلمان، میان ناحیهٔ پست ساحلی (سهلیه) ومنطقهٔ کوهستانی (جبلیه) مازندران فرق گذاشته‌اند.[۳]

شهرهای مهم طبرستان‌که در اراضی پست ساحلی بودند ازاین قرارند:

شالوس (چالوس)، کلا (کلار)، میله، ترجی (توجی = برجی) عین‌الهم مامطیر (بارفروشده = بارفروش= بابل)، ساری،طمیس (تمیشه).[۴]

قصبه یا شهر معتبر طبرستان درزمان یعقوبی (۲۷۸ هـ. ق.) هنوز شهر ساریه (ساری) بود.[۵] اما در زمـان مسعودی و اصطخری (۳۴۰ هـ. ق.) و ابن حوقل (۳۶۷ هـ. ق.) شهر معظم ایـن ناحیه، آمل بـودکه آن را بـزرگتر از قـزوین می‌دانستند.[۶]

ناحیهٔ کوهستانی مازندران کاملاً محدود و مشخص است. اما ارتباط آن با اراضی پست ساحلی، در کتب جغرافیای اسلامـی، زیاد روشن نیست.[۷] طبری در سوانح سال ۲۲۴ هـ. ق.، به سه منطقهٔ کوهستانی، درمازندران اشاره کرده‌است:

۱ـ کوهستان ونداهرمز در وسط. ۲ـ کـوهستان برادرش ـونداسنجان بن الندابن قارن. ۳ـ کوهستان شروین بن سرخاب.[۸]

اما ابن‌رسته می‌نویسدکه ونداهرمزقارنوند، نزدیك دنباوند حکومت داشت[۹] و درجـای دیگر از کتاب خود می‌نویسد که دوران حکمروایی جریر بن یزید،

۱ـ اعلاق‌النفسیه، ص۱۴۹. ۲ـ کتاب البلدان،ص۳۰۳. ۳ـاصطخری، ص ۲۱۱ و ۲۷۱. ۴ـ اصطخری،ص ۲۰۷ ـ مقدسی، ص۳۵۳. ۵ـ کتاب البلدان، ص۲۷۶. ۶ـ التنبیه‌والاشراف، ص ۱۷۹ ـ مسالك‌الممالك، ص ۲۱۱ ـ صورةالارض، ص ۲۷۱. ۷ـ به شرح مختصر درهم ریختهٔ مسالك الممالك اصطخری، ص ۲۰۴ نگاه کنید. ۸ـتاریخ‌طبری،ج۳،ص۱۲۹۵. ۹ـاعلاق‌النفسیه، ص۱۵۱.

ونداهرمز ، هزار جریب اراضی‌صوافی ، بیرون شهرساری خریده است .[۱] این اراضی ظاهراً درچشمه‌های رود تجن و نکا قرارداشت و امروز هم به‌نام هزارجریب خوانده می‌شود . بعدها قسمت اعظم مازندران شرقی ، جزء قلمرو وندآهرمز به حساب آمده است . ونداسنجان ، ظاهراً برقسمت وسیعتری از مازندران حکومت داشت ، زیرا پایتخت او به‌نام « موزن » محل اجتماع لشکریانی بودکه به‌خاك دیلمان گسیل می‌شدند . اما کوهستان شروین ، شامل قسمت جنوب شرقی مازندران بود ، زیرا به‌گفتهٔ ابن‌فقیه قلمرو او نزدیك قومس بوده است .[۲]

در زمان اصطخری (۳۴۰ هـ . ق .) سه ناحیهٔ کوهستانی بدین ترتیب مشخص شده‌اند :

۱ـ کوهستان روینج . ۲ـ کوهستان فادوسبان . ۳ـ کوهستان قارن . این سه ناحیه ، شامل کوههای بلندی است و هرکوهستانی سرکرده‌ای دارد . کوههای روینج، بنابه‌گفتهٔ ابن‌حوقل ،میان ری وطبرستان است.[۳]

«بارتلد» روینج را با « رویان » یکی دانسته است . ابن‌رسته می‌نویسدکه خاك رویان ، نزدیك ری است . در زمان او (۲۹۰ هـ.ق.) رویان جزء طبرستان نبوده ، بلکه کوره‌ای جداگانه به حساب می‌آمده است و « کجّه »[۴] حاکم‌نشین آن بوده است . حدود رستمدار و رویان تقریباً یکی است و رستمدار بعداً شامل‌تمام مازندران غربی یعنی خاك میان سخت‌سر (رامسر) وآمل بوده است .[۵]

کوهستان قارن فقط یك قصبه به‌نام « شهمار » داشت‌که دریك روزه راه‌ساریه بود . سلاطین محلی سلسلهٔ قارن درقلعهٔ فریم مستقر بودند . این قلعه ظاهراً باید ،

۱ـ اعلاق‌النفیسه ، ص ۱۴۹ . ۲ـ کتاب البلدان، ص ۳۰۵ .
۳ـ صورة‌الارض ، ص ۳۷۷ . ۴ـ کجه‌رستاق از بلوك کجور است . ۵ـ برای دانستن حدود دقیق رستمدار و رویان به‌کتاب تاریخ رویان چاپ نگارنده صفحات هفت تا شانزده نگاه کنید .

کنار شاخهٔ غربی رودخانهٔ تجن باشد ، بلوك کنونی فریم ، درهزارجریب است . با تعیین وضع دقیق‌تر ، باید گفت‌که در نیمهٔ غربی این ناحیه است‌که امروز دودانگه خوانده می‌شود .

بنابرگفتهٔ ابن‌اسفندیار ، کوههای وندا امید ، در دست خاندان قارن بود .[۱] همین مؤلف درصفحهٔ ۲۵کتاب خود می‌نویسدکه‌آب جامع‌آمل ازاین‌کوهها می‌آید . شهر آمل ، لفور (درسرچشمهٔ بابل‌رود) و فریم‌که کوه قارن خوانده می‌شود ، تمام در قلمرو این خاندان بود . یاقوت ، جبال شروین را نیز جزء خاك خاندان قارن می‌داند .[۲] مرحوم میرزاحسن‌خان اعتمادالسلطنه[۳] جبال‌شروین را با سوادکوه یکی می‌داند . ناحیهٔ سوادکوه در سرچشمه‌های رودخانهٔ تالار است . تالار از علی‌آباد (شاهی) که میان آمل و بارفروش (بابل) است می‌گذرد . گردنه‌ای‌که به‌سوادکوه می‌رسد ، تا امروز شلفین < شروین خوانده می‌شود .

کوهستان پادوسپان (فادوسبان‌که به‌اشتباه قادوسیان خوانده‌اند) درفاصلهٔ یك روزه راه از ساری بود و مسجد جامعی داشت . سران این ناحیه دردهکدهٔ « اُرم »[۴] زندگی می‌کردند . واسمر[۵] می‌گویدکه این محل را درفاصلهٔ میان بستر رودخانه‌های بارفروش (بابل) و علی‌آباد (شاهی) ، درشمال لفور و نزدیك شیرگاه باید جستجو کرد .

طوایف وتیره‌های ساکن در مازندران

میان مازندرانیها و گیلانیها اختلاف زیاد نیست . اما مازندرانیها از نظر جسمی مردانه‌ترند . چون تابستانها را درکوهستان بسر می‌برند.

۱ـ تاریخ طبرستان، ج ۱، ص ۹۵ . ۲ ـ معجم‌البلدان، ج ۳، ص۲۸۳ .
۳ـ التدوین فی‌احوال جبال‌شروین ، ص ۴۲ . ۴ـ بضم‌الف وفتح‌راء . در صورة‌ـ الارض ابن‌حوقل، ص۲۶۸، س ۱۷ ، ادم خواست وآرم آمده‌است . ۵ـ Vasmer

عدهٔ سادات در مازندران زیاد است . پس‌از شهادت حضرت رضا ، بعضی از منسوبانش به‌مازندران پناهنده‌شدند وهنگامیکه‌یحیی‌بن‌عمر بن یحیی‌بن‌حسین‌درکوفه شورش کرد و درمیان زیدیه ادعای امامت‌کرد ، بعضی‌از سادات‌که درجنگ‌همراهش بودند ، پس‌از دستگیرشدن او ، به مازندران و دیلمان گریختند و به ریاست سید حسین‌بن زید ، از سادات‌علوی و بنی‌هاشم ، از حجاز و سوریه و عراق دسته دسته به طبرستان آمدند و این کار در زمان امرای بعدی خاندان علوی نیز دوام داشت .[1]

علاوه برسکنهٔ بومی و طوایف محلی ، قبیله‌های دیگری در سراسر مازندران پراکنده‌اند : خواجه‌وندها ،عبدالملکیها، لکها، گرایلیها،اصانلوها، بلوچها، افغانها و کردها ، در دورانهای مختلف به‌وسیلهٔ‌پادشاهان ایران به صفحات مازندران کوچانده شده‌اند. این گروههای مختلف چنان با اهالی درهم آمیخته‌اندکه بازشناختن آنها از دیگران‌غیرممکن است . غیراز کردها و عدهٔ کمی از ترکها ، همهٔ ایشان زبان اصلی خود را از یاد برده و زبان طبری را آموخته‌اند .

عبدالملکیها در دره‌گز بودند . سپس به شیراز و بعد از آن به شهریار کوچ داده شدند . آقامحمدخان ایشان‌را به‌نور فرستاد و ایشان چهل‌سال درآنجا ماندند. اما میرزاآقاخان نوری درسال ۱۲۷۲هـ .ق. ایشان‌را به‌داغمرز- نزدیك ساری-کوچ داد . خواجه‌وندها اصلاً از خاك لرستان هستند. آقامحمدخان ایشان را از اردلان‌و گروس به مازندران غربی آورد تا به کمك عبدالملکیها ، تهران را از شورش و اغتشاش شمال محفوظ نگاه دارد . لکها بیشتر درکلاردشت ساکن‌اند .

گرایلیها را آقامحمد از کالپوش آورد و در اندرود و میاندورود و قراطغان جا داد و مانند اصانلوها ایشان نیز ترك‌نژادند . صدوپنجاه خانوار اصانلو نیز به امر آقامحمدخان به‌ساری و دهات اطراف آن کوچانده شد . عدهٔ کمی طالش درکلت

۱- ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران واستراباد رابینو ،ص ۳۰ .

قراطغان وعدهٔ دیگری در حوالی عمارات سلطنتی سابق مازندران ودرناحیهٔ تنکابن‌و عدهٔ کمی «قوی حصارلو»هم‌درتنکابن سکنی اختیار کرده‌اند.ازایل‌قاجارنیز عده‌ای‌را در مازندران می‌توان دید . درحدود سی‌چهل خانوار بلوچ از بلوچستان به ساری آمده‌اند اما اثری از آنها باقی نیست . از افغانیها طایفهٔ غلجایی در قره‌تپه هستند . نادرشاه ایشان را به‌مازندران آورده‌بود . اما ایشان پس‌ازمرگ نادر به‌حدودگوکلان رفتند و آغامحمدخان دوباره ایشان را بازگردانید .

قبیله‌های‌کرد جهان‌بیگلو ومدانلو نیز درمازندران آمده‌اند . قبیلهٔ مهم دیگر ترك به نام عمرانلو نیز در گلوگاه بوده‌اند . عدهٔ کمی‌از اعراب را آقامحمدخان به مازندران آورد .

بعضی خانواده‌های گودر ، بنگاشی ، بربری ، کراچی وکولی نیز درمازندران بوده‌اند . از سی‌هزار گرجی و ارمنی‌که شاه‌عباس ایشان را به مازندران کوچاند ، عدهٔ‌کمی باقی‌ماندند . تعدادکمی ازکلیمیها نیز درصفحات مازندران دیده می‌شوند.[۱]

تاریخ طبرستان

سلاطین محلی مازندران در سه طبقه قرار می‌گیرند :

۱ـ خاندانهای قدیمی‌که اصل ایشان به‌پیش‌از اسلام می‌رسد .

۲ـ سادات علوی .

۳ـ خاندانهای محلی‌که اهمیت‌کمتری دارند .

هنگام طلوع دولت ساسانی ، پادشاهان طبرستان و پدشوارگر،[۲] گشنسپ بودکه

۱ـ ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران واستراباد رابینو صفحات ۳۱ و۳۲ .

۲ـ بفتح پ و دال وگاف. فرشوادگر تلفظ غلطی ازهمین نام‌است‌که دربندهشن قسمت ۱۲ ص ۱۷ ، نیز دیده می‌شود. این‌کلمه «پذشخوارگر» نیز خوانده شده است ومادرصفحات‌قبل به‌همین شکل یادکردیم ، مارکوارت در ایرانشهر ص ۱۳۰ ، پدشوادگر را ناحیه‌ای از مازندران می‌داند‌که درمقابل خوار قرار مــی گیرد.

اجداد او ، از دوران اسکندر مقدونی ، براین‌صفحات سلطنت داشته‌اند .

درسالهای میان ۵۲۹ و ۵۳۶ میلادی ، طبرستان ، بـه دست شاهزادهٔ ساسانی ــ کیوس پسر کـوات ــ اداره می‌شد . انـوشیروان ، زرمهر کـه نسب خـود را به کاوهٔ آهنگر می‌رسانیـد ، به‌جای او گذاشت و سلسله‌ای‌که او به وجود آورد تا سال ۶۴۵ میلادی سلطنت داشت . درایـن وقت ، گیل گاوباره‌که از نسل جاماسپ پسر پیروز ساسانی بود ، خاك طبرستان را ضمیمهٔ گیلان کرد . این خاندانها‌که سکه‌های باقی‌مانده از ایشان ، ممکن است کمی وضع ایشان را روشن کند ، بازماندگانشان در دوران اسلامی حکومت داشتند .

باوندیان‌که خودرا از نسل‌کیوس می‌دانستند ، درطول حکومت‌خود ، دوسه‌بار منقرض شدند . سلسهٔ نخستین از سال ۴۵ تا ۳۹۷ ه.ق. حکمروایی کرد و به دست قابوس‌بن وشمگیر زیاری برافتاد . دنبالهٔ اینان از سال ۴۶۶ تا ۶۰۶ ه.ق. سلطنت کردند و هنگام فتح مـازندران به دست سلطان محمد خوارزمشاه از میان رفتند . آخرین‌سلسله‌که ازسال ۶۳۵ تا ۷۵۰ ه . ق . حکومت‌داشتند، دست‌نشاندگان‌مغولان بودند . آخرین بازماندهٔ باوندیان به‌دست افراسیاب چلاوی کشته شد .

خاندان قارن‌که در کوهستان قارن سلطنت داشتند ، می‌گفتندکه ما از نسل زرمهر ــ برادر قارن‌ــهستیم . آخرین بازماندهٔ ایشان ــ مازیار ــ درسال۲۲۴ ه. ق. کشته شد .

پادوسپانان که در رویان و رستمدار حکومت داشتند ، رشتهٔ نسب خود را به خاندان « دابویه » در گیلان می‌رساندند و سرسلسلهٔ خود را پسر گیل‌گاوباره می‌ــ دانستند. درسال۴۰ به سلطنت رسیدند وهنگام‌سلطنت‌علویان ، دست‌نشاندگان ایشان بودند و پس از علویان دست نشاندهٔ آل‌بویه و باوندیان شدند و در آخر کار در سال ۵۸۶ ه . ق. به‌دست باوندیان برافتادند . دنبالهٔ این‌سلسله درسال ۶۰۶ دوباره قدرتی

به‌دست آورد و تا زمان تیمور صاحب تاج و تخت بود. آخرین افراد این سلسله‌که بازماندگان کاوس‌بن‌کیومرس بودند، تا سال ۹۷۵ ه. ق. حکومت داشتند.

همزمان با این سلاطین‌محلی، علویان توانستند، برای خود، درخاك‌طبرستان حکومتی به دست آورند. درسال ۲۵۰ ه.ق.، مردم رویان، علیه حاکم خود قیام کردند وکسی را بهری، نزد حسن‌بن‌زید فرستادند. این مرد از سادات زیدی و پشت شانزدهم امام‌المتقین علی‌بن ابی‌طالب‌بود. سلسلهٔ سادات‌حسنی تا سال ۳۱۶، در خاك طبرستان حکومت می‌کردند.

سلسلهٔ سادات‌حسینی میان سالهای ۳۰۴ تا ۳۳۷ ه. ق. (؟) برقسمتی از خاك طبرستن مسلط بودند.

سلسلهٔ دیگری از سادات، به‌نام سادات‌مرعشی، میان سالهای ۷۶۰ تا ۸۸۰ در مازندران سلطنت داشتند، سرسلسلهٔ ایشان، قوام‌الدین مرعشی بودکه خود راپشت دوازدهم امیرالمؤمنین علی‌بن ابی‌طالب می‌دانست.

خاندان دیگری از سادات، به‌نام سادات مرتضایی، درهزارجریب، میان سالهای ۷۶۰ تا ۱۰۰۵ ه.ق. حکومت کردند.

خاندانهای سرشناس دیگرکه باج و خراجی می‌گرفتند، فراوانند. رابینو از کیائیان چلاوی (درآمل و رستمدار و طالقان) نام می‌بردکه درفاصلهٔ زمانی ۷۹۵ تا ۹۰۹ ه.ق. کرّوفری می‌کردند. کیائیان جلالی ساری‌که میان سالهای ۷۵۰ تا ۷۶۳ حکومتی‌داشته‌اند. خاندان‌روزافزون سوادکوه‌که ازسال۸۹۷ تاسال۹۲۳ ه.ق.سلطنت کرده‌اند. خاندان‌دیو، در زمان شاه طهماسب، دربعضی قسمتهای مازندران‌حکومت می‌کردند. پسران‌کاوس‌درفاصلهٔ میان سال۸۵۷ و۹۵۷ و پسران اسکندر میان سالهای ۸۵۷ و ۱۰۰۶ ه. ق. برقسمتی‌از خاك مازندران دست داشتند. شاهزادگان دیگری درتمیشه و میاندورود ولارجان ومامطیر (بابل) و لفور نیز اهمیتی به‌هم رسانده‌اند.

گذشته از این دسته‌های درهم‌آمیختهٔ سلاطین محلی ، گروهی از فاتحان‌که از خارج آمده‌اند ، برای مدتی درقسمتی از خاك مازندران ، حکمروایی داشته‌اند . از آنها باید اعراب را نام بردکه ازسال ۲۲ ه.ق. پابه سرزمین مازندران گذاشتند و تا سال ۱۴۱ ، در زمان منصور ، برآنجا دست یافتند .[۱] دیگر طاهریان و صفاریان و سامانیان وزیاریان و غزنویان وسلجوقیان و خــوارزمشاهیان و مغولان و سربداران و تیموریان و بازماندگان ایشان وصفویان به‌ترتیب براین سرزمین تسلطی داشته‌اند.

شاه طهماسب درسال ۹۲۳ لشکریانی به مازندران گسیل داشت . اما در زمان شاه عباس ، درسال ۱۰۰۵ بودکه خاك مازندران جزئی ازحکومت مرکزی ایران‌شد. شاه عباس به‌علت ارتباط خود به سیدقوام‌الدین مرعشی ادعای سلطنت موروثی دراین سرزمین داشت .[۲] فرح‌آباد درسال ۱۰۲۰ ه.ق. وسال بعداشراف (بهشهر) با کاخهای مشهور ساخته شدند .

سکه‌های طبرستان

هنوز درجواب این سؤال که آیا سلاطین ساسانی درطبرستان سکه به‌نام خود زده‌اند ، چیزی نمی‌توان گفت ، زیرا حروف سکه‌های ساسانی‌که نشانهٔ ضرابخانه‌ها هستند تا امروز روشن خوانده نشده است . دربارهٔ دوحرف « الف و میم » که اززمان فیروز به‌بعد درسکه‌ها دیده می‌شود ، گفته‌اند مخفف کلمهٔ آمل است . اما این گفته را اثباتی نیست .

خاندان دابویه و حکمرانـان اولیهٔ عرب ، در طبرستان ، سکه‌هایی به شکل درهم ساسانی (درزمـان خسرو دوم) ضرب‌کـرده‌اند . برروی سکه، شکل نیم‌تنـهٔ

۱ــ مطالبی متضاد در بارهٔ آمـدن اعراب و تسلط ایشان در مازندران در کتب تاریخ دیده می‌شود . ۲ــ عالم‌آرا، ص ۳۵۴ .

حکمران و نام او به‌حروف پهلوی و برپشت سکه شکل آتشدان با دونگهبان وطرف راست این قسمت محل ضرب یعنی « تپورستان » و طرف چپ تاریخ به حساب تقویم طبری است .[۱] حدمتوسط وزن این سکه‌های نقره ۶۰ر۱ گرم است‌که موازی ۳ر۲۹ شعیراست ونیم‌درهم به‌حساب‌می‌آیند. ازحکمرانان خاندان‌دابویه ، نام «فرخوان»[۲] و « دات‌برج‌متون»[۳] و « خورشیت » برروی این سکه‌ها خوانــده شده است . سکهٔ سلطان‌اول مورخ ۶۰ تا ۷۷ ه .ق. وحکمران دوم ۸۶ تا ۸۷ ه. ق . وسکهٔ خورشیت مورخ ۸۹ تا ۱۱۵ ه.ق. است . بااین تواریخ می‌توان اشتباه مورخان‌را تصحیح‌کرد. بربعضی از سکه‌ها که نام « خورشیت » است ، بعضی‌از محققان تاریخها را ۶۰ تا ۶۳ خوانده‌اند . این‌اشتباه از تشابه « شست » و « دهست »[۴] درالفبای‌پهلوی برخاسته‌است. بدیــن‌ترتیب ، ایــن فرض‌که خــورشیت اول در شصت‌سال اول تقویم طبری سلطنت می‌کرده است ، باطل به‌نظر می‌رسد ، زیرا او درسال ۱۴۴ه .ق. فوت شده است .

دربارهٔ سکه‌هایی‌که از حکمرانان عرب ، مقدم برسال ۱۱۶ تقویم طبری دیده می‌شود ، باید بداین‌نتیجه رسیدکه حکمرانان‌عرب ، چندی بعداز تسلط برمازندران به‌نام پادشاهان‌قدیم طبرستان سکه‌می‌زده‌اند ، چنانکه درفتح ایران در دوران‌خلافت عمر نیز چنین کرده‌اند .

برسکه‌های اولیه حکمرانان عرب در طبرستان نام « خالت » (خالدبن برمك ۱۱۶ تا ۱۱۹ ه .ق.) و اومر[۵] (عمربن‌العلا ۱۲۰ تا ۱۲۵ ه.ق.)به خط پهلوی ضرب شده است. ازسال ۱۲۲ ه.ق. نام حکمرانان به‌خط‌کوفی نیزدیده می‌شود و پس‌ازاین تاریخ ، نام حکام (عمر ، سعید ، یحیی ، جریر ، سلیمان)فقط به خط کوفی‌است .

۱ـ مبداء این تاریخ یازدهم جون ۶۵۲ میلادی‌است. ۲ـ بکسر فاء وضم خاء.
۳ـ برج به‌ضم باء و متون بفتح میم . ۴ـ بکسر دال و فتح سین . ۵ ـ بضم الف و فتح میم .

درسال ۱۳۰ و ۱۴۰ ، اغلب به نامهایی برمی‌خوریم که با نامهای حکامی که مورخان یاد کرده‌اند ، اختلاف دارد . این نامها ظاهراً نام افراد سیاسی دیگری هستند .

سکه‌هایی بدون نام حکمرانان نیز ضرب شده‌اند . ضرب سکه‌هایی به شکل سکه‌های ساسانی درسال ۱۴۳ تقویم طبری نیز رواج داشت . سکه‌هایی از سال ۱۶۱ نیز ضرب شده است که برروی آنها جای سر پادشاه خالی گذاشته شده است . بر سکه‌های سلیمان ــ حکمران عرب ــ (۱۳۶ تا ۱۳۷) شکل لوزی با حروف « به » عربی و برحاشیهٔ آن فضل‌بن‌سهل ذوالریاستین به‌خط عربی است . برپشت‌این‌سکه‌ها به‌جای آتشدان و محافظان آن ، سه‌طرح موازی مانند زبانه‌های آتش است که میان آنها درچهارسطر ، شهادتین ، به‌خط کوفی ضرب شده‌است . اما تاریخ و محل ضرب به‌خط پهلوی است .

سکه‌های درهم درسال ۱۰۲ ه.ق. به‌نام خلفا درطبرستان ضرب شده است ونام « روح » حکمران عرب برآنها دیده می‌شود و سکه‌های بعدی به نام « عمربن‌العلا » است . درادوار بعد به‌نام داعیان علوی ، درآمل سکه‌هایی ضرب شده است . درزمان آل‌بویه و زیاریان درآمل و ساریه و فرّیم و درزمان باوندیان فقط درفرّیم سکه‌هایی زده‌اند . بعدها سامانیان وجانشینان هلاکو ، سربداران ، تیموریان درآمل وساری و شاهان ایران درآمل و ساری و طبرستان و مازندران ضرابخانه داشته‌اند .

درآمل سکه‌های مسین بدون نام ، از قرن دهم ه. ق . به‌بعد ضرب شد . بر چندین سکهٔ این زمان عبارت « ضرابخانهٔ طبرستان » دیده می‌شود . این‌سکه‌هابسیار کمیاب‌اند و ضرب آنها را باید ضرب اتفاقی دانست و برهیچیك از آنها تاریخی دیده نشد .

سکه‌های فراوان‌تر ، سکه‌هایی به‌ارزش چهارقازبکی (۱۸ تا ۲۲ گرم معادل

۲۸۰ تا ۳۴۰ شعیر) است که شیر و خورشید وعبارت « ضرب مازندران » بر آنهاست و متعلق به قرن دوازدهم ه.ق. است .

درسال ۱۷۲۳ تا ۱۷۳۲ میلادی که روسها بر گیلان دست یافتند ، چون با کمبود پول جاری روبروشدند ، سکه‌های مسین ایرانی با دوعقاب روسی بر آنها ضرب شد و به جای سکه‌های روسی در مناطق اشغالی به جریان افتاد . این سکه‌ها را به غلط سکه‌های مازندرانی می‌نامند ، درصورتیکه فقط خاك گیلان در تصرف روسها بود و این سکه‌ها در آنجا ضرب می‌شد .[۱]

۱ـ بیشتر مطالب این مقدمه از مقالهٔ R.vasmer در صفحات ۴۲۴ تا ۴۲۹ دایرة‌ـ المعارف اسلامی ترجمه شد .

بخش اول

۱ ـ جغرافیای تاریخی تنکابن

بخش تنکابن که امروز شهرستان شهسوار خوانده می‌شود ، از شمال به دریای خزر و از جنوب به رشتهٔ اصلی البرز واز شرق به ناحیهٔ قشلاق کلارستاق و از غرب به‌ناحیهٔ‌اوشیان‌رانکوه محدود می‌شود.عرض‌این‌بخش‌از‌یك‌کیلومتر،درحدود دریاپشتهٔ سخت‌سر (رامسر) تا نه‌کیلومتـر در محور شمال و جنوبی شهسوار است . کوهستان جنوبی ، سلسلهٔ البرز است کـه محل ییـلاقی جلگه‌نشینان است و در حـدود شصت کیلومتر‌ازلب دریا فاصله دارد . ازاین رشته‌کوه رودخانه‌هایی به نامهای زیرسرچشمه می‌گیرند :

صفارود ، چالکرود ، رودخانهٔ دوهزار و رودخانهٔ سه‌هزار که در محلی به نام « چاله » در بیست وچهار کیلومتری جنوب شهسوار یکی شده و پس از بیرون آمدن از کوهستان ، به نام چشمه‌کیله خوانده می‌شود ، ترك‌رود ، گرگ‌رود ، رودتیـرم ، رودلمرا ، نشتارود ، پلنگ‌آبرود ،کاظم‌رود و نمك‌آبرود .

بخش تنکابن شامل نواحی زیر است :

۱ ـ سخت‌سر (رامسر) که مرکزآن آخوندمحله و منطقهٔ ییلاقی آن جنده‌

رودبار (جنت رودبار) است . ۲ ـ شیرود. ۳ ـ گلیجان ولمرا[1] . ۴ ـ خرم‌آبادو توابع یعنی آبادیهای کنار رود دوهزار و سه‌هزار . ۵ ـ نشتا وزوار . ۶ ـ لنگا . ۷ ـ سرحد .

در تنکابن یازده طایفه سکنی دارند . نامهای ایشان بدین‌قرار است : خلعت ـ بری ، قوی اوصالو (قوی حصارلو) ، کلانتریه ،فقیه ، تالش، گلیج[2] ، دج[3] ، اساس، شورج[4] ، طالقانی ورودباری .

حکومت ناحیهٔ تنکابن از دو قرن پیش در خانوادهٔ سپهدار اعظم موروثی بود. درآن وقت مهدی بیگ خلعت‌بری ، برای شکایت ازبد رفتاری قوی‌اوصالوکه حاکم بود به شیراز رفت و از کریم خان لقب خانی و حکومت تنکابن را گرفت . همین مهدی‌بیگ به‌طرفداری‌آقا محمدخان برخاست و به سپاهیانی‌که به جنگ هدایت‌الله خان رشتی می‌رفتند پیوست . به‌سبب این لشکرکشی عداوتی میان مردم گیلان و تنکابن‌پیدا شد تا برائر درخواست مهدی‌بیگ ، تنکابن را از گیلان جداکردند وجزء خاك مازندران آوردند . هادی‌خان‌که بزرگترین پسر مهدی خان بود ، جانشین او شد . ولیخان ـ پسر هادی‌خان ـ در محاصرهٔ هرات به قتل رسید و فرماندهی‌لشکری که پدر داشت به نواده‌اش ـ حبیب‌الله خان ـ رسید . حبیب‌الله خان پسری سیزده‌ساله‌و به لقب صاعد الدولـه معروف بود . جانشین صاعـدالدوله ، پسرش محمدولی خان ـ سپهدار اعظم ـ شد . بازماندگان سپهدار تا زمان اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر ، کرّوفری داشتند ولی از آن تاریخ از حکومت افتادند .[5]

فریزر در بهار سال ۱۲۳۸ ه.ق.از تنکابن‌گذشته و در بارهٔ آن نوشتـه است: « خرم‌آباد مرکز تنکابن است .محمدقلی میرزا، تنکابن را به محمدکاظم میرزاواگذار

۱ـ بضم گاف وکسرلام. ۲ـ بضم گاف . ۳ـ بفتح دال. ۴ـ بکسرداء .
۵ ـ سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو،متن انگلیسی، ص۲۲ .

کـرده است . ما پس از گذشتـن از رود مـزور و شیرود ، در آب گـرم سخت سر ماندیم . »[۱]

ابت[۲] در سال ۱۲۵۹ ه.ق. ،ناحیهٔ تنکابن‌را دیده‌ودر بارهٔ‌آن‌چنین‌نوشته است :

« رودخانهٔ میان‌ده‌که سفیدتمیش نیزخوانـده می‌شود، بخش رانکوه وتنکابن‌را از یکدیگر جـدا می‌کند. تنکابن جزء خاك مازندران است ولی معمولاً حکمران آن از تهران تعیین می‌شود . حاکم فعلی حبیب الله ــ پسر ولی‌خان ــ است‌که‌سرکردهٔ قشونی بود که در تسخیر هرات ، نزدیك شهر کشته شد . در فاصلهٔ‌کمی از سفیدتمیش به سورخان‌رود رسیدیم کـه بیست وپنج قدم پهنـای آن بود . در بیست و سه میلی مقابل روی ما ، ارتفاعی بود که سخت‌سر خوانده می‌شد و کوهی جنگلی است . در بیست و چهار میلی آرشه‌رود بود و در بیست وشش میلی ، ترك‌رود بود کـه بستری سنگی داشت . در بیست و شش میلی بـه دهکدهٔ سلم‌رود رسیدیم‌کـه نزدیك ساحل بود . ما بایـد به‌آب‌گرم می‌رفتیم که بالاتر از مسیر ما بـود . از آب گرم ، دوباره به ساحل دریا آمدیم وازآب سلم‌رودگذشتیم . در حدود دو میل از این محل به رود کوچکی رسیدیم ودرسه میل فاصله ، از رود سیدمحله گذشتیم . درشش میل‌ونیمی‌به نوسررود رسیدیم‌کـه عرض آن صد وسی‌و چهار قدم اسب‌بود . درده میلی شیررود را قطع کردیم‌کـه دو مصب شنی‌دارد و آب آن به‌شن فرو می‌رود . قسمت علیـای آن رودخانهٔ بزرگی است و هنگامی‌که سیلابی است ، گذشتن ازآن مشکل است . درده میلی رود واچك است و شال‌کلا بیش از یك میل از این رود فاصله دارد ، دردوازده میلی رود مزار است‌که در مصب به دو قسمت می‌شود و هریك پنجاه قدم عرض دارد . در نیم میلی این رود، رودشاهی‌ور است‌که رودکوچکی‌است ودرچهارده‌میلی‌رودی‌بود که پهنای آن پنجاه قدم بود و در پانزده میلی ، تیـلارود است . از جنگل منحرف

۱ ــ سفرنامهٔ فریزر، صفحات ۱۱۴ و ۱۱۵ .

۲ ــ Abbott

شدیم و در حدود بیست میلی ، به دهکدهٔ زوار رسیدیم . محلی که رودخانهٔ نمک ـ آبرود به ساحل می‌رسد ، در جهت شرق جنوب شرقی بود . در دو میلی به ایزرودکه هشتاد قدم پهنای آن بود . در شش میلی به رود پسنده رسیدیم و یك میل پس ازآن رودخانهٔ عباس‌آباد را قطع‌کردیم . با ادامهٔ راه از عباس‌آباد ، از راهی پهن وعریض گذشتیم و رودخانه‌های نامبردهٔ زیر را یکی پس از دیگری طی‌کردیم :

اسبه‌چین ، کراکه‌رود ، تیلاررود ، پلنگ‌رود ، کلار رودبـار ، نمك‌آبرود ، نـورود ، رودپشت ، سرداب‌رود ، رودچالوس .

نمك‌آبرود ، حد فاصل میان تنکابن وکلارستاق است ورود چالوس کلارستاق‌را ازکجور جدا می‌کند . حکومت این سه ناحیه با حبیب‌الله خان بود .»[۱]

مکنزی در سال ۱۲۷۶ هـ.ق . ، تنکابن را دیده و این شرح را دربارهٔ آن نوشته است :

« پس از گذشتن از آب اوشیان ، از نه رودخانهٔ دیگر گذشتیم تا به ایزارود رسیدیم . آب این رودخانه گل‌آلود است . پس از این رودخانه ، منطقه‌ای جنگلی است تا به میان‌ده‌رود می‌رسد . کوههای جورده که ییلاق مردم تنکابن است ، طرف دست راست ما بود . در مقابل سخت‌سر درجنوب جنوب شرقی دیده می‌شد . رودخانهٔ سورخانی ، حد میان گیلان و مازندران است . ما سخت‌سر را دور زدیم و راه خودرا به طرف جنگل بـه سمت جنوب جنوب شرقی‌کج‌کردیم ، تا به‌دریاپشته برسیم. بـه آب ترك‌رود زدیم و از نزدیك امامـزاده‌ای‌گذشتیم ، پس از آن ازکرخت‌محلـه‌که آسیابی داشت،رد شدیم . راه سنگ‌فرش‌است وآخوندمحله طرف دست راست وصفاـ رود پیش‌روی ماست . از آبادیهای زکین و کندسر و نارنج‌بن گذشتیم و به آب‌گرم رسیدیم. از سیاهکله‌رود تاآب‌گرم‌چهارفرسنگ است.

۱ ـ سفرنامهٔ ابت، ص ۳۱.

درجهٔ حرارت آب‌گرم سخت‌سر صدوچهارده درجه ونیم با میزان‌الحرارهٔ فرانهایت است . آب‌گرم بچه‌کنو صدویازده درجه وآب‌گرم انجیره‌بن ۹۸ درجه فرانهایت است .کمی پایین‌تر دوچشمهٔ دیگراست، اولی به‌نام « کلوخ » خوانده می‌شدو ۹۸ درجه حرارت داشت ، دومی به‌نام « زنگه‌بن » معروف بود و ۱۰۱ درجه حرارت داشت .

از آب‌گرم سخت‌سر تاخرم‌آباد ، چهارفرسنگ است وراه به‌طرف جنوب‌شرقی متوجه است ـ ابتدا از پل چوبی سلم‌رود گذشتیم . از اینجا دوراه درپیش است،یکی از بالای‌گرمرود می‌رود وبه‌سیدمحله می‌رسد . دیگری که ما از آن رفتیم از پایین گرمرود می‌گذرد و پس از عبورازمزارع برنج و باتلاق به ساحل دریا می‌رسد . »[۱]

میرزا حسن‌خان اعتمادالسلطنه تنکابن را قسمتی از خاك‌گیلان می‌داند و می‌نویسد :

« تنکابن تقریباً هشتاد پارچه ده‌کوچك و بزرگ ییلاقی و قشلاقی است ، این ناحیه را با دو ناحیهٔ دیگر که‌کلارستاق وکجور باشد محال ثلاثه‌گویند . در هر سه محال‌گندم و جو و شلتوك و مرکبات و میوه‌جات غیراز زردآلو و نی‌شکروابریشم در دهات قشلاقی به‌عمل می‌آید . عجب این است که در این نواحی جایی است که مرکبات موجود است وبه‌فاصلهٔ یك میدان در همانجا به هیچوجه مرکبات وجود نمی‌آید و سبب این‌است که‌بعد از باریدن برف وصاف‌شدن هوا بر روی‌برگ درختها شبنم می‌افتد .باد ارز[۲] که درتمام صفحات مازندران وزان است، به‌هرجا وزیددرختها را حرکت می‌دهد و شبنم‌ها می‌ریزد و درختها را خشك‌کرده محفوظ می‌ماند و جایی

۱ـ سفرنامهٔ مکنزی،صفحات ۱۸و۱۹ و ۲۱ . مکنزی دنبالهٔ سفرنامهٔ خودرا باهمین دقت نوشته است و ما از ترس اطالهٔ کلام از ترجمهٔ تمام مطالب صرف‌نظر کردیم .

۲ـ بضم الف و وراء.

که بادگیر نیست شبنم در برگ درختان منجمد شده ، یخ درخت را می‌خشکاند .

بالجمله خاك تنکابن ازسفیدتمیش تا نمك‌رود که رودخانه‌ایست مشترك میانهٔ تنکابن وکلارستاق هفت فرسخ است و از طرف دیگر حد این خاك « کاسه‌گرمحلـه » است . آبادی و قرای تنکابن مجاورکوهی است‌که در ساحل بحرخزر ممتـد و فاصلهٔ کوتاه تا دریا ، بعضی جاها نیم فرسخ است و به‌جایی می‌رسدکه این فاصله به دومنزل می‌رسد .

یازده رودخانه از محال تنکابن جاری است و مصب همـه دریای خزر است و غالب پنج شش فرسخ بستر ومجاری رودخانه‌هاست تا به دریابرسد.اسامی رودخانه‌ها ازاین قرار است:

اول رودخانهٔ سخت‌سرکه دایمـاً بیست سنگ آب دارد وگاهی زیاد می‌شود . دویم چالك‌رود ، آن نیز بیست سنگ‌آب دارد . سیم رودخانهٔ شیرم[1] ، سی‌سنگ‌آب دارد . چهارم رودخانهٔ مزر[2] . این‌رودخانه عظیم ومثل رودخانهٔ چالوس بلکه بزرگتر است و پانصد تومان جمع دیوانی دارد . پنجم رودخانهٔ تیر پرده‌سرکه در تابستان ده سنگ آب دارد و دروقت بارندگی عبور ازآن ممکن نیست . ششم ازارود[3] ، دروقت خشکی آب بیست وپنج سنگ آب دارد ، هنگام بارندگی عبورازآن ممکن نیست. هفتم نشتارود ، رودخانـهٔ عظیمی است و در طغیان آب عبـور از آن مقدور نیست . هشتم رودلنگا[4] ، بیست سنگ‌آب دارد . نهـم رودخانهٔ اسبچین ، بیست سنگ آب دارد . دهم رودخانهٔ جمشیدآباد ، ده سنگ آب دارد . یازدهم پلنگ رود ، پانزده سنگ آب دارد و رودخـانهٔ نمك‌رودکه مشترك میانهٔ کلارستاق وتنکابن است شصت سنگ آب دارد و آب آن شوراست و عـلاوه براینکه به‌کار خوردن حیوان‌و انسان

۱ـ بفتح شین وسکون یاء وفتح راء . ۲ ـ بفتح میم و زاء . ۳ ـ بکسر الف اول . ۴ـ بفتح لام .

نمی‌خورد ، برای زراعت هم حـاصلی ندارد .

در دریاسر ، ییلاق جنب دوهـزار تنکابن یك ماه از بهـارگـذشته یك دفعه چشمه‌ای جاری می‌شود ووقت جریان‌آن صدای عظیمی حادث می‌شود وتا اول‌تابستان جاری است . بعد خشك می‌شود و از تمام سطح زمین قریب به این چشمه نیز در دو ماه آخر بهار آب می‌جوشد .

در دوازده قریه از قرای تنکابن حمـام هست و قرای دیگر نیز همـه در تهیهٔ ساختن آن می‌باشند . در بعضی دهات نیز مسجد ساخته‌اند . در سخت‌سر وجوره از محال تنکابن،مدرسهٔ محقر چوبی دارد.

حاکم‌نشین قشلاقی تنکابن و دومحال دیگر ، خرم‌آباد از محال تنکابن است و دوهـزارحاکم‌نشین ییلاقی است . خرم‌آباد یك مسجد وده باب دکان و دو حمام دارد که یکی عمومی و یکی مخصوص باغ و عمارت حکومتی است .

ساعدالدوله ـحبیب‌الله خان تنکابنیـ حاکم محال ثلاثه ، باغی موسوم به باغ ناصری در خرم‌آباد احداث نموده که هزار قـدم طول و چهـارصد قدم عرض دارد . دریاچه و عمارت بسیار عالی دومرتبه مشتمل بر اطاقهای متعدد و تالار و غیره دراین باغ هست . در گوشهٔ باغ برای تماشای صحرا و دریا، تالار چوبی بهطرز مازندران ساخته شده . اشجار باغ عبارتست از مرکبـات و گل رشتی ، سرو ، انار ، ازگیـل ، هلو ، آلوبالو ، به ، آلوچه ، سیب و غالب‌درختها درحاشیهٔ باغ است .

در تنکابن کوهی است موسوم به « مارکوه» دخمه‌های متعدد دارد . شبپره‌های زیادی در این دخمه‌ها هست که خود را به‌آدم و چراغ می‌زنند و مانع از دخول به دخمه‌ها می‌باشند. بالای این کوه جایی است مشهور به « نقاره خانه » هرگاه سنگی برآن موضع بزنند ، صدایی مثل صدای طبل حادث می‌شود و تا نیم فـرسخ‌راه ، آن صدا می‌رود .

در سه‌هزار غاری است که ده نفر در آن غار می‌توانند نشست . از سقف آن غـار چکه‌چکه آب گرم می‌ریزد . متصل به این موضع کوهی است مشهور به « تخت سلیمان » که صعود به قلهٔ آن سواره متعذر و برای پیاده در وسط تابستان ممکن ولی متعسّر است . درقلهٔ کوه بطور شیروانی ، ازچوب عمارتی‌است که جای دونفرمی‌شود. مشهور است که حضرت سلیمان علیه‌السلام بالای این کوه‌آمده است . درزیرشیروانی مسطور ، از سنگ شکلی است شبیه بمار ، سکنه گویند این‌مر را حضرت سلیمان سنگ‌کرده .

در محال ثلاثه تقریباً بیست بقعه از امامزاده‌هـای واجب‌التعظیم هست کـه، زیارتگاه مردم است . از جمله امامزاده قاسم است‌که دری دارد منبت وخـط آن را به‌طور حجاری‌کنده‌اند . قریب پانصدسال است که این در ساخته شده و به هیچوجه عیب نکرده ، منبتها به‌حال خود باقی است .

صنایع تنکابن الیجه و چارشب رختخواب و شلوار سواری و چوخاست .

در محال‌ثلاثه شکار ازقبیل قرقاول، کبك ، چیل، بلدرچین،کبوتر ، باقرقرا و مرغابی موجود است . بز ومرال و شوکا نیز دارد . از مرغهای شکاری : قرقی ، قوش، قزل ، اترکی ، بحری و شاهین در محال مسطور هست . در جنگلهـا نیز پلنگ ، ببر ، خرس و خوك موجود می‌باشد . نمك از طالقان به تنکابن می‌آورند .

علما و فضلای قدیم تنکابن : ملاعبدالکریم گلیجانی ، میر ابـوطالب ، حکیم میرمحمد مؤمن ابن حکیم میرمحمد زمان‌که از معارف فضلای تنکابن و صاحب‌کتاب تحفه ، معاصر با شاه سلیمان صفوی است وکتاب تحفه را که در ادویهٔ مفرده و بعضی ترکیبات می‌باشد ، به اسم شاه‌سلیمان‌نوشته‌است . ملاحسین‌نامی ازعرفای تنکابن‌بوده. قریب دویست نفر از طایفهٔ صاعدالدوله در تنکابن هستندکه همه از اعزه‌می‌باشند.»[۱]

---

۱ ــ مرآت‌البلدان، ج ۱،ص ۵۰۱ و ۵۰۲ ذیل نام تنکابن .

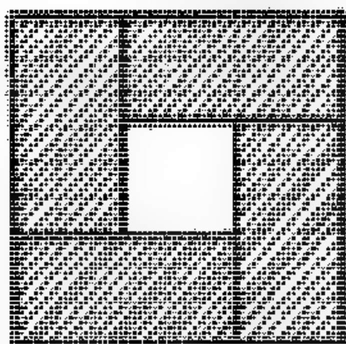
۲ـ بناها و آثار تاریخی سخت‌سر (رامسر) وتنکابن

چاهی به‌نام « یاغی‌لوکا »
درکوه ایل‌ملی[1] بالای اردوگاه فعلی رامسر

در این‌کوه سنگی که دارای شیبی تنــد است ، چاهی است که داخــل آن را چیده‌اند . عمق آن معلوم نشد . این‌چاه ، در دامن‌کوه ، مخرجی به‌طرف دریادارد.

بقعهٔ سید محمد
در تالش‌محلــهٔ سخت‌سر (رامسر)

بنایی است زگالی با چهار ایوان در چهارطرف ، صندوقی سادهٔ چوبین‌در وسط بناست.در ورودی قاب‌بندی و نگار اصلی آن بدین شکل است :



آیات و احادیث و اشعاری به‌ترتیب زیر برآن حك شده است :

برسر پاسار لنگهٔ سمت راست:

«بسم الله الرحمن‌الرحیم .»

۱ـ بکسر میم .

برپاسار اول:

«انافتحنا لك فتحاً مبيناً . »

برپاساردوم:

«انا مدينة العلم و علی بابها .»

بربائوی سمت راست :

اول دفتر بنام ایزد دانا صانعو پروردگار وحیتوانااین مشهد.....»

بربائوی سمت چپ:

«امید عفو نباشد ...»

برسر پاسار لنگهٔ سمت چپ: ....

بر پاسار اول لنگهٔسمت چپ :

« ناد علیاً مظهر العجائب تجده. »

برپاسار دوم لنگهٔ سمت چپ :

«عونا لك فی النوائب كل هموغم سینجلی .»

بر بائوی سمت راست :

مطالبی بود که بهعلت فرسودگی خوانده نشد .

بر بائوی سمت چپ :

«بعظمتك یاالله بنوتك یا محمد بولایتك یا علی. »

بالای دماغهٔ درکندهکاری ظریف وپرکاری است .

سمج قدیمی بهشکل غار

در محلی بهنام شهپرهچال در لاتمحلهٔ آخوندمحلهٔ رامسر

میگویند این سمج به قلعهٔ دیزکول راه دارد و ظاهراً فرارگاه آن قلعه بوده است . کسانی تا پانصد متر در این سمج پیش رفتهاند اما بهعلت سنگینی هوا

بازگشته‌اند. مدخل این غارکه از نزدیك دیده شد، طبیعی به‌نظر می‌رسد وچون راه آن انباشته شده بود و پر از گل ولای بود نگارنده نتوانست داخل شود. این سمج به نام «غار نادر» نیز خوانده می‌شود.

مسجد و مدرسهٔ مرحوم میرزا عبدالباقی‌خان در دهکدهٔ سخت‌سر (رامسر) تنکابن

صاحب طرائق‌الحقایق در سال ۱۳۱۴ ه.ق. این مسجد و مدرسه را دیده و در بارهٔ آن می‌نویسد «مسجد و مدرسه مشتمل بر حجرات، از مرحوم میرزاعبدالباقی خان و مزاری در یکی از زوایای مسجد است.»[۱]

پس از تحقیق معلوم شد که مسجدی قدیمی‌که فعلاً در آخوندمحلهٔ رامسر در کوچهٔ گلشن است باید همین مسجد باشد. آثار مدرسه نیز برجای است امابسیاری از اراضی آن را دیگران تصاحب کرده‌اند.

این مسجد بزرگ به درازای نوزده متر و پهنای چهارده متر است. در طول مسجد دو سرنال (حمال) است که هرسرنال روی سه ستون چوبین قطور قدیمی استوار است. بالای سرنالها واشان‌کشی وپل‌کوبی است. سه‌ستون ازسرستونها،قدیمی است. طرف شرقی، پنجره‌های ارسی قدیمی بوده‌که فعلاً تبدیل به پنجره‌های‌آهنین شده است. طرف غرب، پنجره‌های بزرگ چوبین است. دو ایوان در دوسمت شرقی‌و جنوبی است. پهنای آنها یك متر وده سانتیمتر و درازای آنها ده متر است. ستونهای چوبین ایوانها لاچ لنگری مارپیچ وهفت وهشت است. طرف شرقی، در ورودی قدیمی قاب‌کاری‌وطرف قبلی هم یك در قدیمی است. سراسر مسجد سفال‌سر است.

۱ـ طرائق الحقایق، ج۳، ص ۹ ا۶.

مسجدی کهن به نام دزگامزگتی[1]
در دهکدهٔ جوردی (جواهرده)[2] ییلاق سخت‌سر (رامسر)

این مسجدکه به‌نام آدینه مسجد معروف است ، مورد احترام‌مردم مازندران‌و گیلان است . هرسال برای تعمیر و گلکاری آن جشنی محلی برپا می‌شود و مردم از دهکده‌های کوهستانی وجلکه‌ای دراینجاگرد می‌آیند ،گلکاری این مسجددر نخستین جمعهٔ تابستان ، به دست دوشیزگان محل انجام می‌شود . این سنت ظاهراً مربوط به دوران قبل از اسلام است ، زیرا در تعمیر و مرمت مساجد اسلامی‌چنین رسم وروشی نیست .

بنای‌کنونی مسجد قدمتی نداشت . برسر نالی (حمالی)که برستونهای نزدیك در ورودی استوار بود ، قطعه‌ای پانزده بیتی با قافیهٔ الف وردیف «شد» و ابیاتی‌بسیار سست با خطی بد نوشته شده بود . این ابیات حکایت از خرابی مسجد براثرزلزله‌ای شدید و تجدید بنای آن می‌کرد . بیت ماده تاریخ‌آن چنین بود :

تأمل نما و بگو ازسرفیض «مکان عبادت محل دعا شد»

اگر این ماده تاریخ درست باشد به‌حساب جمل سال ۱۰۴۵ هجری قمری این مسجد تجدید بنا شده است (عکس‌شمارهٔ ۱) .

اطراف مسجد محوطه‌ای بسیار وسیع است‌که‌گورستان اهالی است . بعضی از سنگ قبرها به‌شرح زیر است :

۱ــ بکسردال وفتح میم و سکون زاء و فتح‌گاف دوم. ۲ــجواهرده: قصبهٔ ییلاقی ازبخش رامسرشهرستان شهسوار، سی‌کیلومتری جنوب‌غربی‌رامسر، درارتفاع تقریباً دوهزار متری واقع است (فرهنگ جغرافیایی ایران ،ج۳). نام تیره‌های گالش جوردی بدین‌ترتیب است : قورشا ، الی‌شا (بکسرالف) ، جولا (از همه قوی‌ترند) ، مراد ، تغار (بفتح‌تاء وتشدیدغین) ، هکروکر (بفتح‌ها وکسرکاف دوم) . تیره‌های ساکن دهکدهٔ جوردی از این قرارند : درجانی ، لارجانی، قصاب، شیخ‌الاسلامی .

« وفات مرحوم کربلائی حسن ولد مشهدی عباسقلی سنه ۱۲۳۰.»

بر حاشیه شعر عربی معروف:

« وفدت علی الکریم بغیرزاد» الخ حك شده بود. نشانه‌ها: مهر، تسبیح و دو عدد انگشتر.»

«وفات مرحومه مغفوره مؤمنه عفیفه صالحه خان شاتوره خانم (؟) بنت مرحوم مبرور غفران‌پناه و جنت و رضوان‌مکان نصرالله الحسینی ۱۲۶۷.»

بر حاشیه شعر عربی معروف.

« وفدت علی الکریم بغیرزاد» الخ حك شده بود. نشانه‌ها: گلدان.»

(عکس شمارهٔ ۲)

« وفات مرحومه مغفوره مبروره رضوان‌آرامگاه نرجس خانم بنت مرحوم میرزا محمدرضا الحسینی فی شهر رمضان المبارك سنه ۱۲۶۹.»

«وفات مرحومه شهربانو بنت آقا محمدبیك بتاریخ یکشنبه پنجم شهر ربیع‌الاخر ۱۲۷۷ طایفه خلعت‌بری. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، شانه، آفتابه و بینکی.»

سنگهای دیگری مورخ ۱۲۷۰ و ۱۳۲۲ و ۱۳۲۹ در این گورستان بود.

مسجد آقاسیدسعید

در دهکدهٔ جوردی (جواهرده) ییلاق سخت‌سر (رامسر)

مسجد قدیمی را بهمن خراب‌کرده است و مسجدی تسازه به‌جای‌آن‌ساخته‌اند. دو سه ستون چوبین این مسجد قدیمی و مابقی تازه است. در میدان جلو مسجد، دو درخت‌ون(زبان‌گنجشك)قدیمی است. محیط یکی‌ازآنها ۴۵۰ سانتیمترودیگری ۴۳۰ سانتیمتر است.

رابینومی‌نویسد ازمدارکی‌که دردست سادات سادات‌محلهٔ سخت‌سر است معلوم

می‌شودکه این مسجد قدیمی‌است.ازآقایان سادات پرسیده شدچیزی دردست‌نداشتند.

مسجد حاجی میرزا عبدالباقی
دردهکدهٔ جوردی (جواهرده) سخت‌سر (رامسر)

مسجدی است قدیمی بـه‌درازی ۱۷/۵ متر وپهنای ۱۳متر . دور دیف سر کش (حمال) در طول بناست . هرردیف برسه ستون قطـور پرکار قدیمـی از چوب راش استوار است . سرستونها پرکار و ازستونها جداست.سقف واشان‌کشی وسراسر بنا،لت‌پوش است . منبری مشبك نسبةً قدیمی در مسجد دیده‌شد .

درگورستان نزدیك این مسجد، سنگ قبری از مرمر با خط خـوش نستعلیق به نظررسیدکه عبارات زیر بر آن حك شده بود :

« وفات مرحومه مبروره مغفوره مؤمنه عفیفه صالحه حوابیگم بنت مرحوم آقا سیدمحمد بتاریخ شهر ذیقعدةالحرام ۱۲۷۲. »

سنگ قبر دیگری در این‌گورستان بودکه هشت‌بیت شعر با خطخوش‌نستعلیق بر آن حك شده و مورخ ۱۲۶۷ هجری قمری بود .

تاریخ سایرسنگها : ۱۲۶۷ و ۱۳۲۲ و ۱۳۲۹ خوانده شد.

چاهی قدیمی
برقلهٔ کشکرت‌کوه[1] در چپرسر سخت‌سر (رامسر)

بر قلهٔ این‌کوه چاهی است‌که هرگاه بخاری غلیظ ازآن‌بیرون‌آید ، بارندگی‌و انقلاب هوا در شمال قطعی است . حرکت این بخار به طـرف شرق نشان اینستکه هوا زودتر خراب می‌شود .

۱ـ بکسر هردوکاف .

قلعه‌ای قدیمی
در مرتع پاره‌نسا پشت مهمانخانهٔ رامسر

برقلهٔ کوهی که در این مرتع است ، قلعه‌ای قدیمی‌است. بنای آن بیشتر با آجر و ساروج است . برسر راه قلعه سمجی است که داخل آن را با سنگ چیده‌اند . ظاهراً این سمج فرارگاه نهانی قلعه بوده است.

بقعه‌ای از سادات کیائی
در جنوب مهمانخانه و شمال حمام رامسر

این بقعه را در سال ۱۳۱۱ ه.ش. خراب کرده و شمشادهای قدیمی و قطور آن را ریشه‌کن کردند . امروز درمحل بقعه یك اصله درخت تادانه باقی است.

مقبرهٔ پلاسید[1]
در سادات‌محلهٔ سخت‌سر (رامسر)

سید مدفون در این‌مقبره، جد سادات‌آخوندمحله است که درزمان شاه‌اسماعیل صفوی به‌اینجاآمده است .

بنای‌بقعه قدمتی‌نداشت (عکس شمارهٔ ۳). در ورودی‌وصندوق‌آن‌کنده‌کاریهای بسیار ظریف و پـر کار دارد . درازای هر لنگـه در ورودی ۱۶۲ و پهنـای آن ۴۵ سانتیمتر است . بربائو و پاسارها و تنکه‌های درکنده‌کاری و اسلیمیهای بسیار شکیل است (عکس شمارهٔ۴).

عباراتی‌که بر این‌در بود بدین‌ترتیب است :

بر تنکهٔ بالای لنگهٔ سمت راست : نوشته‌ها به‌علت فرسودگی خوانده نشد.

بر تنکهٔ بالای لنگهٔ سمت چپ :

«الله مفتح الابواب.»

۱- بکسر پ . پلا یا پیلا به معنی بزرگ است و در گیلکی‌گیلان «پیله» گویند .

بر پاسار وسط لنگهٔ سمت راست :

« هذا من عمل استاد حسین.»

بر پاسار وسط لنگهٔسمت چپ :

« بن‌حاجی تنهجانی تحریراً فی‌ثلث اربعین سبعمایه.»[1]

صندوقی به درازای ۱۸۰ و پهنای ۹۸ و بلندی ۷۳ سانتیمتر مرقد پلاسید را پوشانده است(عکس‌شمارهٔ ۵)، واین عبارات باخط ثلث توانا بر بدنهٔ مقابل‌در ورودی خوانده می‌شود:

« وقع هذاالعمل بالامر والاشارة من اعظم‌الخواتین‌عظمة بنت شاه‌کاوس‌ابتدا دعا[کذا] خلّدت ایام عصمتها نیلاً لثواب‌الله و طلباً لمرضاة ربها تاریخهـا سنة احدی و حمسین و تسعمایة کتبه حسین بن‌عباس.»

زیر این‌کتیبه عبارات و آیات زیر خوانده می‌شود :

«عمل استاد ابرهیم‌بن استاد نظرالاجل تنکابنی .

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم نصر من‌الله و فتح‌قریب. »

مسجدی قدیمی نزدیك این مقبره

درازای بنای مسجد ده متر وپهنای آن شش‌متر است . سه در ورودی شمالی‌و یك در شرقی و یك در غربی مشبك چوبین دارد . محرابی‌ساده در طرف‌قبلی‌بناست. سرکشی (حمال) در طول بناست‌کـه برسه ستون قطور قدیمی بـا سرستونهای پرکار استوار است . در دو طرف سرکش‌یك‌چکش‌گردان است کـه واشانهای سقف براین چکش‌گردانها استوار است.بام سر اسر بنا، سفال است .

۱ــ ظاهراً این درمتعلق به‌جایی دیگربوده که بدینجاآورده‌اند، زیراتاریخ صندوق ودر هیچگونه سازشی با یکدیگر ندارند .

در محوطهٔ اطراف مقبره سنگ قبری به این شرح دیده شد :

« وفات مرحوم مغفور رضوان جایگاه فردوس آرامگاه آق سید ابوالقاسم خلف جنت‌مکان خلدآشیان آقامیر محمد حسین یوم دوشنبه بیست وسیم شهر صفرالمظفر سنه ۱۲۰۶. »

درگورستان اطراف مقبره،گور سید محمد میرزآقابسمل، مرثیه‌سرای معروف باوضعی بسیار ساده دیده می‌شود .

قلعهٔ مارکوه

در سمت شرقی دهکدهٔ کتالم بربالای کوهی منفرد

فضای قلعه بقدری است که در حدود یکصدتن سربازمی‌تواند درآن‌سکنی کند. آثار و قطعات کنگهای‌سفالین در قلعه دیده‌شد. ظاهراً آب مصرفی قلعه‌رااز‌چشمه‌های دور دست می‌آورده‌اند . در وسط قلعه چاهی کنده شده‌که امتدادآن، درمحلی‌معروف به قلعه‌باغ می‌رسد .

مصالح بنای این قلعه سنگ وگچ غربالی است و برجها و باروی آن برجای است . طول ضلع شرقی ۱۷٫۷۰ متر و قطرآن ۲٫۳۰ و ارتفاع آن ۶٫۳۰ متر است (عکس شمارهٔ۶) . طول ضلع غربی ۹ متر تمام است . ضلع شمالی با سنگی‌که در امتداد آن بوده است به دوقسمت می‌شود: قسمت غربی‌آن۱۴٫۸۰ متر وقسمت شرقی آن‌که از سرسنگ جدا می‌شود ۱۵متر تمام است (عکس شمارهٔ ۷). با روئیدن درختچه‌های فراوان در میان محوطهٔ قلعه طرح‌اطاقهای‌مسکونی‌آن رانتوانستیم‌معلوم کنیم . شاید نام این قلعه در قدیم «ازبلو» بوده است . مولانا اولیاءالله آملی از دو قلعهٔ معروف در خاك تنکابن یاد می‌کند یکی «تنکاه» و دیگری«ازبلو»[1]

۱ـ تاریخ رویان چاپ‌نگارنده، ص۱۴۷ .

مقبرهٔ چهل‌شهید
در غرب قلعهٔ مارکوه و شرق دهکدهٔ کتالم

در غرب قلعهٔ مارکوه ، بقعهٔ محقر و گورستانی عظیم ، معروف به چهل شهید است . چنانکه معروف است، این شهدا در یک‌روز کشته شده‌اند . ظاهراً این کشتار دسته‌جمعی یادآور جنگی است که در پای این قلعه اتفاق افتاده است .

قلعهٔ گرزمان‌سر
میان راه کتالم و گرسباسر در تنکابن

نخستین‌بار از قلعهٔ گرزمان‌سر ، هنگام حرکت سیدعلی‌کیا به طرف تنکابن‌و شکست فرزند سیدرکابزن‌کیای تنکابنی بدین شرح سخن به‌میان آمده است . سید ظهیرالدین می‌نویسد: «در آن ایام به موضعی‌که مشهور است به گرزمان‌سر ، حصنی بود حصین. درآن قلعه‌کوتوالی معتمد را بازگذاشت وچندنفر ازنوکران نیك خودرا به جهت محافظت آن قلعه باز داشت و خود به‌گرجیان نزد امیران آنجا رفت وچون روزی چند آنجا اقامت نمود ، حضرت سید امامت شعار (= سیدعلی‌کیا) با لشکر جرّار غیرفرّار به‌پای قلعهٔ مذکوره‌آمد و به محاصره مشغول‌گشت ودو سه نوبت‌حربی عظیم واقع‌گشت و نفری چند از لشکر مازندران فوت شدند و برادر سیداعظم سید حسن‌کیا را درآن محاربه به‌قتل‌آوردند. اما به‌عون‌الهی ، قلعه را فتح نمودند و خود به قلعه رفته اقامت نمودند . و فرزند رکابزن‌کیا چون چنان دید به‌نزد امیره‌نوپاشا به رانکو رفت و صورت حال معروض داشت . امیره‌نوپاشا لشکر جمع‌کرده ، متوجه قلعهٔ گرزمان‌سرشد . . . . چون امیره نوپاشا با لشکر خود به پای قلعه رسید [سیدعلی از این واقعه مطلع گشت] و جمعی از موافقان و تائبان خود را بدان قلعه بازگذاشت و برادر شجاعت‌دثار ، سیادت‌دثار سید هادی‌کیا را بر آن قلعه بازداشت و خود با معدودی چند از لشکر مازندران که انتخاب‌کرده بود، از

قلعه بیرون‌آمد و پنهان از راه بیراه به ولایت اشکور درآمد و از آنجا به رانکو آمد و خانه و جایگاه امیره نوپاشا را آتش زد و بسوخت و آنچه موجب شجاعت بود ، به تقدیم رسانید .

چون امیره نوپاشا را ازآن قصه معلوم‌کردند ، بازگشت و به دفع سید عجاله ورزید . چون او به رانکو رسید ، سید خود معاودت‌کرد و از راهی‌که آمده بود ، باز به‌قلعهٔ مذکوره رفت و اقامت نمود و ولایت تنکابن را به تحت‌تصرف درآورد و دوست‌کام درآن مقام ساکن شد .»[۱]

این قلعه را امروز «دزدکول» می‌نامند و نزدیك دهکدهٔ‌گرسباسر است وظاهراً گرسباسر ، شکل دیگری از گرزمان‌سر است . آنچه از دیوارهای قلعه بجاست با سنگ و ملاطی بسیار محکم چیده شده است . آثارگنگهای سفالین دراین‌قلعه، نشان می‌دهدکه آب قلعه از چشمه‌هایی نزدیك آن‌تأمین می‌شده‌است . محل این قلعه‌بسیار مرتفع و مسلط برتمام دشت زیردست آن است .

عمارتی قدیمی ملکی‌آقای علینقی نیکنام
در مرجان‌لات جنده‌رودبار ییلاق رامسر

از بناهای اواخر دوران قاجاری است . ابعادآن ۱۸ × ۱۷ متراست.دوایوان بزرگ و وسیع در شمال و جنوب آن است . در و پنجره‌های قدیمی آن بر جای است .

بقعهٔ آقاسید حسن بن امام موسی‌الکاظم
در دهکدهٔ چاك‌بلوك جنده‌رودبار تنکابن

بنایی است از سنگ وگل وچهار طرف‌آن چهار ایوان کتابی‌است.هر ایوان

۱ــ تاریخ گیلان و دیلمستان ، صفحات ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ .

دارای هشت ستون با سرستونهای ظریف است. پنج‌ستون ایوان‌جلو لاج‌لنگری‌ظریف است . مقطع سایر ستونها هشت ضلعی است . ایوانها تکائل صندوقی‌وکنده‌کاریهای هندسی دارد . سراسر بام بنا ، حلب‌پوش است .

قلعه‌ای قدیمی
برقلهٔ‌کوه پایین ماژو سر راه رامسر به‌جوردی (جواهرده)

برسرقلهٔ این کوه‌آثار باقیماندهٔ دیوارهای‌قلعه‌ای قدیمی‌ازسنگ دیده‌می‌شود .

آثار آبادی و شهری قدیمی
در مرتع پرچو در میان‌بند سخت‌سر (رامسر)

در سرراه رامسر به جواهرده در مرتعی به‌نام پرچه یا پرچو آثار ساختمان و گورستانی قدیمی دیده می‌شود . در محل دیگری از این مرتع محلی به‌نام «شهرستانك» است‌که آثار ساختمان وآبادی قدیمی است .

راههای قدیمی سخت‌سر (رامسر) تنکابن
راه قدیمی جوردی (جواهرده)به قزوین

این راه از دهکدهٔ ییلاقی جوردی به زلزلان دشت‌ـسیاه‌کوتی‌ـ اژدهاسنگ‌ـ باغ دشت ـیال بکت[1] ـ لپاسرـ تمل ، ازدهکدهٔ تمل‌که جزء بالااشکور است وسایر دهکده‌های این‌ناحیهٔ‌کوهستانی راههای متعددی به قزوین می‌رود وما درمجلد دوم به‌آنها اشاره‌کرده‌ایم .

راه شاه‌عباسی
در تنکابن

این راه از سورخانی بهمیان‌ده ، از میان باغها و اراضی می‌گذرد و بهمیان‌ده وارد می‌شود . ازپل دوم وکنار حمامی قدیمی می‌گذرد و به برتولو[2] می‌رسد، از

۱ـ بفتح باء وکاف . ۲ـ بضم تاء .

پهلوی خانهٔ اسماعیل علی‌پور و حسین حسینیان می‌گذرد و وارد لات می‌شود و بــه سه‌راهی می‌رسد، از رودخانهٔ ایلچــارود می‌گذرد و به رزه‌سر وارد می‌شود . پس از گذشتن از باغها و مزارع به شیخ‌زاهدمحله می‌رفته است .

قلعه‌بند یا شاه‌نشین
درمیان‌جنگلی درجنوب‌غربی سخت‌سر (رامسر)

قلعه‌ایست قدیمی بادیــوارهای سنگی و آجری و غرفه‌ها و پله‌ها کــه بیشتر آنها را خاك و سبزه ودرخت پوشانده است .آب قلعه از چشمهٔ « درواست » می‌آمده‌و هنوز گنگهای سفالین آن برجای است . در محل معروف بود بــر اثر جنگی کـــه قلعه‌نشینان با مهاجمان داشته‌اند ، مخالفان آب قلعه را در محلی به نام « جولابن » بستند و مهارکردند و در نتیجهٔ نرسیدن آب بــه قلعه ، ساکنان مجبور شدند قلعه را تخلیه کنند .

باقی بناها و آثار تاریخی دشت و کوهستان سخت‌سر

۱ــ مسجد وبقعه‌ای در دریاپشته[1] حومهٔ سخت‌سر (ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران‌و استراباد رابینو ص ۳۹) ، نوسازی شده است و آثار قابل ذکر ندارد .

۲ــ بقعهٔ پوتك در پشت‌تو بن[2] سخت‌سر ، داخل جنــگل ، بقعه‌ای‌زگالی است و آثار قابل ملاحظه‌ای ندارد .

۳ــ قلعهٔ دیزکول ، درمحال‌سخت‌سر ، معروف است که سمج شه‌پره‌چال به‌این قلعه منتهی می‌شود . از این قلعه آثاری برجای نمانده بود .

۴ــ مسجد و مدرسه در آخوندمحلــهٔ رامسر (ترجمهٔ سفرنــامهٔ مــازندران و

---

۱ ــ دریاپشته : ده از دهستان حومهٔ بخش رامسر شهرستان شهسوار، شش‌کیلومتری شمال غربی رامسر کنــار شوسهٔ رامسر بــه رودسر (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) .

۲ ــ توبن : ده از دهستان حومهٔ‌بخش رامسر شهرستان شهسوار، هفت‌کیلومتری شمال غربی رامسر ، سه‌کیلومتری جنوب شوسهٔ رامسر به رودسر (فرهنگ‌جغرافیایی ایران ، ج ۳) .

استراباد رابینو ص ۳۹)، ظاهراً منظور رابینو از این مسجد و مدرسه همان مسجدو مدرسهٔ میرزاعبدالباقی‌خان است که شرح آن را نوشتیم .

۵ـ آثار قلعه‌ای قدیمی درقلعه‌باغ نزدیك نیاسته [1] . اطراف آن خندقی به‌عرض هشت‌متر وارتفاع چهار متر باقی است . مابقی اراضی آن تبدیل بـه‌بـاغ چای شده است .

۶ـ در خشکاسرا بالای قریهٔ سرولات آثـار استخری بزرگ وگورستانی وسیع قدیمی است .

۷ـ چاهی درهـزارچال درمحال سخت‌سر . راه از سادات‌محله بـه اربـه‌کله است وباقی راه را پیاده یابامال‌باید رفت .

۸ـگورستانی قدیمی درمیان‌ده . زیرخاکی فراوانی از اینجا بیرون‌آورده‌اند.

۹ـ بقعه‌ای قدیمی درکهنه میان‌ده نزدیك دهکدهٔ جنگ‌سرا . [2]

۱۰ـ غاری درپایین‌کوه قلعه‌بند یا شاه‌نشین کنارشاهراه شاه‌عباسی پشت‌دهکدهٔ رمك . [3]

۱۱ـ بقعه‌ای در شاه‌منصورمحله . [4]

۱۲ـ بقعه‌ای در دهکدهٔ ایزکی از دهکده‌های جنده‌رودبار (جنت‌رودبار) .

۱۳ـ قلعهٔ گل‌کند [5] درجنده‌رودبار . درمحل معروف بودکه سمجی به چادقلعهٔ

۱ـنیاسته : ده ازدهستان حومهٔ بخش‌رامسرشهرستان شهسوار،دوازده کیلومتری جنوب شرقی رامسر دوکیلومتری جنوب شوسهٔ رامسر به شهسوار (فرهنگ جغرافیایی ، ج ۳).

۲ ـ جنگ‌سرا : ده از دهستان حـومهٔ‌بخش رامسرشهرستـان شهسوار،هیجـده کیلـو متری غرب رامسر و شش‌کیلومتری جنوب چابکسر (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) .

۳ ـ رمك : ده از دهستان حومهٔ بخش رامسرشهرستان شهسوار، دوکیلومتری شرق رامسر و کنار راه شوسهٔ رامسر به شهسوار (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) .

۴ ـ شاه‌منصورمحله : ده از دهستان رامسرشهرستان شهسوار، ۱۵کیلومتری غرب‌شهسوار ودوکیلومتری جنوب شوسهٔ شهسوار (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) .

۵ـ بکسر گاف .

مارکوه دارد.

۱۴ـ قلعهٔ دربندان در جنده‌رودبار.

۱۵ـ گورستان گبری در مرتع اژدلم سرراه رامسر به‌جوردی (جواهرده). دراین مرتع گورهای بزرگ و فراوان است.

۱۶ـ آهن پچان آثار قدیمی کوره‌ها و معدن آهن است. سرراه جوردی (جواهرده) از راه رجه.[1] راه از پهلوی پل بامسی به قهوه‌خانهٔ بارگاه می‌رود. آهن‌پچان روبروی قهوه‌خانه می‌افتد.

۱۷ـ بقعه‌ای بربالای اشکونه کوه[2] درراه ییلاق جوردی (جواهرده).

۱۸ـ دوبقعهٔ قدیمی در تنگه‌درهٔ جوردی (جواهرده) یکی به نام سید خرم کیا و دیگری به نام آجنکوله.[3] مسجد و حمام این محل نیزقدیمی است.

۱۹ـ گورستان گبری در سرخ‌تله یا کهه‌بن درجوردی.

۲۰ـ گورستان گبری درپای کوه وژه[4] درجوردی.

۲۱ـ آثار قلعه‌ای قدیمی بر قلهٔ کوه زین‌دشته، شرق جوردی.

۲۲ـ گورستانی قدیمی شامل گورهای گبری و اسلامی درلپاسر[5] جوردی.

۲۳ـ آثار خرابهٔ دهکدهٔ قدیمی در اسیه‌گا[6] جوردی.

۲۴ـ آثار خرابهٔ آبادی قدیمی دربازرشت[7] دردهکدهٔ جوردی.

۲۵ـ خانه‌ای قدیمی ملکی میررضائی در دهکدهٔ جوردی.

۲۶ـ خانه‌ای قدیمی ملکی آقای لاریجانی در دهکدهٔ جوردی.

---

۱ ـ بفتح‌راء. ۲ ـ بضم‌الف. ۳ ـ بفتح‌جیم. ۴ ـ بفتح واو
۵ ـ بفتح‌لام. ۶ ـ بفتح الف. ۷ ـ بفتح‌راء.

۴ـ بناها و آثار تاریخی گلیجان تنکابن

بقعهٔ آقاسیدجلال از نوادههای امام موسیالکاظمعلیهالسلام
درزروج محلهٔ[1] گلیجان تنکابن

بنـای اصلی بقعه مـربع شکل وصندوقی سادهٔ چوبین درمیان آن است . در ورودی قبلی است . چهار طرف ایوان دارد . در هـر ایوان هشت ستون هشت ضلعی است که پایین آنها مربع شکل است . سرستونها نسبهً ظریف و پرکاراست . طرف سرنال و طرف دیوار بقعه ، هر یك دارای یك چکش‌گردان ظریف است که واشانها برآنها متکی است . بنای بقعه از داخل نیز چکش‌گردان دارد و واشانهـای سقف بقعه برآنها استوار است . جلو ایوانها تکائل صندوقی ظریفی به‌کار رفته است .

بقعهٔ آقامیرسبحان
دردهکدهٔ تیمجانك[2] گلیجان تنکابن

بنای اصلی بقعه مربع شکل است . در اصلی ورودی جنوبی است و درِدوطرف

---

۱ ـ زروج محله : ده از دهستان گلیجان شهرستان شهسوار، دوازده کیـلومتری غربی شهسوار و سه کیلومتری جنوب‌شوسهٔ شهسوار به رامسر (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج۳). زارود = زارو ، از آبادیهای پشتکوه و از توابع جوردی (جواهرده) است .درخودجواهرـ ده هم زارومحله‌ای هست . نسبت به‌زارو ، زاروج و مخفف آن زروج می‌شود .

۲ ـ تیمجانك : ده از دهستان گلیجان شهرستان شهسوار، ده کیلومتری غرب شهسوار و دو کیلومتری جنوب راه شهسوار به رامسر(فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) .

آن دو شیر نقاشی شده است ، بالای درعبارت « از علی آموز اخلاص عمل » خوانده می‌شود . ایوان جنوبی دارای شش ستون قدیمی با سرستون است که چهار عدد آنها لاچ لنگری است . باقی ایوانها هریك هفت ستون چوبین دارد . در محوطهٔ اطراف بقعه درخت پلت (افرا) کهنسالی بود که محیط تنهٔ آن بالغ بر ۴۲۰ سانتیمیر بود.

گور کیا اسکندر چلاوی
درحوالی شیرود گلیجان تنکابن

پس‌از اینکه کیااسکندر پسر افراسیاب چلاوی ، امیر تیمور را به دفع‌سادات مرعشی به قلعهٔ ماهانه‌سر آورد و سادات را به دست امیر تیمور شکست داد ، خود بر امیر تیمور بشورید و پس از جنگی که در جنگل فری‌کنار با امیر تیمورکرد شکست خورد و به تنکابن درآمد . امیر تیمور کسان خود را به دنبال او بفرستاد . ایشان به نمکاوه‌رود رفتند وازسیدهادی کیا ــ والی تنکابن ــ اسکندر را زنده و مرده خواستند . سیدکسان خود را فرستاد و او را در شیرود هزاربکشتند و سرش را به فرستادگان امیر تیمور دادند.[۱]

بقعهٔ آقا سیدرضا
در دهکدهٔ بالاشیرود گلیجان تنکابن

بنای اصلی بقعه مربع شکل و به ابعادشش‌متر است . درورودی اصلی قبلی‌است. چهار طرف بنا ایوان دارد و ایوان جنوبی پهن‌تراز سایر ایوانهاست . جلو هرایوان هفت ستون هشت ضلعی است . قبرستانی قدیمی در محوطهٔ اطراف بقعه است .

بقعهٔ آقاسیدحسین بن امام‌موسی الکاظم علیه‌السلام
دردهکدهٔ پایین شیرود گلیجان تنکابن

درازای بنای اصلی ۵۰۰ و پهنای آن ۳۲۰ سانتیمتر است . در ورودی اصلی

---

۱ ــ تاریخ طبرستان ورویان و مازندران سیدظهیرالدین، ص ۳۱۴ و ۳۱۵ و ۳۱۶ .

جنوبی است و دو طرف آن دو طاقچه بنا شده است . در ضلع شرقی سه طاقچه است که بالای طاقچهٔ وسط خفنگی مدور نورگیر نصب شده است . در ضلع غربی نیز سه طاقچه دیده می‌شود . ضلع شمالی مانند ضلع جنوبی دارای دری ورودی و دوطاقچه درطرفین آن است . ایوانها دارای ستون با سرستونهای نسبةً ظریف است. سنگ مرمری قدیمی جلو پلهٔ بنا بودکه روی آن را سیمان کشیده بودند . مطالب حك شدهٔ بر آن درست خوانده نشد . چناری قدیمی در بیرون محوطهٔ بناست که فعلاً پنج‌شاخه شده و تنه‌ای بسیارقطور دارد . معروف است که این سیدحسین، برادر سیدحسن است که در دهکدهٔ چاك ییلاق جنده‌رودبار مدفون است .

دو برادران
در دهکدهٔ کچانك گلیجان تنکابن میان شیرود و کچانك

دوبرادران شامل‌دو بقعهٔ ساده و محقراست .پشت یکی‌از بقعه‌ها درخت‌لنگائی (نارون) است که محیط تنهٔ آن ۳۸۰ سانتیمتر است . پلت (افرا) بزرگ و کهنسالی نزدیك این نارون است . مسجدی کوچك و محقر نیز در محوطهٔ این دوبقعه‌ساخته‌اند.

پل آجری
در دهکدهٔ لپاسرسرراه رمج‌محله و کچانك گلیجان تنکابن

این پل برآبی است که از زهاب زمینها بوجود می‌آید . آجرهای پل‌به ابعاد ۴ × ۲۰ × ۲۰ سانتیمتر است . پهنای پل با جان‌پناه ۲۵۰ سانتیمتر و بدون جان‌پناه دومتر است . درازای پل نوزده مترو ارتفاع آن از سطح آب سه متر است (عکس شمارهٔ ۸) .

پل آجری
برسرراه نسیه‌محله به فقیه‌محله و دهکدهٔ برامسر[1]

۱ ــ بضم‌باء وفتح‌سین. برامسر : ده ازدهستان گلیجان شهسوار، هشت کیلومتری غربی شهسوار وسه کیلومتری جنوب شوسهٔ شهسوار به رامسر (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳).

این پل برآب واچه‌کیله بناشده که از رودخانهٔ‌مرز[1] جدا می‌شود . بنای پل قدیمی است . درازای آن ۲۴٫۶۰ مترو پهنای آن با جان‌پناه ۲۵۰ سانتیمتر و بدون آن ۲۳۰ سانتیمتر است . بلندی پل از تیزی چان‌پناه تا سطح آب ۳۵۰ سانتیمتر و پهنای دهانهٔ پل ۵۳۰ سانتیمتر است (عکس شمارهٔ ۹) .

بقعهٔ گلدسته
در دهکدهٔ برامسر گلیجان تنکابن

بنای بقعه شامل چهار دیواری است با مقداری درختان انجیرودرختان‌دیگر. درخت پلت عظیمی نزدیك بقعه بود که محیط تنهٔ آن بالغ بر۴۴۰ سانتیمتر بود. در محوطهٔ بقعه ، درخت پلت دیگری بود که محیط تنهٔ آن ۵۷۰ سانتیمتر بود .

بقعه‌ای
در دهکدهٔ فقیه محلهٔ[2] گلیجان تنکابن

ازبنای قدیمی چیزی برجای نبود و سراسر آن تجدیدبنا شده‌بود . درمحوطهٔ اطراف بقعه گورستانی قدیمی است . درخت کهل نسبةً کهن در این‌گورستان دیده‌شد که محیط تنهٔ آن ۳۷۰ سانتیمتر بود .

امامزاده محمد[3]
در دهکدهٔ واچك[4] گلیجان تنکابن

بنای قدیمی را خراب کرده بودند و به جای آن بنایی نوسازبا مشخصات‌زیر

۱ــ بفتح میم و راء . ۲ ــ فقیه‌محله: ده از دهستان گلیجان شهرستان شهسوار، شش کیلومتری جنوب‌غربی‌شهسواردودو کیلومتری گلیجان(فرهنگ‌جغرافیایی ایران، ج ۳).
۳ــ در روزنامهٔ کیهان شمارهٔ ۸۵۲۳ مورخ یکشنبه ۲۱ آذر ماه ۱۳۵۰ عکسی از این امامزاده وگزارشی‌از حفاری دزدانهٔ آن درنیمه‌شب چاپ‌شده است. ۴ــ واچك بکسرچ. ده ازدهستان گلیجان شهسوار، چهار کیلومتری غرب شهسوار کنار شوسهٔ شهسوار به رامسر، (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳) .

ساخته‌اند . ابعاد بنای اصلی ۵۰۰ در ۴۷۰ سانتیمتر است. چهار طرف چهار ایوان دارد . ایوانهای جنوبی و شمالی به درازای ۸۵۰ سانتیمتر و ایوانهای غربی و شرقی به درازای هشت‌متر است . پهنای تمام ایوانها ۱۸۰ سانتیمتر است . جلوایوانهاتکائل آجری است و روی آنها را سفید کرده‌اند (عکس شمارهٔ ۱۰) . در محوطهٔ اطراف بقعه درختان پلت (افرا)کهنسالی بودکه محیط تنهٔ آنها بدین قرار است :

۸۳۰و ۵۲۰و ۴۸۰و ۴۰۰ سانتیمتر .

سیدظهیرالدین می‌نویسد که قبر برادرش سیدعبدالحی‌بن سیدنصیرالدین‌بن سیدکمال‌الدین‌بن میرقوام‌الدین‌مرعشی در واچك گرجیان است . [1] ظاهراً گلیجان امروز با ناحیهٔ گرجیان قدیم کم‌وبیش قابل تطبیق‌اند .

بقعهٔ آقاسیدابراهیم‌و گورستان اطراف آن نزدیك دهکدهٔ کرات‌کوتی [2] گلیجان‌تنکابن

بنای اصلی بقعه مدور و طرح ایوانهای اطراف آن مربع‌شکل است .هرایوان سابقاً هشت ستون داشته که سرستونهای آنها زیر سرنال (حمال) باقی است .

ایوانهای کنونی ، دارای چهارستون سیمانی و تکائلی از آجرو سیمان است. طاق بقعه مدور و سنگی‌است وکاشیهایی به‌رنگهای مختلف بردیوار داخلی بقعه‌دیده شد . در بقعه نسبةً قدیمی است و دارای آلتهایی است که درمیان آنها تخته بکار رفته است وبالای درخفنگی با همان طرح دیده می‌شود . چناری کهنسال در جلو در ورودی بقعه بود که محیط تنهٔ آن به ۶۲۰ سانتیمتر می‌رسید . در گورستان اطراف بقعه سنگ قبرهایی به این شرح دیده شد :

۱ــ تاریخ طبرستان ورویان‌و مازندران، ص۳۴۸ و ۳۸۵ .

۲ ــ کرات‌کوتی : ده از دهستان گلیجان شهرستان شهسوار، پنج کیلومتری غرب شهسوار ودوکیلومتری جنوب شوسهٔ شهسوار به رامسر (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) .

«وفات مرحوم مشهدی‌رمضان ولد مرحوم غلامعلی۱۲۷۲ . نشانه‌ها: مهر ، تسبیح و شانه . »

« وفات مرحومه خدیجه‌بانو بنت کربلائی آقابابا ۱۲۴۵. نشانه‌ها : مهر ، تسبیح ، شانه ، آفتابه ، قیچی و بینکی . »

سنگ قبری‌مورخ ۱۲۷۲ و سنگ قبرشکستهٔ دیگری مورخ ۱۲۶۰ نیز دیده شد .

بقعهٔ آقاسیدحبیب‌الله
در دهکدهٔ میانرود[1] گلیجان تنکابن

بنای اصلی بقعه مربع شکل ، چهار طرف چهار ایوان‌کتابی و هر ایوان هفت ستون چوبین با سرستونهای نسبةً ظریف دارد . سقف بنا واشان‌کشی است و واشانها بر چکش‌گردانهای دیوار وسرنال استوار است . لبهٔ بنا از خارج دارای دو چکش‌ـ گردان و یك پشته است . سراسر بام حلب‌پوش است . در گورستان اطراف بقعه دو درخت کهنسال لنگا (نارون) است که محیط تنهٔ یکی ۲۶۷ و دیگری ۴۱۰سانتیمتر است . گورستان اطراف‌بقعه، قدیمی و وسیع است .مسجدی بزرگ و حلب‌پوش در اراضی گورستان است .

مسجد علامه
در دهکدهٔ سلیمان‌آباد[2] گلیجان تنکابن

مسجدقدیمی این دهکده را مرحوم‌آیةالله میرزامحمدعلامهٔ‌تنکابنی بساخت.

۱ ـ میانرود : ده از دهستان گلیجان شهرستان شهسوار دو کیلومتری جنوب غربی شهسوار و چهارکیلومتری راه شهسوار به رامسر (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج۳) .

۲ ـ سلیمان‌آباد : ده از دهستان گلیجان شهرستان شهسوار، شش‌کیلو متری جنوب غربی شهسوار کنار راه فرعی شهسوار به چلاسر (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳).

این مسجد که روی در خرابی داشت ، اخیراً به دست آقای ابوالفضل علامه نوهٔ آن مرحوم تجدید بناشد .

مدرسهٔ سلیمانیه
در دهکدهٔ سلیمان‌آباد گلیجان تنکابن

این مدرسه از مستحدثات میرزا سلیمان طبیب بود و در حدود بیست حجره طلبه‌نشین داشت . پسرش مرحوم میرزا محمد علامهٔ تنکابنی سالها در این مدرسه علوم قدیمه و معارف شرعیه را تدریس می‌کرد و پس از او نیز این مدرسه مرکز طلاب علوم دینی بود . امروز اثری از این مدرسه برجای نیست .

گورستانی قدیمی
در دهکدهٔ سلیمان‌آباد گلیجان تنکابن

گورستانی وسیع است که سنگ قبری در آن نیافتم . بربالای بلندترین نقطهٔ میان این گورستان ، بقعه‌ای ساده با چهار ایوان اطراف آن بنا شده بود .

عمارت منتظم‌دیوان
در دهکدهٔ گلیجان تنکابن

صاحب طرائق‌الحقایق درسال ۱۳۱۴ هـ . ق . می‌نویسد « سلیقهٔ جناب منتظم‌دیوان از این باغ و طرح بازار و حمام معلوم است.» [۱]

بنای اصلی عمارت منتظم‌دیوان به درازای ۳۰ و پهنای ۱۸ متر بوده و بیست‌و چهار اطاق داشته که فعلاً خرابهٔ آن به‌شکل تپه‌ای کوتاه در آمده است . بنای اصلی بیرونی که تا امروز برجای است به درازای ۱۷ متر و پهنای ۱۳ متر است که راهرویی در وسط و چهاراطاق در دو طرف راهرو دارد. درو پنجره‌های قدیمی آن از میان رفته و فعلاً محل دبستان منتظم گلیجان است . سردر ورودی بیرونی ساختمان، هشتی مانندی

۱ ــ طرائق الحقایق ، ج ۳ ، ص ۶۲۸ .

داشت که میان اندرونی و آشپزخانه قرار می‌گرفت. قسمت پایین هشتی راهرو وقسمت بالای آن اطاقهای اهل علم و روضه‌خوانها بود. آجرهای این بنا را برای ساختمان املاك بردند. تمام بناها، درهای ظریف و پنجره‌های ارسی پرکار با شیشه‌های رنگین داشت.

حمامی قدیمی
در دهکدهٔ گلیجان تنکابن

این حمام را مرحوم میرزا محمدعلی معروف به نایب ساخته است وتا امروز برقرار و براه است.

عمارت قدیمی شیخ نورالدین
در نورآباد گلیجان تنکابن

این بنا که یکی از ساختمانهای قابل بررسی دوران قاجاری بوده است به دستور شیخ نورالدین پدر دکتر محمدخلعت بری ساخته شد. از این بنا امروز نشانی نیست.

باقی بناها و آثار تاریخی گلیجان تنکابن

۱ ــ بقعه‌ای در دهکدهٔ لشتو که اطراف آن گورستانی قدیمی است.
۲ ــ بقعه‌ای در دهکدهٔ نورآباد.
۳ ــ چاهی بزرگ در آهک‌چال در دیوچال‌گردن بالای دهکدهٔ چال‌کش[1].
۴ ــ سمجی به نام «زاغسی» نزدیك دهکدهٔ لگا[2] برسر سه‌راهی شرگو[3].
۵ ــ گورستان قدیمی اریه[4] نزدیك دهکدهٔ لاك‌تراشان[5].

---

۱ ــ بضم کاف. ۲ ــ بکسرلام، لگا: ده کوچکی از دهستان گلیجان شهسوار، پنجاه کیلومتری جنوب غربی شهسوار (فرهنگ جغرافیایی ایران. ج ۳).
۳ــ بفتح‌شین وکسرراء. ۴ــ بکسرالف. ۵ــ لاك‌تراشان: ده ازدهستان گلیجان شهرستان شهسوار چهل‌وهشت کیلومتری جنوب غربی شهسوار (فرهنگ‌جغرافیایی ایران، ج ۳).

۶ ـ گورستانی قدیمی در میان دهکدهٔ لاک‌تراشان .

۷ ـ گورستانی قدیمی در دهکدهٔ دیمرون در ییلاق گلیجان .

۸ ـ امامزاده طاهر و مطهر در جنوب شرقی دهکدهٔ سیب‌کلایه در ییلاق گلیجان . چند درخت ون (زبان‌گنجشك) کهنسال در محوطهٔ اطراف بقعه است .

۹ ـ بقعهٔ آقامیرابوطالب در دهکدهٔ خشک‌رود[1] سلیمان‌آباد گلیجان . بنایی سادهٔ زگالی است و بامی حلب‌پوش دارد . مسجدی نوساز کنار بقعه است .

۱۰ـ قلایهٔ کارکو، آثار قلعه‌خرابه‌ایست بر روی تپهٔ کارکو درخشك‌رود گلیجان.

۱۱ ـ سمجی قدیمی در سیاه‌بند کارکو در خشك‌رود گلیجن .

۱۲ ـ گورستانی قدیمی باآجرهای قدیمی فراوان در خشك‌رود گلیجان .

۱۳ ـ حمامی قدیمی در خشك‌رود گلیجان .

۱۴ ـ آثار بنایی قدیمی در بیسرکودهٔ گلیجان که خندق اطراف این‌بنا هنوز برجای است .

۱۵ ـ چاهی قدیمی در آمارکودهٔ گلیجان .

۱۶ ـ چنارهای کهنسال در مزار انبارسر بالای دهکدهٔ سلیمان‌آباد .

۱۷ ـ بقعه‌ای در شاهمرادمحلهٔ گلیجان .

۱۸ ـ قلعه‌ای قدیمی‌در لزربن[2] گلیجان‌که امروز به‌باغ چای تبدیل‌شده‌است .

۱۹ ـ برج و حصاری در پشت گالش‌محله[3] که آجر فراوانی از آنجا بـرای

---

۱ ـ خشك‌رود : ده از دهستان گلیجان‌شهرستان‌شهسوار، ده‌کیلو متری جنوب غربی شهسوار و سه کیلومتری غربی راه قدیم شهسوار به رامسر (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) . ۲ ـ بفتح‌لام‌وزاء وضم‌باء ، لزربن:ده ازدهستان گلیجان شهرستان‌شهسوار، دوازده کیلومتری جنوب غربی شهسوار وچهارکیلومتری جنوب شوسهٔ شهسوار به رامسر (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) . ۳ ـ گالش‌محله :ده‌از دهستان گلیجان شهسوار شانزده کیلومتری جنوب غربی شهسوار (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳).

ساختمان حمام برده‌اند .

۲۰ ـ بقعه‌ای در گاش‌محلهٔ گلیجان .

۲۱ ـ بقعه‌ای در نورالدین محلهٔ[1] گلیجان.

۲۲ ـ بقعه‌ای در جل[2] آخوندمحله از بلوك گلیجان .

---

۱ ـ نورالدین‌محله : ده ازدهستان گلیجان شهرستان شهسوار، یازده کیلومتری غربی شهسوار ودو کیلومتری جنوب شوسهٔ شهسوار به‌رامسر (فرهنگ‌جغرافیایی‌ایران ، ج ۳) .

۲ ـ جل بفتح جیم : دهکدهٔ کوچکی ازدهستان گلیجای شهسوار، یك کیلومتری آخوندمحله (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) .

٤ـ بناها و آثار تاریخی خرم آباد تنکابن

خانه و باغ امیر اکرم
در محلهٔ شهسواران (شهسوار) تنکابن

محمدمعصوم شیرازی مشهور به معصومعلی‌شاه که درسال ۱۳۱۴ هـ . ق. خانه و باغ امیراکرم را در محلهٔ شهسواران دیده ، دربارهٔ آنها چنین نوشته است:

«بایدبرویم کنار دریا وتماشای عمارت وباغ کد[امیراکرم] برساحل ساخته‌اند، نیم فرسخ است و آنجا را محلهٔ شهسواران گویند . تجارباکوبازار وحمام و خانه‌های خوب دارند اما باغ امیر بهشتی است بی‌نظیر. زمین آن فرشش بنفشه و یـا زلف حورالعین گسسته، سروش درنـاز و با شمشادقدان سرخوش‌و دمساز، درختان نارنج و ترنج از دل رنج برند وقماریش برشاخسار پردهٔ چغانه وخرم نوازند. وسطآن‌عمارتی است‌که مراتبش از سبع‌طباق‌گذشته و برفرازش روباه زرد، رواق‌بیستون نگذشته...»[۱]

از بناهای قدیمی این باغ اثری برجای نبود . اما خود باغ در دو طرف خیابان‌اصلی شهسوار در غرب فلکهٔ اصلی تا امروز برجای است و در دست بازماندگان امیراکرم است .

۱ـ طرائق‌الحقایق ، ج۳ ، ص ۶۲۱ .

مسجدی قدیمی معروف به قبر چهل‌دختر
در دهکدهٔ آغوزکله[۱] خرم‌آباد تنکابن

بنای قدیمی مسجد را تجدیدکرده بودند . بنای مسجدتازه درمیان‌گورستانی قدیمی است. درختان نسبةً قدیمی در محوطهٔ‌گورستان دیده شد .

درخت چناری بسیارکهنسال
برسر راه بلده (قلعه گردن) و آغوزکله

بر سرراه بلده به‌آغوزکله ، سمت چپ این‌جاده ، چناری بسیار قـدیمی است که شایدکهنسالترین چنار این صفحات باشد . به علت روئیدن پاجوشهای فراوان در اطراف آن نتوانستیم محیط دایرهٔ تنهٔ‌آن را اندازه‌گیری‌کنیم . شاید عمر این درخت بالغ برپانصد سال باشد .

بقعهٔ آقاسیدعلی‌کیا
در دهکدهٔ مزرک[۲] خرم‌آباد تنکابن

بنایی است زگالی، چهارگوشه ، در وسط و دو طرف‌آن دو بنای دیـگر متصل به‌آن است‌که استفادهٔ مسجد ازآنهامی‌شود . در جلو بنای بقعه و دو اطـاق دو طرف آن، ایوانی است‌که سیزده ستون چوبین چهارسوی پخ‌زده است‌که سرستونهای نسبةً پرکاری‌دارند.درمحوطهٔ اطراف بقعه گورستانی‌قدیمی است. درخت تادانه‌ای‌که‌محیط دایرهٔ تنهٔ آن ۳۳۰ سانتیمتر و درخت شمشادی که محیط‌دایرهٔ تنهٔ آن ۱۶۰سانتیمتر می‌باشد در محوطهٔ گورستان است .

۱ــ آغوزکله : ده از دهستان خرم‌آبادشهسوار، هشت‌کیلومتری جنوب شهسوارویك کیلومتری غرب‌بلده (فرهنگ جغرافیایی ایران ،ج۳) .

۲ــ بفتح میم و زاء .

امامزاده سید قوام‌الدین
در دهکدهٔ کبودکلایهٔ[1] خرم‌آباد تنکابن

بنایی است چهارگوشه به ابعاد چهارمتر درچهارمتر . دری طرف قبلی و دری شمالی دارد . صندوقی مشبك‌چوبین در وسط بناست. چهـار طرف بقعه ایوان‌کتابی است و اخیراً تعمیراتی درآن‌کرده و نوسازی نموده‌اند . سقف بنا لمبه‌کوبی و بام‌آن حلب‌سر است .

اطراف بقعه گورستانی‌قدیمی است که درختان کهن درآن زیاداست. درختان مازوی آن به محیط دایرهٔ زیر است :

۵۶۰ سانتیمتر و ۴۹۰ سانتیمتر و ۴۵۰ سانتیمتر .

درخت توئی دراین‌گورستان است‌که محیط دایرهٔ تنهٔ‌آن ۲۶۰سانتیمتراست .

بقعهٔ نورزاده خانم
در دهکدهٔ مزردشت[2] خرم‌آباد تنکابن

این بقعه‌که به نام نورزاده‌خـانم‌معروف است اصـلاً شهربـانو بنت‌شیخ‌باقر مزردشتی است. بقعه‌ایست ساده وچوبین و دری مشبك‌چوبین‌دارد وصندوقی ساده در آن است . در نزدیکی بقعه آثار مسجد وحمامی قدیمی دیده می‌شود.

در محوطهٔ اطراف بقعه‌گورستانی قدیمی است و درختان قطور پلت (افرا) در آن زیاد است . محیط دایرهٔ تنهٔ قطورترین آنهـا به ۴۰۰ و ۳۶۰ و ۳۵۰ سانتیمتر می‌رسد .

۱ـ کبودکلایه : ده از دهستان خرم‌آباد شهرستان شهسوار ، ۳/۵ کیلومتری جنوب شهسوارکنـار شوسهٔ شهسوار بـه خرم‌آبـاد (فرهنگ جغرافیایـی ایـران، ج ۳) .

۲ـ بفتح میم و زاء .

حمامی قدیمی
در بلدهٔ (قلعه‌گردن)[1] خرم‌آباد تنکابن

حمامی بسیار قدیمی در این دهکده بود که در نوسازیهای دوران اعلیحضرت فقید رضاشاه‌کبیر خراب‌شد و از میان رفت .

بقعهٔ سید علی‌کیا
در پایین بلدهٔ خرم‌آباد تنکابن

به تازگی بقعهٔ قدیمی را خراب‌کرده‌بودند و به‌جای‌آن بنایی ازنو ساخته‌اند.

بقعهٔ سیده زبیده
دربلدهٔ خرم‌آباد تنکابن

چند سال قبل بقعهٔ قدیمی راخراب کردند وبه جای آن بنایی از نوساختداند.

بقعهٔ سید محمد طاهر
در پایین‌بلدهٔ خرم‌آباد تنکابن

بنایی است زگالی بابامی حلب‌پوش . بنای‌محقری نزدیك بقعه‌است‌که معروف است مدفن سیده شهربانو ــ خواهر سید محمد طاهر ــ است. مسجدی متصل به بقعهٔ اصلی است. محوطهٔ اطراف‌بقعه‌گورستانی‌قدیمی است و درختان ملچ و مازو وگردو و کرزل درآن زیاد است. یکی ازدرختان ملچ محیط دایــرهٔ تنداش به ۳۴۰ سانتیمتر می‌رسید .

۱ــ بلده : ده از دهستان خرم‌آباد شهرستان شهسوار، نه کیلـومتری جنوب شهسوار (فرهنگ‌جغرافیایی‌ایران ، ج ۳) . این‌دهکده امروزبه «قلعه‌گردن» شهرت پیداکرده‌است.

مسجدی قدیمی
در دهکدهٔ بلدهٔ خرم‌آباد تنکابن

در میان اهالی معروف است که این مسجد بسیار قدیمی را حضرت امام حسن(ع) بنا کرده است . این دلیلی تواند بود که این مسجد بسیار قدیمی بوده است . حمامی قدیمی نیز نزدیك این مسجد بود . مسجد و حمام در دوران نوسازیهای اعلیحضرت فقید از میان رفت . هنگام خراب کردن مسجد به‌آجرهای قالب بزرگ و کاشیهای قدیمی برخوردند .

قلاگردن (قلعه‌گردن)
برقلهٔ کوهی در جنوب بلدهٔ خرم‌آباد تنکابن[1]

برقلهٔ کوهی که جزء رشتهٔ جنوبی بلده است، کنار راه دوهزار قلعـه‌ای قدیمی بوده است . آثاری از این قلعهٔ قدیمی برجای نیست و امروز آبادی بلده‌که در دامنهٔ شمالی آن است نیز به‌نام‌گردنه‌ای‌که نزدیك به این قلعه است «قلعه‌گردن» ، خوانده می‌شود .

این قلعه ظاهراً همان قلعهٔ تنکا است‌که مولانا اولیاءالله وسید ظهیرالـدین از آن نام برده‌اند . و چنین به‌نظر می‌رسدکه نام بخش تنکابن نیز از نام این‌قلعه‌گرفته شده باشد .

قلعهٔ تنکا
درجنوب دهکدهٔ بلدهٔ خرم‌آباد تنکابن

مولانا اولیاءالله ، از قلعه‌های ازبلو[2] و تنکا در وقایع سال ۵۶۰ قمـری چنین

۱ــ متن انگلیسی سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو ، ص ۲۴ .
۲ــ ظاهراً قلعهٔ ازبلو همان قلعهٔ مارکوه امروز است.

یادکرده است: استندارکیکاوس با اسماعیلیان مخالف بود و در قلمرو او (رستمدار) یك تن از اسماعیلیان راه نداشت . اما استندار هزارسپ ـ برادرزادهٔ کیکاوس ـ با اینکه مردی سپاهی بود ، در دفع ایشان کوتاهی می‌کرد و بیشتر قلاع رابه‌تصرف ایشان داد و خود بـه عیش و عشرت پـرداخت و دست به قتل بزرگـان دراز کرد . بزرگان رویان ودیلمـان هم‌پیمان شدند تا دفع او کنند . نزد ملك‌اردشیر رفتند . ملك‌اردشیر لشکر به‌آمل وکجورکشید و قلعهٔ ولج را محاصره‌کـرد و پس‌از تسخیر، قلعهٔ نور و ناجو را نیز بگرفت . دوباره به‌قلعهٔ ولج آمد و ازآنجا به‌کلار رفت . پس از آن به‌قلعهٔ ازبلو و تنکاآمد و این قلعه را بگرفت و مردم‌آن ولایت رامطیع کرد.[1]

سید ظهیرالدین نیز از دزتنکا، بیش از دویست سال بعد ذکری به‌میان‌آورده و می‌نویسد :

پس از جنگ رشت و شکست خوردن سادات از امرای محلـی‌گیلان در سال ۷۸۹ قمری ، سیدهادی‌کیا ــ حاکم تنکابن‌ـ‌که در این‌جنگ شرکت داشت ، چاره‌ای جز فرار ندید، ازکوچسفهان به لاهجان وازآنجا به رانکوه و تنکابن رفت . توملج و امرای ناصرود کـه از این فرارآگاهی یافتند ، او را دنبال کردند . سیدهـادی‌کیا به دز تنکا در تنکابن‌که بعد از خرابی آن را آبادان ساخته بوده متحصن شد. امرای نـاصرود و همراهان چون به تنکابن رسیدند، آتش درخانه‌ها زدند و بغارت وتالان مشغول شدند . سیدهادی‌کیا از قلعه بیرون آمد و بدیشان حمله‌کرد وایشان‌را منهزم ساخت .[2]

استحکامات قلعهٔ تنکا یا قلعه‌گردن در زمان ساعدالدوله تعمیر و مـرمتی شد و چندی مورد استفاده بود .

---

۱ ـ تاریخ رویان، ص۱۴۵ و۱۴۶ و۱۴۷ . عین‌این‌مطالب درتاریخ طبرستان، ج۲، ص ۱۴۴ نیزآمده‌است .

۲ـ تاریخ‌گیلان و دیلمستان چاپ نگارنده ، ص۸۷ و ۸۸ .

ساختمانهای خاندان خلعت‌بری
در خرم‌آباد تنکابن

رابینو در سال ۱۳۳۰ هـ . ق . ازخانه‌های میرزا حبیب‌الله خان ساعدالدوله و محمدولی خان سپهدار اعظم و امیر اسعد[۱] فرزند ارشد سپهدار- در سه طرف میدان دهکدهٔ خرم‌آباد تنکابن یادکرده است و می‌نویسد در طرف شمال میدان، خانهٔ امیر اسعد - فرزند ارشد سپهدار اعظم- است.[۲] سبزه‌میدان خرم‌آبادکه رابینو ازآن ذکر می‌کند از سبزه‌میدانهای بزرگ صفحات شمال ایران بوده است. این میدان از شمال به دیوار جنوبی مدرسهٔ سنائی‌کنونی می‌رسیده و این دیوار ازغرب به شرق امتداد داشته و جادهٔ‌کنونی شهسوار به‌خرم‌آباد را قطع می‌کرده است و به‌کنار راهی می‌رسیده‌که مورب به‌گوشهٔ جنوب‌شرقی میدان می‌رفته است . ضلع‌غربی‌میدان دیوار مؤسسهٔ‌کشاورزی امروز بوده است‌که این دیوار از شمال به‌جنوب امتداد داشته و تا جنوب فلکهٔ امروز می‌رسیده است. در زوایهٔ جنوب‌شرقی میدان کاروانسرایی بوده که باز رابینو ازآن یادکرده است ومادر شرح بناهای خرم‌آبادآورده‌ایم.ضلع‌جنوبی میدان هم از پنجاه شصت‌متری‌جنوب‌فلکهٔ‌کنونی می‌گذشته است . در شمال و غرب و زاویهٔ جنوب شرقی میدان، ساختمان ناصریه، ساختمان سردرب[۳] ، ناهار خوران ، ساختمان هاجرخانم، عمارت دیوانخانه ، عمارت‌عالیه خانم بوده است. این بناهاکه نمونه‌های کاملی از بناهای اعیانی دوران قاجاری بوده ، تا زمان اعلیحضرت فقید رضا شاه‌کبیر برجای بود ، در همین زمان است‌که کم‌کم رو به خرابی رفته واشخاص مختلف در و پنجره و سایر مصالح‌آن را به‌جایی برده‌اند .

۱- لقب امیر اسعد را مرحوم میرزا عبدالله‌خان‌معززالحکماازتهران برای‌علی‌قلی‌خان آورده است (بنا به‌اظهار آقای حبیب‌الله شاهمرادی). ۲- ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو ، ص ۴۲ . ۳- در محل به همین شکل تلفظ می‌شد .

جادهٔ شهسوار به خرم‌آباد امروز، این اراضی را به‌دو قسمت کرده است. آنچه از این اراضی برسمت چپ جاده بوده، به دست اشخاص مختلف افتاده است و در اراضی سمت راست موسسهٔ کشاورزی خرم‌آباد و دبیرستان سنائی بنا شده و دو قطعهٔ بزرگ غربی و یك قطعهٔ بزرگ شمالی نیز درملکیت دیگران است.

ساختمان ناصریه

این بناکه ظاهراً بدنام ساختمان آیینه نیز معروف بوده است، درست برجای دبیرستان سنائی کنونی قرار داشته و آیینه‌کاری وگچ‌بریهای آن جزء شاهکارها بوده است.

ساختمان سردرب

ساختمانی بوده است در اراضی باغ‌کشاورزی خرم‌آبادکه مرحوم امیر اسعد و حرم او درآن زندگی می‌کرده‌اند.

ناهارخوران

ناهارخوران تختی است به‌ارتفاع یك‌متر که اطراف آن سنگهای تراشیدهٔ نقش‌دار یك‌پارچه است (عکسهای شمارهٔ ۱۱ و ۱۲) و درشمال‌آن حوضی به شکل مربع مستطیل از سنگ قرار دارد (عکس شمارهٔ ۱۳). این‌بناکه نمونهٔ کوچکی از باقی‌ماندهٔ مجموعهٔ این بناهاست تا امروز در مؤسسهٔ‌کشاورزی برقرار است.

قسمتی از خیابان‌بندی و درختان کهنسال فراوان سرو تا امروز برجای است (عکس‌شمارهٔ۱۴). یکی دوسه چنارقدیمی نیز پراکنده در این باغ‌به چشم می‌خورد.

عمارت دیوانخانه
در جنوب شرقی خرم‌آباد تنکابن

باغ عمارت دیوانخانه درحدود پنج‌هکتار و به‌شکل مربع مستطیل درجنوب‌شرقی شهر خرم‌آباد و در جنوب مسجد قدیمی این شهر برجای است. ازآثار قدیمی آن حوضی مخروبه باقی مانده است.

عمارت عالیه‌خانم
درجنوب شرقی خرم‌آباد تنکابن

اراضی اطراف این عمارت به شکل باغی متروك در شرق عمارت دیوانخانه و جنوب‌شرقی شهر خرم‌آباد برجای است. این اراضی قطعه‌بندی شده واشخاص‌مختلف بناهای محلی درآن ساخته‌اند و امروز اثری از عمارت عالیه خانم برجای نیست.

مسجدی قدیمی
درخرم‌آباد تنکابن

در مجاورت دیوانخانه‌ و در اراضی شمالی آن مسجدی بوده‌که‌به‌دستور عالیه خانم بنا شده است. برجای این مسجد قدیمی، مسجدی نو بناکرده‌اند.

حمامهای قدیمی
در خرم‌آباد تنکابن

حمامهای قدیمی دراین شهربرقراربوده‌که بیشتر به‌علت مجهز نبودن به‌وسایل تازه از میان رفته است.

کاروانسرایی قدیمی
در خرم‌آباد تنکابن

رابینو از این کاروانسرا یاد می‌کند ومی‌نویسد ازآجرهای مرغوب ساخته‌شده است.[۱] این کاروانسراکه درکنج جنوب‌غربی سبزه‌میدان بود ، درنوسازیهای این‌شهر از میان رفت .

قلعۀ پرز[۲]
نزدیك دهکدۀ سیاورز[۳] خرم‌آباد تنکابن

رابینو از این محل به‌نام قلعه یادکرده است.[۴] فعلاً درشمال‌دهکدۀ سیاورز در باغ مرکبات مشاع سیدمحمدباقر و سیدمسیح و سیدابادر ، قلعه‌کوتی بزرگی برجای است‌که برسرآن درختان مرکبات کاشته شده است .

گوری قدیمی
درگورستان دهکدۀ سیاورز خرم‌آبادتنکابن

در محل معروف است که مدفون در این گور ، جـد سادات سیاورز است ودر حدودسیصدسال پیش دراینجا به‌خاك سپرده شده است . سنگ حصاری بیش نیست و هیچگونه اثر هنری ندارد . درختان تادانه و ممرز و شمشاد قطور در این‌گورستان است‌که در نزد اهالی به«آقادار» معروف است. درگورستان قدیمی این‌دهکده بقعه‌ای ساده به‌نام سیده زبیده خاتون است .

۱ـ ترجمۀ سفرنامـۀ مازنـدران و استرابـاد ، ص ۴۵.   ۲ـ بفتح پ و راء .
۳ـ سیاورز(بفتح واو و راء) : ده از دهستان‌خرم‌آبادشهرستان شهسوار، ده‌کیلومتری‌جنوب شهسوار و دوکیلومتـری مشرق‌بلـده (فرهنگ جغرافیایی‌ایـران ، ج ۳).   ۴ـ متن انگلیسی سفرنامۀ مازندران و استراباد ، ص ۲۵ .

فرهاد جوی

فرهادجوی که نهرفرهاد وفرهادرود نیز نامیده می‌شود، نهری است که‌از ولم‌رود جلو منزل مشهدی باقر فرهادی منشعب‌می‌شود و ازکنار جاده، جلو دکان علم‌الهـدی طبری می‌گذرد و در اراضی بلدهٔ بالا مقابل‌کارخانهٔ چای از تونلی از تپه‌های جنوبی قلعه‌گردن خارج می‌شود و به دهکدهٔ سیاورز می‌رسد ودهکده‌های تلوسرك، میان‌سرا، تشکون[۱]، هلوبن، توساکله، کشکلستان و شاغوزکوتی را مشروب می‌کند.

بقعهٔ آقاشیرعلی
در دهکدهٔ میان‌ناحیهٔ[۲] خرم‌آباد تنکابن

بنای قدیمی بقعه راآقای صدوقیان یکسره خراب‌کرده وتجدید بنانموده‌است. گورستانی قدیمی در اطـراف بقعه است. درخت مازوی بسیارکهنسالی در محـوطهٔ گورستان است‌که‌به علت ساختن غسالخانه‌ای متصل بدآن، اندازه‌گیری نشد. درخت مازوی دیگری پشت بقعه است که محیط دایرهٔ تنهٔآن به ۶۴۰ سانتیمتر می‌رسد.

قلعه‌کوتی لشکرك
نزدیك دهکدهٔ لشکرك خرم‌آباد تنکابن

رابینو این‌کوتی را به‌نام «قلعهٔ لشکرك» خوانده و می‌نویسدکه این قلعه شاید قابل تطبیق با «قلعهٔ سیاهی‌تل‌دشت» باشدکه سیدظهیرالدین درتاریخ‌گیلان‌ودیلمستان خود ازآن یادکرده است.[۳]

---

۱ ــ بضم تاء. ۲ــ میان‌ناحیه: ده از دهستان خرم‌آبـاد شهرستان شهسوار، هشت‌کیلومتری جنوب‌شرقی شهسوار و سه‌کیلومتری خرم‌آباد(فرهنگ جغرافیایی ایران، ج۳). ۳ــ متن انگلیسی‌سفرنامهٔ مازندران واسترا باد، ص ۲۵. لشکرك: ده ازدهستان خرم‌آبادشهرستان شهسوار، هشت‌کیلومتری شرق شهسوار(فرهنگ جغرافیایی ایران، ج۳).

قلعهٔ لشکرك شامل دو قلعهٔ بزرگ وکوچك است . سطح قلعهٔ بزرگ در حدود پنج‌هزارمترمربع و دورآن نیز خندقی است . تمام خاك زیرقلعه دستی است .

بالای قلعهٔ کوچك در حدود هزار و پانصدمترمربع ، یك‌طرف آن رودخانه و طرف دیگرآن راه است . تمام سطح‌کوتیها به باغ مرکبات تبدیل شده است .

قلعه‌ای قدیمی
در دهکدهٔ برسی‌بور[۱] خرم‌آباد تنکابن
کنار راه عمومی

کوهی است سنگی‌که‌آثار چاه و تونل درآن است وفعلاً گاردجنگل تصاحب کرده و می‌خواهد بربالای‌آن ساختمانی بسازد .

آتشکدهٔ تشکون
پشت دهکدهٔ امیرآباد در اراضی‌کشکلستان[۲]

رابینو در سفرنامهٔ خود می‌نویسد « بالاخره به‌نقطه‌ای‌کـه آتشکـده نام دارد رسیدیم‌که در چهارمیلی حبشه‌بر[۳](همش‌پور)[۴] در پای تپه‌ای واقع بود. ازآنجا وارد جنگل شدیم و چهار نفت‌چاه به ما نشان‌دادند، عمق این چاهها زیاد نبود وروی آب دوحلقه ازآنها ورقه‌ای نازك چربی دیده می‌شد . جای تردید نیست‌که از این محل چندین‌قرن‌است‌که نفتی‌استخراج‌نشده‌است، اما نام آتشکده‌نشان می‌دهدکه روزی در آنجا آتشکده‌ای برپای بوده است . دلیل‌دیگر برای تأیید این فرض وجودتوده‌های خاك و پـاره‌های آجر در اطـراف این چـاههاست . این محل را سابقاً «تشکـون» می‌خوانده‌اند و هنوز دهکده‌ای به‌همین نام، درمحلی‌که ازآتشکده چندان‌دورنیست برقرار است .»

۱ــ بفتح باء وکسر راء اول. ۲ــ بفتح کاف‌اول وضم کاف دوم. ۳ــ بضم باء دوم . ۴ــ بفتح هاء ومیم و سکون‌شین .

راهی که رابینو طی کرده و خود را به‌این آتشکده رسانده ازحسن کـلا که دو کیلومتری خرم‌آباد است گذشته ودهکده‌های کاردگـرمحلـه واستلخسر را دیده و از رودخانهٔ کراجو(کورجو) گذشته ، سپس دهکده‌های میان‌محله و نصرآباد را به‌دست چپ گذاشته و خود را به‌آتشکده رسانده است .

از دوحلقه نفت‌چاه‌که درباغ حاجی‌علی‌اصغر در اراضی کشکلستان است امروز هم‌گاز زیادی بیرون می‌آید واهالی اظهار می‌کردندکه درتابستان برای رخت‌شویی و تهیهٔ رب دیگها را برسرآنها می‌گذارند و باکبریتی‌گاز را آتش می‌زنند و دیگهارا به‌جوش می‌آورند.این‌گازها دراراضی باتلاقی زیاد است وظاهراً گاز اتان یا متان و نظایر آنهاست .

دو نفت چاه دیگر پشت خانهٔ ملاحسن است . بعیدنیست‌که ازگاز این چاهها برای روشن نگاه‌داشتن آتشکده استفاده می‌کرده‌اند .

درکنار دو حلقه نفت‌چاه که در باغ حاجی علی‌اصغر است ، چـرخ دندانه‌دار آهنین قطور به قطر دایرهٔ ۶۷ سانتیمترکه برپایه‌ای نصب است ، افتاده است . ظاهراً در زمان امیراسعد وسایل زیادی برای استخراج نفت‌بدین‌نقطه آورده‌اند اما ازنتیجهٔ کوشش او،کسی اطلاعی نداشت .

قلعه‌ای مستحکم و قدیمی
نزدیك دهکدهٔ حبشه‌بر (همش‌پور) خرم‌آباد تنکابن

رابینو در سفرنامهٔ خود می‌نویسدکه در چندقدمی دهکدهٔ حبشه‌بـر ، قلعه‌ای مستحکم وقدیمی دیده می‌شود . شکل‌آن چهار ضلعی وطول هرضلع هشتادو سه‌گـام است . حصاری‌گلی‌که ارتفاع‌آن درحدود نه‌متر است ازآن باقی است.خندقی اطراف قلعه است و در ورودی آن شرقی است .[1] تپه‌ای از این قلعه امروز برجای است .

۱- متن‌انگلیسی سفرنامهٔ مازندران واسترآباد رابینو، ص۲۴.

بقعهٔ میرشمس‌الدین
در دهکدهٔ ولی‌آباد[1] خرم‌آباد تنکابن

بنای بقعه چهارگوشه است و چهارطرف‌آن ایوان دارد . صندوقی‌سادهٔ چوبین مشبك در وسط بنا مرقدرا پوشانده است . اطراف بقعه گورستانی‌قدیمی است . دو درخت بلوط‌کهنسال درمحوطهٔ‌گورستان است. محیط دایرهٔ تنهٔ درخت بزرگتر ۶۸۰ و درخت‌کوچکتر ۳۹۰ سانتیمتر است .

باقی بناها و آثار تاریخی خرم‌آباد تنکابن

۱ــ چالوك بالای دهکدهٔ شهرسر در اراضی باغ مولائی‌که سابقاً تونلی مستقیم بوده و پس از طی این تونل با سه پله درحدود دومتر راه پایین‌تر مــی‌رود . پس از پیمودن سه متر به محوطه‌ای بدقطر سه‌متر می‌رسد . امروز جلو این تونل‌را بسته‌اند.

۲ــ بر «غریب خــاك‌گردن» نزدیك دهکدهٔ شهرسر، آثــار دهکده‌ای قدیمی است .

۳ــ در دهکدهٔ شهرسر پشت منزل هادی‌سیدی ، آثار گورستانی‌قدیمی است .

۴ــ در موزی‌بن نزدیك امیرآباد خرم‌آباد تنکابن محلی به‌نام «قــلا» است‌که آثار قلعه‌ای قدیمی است .

۵ــ بقعهٔ سید مرتضی در دهکدهٔ پرچین‌پشتهٔ خرم‌آباد .

۶ــ بقعه‌ای در دهکدهٔ سوتك لیره‌سر .

۷ــ بقعه‌ای در هرات‌بر خرم‌آباد .

۸ــ امامزاده‌ای در توساکلام خرم‌آباد .

۱ــ ولی‌آباد : ده ازدهستان خرم‌آباد شهرستان شهسوار ، سه‌کیلومتری شرق شهسوار کنار شوسهٔ شهسوار به چالوس(فرهنگ جغرافیایی ایران ،ج ۳) .

۹ــ آثار قلعه و سنگ‌چین به نام «بازارکوتی» در جل[1] بندبن .

۱۰ــ برروی‌آب ولم‌رود پل‌سنگی‌قدیمی بوده‌کدآثارآن‌باقی است .

۱۱ــ سفه‌کوتی کشکو، قلعه‌ای نزدیك شهسوار بوده است .

۱ــ بفتح جیم و کسر لام .

۵- بناها و آثار تاریخی دوهزار و سه‌هزار

سنگ فرش قدیمی
در قسمتی از راه دوهزار و سه‌هزار خرم‌آباد

این سنگ‌چین از دهکدهٔ بلده (= قلاگردن = قلعه‌گردن) شروع می‌شود و از فراز و نشیب گردنهٔ کوتاه قلاگردن بالا و پایین می‌رود و پس از گذشتن از امام‌زمین کنار آب دوهزار و سه‌هزار روبروی «گاپشته » در دهکدهٔ لتاک[1] قطع می‌شود .

قلعهٔ اکر[2]
در توبن[3] دوهزار خرم‌آباد

در شرق دهکدهٔ توبن، سمت راست آب دوهزار بربالای تله‌ای[4] که از سنگ سفید است و از طرف غرب دارای پرتگاههای بلندی است آثار قلعه‌ای قدیمی دیده می‌شود .

خاك عمر
در اراضی توبن دوهزار خرم‌آباد

در حدود پانصدمتری توبن در سمت چپ آب دوهزار ، آثار بنا و سنگ‌چین

۱- بفتح لام. ۲- بکسر الف و فتح کاف . ۳- بضم باء . ۴- بمعنی بند و پرتگاه و کوهی یك‌پاره است.

مدوری است که قسمت مرکزی آن را زیرو روکرده‌اند. هرکس از کنار این آثار می‌گذرد ، به‌قصد اظهار تنفر سنگی برآن پرتاب می‌کند . طرف شرقی این اثر تپه‌ای از سنگ انباشته شده است . این اثر و طرز رفتار باآن شباهت کاملی به‌قبور گوناگون «بابا ملحودی‌گور» دارد که در نقاط مختلف دیلمان واشکور دیده شده است.

حرام حلالی

برسمت چپ آب دوهزار و در حدود دوکیلومتری توبن ،کمی بالاتر از سطح جاده ، در تلهٔ سفیدی‌که مسلط برجاده است ، طاقنما مانندی طبیعی است . کف این طاقنما شیب دارد . راهگذریان برای‌اینکه روشن شودحرامزده یاحلال‌زاده هستند، سنگ درآن می‌اندازند،سنگ هرکس‌درآن شیب‌بماند حلال‌زاده ودر غیراین‌صورت حرامزاده است .

راه قدیمی دوهزار

این راه ازدهکدهٔ بلده (قلعه‌گردن) به‌گردنهٔ قلاگردن و پس‌از سرازیر شدن و گذشتن از ولم‌رود[1] از دهکده‌ها و نقاط زیر می‌گذرد :

امام‌زمین‌ــ لتاك[2]ــ گاوپل‌ــ درازلات ــ قهوه‌خانهٔ رمضان‌ــ خرماکله[3]ــ توبن ــ تلهٔ‌دوهزار ــ از اینجا وارد خاك دوهزار که در حدود سی‌پارچه آبادی است می‌شود. دنبالهٔ راه از دهکدهٔ جوراشتوج[4] به دوشاخه تقسیم می‌شود :

شاخهٔ دست راست به میان‌کوه ــ پلت‌داربن[5]ــ پایین‌میاه‌کوه ــ میان‌لات‌ـنوشا. پس از طی گردنه به دهکده‌های اکینه[6] و میج که جزء دهکده‌های بالااشکور هستند می‌رسد .

۱ــ بفتح واو و لام وکسر میم . ۲ــ بفتح‌لام. ۳ــ بفتح کاف، بمعنی محل و مرکز وکانون است . ۴ــ بضم‌الف ، جوراشتوج به معنی اشتوج بالا است . ۵ــ بکسرپ ولام وضم‌باء، پلت به‌معنی‌درخت افرا است. ۶ــ بفتح الف وکسرکاف.

شاخهٔ دست‌چپ به‌کلیشم[۱] ـ هلوکله[۲] ـ نرس[۳] ـ اسل‌محله[۴] ـ دریاسر ـ خاندبن ـ گردنهٔ سیالان و پس از سرازیر شدن به خشکه‌چال ، به گازرخانی وسایردهکده‌های الموت می‌رود .

راه سه‌هزار

ابتدای این راه تاقهوه‌خانهٔ رمضان با راه دوهزار یکی است . به سر دوآب‌که رسید راه به طرف دست چپ جدا می‌شود و از دهکده‌ها و محلهای زیر میگذرد :

نمك‌سولات ـ یان‌دشت ـ زلم[۵] ـ گاوور ـ داس‌درّه ـ آش‌محله ـ لات‌سه‌هزار ـ خانیان ـ لات‌خانیان ـ پلت‌هال ـ قهوه‌خانهٔ ولی ـ پایین‌بالان ـ بالابالان ـ دهکدهٔ قاضی‌محله . پس از قاضی‌محله دو راهی است : راهی به سمت دهکدهٔ آرود که از اینجا می‌توان به حسن‌کیف کلاردشت رسید.

راه دیگر به یوج و مران[۶] می‌رود . از یوج راهی بدرجان[۷] ـ میان‌رود ـ آب گرم سه‌هزار می‌رسد و پس از طی‌گردنه وراه هزارچم به جوستان و سایر دهکده‌های طالقان می‌توان رسید . میان دهکدهٔ مران و الموت نیز گدوکی است‌که پس از طی آن به‌دهکده‌های الموت می‌توان رفت .

خاك گبری

برسمت راست‌آب دوهزار و سه‌هزار، پایین پردسر[۸] و شمال قهوه‌خانهٔ‌رمضان، گورستانی‌قدیمی است که جهت دفن مردگان، قبلی نیست . این‌گورستان برکنار راه است و از دستبرد حفاری غیر مجاز برکنار نبوده است . اهالی ، این گورستان را به‌نام «خاك‌گبری» می‌شناسند .

۱ـ بکسر کاف و ضم شین . ۲ـ بفتح هاء وکاف . ۳ـ بفتح نون .
۴ـ بکسرالف و سین، به‌معنی استخراست. ۵ـ بفتح زاء ولام. ۶ـ بفتح میم.
۷ـ بفتح‌دال . ۸ـ بضم پ وکسر دال .

حمام امیر اسعد
در دهکدهٔ جوراشتوج دوهزار خرم آباد

حمام امیر اسعد که تا امروز از آن استفاده می‌شود شامل یك سر بینهٔ بزرگ یك گرمخانه ، یك خزینهٔ آب گرم و سه نوره‌خانه در دو طرف گرمخانه است . اخیراً با افزودن دوشیر آب به خزینهٔ آب گرم ، استحمام در گرمخانه انجام می‌شود و کسی داخل خزینه نمی‌رود . ازارهٔ گرمخانه پنج ردیف کاشی چهارگوشه با رنگها و طرحهای عجیب است .

مسجد امیر اسعد
در دهکدهٔ جوراشتوج دوهزار خرم آباد

مسجدی است مستطیل شکل که درازای آن از خارج هفده متر و پهنای آن یازده متر است . ازارهٔ مسجد پنج ردیف کاشی کاری است.

کاشیها ظاهراً در محل تهیه شده‌اند زیرا رنگ و طرح آنها عجیب و بی‌نظیر است. کاشیهای اصلی شش‌ضلعی دو به دو برابر است که در میان اضلاع کوچك آنها کاشیهای چهارگوشه با رنگ آبی به کار برده شده است .

بناهای مسکونی امیر اسعد
در دهکدهٔ جوراشتوج دوهزار خرم آباد

از این بناها که ظاهراً زیاد بوده است چیزی بر جای نمانده است. در محل بناها، مقداری سنگ و آجر دیده شد. چنارهای بسیار قطوری که اخیراً آنها را انداخته بودند در محوطهٔ بناها بوده است . آجرهایی که در این بناها دیده شد به ابعاد ۲۱٫۵ سانتیمتر و قطر چهارسانتیمتر است . این بناها گچ‌بریهای ظریف داشته که چند تکه از آنها در دفتر دبستان امیر اسعد دیده شد .

مدرسهٔ امیر اسعد
در دهکدهٔ جوراشتوج دوهزار خرم‌آباد

بنایی‌که امروز دبستان این دهکده است ، مدرسه‌ایست‌که امیراسعد آن‌را بنا کرده است .

امامزاده ابوالقاسم بن کیا ابوالحسن المؤیدبالله
در دهکدهٔ جزما (امامزاده‌قاسم)[1] دوهزار خرم‌آباد

امامزاده ابوالقاسم‌که امروز اورا به‌نام «امامزاده‌قاسم» می‌شناسند ، پسر سید کیا ابوالحسن المؤید بالله (مدفون درلنگا) بن‌حسین بن‌هارون بن‌حسین بن محمدبن هارون بن‌محمدبن قاسم‌بن حسن‌بن زیدبن امام حسن‌بن علی‌بن ابی‌طالب علیهم‌السلام است .[2] این مرد از ائمهٔ زیدی است‌که به‌قصد دعوت به ناحیهٔ دوهزار آمد و همانجا پس ازگذراندن دوران زندگی ، فوت و مدفون شده است.

سیدظهیرالدین این مرد را به‌نام «امامزاده ابوالقاسم» ودهکده‌ای‌که او درآن به خاك سپرده شده است به نام «قریهٔ جزما» می‌خواند و در این باره چنین نوشته‌است:

« وحقیر از وارکوه بامعدودی قریب پنجاه شصت نفر سوار و پیاده به جانب کلیشم روانه شد و شب به قریهٔ دیمرون‌گلیجان اقامت نموده ، روز شنبهٔ دهم‌رجب‌را به قریهٔ جزما که مزار مبارك امامزاده ابوالقاسم‌بن مؤیدبالله علیهماالرحمة والغفران است فرودآمده.»[3]

بنای اصلی بقعه، اطاقی‌است به‌ابعاد ۷ × ۵ متر که مصالح‌اصلی آن‌سنگ وگل و

۱ــ امامزاده قاسم : ده ازدهستان دوهزارشهرستان‌شهسوار، سی‌ونه کیلومتری‌جنوب‌ـ غربی شهسوار و سه کیلومتری اشتوج (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳) . ۲ــ نسب این مرد از تاریخ طبرستان ابن‌اسفندیار ص ۱۰۱ نقل شده است . ۳ــ تاریخ گیلان و دیلمستان، ص ۴۴۸ .

مسجدی متصل به‌آن‌است (عکس‌شمارهٔ ۱۵). صندوقی چوبین مشبك در وسط اطاق، مرقد امامزاده ابوالقاسم را می‌پوشاند . چهارچوب قطور بالای صندوق و مشبکهای درشت سطح آن قدیمی است . چهار بدنهٔ صندوق ظاهراً به یغما رفته و ازنوسازی آن زمانی نمی‌گذرد . سه ستون قدیمی با سرستونهای بزرگ در طول بنا در وسط قرار داده و دوش‌کشی(حمالی) روی‌آن استوارکرده‌اند . پلورها از دوطرف بر روی این دوش‌کش قرارگرفته‌اند . بالای پلورها ، پل‌کوبی با درزپوش‌زده است . در ورودی بقعه دولنگهٔ چوبین قاب وآلت‌دار است (عکس‌شمارهٔ ۱۶).

مسجدی متصل به بنای بقعه است‌که ستون قطور و سرستون عظیم‌آن قدیمی است . در ورودی بقعه به‌مسجد، بزرگ وپرکاروآن‌را باید ازظرایف‌هنری‌مازندران دانست . چهارچوب این در برجای اصلی خود نصب وبرقرار است و دولنگه درآن، از قدیمترین ایام‌برسرجای‌خود قرار داشته‌اند . این دولنگه ، یك‌بار به‌دست دزدان محلی دزدیده شد ، اما زمانی نگذشت‌که آنها را پیداکردند . سال گذشته ظاهراً باهمکاری متولی یك‌لنگهٔ آن تکه‌تکه شده وکتیبهٔ بالاکه رقم‌سازندهٔ در بوده ونگار وسط‌که شمسهٔ بسیار بزرگی بوده به یغما رفته و تکه‌های پراکندهٔ قاب‌گرهٔ لوزی و مثلث و پنج‌ضلعی و شش ضلعی آن درطشتی ، در اختیار متولی است . لنگهٔ دیگری که برجای است به درازی ۲۱۵٫۵ سانتیمتر و پهنای ۵۸ سانتیمتر و قطر ۴٫۵ سانتیمتر است .

سراسر لنگه‌در،قاب وگره است . شمسهٔ وسط ، ستاره‌ای ده ضلعی‌است‌که میان اضلاع مثلث شکل ستاره ، ده‌لوزی قرار داده شده است وسایرقسمتهای زمینهٔ در ، با تکه‌های مثلثی و پنج‌ضلعی و شش‌ضلعی چوب شمشاد و آزاد که‌کنده‌کاریهای بسیار ظریف دارند، پرشده است (عکسهای شمارهٔ ۱۷، ۱۸و۱۹) .

قسمت بالای این‌لنگه‌کتیبه‌ایست‌که درازای آن ازلبهٔ قاب ۳۷ و پهنای آن

۲۷٫۵ سانتیمتر است و برآن با خط خوش ثلث این‌عبارات حك‌شده است :

« قدامرهذه‌الباب هاشم‌بن محمدالحسینی تاریخها فـی سنةست وسبعمائـه هجریه» (عکس شمارهٔ۲۰) .

در محوطهٔ اطراف بقعه گورستانی‌قدیمی است که درآن سه‌اصله درخت آزاد کهنسال است‌که محیط دایرهٔ تنهٔ آنها به ترتیب ۵۶۰ و ۴۰۵ و ۳۲۰ سانتیمتراست .

درگورستان این بقعه سنگهای قبوری‌که نسبةً قدمتی دارند بدین قرارند :

« وفات مرحوم رمضانعلی ولدحیدر ۱۲۰۹ .»

« وفات مرحوم آقاحسین ولد مرحوم‌آقا صالح ۱۲۲۴ . نشانه‌ها : مهر ، تسبیح، دوانگشتر،شانه، تپانچهٔ لوله بلند، خنجر، اسب‌وشمشیری‌قدیمی.»

« وفات مرحوم عباسقلی‌خان ولد حبیب‌اللّٰه‌خان ۱۲۷۸ . نشانه‌ها:آتشدان و دو مرغ در دو طرف .»

« وفات مرحوم شیخ میرزا بابا ولدمرحوم ابوالفضل ۱۳۱۲ . نشانه‌ها:مهر، تسبیح و شانه . »

بقعهٔ صالح‌بن‌علی
در دهکدهٔ گلستان‌محلهٔ[1] دوهزار خرم‌آباد

بنای اصلـی از سنگ وگـل است و صندوقی تخته‌ای ساده مرقد را پوشانیده است . سقف پلورکشی وپل‌کوبی و بام سراسر بنا را اخیراً حلب‌سر کرده‌اند .

قلعه‌کوتی
برسمت راست‌آب دوهزار در دهکدهٔ کلیشم[2]

در محل خانهٔ‌ییلاقی آقای فخرالدین مرشدی و درباغ اطراف‌آن آثار قلعه و

۱ـ گلستان محله :ده از دهستان دوهزار شهرستان‌شهسوار،سی ونه کیلومتری جنوب‌ـ غربی شهسوار (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳).   ۲ـ بکسر کاف و ضم‌شین .

بنایی قدیمی است . چندی قبل در اراضی باغ او حمامی قدیمی پیداشدکه‌کاشیهای فراوان ازآنجا به دست صاحب‌خانه‌افتاد و آنها را به خرم‌آباد نقل کرد . نگارنده نتوانست به این‌کاشیها دسترسی پیدا کند .

قلعه‌ای سر
بر بالای قله‌ای مسلط به دهکدهٔ کلیشم

بر بالای بازوی کوهی که به قلعه‌کوتی‌خانهٔ آقای فخرالدین مرشدی‌ختم‌می‌شود آثار قلعه‌ای از سنگ وگچ‌است‌که ظاهراً قلعهٔ نظامی و دفاعی دهکدهٔ کلیشم بوده ، یا روزی اهالی این دهکده درآن می‌زیسته‌اند .

آثار قلعه‌ای قدیمی
در مرتع گردکوهه[1] وسیف‌چال دوهزار

بر بالای‌کوهی کەمسلط بردهکدهٔ بالاس‌دوهزار ودنبالهٔ بازوی‌تبیجه‌گردن‌است، آثار قلعه‌ای قدیمی است . دیوارهای طولانی این قلعه‌که از سنگ وگچ بنا شده‌است به‌ارتفاع یکی دومتر هنوز برجای است.چون بعضی قسمتهای دیوار قلعه ازمیان‌رفته است ، طرح اصلی آن را نمی‌توان نشان داد .

شاه‌نشین‌دشت
نزدیك دهکدهٔ نوشای دوهزار

آثار بارو و غرفه‌هایی که درازای آن تا حدود سیصدمتر می‌رسد ،دراین‌دشت دیده می‌شود . چنانکه اهالی می‌گفتند کاشیهایی‌لوزی شکل از این خرابه‌ها به‌دست آمده است .

۱ـ بکسر گاف و دال .

قلعهٔ سی‌هزار
ظاهراً در سه‌هزار خرم‌آباد تنکابن

علی‌بن‌شمس‌الدین لاهجی در بارهٔ قلعهٔ سی‌هزار می‌نویسد که خان احمد خان «مبنای این بنای مبارك به دوازده برج تقسیم فرمودند و در هر برج شرفهٔ عالیه و عمارات متعالیه بنا نهادند و به‌همه رکن بیوت موزونهٔ مرفوعه مشیّد طرح انداختندو اتمام هربرج ورکن به‌عهدهٔ سردار الکه‌ای نهادند و رکاب عالی ازآن مقام متعالی مراجعت به‌خیر فرمود و در مدت سه سال متوالی سمت استکمال یافت.»[1]

رابینو در سفرنامهٔ مازندران و استراباد خود دربارهٔ این قلعه می‌نویسد:

«قلعهٔ سی‌هزار در تنکابن در سال ۹۱۶ هجری بدوسیلهٔ سلطان احمد خان لاهیجانی تعمیر شد. این کاخ دوازده برج داشت و ساختمانش سه سال به طول انجامید.»[2]

باقی‌آثار و بناهای تاریخی دوهزار خرم‌آباد تنکابن

۱ـ بقعهٔ عوج‌بن‌علی در پایین اشتوج[3].

۲ـ درختهای آزادکهنسال و آثار ابنیهٔ قدیمی درچلاکوه[4].

۳ـ بقعه‌ای در دهکدهٔ نرس[5].

۴ـ امامزاده‌ای به نام «رشدان» در نیمه راه نوشا به‌میان‌کوه در جنگل.

۵ـ جفت[6] بزرگوار در اسل‌محله[7].

۶ـ ساختمان خانم معظم ـ همسر محمدولی‌خان سپه‌سالار ـ در سردابن اسل‌محله.

۱ـ تاریخ خانی، ص ۳۸۰ و ۳۸۱. ۲ـ ترجمهٔ سفرنامهٔ رابینو، ص ۱۴۵.

۳ـ بضم‌الف. ۴ـ بفتح چ. ۵ـ بفتح نون. ۶ـ بکسر تاء.

۷ـ بکسر الف و سین.

۷ـ ساختمان نصرت نظام (غلامحسین‌خان خلعت‌بری) بالای دهکدهٔ اسل‌محله.

۸ـ در محل دریاسر آجرهای قدیمی قالب‌بزرگ به‌دست می‌آید و سردابه‌هایی که اجسادی درآن است باکاویدن پیداشده‌است.

باقی‌آثار و بناهای تاریخی سه‌هزارخرم‌آباد تنکابن

۱ـ بقعه‌ای در دهکدهٔ آرود.

۲ـ بقعه‌ای در دهکدهٔ قاضی‌محله.

۳ـ گورستانی قدیمی در سربالان[1] که مردگان باوسایل دفن شده و رو به قبله نیستند.

۴ـ بقعه‌ای در دهکدهٔ شهرستان.

۵ـ مسجدی قدیمی در دهکدهٔ مران[2].

۶ـ بقعه‌ای در دهکدهٔ تراز، پشت دهکدهٔ خانیان.

۷ـ خرابه‌های عمارت محمدولی‌خان‌سپهداراعظم در دهکدهٔ میان‌رود[3]، نزدیک آب‌گرم سه‌هزار.

۸ـ کاروانسرای علی‌قلی‌خان امیراسعد درگدوك سلمبار[4].

۱ـ بفتح سین و کسر راء. ۲ـ بفتح میم. ۳ـ میانرود: ده از دهستان سه‌هزار شهرستان شهسوار، نه کیلومتری جنوب‌غربی شهسوار (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳). ۴ـ بفتح سین و لام.

۶ـ بناها و آثار تاریخی نشتای تنکابن

قلعهٔ رودپشت
در دهکدهٔ رودپشت‌زوار تنکابن[1]

این قلعه از کوتیهای قدیمی‌است‌که سطح بالای‌آن درحدودهزارمترمربع‌است.

آثار ساختمانهای قدیمی
در دهکدهٔ قلعه‌سر[2] نشتای تنکابن

دهکدهٔ قلعه‌سر برسر یکی از تپه‌های قدیمی بناشده و هنگام‌کندن پی برای ساختمانهای تازه به‌آثار قدیمی برمی‌خورند.

آثار قلعه خرابه‌ای‌کهن
بربالای تپه‌ای دستی میان دهکدهٔ هنگو[3] ومالن‌کوه[4] (معلم‌کوه)[5]

این خاکریز دستی بزرگ که سطح دایرهٔ بالای آن در حدود هزار و پانصد

۱ـ چون در ناحیهٔ زوار تنها این قلعه‌کوتی بود این اثر ناحیهٔ زوار را جزء نشتا یادکردیم. ۲ـ قلعه‌سر: ده از دهستان‌نشتای شهرستان شهسوار، ۱۵/۵ کیلومتری جنوب شرقی شهسوار و دوکیلومتری جنوب شوسهٔ‌شهسوار به چالوس (فرهنگ جغرافیایی ایران،ج ۳). ۳ـ بفتح هاء. ۴ـ بکسرلام. ۵ـ معلم‌کوه: ده ازدهستان نشتای شهرستان شهسوار، هفده کیلومتری شرقی شهسوار و چهار کیلومتری جنوب شوسهٔ شهسوار به چالوس (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج۳).

مترمربع است ، درجنوب دهکدهٔ هنگو وشمال مالن‌کوه (معلم‌کوه) است و ظاهراً از کوتیهای قدیمی این صفحات است که به‌باغ مرکبات تبدیل شده است .

قلعه‌ای قدیمی
در دهکدهٔ کرزل[1] نشتارود تنکابن

خاك ریزدستی کــرزل ازکوتیهای قدیمی این نقاط است . از بنای اصلی قلعه چیزی برجای نبود .

بقعهٔ شاه‌رشید
برسر قلهٔ داغ‌کوه نشتای تنکابن

این بقعه را جزء بقاعی باید دانست‌که برسرکوههای بلند ازنظراحترام‌به‌یکی از مظاهر عظیم طبیعت ساخته‌اند. بنــای بقعه آلونك مــانند چوبین است و حصــاری سنگ‌چین‌دارد . قبور قدیمی اطراف‌آن قابل‌ذکر و بررسی است .

گورستان قدیمی حسنات[2]
در ییلاق نشتای تنکابن

نزدیك دهکدهٔ‌کجدناخن[3] درکوهستان نشتا قبور زیادی معروف بــه‌قبورگبری است‌که مردگان سمت قبلی دفن نشده‌اند .

سیا قلعه
طرف شمال دهکدهٔ جهان‌آباد نشتای تنکابن

برتپه‌ای‌که نزدیك این دهکده است‌آثاری از قلعه خرابه‌ای برجاست .

---

۱ ـ بضم‌کاف وکسر زاء . ۲ـ بفتح‌حاء و سین . ۳ـ بفتح‌کاف وکسر ج .

امامزاده‌ای
در دهکدهٔ رودگرمحلهٔ نشتارود تنکابن

برکنار گورستان قدیمی این دهکده‌که برسر راه است بقعه‌ای قدیمی بوده‌که فعلاً تمام بنا را نوسازی‌کرده‌اند وآثارقدیمی را از میان برده‌اند .

عمارت مرحوم هدایت‌الله مسعودالملك
در رودگرمحلهٔ نشتای تنکابن

طرح عمارت‌اندرونی‌همانند عمارت منتظم‌دیوان درگلیجان بوده است.درازای بنا در حدود سی‌متر و پهنای آن به هیجده متر می‌رسیده و بیست‌و چهار اطاق داشته است . این بنا یکسره از میان رفته و فقط پی و بنیادآن برجای است . ظاهراً این بنا در دوران آبادانی از بناهای خوب دوران قاجاری بوده است .

هدایت‌الله خان‌عمارتی هم در اوان[1] رودبار داشت‌که فعلاً برپای است . بیشتر وسایل این ساختمان ازبادکوبه‌آمده است .

قلعهٔ مارپیچ
در دهکدهٔ لوله‌ده نشتای تنکابن

در شمال دهکدهٔ لوله‌ده قلعه‌کوتی قدیمی است‌که اهالی اظهار می‌کردند از این‌کوتی آجرهایی به قطرپنج سانتیمتر و به‌ابعاد بیست‌سانتیمتر بیرون می‌آید .

طبله‌کوتی
درپایین دهکدهٔ لوله‌ده نشتای تنکابن

بالای تپه‌ای‌که خاك دستی است آثارقلعه خرابه‌ای قدیمی دیده می‌شود . در

۱ـ اوان بضم‌الف اول از دهکده‌های رودباراست‌که در حدودیکی دوکیلومترازدیکین بالاتر است و دریاچهٔ‌کوچك زیبایی دارد .

پای این خاکریز چشمه‌ای به‌نام «هفت‌چشمه» است .

درخت سفیددار
در دهکدهٔ فقیه‌آباد نشتای تنکابن

درختی عظیم سفیددار درکنار رودخانهٔ سنگ‌رج‌کیلهٔ این دهکده هست که محیط دایرهٔ تنهٔ‌آن بالغ بر ده متراست .

امامزاده مختار
در دهکدهٔ فقیه‌آباد نشتای تنکابن

بنای قدیمی بقعه را خراب‌کرده بودند و به‌جای آن بنایی نوساخته بسودند . دری نسبةً ظریف قدیمی باکنده‌کاری و حاشیه‌بندی داشت . بقعه در میان‌گورستانی قدیمی است‌که درختان ملج وکرزل و شمشاد در محوطهٔ‌آن زیاد است .

محیط دایرهٔ تنهٔ درختان‌کرزل به ترتیب ۴۱۰ و ۳۶۰ و۳۲۰ سانتیمتر است . سه درخت مازوی بلند در این محوطه است‌که براثر صاعقه یك‌سوم قسمت بالای‌آنها از میان رفته بود ودرختان در حال خشك شدن بودند .

۷ـ بناها و آثار تاریخی لنگای تنکابن

عمارت میرزا محمدخان ازعموزادگان سردار[1]
در دهکدهٔ عباس‌آباد لنگای تنکابن

محمد معصوم‌شیرازی درسال ۱۳۱۴ قمری در این‌خانه دعوت داشته ومی‌نویسد «عمارت برزبر تپه‌ای سبز واقع است و ساحل باصفای خوبی‌است .»[2]

درعباس‌آباد امروز دومحل ساختمان اعیان‌نشین شناخته می‌شود . یکی محل ساختمان دبستان دخترانهٔ فردوسی عباس‌آبادکه اراضی‌آن متعلق به‌عباس‌نکوئی بوده است ودیگری اراضی متصل به‌پاسگاه ژاندارمری امروز که تپه مانندی است ومتعلق به ضیغم‌الممالک‌بوده است . ظاهراً این اراضی وتپهٔ‌آن محل خانهٔ میرزا محمدخان بوده‌که به دست پسران او محمودخان یاور وحسن‌آقا افتاده است .

چهل دختر شهر
در شمال دهکدهٔ سرلنگای تنکابن

ظاهراً دهکده‌ای قدیمی دراین اراضی بوده‌که فعلاً خرابه‌های‌آن باقی است. آجرهایی به ابعاد ۱۶ × ۱۶ و قطر ۳ سانتیمتر ، نظیرآجرهای شهر ری، در این

۱ـ منظور از سردار، میرزا حبیب‌الله‌خان ساعدالدوله پسرمحمدولی خان است .
۲ـ طرائق‌الحقایق ، ج۳ ، ص ۶۲۶ .

اراضی به دست می‌آید . درخت نارنج کهنسالی در این اراضی است که در حدود چهارصد سال عمر دارد .

بقعهٔ سید ابوالحسن (ابوالحسین)[1] المؤیدبالله معروف به مشهدی سره در دهکدهٔ لنگای تنکابن

ابن‌اسفندیار در تاریخ خود نسب این مرد راآورده و از مراتب فضل او چنین یادکرده است « کیا ابوالحسین المشهور به مؤیدبالله ملقب به عضدالدوله پسر حسین پسرهارون پسرحسین پسرمحمد پسرهارون پسرمحمد پسرقاسم پسرحسن پسرزید پسر امام‌السبط حسن پسر علی‌امیرالمؤمنین علیهم‌السلام. سیدابوالحسین بدیلمان خلق را دعوت‌کرد . جملهٔ‌گیل و دیلم اجابت فرمودند . در بغداد تحصیل علم از سید ابوالعباس‌کرد و بعد ازآن به قاضی‌القضاة عبدالجبار همدانی پیوست و در مجلس او تخریج افتاد و به‌نهایت رسید . از نوشته‌های او: کتاب‌التجرید وکتاب‌الشرح لکتاب البلغه وکتاب‌النصرة وکتاب‌الافادة ودیوان اشعار او مجلدی ضخیم برمی‌آید .»[2]

باز در جای دیگرکتاب خود می‌نویسد « درهفتاد و اند سالگی در سنهٔ ۴۲۱ روز عرفه یکشنبه وفات یافت . دوشنبه عیداضحی در لنگا کد سرای او بود مدفون شد . هنوز تربت او ظاهر است ومشهدی برقرار.[3]

سید ظهیرالدین درکتاب خود از این مرد یادکرده است . درشرح حال سید رکابزن‌کیا می‌نویسد : « واین سیدرکابزن‌کیا ازنبیرهٔ هدایت‌پناه عرفان‌دستگاه ، امامت‌قباب، عدالت‌انتساب‌کیا ابوالحسین المشهور به مؤیدبالله قدّس‌سرّه که مردم آن ولایت (یعنی تنکابن) و بعضی از رستمدار وکوهستان‌آن دیار مذهب او دارند و او

۱ـ در متون تاریخی نام این مرد «ابوالحسین» ضبط شده و مردم او را به نام «سید ابوالحسن» می‌شناسند و ظاهراً ضبط متون صحیح است . ۲ـ تاریخ‌طبرستان صفحات ۹۸ و ۹۹ . ۳ـ تاریخ طبرستان، ص ۱۰۱ .

زیدی‌مذهب بوده است.»[۱]

رابینو شرحی‌درحاشیهٔ صفحهٔ۲۵ و۲۶ تاریخ گیلان و دیلمستان دربارهٔ این‌مرد نوشته ، و نسب اورا چنین آورده است : «سیدابوالحسین المؤیدبالله عضدالدوله و سید ابوطالب یحیی‌الناطق بالحق ولدان الحسین بن هارون‌بن الحسین بن محمدبن القاسم‌بن الحسین بن زیدبن‌الامام السبط الحسن بن‌علی بن‌ابی‌طالب . »

در میان نامه‌هایی که رابینو درآخرکتاب تاریخ گیلان و دیلمستان چاپ‌کرده است در نامهٔ جوابیهٔخان احمدخان به‌میرجلیل قاری‌گوکه‌چنین‌آمده است: « ولعنت به این مذهب روا باشدکه‌ناصرالحق وبعداز او ابوالحسین‌که در لنگای تنکابن قبرش واقع است وزیدیان اورا مؤیدبالله‌می‌نامند وامثال او راکه این طبقه در ادعیهٔ‌خودشان یحیی و قاسم علیه‌السلام می‌گویند ... »[۲]

رابینو در سال ۱۳۲۷قمری از این محل دیدن‌کرده و دربارهٔ آن می‌نویسد: « سیدابوالحسین المؤیدبالله‌که دردیلمان به‌تبلیغات دینی می‌پرداخت،دهکدهٔ لنگارا متصرف شد و مقر خود قرار داد و درسال ۴۲۱ قمری درآنجا وفات یافت . او را در خانهٔ خود به‌خاك سپردند . قبر او تا قرن دهم هجری زیارتگاه بود .»[۳]

بقعه‌ای‌که مدفن این مرد است تا امروز برجای است و مردم از دورترین نقاط به‌زیارت او می‌آیند . نگارنده‌که روز قتل امام‌حسن یعنی روز سه‌شنبه چهاردهم فروردین‌ماه ۱۳۵۲ از این بقعه دیدن می‌کرد ، صدها تن به‌زیارت اوآمده بودند . بنای قدیمی را اخیراً خراب‌کرده بودند و به‌جای‌آن بنایی چهارگوشه که چهار طرف آن ایوان‌است ساخته بودند . بقعه درمحوطهٔ نسبةً وسیعی است که گورهای

۱ـ تاریخ گیلان و دیلمستان چاپ نگارنده ، ص ۲۷ . ۲ـ ضمیمهٔ آخر کتاب تاریخ گیلان و دیلمستان چاپ رابینو ، ص۱۱. ۳ـ متن انگلیسی‌سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو، ص ۲۵ .

قدیمی در اطراف آن به‌چشم می‌خورد . سنگی توخالی که نظیر آن در صفحات گیلان زیاد دیده شده است در این گورستان است. درازای آن ۱۲۳ و بلندی آن ۴۲ و قطر آن ۲۲ سانتیمتر است. درخت آزاد کهنسالی درمحوطهٔ گورستان است که محیط دایرهٔ تنهٔ آن ۳۶۳ سانتیمتر است .

بقعهٔ ایوب پیغمبر
در دهکدهٔ بندبن[1] لنگای تنگابن

محمدمعصوم‌شیرازی، صاحب طرائق‌الحقایق، جمعه‌هشتم شوال‌سال‌هزارسیصدو چهارده قمری از بقعهٔ ایوب‌پیغمبر دیدن‌کرده و دربارهٔ آن نوشته است :

« چون به‌محلهٔ ایوب رسیدیم صحن و ایوان و بقعه نمایان شد . پیاده شدیم . می‌گویند مزار حضرت ایوب پیغامبر است و قدری شکست به‌واسطهٔ زلزله به طاقش رسیده و برلوحه‌ای‌که بر صندوق آویزان بود ، چنین نوشته‌اند : ایوب‌بن موجر بن تارخ‌بن عیص‌بن‌اسحاق بن ابراهیم علیهم‌السلام . و برحول آنجا قبور بسیار است واین اشعار به‌نحو کتیبه به‌دور آن ایوان نوشته شده :

خطی ز آب طلا منشی قضا وقدر	نوشته بردر ایـن کاروانسرای دو در
که ای زقافله واماندگان ره پیما	اگر کنید در ایـن‌کاروانسرای گـذر
ز یك درش چو نسیم صبا درون‌آئید	برون روید چو خورشید از در دیگر
همین رواق زراندود را که می‌بینی	نشیمن جـم و کاووس بود بـا نـوذر
پدرچوجان‌عزیزش به‌لب‌رسیدبگفت	یکی نصیحت من‌گوش‌کن تو جان‌پدر
به هردیارکه درچشم‌خلق‌خوارشدی	سبك‌سفرکن ازآنجابرو به‌جـای دگر

۱ـ بندبن : ده‌کوچکی از دهستان لنگا شهرستان شهسوار در بیست وهشت‌کیلومتری جنوب‌شرقی شهسوار وهفت‌کیلومتری راه‌شهسوار به‌چالوس است (فرهنگ جغرافیایی‌ایران، ج ۳) .

درخت اگر متحرک شدی زجای به‌جای نه جور ارّه کشیدی و نه جفای تبر»[1]

و چشمه‌ای در آن نزدیکی است که کرم ایوب در آنجا هست . گویند این همان چشمه‌ای است که ایوب بدن خودرا در آن شست و کرمها در آن بماند .

«تحقیق آنست که ایوب بن عیص بن اسحاق که درقرآن مجید مذکوراست وامرئهٔ او نامش لیبا بنت یعقوب است وبعدازهفت سال ابتلا و طول مرض عرض کرد « انی مسنی الشیطان بنصب و عذاب » و حضرت باری فرمود « ارکض برجلك هذا مغتسل بـارد و شراب» منزل مبارکش در قریهٔ « نوا » بروزن سما بوده و« نوا » از مضافات « حوران » (بفتح حاء حطی) در دو منزلی دمشق است و محل خوش‌آب وهوا و باصفائی است .»[2]

در مراصدالاطلاع چنین آمده است :

«نوا بلفظ جمع نواةالتمر، بلیدة من‌اعمال حوران و قیل هی قصبتها و هی‌منزل ایوب وبها قبرسام ابن‌نوح .» وبازگوید:

« دیر ایـوب قریة بحوران من‌اعمال دمشق کان‌یسکنهـا ایوب و بها ابتلاه‌الله عزوجل و بهاالعین التی ارکض برجله والصخرة التی‌کان‌علیها وبهاقبره .»[3]

بنای اصلی بقعهٔ ایوب چهارگوشه وچهارطرف آن ایوان است. هرایوان نه‌ستون هشت‌ضلعی دو به‌دو برابر دارد . در دو طرف در ورودی بقعه، درردیف ستونهای‌جلو ایوان ، دو ستون لاچ لنگری هفت وهشت است . سرستونها ، دهـان اژدری و بسیار ظریف‌کار شده است . سقف بقعه و ایوانها پلورکشی و پل‌کوبی است . سراسر بام بنا، سفال‌سر است .

در محوطهٔ اطـراف بقعه گورستانی قدیمی است . این سنگ قبرهـا در آنجا دیده شد :

۱ـ از این کتیبه‌ها امروز آثاری برجای نیست . ۲ـ طرائق‌الحقایق ، ج۳، ص ۶۲۴ و ۶۲۵. ۳ـ همین‌کتاب ، ص ۶۲۵ .

« وفات مرحومه مغفوره رضوان جایگاه زینب خانم بنت مرحوم حاجی علی‌جوربندی . نشاندها: مهر، تسبیح، گلاب‌پاش ، بینکی ، دلوازه‌وقیچی.»

« وفات مرحومه مغفوره رضوان‌جایگاه ... بنت ملامشهدی جوربندی‌لنگا ۱۲۷۳ . نشانه‌ها : قیچی ،گلاب‌پاش، دلوازه و بینکی .»

« وفات مرحوم‌کربلائی شاه‌نظر ولدمرحوم‌الهی جوربند لنگا سنه ۱۲۷۳.»

در حاشیهٔ این سنگ این دوبیت با خط خوش نستعلیق حك شده است:

« یارب همه را بمصطفی بخش جرم همه را بمرتضی بخش
از بعد حسن امام مظلوم ما را بشهید کربلا بخش

نشانه‌ها : مهر ، تسبیح ، شانه وآتشدان .»

« وفات مرحومه مهره بانو بنت‌علی‌رضا ۱۲۷۴ . نشانه‌ها: مهر، تسبیح، گلاب‌پاش ، دلوازه وبینکی . »

«وفات مرحومه زینب بنت مرحوم‌کربلائی حاجی سنه ۱۲۷۶ . نشانه‌ها : مهر، تسبیح، گلاب‌پاش ، قیچی ، دلوازه وبینکی .

ون‌دار (زبان‌گنجشك)کهنسالی در اراضی این‌گورستان است که محیط دایرهٔ تنهٔ آن ۳۲۵ سانتیمتر است .

گورستان قدیمی
در مرتع کلب‌سرا[۱] ، درخاس‌کوه[۲] ، از مراتع لنگای تنکابن

درازای گورهای این قبرستان خارج از اندازه است . در کندوکاوها خنجر و شمشیر به‌دست‌آورده‌اند .

۱ـ بفتح کاف و کسر باء و فتح‌سین. ۲ـ خاس‌کوه (بکسرسین) یعنی کوه بدون درخت .

گورستان قدیمی
در کک‌نشین[1] از ییلاقات لنگای تنکابن

درازای گورهای این قبرستان بیش از اندازهٔ معمول است .

قلعه‌کوتی قدیمی به‌نام سفیدخانه
میان دهکدهٔ کرگاس[2] و تالش‌خیل لنگای تنکابن

خاکریز دستی مدوری است‌که اطراف‌آن خندقی عظیم است. سطح‌دایرهٔ بالای این‌کوتی بیش از هزارمترمربع است وارتفاع خاك ریزآن به ده‌متر می‌رسد.ازخندق اطراف‌آن، جای به‌جای، گازهایی به‌شکل حباب‌ازآب بیرون می‌آیدکه قابل‌احتراق است . زنگ ورنگ آب این خندق سبب‌شده است‌که مردم‌آن را«نفت‌چاه» بخوانند اما هیچگونه نشانی از نفت دراینجا نیست و این‌گازهم‌گازهای اتان ومتان‌یاگازهایی همانند آنها است‌که درباتلاقها زیاد است .

قلعهٔ ورگام‌چال[3]
در چهارکیلومتری کرگاس از دهکده‌های لنگای تنکابن

در این قلعه‌آثار چاهی نسبةً عمیق است‌که ظاهراً فرارگاه قلعه بوده‌است .

امامزاده شاه‌رضا
در دهکدهٔ کرگاس‌لنگای تنکابن

بیرون دهکـده در میـان درختان توسکای قطـورکهنسال گوری ساده است و بنایی ندارد .

۱ــ بفتح کاف‌اول. ۲ــ کرگاس (بفتح کاف) ده ازدهستان‌لنگای‌شهرستان‌شهسوار ۲۵/۵ کیلومتری جنوب شرقی شهسوار و ۲/۵ کیلومتری جنوب‌شوسهٔ شهسوار به چـالوس (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) . ۳ــ بفتح واو .

رنگین‌پل
در خشك‌داران لنگای تنکابن

رنگین پل ، پـل بزرگی در مسیر راه شاه‌عباسی ، نزدیـك خشك‌داران بود . آجرهای آن‌را برای بناهای شخصی یا عمومی بردند. باقی راه‌که در دوطرف پل بازمانده بود،داخل اراضی واگذاری شد و از میان رفت.

بقعهٔ سیدعلی‌بن سیدحمزه
در اراضی اسبچین[1] لنگای تنکابن

بنای بقعه نوساز و برسمت راست جادهٔ عباس‌آباد به‌ساقی‌کلایه است. سه‌طرف آن ایوان دارد . سقف ایوانها ، پلورکشی است و برشیرسرهای دوطرف متکی است. صندوقی چوبین و دری ساده دارد . شمشادهای کهنسالی اطراف بقعـه است . محیط دایرهٔ تنهٔ یکی ازآنها به ۱۲۳ سانتیمتر می‌رسد. درختان پلت(افرا)درمحوطهٔاطراف بقعه زیاد است . محیط دایرهٔ تنهٔ قطورترین‌آنها بالغ بر ۲۸۰ سانتیمتراست .

آثار بناهای قدیمی
در جنگلهای دهکدهٔ اسبچین از بلوك لنگای تنکابن

رابینو در سال ۱۹۰۹ میلادی (۱۳۲۷ قمری) از این‌خرابه‌ها بازدیدکرده ودر بارهٔآنهامی‌نویسد: « پس ازگذشتن ازگنجه‌رود و پکی‌باغ، در طـرف راست جاده ، درختان عظیم‌جنگلی است. ازآنجا راهی است‌که ازمیان درختان به خرابه‌های‌بنایی قدیمی می‌رسد . از وضع سابق بنا ، اثری روشن دیده نمی‌شودکه بتوان‌گفت قلعه یا بنایی دیگر است . مردم بقدری برای دسترسی به‌آجر، درآنجا چـاله کنده‌اندکـه هیچگونه وسیلهٔ شناختن وضع اصلی بنا را باقی نگذاشته‌اند . نام تمام این اراضـی

۱ــ اسبچین : ده ازدهستان لنگا شهسوار، بیست وشش‌کیلومتری جنوب‌شرقی‌شهسوار وکنارراه شهسوار به‌چالوس (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج۳).

اسبچین است و می‌گفتندکه شخصی باقدرت، بدنام عثمان خان، در ایام قدیم در آنجا منزل داشته است.»[۱]

بقعهٔ آقا سیدمحمد
در اراضی دهکدهٔ اسبچین لنگای تنکابن

بقعه‌ای ساده است که یك طرف‌آن ایوان دارد وسراسر بام بنا، حلب‌سر است. شمشادی کهنسال کـه محیط دایرهٔ تنهٔ آن به ۱۲۵ سانتیمتر می‌رسید، در محوطـهٔ بقعه بود.

نرگس کوتی
در اراضی دهکدهٔ اسبچین لنگای تنکابن

متصل به بقعهٔ آقاسیدمحمد،کوتی وسیعی است کـه یك طرف آن آب‌اسبچین است که از شیرچشمهٔ عثمـان‌سرا ، سرچشمه مـی‌گیرد و یك‌طرف‌آن‌گرآب است. سنگهای‌فراوان که ظاهراً از مصالح بناهای قدیمی این تپه بوده است، در پهنهٔ آن دیده می‌شود.

عمارت
نزدیك دهکدهٔ اسبچین لنگای تنکابن

عمارت، آثاربناهای قدیمی است‌که ابتدای‌آن از قلعه کوتی میان امرج‌کلا و اسبچین شروع می‌شود و دنبالهٔ‌آن برپشته‌هایی مـوازی با ساحل دریا، در باغ آقای رحمن‌قلی‌خان خلعت‌بری به‌پایان می‌رسد. طول قلعه‌کوتی میان امرج‌کلا و اسبچین که شمالی جنوبی است، بالغ برصدمتر وعرض‌آن درحدود پنجاه متراست. آجرهایی به‌ابعاد ۶ × ۲۶ × ۲۶ سانتیمتر با سنگ و سفال فراوان در این اراضی‌دیده می‌شود.

۱ــ متن انگلیسی سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو، ص ۲۵.

دنبالهٔ این آثار برپشته ماندی‌که مسلط برساحل دریاست ، به‌طرف شرق پیش‌می‌رود. دو طرف این پشتهٔ طولانی ، ظاهراً خندق بوده است . خانهٔ رحمن‌قلی‌خان نیز برروی دنبالهٔ همین پشته ساخته شده است. آثار سفال بی‌لعاب فراوان برروی این پشته دیده می‌شود . آثارآب‌انبار وگنگهای زیاد در شالودهٔ بنای خانهٔ رحمن‌قلی‌خان پیدا شده است . ظاهراً این‌آثار استحکامات زیدیان بوده‌که به دست شاه‌عباس خراب شده‌است .

مزاری به‌نام سیده‌فاطمه
بر سر راه اسبچین و خش‌کلا[1]

دراین مزارکه باقی‌ماندهٔ جنگلی بسیارقدیمی است درخت‌پلت(افرا)کهنسالی که محیط دایرهٔ تنهٔ‌آن ۶۵۰ سانتیمتر است دیده می‌شود . شمشادهای قطـور قدیمی نیز زیاد است . محیط دایرهٔ تنهٔ یکی ازآنها ۱۱۵ و دیگری ۱۰۵ سانتیمتر است . درختان لرگ وکرات قطورنیز زیاد دیده می‌شود .

بقعهٔ سیدحسین
در دهکدهٔ تازه‌آباد، کنار راه ساحلی اسبچین به ساقی‌کلایه

بقعهٔ قدیمی را خراب‌کرده بودند و به‌جـای آن بنایی با بلوك سیمانی ساخته بودند که چهارطرف‌آن ایوان داشت و بنای‌آن نیمه تمام بود .

درگورستان اطراف بقعه ، سنـگ قبرهای قدیمی دیده شدکه ظاهراً حکایت از قدمت این بقعه می‌کند . سنـگها بزرگ و مستطیل شکل و تقریباً دوسوم هریـك در خاك بود و ما مجبورشدیم یکایك آنها را باکندوکاو زیاد بیرون‌آوریم . بدبختانه‌براثر فرسودگی زیاد تمام عبارات‌آن خوانده نشد .

برحاشیهٔ سنـگ قبر اول‌آیةالکرسی و در مربع بالای متن :

۱ـ بفتح خاء وکاف .

«... الدین بن حاجی... شاهرخ...»

و در زیر این مربع دنبالهٔ آیةالکرسی.

«کرسیه‌السموات والارض ولایؤده حفظهما وهوالعلی‌العظیم.»

سنگ قبردوم به‌قطر ۱۰وپهنای۴۲ سانتیمتراست‌ودرازای‌آن به‌علت‌شکستگی معلوم نشد. برحاشیهٔ این سنگ نیز«آیةالکرسی» و در مربع بالای متن:

«هذا القبرالمرحومه فاطمه‌خاتون بنت حاجی‌شمس‌الدین‌خلیل».

و زیر مربع بالا دنبالهٔ آیةالکرسی« لایؤده‌حفظهما و هوالعلی‌العظیم» باخط بسیار خوشی حك شده بود. چهار مصراع شعر فارسی زیر این‌قسمت ازآیةالکرسی بود که‌کلمات پراکنده‌ای ازآنها خوانده می‌شد.

بر حاشیهٔ سنگ قبرسوم آیةالکرسی و درمتن : «کاظم ویك‌حسین و دوحسن» خوانده می‌شود. سایرکلمات خورده شده و از میان رفته است.

برحاشیهٔ سنگ قبر چهارم‌آیةالکرسی و درمتن زیر نام صاحب‌قبر که خوانده نشد « فی‌تاریخ‌شهر جمادی‌الاخرسنه‌ثمان وخمسین و تسعمایه» واضح و روشن‌خوانده می‌شود.

سنگ قبری توخالی به‌درازای ۱۱۶ و پهنای ۴۵ و بلندی ۴۶ سانتیمتر در گورستان این بقعه است‌که برحاشیهٔ بالای‌آن آیةالکرسی حك‌شده است. سایر نوشته‌های‌آن ازمیان رفته است.

بقعهٔ دانیال پیغمبر
در دهکدهٔ دانیال[1] از دهکده‌های لنگای تنکابن

بنایی است مستطیل‌که طرف شرقی و شمالی‌آن ایوان دارد. ایوانها دارای

۱ـ دانیال : ده ازدهستان لنگا شهرستان شهسوار ، سی‌و شش کیلومتری جنوب‌شرقی شهسوار و چهارکیلومتری جنوب شوسهٔ شهسوار به‌چالوس(فرهنگ‌جغرافیایی ایران،ج۳).

ستون با سرستونهای قدیمی است . دو در ورودی در شمال و جنوب بقعه است . حرم بقعه با نردهای به دو قسمت تقسیم شده است . صندوقی چوبین قـابگرهٔ نسبةً پرکار، قبر را پوشانده است. درازایآن ۱۷۸ وپهنای آن ۹۵ و بلندی آن ۹۷سانتیمتراست. درسمت قبلی برقاب پایین صندوق باخط نسخ متوسط اینآیات حك شده است :

«بسملهو سورهٔ انا انزلنا ــتاــ لیلةالقدرخیر. »

برقاب پایین سمت شمال این عبارات خوانده میشود :

«عمل استادمحمدبن استاد عباسعلیکلج ساکن نوشان سنه ۱۲۲۰غفرالله‌له.»

بردیوارهای بقعه،گچبریهای بسیارظریف استکه در نوع خود بینظیراست و شباهتزیادی بهرسّامی دارد.

در تعطیلات عید سال ۱۳۵۲که از این بقعد بازدیدکردم ، بنای آن را باگچـ بریهای ظریف خرابکرده بودند وگنبد و بارگاهی بجای آن ساختهبودند اماصندوق که قسمتی از آن بهسرقت رفته بود برجای بود .

دو لنگه در قدیمی بقعه نیز ظاهراً بهسرقت رفته است . ازموزهٔایرانباستان و اوقاف شهسوارکسب خبرشد، ازآنها اطلاعی نداشتند .

قلعهٔ کشكسر[1]

بر بالای کوهی منفرد نزدیك دهکدهٔ نارنج بندبن[2] لنگای تنکابن

بربالای اینکوهکهقلهای منفرداست اما بازویآن بهکوههای شرقی اتصالدارد، آثار قلعهایکهن دیده میشود . طرح قلعه بهعلت روئیدن درختان جنگلی فراوان ، معلوم نشد . پارههایآجر وگچ به طورپراکنده بربالای اینکوه دیده میشود .

۱ــ بفتحکاف اول وکسرکاف دوم . ۲ــ نارنج بندبن : ده از دهستان لنگا شهرستان شهسوار ، سیوهفت کیلومتری جنوبشرقی شهسوار وچهار کیلومتری راه شهسوار به چالوس (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳) .

تپهٔ کرات چاك[1]
در جنوب دهکدهٔ چارز[2] از دهکده‌های لنگای تنکابن

بر بالای این تپه آثار قلعه‌ای قدیمی است و راه چارز به پیشنبور کلاردشت از کنار این قلعه می‌گذرد .

شاه‌نشینك
در اراضی مترس[3] چارز لنگای تنکابن

بر سر راه چارز به پیشنبور به تپه‌ای منفرد برمی‌خوریم که سطح بالای آن در حدود پانصد متر مربع است و به «شاه‌نشینك» معروف است .

راهی که از پای این تپه می‌گذرد قدیمی است و سنگ‌چین دارد .

آثار خرابه‌های دهکده‌ای قدیمی
نزدیك شالی‌زار گرده‌لپو[4] در اراضی دهکدهٔ چارز لنگای تنکابن

دراین اراضی سنگ‌چین‌های قدیمی زیاد است وظاهراً دیوارهای خانه‌های دهکده‌ای قدیمی است .

آثار بنایی قدیمی
برقلهٔ بیه‌غوره[5] در جنگل وشکه‌سرا[6] از اراضی‌چارز لنگای تنکابن

بر قلهٔ کوهی منفرد به نام «بیه‌غوره» پاره‌آجرهای فراوان دیده می‌شود .

گورستانی قدیمی
در اراضی مازی‌گاسر چارز لنگای تنکابن

گورهای قدیمی فراوان در اراضی مازی‌گاسر چارز برجای است.

۱ـ بکسر کاف اول . ۲ـ بفتح راء . چارز ده کوچکی از دهستان لنگا شهرستان شهسوار، یك کیلومتری کلاردآباد (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳) ۳ـ بفتح میم و تاء . ۴ـ بکسر گاف و دال و فتح لام . ۵ـ بکسر باء . ۶ـ بفتح واو و سین.

تپهٔ کلار[1]
در باغ چای وراث ساعدالممالك خلعت‌بری و صفر و اسماعیل کلاری در کلارآباد[2] لنگای تنکابن

این تپه‌که ازکوتیهای قدیمی است فعلاً تبدیل به‌باغ چای شده است. کوههای جنوب شرقی این‌تپه به‌نام «پس‌قلّار»[3] معروف است .

امامزاده سیدالوافی
درکلارآباد لنگای تنکابن

در محوطهٔ جنگلی بسیار وسیع و زیبایی بقعه‌ای قدیمی بوده‌که اخیراً آن را خراب‌کرده و به‌جای‌آن بقعه‌ای نوساز بزرگ‌ساخته‌اند. گورستان اطراف بقعه قدیمی است . سنگ قبر مرمر کوچکی دراین گورستان دیده شدکه این عبارات برآن حك شده بود :

«وفات مرحوم عسکرولد مرحوم گل‌محمد جردورونی مورخ۱۲۹۵. نشانه‌ها: تسبیح ، مهر ،شانه و انگشتر .»

سرو عجیب عظیمی بر سکویی درشرق امامزاده است کــه محیط دایرهٔ تنهٔ‌آن بالغ‌بر ۴۴۰ سانتیمتر است. عمر این سروظاهراً بیش از هزارسال است.

قلعه‌ای قدیمی
بر بالای تپه‌ای در جنگل اسکوله‌سر[4] کلارآباد لنگای تنکابن

ازآثاری‌که از این قلعهٔ قدیمی برجای است، چاهی است در سنگ‌که‌مقداری

۱ــ بفتح کاف . ۲ــ کلارآباد : ده از دهستان لنگا شهرستان شهسوار ، سی‌و هشت کیلومتــری جنوب‌شرقی شهسوار و سه‌کیلومتری جنوب شوسهٔ شهسوار به‌چالوس (فرهنگ جغرافیایی ایران،ج ۳) . ۳ــ ظاهراً شکل دیگری ازپس‌قلا و پس‌قلعه‌است.
۴ــ بضم الف وفتح سین‌دوم .

ازآن پرشده و چهارپنج مترآن برجای است.

آثار بنایی قدیمی در محلی به‌نام کلیك[1]
نزدیك دهکدهٔ جیسای لنگای تنکابن

گذشته ازآثار بنا در این محل، چاهی به‌عمق چهارمتر برجای‌است.می‌گویند چاهی‌که در قلعهٔ اسکوله‌سر است با این‌چاه ارتباط داشته است .

آثاربنایی قدیمی
در توت باغك جیسای لنگای تنکابن

خرابه‌های بنایی‌قدیمی در این اراضی‌که روزی توت‌باغ بوده است، دیده می‌شود .

قلاسر (=قلعه‌سر)
برتیره‌ای در جنوب دهکدهٔ یال‌بندان لنگای تنکابن

برسر تیره‌ای‌که تقریباً شرقی‌غربی است و درمیان چکیزبند[2] و خشك‌دره و یال‌بندان وگردکوه است آثار قلعه‌ای قدیمی دیده می‌شود . مصالح ساختمانی قلعه سنگ وگچ وآجربوده است.ابعادآجرها ۵ × ۲۶ × ۲۶سانتیمتراست .کندوکاوزیاد و روئیدن درختان جنگلی‌شکل و طرح قلعه‌را از میان برده است .

راه شاه‌عباسی
در خاك تنکابن

مسیر این راه را تا شیخ‌زاهدمحله پیش از این نوشته‌ایم . دنبالهٔ آن از شیخ‌ـ زاهدمحله به سخت‌سر(رامسر) می‌آمده است . این قسمت از راه را با سنگهای‌بسیار

۱ـ بضم کاف و سکون لام و فتح‌یاء .   ۲ـ بفتح چ و باء .

بزرگ فرش‌کرده بوده‌اند . از سخت‌سر، از وسط دهکدهٔ گلیجان به‌دهکدهٔ توکله می‌رفت و از دهکده‌های تشکون و سیاورز و شهرسر و کشکلستان و مازوبن به پلنگ‌آباد‌نشتا و غرب دهکدهٔ پلنگ‌کلا می‌رسید . درحوالی تالش‌خیل وکلام‌گافه، چهارراههای متعددی داشت. دنبالهٔ راه از دهکدهٔ اسبچین به قریهٔ دانیال متصل‌می‌شد. پل معروف به«رنگین‌پل» دراین‌مسیر بوده‌است‌که‌آجرهای‌آن‌را برای بناهای‌شخصی و عمومی برده‌اند . از اینجا دنبالهٔ راه به‌جیسا وشمال نارنج‌بندبن‌که معروف به«کوتی ـ بازاربندبن» است می‌رفته است. دنبالهٔ راه از پایین اسپی‌رود و چارز می‌گذشته وآثار آن تا امروز برجای است . این جاده پایین‌تر یعنی شمالی‌تر از جادهٔ کنونی است‌که از نارنج‌بندبن به چارز می‌آید .

قلعهٔ پلنگ[1]
دژی قدیمی در تنکابن

محل اصلی این قلعه را نیافتیم . این قلعه در سال ۹۱۲ به‌دست‌خان احمد ـ خان گیلانی گشوده شده است.[2] دو دهکدهٔ «پلنگ‌آباد»[3] و«پلنگ‌کلا»[4] که هم‌نام بااین قلعه‌بودند سبب‌شدکه به‌این دو دهکده سری‌بزنیم ولی دراطراف این‌دودهکدهٔ قدیمی نیز اثری ازاین قلعه نیافتیم .

۱ـ تاریخ خانی ص ۲۱۴ و ۲۱۵ . ۲ـ تاریخ خانی ص ۲۷۱ . درترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو ، ص ۱۷۵ ، نام این قلعه را از تاریخ خانی نقل‌کرده است . ۳ ـ پلنگ‌آباد بالا و پایین دو ده از دهستان نشتا شهرستان شهسوار در هفده کیلومتری جنوب شرقی شهسوار و دوکیلومتری جنوب شوسهٔ شهسوار به چالوس (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) . ۴ـ پلنگ‌کلا : ده‌کوچکی از دهستان لنگا شهرستان شهسوار ، بیست‌و چهار کیلومتری جنوب‌شرقی شهسوار وسه‌کیلومتری جنوب عباس‌آباد (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳) .

هشتپر تنکابن

این کاخ در سال ۸۸۹ قمری آباد بوده و روز بیست‌وسوم رمضان موافق با بیست‌و نهم بهمن‌ماه قدیم سلطان علی‌میرزا در این قصر نزول کرده است.[۱] این کاخ ظاهراً در حوالی دهکدهٔ بلده (قلعه‌گردن) بوده است .

۱ـ تاریخ گیلان ودیلمستان سیدظهیرالدین ، ص ۴۵۰ .

بخش دوم

کلارستاق

۱- جغرافیای تاریخی کلارستاق

منطقهٔ کلارستاق شامل دشت کلارستاق و نواحی کوهستانی است. دشت که امروز آن را قشلاق کلارستاق گویند از قدیمیترین ایام از طرف غرب به رودخانهٔ نمک آبرود (نمک آوه‌رود) ختم می‌شده و حد شرقی آن به رودخانهٔ چالوس می‌رسیده است.

نواحی کوهستانی به بیرون بشم و کلاردشت و کوهستان کلارستاق تقسیم می‌شده اند.

ناحیهٔ بیرون بشم که مرکز آن مرزان آباد است می‌رود به بشم کلاردشت و دهکده‌های میچکار، برار[1]، جوهر کلا، چلاجو[2] و جیرسنّار[3] است.

ناحیهٔ کلاردشت مرکز آن حسن کیف است و دهکده‌هایی دارد که در کوههای اطراف این دشت قرار گرفته اند.

کوهستان کلارستاق شامل دو قسمت شرقی و غربی است. کوهستان شرقی شامل دهکده‌های هرجان[4] ولی آباد و الامل[5] است و دهکده‌های زیر جزو کوهستان غربی است:

۱- بفتح باء. ۲- بفتح چ. ۳- بفتح سین وتشدیدنون. ۴- بفتح هاء و راء. ۵- بفتح الف و ضم میم.

انگران[۱] ، گیجان ، دلیر[۲] ، الیت[۳] ، ناتر[۴] ، بیجده‌نو[۵] ، فشکور[۶] ، کنس ـ دره[۷] ، مکار[۸] ، میرس[۹] ، کتیر[۱۰] ، تویر[۱۱] .

جغرافیای تاریخی و تاریخ شهر چالوس

نیمی از شهر چالوس در دشت کلارستاق و نیم دیگر آن در اراضی کجور است، زیرا دشت کلارستاق از نمك آبرود شروع می‌شود و به رودخانهٔ چالوس ختم می‌گردد . آنچه از شهر و حومهٔ چالوس در شرق رودخانهٔ چالوس است، در تقسیمات، جزء خاك کجور باید به حساب آید. ما در این تقسیمات شهر و حومهٔ چالوس را جزء دشت کلارستاق یاد کردیم .

مرحوم اعتمادالسلطنه مطالب زیر را از متون مختلف جغرافیایی و تاریخی در بارهٔ چالوس نوشته است :

اعراب چالوس را شالوس می‌گویند و صاحب معجم‌البلدان گوید چالوس شهری است واقع در سرحد طبرستان ، درهشت فرسخی ری.[۱۲]

ابن‌فقیه گوید در مقابل شالوس شهری است موسوم به‌الکبیره نزدیك به کجور که حاکم آنجا اقامت دارد. ازچالوس به‌آمل ازکوهستان دیلم بیست فرسخ است.

بعضی دیگر از علمای جغرافی نگاشته‌اند که چالوس ازآبادیهای معتبر طبرستان است زیراکه در زمان معتصم خلیفه ، محمدبن‌اوس راکه از امرای خلیفه بود ، به حکومت طبرستان نامزدکرد. مشارالیه خود در رویان قرارگرفت و چالوس رابه‌احمد پسر خودسپرد .[۱۳]

۱ـ بفتح الف و سکون نون و کسر گاف. ۲ـ بکسردال . ۳ ـ بکسر الف و لام و یاء مجهول . ۴ ـ بکسر تاء . ۵ـ بکسردال . ۶ـ بفتح فاء . ۷ـ بضم کاف و کسر نون . ۸ـ بفتح میم . ۹ـ بکسر میم و راء. ۱۰ـ بضم کاف . ۱۱ـ بضم تاء . ۱۲ـ از ری تا چالوس ازهر راهی که بروند بیشتر از هشت فرسنگ خواهد شد . ۱۳ـ مرآت‌البلدان ، ج ۴ ، ص ۷۹ .

در حکومت عبدالله بن جازم که از قبل خلیفه مأمون حکمران طبرستان بود، مردم چالوس خروج کردند و سالم نام ملقب به‌سیاه‌مرد راکه از طرف جازم در چالوس بود، براندند. و با اهالی دیلم هم‌عهد شدند که نواب خلیفه را به‌خود راه ندهند.

حسن بن بویه که از قبل برادر خود معزالدوله در عراق و ری سلطنت می‌کرد و با قابوس وشمگیر دیلمی در نزاع بود، از ری با تجمل و قشون زیاد به‌چالوس به جنگ وشمگیر رفت و در چالوس با قشون وشمگیر مصاف داده، او را شکست. وشمگیر پناه به‌الثایر بالله علوی برد. حسن بن بویه ازچالوس بعد ازاین فتح به آمل رفت و خبر فوت برادرش علی بن بویه که به وی رسید، آمل‌راگذاشته به‌عراق آمد. در سه‌شنبه بیست‌وپنجم شهر رمضان سنهٔ دویست وپنجاه هجری، اهالی‌چالوس واهالی کلارستاق به‌سیدحسن بن‌زید ـ داعی‌کبیر ـ بیعت نمودند و ازاین‌به‌بعد مذهب‌زیدیه اختیارکردند و محمدابوالعباس ازطرف حسن بن‌زید دردوشنبه بیست‌و سیم شهرشوال همین سال‌که داعی‌کبیر درآمل حکام به اطراف می‌فرستاد، به‌چالوس‌حاکم‌شد. داعی کبیر بعد از انهزام از سلیمان بن عبدالله بن طاهر ـ حاکم‌ساری ـ که ازطرف بنی‌عباس حکومت می‌نمود، ازآمل به‌چالوس منهزماً پناه برد. همیشه ملاذ داعی‌کبیر از قشون سلیمان، چالوس بود و این واقعه در سنهٔ ۲۵۰ واقع‌گردید.[1]

در سال ۲۶۱ ﻫ. ق. حسن بن زید به‌طبرستان مراجعت نمود وچالوس راآتش زد، از جهت آنکه مردم چالوس با یعقوب بن‌لیث موالاتی کرده بودند وضیاع‌ایشان‌را به اقطاع دیلم داد.[2]

در سنهٔ ۲۷۱ ﻫ. ق. حسن بن‌زید ـ داعی‌کبیر ـ جهان را بدرودکرد ومحمد بن‌زید ـ برادرکهتر خود راکه معروف‌به داعی صغیراست ـ ولیعهدساخت. داعی‌صغیر

۱ـ مرآت‌البلدان، ج ۴، ص ۸۲. ۲ـ مرآت‌البلدان به‌نقل اززبدةالتواریخ حافظ ابرو، ص ۸۳.

از جرجان خود را به‌ساری رسانید. ابوالحسین‌نامی که‌داماد داعی‌کبیر بود و خزاین او را به‌تصرف درآورده بود، داعیهٔ سروری داشت. بعد از ورود داعی‌صغیر، فرار کرده، به‌چالوس‌آمد. غرّه جمادی‌الاخره سنهٔ مذکوره علی‌الغفله در چالوس بر سر ابوالحسین تاخت و او را با متابعینش بگرفت و خزاین برادر خود را به‌تصرف درآورد و بعد او را تلف کرد تا رافع‌هرثمه ـ والی خراسان ـ از طرف بنی‌عباس، به‌جنگ داعی صغیر آمد. داعی بعد از استحصان در قلعهٔ کجور، نایب‌رافع راکه در چالوس بود بگرفت. درحالتیکه رافع در خواج چهارفرسنگی چالوس معسکرداشت. چون تاب مقاومت نداشت، داعی‌صغیر از چالوس به سمت طالقان قزوین فرارکرد.[۱]

بکربن عبدالعزیز بن ابی‌دلف‌العجلی‌که داعی صغیر پیوسته قبول خدمت او را نموده علاوه برآنکه در روز ملاقات هزاربار هزاربار درهم به او بخشش‌کرد، او را به‌چالوس و رویان حاکم ساخت. لیکن در خفا سپرده بود که در فقّاع‌که او می‌نوشد سم داخل‌کرده و چنان‌کردند و قبر او در ناتل در سرپل لیشام درکنار رود شیمرود واقع است. این‌تفصیل در خلافت المعتضدبالله بوده.[۲]

در استیلای ناصرکبیربه‌مملکت رویان وغلبهٔ او برمحمدبن صعلوك که از قبل سامانیان برآمل و رویان حاکم‌بود، پسرعم خود ـ سید حسن‌بن‌قاسم ـ را به چالوس فرستاد تا با محمدبن‌صعلوك‌که با پانزده‌هزارمردآنجا اقامت داشت، مصاف دهد.

سیدحسن‌بن‌قاسم، محمدبن‌صعلوك‌را منهزم ساخت‌و از رودخانه‌ای‌که‌به«بوررود» معروف است و نیز «بورآباد» می‌گویند، خون‌کشتگان‌که درکنارآن رودخانه به‌قتل رسیده بودند، به دریا می‌رفت. و حصار چالوس را سیدحسن‌بن‌قاسم با زمین هموار ساخت.

در دوران سلطنت حسن‌بن‌بویه، الثایربالله موسوم‌به‌جعفربن‌محمدبن‌حسین‌بن

۱ـ مرآت‌البلدان، ج ۴، صفحات۸۲ و۸۳. ۲ـ مرآت‌البلدان، ج۴، ص۸۳.

علی بن حسن بن علی بن عمر بن زین‌العابدین بن حسین بن علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام، مشهور به «سیدابیض»، در چالوس بود.[۱]

مسعودی درمروج‌الذهب نوشته است اطروش که اسم حقیقی او حسن بن علی بن محمدبن علی بن حسن بن علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام است ، در سنهٔ ۳۰۱ هجری ، سیاه‌پوشان(= بنی‌عباس) را از طبرستان خارج نمود . اطروش سالیان‌دراز در دیلم و گیلان می‌زیست . سکنهٔ‌آن نواحی که در جهالت و نادانی فرو رفته و روش مغان را پیروی می‌کردند . اطروش‌آنها را به دین خداپرستی دلالت نمود . غالب آنها به‌دین اسلام داخل شدند جز بعضی ازسکنهٔ این دو مملکت که درکوههای بلند وقلعه‌جات و دره‌های عمیق و مأمنهای محکم سکنی داشتند و تا این‌زمان به‌مذهب قدیم‌خود باقی هستند . اطروش مساجد زیادی در این‌نواحی بناکرد ومسلمین برای مدافعه‌ازطوایف جنگی، در قزوین و چالوس استحکاماتی بنا نمودند .

چالوس محیط به‌یك قلعهٔ سختی بود و دیوارهای مرتفع داشت و سلاطین عجم بنای آنجا راکرده بودند وهمیشه درآنجاقشون زیاد برای دفع حملهٔ دیلمان‌داشتند و این قلعه، بعد از فتح‌طبرستان، به دست قشون اسلام باقی بود تا اطروش آن قلعه را منهدم ساخت .

بموجب مسطورات تاریخ رشیدی درسنهٔ ۶۹۴ ﻫ . ق. در زمان سلطنت‌الجایتو که خود قصد فتح‌گیلانات‌کرده بود ، مقرر داشت‌که از چهارراه قشون به‌گیلان برود. امیرچوپان از راه اردبیل، امیرقتلق‌شاه از راه‌خلخال. امیرطوغان وامیرمؤمن از راه چالوس و خود سلطان از راه لاهیجان .

ابوبکر محمدبن‌حسن‌طبری چالوسی‌مشهور به‌ابوجعفرصوفی- واعظ ومحدث- که در نیشابور تحصیل‌کرده بود، در سال چهارصد وهفتادودو در چالوس متولد شد و

۱- مرآت‌البلدان ، ج ۴ ، ص ۸۳ .

در محرم سنهٔ پانصد وچهل وسه درآمل وفات نمود .[۱]

رابینو یکی دو مطلب به‌مطالب گذشته افزوده و شرح زیر را در بارهٔ چالوس نوشته است :

فرمانروایان قدیم ایران در چالوس قلعه‌ای داشتند و درآن سواره‌نظام همیشه در حال‌آماده‌باش بود تاساکنان را در مقابل حملهٔ دیلمیان‌حفظ‌کنند. شهرچالوس‌خود دیوار محکمی داشت‌که به امر یکی از دختران فرمانروایان‌ایرانی ساخته شده بود. استحکامات دفاعی چالوس رادر سال۲۸۷ هجری سیدحسن بن‌قاسم یکسره خراب‌کرد. این شهر که به‌نام شالوس وسالوس نیز خوانده شده است‌بنابر توصیف مقدسی شهری‌بود که‌قلعه و مسجدجامعی متصل به‌یکدیگر داشت و هردو از سنگ بنا شده بود . در نزدیکی‌آن، دوشهردیگر نیز بوده‌است.یکی را الکبیره‌ودیگری‌راکجّه‌می‌خواندند. مادر حسن‌بن‌بویه را با تشریفات بسیار در چالوس دفن کردند . از سادات مرعشی مازندران ظهیرالدین‌بن علی‌بن قوام‌الدین و پسرش فضل‌الله را در چالوس به خاك سپردند .[۲]

۱ــ مرآت‌البلدان ، ج ۴، ص ۸۴ .

۲ــ متن انگلیسی سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو ، ص ۲۷ .

۲ـ بناها و آثار تاریخی دشت کلارستاق

بقعهٔ سید محمد از سادات حسینی
در دهکدهٔ زوات شرقی [1] از بلوك دشت کلارستاق

بنایی است نه ترك ، از سنگ و گچ به ارتفاع ۲۱۰ سانتیمتر. ترکی که در ورودی در آن قرار می گیرد باریکتر از ترکهای دیگر است .

گنبدی نه ترك کلاه درویشی بام بنا را تشکیل می دهد (عکس شمارهٔ ۲۱). گورستانی بسیار قدیمی با درختان کهنسال مازو و کرزل (=ممرز) و شمشاد و اوجا اطراف این بقعه است .

امامزاده قاسم [2] و حلیمه خاتون
بر بالای تپه ای برسمت چپ سرداب رود

در اراضی زوات غربی از بلوك دشت کلارستاق اطاقی است که در طول آن در وسط دوش کش (=حمّال) قطوری کشیده اند که بر ستونی چوبین چهارسو استوار است. پلورها از دو طرف بر دوش کش قرار می گیرند . بالای پلورها ، پل کوبی با درزپوش پخ زده

۱ـ در مجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملك مورخ سال ۱۲۹۹ ه.ق. این قسمت از زوات را به نام « زوات کلاگر » نام برده و از این بقعه یاد کرده است .

۲ـ از امامزاده قاسم در مجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملك مورخ ۱۲۹۹ ه. ق. یاد شده است .

است . درازای این بنا هفت‌متر و پهنای آن چهارمتر است. کف اطاق نسبت به‌ایوان و سایر قسمتهای بنا گودتراست.

ایوانی در طرف شرقی بناست که دارای هشت‌ستون چهارسو است. سقف ایـوان پلورکشی‌وپل‌کوبی‌با درزپوش پخ زده‌است . اطراف این‌بقعه‌گورستانی است‌که‌درختان کهنسالی درآن است. درخت‌کرزل(ممرز) در محوطهٔ این بقعه است که محیط دایرهٔ تنهٔ آن به ۳۲۰سانتیمتر می‌رسد.

سنگ قبرهای‌گورستان این بقعه مورخ ۱۳۲۱ و ۱۳۳۵ و ۱۳۳۶ کـه بر بالای آن مردی باقبا حك شده است و ۱۳۳۸ که بالای آن نقش خورشید حك شده است .

مسجدی قدیمی
در دهکدهٔ علوی‌کلا از بلوك دشت کلارستاق

این مسجدکه چندی قبل‌آن را خراب کرده و از نو ساخته‌اند در سال ۱۲۹۹ قمری اهمیتی داشته و رقبات موقوفـات آن وقف برعزاداری حضرت سیدالشهدا بوده است .[۱]

راه قدیمی زوات به‌کلاردشت

راه قدیمی زوات به‌کلاردشت کـه ازکنار سرداب‌رود می‌گذرد از نقـاط زیر عبور می‌کند :

زوات ـ چـالنی ـ سوتـه‌لار ـ کردشت[۲] ـ ساتـار ـ ورگه دره[۳] ، از اینجا راه به‌کنار رودخانه می‌افتد و از این نقاط می‌گذرد :

۱ـ در مجموعـهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانـهٔ ملك، از ایـن مسجد یـاد شده است .

۲ـ بضم‌کاف . ۳ـ بکسر واو .

سوت ـ لجینی[۱] ـ سرین‌پل[۲] ـ پله‌ای چشمه‌سر ـ رمینك ـ والت[۳] که اول خاك کلاردشت است و از اینجا می‌توان به‌دهکده‌های دیگر کلاردشت رفت .

راه شاه‌عباسی
که معروف به راه زیربند است ازغرب به‌شرق

این راه قدیمی‌که دنبالهٔ آن را در صفحات گذشته یادکردیم ازاسبچین تاچلندر از نقاط زیر می‌گذشته است :

اسبچین ـ جیسا ـ نارنج‌بندبن ـ کلارآباد[۴] ـ یال‌بندان ـ کنیرك‌دمرد[۵] ـ حصاری‌سر[۶] ـ میون‌کی ـ مرس‌ده[۷] ـ دامنهٔ‌جیس‌کوتی ـ چاخانی ـ زوات‌غربی ـ[۸] زوات‌شرقی ـ گردك[۹] ـ گوسن‌سنگ[۱۰] ـ آهك‌چال ـ سنگ‌معدن ـ چالوس رودخانه ـ جیزاو ـ لاراوسرك[۱۱] ـ کوشکه‌سرا ـ سنگ‌تاجن[۱۲] ـ نیرنگ ـ امامزاده‌محمد ـ چشمه‌گردك ـ موسی‌آباد[۱۳] ـ علی‌آبادمیر ـ خیررودکنار ـ چلندر[۱۴] .

نهرهای قدیمی منشعب از سرداب‌رود

نهرهای سمت چپ سرداب‌رود :

۱ـ نهری‌که در مسیر ملك‌جوب‌قدیم جریان دارد و نسبةً تازه‌آباداست قسمتی از زوات غربی و چاخانی راآبیاری می‌کند .

۲ـ هچه‌رودکیله[۱۵] که شالی‌زارهای‌دهکده‌های کریم‌آباد ـ کلاچان ـ هرته‌کلا[۱۶] ـ هچدرود وقسمتی از نوره‌سر را آبیاری می‌کند .

۱ـ بفتح لام . ۲ـ بفتح سین . ۳ـ بکسر لام . ۴ـ بکسر کاف . ۵ـ بفتح دال و کسرمیم . ۶ـ بفتح‌حاء . ۷ ـ بکسر میم وسین . ۸ـ بفتح ذاء . ۹ـ بکسر گاف و ضم دال . ۱۰ـ بکسرسین ونون . ۱۱ ـ بسکون راء اول و فتح سین و راء دوم . ۱۲ـ بکسر گاف و جیم . ۱۳ ـ بکسر سین و سکون یاء . ۱۴ ـ بکسر چ و لام و سکون نون و فتح دال . ۱۵ـ بفتح ها و کسر چ . ۱۶ـ بکسر ها و تاء .

۳ـ تجارکلاکیله که شالی‌زارهای تجارکلا ـ گیله‌کلا ـ عباس‌کلا ـ امام رود و دوجمان راآبیاری می‌کند.

نهرهای سمت راست سرداب رود :

۱ ـ زوات‌کیله[1] که دهکده‌های زوات و عرب‌خیل را آبیاری می‌کند. چشمهٔ چاخانی‌که چشمه‌ای جداکانه وجزء دشت‌کلارستاق است قسمتی ازاراضی چاخانی و قسمتی از نوره‌سررا آبیاری می‌کند .

ملك‌جوب

ازرودخانهٔ سرداب رود دو نهر بسیار قدیمی به نام « ملك‌جوب » جدا می‌شود. ملك‌جوب‌شرقی پس‌ازجداشدن‌ازسرداب‌رود، اراضی‌زوات‌شرقی وشوخس‌کت[2] (تجی‌کلا)[3] راآبیاری می‌کند .

ملك‌جوب‌غربی اراضی دهکده‌های : زوات غربی ـ چاخانی ـ مرسده[4] ـ میون‌کی راآبیاری‌می‌کند و تااسبچین‌زیربند پیش می‌رود .

باقی بناها و آثار تاریخی زوات دشت‌کلارستاق

۱ـ آثار قلعه‌ای قدیمی بربالای قلهٔ ترکه‌سر[5] در جنوب‌غربی‌زوات .

۲ـ قلعه وگورستانی قدیمی برسرتیرهٔ جیزچال .

۳ـ قلعهٔ تجك[6] برسر تیره‌ای درجنوب شرقی زوات .

۱ـ بفتح زاء وکسر تاء . ۲ ـ شو با واو معدوله وضم خاء و کاف .
۳ ـ بفتح تاء و کاف . ۴ ـ بکسر میم و سین و دال . ۵ ـ بکسر تاء و فتح سین . ۶ـ بکسر تاء و فتح جیم .

قلعه‌ای از سنگ
در شهر چالوس

مقدسی می‌نویسد «در چالوس قلعه‌ای از سنگ است ومسجدجامع درکنار این قعله است. »[۱] از سوانحی‌که در این قلعه روی داده است اطلاع زیاد نداریم فقط در دوران اسپهبد رستم بن‌قارن است که ذکری از این قلعه به‌میان می‌آید . جریان این واقعه ازاین‌قرار است :

در اختلافی‌که میان محمدبن‌زید و اسپهبدرستم بن‌قارن پیدا شد، اسپهبد رستم بدرافع بن‌هرتمه پناهنده شد و از او یاری جست. رافع ورستم وقتی بدگرگان‌رسیدند، محمدبن‌زید بدقلعهٔ‌جوهینه(= جهینه)پناه داد.در قلعه‌ذخیرد نماند، محمدفرارکرد و بدآمل وکجور و سپس به دیلمان‌افتاد . جستان وهسودان او را یاری‌کرد. درچالوس محمدبن‌هارون ـ نایب‌رافع‌ـ بود. حصن محکم‌کرد وذخیره برد و منجنیق نهاد.چون ازآمدن محمدبن‌زید خبریافت ، رافع را آگاه‌کرد. رافع به‌جواب نوشت:

البته تو با اونکوشی و ازحصن بیرون نیائی، توقف‌کن . محمدبن‌زید وجستان به‌چالوس رفتند وکار برمحمدبن‌هارون تنگ‌کردند . رافع خبردار شد، از اهلم به‌ده خواج ـ چهار فرسنگی چالوس‌ـ آمد . خبر به‌چالوس‌رسید . جستان وهسودان دست از حصار بداشت و ازپای قلعه برفت . محمدبن‌هارون از قلعهٔ چالوس بیرون آمـد و سپاه ایشان را پراکنده‌کرد.[۲]

در دوران‌خروج‌ناصرکبیر باز ازاین قلعه یاد می‌شود . ابن‌اسفندیارمی‌نویسد: «جملهٔ‌گیل ودیلم‌پیش ناصرکبیرآمدند تا ضبط طبرستان‌کنند. پسر خویش‌ـابوالحسین احمد ـ را به‌رویان فرستاد و میهم‌گفتند عاملی بود ازآن سامانیان بیرون‌کـردند و

۱ ـ احسن‌التقاسیم ، ص ۳۵۹ . ۲ ـ تاریخ طبرستان ابن‌اسفندیار ، ج ۱ ، ص ۲۵۳ .

ناصر کبیر به‌کلار رفت . اسپهبد کلار ــ محمدبن‌حسن ــ بر او بیعت کرد . از آنجا بـا کورشید شد و فردا به‌چالوس رفت و ابن عم‌خویش حسن‌بن‌قاسم را به مقدمهٔ لشکـر فرستاد تا چالوس مستخلص کند . محمدصعلوك باپانزده هزار مرد به موضعی که‌بورود[1] گویندآمده بود . چون ناصر برسید مصاف دادند و حسن‌بن‌قاسم آن روز مصاف‌آرای لشکر بود. صعلوك را منهزم‌گردانید وخلقی بسیاررا از اصحاب او به‌قتل‌آوردند روز یکشنبهٔ جمادی‌الاخرة سنهٔ احدی وثلثمائه و فردا به‌چالوس رفت و ابوالوفا خلیفة‌بن نوح راکه درآن حصاربودگرفته و جمله خراسانیان را کشته و حصار با زمین راست گردانید چنانکه اثر پدید نبود .[2]

آثار این قلعهٔ قدیمی بدشکل تپه‌ای ، در محوطهٔ قصر سلطنتی چالوس ، سمت راست رودخانه و جادهٔ چالوس باقی است .

مسجد جامع قدیم در چالوس

از این مسجدکه مقدسی ازآن یادکرده است و می‌نویسد درکنار قلعهٔ‌سنگـی چالوس بوده است ، آثاری باقی نیست .[3] اما ازگذشتهٔ آن بی‌خبر نیستیم، از نخستین بیعتهایی‌که مردم طبرستان باسادات‌کردند در همین جامع چالـوس بوده است و شرح آن از این قرار است :

پس ازآنکه مردم‌طبرستان ازجوروآزار محمدبن‌اوس‌ستوه شدند پیش‌محمدبن

۱ــ رابینو می‌نویسد کـه‌بورس ازدهکده‌های‌کلارستاق برکنار بورود است. (ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران و استراباد، ص ۱۴۶) بورسر از دهکده‌های قشلاقی‌کلارستاق است که‌در سه‌کیلومتری‌غربی چالوس در دوطرف راه چالوس به‌شهسواراست. ۲ــ تاریخ طبرستان ابن‌اسفندیـار، ص ۲۶۸ و ۲۶۹ . تاریخ‌رویان مولانااولیاءالله ، ص ۱۰۴ و ۱۰۵ . تاریخ طبرستان و رویان ومازندران، ص ۲۱۷ . ۳ــ احسن‌التقاسیم ، ص ۳۵۹ .

ابراهیم بن علی بن عبدالرحمن بن قاسم بن حسن بن زیدبن حسن بن علی امیرالمؤمنین آمدند و قصد داشتند که با او بیعت کنند . او گفت مرا اهلیت نیست.مرا در ری‌دامادی است که خواهرم را دارد به‌نام حسن بن زیدبن اسماعیل‌حالب‌الحجاره ، شجاع و کافی‌و عالم است و حربها دیده، کسی را به ری بفرستید واورا بخواهید . مردم چنین کردند. حسن بن‌زید‌علوی روز سه‌شنبه بیست‌وپنجم‌ماه رمضان سنهٔ ۲۵۰ به‌سعیدآباد آمد ومردم با او بیعت کردند. بیست‌و هفتم‌رمضان به‌کجور شد و مردم‌آنجا نیز با او بیعت کردند و محمد بن‌عباس وعلی بن‌نصر وعقیل بن مسرور را به‌چالوس فرستادپیش‌حسین بن‌محمد‌المهدی‌الحنفی،دعوت اورا اجابت‌کردند و به‌مسجد‌جامع شدند و بیعت جملهٔ مردم آن دیار را بستدند .[1]

مرقد مادر ثائرعلوی
در چالوس

پس از آنکه ابوالفضل‌الثائرالعلوی درچالوس مستقر شد ومردم براو جمع‌شدند، خبر به حسن‌بویه در ری رسید . ابن‌عمید را به‌یاری علی‌بن‌کامه فرستاد ، اما لشکر آل‌بویه شکست خورد.ثائرعلوی، مادر رنجور خود را در ری‌گذاشته بود وفات‌یافت. حسن‌بویه در تابوت نهاد ، چنانکه رسم‌ملوك باشد به خوبتر وجهی به‌آمل فرستاد . ثائر علوی جسد مادر را به چالوس‌فرستاد و دفن‌کردند .[2] مرقد او ظاهراً درگورستان عمومی بوده است .

مرقد سیدفضل‌الله و سیدظهیرالدین
در چالوس

این دوتن‌که از نوادگان میرقوام‌الدین مرعشی هستند، پسر و پدری هستندکه

---

۱ ـ تاریخ طبرستان ابن‌اسفندیار ، ج ۱ ، ص ۲۲۹ . ۲ ـ تاریخ طبرستان ابن‌اسفندیار، ج ۱ ، ص ۲۹۹ و ۳۰۰ .

پهلوی یکدیگر در چالوس بەخـاك سپرده شده‌اند . رشتهٔ نسب ایشان چنین است :
سیدفضل‌الله بن ظهیرالدین بن سید علی بن میرقوام‌الدین مرعشی .[۱]

بقعه‌ای به‌نام یوسف‌رضا
درگورستان عمومی چالوس

این بقعه‌که نسبةً قدیمی‌بود، سیلاب رودخانهٔ چالوس‌آن راکند و ازمیان‌برد.

آثار راهی قدیمی
در سمت چپ رودخانهٔ چالوس

این راه در سه‌کیلومتری جنوب چالوس بـا سنگفرش، در طرف چپ رودخانه هنوز باقی است . ظاهراً دنبالهٔ راه ناصرالدین‌شاهی‌است که به‌چالوس می‌آمده است.

آثار شهر قدیمی چالوس
زیر بناها و خیابانهای شهر کنونی

زیر شهر کنونی چالوس ، در عمق پنج تا ده‌متری آجر فراوانی دیده می‌شود . درگودبرداریها ، خرابه‌های دکان و بازار هم پیدا کرده‌اند.

دو نهر قدیمی
بر سمت راست رودخانهٔ چالوس

آثار دونهرقدیمی‌که مقداری از مجرای‌آنها در سنگ کنده شده و در بعضی جاها درحدود ده تا بیست‌متر با آجر دیوارچینی‌کرده و مجرای آب راعبورداده‌اند در سمت راست رودخانه دیده می‌شود. آثار این دو نهر پشت قصـر سلطنتی چالوس روشن و آشکار است . ظاهراً آب این دونهر از رودخانهٔ چالوس به آبادیهای دشت کجور می‌رفته است .

۱ـ تاریخ‌طبرستان و رویان و مازندران ، ص ۳۹۳ .

گورستانی قدیمی
در جنگل مشعل و مشعل‌مازو[1]

در جنوب چالوس گورستان قدیمی بزرگی در جنگلی به‌نام مشعل ومشعل‌مازو دیده می‌شود . گورها اسلامی است و سنگ قبری درآنجا دیده نشد .

نهرهای قدیمی که
از رودخانهٔ چالوس جدا می‌شوند

نهرهای سمت‌چپ‌آب یا نهرهای کلارستاق :

۱ــ علی‌آباد کیله که دهکده‌های علی‌آباد، کردخیل[2] ، درمش‌کلا[3] ، خرمند ، تجن‌کلا[4] و تازه‌آباد را مشروب می‌کند .

۲ــ چالوس‌کیله که در دوراهی دوسگر[5] دوشعبه می‌شود :

شعبهٔ غربی دهکده‌های علوی‌کلا[6] ، بوردسر ، میان‌ده را مشروب می‌کند .

شعبهٔ شرقی دهکده‌های سلیم‌آباد، گرامه‌جان[7] ، آیشه‌بن و چالوس‌محله را آبیاری می‌کند .

۳ــ آبرنگ‌کیله که دهکده‌های آبرنگ، اس‌سر[8] تا اراضی فرج‌آباد رامشروب می‌کند .

۴ــ فرج‌آباد کیله که اراضی دهکده‌های فرج‌آباد را مشروب می‌کند.

نهرهای سمت‌راست‌آب یا نهرهای دشت‌کجور:

۱ــ ده‌گیری‌کیله[9] که اراضی دهکده‌های ده‌گیری ، اشکار دشت[10] لاراوسر ،

۱ــ بکسر لام. ۲ــ بضم کاف وکسر دال. ۳ــ بفتح دال وضم‌میم وفتح کاف.
۴ــ بکسر «ت» و جیم . ۵ــ بفتح گاف. ۶ ــ بضم عین. ۷ــ بکسر گاف .
۸ــ بفتح الف وکسر سین‌اول. ۹ــ بفتح دال. ۱۰ــ بکسر الف .

کوشك‌سرا[1] ، هلیستان[2] ، پالوژده[3] وکورکوره‌سر را مشروب می‌کنند .

۲ـ مجیدآبادکیله که اراضی مجیدآباد و سرزمینهای شمال پالوژده راآبیاری می‌کند .

بقعهٔ حمزه‌رضا
در دهکدهٔ کوشك‌سرای چالوس

بنایی است قدیمی از سنگ وگچ که به شکل هشت ضلعی ساخته‌اند و در هر یك از اضلاع داخل و خارج طاق‌نمایی که به زیبایی بنا افزوده است ، دیده می‌شود (عکس‌شمارهٔ ۲۲). برای تبدیل این هشت ضلعی به دایره، در داخل بنا، در زاویهٔ میان هردوضلع گوشواری ساخته‌اند ومیان دوگوشواره‌های‌اضلاع را، در بالای طاق‌ـ نمای هرضلع نیز گوشوار دیگری‌افزوده‌اند و بدین‌ترتیب با افزودن شانزده‌گوشوار ، دایره‌ای به وجودآورده‌اندکه سقف بنا را برآن استوارکرده‌اند . سقف بنا از داخل مدور و از خارج کلاه درویشی هشت‌ترك است .

در وسط بنا صندوقی چوبین به درازای ۲۲۰ و پهنای ۱۲۰ و بلندی ۱۳۵ سانتیمتر است که مدفن حمزه‌رضا را پوشانده است . طرف قبلی بنا پنجره‌ای نورگیر کوچك است. در ورودی شرقی‌است و ازکفش‌کن وارد بقعه می‌شود(عکس‌شمارهٔ۲۳). ابعاد داخل‌کفش‌کن ۳۵۰ سانتیمتراست .

درشمال این بنا، بنای دیگری است‌که معروف است مدفن خواهرحمزه‌ـ رضاست و به نام«خاتون‌رضا» خوانده می‌شود .

بنای اصلی این بقعه از داخل ۴۶۰×۳۵۰ سانتیمتراست .

۱ـ بکسر کاف دوم . ۲ـ بفتح‌هاء . ۳ـ بکسردال .

جلو در ورودی این بنا، ایوانی به درازای ۴۶۰ و پهنای ۱۶۰ سانتیمتر است که دارای پنج ستون چهارسوست که سرستونهای نسبةً ظریف دارد. سقف ایوان و بقعه پلورکشی و از رو پل‌کوبی است و بام‌بنا را به تازگی حلب‌سر کرده‌اند.

در محوطهٔ اطراف این دو بقعه گورستانی قدیمی است و درختان آزاد کهنسال دارد. محیط دایرهٔ قطورترین آنها ۶۲۰ سانتیمتر و دو اصلهٔ دیگر به ۴۳۰ و ۳۶۰ سانتیمتر بالغ بودند.

قلعهٔ اسپی‌سنگ
در مرتع ورگاویج در جنوب شرقی چالوس

برسر کوهی‌که مسلط برجادهٔ چالوس است و حدغربی آن رودخانهٔ چالوس و حدشرقی اشکاردشت[1] ولاراوسر و حدجنوبی مرتع جیزو وحد شمال‌غربی شهرچالوس است قلعه‌ای قدیمی‌است.

برجی‌مدور به‌ارتفاع نیم‌متر و شالودهٔ دیوارهایی‌که با سنگ وگچ چیده شده است برجای است. آب‌انباری مدور به‌عمق شش متر که بیشترقسمتهای آن راکنده و زیرو رو کرده‌اند در قسمت شمالی‌این‌قلعه است. درساختمان این‌قلعه، آجر نیزمورد استفاده بوده است. ابعاد آجرهایی‌که در اراضی قلعه دیده شده، به‌ترتیب زیراست:

۲۵ × ۲۵ × ۴٫۵ سانتیمتر و ۲۴ × ۲۴ × ۴ سانتیمتر و ۱۸٫۵ × ۱۸٫۵ × ۳٫۵ سانتیمتر.

۱ـ بکسر الف.

۲ـ بناها و آثار تاریخی نواحی بیرون‌بشم کلارستاق

امامزاده خلیل

در سعدآباد (سعیدآباد) نزدیك بابوده بیرون‌بشم کلارستاق مرحوم میرزا حسن‌خان اعتمادالسلطنه ازاین امامزاده یادکرده وآن‌را در دهکدهٔصیدآبادمی‌داند.[۱] امروز این‌اراضی که نزدیك دهکدهٔ بابوده وکنارراه چالوس‌است «سعدآباد» خوانده می‌شود . ظاهراً این محل همان سعیدآباد رویان است‌که سعید دعلج آباد کرده و کاخی درآن ساخته است و احتمال می‌رودکه امامزاده خلیل در محوطهٔ کاخ بنا شده باشد .

دو سال‌قبل(۱۳۵۰ شمسی) بنای قدیمی امامزاده خلیل را به‌هم‌ریختند . فعلاً بنایی نوساز چهارگوشه است‌که‌گنبدی هشت‌ضلعی سیمانی بربالای‌آن ساخته‌اند . دو در ورودی جنوبی وغربی دارد و در دو ضلع دیگر دوپنجره تعبیه شده است. در دو طرف حیاط مقابل در جنوبی، اطاقهای خشت و گلی برای زائران‌ساخته‌اند. گورستانی قدیمی اطراف این بقعه است .

۱ـ مجموعهٔ شمارهٔ ۴۲۳۰ کتابخانهٔ ملی‌ملك سال ۱۲۹۹ .

گورستان قدیمی گرمابك
بر سر تپه‌ای نزدیك گرمابك بیرون‌بشم کلارستاق

بر سر تپه‌ای سنگی و منفرد ، درمغرب مرزان‌آباد ، چندسال‌قبل‌آقای مرزبان مجسمهٔ گاوکوهان‌دار با پنج ظرف سفالین و دو خنجر و یك دستبند برنزی یافت . دهم اوت ۱۹۵۴ دست بـه‌کار حفـاری این‌محل شدند وپس ازمدت‌کمی‌کندوکاو شش گور ظاهرشد و پس از بیست روزکاوش ، سی‌ویك‌گور یافتند . در این‌گورهاآجـر و سنگ به‌کار نرفته است وگاهی چند جسد در یك‌گور به‌خاك سپرده شده بود . دریك گور سیزده جسد و درگور شمارهٔ هفت ، نه‌جسد به دست آمد . گورهـا سمت معینی ندارند و مردگان در جهات مختلف به خاك سپرده شده‌اند .گورهـای این‌گـورستان گرد و بیضی وچهارگوشه است. از این‌گورستان ظروف سفالین فراوان و اشیاء زینتی ظریف به دست‌آمد .[1]

بقعهٔ آقاعبدالرضا = عبدالرزاق
نزدیك دهكدهٔ پردنگون[2] بیرون‌بشم کلارستاق

بنای اصلی بقعه شش‌ضلعی است که‌پهنای هرضلع‌آن به‌۱۹۵ سانتیمترمی‌رسد . در چهار ضلع آن خفنگهای نـورگیر و در ضلع شمالی طـاقچه‌ای تعبیه شده است . در ورودی بنا در ضلع شرقی‌است . پهنای این در از لبهٔ چهارچوب ۸۵ و بلندی آن

۱ــ برای اطلاعات بیشتر به رسالهٔ زیر نگاه کنید :

Les de couvertes fortuites Klardasht, Garmabak, Omam et Tomadjan . Par Dr. H. Samadi .

۲ـ بضم پ وسکون راء مهمله وفتح دال‌وسکون‌نون،پردنگون: ده ازدهستان‌بیرون ــ بشم بخش‌کلاردشت شهرستان نـوشهر ، هیجده کیلومتری جنوب شرقـی حسن‌کیف و یك کیلومتری غرب شوسهٔ مرزان‌آباد به‌کلاردشت (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳).

۱۵۵ سانتیمتر است. میان بنای اصلی، صندوقی چوبین قاب وآلت به درازای ۲۰۲و پهنای ۷۵ و بلندی ۱۰۲ سانتیمتر قراردارد. قسمت اعظم صندوق قدیمی وکنده‌کاری بسیار ظریف‌آن درآتش‌سوزی از میان رفته است. یك بدنۀعرضی‌آن فعلاً باقی است که نموداری از ظرافت و دقت‌کنده‌کاری‌آن است . میان این‌بدنه، ستاره‌ای شش‌پررا باکثیرالاضلاعها ترکیب‌کرده ولبه‌های این نقش‌که به‌حاشیه‌می‌رسد، به قطعات‌چوبین به‌شکل ذوزنقه ختم می‌شود (عکس شمارۀ ۲۴) . برحاشیه‌های اطراف‌آن کتیبه‌های زیر حك شده است :

چوبۀ زیر:

«قل‌هوالله‌احد الله‌الصمد لم‌یلد ولم یولد ولم‌یکن‌له‌کفواً ».

چوبۀ سمت راست :

«احد بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم قل اعوذ برب‌الفلق » .

چوبۀ بالا :

« [یؤ] ده حفظهما و هـوالعلی‌العظیم لااکـراه فی‌الدین قدتبین‌الرشد من الغی‌فمن یکفر ...» .

چوبۀ سمت‌چپ :

«والله یرزق من‌یشاء بغیرحساب بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم » .

ظاهراً برحاشیۀ بالای اطراف صندوق «آیة‌الکرسی» حك بوده است.

لنگه دری‌کوچك‌که ظاهراً مربوط به‌صندوق قدیمی بوده است، در ایوان این بناست‌که‌کنده‌کاری ظریف نظیر صندوق دارد . پهنای‌آن ۲۵ وبلندی‌آن ۷۰سانتیمتر است (عکس‌شمارۀ ۲۵) .

پاره‌های چوب‌کنده‌کاری با نقشهای اسلیمی در ایوان امامزاده دیده شد(عکس شمارۀ ۲۶) .

ایوانی طرف شرق بنا، درجلودر ورودی است . این ایوان عریض، لتازهٔ چوبین بلند و یازده ستون با سرستونهای ظریف دارد .

بردو تا از تخته‌های پل‌کوبی سقف این ایوان (عکس شمارهٔ ۲۷)، مطالب زیر باقلم ومرکب نوشته شده است :

درچهار کنج تختهٔ مربع مستطیل اول :

« چه روز قیامت بلرزد جسد محمد بفریاد صفدر رسد »

در امتداد ضلع کوچك سمت راست مستطیل، بیت زیر نوشته شده است:

« یا محمد

چه یوم قیامت شود آشکار محمد شفاعت کند ذوالفقار »

متن کتیبهٔ مستطیل اول به شرح زیراست :

« یاهو مسبب‌الاسباب در سال خیرمآل پارس‌ئیل سنهٔ هزاروسیصد و بیست هجری بندهٔ سراپا تقصیر لطفعلی بن علی تیرگر بیرون بشمی بدستیاری صانع ماهر استاد جعفرعلی مع برادرش استاد سبزعلی لورائی از اهـل نساء به‌نظارت و پیش‌کاری خیرالزوّار مشهدی ذوالفقار الاملی وچراغچی گری شیخ شمس‌ـ الاملی در صدد تعمیر سقف و بنیان مسجد و حصار و گلدستهٔ امامزادهٔ لازم‌ـ التعظیم جناب عبدالله الرضا علیه وعلی آبائه واجداده آلاف التحیة والثنا باهتمام جناب مستطاب آخوند ملامحمد برآمدیم و ایـن امر خیر در عهد سلطنت مظفرالدین‌شاه قاجار خلدالله ملکه و حکومت قوی‌شوکت ابدمدت علی‌قلی‌خان ملقب بمنتصرالسلطنه زادالله عمـره [اتمام] پذیرفته انشاءالله خداوند عالم ... بانی و زحمت‌کشندهـا همه را اجر جزیل وعمر طویـل کـرامت فرمـاید و بشفاعت پیغمبـر آخرالزمان بهره‌مندگرداندکاتب . . .

فضل‌الله بن حاجی بابا بن کربلائی محمد غریق رحمت ایزد کسی باد که
کاتب را بیك حمدی کند یاد ۱۳۲۰».

بر تختهٔ مستطیل پایین مطالب زیر نوشته شده است :

«یاهو درسال خیرمآل طنقوزئیل درسنهٔ هزارو دویست و شصت و هفت هجری
حقیر سراپا تقصیر علی تیر گر بیرون بشمی باهمهٔ انکسار و بی بضاعتی بدستیاری
صانع ماهر استادمحمدقلی درصدد تعمیر سقف امامزادهٔ لازم‌التعظیم جناب
عبدالله‌الرضا علیه وعلی آبائه و اجداده آلاف‌التحیة والثنا برآمدیم پس از
اذن و امضای تولیت از مجتهدجامع‌الشرایط والارکان جناب میرزامحمد
تقی نوری نورالله مرقده باهتمام استادی‌الوحید جناب آخوند ملا علیرضای
الاملی زیدعمره زمانیکه مجتهد . . . سرکارآقا . . . تنکابنی قائم مقام
مجتهد مرحوم مزبور گردیده و سریر سلطنت بر ناصرالدین‌شاه قاجارمفوض
شده و فتحعلی‌خان بعداز قمع و عزل حبیب‌الله‌خان ولایات ثلث راحاکم
شده و سرکار آقا اسدالله بفرمان‌فرمائی کلارستاق مستقل گشته و طایفهٔ بابی
مقهور پادشاه مزبور گردیده است ازخدای مهربان ...که باعث و بانی و
بکسانیکه دربن‌مقام زحمت‌کشیدند ازشفاعت پیغمبر آخرالزمان بهره‌مند
گردند انشاءالله ۱۲۶۷.»

سراسر بنا سابقاً لت‌پوش بوده وفعلاً حلب‌سراست .

جلوایوان حیاطی است . این‌حیاط سردری ورودی دارد . گلدسته‌ای بر سر در ورودی است . ابعادآن درحدود سه متراست . هر طرف‌آن چهارستون چوبین سادهٔ پخ‌زده با سرستونهای نسبةً ظریف دارد (عکس شمارهٔ ۲۸) .

در قدیمی وکنده‌کاری بنا، در منزل قاسم‌نجار صادقی‌است که دهبان دهکدهٔ پردنگون است وهمسراو از نشان‌دادن آن ابا کرد .

بقعهٔ سیدمحمدبن امام‌جعفرالصادق علیه‌السلام
در دهکدهٔ گویتر[1] ازدهکده‌های بیرون بشم کلارستاق[2]

بنای اصلی بقعه از سنگ وگل وچهارگوشه است. بر بالای هر کنج گوشواری دارد و پایهٔ طاق را بدین‌طرز جمع کرده وگنبدی که کمر بندآن هشت‌گوشه است‌بر این بنا زده‌اند. ابعادبنا از داخل ۲۷۵ × ۲۸۵ سانتیمتر است. هرضلع‌دارای طاقنمایی باطاق هلالی است و داخل‌طاقنماهای غربی و شرقی، دو محراب‌مانند، بنا شده‌است. در ورودی در طاقنمای‌جنوبی و داخل طاقنمای شمالی طاقچه‌ای است. صندوقی چوبین باقاب وآلت وکنده‌کاری ساده به‌درازای ۲۰۳ وپهنای ۸۰ وبلندی ۹۵سانتیمتر در وسط بناست. کفش‌کنی طرف قبلی‌بناست‌که بعداً بدان افزوده‌اند و سراسر بام کفش‌کن وگنبدامامزاده را با حلب پوشانیده‌اند.

گورستانی قدیمی در محوطهٔ اطراف امامزاده است‌که سنگهای‌تراش‌دارقدیمی درآن زیاد است. سنگ قبری تاریخ‌دار در این‌گورستان دیده نشد. تنها سنگ قبر مورخ، سنگ قبرکوچکی است درحرم بدین‌شرح :

«انت‌الباقی وفات‌المرحوم‌المغفور ملاعلی‌خلف ملااسمعیل طالقانی فی سنه ۱۲۷۶ ».

تعداد دوازده اصله درخت تادانهٔ قدیمی در محوطهٔ‌گورستان به‌نظر رسیدکه محیط دایرهٔ تنهٔ‌کهنترین‌آنها بدین‌ترتیب است :

۴۴۵ و ۴۴۴ و ۳۶۰ سانتیمتر .

۱ـ بفتح‌گاف و تاء ، گویتر: ده ازدهستان بیرون‌بشم بخش‌کلاردشت شهرستان‌نوشهر، سیزده کیلومتری جنوب شرقی حسن کیف و یك‌کیلومتری شوسهٔ مرزان‌آباد به کلاردشت (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳).

۲ـ میرزاحسن‌خان اعتمادالسلطنه از این بقعه‌یاد کرده است، نگاه‌کنید به‌مجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملی‌ملك سال ۱۲۹۹ .

امامزاده یحیی
در دهکدهٔ چلاجور از بلوك بیرون‌بشم کلارستاق

میرزا حسن‌خان اعتمادالسلطنه از این امامزاده یادکرده‌است[۱] اما کندوکاو گنج‌گیران چیزی ازآن به‌جای نگذاشته بود .

امامزاده علی موسی‌الرضا
در دهکدهٔ سما[۲] از بلوك بیرون‌بشم کلارستاق

میرزاحسن خان اعتمادالسلطنه از این امامزاده یادکرده است.[۳] بنایی است از سنگ وگل با بام حلب پوش واثری تاریخی ندارد .

قلعهٔ سنگ‌سرك[۴]
بالای کوه سنگ‌سرك در بیرون‌بشم کلارستاق

میرزاحسن‌خان اعتمادالسلطنه می‌نویسد:«این قلعه راه طالقان‌را به‌کلاردشت حراست می‌کرد. »[۵] آثار قابل بررسی‌ازاین قلعه برجای نبود .

بقعهٔ شاه علمدار
بربالای قله‌ای میان بلوك بیرون‌بشم و کلاردشت

برای رسیدن به‌این قله از دهکده‌های برار و مرزان‌آباد راه‌هست . بقعه‌ای

۱ـ مجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملی‌ملك سال ۱۲۹۹.
۲ـ سما بفتح‌سین، ده از دهستان بیرون‌بشم کلاردشت شهرستان نوشهر، سیزده کیلومتری شمال‌شرقی حسن کیف و هفت کیلومتری شوسهٔ مرزان‌آباد به‌کلاردشت (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳). در جنوب این دهکده دریاچه‌ای طبیعی به‌نام «کبوددریا» است که ظاهراً براثر زلزله و شکست کوه به‌وجودآمده است .
۳ـ مجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملی‌ملك سال ۱۲۹۹ .
۴ـ بفتح سین و سکون نون وکسر گاف و فتح سین دوم و راء مهمله و سکون کاف .
۵ـ مجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملی ملك سال ۱۲۹۹ .

است ازسنگ وگچ . بام آن سابقاً حلب‌سر بود اخیراً بامی باسیمان ساخته‌اند.

این قله که یك سامان آن به کله‌کت[۱] و یك‌سامان آن به سرسیرا[۲] ویك‌سامان به کتور[۳] وسامان دیگر آن به اسبان‌سرا[۴] محدود می‌شود ، از بلندترین قله‌های این نواحی است و بقعهٔ شاه علمدار را باید از بقاعی دانست که برسرکوههای سرکشیده و بلند، به یاد عظمت و سربلندی آن ساخته‌اند و نظیر این بقعه‌را در صفحات کوهستانی گیلان درمجلدات اول و دوم فراوان یاد کرده‌ایم .

۱- بفتح کاف و کسرلام وفتح کاف دوم وسکون تاء . ۲- بفتح سین اول .
۳- بکسر کاف. ۴- بکسر الف و سکون سین و کسر نون و فتح سین دوم.

۴- بناها و آثار تاریخی کلاردشت کلارستاق

خاك کلاردشت ، دشت وسیعی است که میان رشته‌های کوه قرار دارد و رودخانهٔ سرداب‌رود که از دریاچه‌های کوچك دامنهٔ شمالی تخت‌سلیمان سرچشمه می‌گیرد، از میان آن می‌گذرد . اگر خاك کلاردشت ، همان کلار قدیم باشد ازقدیم حد فاصل میان دیلمان و رویان و زمانی جزو خاك‌رویان یا رستمدار بوده‌است .

امیر تیمور دربازگشت از حلب ورفتن به‌سمرقند در کلاردشت درنگ کرد.[۱] شاه‌عباس در سیچقان‌ئیل سال ۱۰۲۱ درکلاردشت بود .[۲]

ناصرالدین‌شاه قاجار بارها، پس از استراحت درقصرشهرستانك ، از راهی که در زمان خوداو ساخته شده بود، به‌گردنهٔ‌کندوان وکنار رودخانهٔ چالوس وکلاردشت رفته است .

ساکنان کلاردشت را به دو دستهٔ اصلی گیل و خواجه‌وند باید تقسیم‌کرد . از طوایف گیل: میار[۳]، اکچ[۴]، امرج،[۵] سوادکوهی، لمسو[۶] (ازنور آمده‌اند) ، طالقانی انگریچ[۷]،رودگر، متّکا[۸]، و فخی[۹](فقیه) قابل‌ذکرند. میرزا طاهر تنکابنی ازطایفهٔفخی

۱- مازندران مهجوری، ج ۲. ص ۲۰۶. ۲- تاریخ گیلان عبدالفتاح فومنی ، ص ۱۶۴. ۳- بفتح میم. ۴-بفتح‌الف وکسر کاف. ۵- بفتح‌الف وکسرراء. ۶- بفتح لام ومیم. ۷- بفتح الف و سکون نون. ۸-بضم میم و فتح و تشدید تاء. ۹- بفتح فاء .

(فقیه) کردیچال کلاردشت است .

طوایف خواجه‌وندکه ظاهراً در زمان نادرشاه و کریم‌خان‌زند بدین صفحات کوچانده شده‌اند، شامل : یزدانی، دلفان‌آذری[1]، مشعشعی، لك، قراباقزندی و خواجه‌وند می‌باشند .

این ناحیه که از قدیمترین ایام آبادان بوده ، تمدنهای مختلف به خود دیده است . لوئی واندنبرگ درکتاب خود در بارهٔ زیرخاکیهای این ناحیهٔ قدیمی ایران مطالب زیر را نوشته است:

« در ناحیهٔ کلاردشت که درمغرب جادهٔ کرج به چالوس قراردارد ، درضمن انجام کارهای ساختمانی، گورستانی پیداشدکه اشیاء ذیقیمتی از آن بیرون آمد .کشف این اشیاء نشان دادکه صنعت وهنر ناحیهٔ کلاردشت تحت نفوذجریانهای مختلف قرارداشته است . با این حال تمام آن اشیاء متعلق به یك قبرستان بوده است وهمهٔ آنها با هم همدوره می‌باشد و می‌توان آنها را میان سالهای هزار تا هشتصد پیش از میلاد قرار داد . درمیان آنها خنجری از طلا و جامهایی از همان فلز وجود داردکه بسیارقابل توجه است . نقوش جام اخیر شباهت فوق‌العاده به‌هنر «هیتی‌ها» دارد و در سه طرف آن سه شیر به سبك هنر«هیتی‌ها» نقش شده‌که سرهایشان به‌صورت برجسته، ازجدار خارجی ظرف بیرون می‌آید . در همین قبرستان چندجام بدون پایه با پیکر و سر گوزن، از جنس گل‌پخته، پیدا شده‌که به منزلهٔ پیش‌قراول جامهای زرین بدون‌پایهٔ عهد هخامنشی است . ظروف گلی دیگری در این گورستان پیدا شده‌که بیشترآنها به‌شکل‌کوزه‌های‌کوچك‌دسته‌دار وکوزه‌های‌کوچك نوك‌دار، شبیه به‌قوری ازگل پختهٔ قرمزرنگ می‌باشد و به‌ظروف سفالین گورستان تپهٔ سیلك[2] نزدیك‌کاشان شباهت دارد.

۱ــ بکسر دال . ۲ــ بکسر سین و فتح یاء و سکون لام وکاف .

درگورستانی نزدیك شهر دماوند، دو جام بدون پایه‌که قسمتی ازآن به شکل سرگوزن است و از جنس گل‌قرمز می‌باشد، پیدا شده . همراه این دوجام سکه‌هایی بوده‌که تاریخ‌گذاری آنها را آسان‌کرده است و به این طریق توانسته‌اند تاریخ یکی ازآن دو جام را از دوران پادشاهی فرهاد دوم (۱۳۸ پیش از میلاد) و دیگری را از عهد مهرداد دوم (۸۸ـ۱۲۳ پیش از میلاد) تشخیص دهند .

بنابراین جامهای مزبور از دوران اشکانیان است ، ولی با جامهای نظیرشان که درکلاردشت پیدا شده و باجامهای بدون پایهٔ طلای دوران هخامنشی ، شباهت زیاد دارد.

اشیاء دیگری‌که در ناحیهٔ‌کلاردشت و چالوس و ساری پیدا شده، نشان داده است‌که در مازندران تعداد زیادی از ظروف نقرهٔ عهد ساسانی وجود داشته‌است.

بازدرهمین ناحیهٔ‌کلاردشت جعبه‌ای فلزی‌پیدا شده‌که حاوی اشیاء نقره‌و زری ازعهد ساسانی بوده . روی دو جام زرین مکشوف درکلاردشت قباداول (۵۳۱ـ۴۸۸ میلادی) سوار براسب نشان داده شده است . شاه مشغول شکارکورخری است، روی دو جام دیگر ، شیری داخل دایره‌ای دیده می‌شود و روی جام دیگر شیری بالدارمجسم گردیده و باز روی جامهای دیگر یك عقاب در میان یك دایره نقش شده و در شش دایرهٔ دیگر که برآن محیط است ، شش خروس قرار داده شده . جام از نقره است ولی نقوش‌آن با ورقی از طلا پوشیده شده است . دو تنگ نقره درهمین ناحیه کشف گردیده‌که نقش قابل توجهی دارد . در روی جدار خارجی یکی از آنها نقش گل «لوتوس» (نوعی ازگل نیلوفر) به‌صورت مصنوعی در میان دو ترنج دیده می‌شود . در هر ترنج خروسی نقش‌شده . زمینهٔ تنگ دیگرطلایی است و روی‌آن رقاصه‌هایی‌که در زیر چهارطاقنما قرار دارند ، به صورت برجسته نقش‌گردیده‌اند.[1] از طاقنماها ،

۱ــ باستان‌شناسی ایران باستان، ص ۶ .

شاخه‌های درخت مو و خوشه‌های انگور آویزان است. درکناررقاصه‌ها، نوازندگانی در میان انواع حیوانات، مانند روباه وکبك و بلدرچین و ببر دیده می‌شوند . قسمت زیرین تنگ‌که مانند عدس محدب است ، حیوان افسانه‌ای بالداری راکه شباهت به طاووس و شیر و اژدها دارد ، نشان می‌دهد و در دو طرف آن حیوان، دو سرشیرقرار گرفته و در میان دهان شیران سوراخی است . وقتی تنگ زرین پر ازشراب می‌شده، از آن دو سوراخ ، داخل در جامها می‌گردیده است .

روی دو قطعهٔ زری ابریشمی‌که در همین محل پیدا شده، شاه بهرام چهارم (۳۹۹ ــ ۳۸۸ میلادی) در حال شکار شیرها نشان داده شده است . ولیعهد همراه پادشاه و سوار بر اسب است وگاوی وحشی را موردحمله قرار داده است . وقتی توجه شود که تا این تاریخ تقریباً تمام ظروف نقرهٔ مکشوف از عهد ساسانیان در جنوب کشور شوروی پیدا می‌شد، اهمیت این ظروف‌که برای اولین بار در ایران به دست آمده ، نمایان می‌گردد و با پیدایش این جامهای عهد ساسانی ، از این‌پس ماخواهیم توانست بعضی اشیاء دیگر را که جداگانه کشف‌گردیده است ، به‌خوبی تاریخ‌گذاری کنیم .

هنگام جاده سازی در راه میان چالوس به‌کرج تصادفاً به‌آینهٔ نقره‌ای از عهد ساسانی برخوردندکه شیشهٔ آن از بین رفته بود. تزیینات پشت این آینهٔ سیمین مرکب از شاخ وبرگ وگلهای مختلف بودکه در اطراف دایره‌ای قرار داشت. درمیان دایره یك مرغ آبی نقش شده بود و تمام این نقوش به‌صورت برجسته بود و درصفحهٔ داخلی‌آینه چیزی به خط پهلوی نوشته شده بود که هنوز خوانده نشده است.»[۱]

۱ــ باستان‌شناسی ایران‌باستان، ص ۷ .

قلعهٔ کلار (کلار تپه)[1]
بر بالای تپه‌ای دستی در میان کلاردشت کلارستاق

در کتب تاریخی و جغرافیایی ذکر «کلار» فراوان است وظاهراً همین قلعهٔ مورد بحث ماست که آن را سرحد دیلمان و رویان دانسته‌اند. سیدظهیرالدین نیز از این محل نام برده است.[2]

میرزا حسن‌خان اعتمادالسلطنه می‌نویسد:

«رسوم و آثار عمارت و بنای آن تا پنجاه سال قبل از این باقی بوده است. چنانکه در بعضی بیوتات لاهو، از مصالحی که در این‌قلعه به‌کار رفته، از قبیل آجر و در و پنجره هنوز موجود است. وضع و شکل تپه‌ای که این قلعه بر آن بنا شده، بیضی است. طولش از مشرق به مغرب است. بالای تپه شکسته پایه‌های آجری و آهکی و خرابه‌های زیاد دیده می‌شود. دور تپه علی‌التحقیق نهصد و شصت ذرع و ارتفاع آن به‌خط عمودی ازشش‌الی هفت ذرع است. سمت شمال تپه با یك قسمت از مشرق که شمال جلگهٔ کلاردشت است، یکسره چمن است واز زیردامنهٔ شمالی‌این‌تپه، چشمه‌های آب صاف خوشگوار به وسط چمن‌جاری است ودر انتهای جلگه طرف شمال داخل رود سردابه‌رود می‌شود.»[3]

وصفی‌که اعتمادالسلطنه از این تپه‌کرده بسیار صحیح و دقیق است اما از شکسته پایه‌های آجری وآهکی و خرابه‌های زیاد که او یاد می‌کند اثری باقی‌نیست.

۱ـ شمارهٔ ثبت تاریخی کلارتپه ۴۸۹ است. ۲ـ تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ص ۲۸۶. ۳ـ مجموعهٔ شمارهٔ ۴۲۳۰ کتابخانهٔ ملی‌ملك سال ۱۲۹۹.

ظاهراً به‌مرور ایام، مصالح این قلعه‌را برای‌ساختن بناهای عمومی یا خصوصی برده‌اند و فعلاً تبدیل به زمین زراعی شده است.

از قصه‌های محلی چنین معلوم می‌شود که مردی بدنام « نعیم‌شاه » در اواخر دوران صفویان واوایل زمان نادرشاه بربالای این تپه کاخی داشته و درآن ساکن بوده است . این مرد خود را به نام شاه‌کلارستاق معرفی‌کرده وسکه به نام خود زده است. در لشکرکشی نادرشاه به قفقاز که گذارش به صفحات‌کلاردشت افتاده، این مرد را دستگیر وکورکرده است . اعقاب و بازماندگان این مرد به نام طایفهٔ «میار» تازمان علی‌اصغرخان سردار ــ پدر محمدولی‌خان سپهسالار تنکابنی ــ کرّوفرّی داشته‌اند . در این وقت به‌دست سردار سرکوبی می‌شوند وبه جرگهٔ نوکران خاندان خلعت‌بری درمی‌آیند .

بقعهٔ درویش رستم
در دهکدهٔ تورسو[1] از بلوك کلاردشت‌کلارستاق

میرزا حسن‌خان اعتمادالسلطنه از این بقعه به نام امامزاده سیدرستم یادکرده است.[2] دهکدهٔ تورسو متصل به اراضی لاهو، سرراه حسن‌کیف است. بنای بقعه از سنگ وگل است . بام آن لت‌پوش است و صندوقی سادهٔ چوبین در میان‌بنا، گور درویش‌رستم را پوشانده است . آثار تاریخی در این بقعه نیافتم .

۱ــ بفتح تاء و واو و سکون راء و ضم سین با واو ساکن .

۲ــ مجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملی‌ملك سال ۱۲۹۹ .

امامزاده زکریا بن رضی بن جعفر بن علـی بن حسین بـن علی امیرالمؤمنین علیهما السلام در دهکدهٔ شکرکوه[۱] (شغرکوه) از دهکده‌های کلاردشت کلارستاق

بنایی است هشت‌ضلعی که مصالح اصلی آن آجـر و گچ بوده است. بـا تعمیر و مرمت انجمن آثـارملی در سال ۱۳۴۴ شمسی (۱۳۸۵ قمری) روی آن سیمان‌سفید کشیده شده است . در ورودی بنا در ضلع شرقی است و سابقاً در کفش‌کن کوچکی باز می‌شده ، اما امروز داخل مسجدی نوساز قرارگرفته است . در سطح هریك ازاضلاع هشت‌ضلعی، دو طاقنما داخل یکدیگر است . طاقنمای اول به‌پهنای ۹۰ وعمـق ۲۲ سانتیمتر و مستطیل شکل است و داخل آن طاقنمای دیگری به‌پهنای ۶۵ و عمق ۱۲ سانتیمتر با طاقی جناقی است .

در بالای طاقنماهای مستطیل شکل با قراردادن آجرهای نر(عمـود)شش‌عدد مقرنس درآورده‌اند .

پهنای اضـلاع مقابـل از داخل باهم برابر است . پهنـای این اضلاع از در ورودی که ضلع شرقی است بدین ترتیب است : ۱۸۵ و ۱۵۲ و ۱۷۵ و ۱۷۵ سانتیمتر است . در ضلع مقابل در ورودی خفنگی نـورگیر مشبك چوبین باطـاق جناقی تعبیه شده و بالای در ورودی نیز نورگیری دارد.

بام بنا دوپوش، از داخل هشت‌ضلعـی نزدیك به دایره است که گنبد مـدوری برآن زده‌اند .

۱ـ شکرکوه :ده ازدهستان بخش مرکزی کلاردشت شهرستان نوشهر، هفت کیلومتری شمال‌شرقی حسن کیف و سه کیلومتری غرب شوسهٔ حسن کیف به‌مرزان آباد(فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳) .

مرقد امروز سیمان‌کاری شده ، درازای آن ۱۸۵ و پهنای آن ۱۰۹ و بلندی آن ۱۱۵ سانتیمتر است .

در ورودی چوبین دولنگه و با قاب‌وآلت ساخته شده است. نگار اصلی هر لنگه یك علامت ضرب‌در و یك ستارهٔ چهارپر است .

چهارچوب قدیمی در ورودی از بالا دارای هشت آویز چوبین کنده‌کاری است و دو سرستون‌نمای چوبین بر دو طرف هر قسمت بالای چهارچوب نصب شده است . پهنای چهارچوب ۱۲۲ و بلندی آن ۱۷۸ سانتیمتر است. برقطر چوب عمودی دست‌چپ چهارچوب عبارات: «عمل استادان اجل حسن‌بن مرحوم علی و...» خوانده می‌شود و برقطر چوب عمودی سمت راست عبارت «حسن‌بن مرحوم‌علی ... و استاد محمدبن اسمعیل ...»دیده می‌شود . نام استادان و نسبت ایشان در دو طرف کمی شباهت دارد.

در ورودی به‌کفش‌کن امامزاده قبلی است واز دو لنگهٔ ساده تشکیل شده‌است.

برلنگهٔ سمت راست‌این عبارات خوانده می‌شود:

«واقف علیا جناب زهرا خانم بنت مرحوم علی تنکابنی‌الاصل» .

و برلنگهٔ سمت چپ عبارات زیر حك شده است:

«واقف علیا جناب زهرا زوجهٔ آقا شیخ‌علی‌مدد ۱۳۱۰» .

نمای خارجی بقا هشت ضلعی است که پهنای هر ضلع بالغ بر ۲۷۰ سانتیمتر است.درهرضلع زیرلبهٔ گنبد دو ردیف مقرنس برروی یکدیگر است. تعدادمقرنسهای هر ضلع در ردیف پایین پنج عدد و در ردیف بالا چهار عدد است. پوشش خارجی گنبد هشت‌ضلعی است (عکس شمارهٔ ۲۹).

نهر قدیمی ملك‌جوب
در کلاردشت

میرزا حسن‌خان اعتمادالسلطنه می‌نویسد :

« این‌نهر از دامنهٔ عثمان‌کلا به‌طرف مشرق کنده شده وآب آن‌را ازگردنهٔ بشم بدآن طرف برده‌اند.»[۱]

این نهر راکـه آب رودخانهٔ سرداب‌رود را به بیرون‌بشم می‌برده ، سربندآن دهکدهٔ رودبارك است و سپس از دهکده‌های زیرمی‌گذشته است :

لرك[۲]، مجر[۳]، اجابیت[۴]، گرك‌پس[۵]، لاهو، تبرسو[۶]، پی‌قلا واسفندکـلا. پس از گذشتن از این دهکده‌ها ، وارد ناحیهٔ بیرون‌بشم کلارستاق می‌گردد . مقـداری از مجرای این نهر را به تازگی پاك‌کرده‌اند و آب سرداب‌رود، درآن جاری بود.

امامزاده پنج‌تن
در اراضی میان دهکده‌های کردمحله[۷] و تلوچال از دهکده‌های کلاردشت

بنایی است مستطیل شکل.در ورودی‌بنا شرقی است وجلوآن ایوانی‌با نه‌ستون چوبین ساده‌ساخته‌اند. بام سراسر بنا، حلب‌سر است. داخل بنا پنج قبرساده است.

۱ــ مجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملی ملك سال ۱۲۹۹ . ۲ــ بفتح لام و سکون راء وکاف . ۳ــ بکسر میم و جیم. ۴ــ بضم‌الف. ۵ــ بفتح گاف و راء و کسر کـاف و فتح پ. ۶ ــ بفتح تـاء و باء . ۷ــ کردمحله: ده ازدهستان مرکزی بخش کلاردشت شهرستان نوشهر ، دوکیلومتـری شمال‌غربی حسن‌کیف (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳).

گور سید امیر کیا ملاطی
در کلاردشت

سیدظهیرالدین دربارهٔ این مرد می‌نویسد که امیر کیا از سادات ملاطی است که در سال ۷۷۳ قیام کرد و در کلاره‌دشت فوت شد.[۱]

قلعهٔ هرسی[۲]
بر تپهٔ گومغزدوش نزدیك دهکدهٔ کلمه[۳] از
دهکده‌های کلاردشت

میرظهیرالدین می‌نویسد که سید فخرالدین به‌دستور برادرش سیدرضی‌الدین به رستمدار روی‌آورد و در دشت رستمدار باملك‌قباد جنگ‌کرد، شکست برملك‌قباد افتاد و به‌کجور فرارکرد. او روی به‌کجور آورد و قلعهٔ کجور را نیز تسخیر کرد. پس از آن به کلارستاق رفت. قلعهٔ کلار در این زمان خراب بود و قلعهٔ هرسی آبادان. چون خبر شکست ملوك رستمدار بدساکنان قعلهٔ هرسی رسیده‌بود، قلعه را بسپردند و به دعا و ثنا گفتن مشغول شدند. ایشان را استمالت داد و به انعامات اوفر مفتخر و سربلند گردانید وچندنفری‌که از ایشان بوی نفاق می‌آمد، به‌ساری فرستاد و درآنجا مرسوم ومواجب تعیین‌کرد.[٤]

صاحب‌عالم‌آرا نام‌این قلعه را «هرسین» ذکرکرده و آن را در حوالیْ رستمدار

۱ــ تاریخ طبرستان ورویان ومازندران، ص۲۷۱.   ۲ــ بفتح هاء وسکون راء.

۳ــ بضم‌کاف ولام، کلمه: ده ازدهستان حومهٔ‌بخش کلاردشت شهرستان نوشهر، هشت‌کیلومتری شمال‌شرقی حسن‌کیف وسه‌کیلومتری غرب راه‌حسن‌کیف به‌مرزان‌آباد (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳).   ۴ــ تاریخ طبرستان و رویان ومازندران، ص ۲۸۴ و۲۸۵ و ۲۸۶ و تاریخ مازندران مهجوری، ج ۲، ص ۲۱

یا تنکابن دانسته است.[۱] خرابه‌های این قلعه نزدیك دهکدهٔ کلمه از دهکده‌های کلاردشت است.

قلعه‌گردن
برقلهٔ کوهی مغرب دهکدهٔ کلمه از دهکده‌های کلاردشت

بر این قله که آثار قلعه‌ای قدیمی است، تنور و چند گور قدیمی یافت شده است.

قلعهٔ چناتر[۲] یا قلعهٔ بلو[۳]
بر بالای کوه چناتر یا بلو درشمال کلاردشت

میرزا حسن‌خان اعتمادالسلطنه می‌نویسد:

«این قلعه دهنهٔ طرف دریا راحفظ می‌کند.»[۴]

آثار قلعه‌ای قدیمی بر بالای تپه‌ای سرخ‌رنگ برجای است که درمحل،امروز «گنبددوش»[۵] گویند.

امامزاده سه‌تن
در دهکدهٔ والت[۶] از بلوك کلاردشت

میرزا حسن‌خان اعتمادالسلطنه از این امامزاده نام برده‌است.[۷] بنایی است مستطیل‌که دروسط صندوقی چوبین ساده وجلودر ورودی بنا،کفش‌کن کوچکی است.

۱ـ عالم‌آرا، ج ۱، ص ۵۳۶ . ۲ـ بفتح چ وکسر تاء . ۳ـ بفتح باء .
۴ـ مجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملی ملك سال ۱۲۹۹ . ۵ ـ بکسر دال اول .
۶ـ بکسرلام، والت : ده ازدهستان‌مرکزی‌بخش کلاردشت شهرستان نوشهر، ۴/۵ کیلومتری شرق حسن‌کیف و دوکیلومتری غرب شوسهٔ حسن‌کیف به مرزان‌آباد (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) . ۷ـ مجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملی ملك سال ۱۲۹۹ .

اطـراف بقعه گورستان عمومی قـدیمی است و دو درخت چنـار کهنسال در محوطهٔ بقعه است .

آثار قلعه‌ای قدیمی
نزدیك دهکدهٔ پی‌قلای (پی‌قلعهٔ) کلاردشت

اعتمادالسلطنه می‌نویسد :

« این قلعه طرف جنوب‌شرقی کلاردشت است وطرف گردنهٔ بشم را حراست می‌کرده است .»[۱]

آثار کمی از این قلعه به‌جای مانده است .

اطاق سره[۲]
پشت دهکدهٔ پی‌قلا (پی‌قلعهٔ) کلاردشت

گورستانی قدیمی در محلی به نام «اطاق‌سره» پشت دهکدهٔ پی‌قلای کلاردشت است .

قلعهٔ شاه‌نشین
در بالای کوه شاه‌نشین در شمال غربی کلاردشت

میرزا حسن‌خان اعتمادالسلطنه نوشته است :

« این قلعه طرف تنکابن‌و وله‌دره‌را حراست می‌کرده است .»[۳]

این قلعه‌که امروز به‌نام « شاه‌نشینك » معروف است، نزدیك دهکده پیشنبور[۴]، در محلی به‌نام «مترز»[۵] داخل جنگل است و آثار آن تقریباً از میان رفته است .

۱ـ مجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملی ملـك سال ۱۲۹۹. ۲ـ بفتح سین و راء . ۳ـ مجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ‌ملی‌ملك سال ۱۲۹۹. ۴ـ بفتح‌شین و سکون نون ، پیشنبور: ده از دهستان کلاردشت بخش‌مرکزی شهرستان‌نوشهر، هفت کیلومتری شمال‌حسن‌کیف (فرهنگ‌جغرافیایی ایران، ج۳). ۵ـ بفتح‌میم وتاء وسکون‌راء وزاء.

ازراه اصلی‌که ازکنار دره می‌گذرد، راهی فرعی برای‌رسیدن به‌قلعه‌کشیده بوده‌اند . آثار این راه تا زیراسکول[1] (غار) تا امروز برقراراست .

قلاکوتی
بربالای تپه‌ای در دهکدهٔ پیشنبور کلاردشت

آثار این قلعه از میان رفته است ولی از زیرخاك این تپه کنگهای (تنبوشه‌های) نسبةً گشاد بیرون می‌آید .

امامزاده هادی‌بن امام زین‌العابدین علیه‌السلام مشهور به‌حقانی دردهکدهٔ حسن‌کیف بلوك کلاردشت

اعتمادالسلطنه میرزاحسن‌خان، از این امامزاده‌یادکرده و می‌نویسد:

« رودخانهٔ کلاردشت از وسط صحن امامزاده می‌گذرد .»[2]

بنای اصلی بقعه از داخل مستطیل شکل به‌درازی ۶۴۰ و پهنای ۵۹۵سانتیمتر است . در امتداد درازای بنا در وسط، دو ستون چوبین قطور بسیار قدیمی و پرکار است‌که بالای آنها سرکشی (حمالی) چوبین چهارسوی‌کلفت کشیده‌اند .

ستون غربی شانزده ترك به بلندی ۲۳۵ سانتیمترکه دارای سرستون بزرگ کنده‌کاری پرکار ظریفی است وآیةالکرسی با خطی متوسط بر آن حك شده است (عکس شمارهٔ ۳۰).

آیاتی‌که بربالای سرستون است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم الله لااله الا هوالحی القیوم لاتاخذه سنة ولانوم

۱ـ بضم الف و سکون سین.

۲ ـ مجموعهٔ شمارهٔ ۴۲۳۰ کتابخانهٔ ملی ملك سال ۱۲۹۹ .

له‌مافی السموات و مافی الارض من‌ذاالذی یشفع‌عنده» .

برپهلوی ستون دنبالهٔ آیات تا «هوالعلی العظیم» حك شده است .

بر پای همین ستون دو ردیف نوشته به این شرح است:

« امر بعمارة هذه‌المشهدالمقدس‌المطهر السید الامام العابد الفاضل المدقق حسن این‌مارالحسینی(؟)فی‌ایام دولة ملك‌المعظم الشهریارالاعظم‌الاسکندر المفخم‌مالك‌الرقاب‌الامم‌جلال‌الدولة والدنیاوالدین‌اسکندرخلدالله‌ملکهما و عمرهما» (عکس شمارهٔ ۳۱) .

ستون شرقی شامل دو قسمت است : پای ستون و بدنهٔ ستون . پای ستون از دو قسمت تشکیل شده است : قسمت بالای آن چوبی است شانزده تـرك و قسمت پایین چوبی‌است‌به بلندی۹۲سانتیمتر .هرترك‌قسمت‌بالای‌پاستون۱۱سانتیمتراست.میانهٔ‌ستون نیزشامل دو قسمت است : قسمت پایین‌آن چهارضلعی وکنده‌کاری است و بلندی آن‌به ۷۲ سانتیمتر می‌رسد . قسمت بالای میانهٔ ستون هشت‌ضلعی است.

صندوقی پرکار و ظریف در میان بناست. درازای‌آن ۲۳۸ و پهنای‌آن ۱۱۱ و بلندی‌آن ۱۰۰ سانتیمتر است .

ظاهراً بدنه‌های صندوق بهـم‌خورده است . ایـن عبارات با خطی متوسط بر حاشیه‌های بالای بدنه‌ها حك شده است :

«الشهید هادی‌کیا الحقینی فی ایام‌الدولة الملك‌المعظم الاسکندر الاعظـم اکبرملوك‌الجیل والدیلم جلال‌الدوله‌اسکندر ملك‌مظفرالاوائل والاواخر و الاجل السیدالاکرم والامام الاعظم السندالافخم ... السادةالاشراف منبع ـ المکارم والالطاف‌افضل‌المتقدمین واکمل‌المتأخرین‌من‌حصةالله تعالی باکمل المفاخر و جعله‌شرف ـ خلّدالله روٌس ـ ابدالله سلطانه» .

این القاب ظاهراً مربوط به سه تن است :

بانی و سلطان وقت و صاحب‌قبر . بانی چنانکه از سطور پایین صندوق‌معلوم می‌شود ، سیدحیدرکیا است، وسلطان وقت جلال‌الدوله اسکندر و صاحب‌قبر ، هادی کیاالحقینی‌است .

عباراتی‌که در حاشیهٔ پایین صندوق حك‌است به‌این شرح است :

« امر بایجاد هذاالصندوق السیدالاجل الاعظم والسند المعظم المفخم قدوةالافاضل الامم‌العالم العامل الفاضل‌الکامل جلال‌الملة والدین سیدحیدر کیابن‌السیدالمرحوم زین‌الحاج ... فی‌شهرالله‌المبارك رمضان حاجی احمد کیابن رضا الحسینی‌العقیقی طلباً لجزیل ثوابه فجزاه الله خیراً خیراً ... انه‌لایضیع اجرالمحسنین الاستادالاجل افخر ... ملجاالتلامذه فرهادابن استاد المرحوم رستم خلیل‌المحلی فی‌سنه اثنی وثمانین وسبعمایه».

بر چهارچوب در ورودی مطالبی حك بوده که به علت طول زمان ومالیدن‌گل روی‌آن، فرسوده شده و از میان رفته است. درقسمت اول آن این عبارت خوانده‌شد :

« امر بایجاد هذه‌العماره ملك‌الساده منبع‌السعاده جلال‌الملة والدین قوام‌ـ الاسلام . . . »

و در قسمت آخر سنهٔ زیر به روشنی خوانده می‌شود :

«سنه احد و سبعین وسبعمایه».

بلندی این چهارچوب ۲۱۰ و پهنای آن ۱۵۹ سانتیمتر است وپهنای هر لنگه در ۷۲ و بلندی آن ۱۸۴ سانتیمتر است . دو لنگه در ، قاب و آلت‌است وکنده‌کاری نیز شده و بسیار شباهت به در ورودی امامزادهٔ شکرکوه در همین ناحیه دارد .

چهارطرف بنا ایوان است . هر ایوان ده ستون چهارگوش پخ‌زده دارد. چهار ستون چهارکنج لاج‌لنگری مارپیچ چپ‌به راست و سرستونهای تمام ستونها ظریف است . پلورهای ایوان برشیرسرها متکی است. سقف‌پل‌کوبی با درزپوش زده، لبهٔ بام

یك‌پشته است و دور ایوان لتازهٔ ساده دارد. بام بنا، لت‌پوش است(عکس شمارهٔ ۳۲).
گورستانی در محوطهٔ اطراف بقعه است. سنگهای زیر در این گورستان به‌نظر رسید:

«وفات مرحومه مغفوره ملك‌سلطان خانم‌بنت شاهزاده حشمت‌الدوله بتاریخ شهرجمادی‌الاخر سنه ۱۲۵۲. نشانه‌ها: رحل، قرآن، سجاده و مهر.»

بردو حاشیهٔ آن یك رباعی حك است.

«وفات مرحوم مغفورجنت ورضوان آرامگاه‌مهدیقلی‌خان ولد مرحوم‌مغفور صفرعلی‌خان خواجه‌وند بتاریخ دوازدهم شهررمضان‌المبارك سنه ۱۲۷۴.»

بر دوحاشیهٔ چپ و راست سنگ یك رباعی است.

«وفات مرحوم‌آقاسیدجعفرابن‌آقا سیدقهرمان۱۲۸۴. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، شانه، دو انگشتر، رحل و قرآن.»

بر حاشیهٔ این سنگ بیت معروف:

«ایکه برما بگذری دامن‌کشان   از سراخلاص الحمدی‌بخوان»

حك شده است.

گنجینهٔ کلاردشت

درمحل‌قصرسلطنتی کلاردشت که دراراضی«اجابیت»[1] است درسال ۱۳۱۸ه.ش. هنگام ساختمان کاخ کلاردشت، تعدادی ظروف زرین و مقداری آلات مفرغی و چند پاره ظروف سفالین پیدا شد(عکسهای ۳۳ و۳۴ و۳۵ و۳۶). ظروف زرین رااز نظر اهمیت و توجه خاصی‌که درآن تاریخ اعلیحضرت فقید رضاشاه پهلوی نسبت به

۱ـ بضم‌الف، اجابیت: ده ازدهستان کلاردشت شهرستان نوشهر، دوکیلومتری‌جنوب حسن‌کیف ویك‌کیلومتری راه‌حسن‌کیف به رودبارك (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳).

پشتوانهٔ اسکناس داشتند، به خزانهٔ بانک‌ملی تسلیم شد. درسال۱۳۲۲ ه.ش. شاهنشاه آریامهرمقررفرمودندکه این ظروف زرین در اختیارموزه گذاشته شود.سه‌پاره ظرف زرین و یک‌کارد طلاکه در خزانهٔ بانک‌ملی بود به موزهٔ ایران‌باستان داده شد. آنچه که درمحل‌کاخ به‌دست آمده، امروز در موزهٔ ایران‌باستان است و بدنام «گنجینهٔ کلاردشت خوانده می‌شود. آقای حبیب‌الله‌صمدی برای اولین‌بار این اشیاء مکشوفه را در دو رساله به‌زبان فارسی و فرانسه[1] معرفی کردند و درگزارشهای باستان‌شناسی نیز شرحی در بارهٔ آنها نوشته‌اند.[2]

۱ــ برای اطلاع بیشتر نگاه‌کنید به رسالهٔ :

Les découvertes fortuites KLARDASHT , GARMABAK , OMAM et TOMADJAN. PAR Dr . H . SAMADI

۲ــ به‌گزارشهای باستان‌شناسی، ج ۳، فصل‌چهارم، صفحات ۱۳۶ــ ۱۱۵ . درکتاب تاریخ مازندران مهجوری ، ج۲، ص ۲۰۶-۲۰۱ نیز ازاین مجموعه یادشده است . همچنین در فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، ص ۱۴۰ ازاین‌آثار یاد شده است.

۵ـ بناها و آثار تاریخی کوهستان شرقی و غربی کلارستاق

خانه و سرا و بازار نصیرالدوله شهریار
در کوکوی کلارستاق

نصیرالدوله شهریار درکوکوکلارستاق خانه و سرای ساخته بود و شهر و بازار همه‌روزه بنیادکرده.[۱] امروز از این بناها اثری برجای نیست.

گور عمربن‌العلاء
در سعیدآباد رویان از کوهستان کلارستاق

سعیدآباد رویان را سعیدبن دعلج بناکرد که به‌جای عمربن‌العلاء والی‌طبرستان بود.[۲] و این در زمان خلافت مهدی بود. امـا سه سال در طبرستان بود و بنا را تمام نکرد.[۳]

زیارت سعیدآباد رویان، قبرعمربن‌العلاء است که پس‌از قیام ونداد هرمزد و

۱ـ تاریخ‌رویان مولانا اولیاءالله، ص ۱۷۱. ۲ـ تـاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ص ۱۹۶. ۳ـ تاریخ‌رویان، ص ۶۰. ظاهراً این همان دهکدهٔ سعدآباد است که ده کوچکی‌ازدهستان بیرون‌بشم بخش کلاردشت شهرستان نوشهر، بیست‌ویك کیلومتری جنوب‌غربـی حسن‌کیف و کنار شوسه و رودخـانهٔ چـالـوس متصل بـه مرزان‌آبـاد است (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳).

بیرون‌کردن اعراب، عمر بدو پیوست و در طبرستان بماند تا وفات یافت ودر تاریخ خواجه‌علی‌رویانی مسطور است‌که زیارت سعیدآباد، ازآن اوست و درآنجـ آسوده است و پشته‌ای‌که در بالای‌گنبد است ، موضع قبر اوست . اما بر صندوق آن قبر نوشته‌اندکه «هذا القبر لعبدالله‌بن‌عمر بن‌العلاء بن‌عبدالمطلب» .[1]

عبدالله‌بن حازم (پس ازکشتن قاضی‌صدام) به سعیدآباد شد. درآنجا حصاری بود و مردم درآنجا جمع شده بودند. ایشان را به قهر بیرون‌آورد و یکی را زنده نگذاشت و دیه را چنان خراب‌کردکه تا سالها آبادان نشد.[2]

قلعهٔ فشکور[3] و قلعهٔ فارس[4]

نزدیك دهکدهٔ فشکور و در دو طرف‌آب رودخانهٔ این دهکده، آثار دوقلعهٔ قدیمی دیده می‌شودکه ظاهراً روزی محل سکنای اهالی این دهکده بوده است. دور این دو قلعه آثارساختمان زیاد است.درقلعهٔ فارس‌آثار پله و بر بالای‌آن‌آثارساختمان دیده می‌شود .

بقعهٔ فخرالوصی
در دهکدهٔ فشکور کوهستان کلارستاق

بنایی مربع شکل است‌که از سنگ وگل ساخته شده است. این نوع بناها در محل به نام «باری» خوانده می‌شود . صندوقی سادهٔ چوبین در میان‌بناست . سراسر بنا، حلب‌سراست. گورستانی‌قدیمی و وسیع اطراف این بقعه‌است.

۱ـ تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ص ۱۹۶. التدوین فی‌احوال‌جبال‌شروین، ص، ۴۵. ۲ـ تاریخ‌رویان مولانا اولیاءالله، ص۶۹. ۳ـ بکسرفاء، ده‌از دهستان کوهستان بخش‌کلاردشت شهرستان نوشهر ، بیست کیلومتری جنوب‌غربی مرزن‌آباد و هشت‌کیلومتری غرب شوسهٔ تهران و چالوس (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) .
۴ـ بکسر راء .

پی‌قلا
در جنوب غربی دهکدهٔ فشکور کوهستان کلارستاق

بالای سردهکدهٔ فشکور، برسرراهی‌که به دهکدهٔ پیجده‌نو می‌رود بر قلـه‌ای منفردکه دنبالهٔ‌آن به راه می‌رسد، آثار قلعه خرابه‌ای قدیمی است.

بقعهٔ فضل و فاضل
بر بالای کوه زردك در جنوب دهکدهٔ فشکور

بنایـی است چهارگـوشه از سنگ باگنبدی مدور کـه داخل و خارج آن‌را سفیدکاری کرده‌اند . دری چوبین ساده دارد و صندوقی چوبین در میان بناست . این بقعه یادآور معابد قدیمی است و معمولاً برای تعظیم وبزرگداشت کوههای بلند این نوع بناها را بالای آنهـا می‌سازند . نظیر این بناهـا را در مجلـد اول و دوم کتاب آورده‌ایم .

قلاکوتی
بر بالای کوهی نزدیك دهکدهٔ دلیر کوهستان کلارستاق

آثار زیادی از این قلعه برجای نیست . درکندوکاوها ، تبرزین، پیکان و سایر لوازم جنگی به‌دست می‌آید.

سنگ قبری
در لزیر[1] ازکشتزارهای دهکدهٔ دلیر[2] کوهستان کلارستاق

این سنگ را داخل سنگ‌چین مزرعه ، سرپا کارکرده بودند . یك طرف آن

۱ــ بکسرلام. ۲ــ کیا و سام دو خاندان قدیمی دلیرهستند .

متصل به سنگ‌چین بود و دیده نمی‌شد (عکس‌شمارهٔ ۳۷). برطرف دیگر، این‌بیت به‌شکل ناقص خوانده شد :

«کشیده‌ایم [به] ناکام[سر] بجیب عدم
عزیزمن چو رسید[ی] بفاتحه [دریاب] »

بالای این سنگ سه شاخه بود و ظاهراًعمودی بربالای قبر قرار مــی‌داده‌اند چه بر پهلوهای آن نیز مطالبی حك شده بود.

سنگ قبری طبیعی تخت و یکپارچه
در مقابل منزل نادعلی در دهکدهٔ دلیر

این سنگ به‌درازای ۱۳۰ وپهنای ۸۰ سانتیمتر است . با زحمت زیاد آن را برگرداندیم . معلوم شد در طول زمان مطالب آن فرسوده و ساییده شده است و قابل خواندن نیست.آنچه برآن خوانده شد عبارت «کل من علیها فان» بود .

سنگ قبری
برسرراه دلیر به‌الیت[1] از دهکده‌های کوهستان کلارستاق

این سنگ‌که قسمت بالای آن سه شاخه بود، بر یك طرف آن‌این مطالب‌حك شده بود :

«هذا مرقد آخوند... بن شیخ‌مراد ملاآقاسنه ۱۰۷۰» .

گورستانی قدیمی
در دهکدهٔ الیت کوهستان کلارستاق

در این‌گورستان سنگهای قدیمی زیاد بوده است. بیشترآنهـا را در ساختمان

۱ـ بکسر الف و یاء مجهول .

خانه‌ها و سایر بناهای عمومی به‌کار برده بودند. بریکی ازآنهاکه به دستورامیراسعد، ازپهنا به دونیم شده بود (عکس شمارهٔ ۳۸)، این عبارات حك شده بود :

بر یك طرف سنگ که در قبرستان عمومی بود :

«کشیده‌ایم بناکام سر بجیب عدم

عزیز من چو رسیدی بفاتحه دریاب »

قسمت وسط بالای سنگ :

« میراحمدبن[شکسته است]» .

سمت راست سنگ:

« [شکسته است] این یادگار».

بر نیم دیگر سنگ‌که سمت چپ در ورودی حمام دهکده، سرپا کارگذاشته بودند ، این عبارات خوانده می‌شد :

« جنازه‌ام چو عنان میکشد بسوی تراب

[شکسته است] بجانب احباب »

سنگ قبر دیگری در این قبرستان به ابعاد ۸۴ × ۶۲ سانتیمتر بودکه بالای آن سه شاخه است و این عبارات برآن حك شده است :

«هذا وفات سلیمان ورام‌بن حسین ورام تاریخ سنه تسعمائه».

سنگ دیگری به ابعاد ۱۱۶ × ۷۶ سانتیمترکه بالای آن‌نیز سه شاخه بود ، در سنگ‌چین اطراف امامزاده کارکرده بودند (عکس شمارهٔ ۳۹). بر‌پشت‌آن نقش سپر واسب وشمشیر بود. برطرف دیگرآن‌این مطالب راکه آقای علی‌اصغراسفندیاری بیاد داشتند حك شده بوده است:

« هذا وفات سهراب‌بن رستم توپا»[1]

سنگ قبر دیگری در همین قبرستان بود(عکس شمارهٔ ۴۰) که بریك طرف آن عبارات زیر خوانده می‌شد :

« هذا وفات شمس‌الدین ابن‌حسام‌توپا عمل‌استاد محمود ».

برطرف دیگر سنگ :

«فی‌تاریخ سنهٔ‌اربعه سبعین ثمان‌مائه کاتب‌حسین‌صوفی».

بقعهٔ احمدرضا و زینب‌رضا
در دهکدهٔ الیت کوهستان کلارستاق

بنایی ساده و محقــر از سنگ‌وگــل است. روی‌آن راکاهگل‌کشیده و سفید کرده‌اند . صندوقی ساده در وسط بناست .

خرابه‌های شهری قدیمی
در الیت کوهستان کلارستاق

برسمت چپ راهی‌که امــروز به‌دهکدهٔ الیت می‌رود ، بربالای زمینی صاف و سنگی‌که منتهی به پرتگاهی عظیم، به‌طرف رودخانه می‌شود، آثارخانه‌های‌فراوان و سنگ و سفال بی‌اندازه دیــده می‌شود . رودخانه‌ای که از قعر این پرتگاه می‌گذرد به «چالوس‌رود» معروف است و ظاهراً چون سرچشمهٔ اصلــی رودخانهٔ چــالوس است به این‌نام خوانده‌اند . از دره‌های رشته‌کوهی که‌طرف دست راست راه ورود به‌دهکده است باگنگهای سفالین آب را به این شهر قدیمی می‌آورده‌اند . دره‌های اصلی ایــن کوه‌که امروز هم چشمه وآب دارند به نــامهای « ولیری‌دره » و « کوچکــی دره » و

۱ـ توپا و اسفندیاری دو خاندان قدیمی الیت هستند .

«مالالیکه» خوانده می‌شوند. ازسایر ویاها وچشمه‌ها نیز آب را به این محل آورده‌اند. امروز در مسیر این آبروها، گنگهای سفالین فراوان بیرون می‌آید.

قلعهٔ اسپرز[۱]

بر سر تیره‌ای از زرین کوه که دنبالهٔ آن به پولادکوه می‌کشد

زرین‌کوه یالها و بازوهای فراوان دارد . یکی از یالهای آن به پولادکوه که بالاسر دزبن است می‌رسد . بر سر تیرهٔ این یال قلعه‌ای قدیمی است که آثار زیادی از آن برجای‌نیست . شاید قابل‌تطبیق با قلعهٔ «اسپی‌روز» باشد.

امامزاده اسماعیل

در پولادکوه کنار رودخانه نزدیك دزبن

بنایی است ساده با صندوقی چوبین ساده. تا چندسال پیش دری یك‌لختی‌داشت که بر آن آیاتی ازکلام‌الله مجید حك بود وعمل استادحسین باروج منسوب‌به دهکدهٔ «بارو»[۲] بود . نزدیك دهکدهٔ قدیمی باروکه امروز از میان رفته است گورستانی است که سنگهای قدیمی پس از تاریخ نهصد قمری دارد.

دخترقلعه یا قلعهٔ گرده‌رو[۳]

بر بالای کوه گرده‌رو

بر بلندترین قسمتهای تیره‌ای‌که به موازات آب رودخانهٔ چالوس ، طرف چپ آب قرار می‌گیرد وبالاخره به دزبن‌ختم می‌شود، قلعه‌ای قدیمی‌است‌که برج‌دیده‌بانی آن تا امروز برجای است .

۱ـ بکسر الف و پ وراء .   ۲ـ آب رودخانهٔ بارو ، غربی اولا است‌که پس از داخل شدن به‌آب انگران(بفتح‌الف و کسر گاف)هردورود درپولادکوه به آب چالوس‌رود می‌ریزند .   ۳ـ بکسر گاف و دال .

قلعهٔ دزبن یا قلاگردو
بر بالای کوهی نزدیک قهوه‌خانهٔ دزبن یا ناهارخوران

بر بالای این‌کوه آثار قلعه خرابه‌ای قدیمی است.

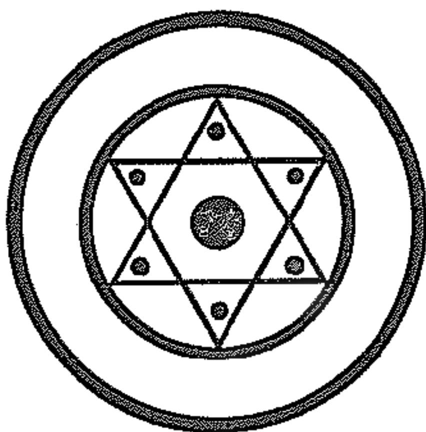
قلعه‌ای قدیمی
در کیت[۱] گردن

بر این‌گردنه‌آثار قلعه‌ای قدیمی برجای است .

آثار قلعه‌ای قدیمی
بردامنهٔ آبریز جنوبی کوه زردک

پایین‌تر از بقعهٔ فضل و فاضل، بردامنهٔ جنوبی‌کوه زردك کهآ بریزآن به طرف درهٔ دلیر است ، آثارقلعه‌ای قدیمی دیده می‌شود .

سنگی قدیمی
در یونجه‌باغ تویر[۲]



در این سنگ دایره‌ای بـزرگ به قطر ۲۴ سانتیمتر و در فاصلهٔ سه سانتیمتری داخل آن دایره‌ای دیگر و داخل دایرهٔ دوم ستاره‌ای شش‌پر به‌ترتیبی که نشان داده شده است ، حك شده بود .

۱ـ بکسر کاف و یاء و تاء . ۲ـ تویر بضم تـاء: ده از دهستان کوهستان بخش کلاردشت شهرستان نوشهر، شش‌کیلومتری جنوب مرزان‌آباد و یك کیلومتری غرب شوسهٔ چالوس‌به تهران(فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳) .

امامزاده اسماعیل بن موسی الکاظم علیه السلام
در الامل[1] کوهستان کلارستاق

بنای اصلی بقعه هشت‌ضلعی است که هر ضلع آن ازخارج ۳۷۰ سانتیمتر است. در ورودی شرقی و بلندی آن ۱۷۰ و پهنای آن ۸۹ سانتیمتر است(عکس شمارهٔ ۴۱). قبری در وسط بناست که به درازای ۲۵۵ و پهنای ۱۱۰ و بلندی ۱۰۰ سانتیمتر است. بر بدنهٔ شمالی قبر باخطی بد، نام پنج‌تن و بر بدنهٔ جنوبی آن این عبارات نیز با خطی بد گچ‌بری شده است :

« عمل اوستاد قنبرعلی ابن مرحوم محمدکاظم نوری طایفهٔ ارجوار ۱۲۴۵».

و بالای نام استاد، نام شاگردش بدین‌ترتیب آمده است :

« شاگرد هاشم اوزج» .[2]

در دو طرف این عبارات ، نام کاتب بقرار زیر گچ‌بری‌شده است:

«کتبه علی اوسط ابن نوذر ».

بر بدنهٔ شرقی قبر که مقابل در ورودی امامزاده است و بر بدنهٔ غربی آن، این عبارات گچ‌بری شده است :

«باعث تعمیر امامزاده اسمعیل ابن موسی کاظم جناب ملا علی اصغر».[3]

بر بالای طاقنمایی که در دیوار جنوبی امامزاده است، دوقطعه کاشی درسفیدکاری دیوار نصب کرده‌اند که دردسترس نیست. زمینهٔ هردو آبی وگل و بوته‌دار است. بر یکی نقش آهویی در منتهای ظـرافت دیده می‌شود . بردیگری نقش قرقاولی بسیار ظریف است که آن را واژگـون کارگذاشته‌اند. احتمال می‌رود هر دوکاشی شش‌ضلعی باشد، یا

---

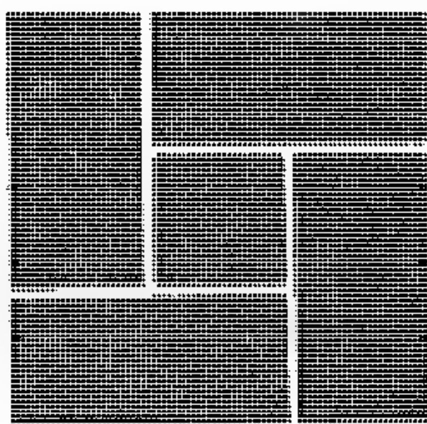
۱ ـ بفتح الف و ضم میم. ۲ ـ بضم الف وکسر زاء منسوب بـه دهکدهٔ اوز از دهکده‌های اوزرود نور است . ۳ـ پدر شیخ بهاءالدین قطبی ساکن تویر .

استادگچ کار باگچکاری آنها را بدین‌شکل درآورده است .

بام بنا تا سال ۱۳۲۸ شمسی، دوپوشش و گنبدی شکل بود. در این‌سال پوشش بالایی خراب شد و به‌جای این پوشش، خرپاکوبی و آهن‌کوبی کردند. گنبد زیرین تا امروز برقرار است .

در ورودی بقعه، از درهای معمولی کوچکتر است . دو لنگهٔ در و دماغه و چهارچوب آن کنده‌کاری دارد. کتیبهٔ کوچکی داردکه خوانده نشد .

در فاصلهٔ کمی بالای در ورودی، دریچه‌ای است که برای روشنایی داخل بقعه از آن استفاده‌می‌شود . پهنای هر لنگهٔ آن ۳۷ و ارتفاع آن ۱۱۰ سانتیمتراست. برمتن لنگه‌ها و دماغه و چهارچوب دریچه کنده‌کاری است. هر لنگه، غیراز دوکتیبهٔ بالای آن، چهارپاره‌است که طرح هرپارهٔ آن به‌ترتیبی است‌که در شکل نشان داده شده است .



در محوطهٔ اطراف بقعه‌گورستانی قدیمی است. بربالای سنگ قبرزنها، شکل خورشید حك شده است و سنگ قبر مردها ساده است. سنگهای نسبةً قدیمی به‌ترتیب تاریخ به این شرح بود :

« هوالرحمن‌الرحیم الحکم‌لله‌الواحدالقهار وفات المرحوم‌المغفور علی‌اکبرابن‌المرحوم عباس رکا فی‌السنة ۱۲۲۷ » .

« وفات المرحوم‌المغفور کربلائی مرادبن‌علی‌مدد تیرگر[1] ساکن قریهٔ

۱- تیرگر از تیره‌های معروف ناحیهٔ لورا وصفحات کوهستانی مازندران هستند .

سنّار[1] ۱۲۲۸ » .

«هوالحی الذی لایموت وفات المرحوم المغفور جنت‌مکان بشرا بن نصرالله تیره‌گر ساکن قریهٔ سنار ۱۲۲۸» .

« هوالحی الذی لایموت الحکم‌لله الواحدالقهار وفات المرحوم المغفور قدمعلی ابن محمدشفیع نجار سنه ۱۲۴۷».

«وفات مرحوم جنت‌مکان کربلائی علی ابن مرحوم نجفقلی ولی آبادی[2] ۱۳۰۵».

« وفات مرحومه مرضیه خواتون بنت استادمهدی کجوری ۱۳۲۱».

نشانه‌ها : خورشید بربالای سنگ .

« سنه ۱۳۲۹ هوالباقی وفات المرحومة المغفوره زینب بنت مرحوم صفرقلی ردای الاملی .

افسوس که گلرخان کفن‌پوش‌شدند   ازصحبت همدگر فراموش شدند»

نشانه‌ها : قسمت بالای سنگ دو مشعل در طرفین است که به‌طرف متن سنگ متمایل حك شده‌اند .

« وفات المرحومه فاطمه‌خانم بنت یدالله از طایفهٔ سنّار ۱۳۴۰

ای خاك تیره دلبر ما را عزیزدار   این نور چشم‌ماست که‌در برگرفتهٔ »

نشانه‌ها : طرف سمت راست بالای سنگ : مشعل و قیچی .

طرف سمت چپ بالای سنگ : مشعل و شانه .

در وسط صورت خورشیدی بزرگ حك شده است .

۱- سنار ، بکسرسین وتشدیدنون: ده از دهستان بیرون‌بشم ، بخش کلاردشت شهرستان نوشهر ، سیزده‌کیلومتری شرق حسن‌کیف وسه‌کیلومتری شرق شوسهٔ مرزان‌آباد به‌کلاردشت (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) .

۲- نام سابق ولی‌آباد، انند (بفتح الف) بود، ناصرالدین شاه به نام ولی‌آباد خوانده است .

راه ناصرالدین شاهی
از شمیران به چالوس

ناصرالدین‌شاه، مسیوگاستکرخان‌مهندس‌نمساوی را مأمورساختن راه‌چالوس کرد. ابتدای این راه منظریهٔ شمیران وانتهای آن کلاردشت وچالوس بود و از نقاط زیر می‌گذشت:

تنگ‌درور ــ سینه‌سرخی ــ کلك‌چال ــ پیازچال ــ پایین قلهٔ توچال ــ چمن‌مخمل ــ گل‌کیله ــ عمارت ناصرالدین‌شاهی ــ شهرستانك ــ سرك ــ دوآب‌شهرستانك ــ ازاینجا راه کناررودخانهٔ کرج می‌افتاد واز دوآب تنگ‌کسیل به میدانك وگرماب وسرخ‌در و حسنك‌در و نسا و شاه‌پل می‌رفت. در شاه‌پل که پلی‌آجری داشت وتا این‌اواخرپایه‌های آن درآب رودخانه دیده می‌شد، جاده از دست چپ‌آب به‌دست راست می‌رفت و از اراضی شهریار وگچسر می‌گذشت. ازگچسر به‌پل‌آئینه‌بندان‌که پلی سنگـی است و هنوز برقراراست، می‌رسید.

از اینجا به‌بعد از نقاط زیر می‌گذشت:

فك‌لش[۱] ــ خرگوش درهٔ بزرگ ــ خرگوش درهٔ‌کوچك ــ گلّی(بکسر گاف وتشدید لام) ــ سیاچکه (بکسرچ و تشدیدکاف) فیل‌چـم ــ کندوان[۲] ــ کاروانسرای بالای‌قله ــ گوخسون[۳] ــ پای‌کندوان (کاروانسرا) ــ دزدگردن ــ خاکاك ــ گرم‌کش(کاروانسرا) ــ گردنهٔ‌الغر[۴] ــ جورهلی‌چشمه ــ جیرهلی‌چشمه ــ سیابیشه ــ گرم‌رودبار = الاملی‌اوئی‌دم (دم‌آب‌الامل) ــ پل‌شوراوئك ــ گلردی‌انند[۵] (زیر ولی‌آباد امروز) کلاه فرنگی یـا ناهارخوران ــ دروازهٔ سنگی که‌دراراضی گزناگله[۶] است.

۱ــ بکسرفاء وکاف و فتح‌لام. ۲ــ بفتح‌کاف وضـم دال. ۳ــ بضم خاء.
۴ــ بفتح‌الف وغین. ۵ــ بفتح‌گاف ولام وفتح الف ونون‌اول. انند نام قدیمی‌ولی‌آباد بوده است. ۶ــ بفتح‌گاف وکسر زاء وضم‌گاف دوم وکسرلام.

هزارچم شامل فیل‌چم و چم‌دوازده‌تائی ــ پای‌هزارچم‌که بر دوآب دره[1] وآب‌ـ چالوس بوده است . برای ساختن قسمت اعظم این راه کـه از منطقهٔ کوهستانی عبور می‌کند، ابتداسنگهارا باقلمهای کلفت و بلندسوراخ کرده وسپس باکمك باروت سنگهارا منفجر کرده‌اند (عکس شمارهٔ ۴۲) .

از اینجا راه به‌کنار رودخانهٔ چالوس‌می‌افتاد و ازدست راست آب‌عبورمی‌کرد. در پل اوشان به‌دست چپ می‌رفت و دنبالهٔ راه به بابوده می‌رسید. ازاینجا راهـی به کلاردشت جدا می‌شد و راه اصلی کنار رودخانه تا به چالوس می‌رفت . قسمت دیدنی این‌راه ، دروازهٔ سنگی است که اینك به‌شرح‌آن می‌پردازیم.

دروازهٔ سنگی

مسیر دروازه شرقی‌غربی‌است . پهنای دهانهٔ دروازه۳۸۰ و بلندی طاق ازوسط ۴۷۰ سانتیمتر است(عکس شمارهٔ ۴۳) . بـربدنهٔ داخلی سمت راست دروازهٔ سنگی سکویی ساخته شده‌که بلندی‌آن از سطح راه ۱۱۰ سانتیمتراست .

پیش از رسیدن به دروازه ، برسمت غربی راه (دیوارهٔ دست چپ) کتیبه‌ای به درازای ۴۸ و پهنای ۲۸ سانتیمتربا خط‌خوش‌نستعلیق کنده‌اند (عکس شمارهٔ ۴۴). این‌عبارات‌درسه سطر بر آن‌حك شده‌است:

« در زمانی این‌راه صورت اختتام یافت ـ‌که جناب جلالتمآب عزیزخـان سردارکل قشون محروـسهٔ ایران‌بوده وجناب انوشیروان‌خان‌اعتضادالدوله حاکم مازندران.»

از دروازه‌که بیرون رفتیم ، بر بدنهٔ شرقی، بالای دروازه ، طرف دست راست کتیبهٔ دیگری با حروف لاتین است . دو سطر اول نزدیك بهم و زیر آنها، عدد 266 و زیرآن، دو سطردیگر نزدیك بهم مانند دوسطر بالا حك‌شده است . عدد ۲۶۶ ظاهراً

۱ــ بفتح راء .

درازای راه به‌حسب کیلومتر است و چهارسطر دیگر به‌زبان اطریشی و مطالبی‌دربارهٔ ساختن این راه است.

نزدیك طاق دروازه طرف راست در سنگ،مربعی مستطیل به درازای ۱۱۰ و پهنای ۵۶ سانتیمتر کنده‌اند . در قسمت‌بالاکه یکی ازاضلاع دراز مربع‌مستطیل‌است دو سوراخ و در ضلع پایین سه سوراخ و زیر سوراخ سوم دست راست بیرون ازضلع مربع مستطیل ، سوراخی دیگر کنده شده است .

نظیر این شکل در بالای دروازه ، طرف مغرب نیز دیده می‌شود، امـا محـل سوراخهای آن با شکل شرقی فرق دارد . در جهت غربـی دروازه طرف دست راست محل‌قابی ازگچ و سنـگ دیده می‌شود .اهالی‌ولی‌آبادمی‌گفتندکه دراین‌مربع‌مستطیل سنگ مرمری بودکه تمثال ناصرالدین‌شاه برآن حك بود . یاورکاوسی ــ قـرق‌بـان اعلیحضرت فقیدـآن رابیرون‌آورد وبرد .

کتیبهٔ سوم زیرطاق دروازه ، طرف راست حك شده به‌درازای ۲۱ و پهنای ۱۵ سانتیمتر است . این عبارت در دو سطر برآن دیده می‌شود :

«این بیستان بانی‌عمل اـ ستاد علی‌اکبر درکهٔ»[1]

پس از اتمام این راه، ناصرالدین‌شاه در ربیع‌الثانی سال ۱۲۸۵ قمری راه را افتتاح‌کرده است . این شرحی است‌که محمدحسن‌خـان اعتمادالسلطنه در این بـاره نوشته است :

« روز دوازدهم ربیع‌الثانی سال ۱۲۸۵ قمری ناصرالدین‌شاه به شکرآب و شهرستانك تشریف‌فرماگردیده، روز چهاردهم به سمت دونـاانتهاض کرده، روز بیست ویکم از دونابه سیاه‌بیشه کـه اول خاك‌کلارستاق است ، نزول‌ـ اجلال فرمودند .

۱ــ درکه از دهکده‌های شمیران و در شمال اوین است .

روز بیست و دوم دامنهٔ گردنهٔ هزارچم مضرب خیام معلّی گردید. راه هزارچم را که از مسالك صعبه بود، حسب‌الامر ، مسیو گاستکر مهندس نمساوی در کمال خوبی ساخته و دروازه‌ای از سنگ احداث کرده که از غرایب مستحدثات است و به عطایای وافرهٔ شاهانه و لقب‌خانی سرافراز آمده . نواب‌والا اعتضادالسلطنه ـ وزیرعلوم ـ قطعه مادهٔ تاریخی برای دروازهٔ سنگی مزبور به‌نظم‌آوردند که در نظر انور ملوکانه نهایت مستحسن افتاد و آن قطعه بعینها در ذیل ثبت می‌شود .»

قطعهٔ تاریخ دروازه سنگی من کلام نواب والا اعتضادالسلطنه وزیر علوم متخلص به‌فخری

«درهمایون عهد دارای سترگ — خسرو عادل شهنشاه کریم
بوالمظفر ناصرالدین‌شاه راد — کز نظیرش مادر گیتی عقیم
در رکابش فتح و نصرت ملتزم — برجنابش حشمت و شوکت مقیم
امر او جان‌بخش چون امر مسیح — رای او تابنده چون دست کلیم
رهروان دیدند با چشم عیان — صد چو خود افتاده با عظم رمیم
بر جبالش کی پرد مرغ خیال — در وهادش کی رسد فکر حکیم
دور مردم زین طریق پر خطر — همچو از آیات ، شیطان‌رجیم
قاطعان راه در طی طریق — خویش را دیدند چون مرد سلیم
کاروانی چند زین مسلك گدا — کودکانی چند زین معبر یتیم
ارتفاع قله را دانا خداست — انخفاض درّه را الله علیم
شد بزرگ این راه از فرمان شاه — شارعش فرخنده چون شرع قویم
مسلکی محکم نهاد از سنگ و خاك — آنکه سنگ و خاك پیشش زرّ و سیم

کس‌ندیدست این‌چنین بنیادسخت هیچکس نشنیده ز آثار قدیم
بس‌قوافل بگذرد بی‌خوف وترس بس سواره بسپرد بی‌باك و بیم
گلخنی را حکم شه گلشن نمود ز امرخسرواین جحیم آمد نعیم
این چنین کاری کند عزم ملك خسرو اعظم کند کاری عظیم
جست پیر عقل تاریخش ز من گفت‌فخری‌شد صراط المستقیم
۱۲۸۵
در هزار و دوصد و هشتاد و پنج زد رقم کلك‌من از طبع‌سلیم »[۱]

لیوتنان‌کلنل برسفردلوات ــ قنسول‌انگلیس در استراباد ــ درسال ۱۲۹۸ قمری قسمتی از راه‌کندوان را پیموده و در بارهٔ‌آن چنین نوشته است :

« شهرستانك قریهٔ معتبری است‌که در دره واقع شده و قریب هزارو دویست‌نفر جمعیت دارد . اطراف آن همه اراضی مزروع است و از سطح دریا دوهزار و پانصد ذرع ارتفاع دارد . در اول این دره ، پای‌کوه توچال شمیران، یك عمارت سلطنتی ساخته‌اند . همه ساله شاهنشاه چند روزی درآنجا توقف می‌فرمایند و روزها به‌شکار می‌روند. در جنب عمارت آبشاری است‌که از توچال می‌آید و رودخانه‌ای می‌شودکه قریب پانزده ذرع عرض ونیم‌ذرع عمق دارد . ازکناراین‌رودخانه به‌سرك‌آمدیم وشب را در زیر درختان چنار منزل‌نمودیم . سرك قریهٔ‌کوچکی است در محل تقاطع دو رودخانه‌که یکی از سمت جنوب جاری‌است، واقع شده . راه از شهرستانك به سرك بسیار خوب است. این راه را جنرال گاستکر صاحب‌منصب مهندس اطریشی‌که در خدمت دولت ایران بود، هشت سال‌قبل ساخته است . از سرك به‌حسنك‌در ، راه از سمت چپ رودخانهٔ‌گچسر می‌رود . این‌رودخانه موسوم است به«لورا» و در سه ربع فرسنگ پایین قریهٔ سرك به‌رودخانهٔ سرك متصل می‌شود . رودخانهٔ‌گچسر بیست‌وشش

۱ــ مرآت‌البلدان ، ج ۳، ص ۹۸ .

ذرع عرض وچهار ذرع عمق دارد و آب آن گل آلود است و تند می‌رود...درحسنك‌در، رودخانه یك پل چوبین داردکه ما از روی آن عبور نمودیم . این ده بسیار کوچك و خالی از نظافت است و یك امامزاده دارد . از حسنك‌در به گچسر از راهی که گاستکرخان ساخته است روانه شدیم و از دره‌ای که قریهٔ نسا درآنجا واقع شده ، از وسط باغات و اراضی مزروع عبور نمودیم. یك فرسنگ بالاتر از قریهٔ نسا، رودخانهٔ لورا به سمت شرقی به‌گچسر که قریهٔ کوچکی‌است می‌رود ...

ازگچسر الی ولی‌آباد ، در عرض راه هیچ درخت ندارد . ازگچسر راه ازکنار نهری‌که به طرف غربی جاری است می‌رود تا پای‌کوتل گچسر که پانصد ذرع ارتفاع دارد و از آنجا راه متدرجاً بالا می‌رود تاآنکه به‌قلهٔ‌کوهی‌که سه‌هزار وچهارصدذرع ارتفاع دارد می‌رسد . درآنجا تمام رشتهٔ البرز ،کوه شمیران وکوه‌آزادبر ودماوند و قلهٔ‌کوه شاهزادد نمایان است . در پای این‌کوه یك‌چشمهٔ گوگردی واقع است و قریب دو فرسنگ که راه از آنجا دور می‌شود ، گل و ریاحین و درختهای جنگلی شروع می‌شود...

این راه الی ولی‌آباد همه‌جا خوب مهندسی شده است. راه از ولی‌آباد به‌تویر از بغلهٔ‌کوه می‌رود . در ته تنگه‌که ازآنجا تا به‌قلهٔ‌کوه دویست یا سیصد ذرع است، رودخانهٔ چالوس جاری است . این راه بغله بسیار سخت است و اگر ساخته نبود و محجر گذارده نشده بود ، ممکن نبودکه دو قاطر درپهلوی یکدیگر بتوانند از آنجا عبور نمایند . در بالای ولی‌آباد کوه را سوراخ‌کرده ودالانی برای راه ساخته‌اند . تمثال شاهنشاه ایران درآنجا حجاری شده است ولکن خوب حجاری نکرده‌اند.طول این دالان سی ذرع است . تفصیل اتمام این راه را به خط فارسی درروی سنگ نقش کرده‌اند و اگر این راه را از ولی‌آباد از پایین تنگه ساخته بودند و به بغلهٔ‌کوه نرفته بودند خیلی بهتر بود و فوائدکلی داشت . وقتیکه راه مساوی رودخانه می‌شود

جنگل و کوههای سبز چشم را خیره می‌کند ...

روزدیگر از تویر به‌الت[۱] رفتیم‌که چمنی است خوب آب وعلف و اطراف آن همه جنگل است ودر سرچشمهٔ رودخانهٔ چالوس واقع است . الت پانصدو هفتاد ذرع از سطح دریا ارتفاع دارد. درعرض راه از قریهٔ رزان عبور نمودیم و از رودخانه از روی پل چوبین گذشتیم . در محاذی الت در یك فرسنگی قریه‌ایست موسوم به مرزان‌آباد، لوازم خود را ما فرستادیم از آنجا آوردند.»[۲]

در تاریخ مازندران مهجوری در بارهٔ راه‌کندوان به این مطالب برمی‌خوریم:

« در سال ۱۲۸۱ قمری به فرمان ناصرالدین‌شاه، مسیوالبرد مهندس‌خارجی مأمور تسطیح راه هزارچم شد و حاج میرزایحیی‌خان نوری مسؤول تهیهٔ وسایل وجمع‌آوری عمله‌ها بود واین راه پس‌ازیکسال ساخته‌شد .»[۳]

آقای مهجوری در حاشیهٔ ص ۱۷۷ کتاب خود مأخذ خود را چنین یادآور شده‌اند :

« روزنامهٔ دولت شمارهٔ ۵۰۱ سال ۱۲۷۸ و۱۲۸۰ قمری».

تا جاییکه ما اطلاع داریم راه کندوان را مسیوگاستکرخان ساخته نه مسیو البرد . شرحی‌که ایشان دربارهٔ راه‌کندوان آورده‌اند، ظاهراً مربوط به تسطیح راه هزار درهٔ جاجیرود است‌که در این‌خبر روزنامهٔ دولت «هزارچم» خوانده شده است . از اینهاگذشته ، راه کندوان راهی نبوده است‌که با وسایل آن‌روز یك ساله تسطیح شود . در نشان دادن مأخذ هم معلوم نشدکه یك شمارهٔ روزنامه چگونه می‌تواند به سال ۱۲۷۸ و۱۲۸۰ مربوط باشد!؟

۱ـ بکسر الف ولام . ۲ـ استرابادنامه، صفحت ۲۲۰ـ۲۲۴. ۳ـتاریخ مازندران مهجوری ، ج ۲، ص۱۷۷ .

کاروانسرای سرقلهٔ کندوان

هنگامی که ازقلهٔ کندوان به‌طرف آبریزدرهٔ چالوس سرازیرشویم، برکنار راه ناصرالدین‌شاهی، کاروانسرایی است که از خارج نمای زیادی ندارد، زیرا نیمی از دیوارهای آن را در دل کوه ساخته‌اند. این کاروانسرا که با سنگ و گچ ساخته‌شده، پناهگاهی برای چارپاداران بوده است و محلی برای چهارپایان ندارد.

کاروانسرای پای کندوان

پس از بیرون آمدن از تونل، برکنارراست جادهٔ آسفالتهٔ امروزکنارسرچشمه‌های رودخانهٔ چالوس، کاروانسرایی است که با سنگ و گچ ساخته شده‌است. این کاروانسرا از کاروانسرای سرقلهٔ کندوان بزرگتر وجادارتر است. درازای جنوبی آن بیست و دو متر و پهنای شرقی آن نه‌متر است (عکس شمارهٔ ۴۵). این بنا شامل دوازده گنبد در دو ردیف در درازاست . گنبدها برچهارطاقیها استوارهستند. طاق هرچهارطاقی به بلندی ۱۸۰ سانتیمتر و فاصلهٔ میان جرزها ۱۳۰ سانتیمتر است. درازای هرفضا که زیرهرچهارطاقی است ۳۹۰ و پهنای آن ۳۱۰ سانتیمتر و قطر تمام دیوارهای بنا ۶۰ سانتیمتر است (عکس شمارهٔ ۴۶).

در شمال غربی این کاروانسرا، آثار بنای کاروانسرای قدیمی دیگری است که یکسره خراب شده اما دیوارجنوبی آن کم و بیش باقی است.

باقی آثار و بناهای کوهستان کلارستاق

۱ـ شاه‌علمدار در مرتع بلیله‌کوه که از راه مرزان‌آباد به‌برار و بلیله‌کوه باید رفت .

۲ـ آثار قلعهٔ برار برارتفاعی نزدیك دهکدهٔ برار.

۳ـ پیرسیدور (=سیته‌ور=سعیداعور؟) یا امامزاده فضل‌الله در چالـه‌زمین دهکدهٔ تویر.[1]

۴ـ کاروانسرای گرم‌کش سرراه ناصرالدین‌شاهی نرسیده به‌گردنهٔ الغر.

۵ـ امامزاده محمد در اولا که از راه الامل بایدرفت.

۶ـ معصوم‌زادهٔ دهکدهٔ هرجان.

۷ـ گورستان‌قدیمی‌دهکدهٔ تویر که مقداری ازقبورآن‌در ساختن‌راه‌چالوس از میان رفت.

۸ـ گورستانی‌قدیمی دامنهٔ‌کوه فضل وفاضل میان‌مرتع ارن[2] وساره[3].

۹ـ بقعهٔ خواجه‌کلا روبروی ولی‌آباد سمت‌چپ رودخانهٔ چالوس. بتازگی تعمیر و مرمت شده‌است.

۱۰ـ گورستان قدیمی دهشهر نزدیك دهکدهٔ دهشهر.[4]

۱ـ نام این امامزاده در مجموعهٔ‌شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملی‌ملك مورخ۱۲۹۹ ه.ق. آمده‌است. بنایی‌ناچیزاست وارزش‌تاریخی‌ندارد.

۲ـ بفتح‌الف وراء.

۳ـ بکسر تاء.

۴ـ دهشهر: ده کوچکی‌ازدهستان کوهستان کلارستاق، شش کیلومتری جنوب‌غربی مرزان‌آباد و ۲/۵ کیلومتری شوسهٔ چالوس کرج (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳).

بخش سوم

کجور

۱- مختصری از جغرافیای تاریخی کجور

کجور دره‌ایست شرقی غربی که آب رودخانهٔ آن در دوآب کمی بالاتر از پل‌-زغال به‌آب رودخانهٔ چالوس می‌ریزد. شهر تاریخی کجور از قدیمترین ایام مرکز ناحیهٔ رویان و سپس پایتخت رستمدار بوده است.

اصطخری درکتاب مسالك‌الممالك خودکه‌میان سالهای ۳۱۸-۳۲۲ قمری تألیف کرده است، ازکوههای روینج (= رویان) نام می‌برد.[۱]

در کتاب حدودالعالم من‌المشرق الی‌المغرب‌که به سال ۳۷۲ قمری تألیف شده است چنین آمده‌که قسمتی از خاك طبرستان سلطانی جداگانه به نام«استندار» داشت و شهرهای ناتل و چالوس و روذان(= رویان)وکلار جزء این‌قسمت بود.[۲]

یاقوت در معجم‌البلدان خودکه به سال ۶۲۳ قمری نوشت ، ذیل‌کلمهٔ رویان می‌نویسد : رویان نام شهری‌بزرگ وکورهٔ وسیعی ازکوههای‌طبرستان‌است. بزرگترین

۱- مسالك‌الممالك‌اصطخری، ص۲۰۴و۲۰۵.   ۲- حدودالعالم، تصحیح‌نگارنده، ص ۱۴۳-۱۵۰.

شهری از طبرستان که در دشت است ، آمل و بزرگترین شهر کوهستانی رویان است . رویان در اقلیم چهارم است . طول آن ۷۶ درجه و ۳۵ دقیقه وعرض آن ۳۷ درجه و ده دقیقه است . فاصلهٔ میان گیلان ورویان دوازده فرسنگ است.[۱]

عبدالمؤمن که کتاب مراصدالاطلاع خود را در سال ۷۰۰ قمری می‌نوشت پس از ضبط اعراب کلمه می‌نویسد « این نام برشهر بزرگ وکورهٔ وسیعی ازخاك طبرستان اطلاق می‌شود . این شهر بزرگترین شهر کوهستانی طبرستان است و حدود خاك آن به‌کوههای ری می‌رسد.[۲]

مولانا اولیاءالله آملی درتاریخ رویان که درغرهٔ محرم‌الحرام سال ۷۶۴ به‌پایان رسانیده است می‌نویسد :

« در این وقت از نواب خلیفه درکجور که قصبهٔ رویان است، عمر بن‌العلا نشسته بود با شش‌هزار مرد . و درگیلاناباد نصر بن‌عمران نشسته بود با هزار مرد خراسانی. و در پای‌دشت عامر بن‌آدم نشسته بود با پانصد مرد. و در ناتل سعیدبن‌میمون نشسته بود با پانصدمرد . و در بهرامده عمروبن مهربان نشسته بود با پانصد مرد . و در قراطادان یوسف بن‌عبدالرحمن نشسته بود با پانصد مرد . و در ولاشجرد علی بن‌جستان نشسته بود با پانصد مرد . و در سعیدآباد سعیدبن دعلج نشسته بود با هزار مرد . و در چالوس فضل بن‌سهل ذوالریاستین نشسته بود با پانصد مرد . الا در این وقت او غایب بود . و درکلارکه اول دیلمان است جویرم‌السعدی نشسته بود باپانصدمرد، این‌جمله رویان است».[۳]

۱ـ معجم‌البلدان ذیل کلمهٔ رویان . ۲ـ مراصدالاطلاع، ذیل کلمهٔ « رویان » .
۳ـ تاریخ‌رویان‌مولانا اولیاءالله، ص ۶۱ .

همین ناحیهٔ رویان باکمی اختلاف مرزی از اوایل قرن هفتم به نام «استندار» خوانده شد . در کتاب تاریخ رویان مولانا اولیاءالله آملی که در سال ۷۴۶قمری پایان یافته است سی بار به‌لفظ «استندار» برمی‌خوریم. در متون همزمان یا نزدیك به زمان تألیف این کتاب نظیر نزهةالقلوب حمدالله مستوفی نیز لغت «رستمدار» دیده می‌شود . در تاریخ گیلان و دیلمستان سیدظهیرالدین مرعشی که در سال ۸۸۰ به تألیف آن پرداخته است ، بارها لفظ «رستمدار» آمده است . با دقت و بررسی دراین متون می‌توان به این نتیجه رسید که حدود خاك رستمدار کاملاً قابل انطباق باحدود خاك رویان است فقط خاك رستمدار ، در دشت و زمینهای هموار ساحلی تا رودخانهٔ نمکاوه رود پیش رفته است ، در صورتیکه حدود رویان به خاك چالوس ختم می‌شد .

بنابراین خاك رویان یا رستمدارکه شهرکجور از شهرهای معظم آن بوده‌است شامل ناحیهٔ: کوهستان ، کلارستاق ، بیرون‌بشم ، میان‌بشم ، کلاردشت ، کجور (شامل دشت و کوهستان) و نور (شامل دشت و کوهستان) و لورا(شامل‌دهکده‌های کنارکرج رود تا دوآب شهرستانك) و ارنگهٔ بزرگ و کوچك و رودبار قصران و لارقصران است . حد شرقی آن رودخانهٔ هراز و حد غربی آن رودخانهٔ نمکاوه ــ رود و حد شمالی آن حاشیهٔ دریای خزر و حد جنوبی آن رشته کوههای توچال است .

ناحیهٔ کجور به بلوك دشتی و کوهستانی تقسیم می‌شود. نواحی‌کوهستانی شامل شهرکجور، توابع‌کجور، زانوس‌رستاق، کوهپر، پنجك‌رستاق.

نواحی دشتی شامل :کران[1] خیره‌رود ، بندپی ، چلندر، نهررودبار، کلرودپی،

۱ــ بفتح کاف .

گلندرود، علویکلا، کالج وکچه‌رستاق است.

در اغلب کتب تاریخی و متون جغرافیایی نام این ناحیه «کجو» بدون راء در آخر، آمده است. ظاهراً از آنجاکه این نام اغلب با نام «نور» که بخش دیگری از ناحیهٔ رستمدار است یکجا ذکر می‌شود، حرف «راء» بعدها به آخر کجو نیز افزوده شده است. شهر قدیم کجور در سه کیلومتری شهر جدید و در دامن کوه بوده است.

۲ـ بناها و آثار تاریخی کوهستان کجور

پل کرات = پل ناصری
در پانصدمتری شمال دوآب کجور

در حوالی پل‌کرات‌که آن را پل‌زغال هم می‌گویند و بعد از ایجاد راه‌جدید، پل محکمی آنجا ساخته شده و موسوم به‌پل ناصری گردیده ... مسیوکاستکرخان نمساوی‌که درخدمت دولت علیه ایران است و به حکم اعلیحضرت‌شاهنشاه جمجاه ناصرالدین شاه خلدالله ملکه و سلطانه، مأمور ساختن این راه‌صعب‌المسلك از کنار چالوس بودگوید: «درحوالی پل ناصری بسیاری ازآثار ابنیهٔقدیمه وبعضی‌علایم‌کهنه باقی و موجود می‌بود .» و مهندس مشارالیه خود پیکان تیرزیاد درآنجاها یافته وپیدا نموده . بعلاوه بقیهٔ دیوار خرابهٔ ممتدی دیده‌که حدساً حصار قلعه وشهری بوده و خرابهٔ دکاکین حدادی و خبازی و قبور زیاد خیلی بزرگتر از قبرهای معمول حالیه با سنگهای روی قبرکه خطوط‌کوفی داشته، مشاهده‌کرده به‌واسطهٔ عدم اطلاع‌اززبان عربی و خواندن خط‌کوفی، دریافت ننمود،که تاریخ قبور ازچه زمان وکدام قرن می‌باشد. و باز مشارالیه بعضی ازاستخوانهاازقبور به دست‌آورده‌که‌نسبت به‌استخوانهای مردم این زمان خیلی بزرگتر می‌باشد. نیزدر اغلب‌نقاط‌درهٔ‌چالوس، قبورزیاد درمیان

جگن و جنگل انکشاف نموده ، با سنگهای قبر که خطوط کوفی روی آنها رسم و حجاری شده و دیوارهای بسیار که همه خراب و منهدم بوده وآثارعمارت و ابنیهٔ قدیمهٔ خشتی که مدخل اغلبی از سنگ بوده، هنوز برقرار است و دلیل واضح‌وبرهان لایح برآبادی زیادکه حالا معدوم‌است مشهود مشارالیه‌گردیده . بنابراین‌معلوم‌می‌شود توحیر(=تویر)که آثار خرابهٔ او پدیدار است قصبهٔ عمده‌بلکه‌قاعده وحاکم‌نشین‌این ناحیه بوده وگویند این‌آبادی تاپانصدسال‌قبل معمور می‌بود .ومقارن‌آن سنوات‌زلزلهٔ عظیمی شده، کوه‌مجاور شهر برروی شهر خراب‌شد وشهررا نابود و تفرقهٔ احجار نیز مؤید این‌عقیده وگفتار است. وازخرابهٔ‌شهر توحیرچنین مستفاد می‌گردد که‌از طرف دریا محل‌تجارت بوده و بازارعمدهٔ بزرگی‌داشته .[۱]

امامزاده جعفر و امامزاده‌حسن پسران امام موسی‌الکاظم‌علیه‌السلام دردهکدهٔ حسن‌آباد پنجک‌رستاق[۲] کجور

مجموعهٔ بنای بقعه‌که شامل ایوان وکفش‌کن و حرم‌است طرحی مستطیل‌شکل دارد . ایوان بقعه‌شرقی است و دارای‌شش ستون چهارسوی ساده بـا سرستونهای‌نسبةً ظریف ولتازه‌ای تخته‌ای ساده به‌بلندی یك‌متر جلو آن است(عکس‌شمارهٔ ۴۷). پشت آن‌کفش‌کنی به‌همان درازای‌ایوان و پشت‌آن حرم بقعه است‌که صندوقی چوبین ساده در میان‌آن و ضریحی مشبك‌چوبین‌دراطراف صندوق است. سرکشی(حمال) درطول‌بنا دروسط‌کشیده‌اند وپلورهای سقف براین سرکش و دیوارهای طرفین‌متکی است.سقف بقعه وکفش‌کن و ایوان‌پلورکشی وپل‌کوبی است. بام سراسر بنا، لت‌پوش است . درهای جنوبی وشرقی بقعه‌قاب وگرهٔ ساده است،گلدسته‌ای به ابعاد دو متر ازچوب بربـالای

۱ــ مرآت‌البلدان، ج ۴، صفحات۸۰ و ۸۱ .

۲ــ بفتح پ و سکون‌نون و فتح جیم و سکون‌کاف وضم راء .

در ورودی است . در محوطهٔ اطراف بقعه، گورستانی قدیمی است .

چهل تن
نزدیك دهکدهٔ آستانکرود[1] کوهپر کجور

بنای اصلی بقعه چهارگوشه و کوچك است. ایوان آن شمالی و دارای پنج ستون ساده با سرستون است. تکائلی تخته‌ای به بلندی یك متر جلو ایوان است. در ورودی بقعه در این ایوان است و صندوقی تخته‌ای ساده در وسط بنای اصلی بقعه است . محوطه‌ای بسیار وسیع و زیبا اطراف حیاط بقعه است که درختان نارون قطور زیاد در آن دیده می‌شود. از ریشه‌ای قدیمی دو پاجوش بیرون آمده بود که محیط دایرهٔ تنهٔ یکی ۴۵۴ و دیگری ۳۹۵ سانتیمتر بود . محوطهٔ بقعه بر کنار ناوی[2] است که چشمه‌های متعدد در آن می‌جوشد و آب فراوانی را تشکیل می‌دهد که از کنار بقعه می‌گذرد. بر کنار این آب دو اصله درخت نارون قطور است که محیط دایرهٔ تنهٔ اولی ۵۳۵ و دومی ۴۶۰ سانتیمتر است .

امامزاده حسن
در دهکدهٔ چورن[3] از دهکده‌های کوهپر کجور

بنایی است ساده از سنگ و گل، صندوقی چوبین ساده مرقد را پوشانده است . در محل معروف بود که امامزاده حسن از مریدان سیدمحمدکیا دبیر صالحانی بوده‌است. روزی اورا به دهکدهٔ چورن برای مداوای دختر یکی از سران قوم فرستاد. دختر را با نفس مسیحای خود شفا بخشید. خویشان دختر خواستند اجر و مزدی بداو بدهند نپذیرفت .

۱ـ بفتح کاف. ۲ـ دره‌ای بسیار کم‌عمق که از زمینهای دو طرف بیش از یکی دو متر عمق ندارد. ۳ـ چورن (بفتح راء) : ده از دهستان کوهپر بخش مرکزی شهرستان نوشهر، سه کیلومتری شمال کجور (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج۳) .

بالاخره شبانه مقداری سکهٔ طلا در آستر قبای او دوختند و او به‌راه‌افتاد. بر بالای این بلندی که اکنون مزار اوست رسید. ندایی شنید که چرا از کسان دختر چیزی قبول کردی؟ جواب داد: من چیزی نپذیرفتم. ندایی رسید که تکانی به‌قبای خود بده. تکانی داد، سکه‌ها فرو ریخت.

امامزاده حسن از کثرت شرمندگی در اینجا جان به‌جان‌آفرین تسلیم کرد. اهالی دهکده اورا مرده یافتند، او را به‌خاک سپردند و بنایی بر گور او ساختند.

قلعهٔ اسپی‌روز

بر کوهی مسلط بر دشت کجور به‌نام قلاگردن[1] نزدیك دهکدهٔ سرجار[2] کوه‌پیر کجور

ازگذشتهٔ این قلعه بیش از آنچه سیدظهیرالدین نوشته‌است اطلاعی نداریم. او یادآور شده‌که پس از بروز اختلاف میان ملك کاووس و ملك اسکندر. پسران ملك کیومرس. سید ظهیرالدین برای رفع اختلاف به‌رستمدار رفت ومیان آن‌دورا صلح داد اما ازکید و مکر ملك کاووس ایمن نبود. ازاینروکیا جلال‌الدین دیلمی را باصدنفر دیلم نزدملك اسکندر گذاشت. ملك اسکندر، کیاجلال‌الدین را در قلعهٔ کجور گذاشت و خود به‌قلعهٔ اسپی‌روز که هوای آنجا در تابستان مناسب‌تر است رفت.

ملك کاووس آمادهٔ شبیخون شد. ازنور سوارشد وبا‌عجلهٔ تمام ازشهر کجور و مقابل قلعهٔ آن بگذشت. قلعه‌نشینان، ملك اسکندر را خبر کردند. تارسیدن خبر، ملك کاووس به‌درقلعهٔ اسپی‌روز رسیده وقلعه را محاصره کرده‌بود. چون‌درقلعه‌ذخیره‌ای نبود، ازطرف شمال، قلعه را سوراخی کردند وملك اسکندر ازآنجا بیرون‌رفت وخودرا به ساحل رسانید و به‌تنکابن‌درآمد.[3]

۱ــ بفتح قاف‌وگاف. ۲ــ بفتح‌سین. ۳ــ تاریخ گیلان ودیلمستان، صفحات ۳۰۳ و ۳۰۴.

باز میان دو برادر اختلاف شد و سید ظهیرالدین روز پنجشنبه هفتم ذی‌الحجه سنهٔ ۸۷۰ مأمور رفع این اختلاف شد و روز پنجشنبه بیست و دوم ذی‌الحجه، ملک کاووس را درقلعهٔ نور ملاقات کرد و چنین قرارداد ند که ملک کاووس به قلعهٔ کجور بیاید و ملک اسکندر در قلعهٔ اسپی روز باشد. روز یکشنبه غرّهٔ محرم، هردو برادر در محل چاه‌سر یکدیگر را ملاقات کردند و قرارمصالحه گذاشتند، ملک کاووس به کجور رفت و ملک اسکندر به قلعهٔ اسپی روز در آمد.[1]

ملک کاووس روز سه‌شنبه چهاردهم شوال سنهٔ ۸۷۱ چشم از جهان فرو بست و سید ظهیرالدین برای «تمشیت امور ملکی» به رستمدار در آمد و پس از پایان مراسم تسلیت از راه نیتل به کجور آمد و ملک اسکندر را در قلعهٔ اسپی روز ملاقات کرد.[2]

حاجی محمدمیرزا مهندس در بارهٔ این قلعه چنین نوشته است:

«آنچه در تاریخ دیده شده چون ملک کاووس از رستمدار بیرون رفت، ملک اسکندر به کجور آمده و قلعهٔ اسپی ریز بانی آن قلعه دیوسپید نامی که حاکم ولایت رویان بود که حکیم فردوسی در شاهنامه ذکر او آورده است و قتل او را به دست رستم زال شرح و بسط تمام داده چنانکه گفته است:

نیاسود تیره شب و پاک روز همی راند تا پیش کوه اسفروز

ملک اسکندر آن قلعه را تعمیر نمود.»[3]

قلعهٔ چناربن

در دهکدهٔ چناربن میان لاشک و کجور بر سر راه

آثاری از این قلعه برجای نبود.

۱ــ تاریخ گیلان و دیلمستان، ص ۳۲۱. ۲ــ تاریخ گیلان و دیلمستان، ص ۳۲۵.

۳ــ جغرافیای تاریخی مازندران تألیف حاجی محمدمیرزا مهندس سال ۱۳۰۱، ص ۶.

بقعهٔ خالق شیوب[1]
در شهر کجور[2]

بقعه‌ای چهارضلعی از سنگ و گل است. در ورودی قبلی است و در ایوانی باز می‌شودکه دارای شش‌ستون چوبین چهارسوی ساده است. اطراف بقعه گورستانی قدیمی است و بالای مدخل گورستان شاخ بزکوهی قرارداده شده است.

بقعهٔ حسن‌شهید
در شهر کجور

بنایی است چهارگوشه بایك ستون چوبین چهارسوی قطور در وسط وسرکشی برستون و دیوارهای دو طرف متکی است. ایوانی جلوبنا است. سقف‌بقعه و ایوان پلورکشی وپل‌کوبی است. گورستانی وسیع وقدیمی درجنوب بقعه‌است . برسردر ورودی‌گورستان چندین شاخ بزکوهی‌کهنسال است.

امامزاده عبدالله
در اراضی شرقی شهر کجور

بنای اصلی بقعه چهارضلعی مستطیل‌است وایوانی‌جلوبناست. سقف بقعه وایوان پلورکشی و پل‌کوبی است و بام سراسربناگلی است .

۱ـ بفتح شین و تشدیدیاء . ۲ـ کجورقصبهٔمرکزی دهستان‌کجوربخش‌مرکزی شهرستان نوشهر، سی‌وشش کیلومتری‌جنوب‌صلاح‌الدین کلا (سردین کلا) که در۳۲ کیلومتری مشرق‌نوشهر و ۱۰ کیلومتری غرب‌المده واقع است (فرهنگ جغرافیایی‌ایران ، ج ۳).

خرابه‌های شهر قدیمی کجور معروف به خرابه‌شهر در دو کیلومترو نیمی شهر کجور امروزی

این‌شهر که دردامن کوه بوده حصاری محکم واستوارداشته است .

ابن‌اسفندیار می‌نویسد که در سال۲۷۳ محمدبن زیدبن‌اسماعیل‌حالب‌الحجاره، حصار کجور را مرمت کرد.[۱] این عبارت می‌رساند که قبل از او حصاری برای این شهر ساخته بوده‌اند . ولی‌ازعبارت سیدظهیرالدین چنین برمی‌آید که بانی حصار کجور او بوده است .[۲]

این‌شهر که خرابه‌های آن‌امروز درمنطقهٔ وسیعی باقی‌است، در تاخت و تاز مغولان خراب شد. ملک‌جلال‌الدوله اسکندر ، روزشنبهٔ بیست ویکم ذی‌الحجه‌موافق با بیست‌و هفتم تیرماه قدیم سنهٔ ۷۴۶ هجری، بنای‌شهر کجور راگذاشت.[۳]

رابینو می‌نویسد که در تاریخ۲۱ذی‌الحجه سنهٔ ۷۴۰قمری استندارجلال‌الدوله اسکندر، شروع به تجدید بنای قلعه و شهرکجورکرد . نامبرده باروی‌شهر را تجدید بناکرد و ارگ آن را در ۲۱ ذی‌الحجهٔ سال ۷۴۶ هجری تمام‌کرد و در ناحیهٔ رویان قلعهٔ شاه‌دز را که خود درآن منزل‌داشت ، بنا نمود.[۴] در زمان اوشهر کجور پایتخت بوده است.[۵]

شهر کجور امروز که در دشت بنا شده‌است زیاد قدمتی ندارد و ظاهراً پس از کوچاندن ایل خواجه‌وند، به امر آقا محمدخان به این صفحات، به‌دست افراد ایل ساخته شده است . مصالح‌آن خشت وگل است وکوچکترین اثرهنر معماری در آن

۱ـ تاریخ طبرستان ، ص ۲۵۳ . ۲ـ تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ، ص ۲۱۱. ۳ـ تاریخ رویان، ص ۱۳۰. ۴ـ متن انگلیسی سفرنامهٔ مازندران و استراباد، ص ۳۰. ۵ـ تاریخ رویان، ص ۱۲۲ .

دیده نمی‌شود. خانه‌ها یك طبقه و ابتدایی وکوچه‌ها تنگ وپرپیچ وخم است.

قلعهٔ کجور معروف به دورقلعه یا سوته‌قلعه
بر بازوی کوهی مسلط بر شهر کجور

بر بازوی کوهی که تقریباً جهت شمال و جنوبی دارد و از رشتهٔ اصلی که سمت شرقی غربی است جدا می‌شود، آثارقلعهٔ بزرگی برجای است که براثرکندوکاو گنج‌ـ گیران زیر و رو شده است. آثار آب‌انبار و حمامی در اراضی آن دیده می‌شود. مصالح اصلی بناگچ وآجر و سنگ بوده است. سیدظهیرالدین، این‌قلعه را به نام قلعهٔ کجور می‌شناسد.[۱] و عبدالفتاح فومنی آن‌را «قلعهٔ ماران» می‌خواند[۲] و صاحب عالم‌آرا شرح مفصلی از این قلعه در ادوارمختلف نوشته وآن را به‌نام«قلعهٔمارانکوه» ضبط کرده است.[۳] وعلی‌بن‌شمس‌الدین‌بن حسین‌لاهجی آن را به‌نام «قلعهٔ کجور» یاد کرده است.[۴] واعتمادالسلطنه آن را به‌نام «قلعهٔ مارانکوه‌کجور» معرفی کرده است.[۵] ظاهراً مرادخان سفره‌چی ولدتیمورخان‌که شاه‌طهماسب او را روانهٔ رستمدارکرده تا قلعهٔ کجور را تسخیرکند، بدین‌قلعه روی‌آورده است[۶] و همین‌قلعه‌است که‌پس‌ازاینکه به دست مأموران صفوی سوخته شد، به نام « سوته قلعه » شهرت پیداکرد و امروز «دورقلعه» خوانند.

۱ـ تاریخ گیلان و دیلمستان، چاپ نگارنده ، صفحات ۳۰۳ و۳۰۴ و ۳۱۰ و۳۱۴.
۲ـ تاریخ گیلان، ص ۳۵. ۳ـ عالم‌آرا، ج ۱، ص ۵۳۵. ۴ـ تاریخ خانی ، ص ۳۱۵. ۵ـ التدوین فی‌احوال جبال شروین ، ص ۱۰۴ . ۶ـ عالم‌آرا ، ج ۱ ، ص ۱۲۱ و ۲۰۰ و ۵۰۳ و ۵۰۴ . وج ۲ ، ص۱۳۹ شرح تسلیم شدن قلاع کجور ،ج ۱ ، ص۵۳۵ و ۵۳۶ و ۵۳۷ .

تپهٔ سرحمام
درداخل شهر کجور امروز

تپه‌ای که با خاکریز دستی به‌وجود آمده است، درداخل شهر کجور، پشت مسجد است. درکندوکاوهایی که کرده‌اند، آثار ساختمانهای قدیمی وآب‌انبار درآن پیداشده است. سفالهای لعابدار اسلامی و سفالهای بدون لعاب درآن زیاداست.

راه کجور به اوزرود نور

این راه از شهر کجور به‌پشت دهکدهٔ لاشك می‌رود. ازآنجا پس ازگذشتن از گردنهٔ شاه‌کوه و سنگ دروازه به ملاحسین دره می‌رسد وازاینجاپس‌ازعبورازگردنهٔ کنگرلو سرازیر می‌شود وپس ازطی راه مارپیچی درازی به اوز از دهکده‌های اوز-رود نور می‌رسد.

راه شهر کجور به نهررودبار و دشت کجور

این راه از طرف شمال شهر کجور به تنگهٔ نهررودبار وگردنهٔ شاه‌نفار (نپار)[1] می‌رود. ازآنجا بـه دامنهٔ کنسان[2] و دهکده‌هـای نارنجك‌بن و ونوش‌ده و از اینجا از دامنهٔ‌کوه به ناتل و آمل ادامه پیدا می‌کند. در راه ناتل به‌آمـل در جنگلهـای انارجار و قرق[3] چندپل سنگی وآجری موجود است.

۱ـ بکسر نون. ۲ـ بضم کاف وکسر نون اول. ۳ـ بضم قاف اول وراء.

دروازه‌ای قدیمی
در مرتع اسمچران[1] بالای نیتل سرراه کجور به بلدهٔ نور

معروف است که دراین محل دروازه‌ای‌قدیمی بوده وازآدمیان و بارچهارپایان حق عبور می‌گرفته‌اند.

راه کجور به‌بلدهٔ نور

این راه از شهرکجور به دهکدهٔ صالحان و دهکدهٔ شاه‌ناجر و دهکدهٔ ورازان می‌رود. ازدهکدهٔ ورازان‌که خارج شد، ابتدای‌گردنهٔ قرق است.پس ازطی سربالایی گردنه و سرازیر شدن از آن بـه تنگـه‌ای می‌رسد کـه مستقیم به بلـدهٔ نـور وارد می‌شود.

راه دیگر کجور به بلدهٔ نور

این راه ازکجور به‌کلارزمین و خواچك ونیتل وگردنهٔ سنگ‌چشمه می‌رود و به‌بلده می‌رسد .

راه کجور به‌میناك نور

این راه ازکجور به‌انگیل و انگاس وگردنهٔ‌کنگرچال و پس‌از سرازیرشدن‌به ترخان‌ده (=میناك) می‌رسد.

راه کجور به سی‌سنگان

این راه‌که معروف به راه سردین‌کلا است، ازکجور به‌قهوه‌خـانهٔ نهررودبار و

۱ـ بفتح الف وکسرمیم وفتح چ .

تنگه و قهوه‌خانهٔ کتو و سردین کلا و سی‌سنگان می‌رود .

راه کجور به‌المده

این راه ازکجور به‌کدیر[1] وکدیرسر و معدن گلندرود والمده می‌رود .

قلعهٔ انگیل
پشت دهکدهٔ انگیل حومهٔ شهر کجور

بر سر تیرهٔ کوهی که مسلط به دهکدهٔ انگیل است، قلعه‌ای قدیمی‌است .مصالح بنای آن سنگ وآجر وگچ بوده است.

قلعهٔ شیواردره
درراه قدیمی کجور به‌سردین کلا (صلاح‌الدین کلا)

در راه قدیمی کجور به سردین کلا که از نهر رودبار می‌گذرد، در هیجده کیلومتری شهر کجور امروزی بربالای ارتفاعی، قلعه‌ایست به‌نام «شیواردره» که مصالح بناهای آن سنگ وگچ بوده است.

قلعهٔ ولیج[2]
بردامن کوه میان راه کجور به کدیر

این قلعه‌ظاهراًقابل تطبیق باقلعهٔ«ولیک‌بن»[3]است.«در ترجمهٔسفر نامهٔمازندران و استراباد رابینو محل‌آن «در میان راه‌قصرنجو(نشو) به‌کلار» تعیین شده‌است.[4] این‌دو محل به‌هیچ‌وجه شناخته نشد . ما حدس زدیم‌که نام این قلعه بساید شکل دیگری‌از

۱ـ بضم کاف . ۲ـ بفتح‌واو. ۳ـ بفتح واو وکسر گاف. ۴ـ ترجمهٔ سفرنامهٔمازندران و استراباد رابینو ، ص ۱۴۷ .

«ولیگ» باشد. بردامن کوهی برسر راه کجور به کدیر آثار قلعه‌ای قدیمی برجای است و به‌نام ولیگ‌بن خوانده می‌شود .

امامزاده جعفر بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام در اراضی بدی‌خیل حومهٔ کجور

بنایی است هشت ضلعی از آجر باگنبدی هشت‌ترك (عکس‌شمارهٔ ۴۸). در ورودی شرقی و دو لنگه وقاب و آلت ساده است. ابتدا از کفش‌کن به دارالحفّاظ و بعد به‌بنای اصلی بقعه می‌رود. محرابی در ضلع قبلی است وخفنگی نورگیر درضلع جنوب غربی قرار داده شده است .

در هریك از اضلاع طاقنمایی باطاق هلالی است. یك نوار گچ بری به‌پهنای پنجاه سانتیمتر بانقش‌گل و بوته و اسلیمی زیرگنبداست (عکس‌شمارهٔ ۴۹). گنبد از داخل عرقچینی است و نقوشی نظیرنقوش ظروف سفالین اسلامی بروسط آن نقاشی‌شده‌است. پایین این نقش در سمت جنوبی و شمالی‌گنبد، دو دایره است‌که داخل‌آن نقش شیرو خورشید ترسیم شده است . در دو طرف شرقی وغربی نیز دودایره است‌که داخل‌آنها نقش شیر و مار است. مار به دورکمرشیر پیچیده وگردهٔ شیررا به‌دندان‌گرفته است . قسمتی از بدن مار نیز در دهان شیراست.

صندوقی چوبین قاب و آلت ساده دروسط بناست‌که درازای آن ۱۸۵ وپهنایش ۱۲۰ و بلندیش ۱۳۲ سانتیمتر است.

گور مصقلة‌بن هبیرة‌الشیبانی در راه کجور به‌کندسان و نور

مصقله در دوران خلافت‌معاویه از اوخواست‌تاهزار مرد بدو بدهدتاطبرستان‌را

مسخر کند، معاویه این لشکر را بدو داد. دوسال با فرخان جنگ کرد. سرانجام درکجور کشته شد و در قریهٔ چهارسو به خاك سپرده شد. درزمان سیدظهیرالدین این محل را «کیامشغله» می گفته‌اند.[۱]

ابن اسفندیار می نویسد:

«گور مصقله درراه کجو به راه‌کندسان بر سر راه نهاده است. عوام‌الناس به تقلید وجهل زیارت می کنند که صحابهٔ رسول علیه‌السلام است.»[۲]

مولانا اولیاءالله آملی پس از شرح لشکرکشی او به‌خاك طبرستان می نویسد:

«در آخر بطریق کجور به راه‌کندسان فرودآمد. مردم آنجا واهالی رویان درآن مقام او را بکشتند وگور او هنوز برسرراه نهاده است. عوام‌الناس بـه تقلید و جهل زیارت می‌کنند کـه این از جملهٔ صحابهٔ رسول است صلی‌الله علیه و آله و سلم وآن دروغ است و در تاریخ طبرستان بهاءالدین محمدکاتب بدین موجب یادکرده است.»[۳]

میرزا حسن‌خان اعتمادالسلطنه می نویسد:

«گور او در یکی از قرای کجور به‌نام «چارسو» است و مردم این مرقدرا «کیامشغله» می نامند.»[۴]

آثاری از مرقد او در زیر صالحان روبروی سریوده باقی است، برجی چهارضلعی از سنگ وگچ است و امروز به‌نام «یزیدی» خوانده می‌شود.

۱ــ تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ص ۱۹۵، التدوین، ص ۴۴.
۲ــ تاریخ طبرستان، ص ۱۵۸. ۳ــ تاریخ‌رویان، ص ۴۸و ۴۹. ۴ــ مرآت‌البلدان، ج ۴، ص ۴۹ و ۵۰.

شاهزاده حسین پسر امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ فیروزکلای پایین[1] حومهٔ کجور

بنایی است هشت ضلعی از سنگ و گچ که قطر آن از داخل ۳۳۰ سانتیمتر است. پهنای هریك از اضلاع از داخل دومتر و در بدنهٔ داخلی هریك از اضلاع یك طاقنماست. خفنگی نورگیر مشبك‌چوبین در شرق و دو خفنگ دیگر در جنوب و جنوب‌غربی است. سقف بنا از داخل نیز هشت‌ترك است و ترکها را به نقطهٔ واحدی رسانیده و سقف را جمع‌کرده‌اند. نقش خورشیدی در وسط طاق و اطراف آن کمی پایین‌تر دو خورشید و دو دایرهٔ منقش وگل وبوته است. صندوقی تخته‌ای مرقدرا پوشانیده وضریحی‌چوبین‌مشبك درفاصلهٔ نزدیکی صندوق‌را احاطه‌کرده است. درازای این ضریح ۲۳۰ و پهنای آن ۱۱۶ و بلندی‌آن ۱۱۵ سانتیمتر است.

جلو بنای اصلی بقعه مسجدی به درازای ۷۳۵ وپهنای ۵۰۰ سانتیمتر بنا شده است. ایوانی جلو مسجد و حیاط کوچکی جلوایوان است. در ورودی اصلی به این حیاط باز می‌شود وبالای‌آن مأذنه‌ای چوبین است(عکس شمارهٔ ۵۰).

در مسجد و حیاط سنگهای قبور زیر دیده‌شد :

« وفات‌المرحوم‌المغفور امیرخان‌ابن رحمت وغفران‌پناه شاه‌قباد خواجه‌وند من طایفه شرفاوند سنه ۱۲۱۴».

« وفات مرحوم مغفور تیمورخان ولد مرحوم شیرمحمدخان خواجه‌وند فیروزکلائی ۱۳۲۴» .

۱ــ فیروزکلای‌بالا: ده ازدهستان علوی کلابخش‌مرکزی‌شهرستان‌نوشهر، سه کیلومتری شرق‌کجور و فیروزکلای پایین ۲/۵ کیلومتری شرق کجور است (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳).

« وفات غفران‌پناه مرحوم محمد نصیر سلطان ابن‌طاطاسلطان خواجه‌وند سنه ۱۲۴۰» .

« وفات‌المرحوم نامدارخان‌ابن مرحوم کاکاسلطان خواجه‌بند یوم پنجشنبه چهارم ذیقعدةالحرام سنه ۱۲۴۲».

حسینیه‌ای نزدیك بقعهٔ شاهزاده حسین است و چناری کهنسال در دیوارمحوطهٔ این حسینیه دیده شدکه محیط دایرهٔ تنهٔ آن به ۸۴۰ سانتیمتر می‌رسد .

امامزاده سیدعلی

دراراضی فیروزکلای پایین از توابع کجور

بنای اصلی بقعه چهارگوشه است و ازسنگ وگل بنا شده است.ایوانی درجلو بناست . سقف بنا و ایوان پلورکشی و پل‌کوبی است . صندوقی چوبین ساده در وسط بنای اصلی بقعه مرقد را پوشانده است . محوطهٔ باز اطراف بقعه، گورستانی قدیمی است. دوسه‌گور قدیمی دیده شدکه‌طرف شمالی وجنوبی‌گور سنگهای یك‌پارچه به ارتفاع ۷۰ و درازای ۱۱۵ سانتیمترکار گذاشته بودند . سنگ بالاسر گورها از بالا سه‌شاخه و به‌پهنای ۹۸ و بلندی ۷۰ سانتیمتر است. بربدنهٔ خارجی‌سنگهای بزرگ و کوچك‌مطالبی‌حك‌شده بودکه خوانده نشد (عکس شمارهٔ ۵۱). همانند این سنگهارا دربقعهٔ سیدمحمدبن‌امام‌جعفرالصادق علیه‌السلام در دهکدهٔ گویتربیرون‌بشم‌کلارستاق دیدیم ولی سنگهای‌گورستان بقعهٔ سیدعلی بزرگتر و قطورتر است. این‌سنگهاظاهراً مربوط به اواخر قرن‌نهم و اوایل قرن دهم هجری قمری است.

مزار سیدخدیجه

در دامنهٔ کوه نزدیك بقعهٔ سیدعلی

در شرق بنای بقعهٔ سیدعلی و در دنبالهٔ اراضی‌گورستان این بقعه بنایی‌هشت

ضلعی از سنگ و گچ است . پهنای هرضلع ازخارج ۲۰۸سانتیمتر وقطرهشت‌ضلعی‌از داخل ۴۴۲ سانتیمتروقطردیواربنا ۸۵ سانتیمتر است(عکس شمارهٔ ۵۲). بوتهٔزرشکی داخل بناست‌که دخیل زیادی برآن بسته بودند . بلندی دیوارهای بازمانده‌یك‌متر و نیم تا دومتر است . این بنا ظاهراً گور یکـی از بزرگان یا سران قـوم‌بوده است .

امامزاده‌سید ولی
در اراضی دهکدهٔ فیروزکلای بالا حومهٔ کجور

بنای اصلی‌بقعه‌اطاقی است‌به درازای پنج وپهنای‌چهارمتر. سقف بناپلورکشی‌و پل‌کوبی است و بام‌آن لت‌سر است. صندوقی تخته‌ای ساده مرقـد را پوشانده است . مسجدی در جلو بنای بقعه است. درازای‌آن پنج‌متر و پهنای آن سه‌متراست. ایوانی نیز در جلو مسجد است . در ورودی مسجد و بقعه شرقی است. گورستانی قدیمی در محوطهٔ اطراف بقعه است . در محوطهٔ متصل به‌گـورستان دو اصلـه درخت اوجـای (نارون) کهنسال است . محیط دایرهٔ تنهٔ یکی ۴۰۰ ودیگری ۴۰۴ سانتیمتراست.

اوجائی (نارون)کهنسال
متصل به بقعهٔ سیدنبی در دهکدهٔ فیروزکلای بالاحومهٔ‌کجور

بقعه‌ای‌کوچك در این دهکده است‌که به‌نام‌سیدنبی معروف است وبنایی‌قدیمی به‌نظرنرسید. درخت اوجای کهنسالی متصل به‌بنای بقعه است‌که محیط دایرهٔ تنهٔ آن ۷۰۷ سانتیمتر است.

چناری کهنسال
در تکیهٔ فیروزکلای‌بالا حومهٔ‌کجور

در محوطهٔ مسجد وتکیهٔ فیروزکلای بالا چناری‌کهنسال است که‌گرداگرد تنهٔ

آن بالغ بر ۵۰۵ سانتیمتر است .

آثار بناهای قدیمی
در فیروز کلای بالا حومهٔ کجور

در اراضی لوس[۱] نزدیك به این دهکده پس از کندوکاو آثار اطاقهایی پیداشده است . گچ هم از مصالح ساختمانی این بناها بوده‌است.

شاه پلافه[۲]
برسر کوه رستم‌زنی[۳] از کوههای فیروز کلای بالا

در این محل آثار قلعه‌ای قدیمی دیده می‌شود که مصالح آن آجر و سنگ وگچ بوده است .

قلعهٔ پی‌اسپرس
در دهکدهٔ پی‌اسپرس کالج گلندرود کجور

جای یادآوری از این قلعه قاعدةً در شرح روستاهای گلندرود باید بیاید و آبریز آن به رودخانه‌ای دیگر غیر از آبریز رودخانهٔ کجور است ولی از آنجا که نزدیکترین راه آن از راه فیروزکلای بالا بود، در اینجا یادکردیم. برسر تپه‌ای منفرد که چمن‌زار است، نزدیك دهکدهٔ پی‌اسپرس آثارقلعه‌ای قدیمی وجود دارد. مصالح بنا آجر و سنگ وگچ بوده است . آثار آب‌انباری نیز درمحوطهٔ قلعه دیده می‌شود. بناهای قلعه براثر کندوکاو زیاد زیرو رو شده است و طرحی‌از وضع قدیمی قلعه نمی‌توان‌تهیه‌کرد .

۱ـ بفتح لام و سکون واو .	۲ـ بفتح پ و کسر فاء .	۳ـ بکسر زاء و تشدیدنون به معنی زانو است .

مرقد ملك تاج‌الدوله زیاد بن کیخسرو بن شهراگیم
در دهکدهٔ کدیر[1] کجور

در ایام دولت ملك تاج‌الدوله، مردم رستمدار و رویان درعین جمعیت و استراحت بوده‌اند و در سیاست رعایا و تدبیر ملك هیچ ملکی به ملك تاج‌الدوله نرسید. مدت ده سال بدین منوال روزگار بگذرانید و در سنهٔ اربع و ثلاثین و سبعمایه به مقام کدیر، به اجل مسمای خود برسید.[2]

منبر مسجد جامع کدیر

حسام‌الدوله اردشیر پسر ناماور پس از پدر که در سال ۶۴۰ فوت شد، به‌جای او نشست «برادرش اسکندر بن ناماور درطرف ناتل و آن حوالی نشستی و منبری که در جامع کدیر نهاده است و نام اسکندر بن ناماور بر آنجا ثبت کرده‌اند و تاریخش صد و دو سال است، این اسکندر است.»[3] اگر سراسر تاریخ رویان درسال ۷۶۴ که سال ختم آن است گردآوری شده باشد، این منبر ظاهراً در سال ۶۶۲ ساخته‌شده بوده‌است.

امامزاده سیدحسین و سیدقاسم
در اراضی پارجین کیلی کدیر

بنای اصلی بقعه چهارگوشه است. سقف بنا پلورکشی و پل‌کوبی است. مسجدی متصل به‌بنای بقعه است. ایوانی درجلو آنست که در عرض مسجدقرار می‌گیرد. بنای بقعه و مسجد در دامنهٔ تپه‌است وگورستانی وسیع اطراف بقعه است.

۱ــ کدیر (بضم کاف) : ده از دهستان کلرودپی بخش مرکزی شهرستان نوشهر، بیست ویك کیلومتری جنوب صلاح‌الدین کلا (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) .

۲ــ تاریخ رویان، چاپ نگارنده، ص ۱۷۶.

۳ــ تاریخ رویان، ص ۱۵۴ .

چون گورها در دامنهٔ تپه قرار گرفته‌انـد ، بلندی قبلی آنهـا بیشتر از بلندی شمالی است و سنگهای قبور را در سمت قبلی نصب کرده‌اند .سنگها مورّخ بودند ولی قدمتی زیاد نداشتند . برسنگ قبری نام طایفهٔ «پیچ» حك بود. ایـن طایفه در پیجدهٔ نـور نیز ساکنند .

قلعهٔ مور
بر قلهٔ کوهی به‌نام«قلاسر»[1]

بالای قلهٔ قلاسر زمینی مسطح و پهناور در حدود دوهزارمتر مربع است . این قله میان مرتع موزی‌سی و مرتع فاتمه‌لا[2] است. ازطرف قبلی به نهر رودبار واز شرق و غرب به مرتع هشتاتن[3] محدود می‌شود . اراضی زیر بنای این‌قلعه که سالها از قلاع مهم و مشهور بوده است تبدیل به‌جنگل‌شده و آثـاری از بنا درآن دیده نمی‌شود. دو گودال نسبةً بزرگ دراین محل دیده می‌شود که ظاهراً اثر کندوکاوهای گذشته است. این‌قلعهٔ عظیم، پیش قلعه‌ای به‌نام مناچیرقلعه[4] یا مناچیر کـلا[5] قلعه داردکـه برکنار شاهراه شاه‌عباسی است.

ابن اسفندیار می‌نویسد که وقتی‌که افراسیاب منوچهـر را دنبال کـرد، او بـه رستمدار آمد وپس از چندی‌که در خورشیدرستاق آواره شد در چلندر درمحلـی‌که کوهستان خیلی به‌دریا نزدیك است،پناه جست.درآنجا میان دیهای ونوشده وکنس ، خندق بزرگی حفرکرد و با همراهان خود درآنجا ماند و خانوادهٔ خودرا به‌قریهٔ موز (در نسخه‌های خطی مور) فرستادکه درآن وقت مانهیر نام داشت‌که در یك‌طرف آن

۱ـ بفتح قاف. ۲ـ بکسر تاء . ۳ـ بفتح هاء وتاء دوم . ۴ـ بفتح‌میم.
۵ـ در دفاتر دیوانی «منوچهر کلا» نویسند.

کوه غار بزرگی است. منوچهر خزاین و دفاین خود رادرآن‌غارپنهان‌کرد ودرمدخل آن قلعه‌ای ساخت که در زمان‌مؤلف به‌نام«دزمنوچهر» شهرت داشت. درزمان‌کوچك علوی از همین‌غار خزاین‌بسیار به‌دست‌آمد.[۱]

اسماعیل‌کدخدای درزن[۲] به‌کلنل ولز گفته‌بودکه درنوررودبار قلعه‌ای‌غیرقابل تسخیر به‌نام قلعهٔ مور وجود دارد.[۳]

بقعهٔ طاهر و مطهر ومدفن ملك‌کیومرث استندار در اراضی دهکدهٔ هزارخال[۴]حومهٔ شهرکجور

قدیمیترین سندی‌که درآن از بقعهٔ طاهر و مطهر یاد شده است، تاریخ گیلان سیدظهیرالدین مرعشی است. نامبرده در سال ۸۶۳ هـ. ق. از قریهٔ هزارخال‌واین‌بقعه دیدن‌کرده ، این شرح را دربارهٔآنجا نوشته‌است :

«روزجمعهٔ بیست‌وهفتم شوال‌سال ۸۶۳ به‌قریهٔ هزارخال‌کـه مـزار مبارك حضرات سادات‌کرام سیدطاهر ومطهرآنجا است وملك‌مغفور ملـك‌کیومرث جهت آن دوپاك‌زادهٔ عصمت‌پناه قبه‌ای عالی‌ساخته است و وصیت‌کرده‌که او را در قدم‌آن سیددفن‌کنند و قبر اورا به‌دو شبر از قبورآن سادات پست‌تر برآورند و همچنان‌کردند. واقعاً‌ملك مرحوم درایام دولت خودبسیارازاین خیرات‌کرده است و هرجاکه درآن ولایت‌نشان مزاربزرگی ازبزرگان‌دین

۱ـ متن انگلیسی سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو،ص ۲۹. ۲ـ بفتح‌دال‌و زاء و سکون راء .

۳ـ «Across the Elborz mountains to the Caspian sea» by Lt.Col.H.L. Wells in the Scottish geographical magazine jan . 1898 .

۴ـ هزارخال : ده از دهستان کجور بخش مرکزی نوشهر ، سه کیلومتری جنوب کجور (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج۳).

داده بودند به بالای آن‌عمارت مرغوب بفرمود ساختن . فی‌الجمله فراخور ملك خود وقعی بنهاد و متولی بنشاند تا به‌مستحقان طعامی‌برسانند و برسر راهها در هر مواضع‌که از آبادانی دور بود بفرمود تارباطی بساختند.»[۱]

میرزا حسن‌خان اعتمادالسلطنه در رکاب ناصرالدین‌شاه در سال ۱۳۰۳ هجری قمری، از این‌بقعه دیدن‌کرده(عکس شمارهٔ ۵۳) و شرح‌زیر را دربارهٔآن‌نوشته‌است:

«قریهٔ هزارخال در نیم فرسخی شهر کجور ، نزدیك ناجردشت و صالحان است که اردوی همایونی امسال در بین این‌سه قریه متوقف و مـن در روز جمعهٔ بیست وهفتم شهر شوال‌المکرم سنهٔ‌هزارو سیصدوسه، به قصدزیارت و تفتیش اولیّت وکیفیت بنای مشهد امامزاده‌ها که در آنجا مدفونند بـه‌قریهٔ هزارخـال درآمدم. درایـن قریه پنجـاه خـانوار بود، تمام‌آنها از ایـل خاجوندند و بین ایشان اصلاً خانواری از مازندرانیان‌نیست واین‌طایفه‌را شاه‌شهید آقامحمدشاه‌قاجـار حشرّه‌الله مع‌الائمة‌الابرار از گرّوس‌وکردستان کـوچانیده ، بـدین‌سرزمین مرتع و مـراعی داد تا رفـع‌سرکشی وطغیان مازندرانیان بدیشان شده، اشرار رستمدار وهمجوارآن از حلقـهٔ اطـاعت بیرون نشوند و از جادهٔ اعتدال به‌طرف دیگر نروند.چراکه اهالی‌طبرستان در ابتداء سلطنت شاه شهید خالی از شرارت نبودند و یا مـی‌خواسته است دفع‌شر این طایفه را ازگرّوس وکردستان بفرماید.[۲]

بقعهٔ مبارکهٔ امامزادگان در این‌قریه واقع است و بـدواً گنبد و بارگاه و صندوق آن به امر ملك‌کیومرث بنا شده است ونیزخود وی را بعد از وفات

۱ـ تاریخ گیلان و دیلمستان، چاپ نگارنده ، ص ۲۹۶ و ۲۹۷ . ۲ـ مجموعهٔ کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی، ج ۸، شمارهٔ ۷۳۲، برگ ۵۰۷ الف و ب .

در آنجا دفن‌کرده‌اند . در بنای این بقعه آنچه که به‌نظـر رسید از ایــن قرار است :

چون از در اول داخل‌شدم ، صحنی به‌نظرآمدکه فضای آن مدفن امــوات بود و دیوار اطراف‌آن در غایت‌کوتاهی و به‌حالت خرابی وتباهی‌آمده، در وسط این‌صحن گنبد وبارگاهی برپا شده است‌که درنهایت رفعت و استحکام است. چون خواهی‌که داخل بقعه‌شوی، دری به‌نظرآیدکه ازچوب جنگل ساخته و رویش را منبت‌کرده‌اند برروی مصراع آن‌درکه دروقت دخول به یمین واقع شده، این‌فقره را به خط رقاع نوشته‌اند:

امر بهذاالباب المشهدالمبارك الملك‌المعظم .

و در مصراع‌که در سمت یساراست، این‌فقره نوشته‌شده :

جلال‌الدوله‌کیومرث‌بن شرف‌الدوله بیستون استندار.

و در جبههٔ قطری مصراع راست این‌عبارت به‌نظررسید:

عمل محمدبن‌حسین‌کیاکردی .

چون از این‌در داخل‌شوی، رواقی تنگ باشد و طولش ازجنوب به شمــال هشت مترونیم و ارتفاعش ازسطح زمین تا سقف‌که قوس و هلال ساخته‌اند، پنج‌متر است و در یمین و یسار این رواق دوصفهٔ بزرگ‌بسته شده است که در زیرآن مقبره‌ای به‌نظر آمد. لیکن بنای این دوصفـه بخـلاف بناهای دیگر این بقعه، جدید است. براطراف این رواق دوکتیبه نوشته شده است که آنها را برروی‌گچ با رنگ سرخ وکبود مرقوم داشته‌اند. اغلب جاهای این دوکتابه محو شده وگچ‌آن ریخته شده است وکنون آنچه‌که از کلمات آن‌کتابه باقی مانده در این‌جانوشته شده و به‌جای‌کلماتی که خوانده نشده چند نقطه‌گذاشته می‌شود :

.... السلام علیك یا ابراهیم خلیل‌الله السلام علیك یا اسمعیل ذبیح‌الله السلام‌علیك یا موسی کلیم‌الله السلام‌علیك یا عیسی روح‌الله السلام علیك یا وارث محمدبن عبدالله.... السلام علیك یا وارث‌امیرالمؤمنین ... فاطمه و حسن وحسین وزین‌العابدین ومحمد... بحق‌المحمد وانت‌المحمود و بحق علی‌وانت علی‌الاعلی و بحق فاطمه و انت فاطرالسموات‌والارض و بحق الحسن وانت‌المحسن وبحق‌الحسین والیك یرجع‌الاحسان ... واغفرذنبی و استرعیبی بفضلك وکرمك یاربی .

ونیز کتابه‌ای باریك بالاتر ازکتابهٔ اولی است که تمام آن یك‌سطر وبالای سردر رواق دوم نوشته شده است . آنچه که خوانده شد از این‌قراراست:
... تحتهاالانهار ... والذین معه‌اشداء علی‌الکفار ...سراجاً منیرا ... و شاهداً وبشیرا ونذیرا ... فاوفی الی‌عبده ما اوحی ... وکان‌قاب قوسین اوادنی ...سبحان‌الذی اسری ... من‌المسجدالحرام الی‌المسجدالاقصی ... و هردوی این‌کتابه به‌خط ریحان است .

از این رواق مذکور به رواقی دیگرکه مانند مسجد و واقعاً دارالحفّاظ این بقعه است ، داخل می‌شود و دری دراین‌جا نصب است‌که روبروی درب‌اول واقع شده است . درهرمصراع دری، چهار سطر نوشته شده‌که دو سطر آن فوقانی و دوسطر تحتانی است و مرقومات آن بدین تفصیل‌است :

مصراع طرف دست راست	مصراع طرف دست چپ
قدتم هذاالباب بامرالسلطان الا	عظم مالك‌رقاب الامم‌السلطان
ملك کیومرث خلدالله‌ملکه‌وسلطانه	واوضح‌علی‌العالمین برّه واحسانه
تحتانی	تحتانی
فی‌تاریخ‌جمادی‌الاولی سنة‌تسع واربعین	وثمانمائه‌الهجریة‌صانعه استاد یوسف‌بن
نجار فیروزی متولی هذالزیاره	الشیخ حسین گالش

این در به‌رواق دوم باز می‌شودکه دارالحفّاظ بوده و ازبرای انعقـاد صفوف جماعت وسعت مکان دارد وعرضش ازجنوب تاشمال هشت مترونیم و طولش از مشرق الی مغرب چهارده متر است . در این رواق در سمت‌جنوب صفهٔ محراب‌داری برپاشده ونیزروبروی‌آن‌هم‌صفه‌ایست‌که پنجره‌ای بردیوارآن قرار دارد و آن پنجره روبه‌صحن باز می‌شودکه از بیرون رواق بـه درون روشنائی داخل می‌شود و طاق این رواق مانند رواق اول از آجر و به طور هلالی ساخته شده است . از این رواق به روضهٔ مطهر و مرقد منور داخل می‌شودکه دری درآنجا نصب‌شده است‌که‌روبروی درب اول ودرب‌ثانی‌است. این در بخلاف درهای دیگر ساده وبی‌نقش ونگار است . بالای‌سراین‌در، سنگی نصب کرده‌اندکه این عبارت برروی‌آن نوشته‌اند :

عمل استاد حسین بن علی‌بناء آملی‌الحسینی .

از این در به روضهٔ مطهره باید رفت ، سطح ایـن روضه مربع و منتظم و متساویةالاضلاع است که طول هرضلعش هشت‌متر و نیم و ارتفاعش از سطح زمین تا قاعدهٔطاق، ده‌متر وازقاعده تا ذروهٔ‌گنبد که منتهی به‌نقطهٔ‌مخروطی است، چهارمتر بود و طاق‌گنبد به‌وضع‌نصف‌کره و مانند اسطوانی است واز بیرون به‌شکل منشوری است.

از وسط دیوارهای‌جنوبی وشمالی،دوپنجره روبه صحن به جهت روشنائی و نفوذ هوا گذاشته‌انـد وآن پنجره‌ها را ازچوب جنگلی مشبك ساخته‌اند . طول هرپنجره‌هشتاد وعرض‌آنها چهل‌سانتیمتر است. در هر دیواری سه‌عدد طاقچه‌نما ساخته بودند و از وسط طاقچه‌نمائی‌که در دیوار غربی وروبروی درب بین رواق و روضهٔ مطهره بود ، سپری برجسته و محدّب ازگچ ساخته

بودندکه قطر آن هشتاد سانتیمتر به‌نظر آمد و شکل ساعدی فقط از رنگ نقش کرده بودند که‌دردست‌شمشیری گرفته وآن را تاوسط، درپشت‌سپر به‌کار برده بودند.

در اطراف این‌روضه، سه‌کتابه دیده‌شدکه بکلی اثری از آنها باقی نمانده‌و گچهایش ریخته بودو بهیچوجه خوانده نمی‌شد، ولی درکتابهٔ اولی بعضی کلمات ملاحظه‌شدکه لفظ «کیومرث» و«جلال» و «الحمد» نوشته شده بود. معلوم شدکه این کتابه باکتابهٔصندوق اول که نوشته می‌شود مطابق واختلافی نداشت و این‌کتابه‌هاکه خوانده نشد، به خط ریحان و تعلیق بود. نیز در دو طرف هر طاقچه‌نمائی به خط کوفی،مربعی قرارداده‌که به‌طرز«مقرنس عرابی=عرابیسك» بعضی کلمات ازآیات‌قرآنیه واحادیث‌نبویه وصلوات و سلام نوشته شده بود.

در وسط گنبد، دوصندوق، یکی بزرگتر و دیگری‌کوچکتر واقع شده. صندوق بزرگ که طرف دست‌چپ است، مرقد دو امامزادهٔ بزرگوار است. طول این صندوق دومترونیم وعرضش یك‌متر ونیم و ارتفاعش نیز یك مترو نیم است. باآنکه چهارصد وشصت وسه‌سال است که این صندوق دراین‌جا قراریافته است، باز هنوز در غایت‌صفا ونهایت‌استحکام‌است.هیچ‌عیبی درآن ظاهر نشده بلکه مثل‌آنست‌که‌تازه‌این‌صندوق‌را آماده‌کرده‌اند.خوشنویس‌و نقاش و نقاره‌چیان صنعتی در این صندوق به‌کار برده‌که هرصانع ماهری‌در اظهارچنان صنعت قاصر و به‌لسان انصاف به‌استادی آن صنعتگران‌اعتراف کنند.دراین صندوق دوکتابه یکی‌بالاودیگری پایین به‌خط نسخ وریحان دیده می‌شده و در وسط‌کلمات گلکاری ونقش ونگارمنحوت شده است و در حاشیهٔ‌کتابهٔ بالای صندوق این عبارات وافیه وبیانات‌کافیه دیده شد:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم الحمدلله رب‌العالمین والصلوة والسلام علی‌خیر خلقه محمد و آله[1] الطیبین‌الطاهرین اما بعد فان‌الملك‌الاعظم مالك رقـاب‌الامم اعدل‌الملوك والسلاطین اعتضادالحکام والخواقین المؤید بتائیدرب‌العالمین جلال ا[2]لحق والدولة والدین ابوالمظفرالملك کیومرث‌بن‌الملك المرحوم المغفورالشهید[3] (عکس شمارهٔ ۵۴). الملك بیستون خلّـدالله تعالی سلطنة الی‌یوم‌الدین و رحـم‌ابائه و اسلافه الصـالحین امـر بنحت‌هـذه الصندوق المرقدالمنور.[4]

و درکتابهٔ طرف پائین صندوق از قرار ذیل نوشته شده است:

بسم‌الله‌الرحمن‌الـرحیم الله‌لااله‌الا هوالحی‌القیوم لاتـأخذه سنةٌ و لانوم لهما (دراین سطر طرف دیگر چیزی نوشته نشده بود)[5].

اللهم‌صل‌علی محمدالمصطفی و علی‌علی‌المرتضی و حسن‌الرضا وحسین‌شهید الکربلا[6] و زین‌العابدین و محمدبـاقر و جعفرالصادق و موسی‌الکاظم و علی مـوسی‌الرضا و محمدتقی و علـی‌نقی و حسن‌العسکری وحجة‌القائم امـام محمدالمهدی صلوات‌الله‌علیه[7] وعلیهم‌اجمعین والصلوة علی‌صاحبی هذاالمرقد المنورامـامین‌الهمـامین السیدبن‌الشهیدبـن‌الکاملین الفـاضلین‌الصادقین[8] الطاهرین[9] المطهرین ابنا امام‌العالم العادل والشرع الناظم وهوموسی‌الکاظم

۱ـ تا اینجاکتیبهٔ قسمت بالای سراست. ۲ـ تا اینجاکتیبهٔ بدنهٔ شمالی صندوق است. ۳ـ اعتمادالسلطنه«سعید» خوانده است. الف و لام وشین‌کلمهٔ «شهید» در کتیبهٔ پایین پا است. ۴ـ اعتمادالسلطنه کلمهٔ «المنور» رانخوانده است. ۵ـ «منظور، چیزدیگری درسطر این طرف نوشته نشده بود. ۶ـ اعتمادالسطنه کلمهٔ «کربلا» را بدون الف ولام ضبط کرده است. ۷ـ تا اینجا کتابهٔ بدنهٔ شمالی صندوق است.
۸ـ جای کلمهٔ «الصادقین» را اعتمادالسلطنه نقطه چنین کرده است. ۹ـ تا اینجا کتابهٔ پایین پا است.

علیهم‌التحیة و الرضوان تم‌هذالصندوق‌الشریف و العمل‌الظریف علی‌ید الاستادالاجل‌المخدوم استاد محمدبن‌الحسین النجارالمعروف بکیا کردی ولایة رودی کتبه محمودبن‌النجیب‌الرستمداری[1] غفرله (عکس شمارهٔ ۵۵).

در زیر این کتابه طرف پایین پا، در طرف مشرق در ورودی محجرصندوق بدین عبارت تاریخ نخست این صندوق را نوشته‌اند : فی‌تاریخ ربیع‌الاخر سنة اربع وثمانمائةالهجریة.[2]

صندوق ثانی کوچکتر و در طرف ایمن صندوق اول و سمت شمالی است . دراین صندوق ملک‌کیومرث مدفون است. عرض و طول این صندوق بااولی مساوی است اماارتفاعاً نیم مترکوتاهتر ازآن صندوق است[3] و دراین‌صندوق نیز دوکتابهٔ فوقانی و تحتانی است و بعلاوه در هر طرفی از چهار طرف دردوخط عمودی بطرف عرض دوکتابهٔ دیگر باشد وطرز خواندن‌کتابه‌های این صندوق باید از طرف مغرب سمت بالاسر ابتدا شود . اول سطر اول فوقانی ، بعد به خط تحتانی و بعد به دوکتابه خط عمودی شروع شده ، آنوقت در طرف دست چپ رو به شمال باید میل کرد و آنجا را خواند تا هرچهار طرف اتمام یابد . در این کتابه‌ها صلوات و سلامی که درصندوق اول نوشته شده بود ، در اینجا تا امام دوازدهم نوشته شده ، بعداً سورهٔ « انافتحنا » را الی « بماتعلمون خبیراً » نقاری کرده‌اند .»[4]

۱ـ کلمهٔ « رستمداری » روشن خوانده نشد . ۲ـ کلمه‌ای نظیر « وسلم » بعد از « الهجریه » نوشته شده است . ۳ـ اندازهٔ صندوق مرقدملك کیومرث: درازا ۲۱۰ و پهنا ۱۱۳ و بلندی ۸۹ سانتیمتر است . ۴ـ تااینجا عبارات میرزاحسن‌خان اعتمادالسلطنه است .

طرف غرب یعنی بالاسر صندوق ملك کیومرث کتیبه‌های زیر است :

کتیبهٔ بالا :

«اللهم صل علی المصطفی وعلی علی المرتضی وعلی حسن الرضا وعلی حسین شهید بکربلا وعلی زین العابدین وعلی محمد الباقر ».

کتیبهٔ پایین :

« وعلی جعفر الصادق وعلی موسی الکاظم وعلی علی موسی الرضا وعلی محمد تقی و علی علی النقی و علی حسن العسکری و محمد المهدی».

طرف شمال این صندوق کتیبه‌های زیر خوانده می‌شود :

کتیبهٔ بالا:

«بسم الله الرحمن الرحیم انا فتحنا لك فتحاً مبیناً ــ تا ــ انزل السکینة فی».

کتیبهٔ پایین :

«قلوب المؤمنین لیزدادوا ــ تا ــ خالدین فیها و یکفر عنهم».

کتیبهٔ عمودی سمت راست از بالا به‌پایین:

«سیئاتهم و کان ذلك عندالله ــ تا ــ المنافقین والمنافقات».

کتیبهٔ عمودی سمت چپ از بالا به‌پایین :

« والمشرکین والمشرکات ــ تا ــ علیهم دائرة السوء».

طرف شرقی صندوق مرقد ملك کیومرث :

کتیبهٔ بالا :

«هذه الصندوق الروضة السلطان الاعظم الاعدل مالك رقاب الامم سلطان العرب والعجم» (عکس شمارهٔ ۵۶).

کتیبهٔ پایین :

«المؤید بتأیید الملك الجبار والمعتصم بولایة علی المختار کیومرث بن بیستون

استندار فی‌سنة ثمانة و خمسین و ثمانمائة».

طرف جنوب صندوق مرقد ملك کیومرث (عکس شمارهٔ ۵۷):

کتیبهٔ بالا :

« وغضب‌الله‌علیهم‌ولعنهم ــ تاــ تسبحوه بکرة واصیلا» .

کتیبهٔ پایین:

«ان‌الذین یبایعونك ــ تاــ واهلونا فاستغفر لنا».

کتیبهٔ عمودی دست‌راست از بالا به‌پایین :

«یقولون بالسنتهم‌مالیس ــ تا ــ من‌الله شیئاً ان».

کتیبهٔ عمودی دست چپ از بالا به‌پایین :

« ان[1] ارادبکم‌ضراً ــ تا ــ بما تعلمون‌خبیرا».[2]

« درطرف پایین‌پا درکتابهٔ تحتانی این‌عبارت ملاحظه شد:

المؤید بتأئیدالملك‌الجبارالمعتصم‌بولایه‌علی‌المختار کیومرث بیستون‌استندار فی‌سنة ثمانیة و خمسین وثمانمائة .

در صنعت نقاری و نقاشی و خطاطی‌این‌صندوق هم مثل صندوق اول‌پاکیزه‌و مرغوب ، بلکه امتیازش بیشتر است.

در رواق و روضه بیش از این انکشافی نبود ولی در بیرون بقعه و بـارگاه که وسط صحن مبارك واقع شده ، براطراف چهار دیوارآن بقعه دو کتابــه بلافاصله در زیرهم نوشته شده است. اولی برروی آجرهای نظامی‌ناپخته‌به خط ریحانی نوشته‌اند، بعداً آجرها را پخته بطور لوحه برروی دیوارها

۱ــ کلمهٔ «ان» درابتدای این‌کتیبه مکررآمده است . ۲ــ سورة الفتح ، ۴۸ : آیات ۱ــ ۱۱ . چون نقل اعتمادالسلطنه ناقص بود تا اینجا را نگارنده ازروی‌صندوق مرقد ملك‌کیومرث نقل‌کرده است .

نشانیده بودند و خطوط کتابهٔ فوقانی، از دیوار رو به‌جنوب شروع شده. بعد از بسمله، آیة‌الکرسی تا «وهوالعلی‌العظیم» و بعدازاین تاریخ را نوشته‌بود (فی‌سنة تسع و عشرین وثمانمائة).

کتابهٔ دوم تحتانی را نیز مثل‌کتابهٔ فوقانی شروع‌کرده، به همان قلم بعداز بسمله، سورهٔ مبارکهٔ «فتح» تاآیهٔ «والمشرکین والمشرکات» نوشته‌شده‌است. ابتداء این دوکتابه از دیوار رو به‌جنوب و انتهی روبه شمال است و درسر دیوارغربی‌که بالای درب امامزاده است، بقیهٔ این دوکتابه است‌که بعضی آجرهای آن ریخته و برخی منصوب است. آجرهای ریخته را آنچه‌راکه نزد متولی موجود بود با آجرهای منصوب وفق داده، کلماتی‌که دیده شد دراینجا نوشته می‌شود:

هوالملك‌العزیزالملك‌الاعظم‌الاعدل خسرو ایران‌خلاصهٔ اکاسرهٔ جهان معین امیرالمؤمنین ... ملك‌کیومرث خلدالله‌تعالی‌سلطنته‌ابن‌ملك‌المغفورالمبرور ملك‌شرف‌الدوله بیستون استندار علیه‌الرحمة والغفران کتبه محمودبن نجیب‌الرستمداری فی‌تاریخ‌ثمان وعشرین و ثمانمائه».[1]

آنچه از کتیبه‌های دیوار بنا امروز برجای‌است

کتیبهٔ بالای ضلع جنوبی:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم الله‌لااله الاهو ـ تا ـ مافی‌الارض‌من».

کتیبهٔ پایین ضلع‌جنوبی:

۱ـ از اینجا به‌بعد اعتمادالسلطنه از قول مورخین عمودنسب ملك‌کیومرث را تا آدم صفی‌الله نوشته است‌که مانقل آن‌را لازم ندانستیم.

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم انّا فتحنالك فتحاً ـ تا ـ نصراً عزیزا هو » (عکس شمارهٔ ۵۸).

کتیبهٔ بالای ضلع غربی :

« ذالذ . . . عنده . . . یهم و ماخلفهم ولایحیطون بشییء من علد. . . . . . شاء وسع کرسیه ».

کتیبهٔ پایین ضلع غربی :

«الذی انزل سکینة فی قلوب ... نهم ... جنودالسموات والارض وکا .... یدخل المؤ ... ثمان وعشرین» (عکس شمارهٔ ۵۹) .

کتیبهٔ بالای ضلع شمالی :

«السموات والارض ولایؤده حفظهما و هوالعلی العظیم فی سنة تسع عشرین و ثمانمائة الهجریة النبویة وکل ح ...».

کتیبهٔ پایین ضلع شمالی :

« من تحتها الانهار خالدین فیها ... المنافقات والمشرکین والمشرکات».

کتیبهٔ بالای ضلع شرقی :

« حکم ... احد... کام ... ح ... هوالملك العزیز کتبه محمود بن نجیب ـ الرستمداری امر بعمارة المبارك ذوالهجریه مطهرمنورفی تاریخ مادعلیها...»

کتیبهٔ پایین ضلع شرقی :

«الملائکة الاعظم الاعدل المغفورالمبرور» [باقی کلمات جا بجاست وریخته است].

از آنچه که اعتمادالسلطنه از آنها یادکرده است فعلاً بنای اصلی بقعه وصندوقها و دارالحفّاظ برقرار است (عکس شمارهٔ ۶۰) . دو زوج در اصلی بقعه و دارالحفّاظ به سرقت رفته است و داخل بنای بقعه براثر تعمیرات مکرر با آنچه اعتمادالسلطنه

شرح داده است تفاوتهای بسیار دارد. ازکتیبه‌های داخلی و نقش‌ونگارها وسپر گچ بری برجسته و سایر نقوش هیچگونه اثری نیست .

بنای اصلی از داخل مربع و بدابعـاد ۵۴۰ X ۵۴۷ و ازخـارج ۸۴۰ X ۸۴۰ سانتیمتر است . برچهارگوشهٔ بنا چهارگوشوار زده‌اند وکمربند هشت‌ضلعـی گنبد را به‌وجودآورده‌اند و طاق را بردو ردیف مقرنس آجرکاری زده‌اند. در ورودی اصلـی، شرقی است و برbالای آن خفنگی چوبین مشبك است. درهر یك از اضلاع دیگر دو طاقنما ساخته شده است و قسمت‌بالای در ورودی نیزدو طاقنما دارد. دربدنهٔجنوبی و شمالی بقعه ، دریچه داشته‌که فعلاً گرفته‌اند.

دارالحفّاظ این بقعه متصل به ضلع شرقی است و شامل محوطه‌ای چهارضلعی به ابعاد ۳۱۲ X ۳۹۸ سانتیمتر و چهارطاقنما در چهار ضلع بناست که دارای طـاق جناقی‌هستند. در ضلع جنوبی دورف‌ماننداست که‌درآنها دوخفنگ نورگیر نصب شده است . درورودی دارالحفّاظ شرقی است وبالای‌آن‌خفنگی مشبك چوبین‌نورگیراست. سقف‌این قسمت بنا گنبدی است.

بالای در ورودی دارالحفّاظ این شرح با خطی خوش‌نسخ‌نوشته شده است:

«هوالله تعالی‌شأنه

حسب‌الامر و فرمایش اعلیحضرت قدرقدرت ناصرالدین‌شاه قاجار خلدالله ملکه الی دارالقرار در سنهٔ ۱۳۰۲ برای تعمیرگنبد مطهر امامزاده طاهرو مطهـر علیه‌السلام‌بعمدة‌الامراء العظام ولیخان‌سرتیپ‌میرپنجهٔ تنکابن ... که محض‌اجردنیا وآخرت‌مخارج رامتحمل‌شده تعمیرنمایدلهذا بسرکاری بندهٔ درگاه‌آقا ... بیگ‌نایب فوج دراواخر سنهٔ ۱۳۰۴مطابق‌شهر ذیعقدةالحرام در سال فرخنده‌فال تنگوزئیل انجام پذیرفت . »

در محوطهٔ اطراف بقعه، گورستانی قدیمی است اما سنگهای قبور مورخ آن میان سالهای ۱۲۹۰ـ۱۳۰۹ هـ . ق . است.

مرقد سیدمحمد کیا دبیر صالحانی
در دهکدهٔ صالحان[1] حومهٔ شهر کجور

نسب او را میرظهیرالدین چنین یادکرده است :

«محمدبن ابراهیم بن علی بن عبدالرحمن بن القاسم بن الحسن بن زید بن الحسن ابن علی المرتضی علیه وعلیهم السلام .»[2]

اما مولانا اولیاءالله به‌اشتباه حسن‌مثنی را حسن بن امیرالمؤمنین پنداشته ونام او و نام پسرش زید را از قلم انداخته و قاسم را پسرحسن بن علی علیه‌السلام دانسته است .[3] سیدظهیرالدین می‌نویسدکه مردم اورا «سلطان کیمدور»[4] نیز می‌خوانند .

۱ـ صالحان: ده ازدهستان توابع کجور بخش‌مرکزی‌شهرستان‌نوشهر، شش‌کیلومتری جنوب شرقی‌کجور (فرهنگ جغرافیایی‌ایران ، ج۳) . ۲ـ تاریخ طبرستان ورویان و مازندران ، ص ۲۰۱ و۲۰۲ . ۳ـ در تاریخ‌رویان ص ۸۷ و ۸۸ و ۹۰ از این شخص یاد شده است . ۴ ـ لغت « کیمدور » ظاهراً طبری نیست و ریشه و اشتقاق آن شباهتی به واژه‌های طبری ندارد . احتمال داده‌ایم این لغت ترکی باشد و شاید این داستان محلی به‌حل آن کمکی کندکه سلطان‌سنجر آوازهٔ شهرت‌سلطان‌العارفین سیدمحمد کیای دبیرصالحانی‌را شنیده بود (زمان حیات‌سلطان‌سنجر وسلطان‌محمد اختلاف زیادی با یکدیگردارد) ازدی از راه لارونور به‌کجور آمدتااورا ببیند وقتی‌به‌گردنهٔ‌قرق‌رسید و سرازیر شدنیت‌کرد سیدرا گوشمالی‌دهدکوه به امرسلطان محمد به‌لرزش درآمد. سلطان‌سنجر وحشت کرد ونیت بگردانید . ندا رسیدکه کوه ملرز وتا امروز این‌کوه به همین نام‌معروف است . بالاخره سلطان‌سنجر به زیارت سیدمحمد نائل آمد و دست ارادت بدو داد. سلطان‌سنجر هنگام‌حرکت ازروی تخفیف واستحقار پرسیده بود «سلطان کیمدور» یعنی‌سلطان کیست ؟

این بقعه راسیدظهیرالدین‌روز دوشنبه بیست‌و ششم ذی‌العقدهٔ سنهٔ ۸۷۱ زیارت‌کرده، عین عبارات او چنین است :

« شب سه‌شنبه بد قریهٔ صالحان به‌سر برده شد وزیارت سلطان المحققین سیدمحمد کیای دبیرقدس سره را به شفاه ادب مقبل و ملثوم ساخته‌آمد.»[1]

میرزا حسن‌خان‌اعتمادالسلطنه دررکاب ناصرالدین‌شاه درسال ۱۳۰۳ ه. ق. از این محل دیدن‌کرده و دربارهٔ آن چنین نوشته است :

«قریهٔ صالحان را باقریهٔ هزارخال‌که بدان‌اشارتی شد مسافت به قدرمیدانی بیش نیست . روز یکشنبه ۲۹ شوال سنهٔ ۱۳۰۳ که در رکاب نصرت انتساب همایونی بودم و دراین سفر از ملتزمین محسوب می‌شدم ، به قریهٔ صالحان از توابع کجور که خاك رویان می‌باشد درآمدم و در بقعهٔ مبارکــه رفتم . این بقعه در زلزلهٔ معروفه که پیش از نودسال یــا صدسال در تمامی ممالك محروسهٔ ایران به وقوع آمد منهدم وخراب شده و جز چهار دیوارمخروبه اثـری بـاقی‌نمانده ودرتپه‌ای در جنب جنوب غربی صالحان واقـع است . دراین چاردیوار یك رواق و یك‌بقعه است‌که بلندی دراین رواق یك مترو بیست وپنج سانتیمترو عرضش‌نود سانتیمتر است. یك لنگهٔ این درمخصوص به درآن بقعهٔ دیگراست‌که پس‌ازخرابی اهل این‌قریه ندانسته این‌لنگه‌را به عوض دراین درگذاشته‌اند و لنگــهٔ این در به‌آن دربقعه نصب‌کرده‌اند. به خط ثلث به چهارچوب‌های این درکتابه‌ای نوشته‌اندکه صورت‌آن ازاین قرار است :

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم اناافتحنالك‌فتحاً‌مبیناً ــ الی ــ عندالله فوزاً عظیماالله مفتح‌الابواب مسبب‌الاسباب هذاباب عمارة‌المشهدالمقدس وتربة معطرسلطان

۱ــ تاریخ گیلان ودیلمستان، ص۳۲۴ .

العارفین برهان المحققین تاج الواصلین خلیفة رسول رب العالمین ابوالمعارف سلطان محمد دبیرکیاصالحانی قدس الله سره امـر بهذا المعارة و الباب الملك الاعظم والاستندار المعظم جـلال الدوله ملـك اسکندر بن الملك المرحوم شرف الدوله بیستون خلدالله ملکه و طـاب ثراه فی تاریخ مـاه مبارك محرم سنهٔ عشرین و ثمانمائه الهجریه النبویه .

ایـن در در رواقی است که مساحت داخلش طولاً و عـرضاً پنج و از سطح زمین تاقاعدهٔ طاق شش متر است . دو طاقنما در دیوار شمالی و یك طاقنما در دیوار جنوبی دارد . دراین بقعه سنگ پاره‌ای به شکل شبه اسطوانه از جنس گرانیت به نظر آمد، چون روی سنگ را پیسه گرفته و اغلب جاهای آن حك و نـابوده شده بود خطوطی بـه وضع نسخ قدیم نوشته بودند کـه درست خوانده نمی‌شد، آنچه به نظر آمد ازاین قرار است :

لااله الاالله محمدرسول الله هـذاقبرمبارك سلطان العارفین و قطب الـواصلین سلطان محمدکیابن . . . . . فی . . . . قدس سره العزیز . . . الله. . .مایه. . . .[1]

اگرچه ازاین عبارت واضح شد که این سنگ سنگ مقبرهٔ ایـن بزرگوار است اما لفظ سلطان و قاعدهٔ خط شهادت نمی‌دهد که سنگ مذکور ازآثار مائهٔ دوم یا سوم باشد . طول سنگ ۷۰ و قطر وسطش ۴۵ سانتیمتر است . هرچند تخته‌های در دوم که داخل روضه می‌شود ، درجای خود بودند ولی از لنگهٔ چپش که در درب اول و از لنگهٔ راست آن که در رواق دوم افتاده بود کتابهٔ آتیه که در چهار سطر به خط رقاع نوشته بودند خوانده شد :

۱ـ در قسمت بالای کلاهك سنگ « بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم » و در وسط کلاهك کلمهٔ « الله » نیز خوانده می‌شود. مقداری ازآخررونویس اعتمادالسلطنه امروزشکسته وازمیان‌رفته است .

قدتم هذاالباب فی‌اوان الدولة السلطان الاعظم مالك‌الرقاب والامم جلال‌ـ الدولة ملك‌کیومرث . . . خلدالله ملکه وسلطنته .

بلندی این در یك متر وهشتاد سانتیمتر و عرضش یك مترو پانزده سانتیمتر است و گشوده می‌شود به روضهٔ مطهره که مرقد و مدفن سلطان محمدکیا دبیر و ملك‌کاوس است.[۱] این بقعه مثمن‌الزاویه و هرزاویه، دارای سه طاقنماست که برروی یك دیگر واقع شده . قطر بقعه از قاعدهٔ زاویه‌ها شش‌متر و از سطح تا قاعدهٔ طاق هشت متر است و ارتفاع طاق‌هم‌گویا ۳/۵ متر بوده است .

دربالای طاقنمای اول اسم مدفونین بقعه و بانی و مأمور و تاریخ بنا را به خط ریحان وبه قلم سه سانتیمتری به روی گچ به رنگ سیاه‌کتابت‌کرده‌اند اما ازآنکه اغلب جاهای‌آن خراب شده بود به طور مطلوب خوانده نشد مگر این کلمات که نوشته آمد :

بسم‌الله الرحمن‌الرحیم ... سلطان‌السلاطین و خاقان الخواقین .... ملك اسکند .... خلدالله ملکه ... ابن‌صاحب دیوان آقا محمدکزازی . . . سلطان‌العارفین برهان‌المحققین ابوالمعارف سلطان محمد دبیرکیا سلطان طبرستان ... سنه...[۲]

بالای طاقنمای دوم به خط خوش و مرغوب سورهٔ یس کتابت شده. در هر طاقچه‌هم ازآیات شریفه و احادیث منیفه‌کتابه‌ای کرده‌اند[۳] و چهار پنجره در طاقنماهای جنوبی وشمالی وغربی قرار داده‌اند.

۱ــ از این درها هیچ اثری نبود. یك‌زوج‌ازاین‌درها درخانهٔ متولی است و او از نشان دادن آنها امتناع کرد . ۲ــ ازاین‌کتیبه امروز اثری برجای نبود . ۳ــ از این کتیبه‌ها امروز کوچکترین اثری‌برجای نیست.

در وسط روضهٔ مطهره یك سنگ دستاس و یك کلاهك گلدسته از مس ومطلاو یك میل آهنی به نظر آمد. چون اثر تاریخی در آنها نبود از متولی این بقعهٔ مبارکه استفسار کردم معلوم شد که در اینجا منارهای ازچوب بوده که قنادیل بر آن آویزان می‌کردند و کلاهك هم مخصوص بـه سر آن مناره بوده و میلهٔ آهنی از برای تقویت و محافظت کلاهك به سر مناره گذاشته می‌شده است و سنگ آسیا هم در رواق اول در وقت حفر قبری به دست آمده است.[1]

بعد از آنکه به خرد و ریز و تخته شکسته‌های صندوقهای پای قبور نگـاه کردم ودقت نمودم واضح شد که در این بقعه دو صندوق بوده است.

صندوق اول خواه از صنعت کتابت و نقاشی و خواه از نقاری وسایر آثار مثل صندوقهٔ امامزاده طاهرین است که در قریهٔ هزارخال دیده شد و معلوم شد که حاشیهٔ اول صندوقه بعد از بسم الله، آیة الکرسی وصلوات وسلام برحضرت خاتم الانبیا و ائمهٔ اثنی‌عشر را نوشته و بعدازاین کتابه راکه اول آن به‌دست نیامد نگاشته‌اند:

... ملك کیومرث جعل الله ظلال عدالته مؤیداً علی رؤس المؤمنین الی یوم‌الدین ابن غفران‌پناه فردوس دستگاه ملك بهمن طاب ثراه وجعـل الجنه مثواه فی تاریخ ذی الحجه سنة اربع وستین و تسعمایه عامل هذا الصنـدوق المبارك اقل العباد علاءالدین بن محمد النجار وکاتبه العبد حاجی محمد گیلانی.

از این عبارات مفهوم شد که این صندوق مخصوص به مرقد مبارك امامزاده محمد دبیر کیا بوده و ملك کیومرث[2] در تاریخ سابق الذکر مرمت کرده است.

صندوق دوم نیز از جهت کتابت و نقّاری و نقاشی و سایر آثـار مثل صندوق

۱ـ از این آثار نشانی ندیدم.

۲ـ این ملك کیومرث غیر از ملك کیومرث بن ملك بیستون است .

قبر ملک‌کیومرث است که در امامزاده طاهرین مسبوق‌الذکر دیده شد و قبر پادشاهی بودن آن مفهوم و معلوم گشت.

در حواشی صندوق ثانی سورهٔ مبارکهٔ فتح‌را قدری نوشته بعد همان صلوات و سلام را که در فوق مذکور شد نوشته و از آن بعد این بیانات کتابت شده است :

هذاالصندوق والمرقدالمنور للمغفور بعواطف‌الملک‌القدوس ملک‌کاوس بن الملک‌کبیر ملک جهانگیر بن‌المرحوم ملک‌کاوس طاب‌الله‌ثراهم وجعل‌الجنة مثواهم و مصنوع فی‌محرم‌الحرام اربع ...

در این بقعه قبر سومی بوده که از آثار آن قبر تخته‌پاره‌ای به دست آمد که چند اسمی از اسامی دوازده امام در آن بوده و به‌خط نستعلیق شبیه به‌خط میر به‌نظر آمد لکن بیش از این اطلاعی حاصل نشد.[1] همین قدر به حدس می‌توان گفت که صاحب این قبر یکی از رجال معتبر دولت صفویه بوده است .

در این بقعهٔ مبارکه هرقدر انکشافاتی بود نوشته شد بعلاوه آنکه از متولی امامزاده فرمانی کهنه به‌دست آمد که به‌خط نستعلیق نوشته شده بود و خواندنش بحدی اشکال داشت که بیرون از وصف است بهرطور بوده اصل فرمان خوانده شد لکن مهر وامضای آن که مدوّر بوده به‌هیچ‌وجه خوانده نشد و تاریخ آن فرمان هم بعضی کلماتش محو شده بود . صورت فرمان اینست :

نواب وعمال وکارکنان کجورستاق چون به نشان همیون اطلاع یابند بدانند که درینوقت مشایخان صالحان احسن‌الله تقویهم حکم حکام ماضیه دردست

۱ــ از پاره‌های صندوق قبر ملک کاوس ومرقدسومی هیچگونه اثری امروزموجودنیست و امکان دارد تمام اجزای آن به سرقت رفته باشد .

دارند که خطابت کجور رستاق مثل سرکش و صالحان غیبی تعلق بهما داشته بود اکنون نیز رجوع بدیشان کردیم تا محصولات آن را صرف معاش خود نمایند و بدعاگوئی و خدمتگاری حضرت سلطان‌العارفین برهان‌المحققین واقف اسرار رب‌العالمین سلطان محمدکیا دبیرصالحان بهسر برند و بدعا به دولت ما قیام نمایند و هیچ طایفهٔ دیگر مداخلت ننمایند جز واقفان و مشارکت ندارند و مزاحم احوال ایشان نشوند و بتصرف ایشان بگذارند و تغییر و تبدیل بقواعد آن راه ندهند چون بتوقیع رفیع موشح ومطلع کردند اعتماد نمایند و انحراف نجویند برین جوانب روند تا بمجدت و ارتضاء معرفت گردد.

تحریرا فی‌ماه مبارك سنه ....ثمانمائه...»[1]

آنچه امروز برجای است از این‌قرار است :

بنای اصلی بقعه هشت‌ضلعی است (عکس‌شمارهٔ ۶۱) . درهرضلع‌از داخل صفهٔ کوچکی به دهانهٔ ۲۱۰ وعمق ۸۳ سانتیمتر ساخته شده و بهدوقسمت تقسیم شده‌اند. قسمت پایین دارای یك‌طاق جناقی است‌که نیمی ازعمق صفه‌را پرمی‌کند و بالای‌این قسمت رفی‌باطاق‌هلالی‌است . محرابی‌دریکی ازاضلاع قبلی است‌که‌دهانهٔ‌آن یك‌مترو عمق آن ۷۰ سانتیمتر و داخل آن پنج‌ترك است . درورودی شرقی است و در رفهای جنوب و جنوب‌غربی و رف مقابل در ورودی، سه خفنگ چوبین مشبك‌نورگیراست.

پس از دوران ناصری، گنبد را تعمیری سرسری کرده‌اند .فعلاً طاقی دوپوش دارد، از داخل‌گنبدی و از خارج هشت‌ترك آجری است . قطرداخلی‌بنا از زاویه‌ای به‌زاویهٔ مقابل ۶۸۶ سانتیمتر و قطر دیوار بنا ۱۵۰ سانتیمتر است.

۱ــ این مطالب ازمجموعهٔ کتابخانهٔ‌بیوتات سلطنتی‌شمارهٔ ۷۳۳ صفحات ۵۱۵ ــ ۵۱۸ نقل شده است .

صندوقی چوبین قاب وآلت در وسط به درازای ۲۴۹ وپهنای ۱۱۸ وبلندی آن با درنظر گرفتن پایه۱۳۰ سانتیمتر است. زیارتنامه‌ای مورخ ۱۱۴۲ در بقعه دیده‌شد. اطراف بقعه گورستانی قدیمی است وچناری کهنسال نزدیك در ورودی گورستان است که محیط دایرهٔ تنهٔ آن بالغ بر۴۹۰ سانتیمتراست.

مسجدی متصل به‌بناست که در ورودی بقعه به داخل آن باز می‌شود. این در به‌بلندی ۱۶۲ وپهنای ۴۶ سانتیمتروقاب وآلت دولنگه‌ای است. درازای مسجد۳۵۷و پهنای آن ۳۲۵ سانتیمتر است . در چهارطرف، چهارطاقنما باطاق جناقی ساخته شده است و روی این چهارطاق‌جناقی، گنبد را زده‌اند. زیردوطاق جنوبی وشمالی‌دوخفنگ نورگیر مشبك است.

متصل به‌جنوب مسجد و بقعه بنایی است به درازای۸۷۰ وپهنای ۲۴۰سانتیمتر که شامل سه‌قسمت است و قسمتها با سه طاق هلالی از یکدیگر مجزا شده‌اند .بالای قسمت اول، طاقی گنبدی با آجرزده‌اند و دوقسمت دیگر هم طاق‌داشته و خراب‌شده است، فعلاً پلورکشی کرده وطاق زده‌اند.

خفنگی چوبین مشبك نورگیر طرف غرب بناست . مصالحی که در این‌قسمت‌از بنا به‌کار رفته سنگ وگچ است و طاقهای گنبدی آن از آجر بوده است. معروف است که این‌قسمت مرقد خواهرسلطان محمداست.

کفش‌کنی در جلومسجداست که در ورودی آن به‌مسجد،قاب وآلت ودولنگه‌ای است. بلندی هرلنگه ۱۶۲ و پهنایش۴۵ سانتیمتراست.

منبری سنگی

دراراضی مصلای دهکدهٔ صالحان حومهٔ شهر کجور

در اراضی جنوبی دهکدهٔ صالحان که به‌نام «مصلا» معروف است منبری سنگی

است که درازای آن ۱۶۸ و پهنای آن ۴۶ و بلندی‌آن از سطح زمین ۱۳۰ سانتیمتر است . این منبر دارای پنج پله ویك‌پشتی است . برسه جانب وبرسه‌پلهٔ‌بالا کتیبه‌است (عکس شمارهٔ ۶۲). بردو بدنهٔ طرفین‌منبر، دوکتیبهٔ سه‌سطری است.

کتیبه‌های پشتی از قرارزیراند:

«عمل استاد... واخوه حسن هزارخالوئی‌م».

و برانحنای سمت چپ پشتی این تاریخ خوانده شد:

«تحریرا فی‌ماه محرم سنه سبع و تسعمائه».

بر بدنهٔ سمت راست منبر عبارات زیر خوانده شد:

«فی‌زمان‌سلطان‌الاعظم ملك ... سرورسلالةالملوك‌مظفرملك‌العظام».

بر بدنهٔ سمت چپ

«اوتجد ومن‌المقام ابرهیم...»

ابرهیم‌بن ابرهیم واسمعیل ...»

بقعهٔ شاهزاده ابراهیم معروف به‌شاه‌تاجر در دهکدهٔ صالحان از دهکده‌های حومهٔ شهر کجور

خاندان شیخ که متولیان این‌بقعه هستند اورا ابراهیم‌بن زیدبن‌حسن‌بن‌زیدبن امام حسن‌علیه‌السلام می‌دانند. بنای اصلی بقعه چهارضلعی وابعـادآن ۵۳۲ سانتیمتر است . دوستون چوبی قطور هشت‌ضلعی دوبـه دو بـرابـر دروسط بناست و سرکشی (حمالی) روی‌آن است. پلورها روی دیوارها و این سرکش‌قراردارند . سقف‌پل‌کوبی است و درزپوشهای‌زدهٔ نقش‌دار دارد . صندوقی چوبین قاب وآلت دروسط این‌بناست که مرقد امامزاده را پوشانده است. درازای‌آن ۲۵۳ وپهنا ۱۱۷ وبلندی‌۱۱۶سانتیمتر است .

در ورودی بقعه جنوبی است . دری است که بلندی هرلنگهٔ آن ۱۹۳ وپهنایش ۶۴ سانتیمتر است. متن در مشبك و سه‌حاشیهٔ آئینه‌کاری دارد.

جلوبقعه کفش‌کنی به درازای ۵۹۳ وپهنای ۳۶۶ سانتیمتراست. دوستون‌چوبین وسط آن است که سرکشی روی‌آنهـا افتاده وپلورهای طاق براین‌سرکش و دیوارهای دوطرف متکی است.

در ورودی کفش‌کن یك‌لتی است . بلندی آن ۱۶۲ و پهنای آن ۷۵ سانتیمتر است . کنده‌کاریهای برجسته دارد . نگارها را قبلاً ساخته و تهیه کرده‌اند وبعداً در متن درکارگذاشته‌اند .

ایوانی جلوکفش‌کن است‌که درازای آن ۹۰۰ وپهنای آن ۳۶۵سانتیمتر است. پنج‌ستون چهارسو جلو ایوان است ولتازه‌ای به‌بلندی ۷۳ سانتیمتر دردوطرف ستونها کوبیده شده است. سقف ایوان نیزپلورکشی و پل‌کوبی است و بام سراسر بنا سفال‌سر است .

مأذنه‌ای در محوطهٔ بناست‌که هرطرف آن چهار ستون چهارسوی ساده دارد . اطراف بقعه‌گورستانی قدیمی است. این‌گورستان در ورودی و حصـار و بارو دارد . در ربیع‌الثانی ۱۲۸۶ اعتمادالسلطنه در رکاب‌ناصرالدین‌شاه این بقعه را دیده است. (عکس‌شمارهٔ ۶۳).و اردوی ناصرالدین‌شاه چندی در جوار این‌بقعه برپای‌بوده‌است. (عکس شمارهٔ ۶۴). سنگ قبری قطور و قدیمی در این‌گورستان دیده شدکه پاره‌ای از نوشته‌های آن بدین‌ترتیب خوانده شد:

« صاحب‌کیااعظم مرحوم مغفور کیازیـن‌الدین‌خاجه ابن‌اسکندر تاول » (عکس شمارهٔ ۶۵).

برقطر سنگ برطرف راست این‌تاریخ خوانده شد:

« سنة‌ثمانین وثمانمائه عمل استادعبدالله».

نشانه‌های پشت‌سنگ : سپر وشمشیر .

امامزاده یحیی
در دهکده نیتل[1] از دهکده‌های توابع کجور

بنایی‌است چهارگوشه از سنگ وگل. که جلوآن کفش‌کن و ایوانی است. بام آن‌لت‌بسر بوده است. چندی است حلب‌بسر کرده‌اند.

بقعهٔ درویش‌علی
در دهکدهٔ انگاس[2] از دهکده‌های توابع کجور

بنایی‌است چهارگوشه از سنگ‌وگل. مسجدی متصل به‌بناست و ایـوانی جلو مسجد است.صندوقی سادهٔ چوبین، در وسط بنای اصلی، مرقد درویش‌راپوشانده‌است. سقف سراسر بنا پلورکشی وپل‌کوبی است.گورستانی قدیمی اطراف بقعه است.

بقعهٔ درویش‌امیر
بر بالای بازوی فرعی کوهی در اراضی ناسنگ لاشک کجور

بنایی است هشت‌ضلعی ازآجـر و ملاط‌گچ . ابعاد هرآجر ۴/۵ × ۲۲ × ۲۲ سانتیمتراست(عکس‌شمارهٔ۶۶).پهنای هرضلع‌از داخل۱۴۷ سانتیمتر ووسط هریك از اضلاع‌دوطاقنما داخل یکدیگراست.طاقنمای بیرونی به‌شکل‌مربع مستطیل به‌پهنای ۷۶ سانتیمتر وطاقنمای داخل‌آن به‌پهنای ۵۶ سانتیمتر با طاقی جناقی است . بـالای

۱ـ بکسر نون و سکون‌یاء، نیتل : ده از دهستان توابع کجوربخش‌مرکزی‌شهرستان نوشهر، شش‌کیلومتری‌جنوب غربی‌کجور(فرهنگ جغرافیایی‌ایران، ج ۳). ۲ـ بفتح الف، انگاس: ده ازدهستان‌توابع کجوربخش‌مرکزی شهرستان نوشهر، ۹کیلومتری جنوب‌ـ غربی‌کجور (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳).

طاقنمای بیرونی‌که تقریباً دوسوم بلندی بنا را گرفته است طاقنمای‌کوچکتری‌است (عکس‌شمارهٔ ۶۷). بالای هرزوایهٔ بنا، گوشواری با سه‌آجر مثلثی زده‌اند و سقف را که‌گنبدی‌عرقچینی است بربالای گوشوارها و طاقنمای‌کوچك هشتگانه بناکرده‌اند. در ورودی در ضلع شمال‌شرقی است. پهنای هریك از اضلاع خارجی ۲۲۵ سانتیمتر است و هریك دارای طاقنمایی جداگانه است.

داخل بنا سفیدکاری است وبرگچ دیوار با قلم و مرکب یادگاریهای فراوانی نوشته بوده‌اند که بیشتر آنها را خراب کرده بودند. پاره‌ای از آنها که خوانده شد به این شرح‌اند:

«قال‌النبی صلی‌الله علیه وسلم

الدنیا مزرعةالاخره

دنیی آن قدر ندارد که بدو رشك برند
یا وجود و عدمش را غم بیهوده خورند
سفیده دم چو شدم محرم سرای سرور
شنیدم آیت توبوا الی‌الله از لب حور
بگوش جان من آمد ندای طوبی لك
که ای خلاصهٔ تقدیر و زبدهٔ مقدور
جهان رباط خرابست برگذر که سیل
گمان مبر که بیك مشت گل شود معمور

لمحرره درویش مقبولی شاعر غفرالله ذنوبه فی‌تاریخ سنهٔ ۸۸۶».

☼☼☼

«الدنیا مزرعةالاخره

گر مرا روز پسین از تو درآید نظری

این گناهان مرا هیچ نماند اثری

گر من ایمان بسلامت بلب گور برم

ای چه آراسته منزل چه مبارك سفری

لمحرره عبدالضعیف النحیف المحتاج الی رحمةالله الباری قطب الدین بن شیخ نورالدین شاه رستم دریاباری فی اواخر ربیع الاخر هجریه سنهٔ سبعین و ثمانمائه از هجرةالنبویه علیه السلام».

☼☼☼

«چون رسیدم بدین خجسته مقام گفتم ای ذوالجلال والاکرام

العبد شیخ حسین بن شیخ عزالدین دریاه باری

معروف به لارجانی تحریرا سنهٔ خمسین تسعمائه».

☼☼☼

«افقرالمحقرین ولی الدین تاریخ ۸۶۴».

☼☼☼

« قال الله تعالی قسمت بعز و جلالی

ولا دخل الجنة من اطاع ...

ولا دخل النار من عطیاه وان اطاعتی ...

الحقیر الفقیر درویش عمادالدین بن درویش احمد نائینی المعروف .....

فی تاریخ ماه مبارك شوال سنهٔ عشرین و تسعمایه ».

✫✳✫

«هوالله تعالی

هرکه آمد عمارت نوساخت / رفت و منزل بدیگری پرداخت

محمد ... استاد ... خیاط سنهٔ ۱۰۱۸».

✫✳✫

«تحریرا فی شهر ذالقاعده سنهٔ سبع ستین وثمانمائه».

✫✳✫

« چون رسیدم بدین خجسته مقام / گفتم ای ذوالجلال والاکرام

رحمت ایزدی بر آن کس باد / این عمارت نهاد کرد تمام

کاتبه العبد سید ملک جان

سادات ... انگاسی

فی تاریخ شهر جمادی الاول سنهٔ ۱۰۱۷».

یادگارهای فراوان دیگری بر لبهٔ طاقنماها و داخل آنها بوده که به علت خراب شدن گنبد بنا ، برف و باران آنها را از میان برده است . عده‌ای در سالهای اخیر نیز از این بنا دیدن کرده و با گچ و ذغال برروی یادگارهای قدیمی که هریك گویای مطالب مختلف بوده‌اند ، یادگارهای تازه‌ای نوشته‌اند و یادگارهای قدیمی را یکسره از میان برده‌اند .

قدیمی‌ترین یادگاری که در این بنا خوانده شد مورخ ۸۶۴ ه . ق. است ومسلماً بنا مقدم بر این تاریخ ساخته شده بوده است . اگر تاریخ بنای بقعهٔ درویش رستم را حدود سال ۸۰۰ قمری بدانیم ، می‌توان این بنا را جزء بناهایی دانست که ملك

کیومرس بیستون ساخته است . اما سؤالهای متعدد دیگری بی‌جواب‌می‌ماند . درویش رستم‌کیست ؟ چرا بدین گوشهٔ دورافتاده روی‌آورده است؟ آیا دراین گوشه، گوشه‌نشین بوده است ؟ آیا اطراف این بقعه روزی آبادانی بوده است ؟ درویش‌رستم ازچه فرقه از دراویش است ؟ علت علاقهٔ ملك‌کیومرس بدو چیست ؟ دوتن ازدراویش که‌به‌زیارت این بقعه‌آمده‌اند دریاباری هستند. دریابارکجاست ؟ آیا منظور همین‌حاشیه‌دریای خزر است یا مفهوم دیگری دارد؟ نظیر این‌سؤالها زیاد است‌که به‌هیچیك نمی‌توان جواب قانع‌کننده‌ای داد .

سنگی باخطوط قدیمی
در اراضی ناسنگ از چراگاههای لاشك‌کجور

ناصرالدین شاه‌که در سال ۱۲۹۲ ه. ق. روز هفتم رمضان ازپول به‌کجور می‌رفته است چنین می‌نویسد :

«دست چپ لاشك‌که دامنهٔ‌کوه است دره‌ای است‌که‌قدیم دهی‌آنجا بودمسمی به «ناسنگ» از قراریکه معروف است سنگی در حوالی آن ده است‌که‌در آن سنگ بعضی خطوط قدیمه‌کنده شده است معلوم نیست چه‌خط است ، باید فرستاد بخوانند .»[۱]

نگارنده به علت بوران برف موفق به دیدن و خواندن این‌سنگ نشد.

بقعهٔ امامزاده یوسف وامامزاده محسن
در اراضی ناسنگ ازچراگاههای لاشك برسمت‌راست‌آب

بقعه‌ایست ساده از سنگ وگل وایوانی‌ساده با ستونهای‌گرد بی‌تراش. سراسر

۱ـ سفرنامهٔ ناصرالدین به مازندران به نقل از تاریخ مازندران مهجوری ، ج ۲ ، ص ۱۸۳ .

بام بنای اصلی و ایوان، لت‌بسر است . مقابل امامزاده درطرف چپ‌آب‌رودخانه ، گاوسرا و خانهٔ متولی است.

گورستانی قدیمی
نزدیك گاوسرای کهنك‌لاشك

نزدیك گاوسرایی که سمت راست‌آب و در دامن کوه‌است، گورستان‌قدیمی‌است.

بقعهٔ فضل و فاضل
در دهکدهٔ کندلوس[1] از دهکده‌های میخساز زانوس‌رستاق کجور

بنای بقعه از سنگ وگل ومربع‌شکل است . در میان بنا صندوق‌چوبین‌مشبك ظریف‌گورهای این دوبرادر را پوشانده است . ایوانی به‌پهنای ۳متر و درازای ۵۵۰ سانتیمتر در طرف قبلی بناست‌که با تکائلی چوبین از ایوان غربی جدا می‌شود. ایوان غربی به‌پهنای دو متر و درازای ۹۳۰ سانتیمتر است که دنبالهٔ آن تا لبهٔ‌ایوان‌جنوبی می‌آید . جلو ایوان قبلی و دنبالهٔ ایوان غربی نه‌ستون چهارسوی پخ‌زده است که سرستونهای آنهارا رنگ‌آمیزی‌کرده‌اند .

سقف بقعه و ایوانها پلورکشی وپردی‌کوبی است . هرپردی‌که به‌اندازهٔ فاصلهٔ میان دوپلوراست، ابتدا پخ‌زده و رنگ‌آمیزی کرده و طرحی‌زیبا برآنها کشیده سپس در سقف بقعه و ایوانها کارکرده‌اند . این نوع تزیین‌که بسیار زیباست برای نخستین بار است‌که در صفحات مازندران دیده می‌شود . درخت‌چنارقدیمی‌پنج شاخه‌ای‌طرف غربی محوطهٔ بقعه وکنار رودخانه است که به‌علت اینکه دوطرف‌آن در دیوار حیاط بقعه بود ، اندازه‌گیری نشد . چشمهٔ‌آبی فراوان در محوطهٔ بقعه بیرون می‌آید وپس

۱ـ بفتح کاف و سکون نون و فتح دال .

ازگذشتن ازحوضی به رودخانه می‌ریزد. دوجمجمهٔ گاوکوهی(گوزن) با شاخهای بلند چهارسالهٔ آنها، بردیوار ایوان بقعه است .

در مقداری از اراضی حیاط بقعه یك‌باب دبستان و در مقداری دیگر یك‌باب درمانگاه نیمه‌تمام بناکرده‌اند و محوطهٔ وسیع اطراف امامزاده راکه گردشگاه و باغ عمومی بوده است ازمیان برده‌اند .

گورستانهای وراو[1] و ازیرك[2]

درغرب دهکدهٔ کندلوس میخساز زانوس‌رستاق کجور

درغرب دهکدهٔ کندلوس دوگورستان است که سمت دفن‌مردگان آنهارو به‌آفتاب درآمدن است و با مردگان وسایل‌زندگی نظیر کوزه و دستبند و گلوبند ومیرکا[3] دفن می‌کرده‌اند .

گورستان قدیمی دروش‌کر[4]

در شرق دهکدهٔ کندلوس میخساز زانوس‌رستاق کجور

در مشرق دهکدهٔ کندلوس گورستانی‌وسیع است‌که سمت دفن مردگان شرقی است و زینتهای زنان نظیر گوشواره و دستبند و خلخال درگورها یافت شده است.

چناری کهنسال

در اراضی مونج میخسار زانوس‌رستاق کجور

در اراضی پایین‌دهکدهٔ مونج، چناری قدیمی است‌که‌گرداگرد تنهٔ آن از یك

۱ـ بضم واو اول. ۲ـ بضم الف و فتح راء . ۳ـ میرکا: مهره زردی و مهره‌های دیگررا گویند. ۴ـ بکسر دال وضم‌کاف . لفظ اول به‌معنی درفش‌و دومی به‌معنی سنگ است .

متری زمین، بالغ بر ۸۶۰ سانتیمتر است .

راه میخساز به تهران

این راه از مرکز میخساز که کندلوس است شروع می‌شود و پس ازطی گدوک‌ـ زانوس به نسن می‌رسد . شب‌منزل نسن است . از نسن به لشك وگردنهٔ سوتـك و از گردنهٔ سوتك به وارنگه‌رود می‌رسد . شب منزل وارنگه‌رود است . از وارنگه‌رود دنبال‌رودخانه بدگاجره‌و گردنهٔدیزین وپس از سرازیرشدن ازگردنهٔ دیزین، شب‌منزل دربندسر یا شمشك است. از دربندسر یـا شمشك کنار رودخانهٔ جاجیرود مـی‌رود و شب‌منزل قهوه‌خانهٔنو درگردنهٔ قوچاك است . از قهوه‌خانهٔ قوچك شبگیر می‌کردند و از راه نارمك به تهران می‌رسیدند .

بقعهٔ سیداحمد

در دهکدهٔ نیچکوه[1] میخساز از دهکده‌های زانوس‌رستاق کجور

بنایی است مربع‌شکل ازسنگ وگل با ایوانی در جلوآن. صندوقـی تخته‌ای ساده وسط بناست .

اسنادی درمنزل آقای حاجی‌حسین‌جهانگیری درکندلوس‌میخسازبدین شرح دیده شد :

هوهوهو

تیمناً و تبرکاً بذکر من‌له‌العزة والبقاوالدوام

شرایف حمدکثیراللطایف ولطایف شکرموفورالعطایف مالك‌الملکـی را

۱ـ نیچکوه : ده از دهستان زانوس‌رستاق بخش مرکزی شهرستان‌نوشهر، چهل‌وهشت کیلومتری جنوب نوشهر و دوازده‌کیلومتری پول (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳).

سزاست که در مزارع بقاع انتم تزرعونه ام نحن الزارعون بذر جزیل الفواید
انبتت سبع سنابل فی کل سنبلة مأته حبّه مزروع گردانیده ای زتو مزروع
جهان خراب وی بتو مرجوع ثواب وعقاب و درود نامعدود درخور پیغمبریست
که صاحب تاج با ابتهاج لولاك لمّاخلقت الافلاکست سلطان عرب و عجم
معلی مجتبی مزکی ابوالقاسم حضرت بارفعت محمدمصطفی و شاه ولایت پناه
وارث مرتبهٔ رفیعهٔ هارون مالك لوای فلك اعتلای سلولی اسدالله سرورغالب
شاه مردان علی ابوطالب و بر آل وعترت اطهارعالیمقدارشان صلوات الله و
سلامه علیهم باد ای آمده آن دوازده شاه براوج لقب دوازده ماه برگوهروی
دوازده برج هر اوج یعنی دوازده برج و بعدبفروختند سلالة الاماجد والا
عاظم کیاشاه حسین ولد مغفرت پناه کیاسیف آرویج و مسماتان حیات وپری
بنتان کیاء مومی الیه مرحوم و مسماة یاقوت بنت غفران پناهی کیاجهانبخش
آرویج و کیاسیف ولد مرحومی کیاحسنکیا آرویج بسبب عدول مؤمنین
جهة عدم بلوغ سیف مذکور تمامی اراضی دایر و بایر واقعدر قریهٔ پی ده
زانوسه رستاق حمیت سطانها عن الشرّ والنفان مع چنداصله درخت گردکان و
چنار وعیون و اعشاب وکل مایتعلق بهذاالباب را بسعادت نصابی عزت
دستگاهی استاد ناصر وقواما لدین ابنان مرحومی شمس الدین بناکنده لوسی
بمبلغ نوزده هزار دینار تبریزی نصفه توضیحاً للاصل وتبییناً للفرع
نه هزار و پانصد دینار موصوف منعوت و مبیع مسفور محدود است قبلیاً
باملاك مرادکوچ وسالارکوچ وشرقیاً باملاك عزت دستگاهی آقاعلی کوچ و
مهدی کوچ و شمالیاً بلیسه سو وغربیاً بجوی کوچك و بینهم عقد مبایعهٔ
صحیحهٔ شرعیهٔ اسلامیه جاری شد مشتمل برایجاب و قبول و تسلیم وتسلم و
تملیك و تملك و رویهٔ معتبره قبل العقد و تفرق ابدان و معترفشدند بایعان

مذکوران و بایعات مومی‌الیهن که تمامی ثمن معقود علیه از مال خالص مشتریان مزبوران بدیشان رسیده و زمّهٔ مشتریان از اداء آن کلاً و بعضاً بری و عری گشته و بعدالیوم بموجب این مبایعهٔ شرعیه مبیع مذکور مالی گشت از اموال مشتریان و ملکی شد از املاك ایشان و همچنین بایعان مسطوران و بایعات مذکورات اسقاط خیارات سیّما خیارالغبن الفاحش بل افحش نمودند وضمان درك کایناً ماکان شدند .

التاریخ عشر اول شهر جمادی‌الاول سنة ستة و ثلین بعدالف».

[بر حاشیهٔ سمت راست عبارات زیراست] :

«الشهود کیا فرامرز تورج و مولانا عبدالله کندلوس وملاعبدالعلی کندلوسی و حسین بناکندلوس ومحمد درزی وملاعلی واسفندیار دیاری وسیف سرخاب و اسکندرلهراسب وابراهیم ولد او وحاجی گالش ابندانکی .

[جای مهر] [1]

کیاحسنکیا آرویج برادرکیاشاه‌حسین آرویج متن بود فوت شد از هریك پسرخود و هو زین‌العابدین و یك زوجهٔ معقودهٔ مدخوله وایشان نیز دعوی کرده حصهٔ خود را بمبلغ پنجهزار دینار تبریزی بعزت‌دستگاه شمس‌الدین محمدبنا فروخته ضامن درك‌حیث ماکان‌شدند. [جای مهر] [2]».

[در بالای سند این‌عبارت است:]

«قدوقعت‌هذه‌المبایعة المبارك‌الصحیحة‌الشرعیه‌لدی. [جای مهر] [3]».

۱ـ مهری‌بزرگ گرد با سجع : «افوض امری‌الی‌الله وانا‌العبد روحی‌بن فتح‌الله ».

۲ـ مهری بزرگ گرد با سجع : « قال رسول‌الله صلی‌الله کل تقی‌نقی . . . صدق » .

۳ـ مهری بزرگ وگرد با سجع : «افوض امری‌الی‌الله و اناالعبد روحی‌بن‌فتح‌الله ».

«هوالمالك

الحمدلله الذی احل البیع والشری وحرّم الغصب والربوا والصلوة والسلام علی خیر خلقه و مظهر حقه محمد و آله امناء الدین و حفظة شرع المبین و بعد مبنی بر تنمیق اینخطاب شرعی المبدأ والمآب آنکه بفروخت زبدة الاشباه یوسف بن ابراهیم عربیشاه بعد از آنی که همشیره‌اش مسماة تی‌تی تمامی حصهٔ املاك موروثی خود را بیوسف مذکور هبه‌نمود وثبت‌عندی ثبتها بجناب عمدة الاکفاء استاد ناصر بن غفران‌پناه شمس‌الدین بنا [و رفعت‌پناه علی بن علاءالدین بنا و نادر العصری استاد ابراهیم بنا وقوام‌الدین بنا] مقدار بیست و چهار پیمانه تخم‌افشان که‌کائنست در جانب شمالی قریهٔ مونج من اعمال زانوسه‌رستاق بلا مشارکت و منازعت احدی بمبلغ شش هزار دینار تبریزی پنجدانگی سدسه ضبطاً للاصل وتوضیحاً له یکهزار دینار موصوف منعوت و محاط میشود مبیع مسفور قبلیاً متصل بزمین فریورز رودباری و شرقیاً متصل بمرز بزرگ و بحریاً ایضاً متصل بمرز بزرگ وغربیاً متصل بهزیارتگاه و جاده و فیمابین بایع و مشتریون مشارالیهم صیغهٔ‌عقد مبایعهٔ صحیحه‌مشتمل برایجاب و قبول و قبض و اقباض و تسلیم و تسلم و تملیك و تملك و رویه معتبره قبل العقد وتفرق ابدان جاری شد و بایع مسطور اسقاط جمیع خیارات سیّما خیار الغبن الفاحش بل الافحش نمود و ضامن درك شرعی شد.

کان ذلك سلخ شهر شعبان المعظم سنة ستة وعشرین بعد الف».

[بر بالای این هبه‌نامه این‌عبارت نوشته شده است:]

«وقعت هذه‌المبایعة الصحیحةالشرعیه لدی و انااقل‌الخلیقة‌بل‌اللاشیء .

[جای مهر][1]».

[برحاشیهٔ سمت راست این‌مطالب‌آمده است:]

«الشهود صلاحیت‌آثارمولانا نظرعلی‌کلکوتی وتقوی شعاران ملاابراهیم‌و ملاحسین کندلوس وکاوس‌بن‌کیا بیستون سل و استادابراهیم‌بـن غیاثالدین کوچ و گرشاسف‌بن غفران‌پناه علی‌لونج و ملك سلطـان‌بـن ملك‌ارغش و علاءالـدین درویش کوچ و ملا عبدالعلی‌بن ملاسیف‌الدین و استاد میربن چلستون مرزبان .

اسامی مشتریون‌که فیمابین سطررابع وخامس‌مندرجند خط‌فقیراست نمقه.

[جای مهر][2]».

بقعهٔ امامزاده ابراهیم معروف به‌دنگاسی[3] در دهکدهٔ ساس[4] از دهکده‌های زانوس‌رستاق کجور

بنایی است ساده ازسنگ وگل. صندوقی چوبین ساده وسط‌بناست و ایوانی در جلو بنا ساخته‌اند . «دنگاسی» به معنی دو«انگشتی» است و چنانکه از ایـن لقـب پیداست ، دو انگشت امامزاده در اینجا به خاك سپرده شده است.

دراین دهکده بقعهٔ دیگری به‌نام«امامزاده جعفر»است که آن‌نیزبنایی‌ساده و لت‌بسر است .

---

۱ و ۲ـ مهری گردباسجع : «افـوض امری‌الی‌الله الغنی‌عبده‌الراجی فتح‌الله‌ثـانی » .

۳ـ بفتح‌دال وسکون‌نون، به‌معنی‌دوانگشتی است. ۴ـ ساس:ده ازدهستان زانوس‌رستاق بخش مرکزی شهرستان نوشهر ، چهل‌ودو کیلومتری جنوب نوشهر و ده کیلومتری پـول (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳).

راه گدوك زانوس

میان‌نسن[۱] از دهکده‌های نور و زانوس کجور

سفر دوم ناصرالدین‌شاه بـه مازندران در سال ۱۲۹۲ ه . ق. بوده است . شاه در این‌سفر پس از گذشتن ازشهرستانك و دوآب، کناررودخانهٔ لورا برای ناهارخوردن توقف‌کرده است . از اینجا میرشکار ومیرزا عبدالله‌خان پیشخدمت ویك‌نفر مهندس‌را فرستاده است تا راه گدوك‌زانوس را تعمیـر و مرمت کنند . سپس خـود شاه از راه دونا و کمربن به‌نور می‌رود و چنین می‌نویسد:

« به ده نسن نرسیده ، در سرراه ملك‌چشمه عمله‌کار می‌کند.این‌راه به‌قریهٔ زانوس‌کجور می‌رود. چون راه اردواست می‌سازند . از ملك‌چشمه به‌نسن یك میدان اسب راه است. دوشنبه سوم رمضان به زانوس‌کجورباید برویم . اما راهی از قریهٔ پیل‌نور به دهات میخسازکجور می‌رود که نزدیك زانوس است . صبح زود از راه ملك‌چشمه به طرف زانوس به راه افتادیم . راهـی که می‌ساختند مملو از مردم وبنه بود. لابد ازکنار راه که سنگلاخ وبیراه است راندیم . بسیاربدگذشت. »

چناری بسیار کهنسال

در محوطه‌ای به‌نام چناربن در دهکدهٔ زانوس کجور

در محوطه‌ای گشاده‌درپایین‌دست‌دهکدهٔزانوس‌چناری‌است‌که شایدقدیمی‌ترین چنار نواحی مازندران باشد . محیط دایرهٔ تنهٔ آن از یك متری زمین ۱۱/۸۰ متر است .

۱ــ بکسر نون و سین .

گورستانی قدیمی
در اراضی ون[1] پشت دهکدهٔ زانوس کجور

گورستانی نسبةً وسیع پشت دهکدهٔ کنونی زانوس است که اغلب گورهای آن سمت قبلی نیستند. در این گورها زینت‌آلات زنان یافت شده است.

بقاع درویش‌رستم و درویش‌شهراکیم
در دهکدهٔ کوچك اطاق‌سرا[2] نزدیك زانوس کجور

بنای بقعهٔ درویش‌رستم، از خارج هشت ضلعی و از داخل چهار ضلعی است (عکس شمارهٔ ۶۸). پهنای هر یك از اضلاع هشت‌ضلعی دومتر تمام و پهنای هرضلع چهارضلعی داخل ۲۶۳ سانتیمتر است. درچهارضلع داخلی چهار طاقچه و بالای آنها چهار طاقنما و بالای طاقنماها، چهاررف مانند است که به‌زیر لبهٔ گنبد منتهی می‌شوند. این چهاررف وچهار گوشوار بنا دارای طاقهای جناقی هستند. گنبد عرقچین بنا برطاق گوشوارها و رفها استوار است. صندوقی قاب وگره از چوب آزاد گور درویش رستم را پوشانده است. درازای آن ۱۹۷ و پهنایش ۱۱۰ و بلندیش ۸۲ سانتیمتراست. صندوق برپایه‌ای چوبین استوار است که بلندی آن ۳۸ سانتیمتراست.

در ورودی بقعه دو لتی وشرقی‌است و درکفش‌کن جلو بقعه باز می‌شود. بلندی هر لنگه ۱۳۴ و پهنای‌آن ۳۷٫۵ سانتیمتراست.

عبارات زیر براین‌در با خط متوسط نسخ حك شده است:

بربازوی سمت راست چهارچوب در:

۱ـ بفتح واو. ۲ـ اطاق‌سرا: ده از دهستان‌زانوس‌رستاق‌بخش‌مرکزی‌شهرستان نوشهر، چهل‌و چهار کیلومتری‌جنوب نوشهر و۹ کیلومتری پول (فرهنگ جغرافیایی‌ایران، ج ۳).

«الله لااله الاهوالحی القیوم لاتأخذه سنة ولا نوم له مافی السموات ومافی الارض من ذا الذی یشفع».

بر بازوی بالای چهارچوب :

«عنده الا باذنه یعلم ما بین ایدیهم وماخلفهم ولایحیطون» .

بر بازوی سمت چپ چهارچوب :

« بشییء من علمه الا بما شاء وسع کرسیه السموات والارض ولایؤده حفظهما و هوالسمیع علیم تحریرا فی ماه محرم سنة اربع و تسعمایه».

بر دماغهٔ در :

« هذاالعمارت المشهدالمبارك فخر فخرا بندخـدا[1] درویش رستم ناف نورّ قبره عمل استاد اجل درویش محمدابن رستم » .

بر بائوی سمت چپ لنگهٔ سمت راست متصل به دماغهٔ در :

« این دنیا بدوستی کسان داشته‌اند
بنگر که زداشتن چه برداشته‌انـد
این طاق و رواقها که افراشته‌انـد
آخر همه رفته‌اند و بگذاشته‌اند کاتب گودرز».

بر بائوی سمت راست لنگهٔ راست :

« صل علی محمد مصطفی وصل علی علی المرتضی و فاطمة الزهرا وحسن رضا و حسین شهید بکربلا و امام زین العابدین».

برپاسار بالای لنگهٔ راست :

«در تاریخ ماه رمضان معظم».

۱ــ ظاهراً : فخر فقرا بندهٔ خدا .

برپاسار پایین لنگهٔ راست :

« در مسجد بهرزه بازمکن» .

بربائوی سمت چپ لنگهٔ سمت چپ :

« و امام محمدباقر و امام جعفرصادق و امام موسی‌کاظم و امام علی‌موسی ـ الرضا[1] صل‌الله‌علی محمد وآله‌اجمعین».

بربائوی سمت‌راست لنگهٔ سمت‌چپ :

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم‌قل‌هوالله‌احدالله‌الصمدلم‌یلد ولم‌یولد ولم‌یکن‌له کفواً احد درکه خالق[2] جبار برتوبگشاید

دیگر کسی‌نتواندکه برتودربندد درکعبهٔ‌مقصود».

برپاسار بالای لنگهٔ سمت چپ :

« سنة اربع وتسع مائة» .

برپاسار پایین :

« چون درآئی بجز نماز مکن».[3]

پنجره‌ای مشبك‌چوبین ظریف در ضلع شمالی بنای بقعهٔ درویش رستم است‌که این عبارات برآن مشبك‌کاری شده است :

« بانی قاسم پاشاه عمل استاد علی‌اصغر » .

بام بنا کلاه درویشی ومصالح آن سنگ لاشه و ساروج است .

بقعهٔ درویش شهراکیم چهار ضلعی است که ابداً مدخلی ندارد (عکس شمارهٔ ۶۹). چندی قبل یك بدنهٔ آن را سوراخ‌کرده و داخل بقعه رفته وکف آن را کنده‌و

۱ـ علت اینکه‌کاتب نم سایر ائمه را ذکرنکرده است روشن نشد. ۲ـ ظاهراً: دری‌که خالق. ۳ـ مصراع دوم «درمسجد بهرزه بازمکن » است امـا معلوم نیست که چرا کاتب دنبال‌عبارت «درکعبهٔ مقصود» نوشته است .

برسردابی رسیده‌اندکه سه تابوت از چوب سروبرروی یکدیگر درآن بوده است. در هر ضلع این بنا محراب مانندی است . بردیوار غربی بنا این کتیبه بـردوسنگ بر سمت راست و چپ این ضلع نصب شده است . خط کتیبه بسیار بد وناخواناست :

« هــذاالعمارات المغفورابــن المــرحوم درویش شهراکیم و درویش رستم نورقبرهما ــ فی ماه صفر سنة ثمان سبعین وتسع‌مئه» .

قلای نین
در دهکدهٔ سما از دهکده‌های پنجك‌رستاق کجور

درپایین دهکدهٔ سماآثارقلعه‌ای قدیمی به‌نام «نین» برجای‌است.دراین‌دهکده بقعه‌ای به‌نام «شهزاده‌قاسم » دراراضی «شیخ‌کلا» است. بنایی‌است ساده از سنگ وگل که خارج وداخل آن را سفیدکاری‌کرده‌اند. بام‌بنا لت‌بسراست.

بقاع پیردرویش و امامزاده‌اسماعیل و امامزاده زید
دردهکدهٔ فیروزآباد ازدهکده‌های پنجك‌رستاق کجور

هرسه بقعه بنایی ساده از سنگ وگل دارندکه داخل وخارج‌آنهارا‌سفیدکاری کرده‌اند . درختان‌کهنسال اوجا (نارون وحشی) در محوطهٔ بقعهٔ پیردرویش جالب و قابل ذکر است. بقعهٔ امامزاده اسماعیل‌را اخیراًحلب‌بسرکرده‌اند. دوبقعهٔ دیگرهنوز لت‌بسراند.

چناری‌کهنسال، ابتدای دهکدهٔ فیروزآباد برسرچشمه است‌که داخل‌آن خالی شده است. چناری قدیمی دیگر نیزدرآخر محل است.

باقی بناها و آثار تاریخی کوهستان کجور

۱ـ قلا گردن در ازارك[1] سرراه چالوس .

۲ـ آثار قبورقدیمی درپل زغال کجور .

۳ـ قلعه‌ای قدیمی درپشت دشت‌نظیر در فیروزآباد.

۴ـ گردکتی[1] درفین[3] قلعه‌ای قدیمی‌است‌درپنجك‌رستاق[4] پشت کندوسر.

۵ـ سلطان‌سرا مقابل ازارك از دهکده‌های کجور.

۶ـ دزدقلعه ، قلعه‌ایست قدیمی‌که‌ازکانی به‌ساریس و ازآنجا به‌قلعه می‌روند.

۷ـ حموم‌تپه، تپه‌ای نزدیك دزدقلعهٔ ساریس.

۸ـ امامزاده ابراهیم ، دیوارسنگـی ولت‌بسر درمنجیر ازدهکده‌های پنجك‌ـ رستاق کجور .

۹ـ امامزاده عبدالله درکینج زانوس‌رستاق کجور.

۱۰ـ قلعه‌ای قدیمی به‌نام «اوسرکتی»[5] میان بسطام و فیروزآباد.

۱۱ـ بقعه‌ای در دهکدهٔ پی‌چلو[6] از دهکده‌های حومهٔ‌کجور.

۱۲ـ بقعه‌ای در دهکدهٔ لیکوش[7] از دهکده‌های توابع‌کجور.

۱۳ـ امامزاده‌ای میان اویل[8] و کوهپر کجور .

۱۴ـ امامزادهٔ سرجار[9] در دهکدهٔ سرجارکوهپر کجور.

۱ـ بفتح الف. ۲ـ بکسر گاف و دال وضم‌کاف. ۳ـ بکسر فاء و فتح‌یاء.
۴ـ بفتح پ و سکون نون و فتح‌جیم. ۵ـ بضم لام و سکون واو و فتح‌سین وضم‌کاف.
۶ـ بکسر پ و چ ، ده ازدهستان‌بلدهٔ‌کجور بخش‌مرکزی‌شهرستان نوشهر(فرهنگ‌جغرافیایی ایران،ج ۳). ۷ـ بکسرلام و سکون یاء، ده از دهستان توابع کجور بخش مرکزی شهرستان نوشهر ، سه‌کیلومتـری جنوب کجور (فرهنگ جغـرافیایی ایران ، ج۳) .
۸ـ بفتح‌الف . ۹ـ بفتح سین.

۳- جغرافیای دشت کجور

بلوك دشت کجور ازطرف مغرب به‌رودخانهٔ چالوس، از طرف مشرق به‌رودخانهٔ بره[1]، درشرق‌المده[2] ازطرف جنوب به‌نواحی کوهستانی نور و از طرف شمال به‌کنارهٔ دریای خزر محدود می‌شود.

این خاك پهناور را به‌نواحی چند تقسیم کرده‌اندکه ازغرب به‌شرق به‌این ترتیب قرار می‌گیرند:

کران[3]، خیره‌رودکنار، چلندر[4]، بلدهٔ کجور(شهر کجور)، کلرودپی[5]، علوی‌-کلا[6]، کچرود[7]، کالج[8]، (درجنوب کچرود). سامان غربی کران رودخانهٔ چالوس وسامان شرقی آن خیره‌رود است.

ناحیهٔ خیره‌رودکنار از رودخانهٔ خیره‌رود شروع می‌شود و به رودخانهٔ کوچکی که میان چلك[9] غربی و شرقی است ختم می‌گردد. حد غربی چلندر رودخانهٔ کوچك چلك وحد شرقی آن آب ملکار[10] است.

ناحیهٔ بلدهٔ کجور(شهر کجور) میان قریهٔ اندرور[11] تا رودخانهٔ نمك‌آب‌است.

۱- بفتح باء و کسر راء. ۲- بفتح الف و لام و سکون میم و کسر دال.
۳- بفتح کاف. ۴- بفتح چ و لام. ۵- بضم کاف و کسر لام. در تلفظ محلی کلی‌رودپی نیز می‌گویند. ۶- بفتح عین و لام. ۷- بفتح کاف و کسر چ.
۸- بکسرلام. ۹- بکسرچ وفتح‌لام. ۱۰- بضم میم. ۱۱- بفتح‌الف وسکون نون‌وفتح‌دال وسکون راء و فتح واو.

کلرودپی[1] حد شرقیش رودخانهٔ نمك‌آب و حد غربیش رودخانه‌کلی‌رود[2] است . علوی‌کلا میان دو رودخانهٔ کلی‌رود و کچه‌رود[3] است . کچرستاق[4] خاك میان رودخانهٔ کچه‌رود تا دهکدهٔ هندومرز است .

حد و سامان بلوك کالج از دهکدهٔ هندومرز تا پل رودخانهٔ بره‌است که حد فاصل میان خاك کجور و نور است .

۱ـ بضم کاف و کسر لام وظاهراً تلفظ صحیح آن به کسر کاف است . زیرا رودخانهٔ این ناحیه تا امروز « کلی‌رود » بکسر کاف تلفظ می‌شود .
۲ـ بکسر کاف .
۳ـ بفتح کاف .
۴ـ بفتح کاف و کسر چ وضم راء .

٤ ـ بناها و آثار تاریخی دشت کجور

امامزاده محمدبن موسی الکاظم علیه‌السلام

در دهکدهٔ خیرسر از دهکده‌های کران کجور

بر سرراه نوشهر به نیرنگ و چشمه گردو برسمت چپ جاده ، بنایی است مستطیل شکل که درازای آن ازخارج ۸۵۰ و پهنی‌آن ۵۵۰ سانتیمتر است . ایوانی به پهنای ۳۲۵ سانتیمتر در شرق بناست و در ورودی بقعه در این ایوان باز می‌شود . صندوقی چوبین در وسط بنای اصلی بقعه است که درازای آن ۱۸۰ و پهنای آن ۶۲ سانتیمتر است . در اطراف بنا گورستانی قدیمی است که درختان نسبةً کهن :گردو، انجیر، توت ، اوجا ، انار ، هلی (آلوچه) ، شیشار (شمشاد) ، فك (بید) ، نیسکا، فرمونی واربه (خرمندی) درآن دیده می‌شود. برسنگ قبری درگورستان بقعه‌ابیات زیر حك شده بود :

« تاج از فرق فلك برداشتن تا ابد آن تاج بر سر داشتن
جاودان در اوج قدرت زیستن ملك عالم را مسخر داشتن
برتو ارزانی‌که ما را خوشتر است لذت یك لحظه مادر داشتن »

حمامی قدیمی
در دهکدهٔ سنگ‌تجن[۱] ازدهکده‌های کران کجور

تاریخ بنا و بانی این حمام روشن نشد. شکل ظاهری بنا قدمت آن را نشان می‌دهد.

نهرهای قدیمی که از چشمه گردو جدا می‌شود

این نهرها به نام دهکده یا مزرعه‌ای هستند که آنها را مشروب می‌کنند و به ترتیب از قرار زیراند:

سنگ تجن، خیرسر، تازه‌آباد، کردی‌کلا[۲]، نهر نیرنگ‌که قسمتی ازاراضی دهکدهٔ نیرنگ را مشروب می‌کنند. نهر شکری‌کلا[۳] که قسمتی از اراضی کشت شکری‌کلا را مشروب می‌کند. نوشهر، موسی‌آباد، کورکوره‌سر، اجارم[۴] (مزرعه است و رعیّت‌نشین ندارد)، گرده کل[۵]، شهر پشت[۶] (مزرعه است و رعیت‌نشین ندارد).

۱ــ بکسر گاف و فتح تاء وکسرجیم. ۲ــ بضم کف اول. ۳ــ بضم‌شین‌و سکون کاف. ۴ــ بضم‌الف و راء. ۵ــ بکسر گاف وفتح کاف. ۶ــ بکسر راء و ضم پ.

بقعهٔ سید علی کیاسلطان‌بن سیدعلی‌عمران‌بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ سید علی کیا [1] از دهکده‌های خیر رودکنار کجور

بنای اصلی بقعه هشت ضلعی است که درازای هرضلع آن ازخارج سه متر تمام است (عکس شمارهٔ ۷۰) . داخل هر یك ازاضلاع داخلی طاقنما مانندی به عمق۲۰و پهنای ۱۲۰ سانتیمتر است . مرقد سید علی‌کیا در وسط بناست . درازای آن ۲۱۰و پهنای آن ۹۶ سانتیمتر است که با آجر و گچ از سطح زمین بالا آورده‌اند . سقف بنا از داخل گنبد مدور توسری خورده و از بیرون هرم مثمن‌القاعده است . مصالح اصلی بنا آجرو ساروج است .متصل به ضلع شرقی،کفش‌کنی به درازای ۳۴۰ وپهنای ۲۱۵ سانتیمتر ساخته‌اند . در مدخل این کفش‌کن جلوخان مانندی است . اطراف بقعه گورستانی قدیمی است . چناری کهنسال دراین گورستان است که محیط دایرهٔ تنهٔ آن بالغ برده متر است . مأذنه‌ای‌که قسمت پایین‌آن از آجر وگچ و گلدستهٔ آن از چوب است در جلو در این گورستان است (عکس شمارهٔ ۷۱) . کفش‌کن ومأذنه درحدود صد سال قبل به دست سید امین حسینی متولی وقت ساخته شده‌است .تولیت بقعه فعلاً با سید رضای حسینی است .

۱ــ سید علی‌کیا : ده از دهستان خیررودکنار بخش مرکزی شهرستان نوشهر ، هفت کیلومتری شرق نوشهر و یك‌کیلومتری جنوب جادهٔ نوشهر بابلسر (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) .

امامزاده عبدالله بن امام موسی الکاظم علیه السلام
دردهکدهٔ بندپی از دهکده‌های خیره رود کنار[1] کجور

بنای اصلی بقعه هشت ضلعی است که درازای هر ضلع آن از خارج ۲۶۰ سانتیمتر است. برجدار داخلی هریك ازاضلاع طاقنمایی به پهنای ۷۵ وعمق ۲۵ سانتیمتر ساخته‌اند. در ورودی بقعه جنوبی است و مرقد معصوم‌زاده در میان بنای اصلی بقعه با صندوقی پوشیده شده است. درازای آن ۱۷۰ و پهنایش ۷۰ و بلندی آن ۱۱۰ سانتیمتر است. بام سراسر بنا لت‌پوش است.

غارهای رشته کوهی آهکی
درجنوب چلك و چلندر از دهکده‌های کجور

در جنوب آبادیهای چلك و چلندر رشته‌کوه آهکی است که غارهای کوچك و بزرگ درآن دیده می‌شود. از آنها می‌توان غارهای دیوسفید و بزلی[2] (مجلهٔ شکارو طبیعت شمارهٔ ۴۶ شهریور ماه ۱۳۴۲) وغار ارژنگ و غارگبری (بولتن فدراسیون کوهنوردی) را نام برد.

قلعهٔ دزدبن
درنزدیکی دهکدهٔ دزدك از دهکده‌های چلندر کجور

درجنوب دهکدهٔ دزدك و درسامان پلستان و کهنه چلندر، قلعهٔ قدیمی عظیمی بوده است. این قلعه را روزی برتپه‌ای که از خاکریزی دستی به وجود آورده‌اند،

۱ـ نام این رودخانه درتاریخ طبرستان سید ظهیرالدین «خیره رود» به معنی رودخانهٔ سرکش ودریده است. سرکشی آن همین بس که درسیل ۱۳۴۶ پل بتنی را بااستحکام تمامی که داشت از جای کند. امروز به غلط «خیررود» گویند.

۲ـ بضم باء وکسر زاء.

ساخته بوده‌اند . امروز بالای این خاکریز به شکل دایره است و محیط آن درحدود سیصد متر به نظر می‌رسد. اطراف آن تاامروز خندقی است که روزی ازآب‌چشمه‌های دزدبن پر می‌شده است . پهنای این خندق سی و پنج تا چهل متر و گودی آن نیز درهمین حدود است . بر بالای این خاکریز دستی آثاری از بنا برجای نبود . پاره آجرهایی که قطر آنها به هشت سانتیمتر می‌رسید زیاد دیده می‌شد . درحدود شصت‌و پنج سال پیش آجرهای این قلعه به دهکدهٔ دزدك حمل‌کرده وحمامی‌ازآنهاساخته‌اند. پس‌از بررسی‌حمام معلوم شد این آجرهای قالب بزرگ مربوط‌به دوران ساسانی‌است. سفال بی‌لعاب فراوان در بالای خاکریز ودامنه‌های خندق دیده می‌شود . در جهت شمالی قلعهٔ دزدبن، بطرف دریا نه تپهٔ دستی دیگر است وقلعهٔ دزدبن دهمین خاکریز دستی است . برخاکریز یك و دو و سه که درامتداد شمال و جنوبی نزدیك به ساحل دریا قرارمی‌گیرند، امروز دهکده‌های سیدکوتی[1] ، پایین‌محلهٔ‌دزدك و دهکدهٔ دزدك[2] بنا شده‌اند . اراضی اطراف این تپه‌های ده‌گانه که امروز تبدیل به مزارع برنج‌کاری شده‌اند در زمان محمدشاه قاجار (۱۲۶۴ ـ ۱۲۵۰ه.ق.) آبگیر و باتلاق بوده است رابینو نیز ازاین مرداب یادکرده و می‌نویسد : « ازملکار راه باریکی که باتنهٔ درخت مفروش و در بیشتر جاها در زیر آب بود ساخته‌اند . این راه به دهکدهٔ چلندر که در میان باتلاقها محصور است منتهی می‌شود . اگر اسب ، هنگام شب ، دراین راه درگل گیرکند امیدی به نجاتش نخواهد بود . »[3]

مکنزی به خرابه‌هایی واقع در یك میلی حوض‌کوتی رفته و در آنجا آثاری یافته‌که

۱ـ کوتی به معنی تپه‌ای کوتاه یا خاکریزی دستی است . ۲ـ نام « دزدك » نشان می‌دهد که روزی بناهای این محل قلعه مانند بوده است . ۳ـ ترجمهٔ سفرنامهٔ مزندران و استراباد رابینو، ص ۵۲ .

نشان می‌داده است سابقاً درآنجا قلعهٔ بزرگی وجود داشته است . این قلعه محصور به دو رشته خندق و بارو بوده است . خندق داخلی دست‌کم بیست پـا عمق داشت وعمق خندق خارجی بیش از ده پا نبود . برتپهٔ وسطی آجرهای بسیار بود . درآنجامکنزی دو درخت بسیار زیبای جنگلی که در عمر خویش مانند آن را ندیده بود ، مشاهده نمود . از آن نقطه تا کوهپایه‌ها بیش از یك میل راه نیست و بریك صخرهٔ آهکی به ارتفاع تقریباً سی‌پا از زمین غاری است که بلندی دهانهٔ آن در حدود شش‌پا و پهنای آن چهار پا است و منظرهٔ دلفریبی از جلکه ودریا در مقابل این غار واقع شده‌است[1] (عکس شمارهٔ ۷۲) .

در تاریخ ابن اسفندیار مذکور است: وقتیکه افراسیاب منوچهر را دنبال‌کرد، او به رستمدار آمد و پس ازچندی‌که درخورشیدرستاق آواره شد در چلندر درمحلی که‌کوهستان خیلی‌به دریا نزدیك‌است، پناه‌جست. درآنجااوپیش دهکده‌های ونوشه‌ ده وکمس، خندقی‌بزرگ حفر کرد و با همراهان خود درآنجا ماند .[2]

رودخانهٔ کوچکی به نام « دزدك رود » که‌آب چشمه‌های اطـراف قلعهٔ دزدبن است از نزدیکی دهکدهٔ دزدك می‌گذرد و به دریا می‌ریزد .

سید ظهیرالدین که پس‌از مرگ میرزین‌العابدین می‌خواست میرعبدالکریم‌را به مازندران ببرد از این‌آب گذشته و آن را به نام « دزکه روی سرچلندر » خوانده است.[3]

۱ــ این غار تا امروز برجای است و به نام غار « دیوسفید » درمیان اهـالی معروف است. ۲ــ ترجمهٔ سفرنامهٔ‌مازندران واستراباد رابینو، ص۵۲. ۳ــ تاریخ گیلان و دیلمستان ، ص ۴۶۲. شکل امروزی این‌نام «دزك رودسر» می‌شود.

امامزاده نوح
در دهکدهٔ اندرور[1] از دهکده‌های بلدهٔ کجور

بنایی است ساده با دوستون چوبین در طـول بنا و صندوقی ساده درمیان آن . در ورودی که درایوان باز می‌شود نقوش برجسته داشت. ایوان امامزاده شرقی‌است و جلوآن پنج ستون چهارسوی‌است که سرستونهای دهان‌اژدری پرکار دارد. این بنا در میان اراضی برنجکاری‌است واطـراف‌آن درختان : ون شمشاد ، توسکا وبه زیاداست.

درمیان درختان درخت سوری کهنسال به نظر رسیدکـه گرداگرد تنهٔ آن از یك متری زمین ۲۲۵ سانتیمتر است (عکس شمارهٔ ۷۳) .

امامزاده بلال بن زیدبن امام موسی‌الکاظم
در دهکدهٔ پی‌کلا ازدهکده‌های بلـدهٔ کجور

بنای اصلی بقعه اطاقی است چهارگوشه که مرقدی درمیان است کـه درازای آن ۱۴۰ وپهنایش ۷۵ وبلندیش۶۰ سانتیمتراست‌که اخیراً آن را کاشیکاری‌کرده‌اند. درطول اطاق دو ستون چوبین چهارنبش کناره پخ زده است که پلورگیری (حمالی) برآنها قرار داده و سرهای پلورهای دوطرف برآن متکی است . در ورودی وایـوان بقعه شرقی است. جلو ایوان چهار ستون با سرستونهای دهان‌اژدر است. سمت راست ایوان مأذنه‌ای چوبین به ابعاد ۱۸۰ و بلندی ۱۷۰ سانتیمتر است . بنای بقعه درزیر درختان کهنسال: انار ، شمشاد ، توت ، مازو ، ممرز ، شب‌خسب و انجیر است .

۱ـ بفتح الف وسکون نون وفتح دال وسکون راء وفتح واو . اندرور : ده ازدهستان بلدهٔ کجور بخش مرکزی‌شهرستان نوشهر، بیست وسه کیلومتری شرق‌نوشهر وهفت‌کیلومتری صلاح‌الدین کلا (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) .

راه قدیمی مالرو
از صلاح‌الدین کلا (سرین کلا) به شهر کجور

این راه قدیمی که تا چندی پیش آبادان بود و آمد و رفت زیـادی داشت از صلاح‌الدین کلا به تاج‌الدین کلا ، ملاکلا ، میان شل[۱] ، شیوا دره ، کـدو[۲] ، افرابن[۳] ، ستل[۴] ، نهـررودبار ، چماردره[۵] ، کالچه‌رود[۶] ، می‌رود و سپس بـه نهرکجور می‌رسد . دنبالهٔ این راه به یالو و از راه نردبان یالو به لار و افچه و تهران می‌رود .

رابینو دربارهٔ این راه نوشته است :

نزدیکترین راه بین تهران و دریای خزر از طریق گردنهٔ افچه و درهٔ لار واز آنجا از راه یالو یا گردنه سفیداب به نور وبعداز گردنهٔ دیگری به نام « قرق » بـه درهٔ کجور و از آنجا از کنار رودخانه‌ای که به دریا می‌ریزد به ساحل دریا می‌توان رفت . ازاین راه مسافر می‌تواند درظرف سه روز به‌آسانی و یا دو روز تابستان بدون عوض‌کردن اسب به ساحل دریا برسد می‌گویند این راه پنج ماه درسال مسدود است و بنابر اطلاعی که اهل محل می‌دادند چند منزل ذیل را باید پیمود. از تهران به افچه ۲۴ میل (۶ فرسخ)، نور ۲۴ میل، کجور ۱۶ میل ، صلاح‌الدین کلا ۱۶ میل.[۷]

قلعهٔ دختر یا قلعهٔ شیوادره
میان مرتع میان‌شل و کدو برسرراه صلاح‌الدین کلا به کدیر[۸]

بردوقلهٔ کوه بردوطرف جادهٔ قدیمی صلاح‌الدین کلا به‌کدیر آثار قلعه‌ای قدیمی است . آثاری که براین دوقله‌است ومقداری‌ازآنها برجای مانده،ازآجرساخته‌بوده‌اند.

۱ـ بکسرشین . ۲ـ بفتح کاف. ۳ـ بفتح الف وکسر باء . ۴ـ بفتح سین و سکون تاء و لام . ۵ـ بکسر چ . ۶ـ بکسر لام . ۷ـ ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو، ص۵۴ . ۸ـ بضم کاف .

ملاط هردو قسمت گچ و برقلهٔ دست چپ که آثار حمام و آب‌انبار است ساروج نیز بکاررفته است. این اطلاعات ازگله‌داران وچوپانان کسب شده و نگارنده این‌قلعه را ندیده است .

راهی قدیمی معروف به شاهراه
از صلاح‌الدین کلا به کدیر

این راه که ظاهراً راهی فرعی است که از شاهراه شاه عباسی جـدا می‌شده از نقاط زیر می‌گذرد و به کدیر و شهر کجور می‌رود :

صلاح‌الدین کلا (سرین کلا)، چـالك[۱]، الاشتونی[۲]، پرامکلی[۳]، نردکه چال[۴]، اوخواره ، چله‌سر[۵]، سفید ، شاهانه‌پل ، انجم[۶]،کدیر و از کدیر به شهر کجور کمتر از يك فرسنگ است .

قلعه‌ای قدیمی
در اراضی کشتزار تاج‌الدین کلا[۷] از دهکده‌های بلدهٔ کجـور

برخاکریزی دستی‌که اطراف آن جر (خندق) عمیقی بود ،آثار قلعه خرابه‌ای به جای بود . آجر پاره‌ها و سفال زیادی بربالای آن دیده می‌شد اراضی قلعه امروز صنوبرکاری شده و از میان رفته است .

۱ـ بفتح‌لام . ۲ـ بفتح‌الف وسکون‌شین . ۳ـبفتح پ وسکون میم و کسر کاف. ۴ـ بفتح نون و سکون راء و فتح دال . ۵ـ بکسر ج و لام و فتح سین . ۶ـ بفتح الف و سکون نون وضم جیم . ۷ـ تاج‌الدین کلا ، ده از دهستان بلدهٔ کجور، بخش مرکزی شهرستان نـوشهر، سیزده کیلومتری‌غـرب‌المده ویك‌کیلومتری جنوب شرسهٔ المده به نوشهر (فرهنگ جغرافیایی ایران ،ج ۳) .

قلعه‌ای قدیمی به نام «مازی کوتی»
میان دهکده‌های تاج‌الدین کلا و ملاکلا از دهکده‌های بلدهٔ کجور

فقط تپهٔ کوتاهی که ظاهراً دستی است ازآن برجی مانده است .

خالدکیا سلطان‌بن عون‌بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام
درمناچیر کلا (منوچهر کلا) [1] از دهکده‌های علوی کلای کجور

بنایی است که از خارج وداخل هشت ترك است (عکس شمارهٔ ۷۴) . هریك از ترکها از داخل ۱۹۰ سانتیمتر است که بر جدار آنها ، طاقنمایی با طاق هلالی به پهنای ۹۵ سانتیمتر ساخته‌اند .دونورگیر دراضلاع شمالی و جنوبی است. در ورودی بقعه شرقی است . بلندی آن ۱۷۰ و پهنایش ۹۰ سانتیمتر است . این در به مسجدی گشوده می‌شود که درازای‌آن ۵۴۰ و پهنایش ۴۰۰ سانتیمتر است. بر بالای ستون چوبین وسط مسجد و دیوارهای دو طرف پلورگیری (حمالی) قطور است که پلورهای دوطرف سقف براین پلورگیر ودیوارها متکی است. چهارسرستون جلوایوان مسجد، دهان اژدر و بسیار زیبا و پرکار است . سقف بقعه و مسجد و ایوان لمبه‌کوبی با درزپوش است . لبهٔ بنا دو پشته و بام سراسر بنا سفال‌پوش است .

سنگ قبری قدیمی دراین بقعه به‌این شرح دیده شد :

« الحکم‌لله واحد القهار

وفات‌المرحوم المغفور المبرور الی‌رحمةالله الملك‌الغفور سید صالح‌طاج‌بن ملك مظفر فی‌شهرربیع‌الاخرسنة ثمان عشرین الف کاردرویش مرتضی» .

۱ـ منوچهر کلا، ده ازدهستان علوی کلابخش‌مرکزی شهرستان نوشهر، هفت‌کیلومتری غرب‌المده وسه‌کیلومتری جنوب شوسهٔ المده به‌نوشهر (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳).

پشت سنگ یك بیت شعر است که خوانده نشد.

در فاصلهٔ شانزده متری ایوان، سقانفار یا مأذنه‌ای چوبین زیبا ساخته‌اندکه بر شش پایهٔ چوبین متکی است. کف این مأذنه ۴۸۰ × ۳۳۰ سانتیمتر است و چهارده ستون ظریف در اطراف آن قرار داده‌اند. تمام لمبه‌های سقف مأذنه را با رنگهای سرخ و نیلی و سبز طراحی و نقاشی کرده‌اند. لبهٔ طاق سه پشته و سراسر بام آن لت‌پوش است (عکس شمارهٔ ۷۵). اطراف بقعه درختان: انار، گردو، شمشاد، توت، افرا، ممرز (شرم)، لك (کهل) و آزاد است. محیط دایرهٔ تنهٔ یکی‌ازدرختان آزاد ۵۳۰ سانتیمتر بود.

سنگهای زیر درگورستان بقعه است:

« الحکم‌لله واحدالقهار وفات‌المرحوم فرخسیر ابن محمود تاریخ دوم شعبان ۱۲۲۰».

«الحکم‌لله واحدالقهار رب‌انزلنی منزلاً مبارکاً وانت خیرالمنزلین‌وفات مرحوم استاد بابا ابن مرحوم استاد حبیب ازجماعت سراچی[1] شهرمحرم الحرام ۱۲۸۶ »

جمشید کیاسلطان
در قصبهٔ المده مرکز قشلاقی کجور

بنای اصلی بقعه هشت ترك و بام آن کلاه درویشی است (عکس شمارهٔ ۷۶). درازای هرضلع آن از داخل ۱۸۰ سانتیمتر و در جدار هرضلع، طاقنمایی به بلندی ۱۹۰ سانتیمتر و پهنای یك متر تمام است. بالای طاقنماها رف مانندی است و بالای رفها پیش‌آمدگیهای مثلث شکل است که طاق عرقچینی داخل بر آنها متکی است.

۱ــ این کلمه « براچی » نیز خوانده می‌شود.

در ورودی بقعه شرقی و بلندی آن ۱۵۰ و پهنای آن ۹۰ سانتیمتر است . درطاقنمای ضلع جنوبی ، دو نورگیر یکی در بالا و دیگری پایین آن است . صندوقی ساده و بدون کنده‌کاری ازچوب آزاد ، دروسط بنای اصلی، مرقد را پوشانده است . درازای آن ۲۰۰ و پهنایش ۱۰۵ و بلندی آن ۱۲۰ سانتیمتر است . کفش‌کن بقعه شامل یك اطاق باطاق ضربی است . ابعاد آن در حدود چهارمتر است . در بدنه‌های جنوبی و شمالی این کفش‌کن دو طاقچه است . طاقچهٔ شمالی که طاق آن افقی است به‌ابعاد۷۵ سانتیمتر است. طاقچهٔ جنوبی که طاق آن هلالی است ، بلندی آن از وسط هلال۸۵و پهنای آن ۶۵ سانتیمتر است . در دوطرف درازای کفش‌کن دو تخت زده‌اندکه پهنای هر یك ۹۵ سانتیمتر است .

مصالح بنا آجر وملاط گل‌آهك وروکشهای متعدد ازگچ وفرش[1] وآهك دراین بنادیده می‌شود.اطراف بقعه درختان‌چنارو‌آزاداست. محیط دایرهٔ تنهٔ یکی‌ازچنارها ۶۴۰ ومحیط دایرهٔ تنهٔ دودرخت آزادکهنسال‌آنجا بالغ بر۵۰۵ و۵۲۰سانتیمتراست.

کتیبه‌ای ازآجر بانوشته‌های برجسته بربدنهٔ ترك شمال شرقی این بنا کار گذاشته‌اند . این‌کلمات برآن خوانده می‌شود :

«امر بعمارة هذاالمزار السلطان ملك کیومرث‌بن ملك بیستون فی‌محرم سنةاحدی خمسین و ثمانمئه ۸۵۱ » (عکس شمارهٔ ۷۷) .

حمامی قدیمی
در قصبهٔ المده مرکزقشلاقی کجور

خرابه‌های این حمام تا چندی پیش برجای بود شهرداری درنوسازیهای تازه یکسره آن را از میان برده است .

۱ــ فرش ، بضم شین ماسهٔ نرم‌است که آن را باآهك مخلوط نموده وبه جای گچکاری دیوارها به‌کار می‌رود .

قلعه‌ای قدیمی
در دهکدهٔ کاسه‌گرمحله از دهکده‌های کالج کجور

دراراضی کاسه‌گرمحله تپه‌ای عظیم است کـه خاکریز دستی است . بـرسراین خاکریز روزی دژی مستحکم بناشده بوده‌است. ظاهراً باید جای یکی ازمسلحه‌هایی باشد که ابن‌اسفندیار درتاریخ طبرستان خود ازآنها یاد کرده است . بربالای این‌تپه علی‌سالار فاتح، بنایی عظیم ساخته است که فعلاً در دست سیروس خواجه‌نوری است (عکس شمارهٔ ۷۸) .

باقی‌ماندهٔ راه شاه عباسی
دراراضی کاسه‌گرمحلهٔ کالج کجور

درفاصلهٔ کمی از تپهٔ کاسه‌گرمحله و در جنوب آن ، دنبالهٔ راه شرقی غربی‌شاه عباسی تا امروز برجای است (عکس شمارهٔ ۷۹) . این راه قدیمی جادهٔ گلندرود را قطع می‌کند و به طرف شهر آمل می‌رود .

بخش چهارم

نـور

۱ـ مختصری از جغرافیای کوهستان نور

چهار دهکده به نامهای دونا (= دینا) ، الیکا[۱] ، کلونگاه[۲] ، وکمربن[۳] در آبریز رودخانهٔ چالوس قرار دارند کـه از قدیم جزء کوهستان نور بـه حساب آمده است . آب رودخانهٔ دونا در پل زنگله[۴] و آب رودخانهٔ کلونگاه والیکا و کمـربن در هرجان[۵] دره به رودخانهٔ چالوس می‌پیوندند . ما نیز برای حفظ سنت این دهکده‌ها و آثار تاریخی آنها را جزء نور به حساب آوردیم .

گذشته ازاین چهـار دهکده بخش اصلی کوهستانی نـور از « نسن»[۶] یکی از دهکده‌های اوزرود[۷] شروع می‌شود و به دهکده‌های تترستاق[۸] یعنی تیرسّاو[۹] کرسی‌ورزان ختم می‌گردد . دهکده‌های درهٔ نمارستاق[۱۰] کـه رودخانه‌ای جداگانه است وآب آن

۱ـ بکسر الف . ۲ـ بفتح کـاف و سکـون لام و فتـح واو وسکـون نـون .
۳ـ بفتح کاف و میم و سکون راء و ضم نون . ۴ـ بفتح زاء وسکون نون و ضم گاف.
۵ـ بفتح هـاء و راء . ۶ـ بکسر نـون و سین . ۷ـ بضـم الف و کسر زاء .
۸ـ بفتح دوتاء و ضم راء . ۹ـ بکسر تاء و یاء و راء و تشدید سین . ۱۰ بفتح نون وضم راء .

بالاتر از دو آب سیاه‌بیشهٔ نور به رودخانهٔ هـراز می‌ریزد نیز جزء بخش کـوهستانی نور به شمار آمده است . درهٔ اصلی نـور غربی شرقـی است و آب رودخانهٔ نـایـه (= ناحیه) در دهکدهٔ اوز بـه آن می‌پیوندد . آب رودخانهٔ کمررود کـه دره‌ایست جنوبی شمالی و آب رودخانهٔ یالورود که رودخانه‌ایست تقریباً شرقی غربی در کلیك بـه رودخانهٔ اصلی متصل می‌شود . عبود این رودخانه از بلده‌کـه گذشت ، آبهـای دهکده‌های میان رودبار به آن می‌رسد . این رودخانه پایین‌تر از دوآب نمارستاق و بالاتر از دهکدهٔ شاه‌زید در سیاه‌بیشه به آب هراز ملحق می‌گردد .

۲ـ بناها و آثار تاریخی کوهستان نور

آشپزخانه‌ای عمومی
دردهکدۀ کمربن کوهستان نور

دردهکدۀ کمربن آشپزخانه‌ای عمومی است که شامل دواطاق بزرگ است. طاق این دو اطاق گنبدی عرقچینی واز سنگ وگچ زده شده است . سوراخی دریکی از جرزها تعبیه کرده بودند تا بتوان سوخت را ازخارج به داخل آشپزخانه ریخت. اجاقهای متعدد بزرگ در پای ضلع جنوبی وجود داشت . این بنا که نظیر آن در دهکده‌ای دیده نشده است قدیمی بود .

مسجدی قدیمی در کمربن
از دهکده‌های کوهستان نور

دروسط این‌مسجد قدیمی یك ردیف فیلپاست وطاقهای عرقچینی که ازسنگ و گچ زده‌اند براین فیلپاها ودیوارهای اطراف متکی است. تاریخ تعمیرآن سال۱۲۵۵ هجری قمری بود . سردری بتازگی آقای مولانا برای آن ساخته بودند .

گورستانی قدیمی
میان فغفره [۱] و اشر [۲] در دهکدهٔ کمربن کوهستان نور

میان اراضی فغفره و اشر کنار خط ماشین‌رو جدید، قسمتی ازکوه براثر تسطیح راه فروکش کرده بود وسنگهای طرفین قبر و لحدهای قبور قدیمی بیرون آمده بود.

گورستان دهکدهٔ کمربن

سنگهایی‌که درایـن گورستان مورخ بود تاریخ آنها تـا ۱۲۷۰ هجری قمری می‌رسید بعضی‌از آن سنگها بدین شرح بود :

« هوالباقی

وفات‌المرحومه‌المبروره المغفوره فاطمه‌نسا بنت مرحوم عبدل توران [۳] فی سنة ۱۲۷۰ ».

« وفات‌المرحومه المغفوره المبروره [مابقی نوشتهٔ سنگ زیر خاك بود] و برگوشهٔ آن « فی سنة ۱۲۸۱» روشن خوانده می‌شد .

« هوالحی‌الذی لایموت وفات‌المرحومه المبروره بتول خانم بنت آخوند ملاحسین من‌طایفهٔ توران [۴] بتاریخ دهم رجب [شکستگی] » .

درحاشیهٔ طرفین سنگ :

« صدق‌الله و رسوله و ماوعدناالله و رسوله » .

نشانه‌ها نقش خورشید و شانه .

---

۱ ــ بفتح فـاء و سکـون غین و فتح فـاء دوم . ۲ ــ بفتح الـف و شین .

۳ و ۴ ــ توران یکی از تیره‌های قدیمی ساکن کمربن و کلونگاه هستند . مـرحوم‌شیخ‌علی مدرس از تیرهٔ توران واهل کلونگاه بوده است .

راه قدیمی از کاروانسرای پای کندوان تا نسن[1]

این راه پس‌ازسرازیرشدن ازگردنهٔ کندوان به‌کاروانسرای قدیمی پای‌کندوان که خرابه‌های‌آن تـا امروز برکنارهٔ راست رودخانهٔ چالوس تـا امروز بـاقی است ، می‌رسد و از اینجا کنار آب تا پل زنگله ادامه دارد . فاصلهٔ کاروانسرا تا پل زنگله هفت کیلومتر است . ازاینجا بـه اراضی زیر دهکدهٔ دونا به نام «اویر»[2] و ازآنجا به سرگردنهٔ « ترك بشم»[3] می‌رود . فاصلهٔ دونا تا سرگردنهٔ ترك‌بشم شش‌کیلومتـر است . ازسرگردنهٔ ترك‌بشم پس‌ازطی شش‌کیلومتر به قهوه‌خانهٔ کمربن می‌رسیم . ازقهوه‌خانهٔ کمربن پس‌ازگذشتن ازاراضی فغفره و اشر و«جیراسبی‌او»[4] ولاچال به سرگردنهٔ لابشم می‌رسیم . فاصلهٔ این قسمت نه کیلومتر تمام است و ازسرگـردنهٔ لابشم بـه «اولچ»[5] و دهکدهٔ نسن‌وارد می‌شویم . فاصلهٔ این قسمت راه هفت کیلومتر است . راه ماشین‌رو جدید بر مسیر راه قدیم چارواداری ساخته شده است .

رنگ وجن[6]

دراراضی دهکدهٔ ایلکا از دهکده‌های اوز رود نور

در اراضی دهکدهٔ ایلکا ، غارها و اطاقهای زیرزمینی است کـه ظاهراً روزی از آنها سرب یا فلز دیگر یا چنانکه از نام پیداست، رنگ استخراج می‌شده است .

۱ـ بکسر نون وسین . ۲ـ بفتح الف. ۳ـ بضم تاء وسکون راء و کسر کاف وفتح باء . ۴ـ اسبی بکسر الف به معنی « سپید » و او به معنی « آب »است . ۵ ـ بضم الف و کسر لام . ۶ـ بفتح‌راء وسکون نون وکسرگاف و فتح واو وضم جیم‌و سکون نون . ن . ك. به مقالهٔ‌آقای عبدالحسین امینی به نام «غار رنگ و جان » مجلهٔ تاج سال دوم شمارهٔ ۹، دوشنبه دوم مرداد ۱۳۲۹ .

مسجدی قدیمی
در دهکدهٔ کلونگاه نور

مسجد قدیمی این دهکده به نام مسجد « امام حسن عسکری » است و طرح بنای آن قدیمی به نظر می‌رسد .

گورستانی قدیمی
برسر راه کلونگاه از دهکده‌های نور

برسرراه کلونگاه گورستانی قدیمی است که نگارنده به علت برف زیاد موفق بدیدن سنگهای آن نشد .

گورستانی قدیمی
در دهکدهٔ نسن از دهکده‌های اوز رود نور

در پشت منزل سید علی‌اکبر حسینی محلی به نام « قلاکوتی » است‌که ظاهراً محلهٔ قلعهٔ قدیمی دهکدهٔ نسن بوده است. دراینجا سنگ قبری با مشخصات زیر بوده که فعلاً به خانه‌ای منتقل کرده‌اند :

این سنگ به پهنای ۶۸ و بلندی ۹۰ سانتیمتر است وعبارات زیر برروی آن حك شده است :

«الحکم‌لله الواحدالقهار وفات‌المرحوم المغفورالی‌رحمةالله الملك‌الغفور نـام‌آور انگریج[۱] ابن محمد بتاریخ شهر محـرم‌الحـرام سنهٔ ۱۰۹۳ » . (عکس‌شمارهٔ ۸۰)

۱ــ این تیره از انگرود به نسن کوچیده‌اند و به نام انگرودی نیــز شهرت دارند . امروز به نامهای « یزدانی » و « ناماور » خوانده می‌شوند .

بر پشت این سنگ عبارات زیر است :

« اشهدان لااله‌الاالله اشهدان محمداً رسول‌الله اشهدان علیاً ولی‌الله یفعل‌الله مایشاء ویفعل مایرید بتاریخ شهر ربیع‌الثانی سنهٔ ۱۰۹۳ » .

سنگ دیگری از این گورستان قدیمی را کسی بـه‌گمان اینکه ارزشی دارد در کاه‌انبار خـود مخفی‌کرده بود . پهنای ایـن سنگ ۴۰ و بلندی آن ۷۰ سانتیمتر بود ومتن نوشته‌های‌آن به‌۲۲ × ۲۸ سانتیمترمی‌رسید. این‌عبارات برآن خوانده شد:

«الحکم‌لله الواحدالقهار وفات‌المرحوم‌محمد قاسم‌ابن‌مرحوم شاه‌کرم‌بالو[1] ۱۰۲۳ هو» .

درگورستان کنونی نسن سنگهای زیر به نظر رسید :

«الحکم‌لله الواحد القهار وفات المرحوم قاسمعلی پیج[2] ولـد محمدجعفر بتاریخ‌شهر شوال سنهٔ ۱۱۳۱ » .

« الحکم‌لله الواحد القهار وفات‌المرحومه حوا بنت محمدباقر انگرودی بتاریخ سنهٔ ۱۱۸۴ » .

« وفات‌المرحوم المبرور الی‌رحمةالله الملك الغفور حاجی اللهویردی ابـن المرحوم [شکستگی] ۱۲۲۰ » .

«الحکم‌لله الواحدالقهار وفات‌المرحوم‌المبرورکربلائی‌محسن ابن‌مرحوم کربلائی محمد باقر نوری » .

اطراف سنگ :

« الله محمد علی فاطمه حسن حسین یاهو سنهٔ ۱۲۳۱».

۱ـ تیرهٔ بالوامروز به نام « بالوئی » شهرت دارند و در دهکدهٔ نسن ساکنند معروف است که اینان از آن طرف شیراز بدینجا کوچ کرده‌اند . ۲ـ از تیره‌های ساکن در نسن و پیجده نزدیك انگرود.

برسنگی سیاه محلی عبارات زیر حك بود :

« الحکم‌لله الواحدالقهار وفات مرحوم هادی ولد مرحوم کربلائی لطفعلی ۱۲۶۲ » .

«هوالحی الذی لایموت

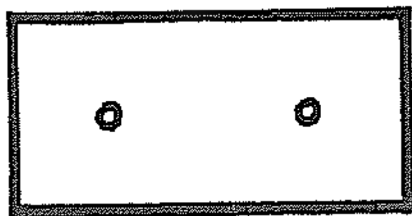
وفات المرحوم المغفور المبرور مشهدی شبیر ولد مرحوم آخوند ملاعلی».

«هوالله تعالی الحکم‌لله الواحد القهار وفات‌المرحومه خدیجه بنت جبار نوری بتاریخ سنهٔ ۱۳۱۱ » .

نشانه‌ها : مهر و سجاده .

« هوالباقی ۱۳۳۰ وفات مرحوم مغفور مشهدی حبیب‌الله ولد ملاحسن انگرودی نسنی » .

نشانه‌ها : شانه و چیزی بدین شکل :



گورستانی قدیمی

در دهکدهٔ پیل از دهکده‌های اوزرود نور

سنگی بزرگ به بلندی ۹۰ وپهنای ۱۰۵ و قطر ۲۵ سانتیمتر در این گورستان دیده شد که گنج‌گیران آن را از جای کنده و به روی انداخته بودند . بر یك طرف آن عبارات زیر خوانده شد :

« لااله‌الاالله محمد رسول‌الله و علی ولی‌الله

حب دنیا رابقا [ئی] نیست انتم غافلون

جهدکن تا در نمانی درصف لایعلمون

وفاة مرحوم الی رحمة‌الله تعالی مولانا علی‌خطیب[1] روقاسی[2] نورالله قبره » .
(عکس شمارهٔ ۸۱) .

« هوالحی‌الذی‌لایموت وفات‌المرحوم محمد ولدالمرحوم کربلائی علی‌اکبر خطیب

ای چرخ هزار خانه ویران کردی درملك عدم توغارت جان کردی
هر دانهٔ قیمتی‌که آمد بوجود بردی و بزیر خاك پنهان کردی

سنهٔ ۱۲۷۲ » .

«کل شیئ هالك وفات مرحوم محمد ولدمرحوم مغفور ملاسلیمان ملقب رئیس[3] ۱۲۷۶ » .

مسجد جامع

دردهکدهٔ پیل[4] از دهکده‌های اوزرود نور

دراین دهکده مسجدی نسبةً قدیمی بود که اهالی اظهار می‌کردند امام حسن عسکری بنا کرده است. امامزادهٔ دهکده در این مسجد بود و به نام امامزاده نعمت و احمد و عابدین حسن ولدان امام زین‌العابدین علیه‌السلام خوانده می‌شد .

گورستان قدیمی

دردهکدهٔ میناك از دهکده‌های اوزرود نور

گورهای قدیمی دراین‌گورستان زیاد بود ولی سنگ نوشته نداشت . دوسنگ

۱ـ خطیب‌ازتیره‌های قدیمی‌ساکن دهکدهٔ پیل هستند. ۲ـ این‌کلمه « سوقاسی» نیز خوانده می‌شود . ۳ـ رئیس از تیره‌های قدیمی ساکن دهکدهٔ پیل هستند . سایر تیره‌ها : ترك ، خطیب ، بالو و ملا می‌باشند . ۴ ـ پل (بکسرپ = پیل) ، ده از دهستان اوزرود بخش نور شهرستان‌آمل، چهارده‌کیلومتری غرب بلده (فرهنگ‌جغرافیایی ایران ، ج ۳) .

نسبهٔ قدیمی آن به‌این شرح بود :

« هذاالمرقدالشریف المعظم المنیف للعالم‌المحقق والفاضل المدقق‌الفایض الفوایض سبحانی العارف معارف ربانی‌مرحوم شیخ محمد ابن آخوند ملا محمدجعفرساکن‌قریهٔ میناك تحریرافی‌چهاردهم‌فروردین‌ماه‌قدیم۱۳۲۴».

« هوالحی‌الذی‌لایموت وفات مرحومه جوان‌ناکام شهربانو بنت محمدقلی بتاریخ اول فروردین ماه فرس قدیم مطابق شوال سنهٔ ۱۳۶۸ برحمت ایزدی پیوست » .

تکیه‌ای نسبهٔ قدیمی
دردهکدهٔ میناك از دهکده‌های اوزرود نور

بربالای در ورودی این‌تکیه کتیبهٔ زیر نوشته شده است :

« یا اباعبدالله الحسین حسب‌الفرمایش مقرب‌الخاقان میرزا محمد شفیع مستوفی دام اقباله‌العالی و باعانت سرکار مقرب‌الخاقان آقا میرزا محمد حسن وزیر این تکیه و مسجد جناب سیدالشهدا بکفایت افتخار الحاج حاجی‌ملا امامقلی یوشی و مباشرت عالیجناب فخرالحاج حاج ملا جعفر صورت اتمام پذیرفت بتاریخ شهر شعبان المعظم سنهٔ ۱۳۰۰ عمل ملا محمد علی یوشی » .

امامزادگان طیب‌و طاهر ولدان امام زین‌العابدین علیه‌السلام دردهکدهٔ جورکلاك (کلاك‌بالا) از دهکده‌های اوز رود نور

بنایی است ازآجر ازخارج هشت ضلعی وازداخل مربع باگنبدی‌کلاه‌درویشی (عکس شمارهٔ ۸۲) .

صندوقی که مرقد را پوشانده است ساده و دو در ورودی بقعه نیز ساده بود. متصل به ضلع شرقی وجلو در ورودی بقعه مسجدی کوچك بود که سرستونهای چوبین داخل آن قدیمی بود. در ورودی این مسجد نیز ساده است.

گورستانی قدیمی

در دهکدهٔ جورکلاك (کلاك بالا) از دهکده‌های اوزرود نور

سنگهای قبور این گورستان نسبةً قدیمی و به این شرح بود:

« هوالرحمه الحکم‌لله واحدالقهار عبدفخرالدین ابن‌عبدالهادی رستمدار فی‌تاریخ سنهٔ ۱۰۷۷.

خدایا کریما ز روز جزا بکن رحم بر والد پاشا ».[۱]

« الحکم‌لله الواحدالقهار وفات‌المرحوم المبرور الواصل الی‌رحمةالله آخوندملامحمد زمان بتاریخ شهر شعبان ۱۱۵۰ ».

« اللهم صل‌علی محمد وآل‌محمد الحکم‌لله الواحدالقهار وفات المرحوم‌المبرورالواصل الی‌رحمةالله ملك‌الغفورآخوند ملاعزیزبن درویش شرف‌الدین بتاریخ شهر ربیع‌الاول سنهٔ ۱۱۵۶».

« الحکم‌لله الواحدالقهار وفات‌المرحوم محمدشفیع‌ابن رفیعا بتاریخ سنهٔ ۱۱۹۰ ».

« الحکم‌لله الواحد القهار وفات المرحوم کربلائی محمدشریف ولد مرحوم مهرعلی بتاریخ شهر جمادی‌الاخر سنهٔ ۱۲۴۰ ».

۱ــ این بیت وزن ندارد. پاشا از خاندانهای قدیمی ساکن کلاك بالا هستند.

گورستانی قدیمی

دردهکدهٔ جئر[1] کلاك (کلاك پایین) از دهکده‌های اوزرود نور

سنگهای قدیمی این گورستان بدین شرح بود :

«الحکم‌لله الواحدالقهار وفات المرحوم حاتم‌علی‌ولد مرحوم‌محمدیوسف بتاریخ ربیع‌الاول سنهٔ ۱۲۳۸ » .

« الحکم‌لله الواحد القهار وفات المرحوم المبرور المغفور الی‌رحمةالله رضوان جایگاه حسن‌علی‌بن مرتضی‌قلی ملقب بکلیج[2] بتاریخ شهر جمادی‌الثانی سنهٔ۱۲۳۹ .

[در] فصل بهار گشتم القصه هلاك دارم جگر[ی] کباب‌و چشم نمناك

گلها همه سر زخاك بیرون کردند الاگل من که سر فرو برد بخاك

ای خاك تیره دلبر مارا عزیزدار کاین‌نورچشم‌ماست‌که دربر گرفته‌ٔ».

« الحکم‌لله الواحدالقهار وفات مرحوم مغفور علی‌کرم ناکام ولد مرحوم یحیی‌کلیج بتاریخ پنجم‌تیرماه قدیم سنهٔ ۱۲۷۴».

قلعهٔ نارچو

برقله و بازوی کوهی در جنوب شرقی کلاك بالا

برقلهٔ کوهی منفرد (عکس شمارهٔ ۸۳) و بازویی که در شمال غربی آن واقع می‌شود آثار دیوارهای قلعه‌ای قدیمی است. میان این قله و بازو دره‌ای بسته وعمیق است که جلوی دهانهٔ آن را دیواری از سنگ و گچ چیده‌اند تا کسی نتواند از این

۱ـ بکسر جیم . ۲ـ بضم کاف . ظاهراً از خاندانهای قدیمی ساکن کلاك‌پایین بوده‌اند که امروز اثری از ایشان نیست . خاندانهای قدیمی کلاك پایین امروز نام‌آور و آلمرزان خوانده می‌شوند .

دره به بناهای قلعه راه پیدا کند(عکس شمارۀ ۸۴). درازای این دیوار ده متراست و هفت متر از بلندی آن تا امروز بر جای است و پهنای آن به ۷۵ سانتیمتر می‌رسد . در فرورفتگی شمالی بازوی شمال غربی آب‌انباری مدور است که قسمت پـایین آن درکـوه کنده شده و قسمت بـالای آن باسنگ و گچ چیده شده است . بر بـالای قلۀ منفرد و بـازوی شمال غربی آن دیوارهای بناهای فراوانی است . در پـاره‌ای جاها بلندی دیوارها تا یك متر نیز می‌رسد . باقی آنها خراب شده ومصالح ساختمانی آنها که سنگ نتراشیده و گچ سرندی بوده است به دامنه‌های پرشیب قله و بـازو ریخته است . در دیواری‌که جلودره بسته‌اند، چندین سوراخ بزرگ وکوچك دیده می‌شود. قلۀ نارچو ۴۲ درجۀ شمالی وقلۀ آزادکوه ۱۳۳ درجۀ غربی وقلۀ چله‌خانه ۱۳۷درجۀ غربی است .

آثار بنایی ازسنگ
برگردنۀ چله‌خانه‌زیر قلۀ آزاد کوه

برسر این گردنه بنایی از سنگ و گچ به درازا و پهنای دو متر است . پهنای دیوارها بـه ۷۵ سانتیمتر می‌رسد . بام این بنا که گنبدی شکل بود تـا سال ۱۳۲۸ شمسی برجای بود . در ورودی این اطاق رو به شمال و به طـرف قلعۀ نارچواست و فعلاً بر اثر حفاری زیاد جعلها اسافلها اعالیها .

بـرای رسیدن به چله‌خانه از راه کـلاك‌بالا یـا از راه وارنگه رو[1] وسوتك[2] می‌توان رفت .

۱ ـ دهکده‌ای از دهکده‌های لـورا است که آب رودخانۀ آن پس از اتصال بـه آب ولات‌رو (ویه ـ لات ـ رود) وگاجره وگردنۀ دیزین در گچسر به آب کندوان می‌ریزد.

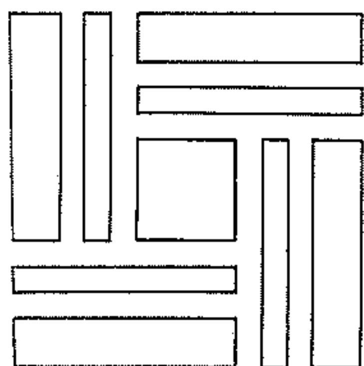
۲ـ بفتح تاء .

آثار بنایی قدیمی
برقلهٔ آزاد کـوه

برقلهٔ آزادکوه سه اطاق چهارگوشه ازسنگ وگچ است (عکس شمارهٔ ۸۵). پهنای دیوارهای آنها به ۷۵ سانتیمتر می‌رسد . بلندی دیوارهای مـوجود در حدود یك متر است. شاید سابقاً این اطاقها طاقهایی داشته‌اند فعلاً براثر حفاری وکندوکاو گنج‌گیران زیر و رو شده‌اند .

امامزاده موسی بن عون بن موسی الکاظم علیه‌السلام
در دهکدهٔ اوز از دهکده‌های اوزرود نور

بنایی‌است هشت ضلعی با بامی کلاه‌درویشی (عکس شمارهٔ ۸۶) و صندوقی قاب و آلت‌کاری در وسط بنای اصلی‌مرقد را پوشانده است . طرح صندوق امامزاده بدین شکل است :



در ورودی بقعه بسیار ظریف وپرکار است (عکس‌شمارهٔ ۸۷) و برچهارچوب و باثوها و پاسارها وتنکه‌ها کنده‌کاری دارد .

برقسمت بالای چهارچوب :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم انافتحنا لك فتحاً مبیناً لیغفرلك‌الله ماتقدم ».

برقسمت سمت چپ چهار چوب :

« من‌ذنبك و ماتأخر ــ تا ــ ایمانهم والله جنود ».

برقسمت سمت راست چهارچوب :

« امر باتمام هذه‌الباب مزار متبرك مبارك حضرت امامزاده معصوم کیاپاشا بن کیایوسف ویلك رحمة خدای برصاحب خیرباد

خدایـا بذلت مـران از درم که صورت نبندد دری دیـگرم» .

برقسمت پایین چهارچوب کـه احتمال پا خوردن و فـرسودگی داشته است ، کنده‌کاری نکرده‌اند .

بربائوی سمت راست لنگهٔ سمت راست :

« السموات و الارض و کان‌الله علیماً حکیما ـ تا ـ و کان ذلك عندالله » .

بر پاسار بالای لنگهٔ سمت راست :

« فوزاً عظیما و یعذب‌المنافقین » .

برپاسار بالای لنگهٔ سمت چپ :

« والمنافقات والمشرکین و المشرکات » .

بربائوی چپ لنگهٔ سمت چپ :

« الظانین بالله سوءالظن ـ تا ـ مبشراًونذیرا».

بربائوی سمت چپ لنگهٔ سمت راست :

« لیومنوا بالله و رسوله ـ تا ـ اجراً عظیماً » .

بربائوی سمت راست لنگهٔ سمت چپ :

« سیقول‌لك المخلفون ـ تا ـ بل‌کان‌الله بما » .

برپاسار پایین لنگهٔ سمت چپ :

« تعملون خبیراً » .

برتنکهٔ چهار گوشهٔ بالای لنگهٔ سمت راست :

« یاالله »

بر تنکهٔ چهارگوشهٔ بالای لنگهٔ سمت چپ :

« یامحمد یا علی »

بر پاسار زیر تنکهٔ چهارگوشهٔ بالای لنگهٔ سمت راست :

« بتو امید دارم از همه باب ».

بر پاسار زیر تنکهٔ چهارگوشهٔ بالای لنگهٔ سمت چپ :

« افتتح یامفتح‌الابواب» .

بر تنکهٔ چهارگوشهٔ وسط لنگهٔ سمت راست :

« فرمایندهٔ هذه‌الباب المبارك ».

بر تنکهٔ چهارگوشهٔ وسط لنگهٔ سمت چپ :

« کیاپاشابن کیایوسف ویلك » .

بر بالای تنکهٔ چهارگوشهٔ پایین لنگهٔ سمت راست :

« کس بی‌کسانی ومن بی‌کسم » .

بر بالای تنکهٔ چهارگوشهٔ پایین لنگهٔ سمت چپ :

«گرم دست‌گیری بجائی رسم » .

بر تنکهٔ چهارگوشهٔ پایین لنگهٔ سمت راست :

« عمل یعقوب‌کم » .

بر تنکهٔ چهارگوشهٔ پایین لنگهٔ سمت چپ :

« عمل‌خشنام لپاسانی ».

زیر تنکهٔ چهارگوشهٔ پایین لنگهٔ سمت راست :

« فی‌تاریخ سنة ثلاثة و عشرین و تسعمایه » .

دو امامزاده در آبـادی اوز به نامهای : موسی‌کیاسلطان و دیگری امـامزاده محمودبن عبدالله‌بن امام علی‌النقی‌بودکه‌آثار تاریخی قابل ذکری نداشتند . امامزاده

محمود در ملامحلهٔ اوز قرار داشت .

امامزاده سید زکریا
در دهکدهٔ اوزکلا از دهکده‌های اوزرود نور

بنای اصلی بقعه هشت ترك است و گنبدی کلاه درویشی دارد (عکس شمارهٔ ۸۸ و ۸۹) . سقف بنا گنبدی عرقچینی است . کفش‌کنی متصل به بنای اصلی است و مصالح ساختمانی بقعه وکفش‌کن سنگ وگچ است. صندوقی قاب وآلت‌کاری مرقد را پوشانده است. وسط سقف‌گنبدی عرقچینی پنج خورشید دایره‌وار نقش کرده بودند. گل ولای سیل از درهٔ مجاور بقعه ، به داخل کفش‌کن آمده بود وتا شصت سانتیمتری دیوارهای داخل کفش‌کن را پرکرده بود و اهالی مشغول پاك‌کردن بودند . بریکی‌از درگاههای بیرون کفش‌کن کاشیکاری داشت و به سبك دوران قاجاری میان گوشه‌های هرچهار کاشی گل‌میخی آهنین زده بودند . بریکی از کاشیها این عبارات خوانده می‌شد :

«تعمیرکنندهٔ امامزاده سیدزکریا عالیشانان‌استاد محمد تقی واستادعلی‌اکبر خلف مرحمت‌پناه ملاابراهیم کاشانی سنهٔ ۱۳۰۲» .

در ورودی بقعه یك لختی ، ساده و بدون نقش بود . این عبارات بر آن حك شده بود :

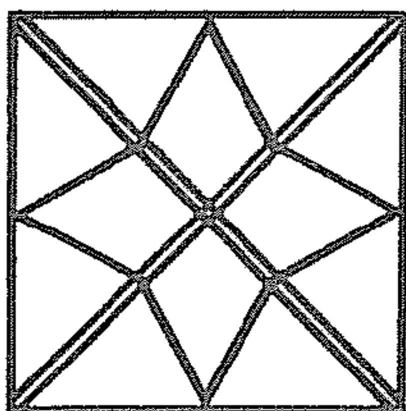
« ساخت باب مشهد مبارك سید معظم سید علی رحمه‌الله درتاریخ ماه مبارك سنهٔ ثمانین و ثمانمائه » .

و برقسمت پایین آن عبارات زیر خوانده می‌شد :

« درختان تابوند درکوه و بیشه   بشادی باز باد این در همیشه

فرمایندهٔ باب مشهد یعقوب بن محمد کلاکی عمل استاد خسرو بن مرحوم علی نجّار فی [خوانده نشد]

هر که از ما کند به نیکی یاد یاد او درجهان بنیکی باد ».



صندوق بقعه قاب و آلت کاری وطرح اصلی آن بدین شکل است :

بالای بدنهٔ جنوبی صندوق ایـن عبارات حك شده بود :

« بانی این صندوق گردید کربلائی حسین و علی ولد مرحوم آقاعماد کلاری به نجّاری استاد سلم‌الله و محمدصادق فی‌سنة ۱۲۰۷ » .

بالای بدنهٔ شمالی صندوق نیز آیاتی از کلام‌الله مجید حك بود و بدین ترتیب ختم می‌شد :

« و ماهوالاذکر للعالمین نصرمن‌الله و فتح قریب این چند کلمه یادگاری کربلائی نادعلی ولد مشهدی مرتضی‌قلی ».

دروسط بدنهٔ شرقی صندوق ، دری کوچك دولختی بودکه این آیات از کلام‌الله مجید برحواشی این دولنگه حك شده بود .

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم اذاجاء نصرالله والفتح ــ تا ــ توابا».

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم سورهٔ اخلاص تـا آخر وپس از کلمـهٔ « احد » یاطافی یا وافی یا معافی . . . [دوسه‌کلمه‌را لای سیل‌گرفته بود] » .

«آیة‌الکرسی‌ازالله‌لااله ــ تاــ وسع کرسیه » .

« الله نور السموات والارض ـ تا ـ یضیء ولو لم » .

در این امامزاده زیارتنامه‌های متعدد باخـط خـوش بـود . یکـی از آنهـا زیارتنامهٔ وارثی بود که برسنگ پادزهر حك شده و مورخ به سال ۱۱۲۷ قمری بود. شمایلهای متعدد با نقاشیهای متوسط دراین بقعه دیده می‌شد .

امامزاده محمودبن موسی‌الکاظم علیه‌السلام
دردهکدهٔ نایه (ناحیه)[۱] از دهکده‌های اوزرود نور

بنایی است هشت ضلعی با بامی‌کلاه درویشی (عکس شمارهٔ ۹۰) وسقفی‌گنبدی عرقچینی که نقش پنج خـورشیدرا دایره‌وار داخل‌گنبد کشیده‌اند . در اضلاع هشت ضلعی درداخل بنا یکی در میان سرو وخورشید نقاشی شده است بالای سردرگاههای اضـلاع هشت‌گانه باخط خوب‌نسخ گچ‌بری شده‌است ودو نورگیرمشبك طرف قبلی و طرف شرقی بنای بقعه است .

از طرف غرب مسجدی متصل به بقعه است‌که درازای‌آن شمالی جنوبی است و فیلپاها وستونهای‌آن قدمت‌آن رابه خوبی نشان می‌دهند. دورودی یك لختی‌قدیمی دارد .ایوانی‌جلو بقعهٔ اصلی است‌که درازای آن ۵۳۵ و پهنایش ۱۸۰سانتیمتر است. راهرویی‌دراین ایوان است‌که‌به دورودی یك لختی مسجد قدیمی‌ختم می‌شود. طرف شرقی بقعهٔ اصلی نیزمسجدی‌نوبنیاد بنا کرده‌اند و ازهمین طرف انبار کوچکی وصل بـه بقعه ساخته‌اند .

---

۱ ـ ناحیه : ده از دهستان اوزرود بخش نورشهرستان آمل ، هفت کیلومتری غـرب بلده و چهل‌ودوکیلومتری شرق راه چالوس. معصوم زاده‌هایی بـه نام شاهزاده محمود وچند معصوم زادهٔ دیگر دارد کـه بناهای آن قدیمی است و زیارتگاه توابع نور است (فـرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) .

در ورودی بقعه دو لنگه‌ای است (عکس شمارهٔ ۹۱) . بلندی آن ۱۴۵ و پهنایش به ۷۳ سانتیمتر می‌رسد . این عبارات با خطی متوسط برآن حك شده بود :

برتنکهٔ مستطیل شکل بالای لنگهٔ سمت راست:

«لااله الاالله».

برتنکهٔ مستطیل شکل بالای لنگهٔ سمت چپ :

« محمداً رسول‌الله علیاً ولی‌الله».

برتنکهٔ دیگرمستطیل‌شکل بالای لنگهٔ سمت راست :

« رسیدم درین موضع اندریقین
خوش‌آمد مرا یادگاری چنین».

برتنکهٔ دیگر مستطیل شکل بالای لنگه سمت چپ :

« اگرمانمانیم درین جا بسی
زمایادگاری بماند همین » .

قسمت وسط لنگهٔ سمت‌راست وقسمت وسط لنگهٔ سمت‌چپ کنده‌کاری‌ظریف و طرحی جالب دارد .

بردوتنکهٔ پایین لنگهٔ سمت راست :

« درختان تابوند درکوه و بیشه
بشادی باز بـاد این در همیشه
عمل استاد حبیب ابن استاد حسین نجّارکمری».

بردوتنکهٔ پایین لنگهٔ سمت راست :

« وقف کرد استاد نصیرالدین‌ابن استاد سهراب کاردگـر المعروف فی‌النای فی‌تاریخ ماه مبارك جمادی‌الاخر سنة ستة ثمانون و ثمانمائه ».

ضریحی مرقد امامزاده را پوشانده است . بانی این ضریح وکیل‌الملك نـوری

است و به سرکاری مرتضی‌خان‌ابن اسمعیل‌خان در تاریخ ۱۲۸۸ قمری به اتمام رسیده است .

این ضریح دارای دری دولنگه است و این ابیات بر لنگهٔ سمت راست حك شده است :

« آفتاب ملك نوراست این ضریح صورت غلمان و حور است این ضریح
در بساط هشت جنت در بهشت زینت حور و قصور است این ضریح
چشمهایش در تجلی تا به چرخ برگ شاخ نخل طور است این ضریح
شاهزاده حضرت محمود را شمع بزم اندر حضوراست این ضریح
ثمان و ثمانین و مأتین بعدالف سنهٔ ۱۲۸۸ » .

بر لنگهٔ سمت چپ ابیات زیر حك شده است :

« یا بن کاظم موسی کاظم دخیل خدمت دارالامور است این ضریح
[یك بیت زیر دماغه است و خوانده نشد]
از وکیل‌الملك نوری خدمتی مانده تا یوم نشور است این ضریح
مرتضی‌خان‌ابن اسمعیل‌خان یادگارکوی نور است این ضریح » .

بربالای لنگهٔ سمت چپ در ضریح:

« عمل استاد محمد و استاد علی ابن بسطامی » .

برپایین لنگهٔ سمت چپ :

« لعنةالله بر بدعت گذارنده‌گان معاف شد (؟) » .

درمسجد قدیمی متصل به بقعه یك لختی است (عکس شمارهٔ ۹۲) . بلندی آن ۱۶۰ و پهنایش ۸۳ سانتیمتر است . طرح کنده‌کاریهای آن ساده است و این عبارات بر آن حك شده است :

برقسمت بالای در :

«المؤمن فی المسجد کالسمك فی الماء والمنافق فی المسجد کالطیر فی القفص».

برقسمت وسط در :

«وقف کرد استاد خرداك آهنگر ابن حسن حداد فی تاریخ ماه ذی‌قعده الحرام سنة سبع و سبعون و ثمانمائه» .

انبار کوچك متصل به بقعه نیز دری به بلندی ۱۲۰ وپهنای ۶۰ سانتیمتر دارد. بر بالای لنگهٔ سمت راست عبارات زیر حك شده است :

« بخریه استاد سهراب ».

بر بالای لنگهٔ سمت چپ :

« ابن استاد عزالدین کاردگر کمرودی » .

برقسمت پایین لنگهٔ سمت راست :

« [عمل] استاد سلیمان بن حسین نجار فیروزی».

امامزاده خطیب و نجیب
در دهکدهٔ نایه (ناحیه) از دهکده‌های اوزرود نور

بنایی است هشت ضلعی از سنگ وگچ با بامی کلاه درویشی (عکس شمارهٔ ۹۳). سقف بنا گنبدی و عرقچینی است و داخل بقعه نیز هشت ضلعی منظم است که درازای هر ضلع آن به یك متر می‌رسد . برحاشیهٔ پایین گنبد عرقچینی آیهٔ ۳۵ ازسورهٔ نور با نام نویسنده بدین ترتیب نوشته شده است :

«الله نور السموات والارض ـ تا ـ بکل شییء علیم کتبه علی‌اصغر ۱۳۰۳».

براضلاع جنوبی وغربی وشمالی نیز همین آیه ازاول تاآخر نوشته شده‌است و درآخر نام کاتب سابق‌الذکر به‌این شرح آمده است :

« کتبه علی‌اصغر من‌طایفهٔ ملا ۱۳۳۸ » .

تمثالی از معراج پیغمبر صلوات‌الله با نقاشی خوب داخل بقعه بر دیوار نصب است و این عبارات ذیل آن نوشته شده است :

« فرمایش حسن ملا فرزند صادق وقف امامزاده خطیب و نجیب معراج حضرت خاتم انبیا ص بتاریخ غرهٔ رمضان المبارك ۱۳۳۲».

ضریحی مشبك درمیان بنای اصلی بقعه است که این عبارات بر آن حك شده است:

« آفتاب ملك حور است این ضریح شاخ برگ نخل طور است این ضریح
آیتی اندر جلال این دو ماه مانده تا یوم نشور است این ضریح
بدستیاری صناعت دستگاهی استاد حسین نجّارباشی خادمان این آستان طایفهٔ ملا ولدان ملا شریف قاری سنهٔ ۱۳۳۸ نوری ناحیهٔ من طایفهٔ حیدریه » .

سراسر کف ودیوارهای اطراف تا نیم متری، کاشیکاری دوران قاجاری است بر یك قالب کاشی نقش طاوس ظریفی دیده می‌شود .

بالای در ورودی بقعه این ابیات با خط نستعلیق خوب نوشته شده است :

« بسم‌الله الرحمن الرحیم فالله خیر حافظاً و هوارحم الراحمین

آیدازاین لاله‌زار بوی خطیب و نجیب میوزد ازاین مزار بوی خطیب و نجیب
هرکه در این آستان سر بزمین آورد بشنود ازاین غبار بوی خطیب و نجیب
هرکه نماید گذر بر در این بارگاه میبرد از اوقرار بوی خطیب و نجیب
میوزد از هر گلی درکف هر بلبلی برسر هرشاخسار بوی خطیب و نجیب
حق حقیقت که نورمشك ندارد ضرور یافت دگر اشتهار بوی خطیب و نجیب
از دم عاجز هنوز میوزد از خلق او درچمن این دیار بوی خطیب و نجیب
بانی این روضه شد حاجی الله قلی تا که شفیعش شوند حشر خطیب و نجیب[1]

۱ــ ظاهراً این ابیات را خود حاجی الله‌قلی ساخته است !

التماس دعـا دارم از زایرین این حقیر حاجی اللّٰهقلی فـی جمـادی‌الثانیه سنهٔ ۱۳۱۹ » .

بنـای اصلی بقعه از شرق و جنوب بـه مسجدی متصل می‌شود کـه سقف آن پلورکشی و پردی کوبی است .

بقعهٔ امامزادگان داودکیا سلطان‌بن سالاربن جعفربن امام محمدتقی علیه‌السلام و حسن کیا سلطان‌بن ابـوطالب‌بن ابوالحسن‌بن‌امام محمدتقی علیه‌السلام در اراضی سنگ‌پل نایه (ناحیه) ازدهکده‌های اوزرود نور

بنایی است هشت ضلعی که بام آن سابقاً کلاه درویشی بوده و اخیراً بهم زده و بـه شکل گنبد پیازی درآورده و آهن پوش کرده‌اند (عکس شمارهٔ ۹۴) . داخـل بقعه نیز هشت ضلعی است و هر ضلع آن بالغ بر ۱۶۰ سانتیمتر است . دو نورگیر در دو طرف جنوبی وشرقی است . دو چهلچراغ قدیمی به سقف گنبدی عرقچینی داخل آویخته است .

ضـریحی مشبك چهارگوشهٔ فلزی کـه روی آن را آب نقره داده‌اند ، مـرقد امامزادگان را پوشانده است. درازای این ضریح ۲۰۴ و پهنای آن ۱۳۸ و بلندی‌آن ۱۹۰ سانتیمتر است. سراسر بالای ضریح نردهٔ کوتـاه فنری از جنس ضـریح است و قسمت پایین ضریح تا بلندی ۴۴ سانتیمتری فلز یك پارچهٔ بدون شبکه است .

برلنگهٔ راست در ورودی بقعه عبارات زیر حك شده است :

«استاد حسین نجّارباشی ولدمرحوم مشهدی جعفر من‌طایفهٔ حیدریه۱۳۳۹».

برلنگهٔ چپ آن عبارات زیر خوانده می‌شود :

« بانی این درگاه محمد ولد حاجی محمدعلی من طایفهٔ حیدریه » .

درشمال امامزاده، مسجدکوچکی به درازی ۶۸۰ و پهنای۳۰۰سانتیمتراست .

بقعهٔ جمشیدکیا سلطان در هسّلاو[1] و بقعهٔ شاهـزاده ابوالقاسم در شاه دارسن[2] نایه (ناحیه) هر یك دارای اطاقی و ایوانی است و آثار تاریخی درآنها دیده نشد.

۰ امامزاده امان‌الله‌بن امام زین‌العابدین علیه‌السلام دردهکدهٔ پیجده[3] ازدهکده‌های اوزرودنور

بنای اصلی بقعه هشت ترك ومصالح آن سنـگ وگچ است . (عکس شمارهٔ ۹۵) قطر دیوارهای بنا ۱۲۰ سانتیمتر است که خود نشانی برقدمت بناست. بـام آن کلاه درویشی و سفیـدکاری بوده‌است در سال ۱۳۴۰ شمسی آقای حسن نـورمحمدی پسر رجبعلی آن را حلب‌پوش‌کرده است . در شرق بنای بقعه ایوانی است که قبورچندتن درآن بود و تاریخ سنگهای قبور ایشان مقدم برسال ۱۳۰۰ قمری نبود. ازاین‌ایوان به‌کفش‌کن امامزاده وارد می‌شوند و از کفش‌کن با گذشتن از دری کـوچك و ظریف به حرم امامزاده می‌رسند. روی این درظریف را رنـگ سبز زده وظرایف هنری‌آن‌را پوشانده بودند .

ضریحی مشبك در میان فضای مربع شکل در زیر گنبد عرقچینی داخلی قرار دارد که مرقد امامزاده را پوشانده است .

۱ــ بفتح هاء و تشدید سین .   ۲ ــ بکسر سین .   ۳ ــ پیج از خاندانهای قدیمی ساکن نورند .

امامزاده جعفر بن امام علی‌النقی علیه‌السلام دردهکدهٔ انگرود[1] از دهکده‌های اوزرود نور

بنای اصلی بقعه هشت ترك باگنبدی کلاه درویشی است (عکس شمارهٔ ۹۶) که از سنگ و گچ ساخته‌اند و داخل وخارج آن را سفیدکاری کرده‌اند . داخل بنا چهارگوشه است و گنبد مدور عرقچینی دارد . در هر یك از ترکها از داخل وخارج طاقنمایی بنا شده است .

جلودرورودی بقعه مسجدی به‌درازای ۲۰ر۱۰ و پهنای ۱۰ر۳ متر بناکرده‌اند. چهار طاق گنبدی شکل توسری خورده، بام مسجد را تشکیل می‌دهند . در انتهای مسجد، کفش‌کن کوچکی است‌که در دولختی ورودی بقعه درآن باز می‌شود . این‌در به بلندی ۱۵۰ و پهنای ۷۰ سانتیمتر است وکنده‌کاریهای بسیار ظریف دارد (عکس شمارهٔ ۹۷) . این عبارات برلنگهٔ سمت راست آن حك شده است :

برقسمت بالا :

« فرمایندهٔ هذه‌الباب مزار مبارك کیا جعفرسلطان ».

برقسمت پایین :

« عمل خشنام‌بن علادین[2] لواسانی ».

عباراتی‌که برلنگهٔ سمت چپ حك شده است :

برقسمت بالا :

«کمال‌ابن سیاوش بازیار المعروف بانگروج[3] ».

برقسمت پایین :

---

۱ ـ بفتح الف و سکون نون وکسر گاف . ۲ ـ منظور علاءالدین است .

۳ ـ انگروج (بفتح‌الف وسکون نون) وانگریج منسوب‌به دهکدهٔ انگرود را گویند.

« فی تاریخ ماه مبارك شعبان سنة ثلاث و ثلاثین[۱] و تسع مایه » .

صندوقی از چوب گردو در میان بنای اصلی بقعه مرقد امامزاده را پوشانده است . درازای آن ۱۶۰ و پهنای آن ۸۰ سانتیمتر است . بر بدنه‌های این صندوق کنده‌کاری بسیار ظریف است . برحاشیهٔ بالای بدنهٔ شمالی آن این آیات باخط خوش نسخ حك شده است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم انافتحنالك فتحاً مبیناً ــ تا ــ هوالذی انزل» .

برحاشیهٔ بالای بدنهٔ شرقی :

« السکینة فی‌قلوب ــ تا ــ کان‌الله علیماً حکیماً ».

برحاشیهٔ بالای بدنهٔ جنوبی :

«لیدخل‌المؤمنین والمؤمنات ــ تا ــ ظن‌السوء علیهم دائرة ».

برحاشیهٔ بالای بدنهٔ غربی :

« السوء و غضب‌الله ــ تا ــ کان‌الله عزیزاً حکیماً ».

بر بدنهٔ جنوبی صندوق این عبارات حك شده است :

« عمل علاءدین‌ابن محمدبن حسن لواسانی

عمل خشنام‌ابن علاءدین‌بن محمود نجّار لواسانی ».

بر بدنهٔ شمالی صندوق عبارات زیر خوانده می‌شود :

« فرمایندهٔ هذه صندوق حضرت امامزاده احمدبن فریدون اسفار

فی‌تاریخ ماه مبارك ذی‌الحجة سنة اربع ثلاثین وتسعمایه ».

---

۱ ــ « دراصل: ثلاسین .

امامزاده احمد کیا سلطان بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام
در دهکدهٔ خجیرکلا از دهکده‌های اوزرود نور

بنای اصلی بقعه هشت ترك با گنبدی کلاه درویشی که از سنگ و گچ ساخته و خارج وداخل آن را سفیدکاری کرده‌اند (عکس شمارهٔ ۹۸) . بنا ازداخل چهارگوشه است که با جمع کردن کنجها ، گنبدی عرقچینی برچهار دیوار زده‌اند . مسجدی جلو در ورودی بقعه است . ابتدا بـه مسجد و سپس به حرم بقعه وارد می‌شوند بـالای در ورودی مسجد شاخ بزکوهی بزرگی نصب شده است . در ورودی بقعه و صندوق مزار آن کنده‌کاری ساده داشت ، این عبارات برصندوق بقعه حك شده است :

« عمل استاد اسفندیار بن کیا فلك‌الدین کلوت[1] درشهر محرم » .

در دهکدهٔ خجیرکلا ، بقعهٔ سادهٔ دیگری به نام « درویش محمد » نیزهست .

گورکیا داود بن کیا جمال‌الدین ویلك
در دهکدهٔ یوش[2] از دهکده‌های اوز رود نور

دردامنهٔ کوهی که مسلط بر دهکدهٔ یوش است، گورستانی قدیمی است کـه از قدیمترین ایام مردگان این دهکده را در آنجا بـه خاك سپرده‌اند . بـر بالای زمین بلندی در این گورستان گورکیا داود دربنایی چهارگوشه به ابعاد چهار متر قراردارد (عکس شمارهٔ ۹۹) . بام این مرقد هرمی مربع‌القاعده بوده که قسمتی از آن فرو ریخته است یـا گنج گیران طماع خراب کرده‌اند. داخل گور این مـرد را کنده بـودند و

---

۱ ــ بضم کاف و لام از خاندانهای قدیمی ساکن کوهستان مازندران . تمام ساکنان اسیودرگا (آسیاب درگاه) لودا نزدیك گچسر نیزاز خاندان کلوت‌اند . ۲ــ یوش : ده از دهستان اوزرود بخش نور شهرستان آمل ، هفت کیلومتری غرب بلـده و چهل و دو کیلومتری شرق شوسهٔ چالوس درحدود کندوان (فرهنگ جغرافیایی‌ایران،ج ۳) .

جمجمه واستخوان لگن‌خاصرهٔ اورااز تابوتی‌که باآن‌تابوت به خاك سپرده شده بود، بیرون کشیده بودند . کتیبه‌ای از سنگ مرمر بالای در ورودی این بنا است که این کلمات برآن خوانده می‌شود :

« الواصل الی‌رحمةالله تعالی

المغفور کیا داود[1] بن‌کیا جمال‌الدین ویلك

علا . . . . تاریخ . . . . . . نمائه » (عکس‌شمارهٔ ۱۰۰).

طرح خانه‌های قدیمی‌اربابی‌دهکدهٔ یوش وپنجره‌های مشبك‌پرکارآنهاموضوعی است در خـور بررسی و مطالعهٔ بیشتر . مسجد وتکیهٔ این دهکده متعلق بـه دوران قاجاری است . کتیبهٔ زیر در تکیه دیده شد :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

درعهد فیروزمهد اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاه ممالك‌ایران ناصرالدین شاه قاجارخلدالله سلطانه جناب مؤتمن‌السلطان وکیل‌الملك محمداسمعیل‌ـ خان نـوری حکمران کرمان و بلوچستان دام مجده این تکیه را بنا نمود بتاریخ شهر ذیحجةالحرام سنهٔ هزار و دویست وهشتاد » .

این کتیبه نیز در همین تکیه برسنگ حك شده است :

« یااباعبدالله‌الحسین

حسب‌الفرمایش عالیجاه مقرب‌الخاقان جناب جلالت‌مـآب اجل اکرم اعظم

---

۱ ـ در محل معروف بودکـه کیاداوود سه برادر دیگر به نامهای : کیااسفندیار و کیاجمشید وکیا کریم داشته است که گور آنان بردامنهٔ کوهها، مقابل یکدیگر است .

محمداسماعیل‌خان وکیل‌الملک[1] دام اقباله‌العالی این تکیه جناب سیدالشهدا بتاریخ شهر ذی‌حجةالحرام سنهٔ ۱۲۸۰ بکفایت و استحضار عالیجاه عمدة‌ـ الاعاظم آقـا محمدکاظم ملقب برئیس‌الذاکرین و بسعی و اهتمام عـالیشان محمدابراهیم بیگ کرمانی کماشتهٔ معظم‌الیه سمت انجام پذیرفت » .

بقعهٔ سید سعد بن بن امام زین‌العابدین علیه‌السلام در دهکدهٔ یاسل[2] از دهکده‌های اوزرود نور

بنای اصلی بقعه هشت‌ترك باگنبدی کلاه درویشی است (عکس شمارهٔ ۱۰۱)و از داخل چهارگوشه که پس از جمع‌کردن کنجها گنبدی عـرقچینی بر آن زده‌اند . در ورودی بقعه شمالی است کـه به مسجدی به درازای ۶۰۰ و پهنای ۵۳۰ سانتیمتر بازمی‌شود .درازای مسجد تقریباً شرقی‌غربی است.درضلع شمالی مسجد دوطاقنماست که پهنای هر یك به ۲۶۰ سانتیمتر می‌رسد . درضلع جنوبی نیز نظیر این دو طاقنما دیـده می‌شود . در یکی ازاین طاقنماها، در ورودی مسجد و در دیگری در ورودی بقعهٔ اصلی است . در ضلع شرقی مسجد نیز دو طاقنماست که پهنای هر یك بالغ بـر ۱۵۰ سانتیمتر است . نظیر این دو طاقنما درضلع غربی است ولی در دو طاقنمای‌آن نورگیرهای مشبك چوبین نصب شده است .

۱ ـ وکیل‌الملك لقب مرتضی‌قلی‌خان پسرمحمداسماعیل خان نیزبوده است . محمد ـ اسماعیل‌خان سردار و حکمران کـرمان و بلـوچستان و سیستان پسر مرحـوم فتحعلی‌خان کوه‌نور حکمران اردبیل ومشکین وشاهسون است.ازسران وسرشناسان یوش اولاد رستم‌خان را نیز باید نام برد . مرحوم محمدرضا خان و مرحوم حاجی علیرضاخان ومرحوم محمد ـ یوسف بیگ‌آقا و مرحومه نوری خانم والدهٔ مرحوم‌آقا میرزا ذکی مستوفی خاقان مغفور فتحعلیشاه ومرحوم آقامیرزا نصرالله کلانتر نور ساکن بلدهٔ طیبهٔ نور اولاد مرحوم رستم‌خان طاب‌ثراه بوده‌اند .

۲ ـ بفتح سین. ده از دهستان اوزرود بخش نور شهرستان آمل، ۷ کیلومتری غرب‌بلده و۴۲ کیلومتری شرق راه چالوس (فرهنگ‌جغرافیایی ایران، ج ۳).

در طول مسجد ، در وسط بنـا ، سه پایه چیده‌اند و طاق ضربی چهـار قسمتی مسجد براین پایه‌ها و دیوارهای اطراف متکی است .

در ورودی بقعه دو لنگه و هرلنگه از الواری یك پاره ساخته شده است .

براین دولنگه عبارات زیر حك شده است :

برلنگهٔ سمت راست :

« هذهالباب درویش یوسف.»

برلنگهٔ چپ :

«ابن درویش موسی یاسلی .»

برلنگهٔ راست :

« عمل استاد محمودابن استاد .»

برلنگهٔ سمت چپ :

« خشنام‌بن محمود لپاسانی .»

صندوقی با کنده‌کاریهای بسیار ظریف ، دروسط بنای اصلی ، مرقد راپوشانده است . این عبارات بر بالای بدنهٔ شمالی آن حك شده است :

« قد وقف هـذا فی هذهالقبرالشریفة المبارکـة التی سمیالسیادة والهدایة و النقابة من آل طه ویس زبـدة اولاد سیدالمرسلین سید سعـدین قدس‌الله روحه وعلیه [و علی] آبائه‌التحیة والسلام .»

برپایین بدنهٔ شمالی این عبارات با خط بسیار خوش نسخ حك است :

«جناب تقوی شعار ورع آثارساعی وبانی این‌قبر بزرگوار درویش‌یعقوب‌بن درویش احمد نیلاً لثواب‌الله تعالی و فوزالحسنات   عمل استاد ابرهیم‌بن خوشنام‌نجّار لباسانی   تحریرا فی‌غرة محرم‌الحرام‌سنة ستةستین وتسعمایه.»

در مسجد بقعهٔ سید سعدین یك جفت کفش چوبی بزرگ است که معروف است کفش سید مزبور است (عکس شمارهٔ ۱۰۲). لوحه‌ای چوبین که ظاهراً لوحهٔ گور درویش گرشاسب بوده است در این مسجد است و عبارات زیر بر آن حك شده است:

«الحکم‌لله الواحدالقهار وفات‌المرحوم المغفور درویش‌گرشاسب ابن درویش‌محمد سنة تسعة ومائة بعدالف ۱۱۰۹» (عکس شمارهٔ ۱۰۳).

بر سنگ قبری که بر دیوار مسجد نصب بود، عبارات زیر حك شده بود:

«وفات مرحوم مغفور جنت‌مکان کربلائی غلامعلی ولد مرحوم کربلائی ... چهاردهم نوروزماه ۱۳۲۳.»

سرو جنگلی کهنسالی
در درویش‌خاك یاسل

بر کنار اراضی کشت دهکدهٔ یاسل و نزدیك به ساحل رودخانهٔ اصلی میان اراضی ریس‌گردن و لاراب سر، سرو جنگلی کهنسالی است.

امامزاده الیاس بن زید بن امام علی‌النقی علیه‌السلام
در دهکدهٔ بل[1] از دهکده‌های اوزرود نور[2]

بنای سابق هشت ترك بوده و گنبدی کلاه درویشی داشته است. بنا بر تقریر اهالی این بنای قدیمی بر اثر زلزله شکست برداشته بود. تمام بنا را تا شالوده و بنیاد خراب کرده بودند و عین طرح قدیمی آن بنایی از نوساخته بودند. دیوارهای هشت ترك آن به اتمام رسیده بود و طاق عرقچینی داخلی آن نیز زده شده بود و مشغول ساختن

۱- بضم باء. ۲- دهکدهٔ بل برسامان ناحیهٔ اوزرود و ناحیهٔ میانرود بالای نور است و گاهی جزء میانرود بالا به حساب آمده است.

گنبد کلاه درویشی آن بودند . هیچگونه آثار تاریخی از در و صندوق در آن دیده نشـد .

امامزاده یوسف بن یعقوب بن محسن بن امام موسی الکاظم علیه السلام در دهکدهٔ کلیك [1] از دهکده های کمرود [2] نور

بنـای اصلی بقعه چهار ضلعی و از سنگ وگچ است (عکس شمارهٔ ۱۰۴) . داخل هر یك از اضلاع از خارج سه طاقنما است . بام بقعه گنبدی عرقچینی است که بـالای آن را حلب پوش کرده اند . وسط گنبد از کف اصلی بنا درحدود پـانزده متر بلندی دارد و ظـاهراً بلندترین بناهای مذهبی کوهستان نور است . ایـن بنا دو در کنده کاری دارد . در اولی به مسجد و در دوم بـه حرم باز می شود . در اولـی ظاهراً برای این مسجد ساخته نشده است و مـربوط به بنایی شخصی بوده کـه بعدها بعد از خرابی بدینجا منتقل کرده اند . دری دو لنگه است کـه برکتیبهٔ بـالای لنگهٔ سمت راست بیت زیر حك شده است :

« ایـن عمارت تـا ابد معمور باد صاحبش بر دشمنان منصور باد »
(عکس شمارهٔ ۱۰۵) .

برکتیبهٔ بالای لنگهٔ سمت چپ کلمات زیرخوانده شده است:
« عمل احمد . . . کار . . . . اثنی . . . . تسعمائه » (عکس شمارهٔ ۱۰۶).

در دوم در ورودی بنای اصلی بقعه است که دراین مسجد قراردارد بلندی آن از داخل چهـارچوب ۱۵۸ و پهنای دولنگه غیراز چهـارچـوب ۸۵ سانتیمتراست (عکس شمارهٔ ۱۰۷).

۱ـ بضم کاف و سکون لام و فتح یاء . ده از دهستان بلده بخش نور شهرستان آمل ، چهار کیلومتری جنوب بلده (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج۳) . ۲ـ بضم کاف و میم.

این ابیات از ابن‌یمین فریومدی بر آن حك شده بود:

برقسمت بالای لنگهٔ سمت راست :

«بیا زابن‌یمین ای دوست بشنو

مرین شایسته پندرایگان را .»

برقسمت بالای لنگهٔ سمت‌چپ :

«یکی وسی وپنج است‌آن‌کزآنها

نباید بود غافل مؤمنانرا .»

برقسمت وسط لنگهٔ سمت راست:

« زده عشری وزان‌پس منزلی‌چند

اگر ممکن بود ببریدن آنرا .»

برقسمت وسط لنگهٔ سمت‌چپ :

« بدین‌مفزای چیزی هم‌مکن‌کم

منت ضامن بهشت جاودانرا .»

برقسمت پایین لنگهٔ سمت‌راست :

«عمل حبیب‌ابن‌المرحوم حسن‌کمری .»

برقسمت پایین لنگهٔ سمت‌چپ :

« فی‌سلخ رمضان‌المبارك سنة تسعمایه.»

در وردی‌کفش‌کن یا مسجد و در ورودی اصلی بقعه رو به‌شمال نصب‌شده‌اند .
برپشت زیارتنامهٔ‌بزرگی‌که درحرم امامزاده است ، نویسنده برای‌اثبات نسب‌امامزاده یوسف به‌کتاب ساختگی «بحرالانساب» تألیف ابومخنف‌ابن لوط‌بن یحیی خزاعی استنادکرده است . تصنیف این کتاب را به امام حسن عسکری علیه‌السلام هم نسبت

داده‌اند ومترجم آن‌را از زبان عربی به زبان فارسی سیدمرتضی علم‌الهدی رضی‌الله‌عنه دانسته‌اند. درغرب مسجد بقعهٔ امامزاده یوسف، انبار و اطاقهای دیگری نیزساخته‌اند.

گورستان خانوادگی سلاطین استندار

بردامن تپه‌ای به‌نام‌گورستان در دهکدهٔ کمر[1] ازدهکده‌های کمررودنور

مرکز ملوك استندار را نباید تنها قلعهٔ بلدهٔ نور یا قلاع کجـور دانست زیرا ملك‌اسکندر بن ملك‌بیستون و فرزندان او در همین دهکدهٔ‌کمر زندگی می‌کرده‌اند. سید ظهیرالدین مرعشی می‌نویسد:

« در جمادی‌الاخر سال ۸۶۰ به قریهٔ‌کمر به خانهٔ فرزندان ملك‌اسکندر بن ملك بیستون‌که برادر ملك‌کیومرث مرحوم بود، نزول‌واقع شد... تـا روز جمعه‌که هفتم رجب وسلخ مردادماه‌قدیم بود، آنجا به‌جهت بعضی‌امورکلیه اقامت رفت.»[2]

اگر ملك اسکندر و فرزندان اودر دهکدهٔ کمر زندگی می‌کرده‌اند عادةً باید مـرقد ایشان را در همین دهکده جست. گذشته از این چون درهٔ کمـررود دره‌ای منفرد و جداگانه و برکنار است و ازمسیر راههای عمدهٔ نور دور افتاده است ، قاعدةً باید اجساد سایرافراد این خاندان را نیزدر اینجا به خاك سپرده باشند. دیگراینکه درسایر گورستانهای بخش کوهستانی نور که از نظر نگارنده گذشته است ، بناهایی استوار وپایدار برای مقابر وگورها نساخته‌اند. پس این‌مقابر باید متعلق به خاندانی معتبر و سرشناس باشد. اینك به شرح این گورستان می‌پردازیم.

۱ـ کمر(بضم‌کاف و میم)، ده مرکز دهستان کمررود بخش‌نور شهرستان آمل ، ۱۰ کیلومتری جنوب بلده(فرهنگ‌جغرافیایی ایران، ج۳) .

۲ـ تاریخ گیلان ودیلمستان چاپ نگارنده ، ص ۲۸۱ .

در مغرب آبادی کمر ، سمت چپ رودخانهٔ کمررود ، بـر دامنه و سر تپه‌های زرد رنگ خاکی، گورستانی قدیمی عمومی است که تا امروز اجساد مردگان دهکده کمر را در آنجا به خاك می‌سپارند. امتداد این رشته تپه تقریباً شمالی جنوبی است. آثار بناهای چهارگوشهٔ متعدد برسرگورهای این گورستان است و بنایی هشت ضلعی عظیم و جسیم نیز در منتهی‌الیه جهت شمالی تپه است . اینك شرح این بناها :

آسیاب دهکدهٔ کمر در کنار رودخانه و دامنهٔ شرقی تپه گـورستان است . در شمال آسیاب پلی چوبین برروی رودخانه زده‌اند از این پل و نهری‌که در امتداد تپه است بگذریم به اراضی گورستان می‌رسیم .

مقبرهٔ شمارهٔ یك: بنایی بوده است هشت ضلعی که درازای هرضلع آن ۲۲۵ سانتیمتر است (عکس شمارهٔ ۱۰۸) . داخل هر یك ازاضلاع طاقنمایی بوده است‌که پهنای آنها به ۸۰ سانتیمتر می‌رسیده است . این بنا از داخل چهارگوشه است وگور یا گورهای داخل آن را براثر کندوکاو زیرورو کرده بودند .

مقبرهٔ شمارهٔ دو : که درست در غرب مقبرهٔ شماره یـك است بنایی عظیم و هشت ضلعی است (عکس شمارهٔ ۱۰۹) . پهنای هر یك از ترکهای هشتگانه ۳۲۰و قطر دیوار بنا ۱۲۰ سانتیمتر است . طاقنمایی برجدار خارجی هر یك از تـرکهاست کـه پهنای آن ۱۵۰ سانتیمتر است . بـر هر یك از جدارهای داخلی ترکهـا چهار طاقنماست وپهنای هر یك ۹۵ سانتیمتر است . طاق طاقنماهای زیرین جناقی (عکس شمارهٔ ۱۱۰) و طاق طاقنماهـای بالایین به سه مثلث از سه جانب ختم می‌شود کـه شباهت زیادی به نیم‌گنبد کلاه درویشی دارد (عکس شمارهٔ ۱۱۱) .

در ورودی بنا شرقی است. بلندی آن ۲۲۰ و پهنایش ۹۰ سانتیمتر است . این بنا گنبدی عرقچینی داشته‌که امروز خراب شده است یاخراب‌کرده‌اند . بلندی دیوار

موجود آن بالغ بر ۷۰۰ سانتیمتر تمام است .

مقبرهٔ شمارهٔ سه: در جنوب مقبره شمارهٔ دو است. بنایی است به ابعاد ۲۰۰ در صدو هفتاد و پنج سانتیمتر . در قسمت بالای هر یك از اضلاع طاقچه‌مانندی ساخته‌اند . شاید کتیبهٔ بنا در طاقچهٔ بالای در ورودی بوده است . آثار گچی که بر دیوارهای این طاقچه مالیده‌اند دلالت برمحل نصب کتیبه می‌کند .

مقبرهٔ شماره چهار: درجنوب مقبرهٔ شمارهٔ سه و بر بالای بلندی ساخته شده است (عکس شمارهٔ ۱۱۲) .ابعاد آن ۱۸۰ × ۱۲۵ سانتیمتر است و در حدود یك مترونیم ازدیوار آن برجای است . درجنوب این مقبره آثار پنج مقبرهٔ چهارگوشهٔ دیگر دیده می‌شود. سه مقبرهٔ آنها بالاتر و در امتداد یکدیگرند و دو مقبرهٔ آن پایین‌تر و پهلوی یکدیگر بنا شده‌اند .

مقبرهٔ شمارهٔ پنج: نزدیك مقبرهٔ شمارهٔ چهار و در انخفاض درهٔ کم عمق دامنهٔ تپه است . مجموع مقابر شمارهٔ پنج بالغ بر نه ساختمان چهارگوشه است که دوتای آنها بزرگتر بوده است . بنیاد و شالودهٔ این مقابر برقرار است .

مقبرهٔ شمارهٔ شش: بر بازوی جنوبی تپه قرار دارد وشامل سه بنای اصلی بوده است که فعلاً دو بنای آنها خراب شده و درحدود بیست سانتیمتر از دیوارآنها برجای مانده است . مشخصات دیگری که برجای مانده بدین شرح است :

بنایی است از سنگ وگچ به ابعاد ۳۳۰ سانتیمتر (عکس شمارهٔ ۱۱۳) . در ورودی آن شرقی است . بلندی درگاه ۲۳۰ و پهنای آن ۷۰ و قطر دیوار بنا ۵۷ سانتیمتر است . در بالای درگاه طاقچه‌مانندی است که ظاهراً جای کتیبه بوده (عکس شمارهٔ ۱۱۴) . و چنانکه اهالی می‌گفتند مردی یهودی بتازگی سنگ‌کتیبه را که مرمر بوده خریداری کرده و برده است . بربالای این طاقچه‌ای‌که ظاهراً محل کتیبه بوده است و زیر لبهٔ دیوار که به بام منتهی می‌شود ، دو مقرنس کشکولی است

که داخل آن را رنگ سرخ زده‌اند . طرف چپ این دو مقرنس ، چهار مقرنس کشکولی سفید رنگ و پس‌از آنها دو مقرنس قرمز و پس‌از اینها ، چهار مقرنس سفید رنگ است. برطرف راست دو مقرنس‌کشکولی بالای‌کتیبه ، سه مقرنس‌سفید و بعداً دو مقرنس قرمز و پس از آنها با مقرنس نبشی چهار مقرنس سفید رنگ است . مجموع مقرنسهای بدنهٔ شرقی بادونبشی بیست ویك عدد است (عکس شمارهٔ ۱۱۵). در بدنهٔ غربی نیز نظیر این مقرنسهای کشکولی دیده می‌شود . بردو بدنهٔ شمالی و جنوبی بیست عدد قرنیس بارنگهای سفید و سرخ است .

درداخل بنا در وسط هر ضلع طاقچه‌مانندی به بلندی ۱۸۴ وپهنای ۷۰ سانتیمتر است . چهار کنج بنا را باچهار گوشوار جمع کرده و بدین ترتیب بنای چهارگوشه را به هشت ضلعی تبدیل‌کرده وگنبدی مدور برآن زده‌اند . بالای هرکنج هشت ضلعی ، سنگی تیزونوك‌دار تعبیه شده است که به شکل مثلث متساوی‌الاضلاع نموده می‌شود. سفیدکاری داخل بنا گچ غربالی‌است‌که با دست به دیوارها مالیده‌اند.

چوبهایی داخل بنا در امتداد کف طاقچه‌ها به دیوارها دیده می‌شود . طرف جنوبی وشمالی بنا ، انتهای سه تیر از هر طرف بیرون است که نشان می‌دهد بنا از داخل کلاف بندی داشته است .

بام بنا دوپوش است و بالای گنبد مدور عرقچینی ، بامی به شکل هرم مربع‌القاعده ساخته‌اند .

مقبرهٔ شماره هفت : پایین‌تراز سه مقبرهٔ شمارهٔ شش بنا شده است. تعداد این مقابر که بالغ بر نه عدد است پهلوی یکدیگرند و همهٔ آنها مربع شکل‌اند که فعلاً بنیاد و شالودهٔ آنها برقرار است و بنای آنها را یکسره از میان برده‌اند .

مجموعاً دراین گورستان قدیمی سه مقبره بر پا و نسبةً سالم است وپنجاه و نه بنای دیگر را خراب کرده‌اند . آثار دیوارهای بیست و سی سانتیمتری از بعضی بر

جای است و از تعداد بیشتری فقط پی‌وبنیاد باقی مانده است .

نوح امام
در شمال آبادی کمر دامنهٔ کوه

بنایی است ساده با دو ایوان در دوطرف شرق وغرب. در ورودی بنا در ایوان شرقی باز می‌شود . نورگیری مشبك ازگچ ، بر دیوار جنوبی بنا نصب بود که ظرافتی داشت .

در جورمحلهٔ کمر بنایی ساده به‌نام «شاهزاده جلال‌کیا سلطان‌محمد» است که آثار تاریخی قابل‌ذکر درآن دیده نشد.

درویش‌محمد
در دهکدهٔ بردین[1] (بردون) ازدهکده‌های کمررود نور

بنایی است ساده از سنگ وگل و بامی گل‌اندود . ایوانی در مشرق و مسجدی کوچك درشمال این بناست.

امامزاده محمدبن‌امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام
در شیخ محلهٔ بردین (بردون) ازدهکده‌های کمررود نور

بنایی است هشت‌ترك با بامی‌کلاه درویشی (عکس شمارهٔ ۱۱۶). فضای داخل امامزاده چهارگوشه است . کنجها را با چهارگوشوارجمع‌کرده و فضای مربع‌شکل‌را هشت‌ضلعی‌کرده وگنبدی عرقچینی از داخل‌برآن زده‌اند . در ورودی بقعه درمسجد کوچك باز می‌شود. دو فیلپا در درازی مسجداست و دوطاق‌ضربی مسجدکه‌ازسنگ و

۱ــ بضم باء و سکون راء .

گچ ساخته‌اند بر فیلپاها و دیوارهای اطراف متکی است. تکیه‌ای در شمال امامزاده است . ابیاتی ازهفت‌بند محتشم‌کاشانی بربالای دیوارهای تکیه نوشته‌اند. تاریخ‌بنای تکیه سال ۱۲۸۷ قمری است. در تکیه سنگ قبری ازمرمر سفید با خطی خوش‌دیده شدکه این عبارات برآن حك شده بود :

«هوالباقی

تاریخ بیست‌و چهارم شهر محرم‌الحرام هزاروسیصدوسی وهشت۱۳۳۸آقاشیخ حبیب‌الله‌بن مرحوم شیخ‌سعدی‌بن شیخ‌فغان‌بن شیخ‌قربان‌بن شیخ‌زال خطیب نوری طاب‌ثراهم داعی حق را درقریهٔ بردون بلبیك اجابت نموده و بجنان جاوید خرامید .»

آقاشیخ عبدالرحیم خطیبی‌نوری اظهار می‌کردکه این سنگ قبر متعلق به‌مرقد پدر اوست .

سنگ سیاهی بدین شرح در همین تکیه دیده شد :

«الملك‌لله واحدالقهار

وفات‌المرحومه نسابنت نادعلی یوم یکشنبه چهارم تیرماه‌قدیم ۱۲۴۰. »

دور سنگ صلوات بردوازده امام است .

امامزاده ابراهیم
در زیارسر[1] پایین دهکدهٔ بتیرکلا[2] از دهکده‌های کمرود نور

بنایی است هشت‌ترك با بامی کلاه درویشی . داخـل بنا چهارگـوشه و گنبدی عرقچینی دارد . صندوقی چوبین در وسط بناست که مرقد امامزاده ابراهیم‌راپوشانده است . در ورودی بقعه درکفش‌کن باز می‌شود . در این کفش‌کن نیزصندوقـی است که معروف است مرقد خواهر امامزاده ابراهیم است .

در بالا محلهٔ بتیرکلا بنایی ساده معروف به امامزاده حاجی است .

امامزاده سپه‌سالاربن برهان‌بن محمدبن حسین‌بن
امام زین‌العابدین علیه‌السلام
در دهکدهٔ سراس[3] (سراسب) از دهکده‌های کمرود نور

بنای اصلی بقعه از خارج شش ترك است (عکس شمارهٔ ۱۱۷) . کفش‌کـن و مسجدی متصل به امـامزاده در سمت شمالی‌آن است . در ورودی بقعه در مسجد باز می‌شود . فضای داخـل بقعه مدور و گنبدی عرقچینی براین فضای مدور زده بودند .

صندوقی تخته‌ای ساده مـرقد امامزاده را پوشانده بود . این عبارات بـر بدنهٔ شمالی آن حك شده بود :

« هذاالصندوق امامزاده انوشروان‌ابن امام موسی کاظم علیه‌السلام وقف‌کرد صندو [ق] را گته‌آقا داخوه شمس‌الدین‌ابن سیشا با خلف سیشبا (؟) »

بردو طرف این کتیبه با مرکب عبارات زیر نوشته شده بود :

۱ـ بکسر راء و فتح سین . ۲ـ بفتح باء وکاف . فرهنگ جغرافیـایی ایران نام این دهکده را به غلط بطاهر کلا نوشته‌است. این دهکده را اهالی وهمسایگان بیشتر بتیر (بفتح باء و کسر تاء) می‌خوانند . ۳ـ بفتح سین، به معنی سراسیاب است .

«عمل استاد عـز[ا]لدین ابن یوسف نجّار لباسانی فی ماه ربیع الثانی سنة خمسة وسبعین و تسعمائه .»

مقبره‌ای قدیمی
در اراضی گل بخشان[1] دهکدهٔ سراس از دهکده‌های کمررود نور

بنایی است چهارگوشه کـه از سنگ وگچ ساخته‌اند (عکس شمارهٔ ۱۱۸) . بـامی هرم مربع القاعده داشته که بیشتر آن فروریخته و خراب شده است . در محل تلاقی بام با دیوارها ،قرنیسهای کشکولی از گچ غربالی ساخته‌اند. تعداد آنها بر دیوار جلووعقب بنا با درنظر گرفتن قرنیسهای نبشی، هریك پانزده عدد وقرنیسهای دیوارهای طرفین ، هر یك چهارده عدد است . ابعاد بنا ۳۷۵ و بلندی دیوارآن تا زیر قرنیسها ۱۹۰ سانتیمتر است . در ورودی بنـا شرقی است، بلندی آن ۱۵۰ و پهنـای آن ۸۰ سانتیمتر است . داخل بنا نیـز چهارگوشه است و کنجها را با چهار گـوشوار جمع کرده و گنبدی عرقچینی برآن زده‌اند . بر سه جدار دیوار داخلی ، غیرازدیواری که درورودی درآن تعبیه شده است، سه طاقچه به بلندی وپهنای ۵۰ سانتیمترساخته‌اند. قسمت اعظم دیوار شمالی را خراب کرده بودند و کف بنا و گور صاحب قبر به قصد گنج گیری زیرو رو شده بود .

مقبره‌ای دیگر
در اراضی گل بخشان سراس

بنایی است چهارگوشه به ابعاد ۴۵۰ سانتیمتر از سنگ وگـچ (عکس شمارهٔ ۱۱۹) . پهنای در ورودی ۷۸ سانتیمتر و بلندی دیوارهای باقیمانده دو متر است .

۱ـ بضم گاف و فتح باء .

امامزاده محمدبن مطهر بن مهدی بن امام زین‌العابدین علیه‌السلام
در دهکدهٔ مرج [1] از دهکده‌های یالورود نور

مرج دهکده‌ای تازه‌آباد است و قدمت زیاد ندارد. چنانکه اهالی می‌گفتند سابقاً اراضی آن مرتع بوده است.[2] امامزادهٔ معتبر این آبادی امامزاده محمد است که بنایی‌است هشت ترک با بامی کلاه درویشی (عکس شمارهٔ ۱۲۰). فضای داخلی مدور وسقف آن گنبدی عرقچینی است. کفش‌کن ساده‌ای درجلو در ورودی بقعه‌است.

امامزاده حسن بن مطهر بن مهدی بن امام زین‌العابدین
در دهکدهٔ مرج از دهکده‌های یالورود نور

بنایی است هشت‌ترک با گنبدی کلاه فرنگی مانند. مصالح ساختمانی بنا سنگ وگچ سرندی است و از داخل و خارج سفیدکاری شده است. کفش‌کنی درجلو در ورودی با همین مصالح ساخته و سقف آن گنبدی توسری خورده است. سنگ قبری سیاه رنگ درکفش‌کن بود که تاریخ ۱۲۰۲ برآن حك بود.

بنایی‌ساده به نام حاجی درویش محمد نیزدردهکدهٔ مرج بودکه جنبهٔ تاریخی نداشت. قدمگاهی در شمال آبادی به نام «آقا شاسپول» بود. درخت ریس[3] کهنسالی به نام «آقاریس» بربالای کوه گچی مقابل آبادی است که آن را متبرك می‌دانند.

مسجد جامع
دردهکدهٔ یالی (یالو) از دهکده‌های یالورود نور

مسجدی‌است بزرگ‌که شش فیلپای مربع به ابعاد ۱۱۸ سانتیمتر در درازای بنا

۱ـ بفتح میم وسکون راء. ۲ـ ظاهراً کلمهٔ «مرج» عربی از این لغت گرفته شده است. ۳ـ ریس نوعی سروجنگلی است.

در وسط ساخته شده است. فاصلهٔ میان فیلپاها ۲۳۰ سانتیمتر است . محرابی گچکاری داردکه سورهٔ مبارکهٔ نور اطراف آن گچبری شده است و بر یکی از فیلپاها نیز بسمله، باخط ثلث جلی گچبری شده بود. درطرفین محراب دوپنجره است ودرورودی مسجد درکنار یکی از طاقنماهای جنوبی است . در سال ۱۲۳۰ این مسجد تعمیر و مرمت شده است. سقف قسمتی از بنای مسجدضربی، و بالای هردو فیلپا و دیوارپهلو، سقفی گنبدی زده‌اند .

امامزاده صالح و محسن و حسین
در تکیهٔ دهکدهٔ یالو از دهکده‌های یالورود نور

بنای تکیهٔ یالو نسبةً قدیمی است . متصل به یکی از شاه‌نشینهای‌تکیه ، در ورودی امامزاده است‌که رو به مشرق گشوده می‌شود . داخل بنا هشت ترك و داخل هرترك درگاهی است‌که طاق درگاهها را جمع کرده وگنبدی مدور از داخل برفضای داخلی بقعه زده‌اند . بام بیرونی کلاه درویشی است و بدنهٔ آن هشت ترك است (عکس شمارهٔ ۱۲۱) .

سقاخانهٔ مشبك چوبینی‌کار کربلائی‌حمزهٔ سراسبی‌که ظرافت زیاد دارد دراین تکیه است . این سقاخانه در دوران منتخب سلطان از چوب سور (سروجنگلی) ساخته شده است (عکس شمارهٔ ۱۲۲) .

علم تکیه نظیر علمهایی‌است‌که در تهران دیده می‌شود و شباهتی به علمهای گیلان نداشت (عکس شمارهٔ ۱۲۳) .

کاروانسرایی قدیمی
در دهکدهٔ یالو از دهکده‌های یالورود نور

دهکدهٔ یالو از قدیمترین ایام برسر راه چارواداری نور بوده است. از تهران، معمولاً ازکاروانسراهای پامنارکه حرکت می‌کردند، شب اول رادرافجه می‌گذراندندو روز بعد پس‌از گذشتن از افجه‌بشم و دشت لار و بستك وگردنهٔ کهو (کبود) به دهکدهٔ یالو که نخستین دهکدهٔ کوهستانی نور است می‌رسیدند . یالو باراندازوشب منزل بود و به همین سبب کاروانسراهای متعدد داشت . از آنهاست کاروانسرایی از سنگ و گچ که بنای آن بیشتر زیرزمین است و بام آن بیش‌از یك متر ونیم ازسطح زمین بلندی ندارد . این کاروانسرا به باره‌بند زمستانی بیشتر شباهت دارد (عکس شمارهٔ ۱۲۴) .

بنایی قدیمی
در دو آب دهکدهٔ یالو

برسردوآبی که‌دردهکدهٔ یالواست‌بنایی‌هشت‌ترك‌بابامی‌کلاه‌درویشی ازسنگ و گچ بنا شده است (عکس شمارهٔ ۱۲۵) . این بنا از داخل نیز هشت ترك است و با گوشوارهایی‌که در کنجها زده‌اند ، بدنهٔ داخلی را به شکل دایره درآورده و گنبدی عرقچینی برآن زده‌اند . میان این گنبد سوراخی است . فاصلهٔ کف بنا تا این‌سوراخ ۴۷۰ سانتیمتر است. در اضلاع هشتگانه از خارج طاقنماهایی به پهنای ۸۵سانتیمتر ساخته‌اند . دو نورگیر کوچك در دو ضلع جنوبی و غربی بر بالای ترکهاست . در جدار ترکهای داخلی‌نیز طاقنماهایی نظیر جدار خارجی است . پهنای هر یك از ترکهای بیرونی ۱۸۰ سانتیمتر است . آبروها یا قرنیس‌های کشکولی مانند بر بالای

ترکها در محل اتصال بام ساخته‌اند. رنگ داخل پاره‌ای از آنها تا امروز سرخ بود. بنا از داخل سفیدکاری با گچ غربالی است که با دست مالیده‌اند . بنا برگفتهٔ آقای کریم صدیق بهزادی این بنا مرقد کاوس‌بن کیومرث‌بن بیستون است و کتیبه‌ای داشته که این کلمات برآن حک بوده است :

« کیکاوس‌بن کیومرث‌بن بیستون شیعه و محب حضرت علی‌بن ابی‌طالب . »

امامزاده
دردهکدهٔ ورزن[1] ازدهکده‌های یالورود نور

بنایی است مدور از سنگ و گچ با گنبدی مخروطی (عکس شمارهٔ ۱۲۶) . در ورودی ساده و تخته‌ای است و صندوقی تخته‌ای ساده مرقد را پوشانده است . در دامنهٔ کوه متصل به این بقعه گورستان و آثار دهکده‌ای قدیمی است . نزدیک به اراضی « لاراب‌سر » در دهکدهٔ ورزن گورستانی است که مردگان را با تابوت به‌خاك سپرده‌اند .

امامزاده محمد وامامزاده ابراهیم پسران امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام
در دهکدهٔ هتر[2] از دهکده‌های یالورود نور

بنـای اصلی بقعه شش تـرك است و بامی‌کلاه درویشی شش ترك کـوتاه دارد (عکس شمـارهٔ ۱۲۷) . این بنا درکنار یکی از شاه‌نشینهای تکیهٔ دهکـده است . ازاین شاه‌نشین دری‌کوچك به‌کفش‌کن بقعه باز می‌شود. بلندی این در ۱۲۰ و پهنای آن ۷۰ سانتیمتراست (عکس‌شمارهٔ ۱۲۸).این عبارات برآن حك شده است :

برلنگهٔ راست:
«صاحبه و مـالکه نجـم‌الـد.»

برلنگهٔ چپ:
« ین‌ابرهیم‌درزی سنة عشرین تسعمائه.»

۱ــ بفتح واو و سکون راء و فتح زاء . ۲ــ بفتح هاء و تاء .

ازکفش‌کن نیز دری به بقعه دارد . این در دولنگه و هر لنگه از الواری یك پارچه ساخته شده‌است. بلندی آن ۱۴۰ و پهنای‌آن ۷۳ سانتیمتر است. برهردولنگه گل و بوته‌های ظریف کنده‌کاری شده و از ظرایف هنری بخش نور به شمار می‌رود. این عبارات برآن حك شده بود :

برلنگهٔ سمت راست :

« امر باتمام هذه‌العماره
کیادل‌ابن کیاشمس‌الدین آرویج
عمل استاد خوشه‌نام
ابن استاد علادین لباسانی.»

برلنگهٔ سمت چپ :

« متولی‌آستانه مولانا سلیمان
ابن مولانا مهدی غفرذنوبه
فی‌تاریخ غرهٔ ذی‌قعده
سنة تسع ثلثین و تسعمائه .»

داخل بناچهارگوشه است‌که چهارکنج را با چهارگوشوار جمع‌کرده وگنبدی مدور بر فضای داخلی زده‌اند .

براثر بادی‌که در خرداد مـاه ۱۳۴۶ وزیده بود ، قبهٔ مسین گنبد افتـاده بود (عکس شمارهٔ ۱۲۹) ، این عبارات با خطی بد بر آن حك شده بود :

« عمل استاد علادین رودگر تاریخ رجب سنة ست عشرین تسعمائه .»

امامزادهٔ دیگری در داغ‌محلهٔ هتر است که شامل اطاقی ساده و ایوانی درجلو آنست .

باقی بناها و آثار تاریخی یالورود

۱ـ بر بالای کوه کهو (کبود) که آبریز جنوبی آن بـه طرف لار و آبـریز شمالی آن جزء مازندران است ، آثار دیواری بسیار قدیمی است که به نام « سدرستم» یا « سد نوشیروان » معروف است . می‌گویند ایـن دیوار را از سنگ و سرب ساخته بوده‌اند و پهنای آن به اندازه‌ای بوده که یك گاری می‌توانسته بر بالای آن حـرکت کند. این دیوار به دیوار مازیاری نیزمعروف است، ممکن است مازیار آن را تعمیرو مرمت کرده باشد .

۲ـ دو غار درپای کهو (پایین گردنهٔ کبود) طرف مازندران است و ظاهراً از غارهای محل زندگی انسان اولیه است .

۳ـ آبشاری درشرق این غارها است. خط ناصرالدین شاه وصدراعظم بامرکب چاپ برلوحهٔ سنگی نزدیك این آبشار تا چندی پیش خوانده می‌شد .

۴ـ درکـوه پلك در شمال آبادی یـالو ، دخمه مانندی است کـه استخوان فراوان آدمی ، کوزه، سرنیزه، پیکان وآتشدانهای گلی وفلزی درآن یافت شده است .

۵ـ گورستانی درجنوب آبادی یالو میان فتح آباد و نظیرباغ است .مردگان را در این گورستان راست نشانده‌اند و اطراف آنها را گچ گرفته‌اند.[1]

بقعهٔ شیخ سلطان احمد

دربلده از دهکده‌های میانرود بالای نور

بنایی است هشت ترك و بسیار بلند (عکس شمارهٔ ۱۳۰) . پس از بنای امامزاده یوسف در دهکدهٔ کلیك ، این دومین بنای بلند خاك نور است . پهنای هـر یـك از

۱ـ این اطلاعات را آقای کریم صدیق بهزادی در اختیار نگارنده گذاشتند .

ترکهای داخلی آن ۲۶۵ سانتیمتر است . در جدار ترکهای داخلی دو طاقنما بر روی یکدیگر ساخته‌اند که پهنای آنها ۱۱۸ سانتیمتر است . درطاقنماهای بالایین که در چهار جهت اصلی قرار می‌گیرند ، چهار نورگیر مشبك چوبین تعبیه شده است . بـام بنا از خارج کلاه‌درویشی و از داخل گنبدی عرقچینی است . برکمربندگنبد داخلی با مرکب یا رنگ سیاه‌حاشیه‌بندی کرده‌اند . در داخل گنبد درجهت شمال وجنوب، دو نقش شیر و خورشید را با گچ ، برجسته‌کاری کرده‌اند و در جهت شرق و غرب دو نقش شیر است که ماری به کمر و پاهای او پیچیده است . شیرکمر گاو را گـرفته و مارکه سرگاوکوهی دارد،کمر شیر را به دندان گرفته است. دمهای شیرها نیزشباهت به‌گاوکوهی دارند . بالای طاقنمای جنوبی با خط‌کوفی چهارگوشه (کـوفی بنایی) دوبار نام محمد و داخل آن چهار بار نام علی را گچ‌بری بسیار ظریف‌کرده‌اند .

صندوق مرقد در جنوب غربی بنای اصلی است . این نوشته‌ها بـر بدنهٔ شمالی آن حك شده است :

« ناد علیاً مظهرالعجائب ــ تا ــ یاعلی یاعلی یاعلی

بانی وباعث قبرحضرت شیخ احمدنوری آقا ورداسف سراج متولی آستانهٔ شیخ‌حسین وشیخ شریف عمل استاد ابراهیم و محمود ومظفر فی تاریخ ذوالحجــه سنهٔ ۱۱۰۲ .»

برسمت چپ همین کتیبه :

« البته تمام شد بدست استاد علی گرشاسف ومنوچهر واستاد حسین پوشگر کاردگر.»[۱]

بردوسنگ قبری که در حرم بود سنوات ۱۱۴۲ و ۱۲۰۸ خوانده شد .

۱ــ احتمال اینکه این اعلام پس و پیش خوانده شده باشد می‌رود .

مسجد جامع بلدهٔ نور

مسجدی است که دردرازای آن‌سه فیلپا ساخته وتشکیل چهاردهنه داده‌اند که بر هر قسمت از دهنه‌ها طاقی مدور زده‌اند . متن بنا سنگ و آهك است و روکار را سفیدکاری کرده‌اند . در این مسجد منبری از سنگ سیاه یك‌پارچه است که درازای آن ۱۵۰ و پهنایش ۸۰ سانتیمتر است و دارای پنج پلهٔ اصلی است . عباراتی بر آن نقر شده بوده است که به علت مرمت و روکشی باسیمان ، از میان رفته و بهیچ‌وجه قابل خواندن نیست . بالای سر منبر این عبارات بردیوار نوشته شده بود :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم یا اباعبدالله ادرکنی درزمان تولیت عالیجناب فضایل‌مآب شیخ اسمعیل بدستیاری استاد اللهداد نوائی [1] به اتمام رسید سنهٔ ۱۲۷۰ ».

بربالای محراب کتیبهٔ زیر بارنگ سیاه نوشته شده بود :

« تصدی شیخ جمال‌الدین سلطان احمدی وبدستیاری استاد یحیی سلطان احمدی و استاد علی‌اصغر گرجی اتمام یافت شهر رمضان ۱۳۷۳ خرداد ماه۱۳۳۳ ».

فانوس بسیار زیبا از سقف مسجد آویخته است که اضلاع آن از چهار مربع و هشت مثلث تشکیل شده است که طرحی زیبا و عجیب است (عکس شمارهٔ ۱۳۱) . براین مربعها و مثلث‌ها گل و بوته‌های زیبایی ترسیم شده است . برقسمت بالا وپایین فانوس که چهارگوشه است حاشیه‌بندی ظریفی دارد .

نزدیك مسجد جامع سنگ‌قبری سیاه‌رنگ‌به درازای یك متروپهنای ۳۲ وقطر

۱ــ نوا از دهکده‌های زیبای‌بالا لاریجان است .

۲۵ سانتیمتر است. برحواشی آن صلوات بر دوازده امام ودر متن ابیات زیر حک شده است :

« ازجور زمانه صد هزاران فریاد و ز پستی چرخ و از فلک صد بیداد
قاهرعلی بیگ غجر جاوشلو چون گشت ازین دارفنا بی‌بنیاد
دل کز غم او چولالهٔ پرخون شد داغ دگرآورد بر آن داغ نهاد
تاریخ شهر محرم الحرام سنهٔ ۹۷۹ .»

تکیهٔ بالای بلده ومسجد متصل به‌آن

بنایی است چهار ضلعی ساده. بر دیوار مسجدی که در غرب تکیه است کتیبهٔ زیر برسنگی حک شده و نصب‌گردیده است :

« هوالواقف علی‌الضمایر وقف صحیح و شرعی نمودند عالیجاهان مقربی‌الخاقان میرزااسدالله و محمدزکی‌خان خواجه‌نوری[1] یکباب مسجدو مدرسه و تکیه و سقاخانه و دکاکین جدیدالبنای واقعه در بلوک محروسهٔ نور من قهستانات دارالمرز مازندران خفّت بالنصروالامان را و تولیت موقوفات مزبوره رابشرایطی‌که دروقفنامچهٔ جداگانهٔ علیحده مرقوم است بعالیجناب خیرالحاج حاجی عبدالمحمد نوری[2] مفوض داشتند قد اجرت الصیغة الوقفیة فی شهر ذی‌حجةالحرام سنة ۱۲۴۰.»

تکیهٔ مقابل مسجد را حاجی میرزا یحیی‌خان[3] ساخته است . درسال ۱۳۱۸

۱ــ محمد زکی‌خان‌ومیرزااسدالله‌خان ازاقارب مرحوم‌حاجی میرزا یحیی‌خان برادر کوچك میرزا آقاخان صدراعظم نوری هستند . ۲ــ حاجی عبدالمحمد نوری پدرزن ناصرالدین شاه است . دختر حاجی به نام‌صفیه سلطان عنبرخانم بود که ناصرالدین‌شاه از قصبهٔ بلده به عقد خود در آورده بود . ۳ــ برادر کوچك میرزا آقاخان صدراعظم نوری است .

شمسی براثر زلزله خـراب شد و ساکنان باهزینهٔ خود تجدید بنا و تعمیر و مـرمت نموده‌اند .

امامزاده اسمعیل
در محلهٔ بازار قصبهٔ بلدهٔ نور

بنای بقعه زیاد جنبهٔ تاریخی نداشت. درورودی دولنگه‌ای داشت که هر لنگه یك پارچه بود. نگار اصلی کنده‌کاری در، شش ضلعی بودکه از میان ستاره‌ای درآورده بودند . این عبارات بر آن حك شده بود :

بر بالای لنگهٔ سمت راست :

« ولیکن خداوند بالا و پست .»

بربالای لنگهٔ سمت چپ :

« بعصیان در رزق برکس نبست .»

برپایین لنگهٔ سمت راست :

« ای درت کعبهٔ ارباب نجات .»

برپایین لنگهٔ سمت چپ :

« قبلتی و جهك فی کل صلات .»

خانهٔ میرزا آقاخان صدراعظم نوری
درقصبهٔ بلدهٔ نور

بنایی است ساده بردوطرف حیاطی بزرگ، پنجره‌های ارسی بسیار زیبا و پرکار کـه شیشه‌هایی رنگین دارد (عکس شمارهٔ ۱۳۲) . عمارتی که در ربیع‌الثـانی سال ۱۲۵۶ قمری ناصرالدین شاه در آن بوده و درکنار آن اردو زده است ، غیراز ایـن بناست . بااینکه زیر عکس آلبوم ناصرالدین شاه ، به خط خـود او نوشته شده است

«عمارت اجداد میرزا آقاخان است (عکس شمارهٔ ۱۳۳)»[1] ولی باید گفت که این عمارت را خود میرزا آقاخان ساخته و سایر برادرها که هفت تن بودند درجوار آن ساختمانهایی ساختند. برادر معروفتر حاجی میرزا یحیی‌خان بود. این بناها واراضی اطراف آن پس‌از مرگ اینان به دست دو دختر افتاد. آقایان محلی این دو دختر را به خانهٔ خود راه ندادند و غاصبانه درآنجا نشستند. مرحوم امیر مصدق این محل را به اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر فروخت. شاهنشاه آریامهر اعلان فروش آنجا را دادند. احمدعلی خان بهزادی آنجا را خرید و بناها را یکسره خراب کرد.[2]

قلعهٔ پولاد یا قلعهٔ نور

قلعهٔ پولاد که درکتب تاریخی به نام قلعهٔ نور شناخته می‌شود، در شمال قصبهٔ بلده، بربالای پوزهٔ کوهی‌که رو به جنوب است، بنا شده است (عکس شمارهٔ ۱۳۴). دامنهٔ غربی این پوزه به صفرکلا تنگه ودامنهٔ شرقی‌آن به پولادتنگه منتهی می‌شود. دروازهٔ قلعه پایین پوزهٔ کوه، بالای خانه‌های مسکونی بلده تا امروز برجای است (عکس شمارهٔ ۱۳۵). می‌گفتند تخته پل قلعه از این دروازه تا نزدیك امامزاده اسمعیل می‌رسید. روزها آن‌را می‌انداختند و اول غروب با زنجیرهایی‌که داشت، به طرف دروازه می‌کشیدند و جمع می‌کردند. بنای قلعه شامل سه قسمت اصلی است و بارویی اطراف آن است (عکس شمارهٔ ۱۳۶). برجهای متعدد در هر قسمت بارو به چشم می‌خورد (عکسهای شمارهٔ ۱۳۷ و۱۳۸ و۱۳۹ و۱۴۰). قطر دایرهٔ هر یك‌نسبت به پهنه‌ای که برآن بنا شده مختلف است. بیشتر برجهای اصلی تا امروز باقی‌است و پاره‌ای به بلندی هفت هشت متر می‌رسد.

۱ـ عکس‌شمارهٔ ۱۰۰۵۱ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران.

۲ـ این‌اطلاعات را آقای خانباباخان سلطانی نوری در اختیار نگارنده گذاشتند.

آب قلعه از چشمهٔ مرتع ملرز با گنگ (تنبوشه) به قلعه سوار می‌شده است و مردم هروقت گنگی بـرای حمام بخواهند ، به قلعه می‌روند و گنگهای قـدیمی را بیرون می‌آورند و به‌کار می‌برند . در صفرکلاتنگه نیز چاه‌آبی بوده کـه بـرسر آن بنایی مستحکم با بامی گنبدی ساخته بودند . پلکانی از قلعه بدین بنا ساخته بودند و در مواقع ضروری ازآب این چاه استفاده می‌کردند . ازصفرکلا تنگه[1] به پولادتنگه دردل سنگ نقبی کنده‌اند . ظاهراً از ارگ قلعه (عکسهای شمارهٔ ۱۴۱ و ۱۴۲)نیز راهی به‌این نقب بوده است ودرمواقع لزوم برای فرارازاین نقب‌استفاده می‌کرده‌اند.

باغ و عمارت ملك کاووس معروف به باغ نو
دربلدهٔ نور

باغ و عمارت ملك کاووس را برادرش ــ ملك اسکندر ــ دوبار ویران کـرد . یك بار دررجب سال ۸۶۰[2] و باردیگر در ذی‌الحجهٔ سال ۸۶۷ . میرظهیرالدین شرح خرابی بار دوم را چنین نوشته است :

« جناب ملکی‌مآبی ملك‌اسکندر با برادرزاده‌ها و اهل ملك خود باغ ملك کاووس که آنجا (بلده) ساخته و به انواع ثمـار آن را آراسته و عمارت مرغـوبه احداث نموده بود مجموع را ویـران ساخت وعمارت را منهـدم گردانید وهیزم بسیار از آن چوبهای عمارات و درختان میوه جمع شد.»[3]

۱ــ از صفرکلاتنگه که بالارفتیم،راهی به‌طرف دست راست به‌گردنهٔ قرق و ورازان و شاه‌ناجـر وشهرکجور می‌رود . دو آب بالاتر ازاین راه به نیتل و دوآب بالای آن به پول کجور راه دارد . ۲ــ تاریخ گیلان و دیلمستان میرظهیرالدین ، چـاپ نگـارنده ، ص ۲۸۲ . ۳ــ تاریخ گیلان و دیلمستان ، چاپ نگارنده ، ص ۳۰۷ .

چهل‌دختران
در اراضی کشتزار بلده معروف به سراپرده

از آثار قدیمی چهل‌دختران که ظاهراً گورستانی قدیمی بـوده است ، سنگ قبری بزرگ وسفیدرنگ با خالهای سیاه برآن دیده شد . درازای این سنگ ۱۳۰و پهنای آن ۸۰ و قطرش ۲۵ سانتیمتر است و نظیرسنگهایی است که درگورستان پیل دیده می‌شود.این کلمات با خطی درشت برآن حك شده بود :

« هذاالقبر المرحوم المغفور » .

باقی به علت فرسودگی و فروریختگی خوانده نشد .

بر سر تپه‌ای دراراضی سراپرده بنایی چهارگوشه از سنگ وگچ بودکه فعلاً خراب شده یا خراب کرده‌اند . درحدود یك متر از چهار دیوار آن برجـای است . ابعاد بنا ۲۶۰ و پهنای طاقنماهای داخل اضلاع ۱۲۰ سانتیمتر است . در آن غربی و پهنای آن ۷۵ سانتیمتر است . در طاقنماهای این محل ، روی سفیدکاری ، گچ را با رنگ سرخی مخلوط کرده و ماله‌کشی کرده بودند .

خرابه‌هایی‌ازسنگ وگچ نزدیك همین مقبره‌است‌که‌به نام حمام معروف‌است.

گنبدی در پولاد تنگه

هنگامی‌که راه این‌تنگه‌را روبه بالا می‌رویم، طرف دست راست، برسرکوهی منفرد ، بنایی است که از خارج هشت ترك و از داخل چهارگوشه است . در ورودی آن شرقی است ودرحدود دومتر ازدیوار غربی برجای است. پهنای هر یك ازاضلاع داخلی۲۸۰ سانتیمتر است. برجدار هر یك ازاضلاع طاقنمایی به پهنای ۷۵سانتیمتر است . داخل طاقنماها را پس‌از سفیدکاری ، مـادۀ قرمز رنگی داخل گـچ ریخته و

روکش رنگینی برسفیدکاری کشیده‌اند. برجدار ترکهای خارجی نیز طاقنماهایی که به پهنای ۸۵ سانتیمتر است دیده می‌شود.

گنبدی در مرتع کلین‌دره [1]

این گنبد برسر راه بلده به ورازان ودر یك سوم راه‌گردنهٔ قرق[2] است . بنایی است هشت ترك با بامی گنبدی عرقچینی از سنگ و گچ (عکس شمارهٔ ۱۴۳) . پهنای اضلاع داخلی ۱۳۰ سانتیمتر است . برجدار هرضلع طاقنمایی به پهنای ۸۰ سانتیمتر و بلندی دو متر است . حاشیهٔ طاقنماها باگل اُخرا یا رنگ دیگری حاشیه‌کشی شده است. بنا از داخل هشت ترك ودر هر ترك یك طاقنما با طاق جناقی است (عکس شمارهٔ ۱۴۴) .

امامزاده عبدالله بن امام زین‌العابدین علیه‌السلام در دهکدهٔ چل[3] از دهکده‌های میانرود نور

بنای بقعه از داخل و خارج هشت ترك است (عکس شمارهٔ ۱۴۵) . سقف داخل، گنبدی عرقچینی و بام آن کلاه درویشی است. کفش‌کن کوچکی جلو امامزاده است که در ورودی آن به طرف شمال است . مسجد کوچکی در پهلوی کفش‌کن و در طرف شرقی آن بنا کرده‌اند . متن بنا از سنگ و گچ است .

سنگی بزرگ و چهارگوشه که بالای آن قسمتی اضافی دارد ، نزدیك به بنای بقعه است . این عبارات بر آن حك شده است (عکس شمارهٔ ۱۴۶) :

۱ــ بضم کاف و کسر لام و سکون یاء . برای رسیدن به مرتع کلین‌دره از مراتع دیزه‌بن (بضم باء) ، خروش (بفتح خاء) ، دیودارنو ، رشیدی سره (بفتح سین) ، پری‌انجم (بفتح پ و الف و سکون نون و ضم جیم) باید عبور کرد . ۲ــ بضم قاف و راء . ۳ــ بکسر چ .

قسمت بالای سنگ :

« فرمودهٔ کدخدا جمشید کوس .»[1]

در وسط سنگ :

« باتمام رسانید عمارت زرین کیا سلطان کدخدا جمشید .»

برحاشیهٔ‌های سمت راست و پایین و سمت چپ :

« ز اهل قبر دردم این ندا در گوش جان آمد

که محنت خانه‌ای داریم اینجا میتوان آمد .»

چنانکه نوشتهٔ این سنگ حاکی است، سنگ اتمام بنای زرین کیاسلطان است که به فرمودهٔ کدخدا جمشید کوس بنا شده است . چون احتمال می‌رود که این سنگ در همین محل بوده و از جایی دیگر بدینجا آورده نشده است ، می‌توان به این نتیجه رسید که این سنگ اتمام بنای همین امامزاده است که مدفن زرین کیاسلطان بوده و امروز امامزاده عبدالله شده است .

از بلده که به دهکدهٔ چل می‌آمدیم از دهکده‌های زرین کمر و کوس‌محله گذشتیم در کوس‌محله بنای محقری با بام گلی بود که به نام امامزاده سام شهرت داشت . مسجدکوچکی متصل به امامزاده بود که قسمت پایین دیوارهای آن سنگ و گچ بود و شکل ظاهری بنا قدیمی به نظر می‌رسید .

امامزاده محمود بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام در دو یلات[2] از دهکده‌های میانرود نور

بنایی است ساده با بامی گلی در میان آبادی دویلات. دو درخت ریس کهنسال

۱ـ کوس‌محله از دهکده‌های میانرود نور مسکن ومأوای این خاندان قدیمی است .

۲ـ بفتح دال وکسرواو. لات به معنی زمینهای کنار رودخانه است .

در زمینهای گورستان اطراف امامزاده است . جلو در ورودی بقعه کفش‌کنی است که سنگ قبر نسبةً قدیمی درآن بدین شرح دیده شد :

« الحکم‌لله الواحدالقهار وفات‌المرحوم المغفور الی‌رحمةالله درویش زرینکمرولد مظفرباغبان[1] ومادرزوجهٔ اوپری بنت حسین‌کمانگر تحریرا فی‌شهر ذوالحجه ۱۰۷۸ .»

«الحکم‌لله الواحدالقهار وفات‌المرحوم المغفورالمبرور الی‌رحمت‌الله تعالی درویش شاهبیگ‌ابن زرینکمر سنهٔ ۱۱۰۱ .»

«الحکم‌لله‌الواحدالقهار وفات‌المرحوم المغفورالی‌رحمت‌الله تعالی‌درویش میرزا ابن زرینکمر سنهٔ ۱۱۰۱ .»

قلعهٔ گلپیر[2]

بالای‌کوه گلپیر که در شمال دهکدهٔ دویلات و در طرف راست رودخانه است، آثار قلعه‌ای کهن باقی مانده است (عکس شمارهٔ ۱۴۷) . ایـن کـوه بلند و گنبدی شکل است و سنگهای دامنهٔ آن به شکل پله‌های طبیعی در آمده است . بـالای آن چنانکه سید حسین کدخدای دویلات اظهار می‌کرد آثار حمام و برج و بارو است . گورستان کهنه‌ای نیز بربالای کوه ، در اراضی این قلعه است . آب مصرفی ساکنـان قلعه از چشمهٔ ایلسّا[3] باگنگ (تنبوشه) به قلعه می‌آمده است .

۱ــ باغبان از خاندانهای قدیمی ساکن دردویلات هستند. در دوسنگ دیگری که در کفش‌کن امامزاده بود واطراف‌آن را گچ‌کشیده بودند و متن سنگ درست خوانده نمی‌شد، کلمهٔ بـاغبان در هر دو روشن خوانده می‌شد . ۲ ــ بضـم گـاف وکسـر لام .

۳ــ بکسـر الـف و لام و تشـدید سین .

کتیبه‌ای بر سنگ
درمحلی به نام پیت حمام سر

در طرف دست چپ رودخانهٔ دویلات ، کوهی به نام « سرخ کمره »[1] است که درست روبروی کوهی است که قلعهٔ گلپیر بر آن بنا شده است . در محلی از این کوه به نام « پیت حمام سر » کتیبه‌ای رو به مشرق بر سنگ به این شرح کنده شده است (عکس شمارهٔ ۱۴۸) :

« خسرو فرهاد قوة آن بذاتش ذونسو[2]
شاه کاوس کیومسرث ابن سلطان سسو[3]
هشتصد و هشت و چهل از هجرت صدررسل
کند بتوفیق خدا این کوه چوکوه بیسو[4] »

پلی قدیمی
پایین دهکده ولاشد از دهکده‌های میانرود نور

پایین دهکده ولاشد پلی که طاق آن از آجر و گچ است بردو کمر بزرگ ساخته‌اند . بالای پل را باسنگ و گچ پوشانده‌اند (عکس شمارهٔ ۱۴۹) .

امامزاده محمدبن ابی‌بکر بن علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام
در دهکدهٔ کلا از دهکده‌های میانرود بالای نور

بنای اصلی بقعه بنایی است هشت ضلعی با بامی کلاه درویشی که سوراخهایی در جدارهای این بام دیده می‌شود و در یکی از جدارها سوراخی بزرگتر برای ورود به

۱ــ بکسر خاء . ۲ ــ ۳ــ ۴ــ معانی لغات‌قوافی روشن نیست . ملك کاوس روز سه‌شنبه چهاردهم شوال سنةاحدی وسبعین وثمانمائه ۸۷۱ فوت‌شد (تاریخ گیلان و دیلمستان میرظهیرالدین ص ۳۱۴) .

فضای میان گنبد زیرین و بالایین ساخته‌اند (عکس شمارهٔ ۱۵۰) . درمحل اتصال ترکهای هشتگانه به بام‌کلاه درویشی قرنیس ماندی است که از مقرنسهای مستطیل شکل ساخته شده است . مقابل در ورودی بقعه یك کفش‌کن یا پیش‌صحنی است . از این کفش‌کن دری به حیاط جلو کفش‌کن باز می‌شود . یك طرف این حیاط تکیه است واطاقهایی برای استراحت زوار دراطراف حیاط‌است. یك کلاه فرنگی‌تابستان‌نشین که ظاهراً تخت تعزیه خوانی است در وسط حیاط است .

داخل بقعه نیز هشت ترك است و در هرترك یك طاقنما به پهنای ۸۵ سانتیمتر تا زیر طاق ساخته‌اند . پهنای هر یك از اضلاع داخلی ۱۷۰ سانتیمتر است . طاق بقعه بسیار بلند و نظیر طاقهای بقعهٔ شیخ‌سلطان احمد دربلده و امامزاده یوسف در کلیك است . طاق از داخل عرقچینی است و با رنگ ، گل و بوته بر آن نقاشی کرده‌اند . دراصلی بقعه به طرف جنوب شرقی باز می‌شود .

بر در ورودی بقعه که در این وقت به سرقت رفته و پس‌از کشمکشهای زیاد پیدا شده بود وبه تهران برده بودند در موزهٔ ایران باستان بدان دسترسی پیدا شد . این در کنده‌کاری نبود و ارزش زیاد نداشت .

این دو بیت برآن حك شده بود :

« من غلام علی عمرانم   خاکپای شه خراسانم
پیرو احمدم محمد نام   گرچه نجّاری ازلواسانم »

در وسط بنای اصلی ، صندوقی چوبین مرقد امامزاده را پوشانده است . این صندوق را از نظر ظرافت و پرکاری باید یکی از شاهکارهای هنری ایران دانست .

بدنهٔ شمالی صندوق شامل سه قسمت یعنی سه مربع مستطیل است ، برقسمت راست مربع مستطیل سمت راست (عکس شمارهٔ ۱۵۱) :

« اللّٰه‌لااله‌الاهوالحی‌القیوم ــ تا ــ الارض من‌ذی . »

برقسمت بالای همین مستطیل:

« الذی یشفع عنده الا .»

قسمت سمت چپ همین مربع مستطیل :

« باذنه یعلم مابین ایدیهم و ماخلفهم ـ تا ـ السموات والارض .»

قسمت پایین همین مربع مستطیل :

« ولایؤده حفظهما و هوالعلی العظیم .»

قسمت وسط همین بدنه تمام کنده‌کاریهای ظریف بر پاره‌های چوب است که تمام آنها را کم و زبانه کرده و جفت‌گیری نموده‌اند (عکس شمارۀ ۱۵۲) .

پایین مربع مستطیل وسط این کلمات باخط خوش نستعلیق حك شده است :

«عمل علاءالدین بن محمد نجّارلباسانی عفاعن سیأتهما .»

عباراتی‌که برقسمت‌مربع مستطیل سمت چپ حك بود:

برقسمت دست چپ این مربع مستطیل (عکس شمارۀ ۱۵۳) :

« اللهم صل‌علی سیدنا ونبینا محمد و آله‌اجمعین و سلم تسلیما دایماً ابداً کثیرا.»

برقسمت پایین همین مربع مستطیل .

« برحمتك یا ارحم‌الراحمین .»

برحاشیۀ سمت راست همین مربع مستطیل :

« رضینا اقسمةالجبار فینا لنا علم وللاعداء مال .»

« فان‌المال یفنی عنقریب .»

قسمت بالای همین مربع مستطیل :

« وان‌العلم باقٍ لایزال .»

برحاشیۀ بالای بدنۀ شمالی صندوق :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم یس‌والقرآن الحکیم ـ تا ـ سداً ومن‌خلفهم .»

برحاشیهٔ پایین همین بدنه :

« امر باتمام هذاالصندوق فی‌روضةالشریف و بقعةالمنیف حضره سلطان الاصفیاوبرهان الاتقیا وقطب‌الاولیا سلطان ابابکرکیا علیه صلوات رب‌العلی سلطنت و معدلت‌پناه مملکت و نصفت دستگاه نور حدیقهٔ انوشیروانی ونور حدقهٔ کیومرثی شهاباً .»

قسمت پایین بدنهٔ شرقی صندوق :

« ثاقباً لسماءالسلطنة والعدالة والاقبال ملك بهمن خلدالله تعالی ظله‌السامی العا [لی] الی‌یوم‌الدین ابن غفران پناه .»

برحاشیهٔ بالای بدنهٔ شرقی (عکس شمارهٔ ۱۵۴) :

« سداً فاغشیناهم ـ تا ـ خشی‌الرحمن بالغیب فبشره .»

بدنهٔ جنوبی صندوق نیز شامل سه مربع مستطیل است . بر طرف دست راست مربع مستطیل سمت راست ، رو به بالا :

« نادعلیاً مظهرالعجایب ـ تا ـ علی‌علی‌علی .»

برحاشیهٔ دست چپ همین مربع مستطیل :

« علی‌الله فی‌کل‌الامور توکلی و بالخمس اصحاب العباء توسلی محمد و علی کلاهماایلی .»

برحاشیهٔ پایین همین مربع مستطیل :

« محمدالمصطفی و علی‌المرتضی .»

برقسمت مربع مستطیل وسط نقش و نگار کنده‌کاری بسیار ظریفی برپاره‌های چوب است که پس ازکم و زبانه با یکدیگر جفت‌گیری کرده‌اند .

برحاشیهٔ سمت راست مربع مستطیل سمت چپ (عکس شمارهٔ ۱۵۵) :

« قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم الدنیا سجن المؤمن و جنة الکافر صدق .»

برحاشیهٔ بالای همین مربع مستطیل :

« الدنیا ساعة وجعلها طاعة . »

برسمت چپ همین مربع مستطیل :

قال رسول الله صلوات الله و سلامه [علیه] المؤمن فی المسجد کالسمك فی الماء و المنافق فی .»

برقسمت پایین همین مربع مستطیل :

« المسجد کالطیر فی القفس[1] .»

برحاشیهٔ بالای بدنهٔ شمالی دنبالهٔ سورهٔ یس بدین ترتیب آمده است :

«بمغفرة واجر کریم انانحن ـ تا ـ و ماانزل الرحمن من شیء .»

برحاشیهٔ پایین همین بدنه :

« رضوان دستگاه المغفور المبرور السعید ملك بیستون بـرّدالله مضجعه و جعل الجنة مثواه فی تاریخ غرة شهر صفر ختم بـالخیر والظفـر سنة سنه خمسین وتسعمایه الهجریة النبویة خیر البرّیة صلوات الله علیهم اجمعین . »

برحاشیهٔ بالای بدنهٔ غربی :

« ان انتم لاتکذبون ـ تا ـ تطیّرنا بکم لئن لم تنتهوا . »

برحاشیهٔ پایین همین بدنه :

« هر که اورا کنند به نیکی یـاد نـام او در جهان بـه نیکی بـاد

یا واسع المغفرة اغفرنی » .

برحاشیهٔ چهار طرف روی صندوق نیز نوشته‌هایی به این شرح دارد :

برحاشیهٔ شمالی :

۱ــ درعربی معمولاً قفص را با صاد می‌نویسند .

« اللهم صل علی محمد المصطفی وصل علی الامام علی المرتضی وصل علی الامام حسن الرضا وصل علی الامام حسین الشهید بکربلا وصل علی الامام علی زین العابدین وصل علی الامام محمد الباقر .»

برحاشیهٔ شرقی روی صندوق :

« وصل علی الامام جعفر الصادق وصل علی الامام موسی الکاظم وصل علی الامام علی بن .»

برحاشیهٔ جنوبی :

« موسی الرضا وصل علی الامام محمد التقی وصل علی الامام علی النقی وصل علی الامام حسن العسکری وصل علی الحجة القائم والخلف الصالح الامام الهمام محمد المهدی الهادی صاحب .»

برحاشیهٔ غربی :

«الزمان وقاطع البرهان صلوات الله علیه وعلیهم اجمعین وسلم تسلیماً کثیراً .»

برچهار چوب در ورودی بقعه نیز عباراتی به این شرح حک شده است :

برکلگی چهار چوب :

« امر باتمام هذه الباب حضرت سلطان ابابکر فرمود خواجه محمد بن حسن جیلانی .»

برطرف سمت چپ :

«خواجه محمد خادم آستان حضرت بلقیس مکان بی بی فاطمه استی گیلان .»

برطرف سمت راست :

« تاریخ ماه مبارك رمضان سنة سبع عشرین و تسعمایه .»

بریکی ازدرهای مسجد بقعه که فعلاً درانبار است عبارات زیر حك شده است (عکس شمارهٔ ۱۵۶):

برکلگی چهار چوب :

« هذاالباب لمسجد ابابکر علی علیه المرضات الله تعالی و طلباً لثوابه .»

برقسمت سمت چپ چهارچوب دنبالهٔ آیهٔ دوم سورهٔ فتح از :

« لك الله ماتقدم من ذنبك ـ تا ـ صراطاً مستقیماً صدق الله .»

برقسمت سمت راست چهار چوب :

«وینصرك الله نصراً عزیرا ـ تا ـ وكان الله علیماً حكیما .»

برلنگه سمت راست :	برلنگهٔ سمت چپ :
« بسم الله الرحمن الرحیم	« انافتحنا لك فتحاً مبیناً لیغفر
الله لااله الا هو والحی	القیوم لا تأخذه سنة
ولانوم له مافی السموات	ومافی الارض من ذی الذی
یشفع عنده الا باذنه	یعلم مابین ایدیهم
ومـ اخلفهم ولایحیطون	بشیء مـن علمه الا بمـ اشاء
وسع كرسیه السموات والارض ولا	یؤده حفظهما وهو العلی العظیم
اللهم صل علی محمد المصطفی	وصل علی امام علی المرتضی
وصل علی امام حسن رضی	وصل علی امام حسین شهید كربلا
وصل علی امام زین العابدین	وصل علی امام محمد باقر
وصل علی امام جعفر صادق	وصل علی امام موسی كاظم
وصل علی امام علی ابن موسی رضی	وصل علی امام محمد تقی
وصل علی امام علی النقی	وصل علی امام حسن عسكری
وصل علی امام محمد مهدی	صاحب الزمان وقاطع البرهان
صلوات الله علیه وعلیهم	اجمعین الطیبین الطاهرین

درمسجد بیهــــــوده بــــاز مکن چو درآئی بجـــــز نمــــازمکن

امــــــر باتمام هــــــذاالبــــاب درویش حسین‌ابن استاد خسرونجّار

نوری غفرالله ذنوبهما

تحــــــریرا فی‌اواسط شهر رجب غرض نقشیست کز ما باز ماند

سنة ثــــلــث اربعین وتسعمایه.» کـه هستی‌را نمی‌بینم بقائی

مگر صاحبدلی روزی برحمت

کند در کار درویشان‌دعائی . »

بردر دیگر مسجد این امامزاده عبارات زیر حك شده است (عـکس شمـارهٔ ۱۵۷) :

بر بالای لنگهٔ سمت راست :

« وقف کرد خسرو جوان بخت ملك شاه غازی .»

بربالای لنگهٔ سمت چپ :

ابن‌المرحوم ملك شاه رخ[۱] خلدالله ملکه .»

برقسمت پایین لنگهٔ سمت راست :

« تمت هذه‌الباب فی‌شهر شوال .»

برقسمت پایین لنگهٔ سمت چپ :

« سنة سبعة سبعین و ثمانمائه عمل حسین‌بن حسن نجّار.»

---

۱ ـ ملك شهرخ‌بن ملك‌کاوس (تاریخ گیلان و دیلمستان میرظهیرالـدین صفحات ۳۰۷ و ۳۱۴) ملك شهرخ روز پنجشنبه ۲۸ ذی‌الحجهٔ ۸۷۱ به دست عزالدین درزی‌کشته شد (همین کتاب ص ۳۱۵) .

قلعه‌ای قدیمی
برقلهٔ کوهی به نام سبحان‌الله

دردره‌ای که دهکدهٔ کلا درآن واقع است قلهٔ کوهی به نام « سبحان‌الله » است. بربالای این قله آثار قلعه‌ای قدیمی است .

امامزاده یحیی
دردهکدهٔ تاکر[1] از دهکده‌های میانرود بالای نور

بنای اصلی بقعه چهارگوشه و ابعاد آن از داخل ۳۴۰ سانتیمتر است . در هر ضلع طاقنمایی به پهنای ۲۲۰ و طاقچه‌ای به پهنای ۷۰ سانتیمتر است . چهار کنج را با چهار گوشوار جمع کرده و طاقی گنبدی عرقچینی زده‌اند . بام بنا از خارج هشت ترك است. این بقعه درچهار جهت اصلی ایوان دارد . ایوان شمالی شامل پنج دهانه است که یك دهانهٔ آن کوچکتر است که مدخل بنای اصلی بقعه از اینجاست . ایوانهای شرقی و جنوبی وغربی هر یك چهار دهانه دارد و پهنای هر دهانه ۱۸۰ سانتیمتر است . محوطه‌ای اطراف بقعه است که چند قبر درآن دیده می‌شود .

تکیهٔ تاکر

در ورودی تکیه شمالی است و در جهت شمال ، ایوان واطاقی بنا کرده‌اند . راهرویی طرف چپ وراهروی دیگری طرف راست ایوان است . ازاین دو راهرو می‌توان به ایوان و اطاق رفت .

ایوان شرقی چهار دهانه است و هر یك صفه مانندی به عمق یك متر دارد و سقاسنگی در دهانهٔ سومین است . در این جهت نیز تکیه در ورودی دارد . درضلع

۱ـ بضم کاف .

جنوبی تکیه ، دواطاق در طرفین و دهلیزی در وسط است . طرف غربی را صفه‌هایی ساخته‌اند . صفهٔ وسط دری دارد که به شبستانی وارد می‌شود .

در وسط تکیه تختی بود که سقف داشت (عکس شمارهٔ ۱۵۸) . این ابیات بر آن خوانده شد :

« هوالمعزّ

چو فضل‌الله از کثرت جان فشانی شده زمرهٔ چاکران حسینی [۱]
همین بس ورا فخر اندر دو عالم بدین آستانش بود پاسبانی
ندارد به دل خوفی از روز محشر چو بر بندد او رخت از دار فانی
پناه و معینش حسین و علی باد درعقبی بود زنده و جاودانی . »

بالای در ورودی تکیه این بیت نوشته شده است :

« بخلد قصر رفیعی ز لطف حق شده مالك ز پاسبانی این آستان نظام ممالك[۲]

۱۳۲۷ . »

بیت یا خانه ، مولد میرزا حسینعلی بهاءالله[۳] در دهکدهٔ تاکر از دهکده‌های میانرود بالای نور

پهلوی در تکیه دری است که به باغی بزرگ و آباد باز می‌شود . اراضی این باغ پله‌بندی شده است . درختان میوهٔ زیادی در آن کاشته‌اند . بنایی دوطبقه در این

۱ـ این بیت قافیه ندارد . ۲ـ تکیه تاکر را فضل‌الله خان‌بن محمد حسن‌خان معروف به نظام‌الممالك نوری ساخته است . ۳ـ پدر میرزا حسینعلی، عباس‌آقا میرزا بزرگ است که زیردست قائم‌مقام در زمان فتحعلی‌شاه به حکومت تهران می‌رسد و در تهران خانه‌ای می‌سازد ومقیم می‌شود .پسرش میرزا حسینعلی دردهکدهٔ یالو از دهکده‌های یالورود نور نزد علامهٔ نوری درس خوانده است .

باغ است که مولد میرزا حسینعلی بهاءالله بوده است . در طبقهٔ پایین تالاری دروسط است که پنجره‌های ارسی زیبادارد (عکس شمارهٔ ۱۵۹) . دو طرف این تالار پلکان است که به تالار و دو اطاق طرفین می‌رود و ادامهٔ آنها به طبقهٔ بالا می‌رسد . طبقهٔ بالایین شامل چهار اطاق در امتداد هم و دو اطاق بالای دو اطاق زیرین و دوراهروی جنبی است. یکی از اطاقهای طبقهٔ زیرین را سرایدار نشسته بود و باقی اطاقها خالی بود . پنجره‌های مشبك نورگیر باشیشه‌های رنگین(عکس شمارهٔ ۱۶۰) در راهروهای بالا نصب بود .

سجادالدین محمد
دردهکده ایوا [۱] از دهکده‌های میانرود بالای نور

از تاکر به ایوا ، راه کنار رودخانهٔ نور است و سپس به دست راست جدا می‌شود وپس‌از طی سه چهار کیلومتر سربالایی تند، به دهکدهٔ ایوا می‌رسد . ایوا بر بالای بلندی و مسلط بررودخانهٔ نور است. دو خاندان قدیمی لمسو[۲] و کمانگردرآن زندگی می‌کنند . در مرتع لاسبن[۳] متعلق به این دهکده بنای محقر گل‌سری است که آن را مرقد سجادالدین محمد می‌دانند وبالادست دهکدهٔ ایوا چندین بنای گل‌سری دیگر است که تمام مدفن امامزادگان است .

۱ــ بکسر الف وتلفظ یاء مجهول . ۲ــ بفتح لام و کسر میم . ۳ــ بضم باء

امامزاده علی رکن‌الدین و علی نورالدین
دردهکده فیول[1] از دهکده‌های میانرود بالای نور

پانصد متری دهکدهٔ سه خانواری فیول بربالای تپه بنایی‌است شامل یك بقعه، یك مسجد، یك کفش‌کن یاپیش‌صحن که تمام در امتداد هم ساخته شده‌اند. در اصلی بقعه شرقی است و به‌مسجدی باز می‌شود. سنگ مرمر سفیدی طرف دست چپ در ورودی کفش‌کن به دیوار نصب شده است.

این ابیات برآن خوانده می‌شود:

«فغان از دورنگی چرخ مشعبد	که از پا درآورد سروی ممجد
ز تأثیر اجرام و از گردش او	به‌کامم شرنگست تنگ طبرزد
چوبارسفر بست وبگشود محمل	از این دیرفانی بخلد مخلد
رقم زد بتاریخ او کلك مشرق	به جنت رود شاد روح محمد

۱۲۷۶.»

گورستانی بزرگ‌که اطراف امامزاده و بر تپهٔ مقابل آن است نشان می‌دهد که این دهکده روزی بسیار آبادان بوده است. از یك کیلومتری این دهکده در راه ایوا، سفالهای فراوانی در دو طرف راه ریخته است که این خود نشانی دیگر از آبادانی این دهکده، درگذشته است. عده‌ای از ساکنان این آبادی که از خاندان لمسو[2] بوده‌اند به دهکده‌های کنس‌پا[3]، باری‌کلا[4] و ونوشه[5] رفته وساکن شده‌اند.

۱- Fiyol. ۲- بفتح لام و کسر میم. ۳- بضم‌کاف و کسر نون.
۴- بفتح کاف. ۵- ونوشه همان بنفشه‌ده موقوفهٔ امامزادهٔ دهکدهٔ کلا است. این دهکده و دو دهکدهٔ دیگرحومهٔ آمل هستند.

معصومزادگانی به نامهای باعث و عباس و عبدالله
در دهکدهٔ نج[1] از دهکده‌های میانرود بالای نور

دهکدهٔ نج شامل سه قسمت است : بالامحله ، پایین‌محله واطاق‌سرا . برسر تپه‌ای بر بالای بالامحله بنای مختصر گل‌سری به‌نام معصوم‌زاده باعث است. مسجدی ساده متصل به بناست . این بنا چون در اراضی « بزدوش »[2] واقع شده ، به نام « آقا۔ بزدوش » نیز معروف است.

در پایین محله، در باغی ، بنای مختصری شامل بقعه و کفش‌کن است که به نام معصوم‌زاده عباس شهرت دارد . بنای معصوم‌زاده عبدالله در تکیهٔ دهکدهٔ نج است .

درویش‌محمد
در اطاق‌سرای نج

بنایی است ساده و استوانه شکل با بامی هشت ترك بایك کفش‌کن (عکس شمارهٔ ۱۶۱) و در و صندوقی ساده بدون کنده‌کاری . صندوق قدیمی بقعه ، قدیمی و پرکاربوده است. قطعه چوب کنده‌کاری که معمولاً برچهارکنج صندوق قرارمی‌دهند در بقعهٔ درویش‌محمد است که ظاهراً مربوط به صندوق قدیمی مرقد بوده که ازمیان رفته است (عکس شمارهٔ ۱۶۲) ، کنده‌کاریهای ظریف و پرکاری دارد .

تکیهٔ نج

تکیهٔ نج نسبةً بنایی است قدیمی . دروسط محوطهٔ آن تختی سرپوشیده برای مراسم تعزیه‌خوانی ساخته‌اند . سنگ قبر زیر در تکیه دیده شد :

۱ـ بضم نون .   ۲ـ بضم باء .

«الحکم‌لله‌الواحدالقهار

وفات مرحوم مغفور الی رحمةالله الملك‌الغفور حاجی محمد رفیع ولد کربلائی لطیف .

هرکه آید بجهان اهل فنا خواهد بود

آنکه پاینده و باقیست خدا خواهد بود

زین دارفنا چو رخت بربست رفیع ماندند به‌آه و ناله احباب جمیع

اره از دینی ناله دود نیکو[1] تاریخ رفیع را علی باد شفیع

بتاریخ شهر ذیقعده ۱۱۹۸ .

ابن مرحوم مزبور محمدبنی بابوکر.»[2]

گورستانی قدیمی
درمرتع لمند روبروی دهکدهٔ نج

اراضی پایین تاکر و روبروی دهکدهٔ نج معروف به لمند است . دراین مرتع وسیع گورستانی قدیمی استکه از گورهای آن انواع کوزه‌های سفالین کوچك بیرون می‌آید .

خانهٔ مسکونی منتظم‌لشکر
دردهکدهٔ نج از دهکده‌های میانرود بالای نور

از خانه‌های قدیمی اعیان‌نشین دهکدهٔ نج خانهٔ ییلاقی منتظم‌لشکر است که

۱ــ این مصراع درست خوانده نشد. ۲ــ بابوکر ازخاندانهای قدیمی ساکن نج است و بفتح‌کاف تلفظ می‌شود . سایر خاندانها : شنگل (بفتح شین و ضم‌گاف) ، شریار (بفتح شین) ، ارغات (بضم الف) ، درویش ، سولکاسری(بفتح سین دوم) ، دبشوس (بفتح دال) .

پنجره‌های مشبك نورگیر آن که تعداد آنهانیز زیاد است، از مشبك‌کاریهای ظریف و پرکار است (عکسهای شمارهٔ ۱۶۳ و ۱۶۴) .

باقی بناها و آثار قصبهٔ بلده

۱ـ بالای بلده زمینی است به نام دزدك . دراین زمین آثار قبور قدیمی‌است.

۲ـ امامزاده نینوا که اصل و نسب او معلوم نیست .

۳ـ مسجد بالای بلده را زکی‌خان جدّ میرزا آقاخان صدراعظم نوری ساخته است . کتیبهٔ آن قابل ملاحظه است .

۴ـ تکیهٔ مین‌باشیان را جدّ آقای مهرداد پهلبد ساخته است ومرحوم محمد ـ حسن معین‌اصطبل ناصرالدین شاه ـ جدّ آقای خانبابا سلطانی نوری ـ تعمیر کرده است .

۵ـ تکیهٔ پایین را سالار معزز مین‌باشیان ـ پدرآقای مهرداد پهلبد ـ تجدید بنا کرد . این تکیه قدیم ساز است و فعلاً مرکز ژاندارمری است . مرحوم محمد ـ حسن‌خان معین‌اصطبل لوازم تکیه و کتیبه‌ها[1] را خریده که تا امروز برجای است .

۶ـ سنگهای قبور قدیمی درگورستان بلده.

۷ـ یورباغ ، باغی است قدیمی درجنوب رودخانهٔ متصل به قصبهٔ بلده که در دست امیر مصدق خواجه‌نوری بود . بنای کلاه‌فرنگی این باغ را به تازگی منهدم کرده‌اند .

۱ـ کتیبه غیراز‌اصطلاح رائج امروزی‌آن به‌پارچه‌های‌سیاهی گویند که پهنای آنها در حدود نیم متر و درازی آنها زیاد است و اشعاری در رثاء حضرت امام حسین برآنها نوشته شده است و دور بنای تکیه می‌آویزند .

۲ـ جغرافیای ترستاق نور[1] = ترتیه‌رستاق[2] نور

سه دهکده به نامهای: رزن[3] وکرسی وتیرسا[4] به نام ترستاق خوانده می‌شوند. این سه دهکده برکنارهٔ چپ رودخانهٔ نـور وکنار یکی از شعب این رودخانه قـرار گرفته‌اند. رزن تقریباً درکنار جادهٔ کوهستانی نور ودو دهکدهٔ دیگر بالاتراز رزن در دامنهٔ کوه بنا شده‌اند. ترستاق نیز جزء کوهستان نور به حساب می‌آید.

۱ـ بفتح تاء اول وکسر تاء دوم و ضم راء. ۲ـ بفتح تاء اول و ضم راء دوم.
ن.ك. به تاریخ گیلان ودیلمستان سیدظهیرالدین چاپ نگارنده صفحات ۲۸۳ و۲۸۴ و۳۰۸.
۳ـ بفتح راء و زاء. ۴ـ بکسر راء وتشدید سین.

۴ـ بناها و آثار تاریخی ترستاق نور

امامزاده ابراهیم
دردهکدهٔ تیرسا از دهکده‌های ترستاق نور

بنایی‌است هشت ضلعی اما دوضلع شمالی و جنوبی آن بزرگتر از سایراضلاع است . پهنای اضلاع کوچکتر هریك ۱۶۸ سانتیمتر و پهنای اضلاع بزرگتر هریك ۱۹۲ سانتیمتر است . در هر یك از اضلاع طاقنمایی باطاق جناقی و بالای هر یك از این طاقهای جناقی ، رفی ساخته شده است. سقف از داخل ، گنبد عرقچینی و بام بنا کلاه‌درویشی است . صندوقی چوبین کنده‌کاری وسط بنا، مرقد را پوشانده است . ضلع بزرگتر آن شامل شش تکه و ضلع کوچکتر آن شامل سه تکه است . درازای ضلع بزرگتر ۲۱۴ سانتیمتر و پهنای آن ۱۲۰ سانتیمتر است .

این صندوق که کنده‌کاریهای نسبةً ظریف دارد در سال ۱۲۲۳ ه . ق . براثر زازله و فروریختن سقف امامزاده شکسته شده است و نجّاری که درسال ۱۲۳۸ دوباره آن را تعمیر کرده است پاره‌های صندوق را نتوانسته در محلهای اصلی خود قرار دهد از اینرو آشفتگی در مطالب هر بدنهٔ صندوق دیده می‌شود .

شرح زلزلهٔ نامبرده برحاشیهٔ بالای بدنهٔ جنوبی با قلم و مرکب بدین ترتیب نوشته شده است :

« در سال هزار و دویست وبیست و سه از هجرت نبوی صلواةالله از ضـرب زلزله صندوق امامزاده شکسته شد و در سال هـزارو دویست و سی وهشت حسب‌الخـواهش عـالیشان لطفیخان بیگ‌ابن شیخ مقصودعلـی تترستاقـی [بـه دست] صناعت‌دستگاه استاد نـورمحمد نمارستاقی ساخته شد سنهٔ ۱۲۳۸ » .

برحاشیهٔ پایین همین بدنه باقلم و مرکب آیات زیر نوشته شده است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم قل‌هوالله‌احد الله‌الصمد لم‌یلد ولم‌یولد ولم‌یکن‌له کفواًاحد بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم انااعطیناك‌الکوثر فصـل‌لربك و انحـر ان‌شانئك هوالابتر . »

بربالای همین بدنه آیات و عبارات زیر حك شده است :

« بسم‌اللّه‌لـرحمن‌الرحیم انـاانزلناه فی‌لیلة‌القدر ـ تا ـ سلام هی‌حتـی مطلع‌الفجـر حرره محمـدیوسف‌بن ملاابراهیم تترستاقی اللهم اغفرلـه ولوالدیه وللمؤمنین . »

برتکهٔ سمت راست همین بدنه :

« باعث هذالصندوق‌المبارك الوارثها شیخ علی کیا و شیخ افضل. . . .»

برفاصلهٔ میان دو تختهٔ سمت راست این آیات حك شده است :

« السموات والارض ولایؤده حفظهما و هوالعلی‌العظیم‌لا . »

برفاصلهٔ تختهٔ دوم و سوم این عبارات حك شده است :

« هذاالمؤمن‌المقدس سلطان‌الاولیا و بـرهان‌الاتقیابحرالفضائل والعلوم ـ المرسوم . . . »

برفاصلهٔ تختهٔ سوم و چهارم رباعی ناخوانای زیر حك شده است :

« بی‌جود علی بودجو . . . . بی‌حب علی . . . سودخودی

باللّٰه کـه اگر علی امامت نبود صـد قبلـه . . . . »

برفاصلهٔ میان تختهٔ چهارم و پنجم قسمتی از صلوات کبیر به این شرح است :

« حسن العسکری [و] حجة القائم قایم دایم امام محمدالمهدی . »

برفاصلهٔ تخته پنجم و ششم قسمتی از صلوات کبیر به این شرح حك شده است:

«اللهم صل علی امام محمدتقی اللهم صل علی امام علی النقی اللهم صل علی امام...»

بدنهٔ غربی سه تختهٔ کنده‌کاری گل و بوته‌ایست وقسمتی از آیات کلام‌اللّٰه‌مجید بدین ترتیب برآن حك شده است :

« مع ایمانهم وللّٰه جنودالسموات والارض وکان‌اللّٰه علیماً حکیما لیدخل. »[۱]

برتخته‌های بدنهٔ شمالی صندوق نیزعبارات وآیاتی بدین شرح حك شده‌است:

برحاشیهٔ بالا :

« المؤمنین والمؤمنات جنات تجری من‌تحتهاالانهار خالدین فیها و یکفـر عنهم و کان‌ذلك عنـداللّٰه فـوزاً عظیمـا و یعـذب‌المنافقین والمنـافقـات والمشرکین و المشرکات‌الظانین. »[۲]

بر فاصلهٔ میان تختهٔ اول و دوم:

« لصاحب‌الزمان صلواةاللّٰه وسلامه‌علیهم اجمعین الطیبین الطاهرین . »

بر فاصلهٔ میان تختهٔ دوم و سوم :

« الصادق‌اللهم‌صـل علی امام موسی‌الکاظـم اللهم‌صل علـی امام علـی‌بن موسی‌الرضا .»

بر فاصلهٔ میان تختهٔ سوم و چهارم :

« اللهم‌صل علی‌امام حسن‌الرضا اللهم‌صل علی امام‌حسین‌شهیدبکر بلااللهم.»

۱ــ سورةالفتح ۴۸، قسمتی از آیهٔ ۴ وابتدای آیهٔ ۵ . ۲ــ سورةالفتح ۴۸ ، آیهٔ ۵ و نیمی ازآیهٔ ۶ .

بر فاصلهٔ میان تختهٔ چهارم و پنجم :

« بن محمد [بن] زیدبن امام حسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام فی شهرشوال سنة ثمان ستین وتسعمایه .» [۱]

بر فاصلهٔ میان تختهٔ پنجم و ششم :

« امرالله الموسوم مجیرالشیعة من النارد السمو (؟) ابرهیم سپاهانگیز بن حسن .»

بر تکهٔ آخر سمت چپ بدنهٔ شمالی صندوق از بالا به‌پایین :

« عمل شادمحمد دیلمانی [و] استاد کمال صوفی . »

بر قسمت پایین :

« کاتب این کلام روح‌افزا ملکی حقیرچاکرشاه .»

قسمت کنده‌کاری برحاشیهٔ پایین همین بدنه :

«الوثقی لاانفصام لها ـ تا ـ فیها خالدون .» [۲]

عبارات وآیاتی‌که بربدنهٔ شرقی صندوق حك شده است بدین قرارند :

بر فاصلهٔ میان تختهٔ دوم و سوم :

« امام زین‌العابدین معصوم پاك اللهم‌صل‌علی امام محمدباقراللهم‌صل علی امام جعفر .»

بر حاشیهٔ جانبی همین بدنه :

« [لا] اکراه فی‌الدین قدتبین‌الرشد من‌الغی فمن یکفر بالطاغوت و یؤمن بالله فقد استمسك بالعروة .» [۳]

۱ــ دو حرف تاء و سین در تسعمایه روشن است و از سایر حروف نشانی نیست .

۲ــ سورة‌البقرة ۲ ، قسمتی از آیهٔ ۲۶۲ و آیهٔ ۲۶۳ .

۳ ــ سورة‌البقرة ۲ ،قسمتی از آیهٔ ۲۶۲ .

در ورودی بقعه قدیمی است وکنده‌کاری دارد . این عبارات بردولنگـهٔ سمت چپ و راست خوانده شد :

عباراتی که برلنگهٔ سمت چپ حك شده است :

« اشتری هذاالباب حسن
ابن سلطان‌العارفین کیا .»

عباراتی که برلنگهٔ سمت راست حك شده است:

«ابن کیا اعظم علاءالدین شیرامه
اسفارنگیـج بـرّدالله قـبره . »

برپایین لنگهٔ سمت چپ :

« عمل استاد حاجی‌ابن استاد محمود
فی‌تاریخ سنة تسع اربعین و ثمانمائه
درختان تا بوند درکوه و بیشه
بشادی باز باد این‌در همیشه.»

برپایین لنگهٔ سمت راست :

« پیروز نجّاربن شمس‌نجّار .»

با جورکردن قسمتی از عبارات پراکندهٔ صندوق نام‌صاحب مزار چنین به‌دست می‌آید :

« هذاالمؤمن المقدس سلطان‌الاؤلیا و برهـان‌الاتقیا بحرالفضائل والعلوم‌ــ المرسوم امرالله‌الموسوم مجیرالشیعة من‌النار دال‌السمو (؟) ابرهیم‌سپاه ــ انگیزبن‌حسن‌بن‌محمد[بن]زیدبن‌امام‌حسن‌بن‌علی‌بن‌ابی‌طالب علیهم‌السلام فی شهر شوال سنة ثمان ستین و تسعمایه .»

تاریخی‌که درآخر این‌عبارات است، تاریخ اتمام‌صندوق مرقد امامزاده‌ابراهیم

است . اگر رقم مآت آن‌را درست خوانده باشیم ، قدمت در ورودی بقعه صدو نوزده‌سال بیشتر از صندوق می‌باشد .

باعث صندوق شیخ‌علی‌کیا و شیخ‌افضل‌اند و نویسندهٔ عبارات‌آن محمدیوسف‌بن ملاابراهیم تترستاقی است . اما در ورودی به‌دستور حسن‌بن علاءالدین شیرامه اسفارنگیج و به‌دست استادحاجی ابن استاد محمود ساخته شده وپیروز نجّار کارهای نجّاری آن‌را انجام داده است .

امامزاده محمود معروف به غریب‌آقا
در دهکدهٔ تیرسا از دهکده‌های تترستاق نور

بنایی است چهارگوشه و ساده از سنگ وگل. دری ورودی‌ساده دارد.صندوقی چوبین باکنده‌کاریهای بسیارظریف در گوشهٔ بناست.درازای‌آن ۱۷۶ سانتیمترو بلندی آن ۶۵ سانتیمتر است .

برفاصلهٔ دو تختهٔ وسط بدنهٔ شمالی صندوق عبارات زیر حك شده است :

« سعی‌کنندهٔ این مرقد مبارك نوباخلدوکمالدین انگریج .» (؟)

بریکی از تخته‌های بدنهٔ جنوبی از بالا به پایین:

« صادق‌المبارك حاجی‌کیا فی‌تاریخ تسع وتسعمایه .»

بربدنهٔ غربی که یکی از بدنه‌های کوچك است در دو ردیف « یاالله یامحمد یاعلی» سه‌بار تکرار شده است.

برتخته‌ای جداگانه که روی صندوق گذاشته بودند وظاهـراً روزی در قسمتی از بدنه جای داشته است عبارت زیر خوانده شد:

« عمل استاد محمدخان گیلانی .»

آشیخ نیکه
در اراضی ترت[1] از دهکدهٔ رزن نترستاق نور

بنایی است از خارج هشت ترك باگنبدی کلاه درویشی و از داخل چهارضلعی که چهار طاقچه در چهارضلع دارد. با ساختن گوشواری درهر گوشهٔ سقف ، بنا را جمع کرده وگنبدی عرقچینی بر آن زده‌اند . در ورودی بقعه شمالی است . دری قدیمی با کنده‌کاریهای ظریف داشته‌که در سال ۱۳۵۱ یعنی سه‌سال پیش، به‌سرقت رفته است .

صندوقی چوبین با کنده‌کاریهای ظریف در وسط بناست . درازای آن ۲۲۸ و بلندی آن ۹۶ سانتیمتر است . صندوق برپایه‌ای مشبك چوبین به‌بلندی ۲۴ سانتیمتر قرارگرفته است .

بر بدنهٔ شمالی صندوق عبارات زیر خوانده شد :

برفاصلهٔ میان تکهٔ اول و دوم این بدنه :

« ملك‌کان سلیمان مطلب هوشه (؟)

ملـك همانست شه سلیمـان کی

نصر من‌الله وفتح قریب . »

بر تخته‌ای که میان تکهٔ دوم و سوم صندوق است :

« نـاد علیاً مظهرالعجائـب تجده عون لك فی‌النوائب ـ تا ـ یاعلی یاعلی یاعلی . »

بر تخته‌ای که میان تکهٔ سوم و چهارم است :

« صل علی امام‌علی‌بن موسی‌رضا و صل‌علی امام محمدتقی و صل علی امام حسن عسکری . »

۱ـ بکسر تاء و راء و سکون تاء .

بر تختهٔ‌ای که در فاصلهٔ میان تکهٔ چهارم و پنجم است :

« السموات والارض ولا یؤده حفظهما ــ تا ــ هو العلی العظیم اللّٰه مفتح الابواب. »

بر تخته‌ای که میان تکهٔ پنجم و ششم است عبارات زیر حک‌شده است :

« اللهم صل علی محمدالمصطفی و صل علی علی المرتضی وصل علی امام حسن رضا و صل علی امام حسین . »

بر پایهٔ چوبین صندوق از غرب به شرق :

« بانی این کار آشیخ دمفضل دداطاپس[1] فضل و درویش اطایحیاالنائی درویش رولاالکاتب یوسف نافلا [کذا] . »

آیات وعباراتی که بر بدنهٔ شرقی صندوق حک شده است:

« یا ایها [الذین] آمنوا اذکروااللّٰه ذکراً کثیرا و سجوه بکرة واصیلا... »[2]

بر تختهٔ میان تکهٔ اول و دوم این بدنه :

« صل علی امام محمدمهــدی صاحب الزمان هادی البرهان صلواةاللّٰه علیهــم اجمعین الطیبین الطاهرین . »

بر تخته‌ای که میان تکهٔ دوم و سوم این بدنه است :

« وصل علی امام زین العابدین وصل علی امام محمدباقر وصل علی امام جعفرــ صادق و صل علی امام موسی . »

آیات وعباراتی که بر بدنهٔ جنوبی صندوق حک شده است .

بر تخته‌ای که در فاصلهٔ لبهٔ صندوق و تکهٔ اول است :

« اللّٰه لااله الا هوالحی القیوم ــ تا ــ من ذاالذی . »

بر تخته‌ای که در میان تکهٔ دوم و سوم است :

۱ــ بضم پ. ۲ــ سورة الاحزاب «۳۳»، آیات ۴۱ و ۴۲ و مقداری از آیهٔ ۴۳ .

« تا من باشم کنم تولا بعلی حشر . . . . آل نبی
باچهار محمد دو حسن یك موسی باچهار حسین .... علی . »

بر این صندوق هیچگونه تاریخی دیده نشد. استخوان‌بندی و طراحی و کنده‌کاریهای آن شبیه صندوق امامزاده ابراهیم است وظاهراً به‌دست یك استاد ساخته‌شده‌و کارآن ظاهراً چندسالی قبل‌یا چندسالی بعداز تاریخ ۹۶۸ ه.ق. به‌اتمام رسیده‌است .

در اراضی امامزاده دوچنار کهنسال است که گرداگرد تنهٔ یکی‌ازآنها ۳۶۰و دیگری ۳۰۴ سانتیمتر است .

باقی بناها و آثار تاریخی ناحیهٔ نترستاق نور

۱ـ آثارقلعه‌ای قدیمی که پاره‌های آجر نیزدرآن دیده شد دراراضی چنگل‌جار[1] رزن برسمت راست رودخانهٔ نور .

۲ـ آثار قلعه‌ای قدیمی از سنگ و گل در اراضی ایمچی رزن.

۳ـ گورستانی قدیمی در اراضی بروك[2] رزن .

۱ـ بفتح چ و سکون نون و فتح گاف وسکون لام .　　۲ـ بفتح باء .

۵- جغرافیای تاریخی دشت نور

دشت‌نور از غرب به دشت کچه‌رستاق کجور واز شمال به‌حاشیهٔ دریای خزر و از شرق به اهلم‌رستاق وپایین خیابان و بالاخیابان که این دو ناحیه به‌نـام لیتکوه نیز شناخته می‌شود واز جنوب به‌رشته کوههای شمالی تترستاق و میان‌رودبار بالا محدود می‌گردد. نیمی از این خاك که در شمال است دشت است ونیم‌دیگر که درجنوب‌است میان‌بنداست یعنی‌کوهستان جنگلی ونیمه‌جنگلی است . این‌ناحیه را بدقسمتهای‌زیر تقسیم‌کرده‌اند :

۱ــ ناتل‌کنار که کنار دریاست واراضی‌آن میان قصبهٔ سولده ودهکدهٔ‌امیرآباد است . ازشمال به‌کنار دریا و ازغرب به‌کچه‌رستاق کجور و ازجنوب به ناتل‌رستاق و از شرق به اهلم‌رستاق محدود می‌شود . مرکز این‌قسمت قصبهٔ سولده است .

۲ــ ناتل‌رستاق که میان دهستانهای اهلم‌رستاق وناتل‌کنار و لاویج قراردارد و مرکز آن چمستان است .

۳ــ میان‌بند ، دهستانی است در جنوب‌غربی سولده . معدن زغال گلندرود در این‌قسمت است و دهکده‌های پیمد وگلندرود جزء میان‌بند است.

۴ــ میـان‌رودبار پایین کــه آب‌آن از رودخانه‌هـای نایـلارود و میان‌رود و

انگنارود[1] است . دهکده‌های مهم آن جلیکان[2] و دارکلا است .

۵ـ هلوپشته[3] از نواحی کوهستانی قشلاق کجور است، هوای آن سردسیر است و زمستانها اهالی به ناتل رستاق و ناتل کنار می‌روند .

۶ـ لاویج نام دهکده‌هایی است که کنار رودخانه‌ای به‌همین نام قرار دارند که از ارتفاعات جنوبی سرچشمه می‌گیرد ودرسولده به دریا می‌ریزد. این ناحیه، کوهستانی جنگلی است و در دهکدهٔ تنگه از دهکده‌های آن از قدیم سرب استخراج می‌کرده و ساچمه می‌ساخته‌اند . سه مزرعهٔ میرخمند[4] وخورتاب‌رود و ایزوا مرکز تابستان‌نشین اهالی است .

۷ـ نائیج نام دهکده‌هایی است که پاره‌ای از آنها در دشت و چندپارچه از آنها کنار رودخانه‌ای قرار می‌گیرد که ازگز ناسرا[5] وررودبارك سرچشمه می‌گیرد و درایزده به دریا می‌ریزد. ازآبادیهای دشت آن علی‌آباد وجوربند و از دهکده‌های کوهستانی، واز وگز ناسرا است .

ابت در سال ۱۲۵۹ ه . ق. دربارهٔ این قسمت از خاك نور مطالب زیر را نوشته است :

« ازکچه‌رود که گذشتیم جنگل کم می‌شود و زمینهای کشت وسعتی پیدا می‌کنند. بعد به سوله‌رود رسیدیم که زیاد پهن نبود اماآب آن سریع حرکت می‌کرد. این‌رودخانه بخشهای کجور و نور را از یکدیگر جدا می‌کند . راه ما به طرف شرق‌متمایل شد و درشانزده میلی به رستم‌رود رسیدیم. این رودخانه هشتاد قدم پهنا داشت . تپه‌های ساحلی جلب‌نظر می‌کرد وسپس‌به

۱ـ بفتح الف و سکون نون و کسر گاف. ۲ـ بفتح جیم. ۳ـ بفتح هاء .
۴ـ بضم خاء . ۵ـ بفتح گاف .

عزت‌ده (ایزده) رسیدیم . این دهکده دومحله داردکه نیم‌میل از یکدیگر فاصله دارند . ساکنان آن به ۱۲۰ خانوار می‌رسند . رودخانه پلی چوبی داشت‌کـه ۸۰ قدم درازای آن بود . این محل در دست حسینقلی است‌که رئیس نوریها است .»[1]

مکنزی در سال ۱۲۷۵ ه.ق . راجع به دشت‌نور عبارات زیررا نوشته است :

«راه ما به طرف جنوب منحرف شد وبه سولده وارد شدیم‌که‌کمتراز نیم‌میل از دریا فاصله دارد . ازاین‌پس جاده ازروی چند رودخانه باپلهای چوبین لغزان می‌گذرد. آخرین کوه‌کجور درسمت غرب جنوب غربی دیده می‌شد. خانه‌ای کـه درآن منزل کردیم به‌دست صدراعظم اخیرساخته شده است . مصالح بنای آن‌آجر وشکل آن مربع وبـام آن سفالین بود . اطاقهای آن جادار و وسیع بود وحمامی نزدیك‌آن بود که آن نیز تازه ساخته‌شده بود . سولده ده بزرگ وآبادی است چون میرزاآقاخان ازاین دهکده است ، بـا نوریها بسیار خوب تامی‌کند. یك پل سه‌دهانهٔ آجری روی رودخانهٔ سولده است. سرچشمهٔ این رود درکوههای لاویج است . کوهی که ازسولده دیده می‌شود، کوه سوردار است‌که سمت‌جنوب غربی است وپوشیده ازبرف است. کوههای لش‌کنار وپیمد ولاویج نیز پیداست . زمینهای اطراف سولده باز و گشاده است و درختان آن‌تنك است. هرخانه تالاری دوطبقه بـرای خواب درحیاط دارد. پرده‌هایی ازنی‌اطراف‌آن‌آویخته است. از سولده گذشتیم و به ساحل دریا آمدیم . پس‌ازگذشتن از رودخانهٔ تمیشان (تنشون بـه قول

1_ Keith Edward Abbott : Narrative of A journey from Tabriz along the Shores of the Caspian Sea to Tehran . P . 33 .

نویسنده) به رستم‌رود رسیدیم . درساحل چپ این رودخانه ویك فرسنگی سولده ، دهکدهٔ رستم‌رود است که پنجاه خانوار در آن ساکنند و سپرده به محمداسماعیل‌خان‌نوری است کــه فعلاً درکرمان است وسالیانه صدتومان مواجب دارد. ساحل‌دریا تپه وچمنزاراست. فاصله‌ای رفتیم‌که به هاشم‌رود رسیدیم . کمی آنطرف‌تــر کارخانهٔقند محلی بود کــه مازندرانیان کلیه[۱] می‌گویند. این کارخانه بقدری ساده بودکه ارزش آن را نداشت شکلی از آن رسم‌کنم. پس‌از اینکه در بارفروش (بابل)، دولت کارخانهٔ قندساخت و رعیت مجبور شد مــواد اولیهٔ خودرا به آنجا ببرد ، کشت نیشکرکم شد و ارزش قند زیاد شد. این شرح برای نشان دادن پیشرفت دولت کافی است. در یك فرسخی رستم‌رود ، به رودخانهٔ گل‌آلود عزت‌ده (ایزده) رسیدیم به نام دهکده‌ای‌که در دوساحل رودخانه است. آب‌آن تند وبسترآن شیب‌دار است. حمامی دراین دهکده است. از عزت‌ده آخرین کوه‌کجور در غــرب جنوب غرب دیده می‌شود و رشتهٔ اصلی البرز نیم‌دایره‌ای شکل است کــه قسمت آخر آن که‌ازعزت‌ده پیداست ، در جنوب شرقی قرار می‌گیرد . از اینجا باگروه درویشان خوش‌لباس‌با اسبان خوب خداحافظی کردیم. ایشان از سولده همراه ما بودند. رسیدن خود را بــه عزت ده با شیپوری اعــلام کردند.شن سرراه تااهلم‌رودکه سامان میان نوروآمل است، مزاحم بود. »[۲]

۱ ـ بکسر کاف وسکون لام .

۲ ـ Charles F. Mackenzie : Narrative of A journey from Rasht in Gilan through Mazandaran to Asterabad during the winter and spring of 1858 — 1859 . pp . 36 , 37 .

رابینودرسفرنامهٔ خود دربارهٔ مراکز گرمسیری نور چنین می‌نویسد:

« بلوك نور ازالمرود[۱] شروع می‌شود . ایـن رودخانه بستری پرشیب‌دارد . سولده ده بزرگی است کـه در نیم‌میلی دریاست . برروی رودخانـهٔ سولده که ازارتفاعات‌لاویج[۲] سرچشمه می‌گیرد، پلی باسه طاق آجری‌است.»[۳]

ارتفاعاتی راکه ازسولده می‌توان دید،عبارتنداز سوردار که‌درسمت جنوب‌ـ غربی واقع شده وپوشیده ازبرف است . لش‌کنار[۴] وپیمد[۵] ولاویج . اراضی میان‌آنها و دریا ، هموار وصحرا است، یا باجنگلهای‌کم درخت و پراکنده پوشیده شده‌است.چهارمیل دیگرراه پیموده به رودخانهٔ رستم‌رود رسیدیم . دهکدهٔ رستم‌رود، درساحل‌چپ‌رودخانه و وصل‌به دریاست. قدری‌دورتراز هاشم‌رود گذشتیم وپس‌ازعبوراز تپه‌های شنی به ایزده آمدیم . »

سرهنگ لووت[۶] دربارهٔ این قسمت ازخاك نور چنین نوشته است :

« ناحیهٔ نورکه ایزده به‌آن تعلق دارد ، در کنار دریـا است وحدود آن از سولده در مغرب تـا اهلم‌رود در مشرق است و در قسمت داخلی وسعت آن زیادتر و از نزدیك کلارستاق در مغرب تا رودخانهٔ هرهز[۷] درمشرق است و از طرف جنوب به‌کوههای لارولاریجان محدود می‌شود. دره‌های علیای‌نور خیلی خشك وبایر است وبواسطهٔ محصور بودن به رشته‌های تپه‌های اطراف

۱ـ بفتح الـف ولام . ۲ـ اصل : لابیج . ۳ـ ایـن همان پلی است کـه میرزاآقاخان صدراعظم‌نوری‌بناکرده‌است. ۴ـ بفتح‌لام. ۵ـ بکسرپ‌وسکون‌یاءو ضم میم . ۶ـ Lovett. ۷ـ بفتح‌هاء وسکون‌راء وفتح‌هاء دوم ، تلفظ نام قدیمی رودخانهٔ هراز است .

می‌توان آن را مانند کوهستانهای حدود اصفهان یا شیراز دانست.»[۱]

بررودخانهٔ ایزده پلی چوبی بود که از روی آن عبور کردیم وسپس به دهکدهٔ سوته‌کلا و پس‌از آن به اهلم‌رود رسیدیم.[۲]

1_ C. Bresford Lovett : Itenerary Notes of Route Surveys in Northern Persia in 1881 and 1882 .

به‌نقل از ترجمهٔ سفرنامهٔ‌مازندران واسترا باد رابینو،ص ۵۵. ۲ـ همین کتاب، ص ۵۶ .

۶ـ بناها و آثار تاریخی ناتل کنار دشت‌نور

قلعهٔ کهنه‌دوك

در ناتل کنار دشت‌نور یا نزدیك این ناحیه

ملك بیستون پس‌ازکشتن برادر خود، حکمرانان محلی وهمسایگان او تصمیم گرفتند اورا ازمیان بردارند. اما چون فصل زمستان بود، این تصمیم را به بهارموکول کردند . علی‌بن‌شمس‌الدین ـ مؤلف تاریخ‌خانی ـ در این‌باره چنین نوشته است :

« موسم بهار که شد ، میرزاعلی ، میرعضد را جهت‌لشکر، نزدسلطان‌هاشم‌و ملوك‌رستمدار فرستاد و ملـك‌اشرف و ملك‌شاه غازی لواسانی و از تنکابـن کیامحمدکیا بـالشکر و از مـازندران بـر موجب مقرر میرعبدالکریـم و میرکمال‌الدین و آقارستم ولشکرهزاره‌جریب، درمقام وتاشان جمع آمدند و از آن منزل، میرعضد را به ملازمت میرزاعلی عاید گردانیدند. وروزانهٔ دیگرازآن منزل‌کوچ‌کرده، به پای قلعهٔ‌کهنه‌دوك که ویران شده بود منزل تازه گردانیدند .

آقا رستم مصلحت دید که بربنیان آن قلعهٔ‌کهن ، بنای قلعه‌ای نو باید نهاد که لشکری‌که درپیش باشد، ازعقب‌ایمن بود، سه روز به همین منزل توقف

فرموده ، اتمام قلعه‌ای ازچوب ، درعهدهٔ اهتمام لشکری فرمود و به سه روز در دست لشکری سمت استکمال یافت وبه آذوقه ونگاه داشتن سپاهیان آماده ساخته ، استحکام قلعه نمود .»[1]

رابینو از قلعه‌ای به نام « دون » یاد کرده[2]، احتمال می‌رود که این قلعه با قلعهٔ « دوك » یکی باشد.محل اصلی این‌قلعه برنگارنده معلوم نشد ظاهراً قابل تطبیق با یکی دوقلعه خرابهٔ نزدیك دهکدهٔ ناتل امروزی است .

خشت پل = پل آجری

بر رودخانهٔ سولده در ناتل کنار در مسیر راه کناره

رابینو دربارهٔ این پل می‌نویسد:

« برروی رودخانهٔ سولده که از ارتفاعات لاویج سرچشمه می‌گیرد ، پلی آجری با سه دهانه بنا شده است. »[3]

ناصرالدین‌شاه در سفرنامهٔ خود از این پل یادکرده است . او می‌نویسد:

« حمام و مسجد و پل سنگی خوبی که برروی رودخانه است ، از بناهای میرزاآقاخان مرحوم است واین رودخانه از وسط سولده گذشته، آبادی‌را دوقسمت کرده است .»

این پل به دستور میرزانصرالله‌خان اعتمادالدوله صدراعظم‌نوری معروف به میرزاآقاخان‌نوری، ساخته شده‌است (عکس شمارهٔ ۱۶۵). دهانهٔ میانی این پل امروز باقی است و دوچشمهٔ دو طرف را کور کرده‌اند . مصالح اصلی بنا ، آجر است . کف پل را با سنگ قلوه‌ای فرش کرده‌اند و دو طرف لبهٔ آن را دست‌اندازی به بلندی

۱ــ تاریخ‌خانی، چاپ نگارنده،ص ۹۴ و۹۵ . ۲ــ ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران و استراباد،ص۱۵۱ . ۳ــ متن انگلیسی سفرنامهٔ مزندران واستراباد رابینو، ص۳۱ .

نیم‌متر ساخته‌اند . طاق چشمهٔ میانی‌که برجای است ، جناقی است . بلندی آن از لبهٔ دست‌اندازی‌که بالای جناق است تاسطح‌آب دراوایل شهریورماه ۱۳۵۳، ۵۸۰سانتیمتر است . درازای سنگ فرش که بردوطرف سراشیبی جناق پل است به بیست‌وچهارمتر می‌رسد .

حمام صدراعظم

در دهکدهٔ سولده از دهکده‌های ناتل‌کنار دشت‌نور

بنای این حمام که روی‌درخرابی دارد تا امروز برجای است (عکسهای‌شمارهٔ ۱۶۶و۱۶۷) . دارای سربینه‌ای چهارگوشه است‌که چهارطرف آن‌را تخت زده‌اند . در میان سربینه حوضی‌گرد با لبهٔ بلندی است . از سربینه راهرویی به گرمخانه می‌رود . بردست راست راهرو، مستراح حمام است . گرمخانه، صحن مستطیل دارد که دریك ضلع کوچك آن خزینهٔ‌آب‌گرم است ودر دو ضلع بزرگ، دوشاه‌نشین‌است. در شاه‌نشین سمت‌چپ ، حوض کوچك‌آب سرد و دریك ضلع آن نوره‌خانه بنا شده است. ساکنان محل قصد داشتند حمام‌را یکسره خراب‌کنند واین اثر نیك صدراعظم‌را از میان ببرند .

عمارت صدراعظم

دردهکدهٔ سولده ازدهکده‌های ناتل‌کنار دشت‌نور

ناصرالدین شاه در سفرنامهٔ خود می‌نویسد :

« میرزاآقاخان مرحوم یکدست‌عمارت خوب دراینجا (سولده) ساخته ، اما حالا قدری خراب شده است. به میرزاداودخان حکم شد که به شراکت

نظام‌الملک آنجا را تعمیر کند.»[۱]

این ساختمان را که نزدیک به حمام صدراعظم بوده است یکسره از میان برده‌اند و امروز اثری از آن برجای نیست.

مسجد صدراعظم
در دهکدهٔ سولده از دهکده‌های ناتل کنار دشت نور

ناصرالدین‌شاه درسفرنامهٔ خود می‌نویسد:

«حمام و مسجد و پل سنگی خوبی که برروی رودخانه است، از بناهای میرزاآقاخان مرحوم است.»[۲]

این مسجد را نیز اهالی در نوسازیهای اخیر از میان برده‌اند و به‌جای آن مسجدی نوبنیاد ساخته‌اند.

مدرسهٔ آقاشیخ یحیی مجتهد نوری
در دهکدهٔ سولده از دهکده‌های ناتل کنار دشت نور

این مدرسه که روزی محل تدریس آقاشیخ یحیی بوده است، امروز اثری از آن برجای نمانده ودر اراضی آن آقای حسین مجتهدزاده خانهٔ مسکونی ساخته است.

امامزده قاسم بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام
در ایزده (عزت‌ده) از دهکده‌های ناتل کنار دشت نور

اطاقی است به‌ابعاد ۳۶۰ سانتیمتر. صندوقی چوبین ساده درمیان بناست، درازای آن دو متر وپهنای آن ۸۵ وبلندی آن ۱۳۵ سانتیمتر است. سقف اطاق پلورکشی و

۱ـ سفرنامهٔ ناصرالدین‌شاه، میرزا داودخان ومیرزا کاظم‌خان نظام‌الملک هر دوتن پسران میرزا آقاخان نوری هستند.

۲ـ سفرنامهٔ ناصرالدین‌شاه.

لمبه‌کوبی بـادرزپوش زده است . در ورودی بنا جنوبی است . در جنوب ومشرق بنا ایوان است . درازای ایـوان جنوبی ۵۷۰ و پهنای آن ۲۰۰ سانتیمتراست . درازای ایوان شرقی ۳۵۰ وپهنای‌آن ۱۵۰ سانتیمتر است . ستونهای ایـوانها چوبین است و سرستونهای ظریف دارد .

اطراف امامزده درختان نارنج و فك (بید) و اوجای زیاد است . گـرداگرد تنهٔ یکی‌ازدرختان اوجا پنج‌متر ودیگری به سه مترمی‌رسید .

باقی بناها و آثار تاریخی ناتل‌کنار

۱ـ قلعه‌ای قدیمی در مرتع شاله از مراتع سولدهٔ ناتل‌کنار.

۲ـ معصوم‌زاده‌ای در دینه‌کو سولدهٔ ناتل‌کنار.

۷ـ بناها و آثار تاریخی ناتل رستاق دشت نور

عمارت میرزا کاظم‌خان نظام‌الملک نوری[1]
دردهکدهٔ چمستان از دهکده‌های ناتل رستاق دشت نور

درازای بنا ۲۵ و پهنای آن ۱۲ متر است . درازای آن شرقی غربی وپهنای آن شمالی جنوبی است . مرکز بنا اطاقی ۵×۳ متر است کـه در دو طرف شمالی و جنوبی آن دو ایوان است . جلو هر دو ایوان ستونهای پرکار و سرستونهای ظـریف دارد (عکس شمارهٔ ۱۶۸) . در دو طرف این اطاق و این دو ایـوان دو راهـرواست که در عرض بنا ساخته‌اند . در ضلع غربی راهرو غربی ، سه اطاق تودرتو و مغرب آنها دواطاق بزرگ تودرتو است . در ضلع شرقی راهرو شرقی نیز سه اطاق تودرتواست و در مقابل این سه اطاق ، ایوانی سرتاسری ، در عرض بناست که روی به مشرق دارد. بنا در دست ادارهٔ آموزش و پرورش محل بود و تا چندی پیش دبستانی در آن دائـر بوده است . اخیراً دبستانی نوساز دراراضی شمالی همین بنا ساخته و دست از این بنا کشیده‌اند. درهای بنا را کنده بودند و سفالهای بام آن در یکی دو جـا ریخته بـود

۱ــ میرزا کاظم‌خان نظام‌الملک پسر میرزا نصرالله‌خان اعتمادالدوله معروف به میرزا آقاخان صدراعظم نوری است .

(عکس شمارهٔ ۱۶۹) . بزودی این بنای آجری مستحکم براثر غفلت مسؤولان امر از میان خواهد رفت .

حمام میرزا کاظم‌خان نظام‌الملك نوری
در دهکدهٔ چمستان از دهکده‌های ناتل‌رستاق دشت نور

این حمام پهلوی عمارت نظام‌الملك و در شرق آن بنا شده است (عکس شمارهٔ ۱۷۰) . حمامی نسبةً بزرگ است.شامل سربینه وگرمخانه و خزینهٔ آب‌گرم . این حمام تا امروز دائر است و از آن استفاده می‌شود .

تکیهٔ حاجی یحیی‌خان نوری
در دهکدهٔ چمستان از دهکده‌های ناتل‌رستاق دشت‌نور

تکیهٔ چمستان بنایی چهار ضلعی و ساده است که از بناهای حاجی یحیی‌خان نوری است .

نهرهای منشعب از لاویج‌رود

سربند لاویج‌رود در توسکابن است . از توسکابن نهری به طرف دست راست جدا می‌شود و دهکده‌های: عبدل‌آباد ، عرب‌خیل ، طالب‌آباد ، سنگین‌ده ، سیاکلا، مغان‌ده ، رستم‌رود و ایزده بالا وپایین را آبیاری می‌کنند .

از توسکابن نهری به سمت چپ منشعب می‌شود و دهکده‌های : اسپی‌کلا ، سیدکلا ، مردو[1] ، نصرت‌آباد ، حاجی‌آباد ، وسولده را مشروب می‌کنند .

امامزاده سید حسین
در جنگل‌سازی‌یك[2] از اراضی اسبی‌کلا از دهکده‌های ناتل‌رستاق نور

بنایی است ازخارج چهارگوشه (عکس شمارهٔ ۱۷۱) و از داخل هشت‌ترك .

۱ـ بفتح میم . ۲ـ بفتح یاء دوم .

پهنای هر یك از ترکهای داخلـی آن ۱۸۰ سانتیمتر است . بام بنا ، گنبدی مـدور و نوك‌تیز است. برجدار هر یك از اضلاع داخلی ، طاقنمایی است. در دوضلع شمالی و جنوبی ، در وسط طاقنماها ، دو نورگیر مشبك چوبین است . صندوقی تخته‌ای ساده در وسط بنا مرقد را پوشانده است . درازای آن ۱۹۰ و پهنایش ۱۰۰ وبلندیش ۱۳۰ سانتیمتراست . در ورودی بقعـه درکفش‌کـن است (عکس شمارهٔ ۱۷۲) . بلنـدی آن ۱۶۰ وپهنای هرلنگه ۴۸ سانتیمتراست . این عبارات برآن نقرشده‌است :

بربأوی سمت راست لنگهٔ سمت چپ :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم الله‌لااله‌الاهوالحی‌القیوم ـ تاـ بماشاء وسع. »

برپاسار بالای لنگهٔ سمت چپ :

« کرسیه‌السموات والارض ولایؤده . »

بربائوی سمت چپ از بالا به پایین :

« حفظهماوهوالعلی‌العظیم ـ تا ـ والذین‌کفرواولیاؤهم الطاغوت . »

برپاسار دوم لنگهٔ سمت چپ :

« ناد علیاً مظهرالعجائب ـ تا ـ کل هم وغم .»

برپاسارسوم لنگهٔ سمت چپ :

« سینجلی بولانیك یاعلی یاعلی یاعلی سنه ۱۳۰۶. »

بربائوی راست لنگهٔ سمت راست :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم الهی بنبیی عربی و رسول مدنی . »

بربائوی چپ لنگهٔ سمت راست :

« [به علت فرسودگی خوانده نشد درآخر] حرره . . . . فی ۱۳۰۶ .»

برپاسار بالای لنگهٔ سمت راست :

« عمل کربلائی کاظم نجّار جزنی. »[1]

«اللهم صل علی‌محمد وآل محمد عجل فرجهم . »

برپاسار سوم :

« وقف امامزاده سید جلیل سمی‌خامس آل‌عبا . »

اطراف بقعه محوطهٔ جنگلی وسیعی است. حوضی‌به درازای ۳۷۰ وپهنای۲۸۰ سانتیمتر نزدیك بنای بقعه است. درختان عظیم و کهنسال آزاد در ایـن محوطه زیاد است . گرداگردتنهٔ یکی از آنها ۵۶۰ و دیگری ۴۵۰ سانتیمتر است . گرداگرد تنهٔ درختان‌آزاد دیگر کمتراز اینهاست .

آثار گورستان قدیمی وخانه‌سرا دراطراف بقعه دیده‌می‌شود. ظاهراً دهکده‌ای قدیمی بوده که به عللی از میان رفته است .

تپه‌ای قدیمی به‌نام‌امسی‌بك[2]

طرف قبلی‌جنگل سازی‌بك در اراضی اسپی‌کلای ناتل‌رستاق دشت‌نور

کوتی بزرگی است که آثار سنگهای بنابرآن زیاداست وظاهراً زمانی حفاری نیز شده است .

امامزاده‌قاسم

در دهکدهٔ پایین ورازده ازدهکده‌های ناتل‌رستاق دشت‌نور

بنایی است از داخل هشت‌ترك و از خارج چهارضلعی (عکس شمارهٔ ۱۷۳) . در دوضلع شمالی وجنوبی دو نورگیر مشبك چوبین است . در جداراضلاع داخلی تا زیر سقف طاقنماهایی ساخته‌اند . در طاقنمای ضلع غربی و دو ضلع دوطرف آن و بر

۱ـ جزن بفتح‌جیم وزاد، ازدهکده‌های طالقان است. ۲ـ بفتح‌الف وسکون‌میم و فتح یاء دوم .

طاقنماهای دوضلع در ورودی که شرقی است گچبری دارد. درازای هر یك از اضلاع به ۱۸۰ سانتیمتر می‌رسد.

سقف بنا پلورکشی است. ابتدا در بالای هریك از اضلاع هشت‌ضلعی دو شیرسر نصب کرده تا دهانهٔ سقف را جمع‌تر کنند، سپس روی شیرسرها را بسته وپلورها را بر آنها استوار کرده‌اند. جهت پلورها، شمالی جنوبی است. بالای پلورهای چهارنبش را پردی کوبی (پل‌کوبی) کرده‌اند و درز آنها را با درزپوش لبه‌زده، پوشانده‌اند. صندوقی در وسط بنا مرقد را پوشانده است. درازای آن ۲۰۰ و پهنای آن ۱۱۵ و بلندی آن ۱۱۶ سانتیمتراست و برچهارپایه به‌بلندی ۱۲ سانتیمترمتکی است. بدنهٔ مرقد تا جائیکه اززیر صندوق دیده می‌شودکاشیکاری است. کارصندوق نوعی شبکه‌کاری بسیار ظریف است (عکس شمارهٔ ۱۷۴). یعنی ابتدا آنها را باظرافت تمام (در حدود پنج‌شش‌میلی‌متر) تراشیده‌اند وبه شکل‌ستاره‌ای بیست‌وچهار پردرآورده و برمتن تخته‌ای چسبانیده‌اند. بربالاسروپایین‌پای صندوق هریك یك نگار ودر دوبدنهٔ دیگر هریك دو نگار (شمسه) ستاره‌ای۲۴ پر، کارکرده‌اند. چهار طرف هرنگار حاشیه‌بندی دارد. زمینهٔ حاشیه به‌رنگ نارنجی‌است وحاشیهٔ مشبکی که روی‌آن چسبانیده‌اند به رنگ سبزاست. این حاشیه‌بندی زیبایی خاصی به‌نگارها داده است. در ورودی بقعه شرقی است. بلندی آن ۱۶۰ و پهنای هر لنگه ۵۰ سانتیمتراست. هر دو لنگه در، مشبك‌کاری چوبین ظریف است (عکس شمارهٔ ۱۷۵). برپاسار وسط لنگهٔ سمت چپ این عبارات نقر شده است:

«بتاریخ غرهٔ جمادی‌الاخر.»

برپاسار وسط لنگهٔ سمت راست:

«فیسنهٔ ۱۲۹۹.»

کفش‌کنی جلو در ورودی بنا و متصل به آن است . سقف آن مانند سقف بقعه ظرافت‌کاری دارد. جلوکفش‌کن چهارستون با تکائلی چوبین مشبك ظریف است . بام بقعه و کفش‌کن سفالپوش است . سنگ قبر مرمری داخل بقعه‌است که این عبارات با خط نستعلیق خوش بر آن حك شده است:

«هوالله تعالی‌شأنه

الحکم‌لله الواحدالقهار

وفات مرحوم مغفورمبرور الی‌رحمةالله الملك‌الغفور علی‌نقی‌ابن کربلائی محمدلطیف بابوکر[1] ۱۱۷۷ »(عکس‌شمارهٔ ۱۷۶) .

اطراف بقعه گورستان قدیمی است و درختان گردو وانار کهنسال زیاد دارد .

قلعه‌کوتی موزی‌سی

در دهکدهٔ قلعه‌کوتی ازدهکده‌های نانل‌رستاق دشت‌نور

قلعه‌کوتی دهکدهٔ کوچکی است باچهار خانوار سکنه درجنوب دهکدهٔ پایین ورازده . در اراضی این دهکده ، خاکریز دستی بزرگی بوده است . بر بالای این خاکریز روزی قلعه‌ای ساخته بوده‌اند . در خرابه‌های این قلعه شمشیر وخنجر و سپر فراوان قدیمی‌به دست‌آمده است. چنان می‌نماید که زرّادخانه‌ای بوده است . مقدار زیادی از خاکهای این خاکریز را در اراضی کشتزار پهن کرده و در حدود یك‌سوم خاکریز برجای است .

۱ـ از خاندانهای قدیمی ساکن نور .

سید اسکندر

در خرابه باری‌کلا از دهکده‌های ناتل‌رستاق دشت‌نور

بنایی است از داخل به شکل مربع مستطیل به درازای ۶۰۰ و پهنای ۴۱۰ سانتیمتر. سقف بنا، پلورکشی و پردی‌کوبی (پل‌کوبی) ساده است. دو نورگیر مشبك در دو جهت شمالی و جنوبی تعبیه شده است. صندوقی چوبین مشبك‌کاری ظریف پرکار، نظیر صندوق امامزاده قاسم که سابقاً شرح دادیم، دروسط بنا، مرقدرا پوشانده است. درازای صندوق ۱۸۵ وپهنای آن ۱۰۰ و بلندی آن ۱۰۵ سانتیمتر است. صندوقها و درهای مشبك و تکائلهای مشبك جلو کفش‌کن بقعه‌های امامزاده قاسم و سیداسکندر کار یك استاد نجّار است. اما نام خود را در هیچیك از این آثار یاد نکرده است.

در ورودی بقعه سیداسکندر شرقی است. بلندی آن ۱۶۰ و پهنای هر لنگه ۵۰ سانتیمتر است. هر لنگه دارای دو تنکهٔ مشبك‌کاری و سه پاسار و دو باثواست. در ورودی بقعه تاریخ ندارد وظاهراً درحدود سالهای ۱۲۹۹ و ۱۳۰۰ یا یکی دوسال پس و پیش ساخته شده است. در ورودی در کفش‌کنی به درازای ۴۶۰ و پهنای ۳۳۲ سانتیمتر باز می‌شود. در جنوب این کفش‌کن سه ستون با سرستون و تکائلهای مشبك چوبین است. اطراف بقعه، محوطهٔ وسیعی که گورستانی قدیمی است و درختان آزاد کهنسال درآن فراوان است. گرداگرد تنهٔ بعضی‌ازآنها ازاین قرار بود:

۶۰۰ سانتیمتر، ۳۵۶ سانتیمتر، ۳۴۰ سانتیمتر، ۲۳۰ سانتیمتر. درخت مازوی کهنسالی نیز نزدیك بقعه دیده می‌شود.

بیت

در دارکلا از دهکده‌های ناتل‌رستاق دشت‌نور

سه در اطاق در امتداد هم است کـه اخیراً به همان طرح قدیم با آجر تجدید بنا کرده‌اند . سراسر بام لت‌پوش است. قدمگاهی است که مورد احترام بهائیان‌است.

شاه‌بالو

درده‌کدهٔ آهودشت[۱] ناتل‌رستاق دشت‌نور

بنایی است هشت ترك از آجر که بلندی آن تا زیر قرنیس‌گنبد یازده متر تمام است (عکس شمارهٔ ۱۷۷) . در هر یك از اضلاع داخلی طاقنمای بلندی است‌که تا ابتدای انحنای گنبد داخلی می‌رسد . سقف بنا از داخل گنبد عرقچینی است و بـام آن ازخـارج هشت‌ترك کلاه‌درویشی است. بدنه‌های اضلاع داخلی نقش و نـگارهای زیبـای‌قدیمی داشته کـه در تعمیرات بعدی روی آن را با گچ پوشانده‌اند. از ایـن نقشها ستاره‌ای هشت‌پر در وسط گنبد عرقچینی برجـای است (عکس شمارهٔ ۱۷۸) که دنبالهٔ هرپر آن ادامه پیدا می‌کند و به‌کمر گنبد می‌رسد .

در طاقنمای داخلی سمت چپ در ورودی بقعه در دایره‌ای عبارات زیـر نوشته شده است :

« درب‌الیاس‌گفت گیرد (؟) درین آستان دعای بخیر می‌خواهد متولی‌این مقام درویش حسن دارا » (عکس شمارهٔ ۱۷۹).

در درگاه سمت راست در ورودی در دایره‌ای نام معمار وپیشکار بناست که به

۱ـ آهودشت: ده ازدهستان ناتل‌رستاق بخش نور شهرستان‌آمل، بیست ویك کیلومتری جنوب شرقی سولده (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳) .

علت فرسودگی روشن خوانده نشد . این کلمات برآن واضح بود :

«معمار پیشکارآن پاشابن تهمراس بکشاهجمشید ...» (عکس شمارهٔ ۱۸۰).

در طاقنمای ضلع جنوبی محرابی است . برحاشیه این محراب آیات زیر با رنگ نوشته شده است :

« اولیاءاللهٰ لاخوف علیهم ولا یحزنون بالغ امره قدجعل الله لکل شیء قدراالله لااله الا هوالله الله . »

بربدنه‌های خارجی اضلاع نیز طاقنماهایی است که تابالای بنا کشیده می‌شود. بر بالای طاقنماها کتیبه‌های کاشی بوده که فعلاً سه کتیبهٔ آن باقی است وآنچه باقی مانده صلوات برچهارده معصوم است (عکس شمارهٔ ۱۸۱) . بالای کتیبه‌ها سه رگ آجر است و بالای رگ سوم انتهای قرنیس‌هدی نیم‌کشکولی با سینه‌کفتری است. در هر ضلع هفت قرنیس نیم‌کشکولی است و بر بالای هردو قرنیس یك کاشی آبی به شکل نیمه‌بیضی کار شده است . مجموع کاشیها در هرضلع به شش عدد می‌رسد . بالای‌کاشیها،کتیبهٔ دندانه و بالای آنها قرنیسی از سنگ لانه است‌که آبهای ترکهای گنبد از لبهٔ آنها برزمین اطراف گنبد می‌ریزد .

برسردر ورودی‌کتیبه‌ای چهارگوشه‌ازگچ است‌که نام بنابرآن خوانده می‌شود:

« عمل بهرام بنّابن‌علی . . . . بنا » (عکس شمارهٔ ۱۸۲) .

ابیات زیر بنابرنقل آقای خانباباخان سلطانی بربالای در ورودی این بنابوده است و امروز نشانی از آن برجای نیست .

« بردرگه دوست چون رسی‌گولبیك ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌   کانجا نه سلام راه دارد نه علیك

این وادی کعبه است نگهدار قدم   این‌وادی عشق است‌فاخلع‌نعلیك»

کتیبه‌ای از آجر پخته بر بالای نمای خارجی ضلع قبلی است که این شعر با

خطی خوش بر آن حك شده است :

«شه کیومرث ابن سلطان بیستون ظل‌خدا

درزمان هشتصدوچل ختم فرموداین بنا .»

(عکس شمارهٔ ۱۸۳) .

برسر در ورودی اصلی بنا خفنگی مشبك چوبین نیم‌دایره ایست که بسیارظریف و پرکار است (عکس شمارهٔ ۱۸۴) . بر دست راست سردر ورودی گچ‌بریهای قدیمی باقی‌مانده که دقت و ظرافت کار را نشان می‌دهد نقش آن گل و بوته و پرنده است (عکس شمارهٔ ۱۸۵) . زیراین گچ‌بری ازکاشی، دوازده ضلعی‌هایی درآورده‌اندکه در مرکز به شش ضلعی تبدیل می‌شود (عکس شمارهٔ ۱۸۶) .

دلاك‌خانه

بنای هشت‌ترك کوچکی درسمت راست در ورودی بنای شاه‌بالوست‌که ظرافتی تمام دارد و معروف به دلاك‌خانه است (عکس شمارهٔ ۱۸۷) .

سنگ‌قبری قدیمی‌که ظاهراً مربوط به‌قرن‌نهم‌هجری است از زیر خاك هنگام تعمیر بنا بیرون آورده بودند (عکس شمارهٔ ۱۸۸) .

محمدبن بکر بن علی‌ابن ابی‌طالب علیه‌السلام دردهکدهٔ بونه‌ده نائل‌رستاق دشت نور

بنایی ساده است ، تکیه‌ای وسیع و بزرگ اطراف بناست . سقانفاری نسبةً قدیمی در وسط تکیه است . سقانفارها به جای گلدسته و مأذنه است و شیپور ایام عزا نیز در بالای آن نواخته می‌شود .

امامزاده رضا

دردهکدهٔ کچل‌ده ازدهکده‌های میان‌رود[1] سفلای نور

بنایی است هشت‌ترك کـه درازای هـرضلع از داخل ۱۸۰ سانتیمتر است . بر جدارهای داخلی و خارجی اضلاع طاقنماهایی با طاقهای هـلالی است (عکس‌شمارهٔ ۱۸۹) . سقف از داخل گنبدی عرقچینی است‌که برروی اضلاع هشت ضلعی ، بدون گوشوار مستقیماً زده‌اند . دراضلاع غربی وجنوبی و شمالی سه سوراخ نورگیراست و در ضلع جنوبی، نورگیر مشبکی از گچ در دهانهٔ سوراخ تعبیه کرده‌اند . در ورودی بقعه دولنگه‌است، بلندی هـرلنگه ۱۵۰ و پهنایش ۴۰ سانتیمتر است . دوکتیبه بـر پاسارهای زیرین تنکهٔ بالا باخطی خوش حك شده است :

برپاسار لنگهٔ سمت راست :

«عمل استاد میرزا علی ولد مشهدی رمضان قصری .»

برپاسار لنگهٔ سمت چپ :

« بتاریخ دهم شهرربیع‌الاول مطابق ۱۰۲۹ کتبه عبدالله . . . . »

بنـا از خارج نیز هشت‌ترك است و گنبدی‌کلاه‌درویشی بلنـد دارد . مسجد و کفش‌کنی بـه بنا الحاق کرده‌اندکه هیچگونه اثر هنری در آن نبـود .

گورستانی بزرگ اطراف بقعه است . درختان آزاد کهنسال دراین گورستان زیاد است. یکی‌از درختان که براثر خشك شدن‌آن را انداخته بودند، گرداگردتنهٔ آن به ۵۶۰ سانتیمتر می‌رسد.درخت آزاد دیگری که برپاست‌گرداگردتنهٔ آن به ۵ متر تمام می‌رسد .

سقانفاری زیبا در محوطهٔ قبرستان بنا شده است (عـکس شمارهٔ ۱۹۰) .

۱ــ آب میانرود از انگتارود است .

امامزاده محمدبن بکربن علی علیه‌السلام
دربونه‌ده ناتل رستاق دشت‌نور

بنایی ساده و ناچیز بود . هیچگونه اثر هنری در آن دیده نمی‌شد . بربام بقعه سقانفاری بود . جمع بودن بنای بقعه و سقانفار تنها دراین محل دیده شد (عکس شمارهٔ ۱۹۱). معمولاً سقانفار از بنای بقعه جدا ساخته می‌شود .

مسجد علامهٔ نوری
در دهکدهٔ سعادت‌آباد[1] ازدهکده‌های میانرودسفلای دشت‌نور

بنای مسجد مستطیل شکل است . درازای بنا ۲۵ و پهنایش ۸ متراست . در درازای بنا در وسط، شش فیلپای آجری است که مقطع آنها مربع است. پلورهای سقف بردیوارهای دو طرف وبردوش‌کش روی فیلپاها استوار است . سراسر سقف بنا از بالا پل کوبی است وبام آن سفال‌سر است. در ورودی شرقی است و پنجره‌هایی در اطراف بناست .

حمامی قدیمی
در دهکدهٔ سعادت‌آباد از دهکده‌های میانرود سفلای دشت‌نور

بنایی‌است از سنگ وگچ (عکس شمارهٔ ۱۹۲) که سربنیهٔ بزرگی داردکه در چهار طرف‌آن چهار صفه است . سقف سربنیه‌گنبدی وسقف صفه‌ها گهواره‌ایست . در چهارزاویهٔ سربنیه چهار محفظهٔ کوچك است‌که هریك‌گنبدی‌کوچك دارد. در وردی حمام‌دریکی از این محفظه‌ها ودر گرمخانهٔ آن دردیگری است . راهرویی در میان

۱ــ نام قدیمی سعادت‌آباد «ندی» یا «نی» است .

سربنیه وگرمخانه است . گرمخانه فضایی است مربع شکل که در دوطرف آن دوصفه است . دریکی ازصفه‌ها ، حوض‌لوزی با اضلاع تزیینی ساخته‌اند که آب سرد درآن جریان دارد. ازهمین‌صفه به فضایی‌که شاه‌نشین حمام است می‌رود که راهی به خزینهٔ آب‌گرم دارد. مدخل خزینهٔ‌آب‌گرم درمیان فضای‌گرمخانه است. ازارهٔ دیوار داخلی حمام تا یك متر کاشیکاری است . کاشیها هشت ضلعی دو بەدو برابر است که میان اضلاع کوچك آنها قالب‌کاشی‌کوچك مربع شکلی کارکرده‌اند. بالای کاشیها یك رگ حاشیه‌بندی دارد.

نهرهای منشعب از رودخانهٔ انگتارود

نهرهای دست چپ‌آب انگتارود :

نهر ایرکاکه سربندش ایرکا است ودهکده‌های افراده وسعادت‌آباد را مشروب می‌کند. ازایرکا، نهری‌به‌کیوسر (کیاسر) می‌رود واراضی دهکده را آبیاری می‌کند.

نهرهای دست راست آب انگتارود :

نهری‌که سربندآن درآجی‌کلااست،ازآجی‌کلا به پولادکلا وهسه‌با[1] (همصفا)و تن‌رز[2] ودلیرکان وکچل‌ده می‌رود واراضی‌کشت این دهکده‌ها را آبیاری می‌کند.

حمامی قدیمی
در دهکدهٔ امیرآباد از دهکده‌های میانرودسفلای دشت‌نور

حمامی‌استازآجر،دارای سربنیه‌وگرمخانهٔ بزرگ‌که‌به دستورامیرمصدق‌نوری ساخته شده است.دهکدهٔ امیرآباد رانیزامیرمصدق آبادکرده وبه‌نام خود نامیده است.

۱ــ بفتح هاء و کسر سین . ۲ــ بفتح تاء و کسر نون و فتح راء .

عمارت قشلاقی امیر مصدق نوری
در دهکدهٔ عبدل آباد[1] از دهکده‌های ناتل رستاق نور

بنایی است دوطبقه از آجر که در وسط طبقهٔ پایین سرسرایی است . در دوطرف این سرسرا دواطاق است که پهنای آنها متصل به‌سرسراست . ودر دوطرف این اطاقها دو اطاق دیگر است که دوبال بنا را تشکیل می‌دهند. نظیر همین طرح عیناً درطبقهٔ دوم است . پلکانی از سرسرای وسط طبقهٔ اول به طبقهٔ دوم ساخته‌اند که راه رسیدن به طبقهٔ دوم است. سراسر سقف پلورکشی وپل‌کوبی است. لبهٔ بنا دارای یك شیرسرو یك پشته است. بام بنـا سفال‌سراست. فعـلاً این عمارت محل دبستان عبدل‌آبـاد است (عکس‌شمارهٔ ۱۹۳). باغ‌اطراف بناکه وسعتی داشته، امروزمحدود به‌حیاط‌دبستان شده است وباقی اراضی آن را دیگران تصاحب کرده وساختمان کرده‌اند .

امامزاده بلال‌بن‌عون‌بن موسی‌الکاظم علیه‌السلام
در دهکدهٔ نانوا کلا[2] از دهکده‌های ناتل‌رستاق نور

بنایی است چهارگوشه (عکس شمارهٔ ۱۹۴) که در وسط آن صندوقی تخته‌ای ساده مرقد امامزاده را پوشانده است . درپایین پا و بالای سر مرقـد دو ستون چوبین قطور چهارسوی پخ‌زده است‌که سرکشی برآن استوار است . پلورها برسرکش وسط و دیوارها متکی است . بریك‌بدنهٔ ستونی کـه نزدیك در ورودی است عبارات زیر دو خطه نقرشده است :

۱ــ عبدل‌آباد : عبدالله‌آباد ده از دهستان ناتل‌رستاق‌بخش نور شهرستان آمل ، شانزده کیلومتری‌جنوب شرقی سولده (فرهنگ جغرافیایی ایران ،ج۳) .

۲ــ نانوا کلا : ده ازدهستان‌ناتل‌رستاق بخش نورشهرستان آمل،دوازده‌کیلومتری جنوب شرقی‌سولده (فرهنگ جغرافیایی‌ایران ،ج ۳) .

« نجّاری‌کاری این‌معصوم‌زادهٔ جلیل‌القدر را سرکار صناعت دستگاه کربلایی
مرتضی‌بن‌لطفعلی طایفهٔ گرجی حرر سلمان بن محمدبن ملامحمود ملك
ساکن قریهٔ یالو فیسنة ۱۲۹۸. »

بریك بدنهٔ دیگر ستون یادی ازبنّای این ساختمان شده است :

« عمل کربلائی مرتضی ۱۲۹۸. »

بریك جدارستون بالاسرکه ستون دوم است این کلمات نقرشده است :

« عمل گمگشتهٔ دیاروفا سرگشته وغریب وبینوا رمضانعلی متو ۱۲۹۸ . »

ایوانی نیز درجلو بناست‌که آن نیز پنج‌ستون چوبین‌چهارسو در درازا دارد .
در دو طرف کفش‌کن دو جرز است که گچ‌بری ظریف دارد (عکس شمارهٔ ۱۹۵) و
بر بالای آن سرکشی است‌که پلورهای ایوان بردیوارها و این سرکش استوار است .

گورستانی وسیع اطراف بقعه است که درختان کهنسال فراوان آزاد و گردو
منظره‌ای بسیار دلپذیر به‌آن داده است . لاویجه‌رود ازکنار محوطهٔ بقعه می‌گذرد .

آب‌انباری قدیمی

در دهکدهٔ سیدکلا ازدهکده‌های ناتل‌رستاق نور

بنای اصلی از بنیاد چهارگوشه است که هر ضلع آن شش‌متر است . دیوارهای
بنا سنگ وساروج وگنبد بالای آن را که‌برآمدگی آن زیاد است از سنگ وآجر و
ساروج زده‌اند . پاشیرآن پانزده پله می‌خورد وبه شیرآب دسترسی پیدا می‌کنند . تا
سه‌چهار سال پیش که این دهکده لوله‌کشی نداشت ازآب آب‌انبار استفاده می‌کردند.
هنوز آب‌انبار از حیز انتفاع نیفتاده است .

آن از شمال به سلیاکوتی واز طرف جنوب به سنگ‌بند واز طرف مشرق به سرکاج و از طرف مغرب به خوریه (خریه) منتهی می‌شود .

درگورستان قدیمی آن که بسیار وسیع است ، یکی دوگنبد ومسجد خرابه‌ای بـه نـظر می‌رسد کـه بقعهٔ سیدعبدالله یکی از آنهاست (عکس شمارهٔ ۱۹۷) . بقعهٔ سیدعبدالله هشت ترك است. دوترك قبلی وشمالی آن پهن‌ترازسایراضلاع‌است ودرازای آنها به ۲۴۰ سانتیمترمی‌رسد . درازای دوضلع غربی وشرقی از داخل ۱۶۰ و اضلاع میان اینها ، هر یك یك‌متر تمام است . سقف بنا گنبدی بیضی شکل است . صندوقی سادهٔ چوبین در وسط بناست. در ورودی شرقی است ودرکفش‌کنی به درازای سه‌مترو پهنای ۲۱۰ سانتیمتر بازمی‌شود . دونورگیرمشبك در دوضلع شمالی وجنوبی است .

شاه رضاکیا سلطان

درگورستان قدیمی ناتل ازدهکده‌های ناتل‌کنار نور

بنایی‌است هشت‌ترك(عکس شمارهٔ ۱۹۸)که درازای هر ترك‌آن۲۱۰سانتیمتر است.سقف بناگنبدی‌مدور به‌بلندی هشت متروبام بنا ازخارج‌کلاه‌درویشی‌است. بالای دیوارها ، شانزده‌طاقنمای‌کوچك بناکرده وبدین‌تـرتیب دهانهٔ هشت ضلعی راجمع و نـزدیك به دایره‌ساخته وکمربندگنبد رابرطـاق طاقنماها استوار نموده‌اند . گنبد را بـا گچ‌بـری به‌چهـارقسمت کـرده وچهار شیروخورشید درآنها نقاشی‌کرده‌اند .

صندوقی بـزرگ چوبین در وسط بناست که‌درازای‌آن ۲۶۰ وپهنایش ۱۲۰ و بلندیش ۱۱۰ سانتیمتر است .

کفش‌کنی چهارگوشه به‌ابعاد ۳۴۰ سانتیمتر در جلو در ورودی است‌که سقف آن‌گنبدی‌گرد ونوك‌تیز است.

درورودی دو لنگه بـه‌بلندی ۱۶۰ و پهنای هـر لنگه ۴۰ سانتیمتر است .

برباثوی سمت راست لنگهٔ سمت چپ عبارات زیر نقرشده است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم گشاده‌باد بدولت همیشه این درگاه بحق‌اشهد ان‌لااله‌الاالله الله‌لااله‌الاهوالحی‌القیوم لاتأخذه.»

برپاسار بالای لنگهٔ سمت چپ :

«سنة ولانوم لدما فی‌السموات وما فی‌الارض .»

برباثوی سمت‌چپ لنگهٔ سمت‌چپ:

« من‌ذاالذی یشفع عنده‌الاباذنه یعلم ما بین‌ایدیهم وماحلفهم ولایحیطون .»

برپاسارسوم :

« بشیئ من‌علمه الا بماشاء وسع‌کرسیدالسموات . »

برباثوی سمت چپ :

«والارض ولایؤده حفظهما وهوالعلی‌العظیم‌لااکراه فی‌الدین‌قدتبین‌الرشد.»

برپاسار پنجم :

«من‌الغی فمن یکفر بالطاغوت ویومن بالله فقداستمسك بالعروة .»

برپاسار دوم نام مدفون دراین بناست‌که درمیان آیات کلام‌الله مجید گنجانده شده‌است :

«شاه رضاکیا سلطان‌بن عمرا بن‌امام‌موسی‌کاظم.»

برپاسار بالای لنگهٔ سمت راست:

«آنانکه خاك را بنظر کیمیاکنند آیا بودکه‌گوشهٔ چشمی بما کنند .»

برباثوی سمت‌راست لنگهٔ راست :

«الوثقی ـ لاانفصام‌لها والله سمیع‌علیم ـ تا ـ اصحاب‌النارهم فیهاخالدون.»

برپاسار دوم :

«عمل صندوق و در بدست

هرکـه خوانـد دعا طمع دارم زانکـه من بندهٔ گنـه کارم .»

بر پاسار سوم:

«یاصاحب الزمای سرجدت شتاب کن

عالم خراب گشت تو پا در رکاب کن

۱۳۰۱.»

بر پاسار پنجم :

«حرر رضا ولد مرحوم مغفور معصومعلی توب غفرالله له ولوالدیه.»

بر باثوی سمت چپ لنگهٔ سمت راست که دنبالهٔ عبارت پاسار دوم است :

« محمدکاظم ولد مرحوم اللهوردی میان بندی نوری شهر رجب مطابق سنهٔ

هزار و سیصدو یك از هجری نبوی صلی علی و آله.»

مسجد جامع

در دهکدهٔ ناتل از دهکده های ناتل رستاق نور

مصالح بنای این مسجد آجر وگچ بوده است (عکس شمارهٔ ۱۹۹) . درازای آن ۲۳ متر وپهنایش ۹۶۰ سانتیمتر است و قطر دیوارهای بنا به ۸۰ سانتیمتر می‌رسد. بیش از یك سوم از دیوارشمالی وکمی از دیوارشرقی آن برجای مانده است . حوضی مستطیل شکل در غرب بنای مسجد است .

قلعه‌ای قدیمی

در اراضی جنگل گل‌باغ ناتل در ناتل رستاق نور

مصالح بنا از آجر و گچ بوده است (عکس شمارهٔ ۲۰۰) . دیوارهای اطاقها و آب‌انبار گودآن برجای‌است. پهنای دیوارهای موجود به ۱۱۰ سانتیمتر می‌رسد . قلعهٔ دیگری نیز در اراضی گل‌باغ است که خندقی عمیق دارد. درازای سطح بالای آن ۵۰ متر و پهنایش ۲۵ متر است. در جنگل گل‌باغ که خود مسلماً روزی باغ گل بوده‌است ، آثـار فراوانی از بناهای قدیمی به‌چشم می‌خورد .

راه سنگفرش

از ناتل تا پای کوه جنوبی

از ناتل قدیم راهی سنگفرش به پای کوه جنوبی کشیده شده است و از محلهای زیر می‌گذرد :

گل‌باغ ، مالامال، ارک[1] چشمه و سنگ‌بند .

قلعهٔ همت‌آباد

در جنگل همت‌آباد نزدیك دهکدهٔ کـردآباد

از دهکـده‌های ناتل رستاق نور

نزدیك به دهکدهٔ کردآباد جنگلی به‌نام همت‌آباد است. در این جنگل تپه‌ایست که آثار قلعه‌ای قدیمی برآن پیداست .

۱ـ بفتح لام و سکون راء و گاف .

قصر و حمام و بازار و مسجد واتاشان
در جنگل واتاشان در جنوب دهکدهٔ نصرت‌آباد
از دهکده‌های ناتل رستاق نور

سید ظهیرالدین مرعشی در بارهٔ این آثار می‌نویسد :

« سید فخرالدین هنگامی‌که فصل خزان رسید به ولایت ناتل آمد و قریهٔ واتاشان را جهت موطن ومسکن ومقام ایالت و سلطنت خودتعیین فرمود و مردم رستمدار را خبر دادند تا جمع‌شوند و نزد برادران‌خود جهت‌عمارت آن دیار مدد طلب داشتند . حسب‌الاراده ازآمل وساری بیگاری واستادان ماهر روان ساختند و در روز سعید طرح عمارت‌کشیدند و حفر خندق‌عظیم به گرداگرد آن‌سرا فرمودند کرد و بنیاد قصر و حمام و بازار و مسجد و ابواب‌البرّ را از هر نوع طرح کشیدند و مردم را به‌سرکار بساز داشتند و به‌جهت هرسرکاری سردار دانا وکامل تعیین فرمودند .»[۱]

ظاهراً همین آثار است‌که امروز تبدیل به‌یکی دوتپد شده و در چهارصدمتری جنوب جادهٔ سولده به چمستان ، درجنوب دهکدهٔ کوچك نصرت‌آبادکنونی ، به‌جای مانده است و به‌شکل خاکریزی دستی به بلندی ۷مترکه قطر دایرهٔ بالای آن سی‌متر است دیده می‌شود . خندق آن برجای است و در نزدیکی آن تپهٔ دیگری نیز باقی است .

رابینو دربارهٔ این بناها می‌نویسد :

« فخرالدین بن قوام‌الدین مرعشی پس‌از فتح رستمدار ، واتاشان‌را درناتل برای مقرّ خود برگزید و از ساری و رستمدار افرادی فراهم‌آورد وخندق

۱ــ تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ص ۲۸۶ .

عمیقی دور شهر حفر کرد و اقامتگاه و حمامی برای خود و بازار و مسجدی جهت مردم ساخت.»[۱]

پل لیشام
بر رودخانهٔ شیم‌رود در شرقی ناتل از دهکده‌های ناتل‌رستاق

لیشام‌دیلمی براین رود پلی بسته است که به نام «پل‌لیشام» معروف است. سید ظهیرالدین می‌نویسد:

«آن رودخانه‌را که از شرق ناتل جاری است و شیم‌رود می‌خوانند، پلی که بدانجا لیشام دیلمی بسته بود «پل لیشام» می‌گفتند.»

ازاین پل هیچگونه نشانی برجای نیست. آبی که امروز از زیرکوه «سوردار» سرچشمه می‌گیرد به‌نام «شامی‌رو» معروف است. ظاهراً «شامی‌رو» شکل دیگری از «شیم‌رود» است ولیشام برروی همین رود پل بسته بوده است.

گور بکر بن عبدالعزیز بن ابی دلف عجلی
نزدیك پل‌لیشام که بر رودخانهٔ شامی‌رو (شیم‌رود) بوده است

سیدظهیرالدین می‌نویسد:

درجنگی که میان داعی‌صغیر یعنی محمدبن‌زیدبن اسماعیل‌حالب‌الحجارەو اسپهبد رستم‌بن قارن واقع شد، اسپهبد به رافع‌بن هرثمه پیوست و اورا به مازندران آورد. داعی ازآمل‌فرارکرد وبه‌کجور رفت و ازآنجا بەدیلمان افتاد. داعی در دیلمان به جمع سپاه پرداخت وبه چالوس آمد. رافع در چهار فرسنگی چالوس در دهکدهٔ خواج آمد. داعی ازچالوس بگریخت.

۱ــ ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران واسترابد رابینو، ص ۱۵۱.

رافع به قزوین رفت. لشکرخلیفه با رافع جنگ‌کردند واورا شکست‌دادند ناچار به خراسان رفت. در ایـن وقت بکر بن‌عبدالعزیز بن ابی‌دلف‌العجلی به داعی محمد پیوست. داعی اورا بسیارعزیزومکرم داشت و از برای اواز اسب به زیر آمد وتحف وهدایای فراوان به او داد از آن جمله هزارهزار بار درهم درصدصرّه بود واو رابا طوق‌وعلم روانهٔ ناتل‌کرد ودر خفیه دستور داد تا زهر درفقاع‌کنند وبدو دهند. بالاخره او را مسموم کردندو در سرپل لیشام که‌بررودخانهٔ‌شیمرود (=شامی‌رو) است اورا مدفون ساختند.» [1]

باقی بناها و آثار تاریخی دشت نور

۱ـ آثار دیواروحمام خرابه در دهکدهٔ دلیرسرای از دهکده‌های ناتل‌رستاق.

۲ـ قلعه کل در دهکدهٔ سیدکلا [2] ازدهکده‌های ناتل‌رستاق .

۳ـ مدرسهٔ آقا شیخ محمدتقی مجتهد کلاگردر دهکدهٔ سیدکلا ازدهکده‌های ناتل‌رستاق .

۴ـ امامزاده‌ای در دهکدهٔ ولیسده ازدهکده‌های‌ناتل‌رستاق کنار جادهٔ‌چمستان به‌آمل نزدیك به الشدرود .

۵ـ امامزاده‌ای در اسپی‌کلا [3] ازدهکده‌های ناتل‌رستاق .

۶ـ قلعه‌کوتی در شهرکلا ازدهکده‌های ناتل‌رستاق .

۷ـ قلعه‌کوتی در دهکدهٔ انارجار ازدهکده‌های ناتل‌رستاق .

۱ـ تـاریخ طبرستان و رویان و مـازندران چاپ درن ، صفحـات ۲۹۵ و۲۹۶ .

۲ـ سیدکلا : ده از دهستان ناتل‌رستاق بخش نور شهرستان آمل، ۹ کیلومتری جنوب‌شرقی سولده .(فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳).

۳ـ اسپی‌کلا : ده از دهستان ناتل‌رستاق بخش نور شهرستان آمـل ، دوازده کیلومتری جنوب شرقـی سولده (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳) .

۸ـ بناها و آثار تاریخی میان‌بند نور

امامزاده قاسم‌بن علی‌بن امام محمدباقر معروف به چارسی آقا
دراراضی دهکدهٔ پیمد از دهکده‌های میان‌بند نور

بنایی‌است چهارگوشه، با ایوانی مقابل در ورودی که دارای شش‌ستون با سرـ ستونهای‌ظریف است. سه‌طرف ایوان‌دارای شیرسر است ولبهٔ بام دارای دوشیرسر و یك پشته‌است. پلورهای سقف‌ایوان برچوبهای‌بالای‌شیرسرها متکی است. صندوقی تخته‌ای ساده، دروسط‌بنای اصلی، مرقدرا پوشانده است. در ورودی بناشرقی است. در محوطهٔ اطراف بقعه‌گورستانی‌قدیمی‌است. درطرف قبلی وشمالی این‌گورهاسنگهایی یك‌پارچه به پهنای شصت سانتیمتر و درازای یك مترونیم و دربالاسر و پایین‌پا سنگهایی به درازای ۸۰ سانتیمتر و بلندی شصت سانتیمتر قرار داده‌اند. سنگهای بالاسر دارای سه برآمدگی است و معمولاً نام مدفون برسنگ بالای سرحك شده است. هیچیك‌از نامها براثر فرسودگی خوانده نشد. نظیر این سنگها در گورستان فیروزکلای‌کجور و گورستان دهکدهٔ گویتر بیرون‌بشم کلارستاق دیده شده است. اطراف گنبد شاه‌بالو در آهودشت را کدکنده بودند همانند این سنگها پیدا شده بود. تاریخ این‌نوع‌سنگها تا جائیکه نگارنده اطلاع دارد مقدم برسنهٔ ۹۰۰ هجری قمری نیست.

درایـوان بقعهٔ چارسی آقا سنـگ سیاهی است که این عبارات بـر آن حك شده است :

« وفات مرحومه جنت‌آشیان کبریا خاتون بنت مرحمت‌پناه استاد علیخـان ملقب به سیف بتاریخ روز یکشنبه رمضان‌المبارك ۱۲۶۱ . »

برسنـگ قبر دیـگری در همین گورستان عبارات زیر حك شده است :

برکنج سمت راست بالای سنـگ :

« عمل ابراهیم‌حیدر . »

برکنج سمت چپ بالای سنـگ :

« ۱۳۱۳ . »

دروسط سنـگ :

« وفات . »

برکنج سمت راست پایین سنـگ :

« مشهدی یحیی . »

برکنج سمت چپ پایین سنـگ :

« ابن‌ملاامین . »

دزدچال[۱] = دزدبن[۲]

درچارسی انارکشی ورمال[۳]

درزیـر دست دهکدهٔ « وازك »[۴] و بالادست دهکدهٔ « سرگلن » طـرف راست رودخانه ، دردل‌کوه ، سه غار در سنـگ دیده می‌شود که جلو دهانهٔ دوغـار راچیده و

۱ـ بضم دال اول و کسر دال دوم . ۲ـ بضم دال اول و کسردال دوم وفتح باء .

۳ـ انار (بفتح الف) ، کشی (بفتح کاف) ، ورمال (بفتح واو) . ۴ـ بفتح زاء .

شکل هندسی بدآنها داده‌اند . این غارها نظیر کافر کلیهای[1] بالا لاریجان ساختهٔ دست انسان قبل‌از تاریخ است .

قلعهٔ دارگوش

دراراضی دهکدهٔ وازك از دهکده‌های میان بندنور

برسمت چپ رودخانهٔ وازك ، برقلهٔ کوهی منفرد کـه اطـراف آن شیب تند و پرتگاه است ، آثار قلعه‌ای قدیمی است . سفال شکسته‌های فراوانی درپای کوه و در شیبهای تندآن دیـده می‌شود . تنها راه رسیدن به بالای کـوه ، از اراضـی کشتزار دهکدهٔ وازك است. ظاهراً این قلعه ازسنگ ساخته شده بوده است زیرا نشانی‌ازآجر در بالای کوه و در اطراف آن دیده نشد . دربالای همین کوه ، گورستانی قدیمی‌که ظـاهراً قبور ساکنان قلعه بوده است تا امروز برجای است . گـورها دارای لبه‌هـای سنگی به بلندی ۵۰ سانتیمتر بوده‌اند (عکس شمارهٔ ۲۰۱) . و نظیر گورهایی‌است که در چارسی‌آقا و فیروزکلای‌کجور و گویتر بیرون‌بشم‌کلارستاق دیده شده است . برجدار بیرونی‌تمام سنگها یك حاشیه‌ماننـد نقش‌داراست و سنگ بالاسر دارای سه برآمدگی است. نوشته‌هایی باخط بد درشت براین سنگها حك بوده است ولی بمرور زمان از میان رفته است . تعداد این نوع گورها بالغ بر ده عدد است . نزدیك محل التقای وازك‌رود با آب گلندرود[2] ، برپای کوهی که قلعهٔ دارگوش برآن بوده است ، گورستانی دیگر است . دراین‌گورستان قدیمی نام مدفونین را برسنگهایی‌که سیلاب آورده است کنده‌اند . یعنی قسمتی از سنگ را صاف کرده و عباراتی برایـن قسمت هموار ، حك کرده‌اند . هیچیك ازاین نوشته‌ها براثر فرسودگی قابل خواندن نبود .

۱ــ بضم کاف دوم . ۲ــ بفتح گاف ولام و سکون نون و کسردال .

قلعه‌ای قدیمی

میان درویش‌کلا و لشکنار[1] از دهکده‌های میان‌بند نور

برسر تپه‌ای منفرد و برآمده میان دو دهکدهٔ درویش‌کلا و لشکنار آثار قلعه‌ای قدیمی است .

امامزاده عبدالله

درسوردار[2] میان‌بند نور

اطاقی است چهارگوشه به ابعاد ۴۲۹ × ۴۹۰ سانتیمتر . درمیان درازای بنا ، دوستون چوبین قطور چهارسو با سرستونهای پرکار قرار داده و سرکشی (حمالی) برآنها کشیده‌اند . بالای دیوارها ، شیرسرهایی نصب کرده و روی آنها را با تیرهای چهارسو بسته‌اند . پلورهای سقف بنا، براین شیرسرها و سرکش بالای ستونها استوار است . بالای پلورها پردی‌کوبی (پل‌کوبی) با تخته‌های رنگین و نقاشی شده است . نقش‌ونگارهای مختلف براین تخته‌ها کشیده و آنها را تزیین کرده‌اند . درزپوشها نیز لبه‌زده و مزین و منقش‌اند .

صندوقی چوبین در وسط بنا ، مرقد را پوشانده است . درازای آن ۲۱۰ و پهنا و بلندیش نیز ۱۰۷ سانتیمتر است .

در ورودی دو لنگه است و کنده‌کاری دارد . بلندی هرلنگه ۱۶۰ و پهنایش ۴۵ سانتیمتر است .

ایوانی با چهارستون و سرستونهای پرکار جلو بنای اصلی است . سه طرف ایوان دارای شیرسر است و برسرکش بالای ستونها ، از دوطرف شیرسر دارد . بر

۱ـ بفتح لام و سکون شین وکسر کاف . ۲ـ سوردار نام محلی است از دهستان میان‌بند بخش نور شهرستان آمل (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) .

سرکش و سرستونها ، ابیاتی ازهفت‌بند محتشم بامرکب نوشته‌اند. بردوطرف شیرسرها نیز نوشته‌هایی بوده است که بمرور زمان ازمیان رفته‌اند و فعلاً روشن و خوانا نیست . برتختهٔ بالای یکی‌از شیرسرهای ایوان این عبارت خوانده شد :

« یامحمد   این عمل کربلائی مرتضی . »

امامزده صالح

بربالاترین نقطهٔ کوه‌سوردار میان‌بند نور

اطاقی است به ابعاد چهار مترونیم . صندوقی تخته‌ای ساده به درازای ۲۰۷ و پهنای ۱۰۷ وبلندی ۱۳۷ در وسط اطاق است . دوستون چوبین قطور در بالاسروپایین پای صندوق است. سرستونها وتراش‌بدنهٔ ستونها بسیارپرکاروظریف است (عکس‌شمارهٔ ۲۰۲) . دو پنجرهٔ نورگیر مشبک دردوضلع قبلی‌وشمالی است. وسط هرضلع طاقنمایی محراب مانند است . در بالای دیوارها با نصب شیرسرهای متعدد به زیبایی سقف افزوده‌اند . پلورها برشیرسرها استوار است . بالای پلورها ، پردی‌کوبی (پل‌کوبی) است. تمام تخته‌های پردی رنگین ونقش ونگاردار است.

در ورودی شرقی است ودرکفش‌کنی باز می‌شود . بلندی آن ۱۵۵ وپهنای هر لنگه ۴۲ سانتیمتر است .

برلنگه‌های در ورودی ، این عبارات نقرشده است .

بر لنگهٔ سمت راست :	بر لنگهٔ سمت چپ :
« ای درت‌کعبهٔ ارباب نجات	«قبلتی وجهك فی کل صلات
نماند بعصیان کسی درگرو	که دارد چنین سیدی پیش‌رو
فرمایش جناب آقای نوری	در تمیشان این درها ساخته

علاء رئیس . . . . »   شده بتاریخ ۱۰ شهرشوال
۱۳۲۰ عمل محمود نجّار .»

بر دماغهٔ در ورق نقره‌را به‌شکل‌دل، چهارپرودایره درآورده وکوبیده بوده‌اند.
بردایره‌ای که بربالای دماغه باقی مانده است، آیاتی از کلام‌الله مجیدنقر شده است.
برچهارچوب در، چشمهای‌نقرهٔ نذری چندی کوبیده شده بود.

باقی بناها و آثار تاریخی میان‌بند نور

۱ـ چهل‌تن ، گورستانی نزدیك سوردار .

۲ـ سنگ قبری قدیمی در دهکدهٔ لزیر[1] جلوخانهٔ آقای محمد اسدی که از چشمه گیجه آورده‌اند . ظاهراً درچشمه‌گیجه‌گورستانی قدیمی بوده است. نگارنده نتوانست این سنگ را ببیند.

۳ـ گورستانی قدیمی در دهکدهٔ وازك پنج کیلومتری مشرق‌گلندرود نرسیده به افراچال. معروف است هفتادتن از امامزادگان دراینجا به خاك سپرده شده‌اند .

۱ـ بفتح لام .

۹- بناها و آثار تاریخی میانرودپایین نور

۱- سیداسکندر امامزاده‌ای سرراه سعادت‌آباد (نای=نی)[1] به ورازده.[2]

۲- قلاکتی که ظاهراً محل قلعه‌ای قدیمی بوده است. امروز نام دهکده‌ایست ازدهکده‌های میانرود سفلای نور نزدیك قاسم‌آباد و کنس‌پا[3].

۳- راه قدیمی آمل به نور ازکنار دهکدهٔ جلیکان از دهکده‌های میانرود- سفلا می‌گذرد. این دهکده درسیزده‌کیلومتری غرب شهرآمل است.

۱- سعادت‌آباد: ده ازدهستان میانرودسفلی بخش‌نورشهرستان آمل، دوازده‌کیلومتری غرب آمل. آب ازرود انگتارود است (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج۳). ۲- ورازده بالا وپایین: ده از دهستان میانرود سفلی بخش نورشهرستان آمل، دوازده‌کیلومتری غرب آمل (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج۳). ۳- بضم کاف وکسرنون.

۱۰ ـ بناها و آثار تاریخی لاویج نور

۱ـ قلعهٔ لاویج درجنگل پی نسا.

۲ـ امامزاده‌ای در دهکده لاویج .

۱۱ـ بناها و آثار تاریخی نائیج نور

جغرافیای نائیج نور

نائیج نام دهکده‌ایی است که کنار رودخانه‌ای به‌نام وازرود قرار گرفته‌اند. آب این رودخانه از پشت تیرهٔ تترستاق[۱]، از دهکده‌های تابستان‌نشین گزناسره[۲]، خوش‌واش[۳] و نوجمه[۴] ورودبارك سرچشمه می‌گیرد وازچمستان[۵] و ایزده (عزت‌ده) دو دهکدهٔ زمستان‌نشین گذشته به دریای خزر می‌ریزد.

از چمستان کنار آب که رو به‌بالا برویم از محلهای زیر می‌گذریم: جوربند، تنگ‌سر[۶] وازتنگه، لسی پشت[۷]، پایین‌واز، بالاواز، گزناسره، خوش‌واش، نوجمه، پس از طی دامنهٔ کوه رو به غرب می‌توان به رودبارك رسید و از رودبارك پس‌ازگذشتن ازگردنهٔ لیلرد[۸] می‌توان به سرداو وهلوپشته رفت. دهکده‌های

۱ـ تترستاق (بفتح تاء اول وسکون تاء دوم وضم راء) نام سه دهکدهٔ رزن وکرسی و تیرساق است که کناررودخانهٔ نوربیلاقی قرار گرفته‌اند. ۲ـ بفتح گاف وسکون زاء و فتح سین وکسرراء. ۳ـ بکسر شین اول. ۴ـ بضم‌نون وجیم. ۵ـ بفتح چ وکسرمیم. ۶ـ بکسر گاف. ۷ـ بکسر لام و فتح یاء دوم و سکون شین.
۸ـ بکسرلام و سکون یاء وضم لام دوم.

تا پیلار وسغل[1] و سنگ‌درکا[2] وانگتارود[3] نیزجزء نائیج‌به‌شمار است . آب انگتارود به‌الیشه‌رود[4] (الشه‌رود) که سامان دشت‌نور وخاك آمل است می‌ریزد .

آقانورکیا سلطان

در دولت‌آباد اودم[5] ازاراضی جوربند نائیج نور

بنایی است ازآجر وگچ ، از خارج مدور واز داخل هفت ترك است . یعنی دو ضلع شرقی‌آن رابه شکل یك ضلع درآورده ودر ورودی بقعه را درآن قرارداده‌اند. درازای ایـن ضلع ۲۵۰ و درازای اضلاع دیگر ۱۶۰ سانتیمتر است . در هر یك از اضلاع دیگر، طاقنمایی کوتاه باطاقی جناقی ساخته‌اند . بام بنا گنبدی مدور است و مرقد میان بنارا صندوقی‌تخته‌ای ساده پوشانده است.درحدود پنجاه‌سال‌قبل کفش‌کنی، جلو در ورودی ، متصل به‌بنای اصلی، اضافه کرده‌اند. محوطهٔ اطـراف بقعه جنگلی انبوه است ودرختان شهر(شمشاد جنگلی) فراوان دارد. گرداگرد تنهٔ‌یکی ازدرختان شهربه ۹۵ سانتیمتر می‌رسید. یك اصله درخت تیجی (امرود)کهنسال پربار ودرختان کراب وکهله نیز دراطراف بقعه دیده می‌شود .

دولت‌آباد ظاهراًآبادی قدیمی بوده‌که از میان رفته است، آثار بنا وساختمان در نقاط زیر دیده می‌شود :

دولت‌آباد اودم ، شهرکتی[6]، خمند[7]، پی‌دره .

دولت‌آباد اودم یعنی قسمتی از دولت‌آباد کـه کنار آب رودخانه می‌افتد . و

۱ـ بفتح سین وغین . ۲ـ بفتح‌دال. ۳ـ بفتح الف و سکون نون و کسر گاف . ۴ـ بفتح الـف . ۵ـ بضـم الـف و فتح‌دال . ۶ـ بضـم کـاف . ۷ـ بفتح خاء ومیم .

«شهرکتی» تپه‌ایست که ظاهراً محل دهکدهٔ قدیمی بوده است . خمند به معنی اراضی همند وهموار است .

امامزاده اسماعیل
در دهکدهٔ پایین‌واز نائیج نور

ساختمانی است مربع شکل‌که سرپوشیده‌ای متصل به‌آن است. این سرپوشیده دارای هفت ستون چوبین چهارسوی درشمال وپنج ستون درشرق است کـه تمام آنها سرستون ظریف دارند. کله‌ای[1] (اجاقی) دراین سرپوشیده است که به آتشدان بیشتر شباهت دارد . میان دو ستون ازستونهای شمالی بناکتیبهٔ چوبین برسرنال[2] (حـمال) است که این عبارات برآن حك شده است :

۱۳۲۲»

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم یـا اباعبدالله ــ فادخلوها بسلام‌آمنین عمل استاد علی‌اصغر ولد ارجمند کربلائی علی‌مراد سرائی التماس دعا.»

ساختمان اصلی بقعه متصل به‌این سرپوشیده است ودرمیان‌آن صندوقی چوبین ساده مرقد را پوشانده است.سراسربام بنا،یك چکش‌گـردان دارد. لبهٔ بام یك‌پشته و سراسر بام، لت‌پوش است .

۱ــ بفتح کاف وکسرلام . ۲ــ بفتح سین .

قلاسر
میان دوآب وازرود[1] و جز[2]

برسر کوهی منفرد که ظاهراً آن را کنده واز رشتهٔ پشت بریده و قطع کرده‌اند، آثار قلعه‌ای قدیمی است . از بناهای قلعه چیزی برجای نیست . چاه آب آن نمودار است وقسمتی از سمج و فرارگاه آن باقی است .

قلعهٔ دارنا
بردست راست آب وازرود

بر بلندترین قلهٔ منفرد این ناحیه آثار قلعه‌ای قدیمی است . آثار دیوارهای آجری وچاه وآب‌انبار وگنگهای آب‌آن تا امروز برجای است .

علی‌بن‌شمس‌الدین مؤلف تاریخ خانی ازاین قلعه در دورانی که اختلاف میان ملک‌بیستون وملک کاووس ـ فرزندان ملک‌جهانگیرـ پیش‌آمده است مطالبی به شرح زیر نوشته :

«پس‌از وفات‌ملک‌جهانگیراستندار میان دوپسرش ملک‌کاووس وملک‌بیستون برسرملک پدراختلاف شد.ملک‌کاووس ازمیرزاعلی‌کیاکمک خواست. میرزا علی لشکرتنکابن‌را به سرداری کیامحمدکیا ولشکرگرجیان‌را به‌سرداری کاکوحسام و لشکر سختسر (رامسر) را به سرداری شیخ‌حسن بفرستاد تا به کجور روند وازآنجا ملک‌اشرف را بردارند وبااو به قلعهٔ‌نور نزد ملک‌کاووس بروند . درآنجا ملک‌شاه‌غازی را از لواسان بخواهند وبه اتفاق از بلدهٔ‌نور

۱ـ بکسر ذاء . ۲ـ بضم ج وسکون زاء .

روانهٔ قلعهٔ دارنا شوند . پس‌از رسیدن به قلعهٔ دارنا، ملک‌کاووس خیال می‌کرد که مردم قلعه پس‌از دیدن لشکریان سر از اطاعت ملک‌بیستون بپیچند و به او بگروند . اما چنین نشد . سه شب در آنجا مکث کردند بالاخره کار به جنگ وجدال کشید. اختلاف میان‌سران لشکر کمکی ملک کاووس، ملک بیستون‌را جسورتر کرد. سرانجام ملک کاووس را دستگیر کردند و کشتند. میرزاعلی که شکست لشکریان و کشته شدن ملک‌کاووس را شنید از جای بشد از میرعبدالکریم و آقارستم و لشکرمازندران کمک خواست . اما چون زمستان بود ، کار به بهار افتاد .

هنگام بهار، میرزاعلی، میرعضد را نزد سلطان‌هاشم و ملوک‌رستمدار و ملک‌اشرف و ملک‌شاه‌غازی لواسانی فرستاد و از ایشان کمک خواست. از تنکابن، کیامحمد کیا با لشکریان و از مازندران میرعبدالکریم و میرکمال‌الدین و آقارستم و لشکر هزارجریب در محل واتاشان جمع شدند . ودر محل قدیمی کهنه‌دوک قلعه‌ای از چوب بنا کردند تا پشت لشکریان بدان‌گرم باشد و به حوالی قلعهٔ دارنا، رفتند. آقارستم فردای آن روز به‌عنوان‌گشت به‌پای قلعهٔ دارنا رفت و هشت روزی درپای قلعه بماند وهرروز جنگ ازطرفین برپای بود وطرفین کشتهٔ بسیار دادند . در این وقت از مازندران خبر رسید که بدیع‌الزمان میرزا به مازندران آمده وقصد تسخیر آنجا را دارد. آقارستم پس‌از نوشتن نامه‌ای به میرزاعلی خودنیز روانهٔ مازندران شد و کار ملک‌بیستون برجای ماند .»[۱]

۱ــ تاریخ‌خانی، چاپ‌نگارنده، صفحات : ۹۱ــ۹۶ .

خرابه‌های قلعه‌ای قدیمی
برسر کوه علمدار سمت راست وازرود

کوه‌علمدار دنبالهٔ یال قلاسراست. برسرقله‌ای منفرد ازاین‌یال، آثاروخرابه‌های قلعه‌ای قدیمی برجای است .

قلعهٔ شاه‌کوه
برکوهی منفرد بردست چپ وازرود

از خرابه‌های این قلعه که‌بالای تنگهٔ رودبـارك قرار می‌گیـرد چندآب‌انبار باقی است .

قلعهٔ گلا[1]
در مرتع گلاپشت دهکدهٔ بالاواز

خرابه‌های قلعه‌ای قدیمی دراین مرتع دیده می‌شود.

قلعه‌کونی
در مرتع‌کونی بردست راست‌آب وازرود

در این مرتع نیز آثار قلعه‌ای قدیمی برجای است .

خرابهٔ دهکده‌ای قدیمی
در همند[2] بلی[3] طرف چپ آب وازرود

میان‌آب رودبارك و آب بلی، درهٔ کوچکی است. نزدیك این دره همندی‌است که درآن آثار خانه‌های قدیمی دیده می‌شود .

۱ـ بفتح گاف. ۲ـ بضم‌هاء وفتح میم، به‌معنی‌زمین‌صاف‌است. ۳ـ بفتح باء.

قلعهٔ فیروزکوه

پشت دهکدهٔ پایین‌واز برطرف چپ آب وازرود

آثار قلعه‌ای قدیمی که مصالح آن سنگ وآجر بوده است برجای است .

گنج کول[1]

بالای تیرهٔ دوم‌کوه پشت دهکدهٔ نوجمه[2]

گنج‌کول یعنی تپه‌ای‌که درآن گنج است. چون ازاین تپه که ظاهراً گورستان قدیمی است درکندوکاوها لوازمی به‌دست آورده‌اند به این نام معروف شده است .

قلعه‌ای قدیمی درگردن‌سر[3]

در مرتع دوله‌سرای رودبارک نائیج

در این مرتع آثار دیوارهای قلعه‌ای قدیمی برجای است . مصالح آن سنگ‌و گچ است .

صندوق نوجمه

در یکی از خانه‌های نوجمه صندوقی چوبین مورخ ۱۲۷۲ قمری دیده شد (عکس شمارهٔ ۲۰۳) .

۱ـ بکسر جیم .   ۳ـ بضم نون وجیم .   ۳ـ بکسر نون .

باقی بناها و آثار تاریخی دشت نور

۱ـ پلی سنگی در شمال دهکدهٔ علی‌آباد[1] نائیج نور .

۲ـ شاه ملاسلیمان در شمال دهکدهٔ علی‌آباد نائیج نور .

۳ـ امامزاده قاسم در دهکدهٔ امیارده[2] (انبارده) نائیج نور .

۴ـ آقاشاهپورسی (آقا شاه فارسی) در قله‌ای به نام شاپورسی درشمال دهکدهٔ گزناسرا[3] ازدهستان نائیج نور.

---

۱ ـ علی‌آباد : ده از دهستان نائیج بخش نور شهرستان آمل ، ۹ کیلومتری غرب آمل (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) . ۲ـ انبارده : ده از دهستان نائیج بخش نور شهرستان آمل (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) . ۳ـ گزناسرا : ده ازدهستان نائیج بخش‌نور شهرستان آمل، ۳۵ کیلومتری جنوب‌غربی آمل (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳) .

بخش پنجم

لارقصران وبالالاریجان

۱- جغرافیای تاریخی لارقصران

درهٔ لار ازسمت شمال‌غربی به ناحیهٔ کوهستانی نور واز طرف جنوب به‌افجه و لواسان و بومهن و از مغرب به کوههای امامه و گرمابدر و از طرف شمال بدکوههای دلارستاق لاریجان محدود می‌شود . پهن‌ترین نقطهٔ این دره در میانرود است و در اینجاست که رودخانهٔ لار ازمیان کوه‌الرم وکوه پهنك می‌گذرد و در همین جاست‌که چمن سیاه‌پلاس با چمن‌لار به هم میرسند . پهنای درهٔ پهنك در حدود پنج تا شش کیلومتر است و تنگترین قسمت این دره شاید در « بستك » باشد که فاصلهٔ میان‌کوه شرقی و غربی بیش‌از سیصد متر نیست .

آب درهٔ لار ازکوه خرسنگ سرچشمه می‌گیرد و پس از پیمودن ده کیلومتر آبهای سفیدآب و مالك‌چشمه بد آن افزوده می‌شود و مسیر خود را به طرف جنوب می‌گرداند تا به میانرود برسد که آب کوههای کاسونه و جودی به‌آن می‌پیوندد . از

اینجا مسیرآن ازغرب به شرق است و آبهای چشمه‌ها و دره‌های فرعی به‌آن می‌ریزد تا به پل پلور برسد و به آب هراز ملحق شود .

با بودن زمینهای مساعد و آب فراوان ، هیچگونه آبادانی در این پهنهٔ وسیع دیده نمی‌شود واراضی قابل‌کشت آن تمام مرتع و چراگاه است . شاید برف فراوان و سرمای شدید ، سبب شده است که این درهٔ پهناور فقط تابستان‌نشین باشد .

سید ظهیرالدین مرعشی خرابی لار را به دوران باستانی و داستانی ایران رسانده و می‌نویسدکه‌گرگین میلاد درری حکومت داشت زمستانها به درهٔ کرج‌رود و تابستانها به درهٔ لار می‌رفت . چون در زمان شاه کیخسرو با بیژن گیوان غدرکرده بود و او را در قید اسار انداخته و گیورا موطن و مقام ارقم بود وگودرز را اصفهان، گرگین درآن قرب جوارنتوانست بودن به‌گرگان رفت ، پس‌از آبادکردن گرگان در آنجا نیز نماند به لارپارس رفت ولار رستمدار از آن باز ویران گشت.[۱]

در سال ۱۰۷۴ قمری شاه عباس ثانی (۱۰۷۳ ـ ۱۰۵۲) از ساری از راه فیروزکوه به چمن‌لار رفت[۲] شاه قصد داشت از راه لواسان متوجه شهر تهران شود ولی نشیب و فراز راه را که دید از راه دماوند خود را به تهران رساند.[۳]

رابینو در سفرنامهٔ مازندران واستراباد ازمراتع‌لار بدین ترتیب نام برده‌است:

« چشمه‌شاه ، چهل‌چشمه، گیلردك ، امامزاده امام‌موسی ، یورت‌خان‌احمد، یورت خانلرخان ، خرسنگ ، لته‌بند ، سه دره ، کاروانسرای سرخك و کاروانسرای بستك وکاروانسرای سفیداب سرراه تهران به بلدهٔ نوراز طریق لشکرك . »[۴]

---

۱ ـ تاریخ طبرستان ورویان ومازندران، چاپ درن،ص ۳۰ . ۲ ـ عباسنامه، ص ۳۲۸ . ۳ـ عباسنامه، ص۳۳۰ . ۴ـ ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران و استراباد ، ص ۱۵۵ ن. ك. به متن انگلیسی ، ص۴۲ـ۴۰ .

محمدحسنخان صنع‌الدوله کـه در سفر ییلاق سنهٔ هزارودویست و نود وهشت هجری‌ئیلان‌ئیل ترکی‌درالتزام رکاب‌ناصرالدین‌شاه بوده، رساله‌ای‌به نام «جغرافی‌لار» نوشته که دارای مطالب مفیدی است . نسخه‌ای‌از این رساله درکتابخانهٔ ملی است.[۱] چنانکه ازمطالب ایـن رساله برمی‌آید درقرون اولیهٔ اسلامی در ناحیهٔ لار آبادانی بوده است .

۱ـ شمارهٔ ۶۳۹ کتب خطی کتابخانهٔ ملی ایران .

۲ـ بناها و آثار تاریخی لارقصران

قلعهٔ محمدعلی بیگ پیکان

میان مرتع گل گچ و بستک لار

بر بالای کوهی برسمت راست آب، قلعهٔ بزرگی از سنگ و گچ است. قلعه قدیمی به نظر رسید. احتمال دارد چون در این اواخر به دست محمدعلی بیگ افتاده باشد به نام او معروف شده است.

کاروانسرای سفیداب

پایین کوه سفیداب و نزدیک چشمه‌ای به همین نام

درپای کوه سفیداب، کاروانسرایی از سنگ و گچ است. طاقهای مدوری از سنگ و گچ بر آن زده‌اند.

قلعه نو

در بالای کوهی به همین نام نزدیک سفیداب لار

در سمت چپ رودخانهٔ لار، در شمال کوهی به نام «قلعه نو» آثار قلعه خرابهٔ قدیمی از سنگ و گچ است. شاید قلعه‌ای که سید فخرالدین در سال ۷۸۴ در لار فتح

کرده این قلعه باشد . سیدظهیرالدین جریان فتح این قلعه را چنین نوشته است :

« چون خاطر ازقلعهٔ نور ورودبار نور آسوده گشت، به جانب لار توجه نمودند و در موضعی که اسپی‌او (سفیدآب) می‌خوانند نزول کردند. ودر لار قلعه‌ای بود حصین و کوتوال آنجا مقیم وذخیره موجود. چون به‌پای قلعه فرود آمدند، کوتوال قلعه جنگ را آماده گشت ودر مقام عناداهتمام نمود . دانستند که چون اول سنبله می‌شود، در آن مقام وحوش وطیور را به صحرا بودن ، به سبب شدت‌سرماممکن نیست . فرمودند که بالای قلعهٔ اولی ، قلعه‌ای دیگر بنیاد نهادند ، چنانکه سرکوب قلعهٔ اولی باشد وبه سعی تمام در آن مهام اشتغال نمودند و آن قلعه را تاهوا خنك گشتن تمام ساختند و علوفه تعیین کردند وصدوپنجاه‌نفرمردکار را باسرداری‌دانا وشجاع درآن قلعه بازداشتند وچون نسق فرمودند ، اصحاب قلعهٔ اولی سرازخانه بیرون نمی‌توانستند برآورد که اگر بیرون می‌آمدند، بـه زخم ناوك جاندوز مجروح و مقتول می‌ساختند. وآثار قلعهٔ کهنه در « قلعه‌نو » اکنون باقی است .... مردم قلعهٔ لار چون دیدندکه فایده نمی‌کند، امان خواستند وقلعهٔ لار را بسپردند وهر دو قلعه را فرمودند تا ویران ساختند . »[1]

قلعه‌ای قدیمی و کاروانسرایی سنگی در بستك لار

برسمت چپ آب لار و درفاصلهٔ کمی از آن ، دریبلاق بستك، پوزهٔ کوهی است که از شرق به‌غرب کشیده شده و نزدیك کاروانسرای بستك به‌کنار دره منتهی می‌شود. در یکی‌دونقطهٔ دامنهٔ این کوه، آثار برج نگهبانی است و بر بالای آن که قله‌ای منفرد

۱ــ تاریخ طبرستان و رویان ومازندران، ص۲۸۸ .

است ، آثار بناهایی از سنگ و گچ دیده می‌شود . این قلعه را به نام «قلعهٔ بستك» می‌شناسند .

برکنار این پوزهٔ کوه کاروانسرایی از سنگ وگچ با طاقهای گنبدی است که برسرراه کاروانی نور است .

امامزاده پنج تن

در مغرب کوه فولادچشمه درکنار رودخانه

بنایی است ساده ازسنگ وگچ‌که هیچگونه آثارهنری درآن دیده نشد .

قبر ملك‌سلطان

پایین‌کوه خشك‌رود درچمن ملك‌سلطان

گوری منفرد به‌نام «قبر ملك‌سلطان» درچمنی پهناور به همین نام است .

کافر قلعه

در بالای کوهی به همین نام درجنوب کوه غرغره

قلعه خرابه‌ایست از سنگ وگچ . قدمت بنای آن شاید به دوران اسماعیلیان برسد .

امامزاده ابن امام موسی

در لار قصران

بنایی است از سنگ وگچ برسمت راست رودخانهٔ لار بابامی گهواره‌ای که با همین مصالح زده‌اند. کف بنا را کندوکاو کرده بودند .

عمارت خانلرخان سیل‌سپر [1]
در دامنهٔ شمالی کوه پهنك در چهل‌چشمهٔ لار

خانلرخان سیل‌سپر که در ورامین امـلاك دارد ، در چهل‌چشمهٔ لار طبرستان ییلاق می‌کند . بنای عمارتی کرد که از برف خراب شد. آثار آن باقی است . [2]

خوشی‌خانه = قوشخانه
در جنوب درهٔ لار میان درهٔ قوشخانه و الرم[3]

محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه در سال۱۲۹۸ ه.ق. که در رکاب ناصرالدین‌شاه به درّه لار رفته ، این شرح را دربارهٔ بنای خوشی‌خانه نوشته است :

« خرابهٔ معروف‌به خوشی‌خانه عبارت است از تپه‌ای خاکی‌که درّه قوشخانه در طـرف جنوب آن و خرابه‌های الرم‌در طرف شمال در محاذاة آن واقع است و تپهٔ مزبور در سمت جنوب رودخانهٔ لار ، در جلـگه دیـده می‌شود و ارتفاع آن به‌خط عمودی بیست‌وهشت ذرع است ومحیط آن هشتاد ذرع و در این سنوات‌کسی ملتفت نبود که این تپه طبیعی است یا مصنوعی ، یعنی آثار خرابهٔ عمارتی یا بنائی است .

درسفر ییلاق هذه‌السنهٔ ئیلان‌ئیل هزارودویست‌و نودوهشت‌هجری حسین‌خان محلاتی پیشخدمت که پدر او ابراهیم‌خـان پیشخدمت، علاقه در لـواسان دارد، به‌عرض حضوراقدس‌همایون رسانیدکه لواسانیهابعضی کاشیهای ممتاز از تپهٔ قوشخانه به‌لواسان آورده ودرحمام نصب کرده‌انـد . همچنین بعضی

۱ـ بکسر سین دوم وضم پ ،ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو، ص۱۵۵.

۲ـ مرآت البلدان،ج ۴،ص ۳۰۳ .   ۳ـ بفتح الف ولام وسکون راء ومیم .

آجرهـای خوب بزرگ . آقـا محمدعلی امین حضرت آبدارباشی مأمـور تحقیق وانکشاف این مسئله شده ، تپه را پیدا نمود ومعلوم شد که این تپه خاکی وطبیعی نیست، بلکه‌عمارت‌عالی‌دراین محل‌بوده‌که‌خراب‌شده ومصالح زیاد آن عمارت این تپه را تشکیل داده و بمرور دهورباد ، خـاك برروی خرابه‌ها ریخته و علف روئیده و هیأت تپهٔ طبیعی بهم‌رسانیده است . محض مزیداستبصار،حکم‌همایون‌شد بعضی جاهای تپه‌را حفر کنند وجناب امین‌الملك ونگارنده مأمور شدیم که استقصائی در این باب بنمائیم . در اثنای حفر وکاوش‌تپه، بعضی کاشیهای بسیارممتاز خوب بدهیأت وشکلهای مختلف پیدا شد که متن آنها سفید بود و وسط را بطرزهای مختلف نقاشی کرده‌و دور هرکاشی کتیبه‌ای بدخطی کـه مابین خط نستعلیق ونسخ بـود ، اشعار نوشته . ابتدا چنین به‌نظر آمد کـه این بنا مقبرهٔ شخصی بزرگ یـا بقعهٔ امامزاده‌ای بوده . بعد دوسه فـردناقص از اشعار کتیبه پیداشد وخواندیـم معلوم شد که بقعه ومقبره نبوده ، زیرا که اشعار مناسبتی با این قسم اماکن نداشت واز جمله اشعار مزبوره یکی این است .

بکام تو بادا همه کارتو خداوند بادا نگهدار تو

خلاصه معمارمخصوصی از شهراحضار شدکه‌به‌قاعدهٔ معماری وبنائی،اطراف تپه را خالی‌کنند تا چه معلوم گردد. بعداز آنکه یك‌ماه تقریباً در این‌محل کارکردند ودوثلث ازتپه را ازخاك وآجرپاره‌های خراب‌شده پاك ومستخلص ساختند، معلوم و محقق شدکه این عمارت تفرجگاه ومحل نزهت و تفریح بوده وملکهای رویان ورستمدارآن رابه‌جهت ییلاق‌خود بناکرده بوده‌اند. وضع این عمارت آنچه خود نگارنده رفته و به رأی‌العین وتحقیق دیـد ،

دومرتبه بوده، پایین مشتمل برچهار صفه وچهار راهرو، درچهار ضلع ویك گنبد بزرگی در وسط . عرض صفه‌های پایین سه ذرع و طول دو صفه چهار ذرع وطول دوصفهٔ دیگر هشت ذرع وچهار درگاه‌که به‌دالانهای کوچك‌باز می‌شده، مدخل ومخرج این حوضخانه بوده که هردالانی اطاقی سه‌ذرع در سه ذرع به نظر می‌آید و از سمت مشرق پله می‌خورد و به مرتبهٔ فوقانی می‌رفته است.

مرتبهٔ فوقانی عمارت مثمنی بوده و دور مرتبهٔ فوقانی ، از آثارآجری که هنوزمفروش است وهرّه‌ای‌که دورفرش‌آجری باقی می‌باشد، معلوم می‌گردد که ایوانی بوده است و فوقانی منحصر به یك اطاق ، شاید دریکی از سالها برف زیادی آمده باشد یا زلزلهٔ شدیدی شده ، سقف مرتبهٔ فوقانی را که طاق بوده، خراب کرده، روی سقف حوضخانه ریخته، آن هم خراب شده‌و کم‌کم بواسطهٔ عدم توجه ومراقبت رو به‌انهدام نهاده است .

در وسط حوضخانه، حوضی مربع مستطیل به‌نظرمی‌آید .

این عمارت‌بسیار عالی واطراف‌آن یقیناً باغ بزرگی بوده، زیراکه دراصل وسط جلگهٔ لار واقع شده است . شخصی که این عمارت را بنا کرده چون در آن اوقات اسلحهٔ‌آتشی ازقبیل توپ وتفنگ دراین حدود معمول‌نبوده و فقط سلاحی‌که برای جنگ ازدور به‌کار می‌بردند، تیروکمان وفلاخن‌بود، دربنای عمارت ملاحظه شده‌که ازاسلحهٔ دورانداز معمولهٔ‌آن وقت محفوظ باشد و پیداست که مثل فلاخن و تیروکمان بهیچوجه از مسافت بعیده‌که کوههای اطراف لار باشد ، به این عمارت نمی‌توانسته است رسید. خلاصه از درهٔ قوشخانه ، آب به اطراف این عمارت وجلگه می‌آورده‌اند چنانکه

آثارنهرقدیمی آن دربعضی جاهاکه به دقت ملاحظه نمایند بخوبی نمایان و پیداست .

در سمت جنوب تپهٔ مزبوره به فاصلهٔ بیست ذرع، یك تپهٔ کوچکی که بعضی آجر شکسته ومصالح کهنه دارد ، به نظر می‌آید و احتمال کلی می‌رودکه آن تپهٔ کوچك عمارتی بوده از متعلقات این قصر. نیز به‌فاصلهٔ صد ذرع به طرف جنوب شرقی ، به همین فاصله طرف جنوب غربی ، زمین پست و بلند مصالح کهنه وپاره‌های آجر زیاد ریخته است وظن غالب این‌است که عمارت اندرونی یا بیوتات عملهٔ خاصهٔ‌بانی قصر خوشی‌خانه بوده است .

این قصر از حیثیت مکان دربهترین نقاط لار واقع شده است . کاشی‌هائی‌که ازحیثیت وضع ولون خیلی مختلف می‌باشد و نقشهای بسیار عجیب وغریب بسیار ممتاز وگچ‌بریهای بسیار خوب‌که در گچ‌بری به خط کوفی عبارات و خطوط درآورده بودند ، دیده شد. در یك قطعهٔ کاشی آبی رنگ فیروزه ، به خط ثلث برجسته، لفظ «ملکی» خوانده می‌شود. اما بقیهٔ کاشی شکسته و مفقود بود ، تاریخ مختصری‌که مشکوك است که آیا تاریخ است یا نقش و بته ، در این کاشیها مشهود می‌شد و چون کاشی شکسته بود ، تحقیق آن صورت تعذر داشت . به رقم هندسی یك هشت‌که نوك مثلث آن پریده و دو رقم دیگر که بالای آنها هم پریده‌که هشتصدوپانزده یا هشتصدو بیست‌ودو یا هشتصدوچهل‌وچهار یاچهل‌ونه باشد،ازاین‌قبیل به‌نظر می‌آمد ودرصورتیکه نقش وگل وبته نباشد ارقام اعداد باشد، درهشتصد آن حرفی‌نیست ودورقم دیگر مشکوك است . اقوی دلیل براینکه خوشی‌خانه، قصر معتبر ومحل ییلاقی شخصی بزرگ بوده این است‌که درهرقطعه کاشی‌که زیاده از اندازهٔ کف دستی نیست ، یکی دو نخود طلای بسیار ممتاز آبی به طور تذهیب به

این کاشی چسبیده که حالا به اشارهٔ دست به خوبی آن‌ورق طلا، از روی کاشی برداشته می‌شود و این‌اوراق طلادرگل و بته‌های‌کاشی درجائی استعمال شده که آن گل و بته را برجسته واز روی کاشی سوا کرده بوده‌اند و این طلاها را روی‌خطوط وگل‌وبته‌های برجسته چسبانیده‌اند. امتیاز کاشی‌کاری این‌محل هرچه نوشته شود کم‌است. علی‌الخصوص درتعریف یك‌قسم‌کاشی که درقدیم معمول‌بوده‌بایك فلزی‌ویك‌قسم‌میناکاری‌پخته‌درکاشی می‌کرده‌اند. که در آفتاب و روشنائی رنگ پرطاووسی‌داشته است. این صنعت حالا درایران متروك‌است وفرنگیها هم هرچه خواسته‌اندبفهمند درك‌نکرده‌اند. شخصی‌که پنجاه سال قبل باکمال دقت نقشهٔ‌کاررا برداشته، درّه قوشخانه‌را درّه خوشخانه نوشته و باید این لفظ صحیح باشد چرا که آب این دره به این قصر می‌آمده و دره منسوب به این قصر است، چنانکه در محاذاة قصر واقع شده و احتمال بلکه یقین است که اسم عمارت مزبوره «خوشی‌خانه» بوده و در تلفظ «خوشخانه» گفته‌اند و کم‌کم به «قوشخانه» مشتبه گردیده والادر این‌محل‌موقع قوشخانه‌نیست. علاوه‌براینکه درطبرستان ومازندران‌و این نواحی لغت ترکی کمتر استعمال می‌شده وقوش لغت ترکی است.
آجرهای عمارت خرابهٔ خوشی‌خانه‌به اندازهٔ بیست‌وپنج‌سانتیمتر دربیست‌و پنج‌سانتیمتر است وقطر آن پنج سانتیمتر می‌باشد.»[۱]

۱ــ جغرافی لار، شمارهٔ ۶۳۹، نسخ خطی کتابخانهٔ ملی تهران.

تپهٔ نقاره‌خانه
برسمت چپ‌آب رودخانهٔ لار

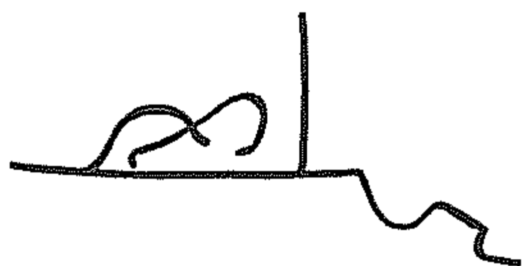
روبروی‌خرابه‌های‌قصرخوشی‌خانه تپه‌ایست‌که‌معروف به‌نقاره‌خانه است،ظاهراً این تپه نیز آثار بنا وساختمان است .

نمد جوق

نمدجوق نهری‌است قدیمی‌که سربندآن در رودخانهٔ دلی‌چای است ودر حدود ده کیلومتر ازمحل‌التقای‌رودخانهٔ دلی‌چای بارودخانهٔ لارفاصله دارد. می‌گویند برای اینکه آب در مسیر این جوی فرونرود وهرز نشود ، کف وبدنهٔ جوی را با نمد فرش کرده بوده‌اند. این نهر بسیار قدیمی است ، زیرا در حدود هفت‌کیلومتر که از مصب آن دور شدیم برطرف دست راست به‌بندی برمی‌خوریم‌که کتیبه‌ای به درازای ۱۱۰و پهنای ۸۰ سانتیمتر برسینهٔ سنگی که مسلط برنهر است کنده‌اند. متن کتیبه از میان رفته وظاهراً به‌عمد آن را محوکرده‌اند . در سطر دوم کلمهٔ «سلطان» ودر سطر آخر کلمات «من‌شهور»کم وبیش‌خوانده می‌شود (عکس شمارهٔ ۲۰۴). برگوشهٔ سمت‌راست پایین ، خارج از متن کتیبه «کتبه محمود رستمداری» روشن و واضح‌است. بی‌عیب و سالم ماندن نام کاتب ، نشان می‌دهد که متن را باید به عللی از میان برده باشند .

در حدود دوکیلومتر ازاین بندبه طرف سربند نهرکه پیش‌رفتیم به‌بند دیگری ازکوه‌می‌رسیم‌که برای‌نهر نمدجوق، مسیری در دل‌سنگ‌کنده‌اند (عکس‌شمارهٔ۲۰۵). این مسیربه درازای ده متر وپهنای ۸۰ وبلندی ۹۰ سانتیمتر است . برسنگهای طرف دست راست این بند علائم و خطوط کوفی قدیمی دیده شد . یکی از کتیبه‌ها به ابعاد

۵۰ × ۷۰ سانتیمتر بود (عکس شمارهٔ ۲۰۶) .



نشان زیر درکتیبه‌ها تکرار می‌شد (عکس شمارهٔ ۲۰۷) وکلمات «حسن»،«علی» و « محمد » در میان متن کتیبه‌ها خوانده شد (عکس شمارهٔ ۲۰۸) .

این نوشته‌ها نظیر سنگ نوشته‌های آزوی‌نوا بود وظاهراً یادگاری گروهی است‌که نشانی مخصوص داشته‌اند .

تا سر بند که‌آب‌نهر نمدجوق ازتند آبهای دلی‌چای جدا می‌شود پیش رفتیم و نشانی از کتیبه‌های دختر زردشتی و عباسقلی‌خان لاریجانی امیرمکرم نیافتیم .[1]

در میان ساکنان پلور واسك معروف است که نهر نمدجوق را دختری زردشتی ساخته وکتیبه‌ای درسر بندنوشته است‌که‌این‌کارعظیم وشگرفی بودکه زنی انجام داد و پس‌از این مردی که قدرت تعمیر کردن این نهر راهم داشته باشد پیدا نخواهد شد .

عباسقلی‌خان لاریجانی امیرمکرم‌که از مطالب چنین کتیبه‌ای باخبر می‌شود، کمر به تعمیرو مرمت این نهر می‌بندد وآب را به اراضی‌مزروعی نیك[2] و سنگ‌چین می‌رساند و برکتیبه‌ای میان نیك و داربند می‌نویسد :

« دخترآتش پرست بادپیمارابگو   خاك برسرکن که‌آب رفته‌باز آمدبه‌جو

عباسقلی لاریجانی .»

نهر نمدجوق برسمت چپ رودخانهٔ دلی‌چای است ودر حدود سه کیلومتری محل‌التقای‌آن بارودخانهٔ لار به دوشعبه تقسیم می‌شده‌است، شعبه‌ای به‌اراضی نیك و

۱ــ راهنمای ماآقای قدمملی پدیدار بود .   ۲ــ بکسر نون وفتح یاء .

شعبهٔ دیگر به اراضی سنگ‌چین می‌آمده است . دراراضی سنگ‌چین فعلاً بناهایی برای سدسازی ساخته‌اند .

رودخانهٔدلی‌چای ازجنوب‌شرقی دماوندکوه ازچشمهٔ«کلوم» سرچشمه می‌گیرد. سربند نمدجوق به‌نام «سربند تاریخ» مشهور است. ازاین سربند ، نهر دیگر برسمت راست دلی‌چای کنده‌اند که آب آن برای اراضی مزروعی « نمك‌کوسر » و « دنبك » می‌رفته است .

دهکده‌ای قدیمی
در اراضی سنگ‌چین و نمك‌کوسر لار

در دوکیلومتری مصب دلی‌چای ، بردوطرف این رود ، آثار دهکده‌ای قدیمی است . اراضی کشت سنگ‌چین و نمك‌کوسر متعلق به این آبادی بوده است . سنگ فراوانی در پهنه‌ای به ابعاد پانصد درسیصد متردر دوطرف دلی‌چای،محل این آبادی بوده است (عکس شمارهٔ ۲۰۹) و سفال فراوان بی‌لعاب در اطـراف این سنگهاست . سه‌چهار پاره سفال لعاب‌دار به رنگ آبی آسمانی و نیلی دیده شد. دو پاره از سفالها در دوطرف لعاب داشتند .

آبادی و گورستانی قدیمی
در یوردالرم [۱]

در یوردالرم، بالای‌قهوه‌خانهٔ‌گزل دره [۲]، درکنار آب رودخانهٔ لارآثار سنگ‌ـ چین زیادی است‌که خانه‌های دهکده‌ای قدیمی بوده است در نزدیـکی این سنگ‌ـ چینها، گورستانی قدیمی است . هیچگونه نوشته‌ای در این گورستان دیده نشد .

۱ــ بفتح الف ولام وسکون راءومیم .

۲ــ گزل بضم‌گاف وفتح زاء و سکون‌لام کلمه‌ای ترکی وبه‌معنی زیبا وقشنگ است .

آثار تاریخی
در دهنهٔ درهٔ لار از مضافات بالا لاریجان

در دهنهٔ این دره آثار قدیمی پیدا می‌شود. بعضی جاهای آن را پنج‌سال قبل حفر کردند شمعدان چدنی کار قدیم و بعضی اسباب دیگر بیرون آمد.[1]

۱ـ مرآت‌البلدان، ج ۴، ص ۳۰۳، پنج سال قبل ظاهراً سال ۱۲۹۱ هـ. ق. است.

۲ـ جغرافیای تاریخی لاریجان

کلمهٔ لاریجان که دربیشتر کتب تاریخی مازندران « لارجـان » (بکسر راء) ضبط شده است ، ظاهراً از دوجزء «لارج» + «ان» ترکیب شده است . کلمهٔ «لارج» شکل دیگری‌است ازکلمهٔ «لاریگ»که درفارسی دری«لاری» می‌گوئیم.ظاهراً پس‌از خراب شدن دهکده‌های لارقصران، مردم‌آن، به‌نواحی گرمتر که کنار رودخانهٔ هراز باشد ، آمده‌اند .

در دوران قاجاری وشاید پیشترازآن ، لاریجان به چهار بلوك تقسیم مـی‌شده است :

بلوك علیایا بالا لاریجان‌که اسك[1] مرکز آن بود ودهکده‌های زیر جزء آن به شمار می‌آمد :

رینه، ایرا، نیاك، کنارکام[2]، نوا، زیار، لاسم، مون،انهه ،کندلی[3]، گیلاس‌کیا، گرنا، لزورك (لزیرك) ، گرمابسر، ملارد ، اهرینه ،گزانه ، گزنك، مزرعهٔ پلور[4].

۱ـ درجلد ۲ کتب‌کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی شمارهٔ ۷۲۶، صفحات ۲۸الف و۲۸ب ، اطلاعاتی دربارهٔ اسك دارد. ۲ـ ضبط‌اعتمادالسلطنه‌است. امروزکنارانگام یاکنارانجام گویند . ۳ـ اهالی «کندلو» گـویند . ۴ـ ظاهراً پلـور در ایـن وقت آبادی نداشته است .

بلوك سفلی یا پایین لاریجان شامل بخشهای: امیری، بهرستاق ودلارستاق است. در دوران قارجای مجموعاً هفتادوپنج قریه جزء لاریجان بوده است .

درّه لار که از قدیم بـه‌نام «لارقصران» یـا «لاررستمدار» شناخته شده است ، هیچگاه ناحیه‌ای جداگانه نبوده و بیشتر اوقات سلاطین استندار کـه در رویان یـا رستمدارسلطنت‌داشته‌اند بردرّه‌لارو قصران داخل(بخش‌لواسان‌امروز) مسلط بوده‌اندو از آنجا کـه آبریزآن به‌طرف مازندران و درّه هرازاست، مـاایـن ناحیه رانیز جزء لاریجان به‌حساب آوردیم وآثار تاریخی آن را جزء بلوك لاریجان ذکر کردیم.

محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه روزیکشنبه اول شهر رجب‌المرجب سل۱۲۹۶ ه.ق.ازشمیران‌به سمت‌ییلاق‌لار، دررکاب ناصرالدین‌شاه حرکت‌کرده وروز چهارشنبهٔ چهارم در مرغ‌سر وروز پنجشنبهٔ پنجم وجمعهٔ ششم وشنبهٔ هفتم ویك‌شنبهٔ هشتم رجب در سیاه‌پلاس‌لار اتراق‌کرده‌اند. روز دوشنبهٔ نهم به‌پلور وسه‌شنبهٔ دهم به اسك پایتخت لاریجان رسیده‌انـد . چهارشنبهٔ یازدهم وپنجشنبهٔ دوازدهم وجمعهٔ سیزدهم در اسك اتراق کرده‌اند. شنبهٔ چهاردهم به‌رینه رفته وازرینه به‌پلور بازگشته‌اند. روزیکشنبهٔ پانزدهم درپلور اتراق‌کرده‌اند . روز دوشنبهٔ شانزدهم از پلور به‌لاسم و تنگهٔ انگمار حرکت کرده ودر انگمار توقف‌کرده‌اند . ارتفاع انگمار از زمین شمیران ۱۴۵۰ پا است . از اینجا ظاهراً به فیروزکوه رفته‌اند و این قسمت از مسافرتشان به‌کار مطالعهٔ ما ارتباطی ندارد .

اعتمادالسلطنه ازیکی دودهکدهٔ دیگربلوك‌بالا لاریجان دیدن‌کرده واطلاعات مفیدی برای ما به‌یادگار گذاشته است‌که مادر ذیل هریك از دهکده‌ها به بررسیهای او اشاره خواهیم کرد .

برای گردآوری بناها و آثار تاریخی بالا لاریجان و پایین‌لاریجان ودشت لار ما از کتل امامزاده هاشم شروع کردیم و در امتداد رودخانه ، تاسامان نمارستاق نـور پیش رفتیم ودرّه‌های فرعی چپ‌و راست آب هراز را از زیر نظرگذراندیم .

۴ـ بناها و آثار تاریخی بالا لاریجان

بژم‌موشا = کتل امامزاده هاشم

کتل امامزاده هاشم از سایر گردنه‌های رشتهٔ البرز پست‌تراست و به علت همین پست بودن اغلب بادگیر است . در فصل زمستان بورانهای شدیـدی دارد و در دوران چارواداری، سالی نبودکه این‌کتل هفت‌هشت قربانی نگیرد. بسیاری از چارواداران‌و مسافران دربورانهای شدید این‌کتل از میان رفته‌اند . قهوه‌چی مسن قهوه‌خانهٔ کتل ، خاطرات زیادی از مرگ‌و میرچارواداران ومسافران‌به خاطرداشت وبرای آیندگان‌و رونـدگان نقـل می‌کـرد . از اینرو مردمان خیراندیش ، بـرای سلامت گذریان ، کاروانسراهایی بر سراین راه ساخته‌اند .

رودهن دهکدهٔ بزرگی‌است وکاروانسراهای متعدد داشت وبارانداز مسافران و چارواداران بود . از رودهن کـه به راه می‌افتادند به‌کاروانسرایی در اراضی اوزینه (پیست آبعلی امروز) می‌رسیدند. از اینجا راه به سر بالایی می‌افتاد تـا بـالای کتل امامزاده هاشم که به‌کاروانسرای دیگری می‌رسید .

کاروانسراهای دامنهٔ جنوبی وشمالی کتل ، نزدیك به‌یکدیگر است و فاصلهٔ میان آنها ازیکی دو فرسنگ تجاوز نمی‌کند . فواصل میان یکی دو کاروانسرا مثل

کاروانسرای دشت موشاوسرکتل وکاروانسرای سرکتل وگمبوج نیزازاین مقدار کمتر است. این کوتاهی فاصله بیشتر از این نظر بوده استکه کسانی که دربورانهای شدید گیر افتاده‌اند ، بتوانند زودتر به پناهگاهی برسند .

هنگامی‌که سیدظهیرالدین مرعشی در رجب ۸۶۰ هـ. ق. ملك‌کاووس را دنبال می‌کرد ، ازبژم‌موشا گذشته ، اما هیچگونه یادی از امامزاده یا کاروانسرای سرکتل نکرده است.مسلماً امامزاده وکاروانسرای بالای‌کتل پس‌از این تاریخ ساخته‌شده‌اند. او می‌نویسد :

«چون‌شب‌درآمد وهوابغایت خنك بود واواسط قوس‌شده بود وآنجاقلّه‌های رفیعه است مثل بژم‌موشا که خنکی آن موضع مشهور است . از آن باغ لوندرسوار شده، به‌قریهٔ پلور به‌خانقاهی[1] که آنجاست زمانی مکث رفت ، چندانکه دست‌و پای مردم که خنك شده بوده ونزدیك بودکه از کاربیفتد، در خانقاه به آتش‌گرم‌کردند واز آنجا روان گشته از راه بژم‌موشا دوانیده آمد. چون‌صبح برآمداز‌آن موضع‌مخوف پربرف بعون‌الله به‌سلامت گذشته شد وبرملك کاووس دوانیده آمد .»[2]

امامزاده هاشم وکاروانسرای آن
دربالای کتل امامزاده هاشم

در بالای کتل امامزاده هاشم‌که بلندی آن از سطح دریا ۲۶۴۰ متر است ، در

۱ــ به مفهومی‌که امروز ما به‌کار می‌بریم نیست. این لغت درست به معنی باداندار و کاروانسراست . خانقاهی که بتواند « سیصد نفر ازگیل ودیلم‌وگرجی وتنکابنی» همراهان سیدظهیرالدین‌را جای بدهد باید جای بزرگی بوده باشد. از این بنا امروز اثری نیست.

۲ــ تاریخ گیلان‌و دیلمستان، ص۲۸۴ .

زمان شاه‌عباس امامزاده (عکس شمارهٔ ۲۱۰) و کاروانسرایی ساخته شده است . ضلع شرقی‌این‌کاروانسرا ۱۵ متروضلع شمالی‌آن۱۵/۵متراست.ازاینجا دیواربنا مضرس‌و دندانه‌داراست وپس‌وپیش رفته است.اندازه‌های‌آن به‌ترتیب ازاین قرارند:قسمتی از ضلع غربی۵/۵ متر، دوباره همین‌ضلع روی به‌شمال به‌درازای۶/۵مترساخته شده‌باز امتداد ضلع رو به‌غرب بــه دازای ۳/۷۵ متر است و باز امتداد ضلع درجهت شمالی ۱۱/۵ متر. امتداد رو به غرب ۶متر وامتداد رو به‌جنوب ۶/۲۵ وامتدادرو به غرب ۷/۱۵ و قسمتی ازضلع جنوبی ۱۸ متر وقسمت دیگر آن ۱۰ متر تمام است .

به دستور علیاحضرت شهبانو ادارهٔ کل باستان‌شناسی نمای سنگی تازه را روی پایه‌های شاه‌عباسی گذاشتند ومــرمت کردند (عکس شمارهٔ ۲۱۱) . در امتداد جنوب امامزاده قهوه‌خانه ومحل باربودکه فعلاً شبستانی به جای‌آنها ساخته‌اند . قسمت‌شمالی شبستان باقیماندهٔ آثار شاه‌عباسی است .

کاروانسرای شاه‌عباسی درمشرق بنای امــامزاده است کــه فعلاً تبدیل به انبار شده است .

راه‌شاه‌عباسی
از سر کتل امامزاده هاشم تاآبگرم بالا لاریجان

این راه که امروز به راه شاه‌عباسی‌معروف است ، ظاهراً خیلی پیشتراز زمــان شاه‌عباس ، ساخته و پــرداخته بــوده و آمــد و رفتی داشته است . شاه‌عباس همچــون ناصرالدین‌شاه ،آن را تعمیر ومرمتی‌کرده است . راه قدیم از نقاط زیر می‌گذرد :

کاروانسرای‌کتل امامزاده هاشم، گمبوج[1] پیرعلی ،گمبوج نعل‌شکن ، پلــور ، سگ‌چال ، نرزن[2] ، پایین محل‌پادگان فعلی،پایین‌امامزاده محمدطاهر ، پشت دهکدهٔ

۱ــ بفتح گاف و سکون میم . ۲ــ بفتح نون وسکون راء وکسرزاء .

رینه یعنی بالاسر آبادی ، درّهٔ استاد قربان، چالك، از وسط دهکدهٔ گرنا[1] زیر جادهٔ ماشین روکنونی عبور می‌کند،له‌برده[2] ، ورس‌دار قدیم[3] بالای لزیرك[4] ، دریجه‌گلی[5] ، غول‌سنگ[6](غول درگیلکی به‌معنی کرواصم‌است)، گل‌گیرون[7](کشتارگاه فعلی آبگرم)، ملك‌چشمه، حمام شاه‌عباسی،آبگرم امیرآباد ، پشت دهکدهٔ گزونه[8](گزانه) از اینجا راه به‌کنار آب هراز می‌رسیده است .

راه تهران به‌آمل که به‌دستور ناصرالدین‌شاه ساخته شده است

محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه در سال۱۲۹۲ قمری در بارهٔ این راه می‌نویسد:

« به جائی رسیدیم که طاق‌نصرتی زده بودند وموزیکان می‌زدند . معلوم شد که ابتدای راهی است‌که شصت هزارتومان دیوان خرج‌کرده وساخته است. امروزکه شاه تشریف می‌آورند ، تشریفات این راه است. ازآنجاکه طاق‌ـ نصرت بود الی دوفرسخ‌راه بدبود. . .از راه‌سؤال شد. عرض کردم تا اینجا که خوب نیست تا بعدچه شود.[9] سابق‌که این راه‌جدید را شاه نساخته بود، عبور قافله وغیره‌دراین راه زیادبود. ازعراق خشکه‌بار به‌آمل می‌آوردندو ازآمل برنج به‌عراق می‌بردند . . . راه سابق بقدری تنگ بودکه قاطر و پیاده نمی‌توانست عبورکند . اما حالا طوری ساخته شده که‌کالسکه و عرابه بخوبی می‌تواند گذشت. لیکن‌به نظرمن این راه شصت‌هزار تومانی نیست. ممکن بود با شصت‌هزار تومان بهتراز این راه ساخته شود . این راه زیاده

۱ــ بفتح گاف‌وسکون‌راء . ۲ــ بفتح‌لام‌وسکون‌هاء وفتح‌باء . ۳ــ بفتح‌واو وسکون راء . در ده متری ورس‌دارقدیم سنگی‌است توخالی‌که معتقدند« کافر کس» (بکسرفاء وفتح کاف‌دوم)است‌وهر کس‌ازآنجامی گذردسنگی‌بدان‌پرتاب‌می کند. ۴ــ بفتح‌لام‌وراء. ۵ــ بفتح گــاف . ۶ــ بکسرلام . ۷ــ بکسرگاف‌اول . ۸ــ بفتح گاف .

۹ــ روزنامهٔ‌خاطرات اعتمادالسلطنه ، ص۵۴ .

از ده سال عمر ندارد. افسوس که تمام پول دیوان خرج نشده که ابدالدهر باقی باشد . آنچه من تخمین مخارج این راه الی کاهرود که منزل امروزاست و ازقرارمعلوم نصف راه ساخته‌شده است، هشت‌فرسخ ازقرارهرفرسخ شش‌هزار ذرع. دراین چهل‌وهشت‌هزارذرع تقریباً پنج‌هزارذرع پل‌سازی‌شده باسنگ‌کنی ازقرارذرعی دوهزاردینار یك هزار تومان. الباقی چهل‌وسه هزارذرع ازقرارذرعی یك‌قران. درصورتیکه ده یك به‌مباشرداده‌شده باشد تومانی‌یك عباسی به مستوفی وده شاهی به مباشر جزء چهل‌و سه هزار قران که عبارت ازچهارهزار و سیصد تومان می‌شود . بعلاوهٔ هزارتومان پل‌سازی وسنگ‌بری ، پنج هزاروسیصد تومان تابحال خرج شده .»[1]

گمبوج[2]

ازکاروانسراهای بسیارقدیمی وعجیب‌کاروانسرایی است به‌نام «گمبوج» درشیب شمالی بژم‌موشا (گردنهٔ امامزاده‌هاشم) برسرراه هراز .

این‌کاروانسرا که بیشترقسمتهای‌آن سالم مانده است، امروز برسمت چپ‌آب، نزدیك پلی‌است‌که درآخر گردنه قرارمی‌گیرد. بنایی است‌که چهارطرف‌آن باره‌بند و در وسط که گنبدی بلند دارد ، محل استراحت مسافران و چهارپاداران‌است (عکس شمارهٔ ۲۱۲) . درازای ضلع‌شرقی ۲۲/۵ متر ودرازای ضلع‌شمالی‌تا جایی‌که قابل اندازه‌گیری است، ۱۶متراست .[3] کمربندگنبدمیانی ازنیم‌متری طاق ۲۳/۵متر است . ابعادفضای مربع داخلی‌که محل‌نشستن مسافران است۶۸۰سانتیمتراست. دری ورودی درضلع‌جنوبی این قسمت است‌که طاقی‌جناقی بردرگاه‌آن زده‌اند . بلندی این در از

۱ــ روزنامهٔ خاطرات اعتمادالسلطنه، ص ۵۵.   ۲ــ بفتح گاف و سکون میم .

۳ــ مقداری ازدیوار داخل کوه است .

وسط جناق طاق ۲۰۰سانتیمتراست . دراضلاع غربی وشمالی وشرقی فضای مرکزی نیز سه مدخل باطاقهای هلالی است که بلندی آنها ازمیان هلال طاق یك متر وپهنای آنها ۱۲۰ سانتیمتر است . طاق گنبدی فضای مرکزی برگوشوارها ودیـوارهای چهارطرف متکی است . بلندی گوشوارها ازسطح اصلی بنا ۲۶۰سانتیمتر وبلندی طاق تاسطح بنا درحدود هشت متراست .

قطرچهار دیوار فضای مرکزی و قطر دیوارهای باره‌بندها یك متر تمام است . پهنای باره‌بنـد غربی ۲۳۰ سانتیمتر و درازای آن یازده متر تمام است . طاق باره‌بندها هلالی وبلندی آنها ازسطح بنا، ۲۲۰ سانتیمتر است .

در ورودی اصلی بنا، درجنوب ضلع شرقـی است وپهنای آن بـه ۲۳۰سانتیمتر می‌رسد . این درگاه به باره‌بند جنوبی راه دارد . طـرف راست پس‌از ورود از ایـن درگاه، درگاه‌کوچکتری به پهنای یك متراست وبلندی آن ازوسط طـاق جناقی دومتر تمام است . مصالح بنا سنگ رودخانه وگچ غربالی است .

راه قدیمی بالا لاریجان

ازگدوك امامزاده‌هاشم (بژم‌موشا) تا شهرآمل

این راه‌یکی ازراههای بسیارقدیمی ایران‌است ودر بندبریده راهسازی دوران پیش‌ازاسلام تاامروز برجای‌است وتا جائیکه می‌دانیم درزمان شاه‌عباس وناصرالدین‌شاه نیزتعمیرومرمت شده است . این راه ازمحلها وآبادیهای زیر درمسیرخود می‌گذرد :

گدوك امامزاده‌هاشم ،گمبوج، سیّدك[1] پایین قلعه دختر، رباط‌پیرعلی، پلـور[2]،

۱ــ بکسرسین وتشدید وفتح یاء . ۲ــ بضم پ ولام.

قاضی‌مزرا[۱]، لومر[۲]، رینه[۳]، مون، گرمابدر، گزنك[۴]، شنگلده[۵]، وانه، شکل‌شاه (درتنگ‌بریده)، قلابن[۶]، بیجون[۷](بایجان)، آهیون، کیلو، کاهرو(کهرود)، پنجو، سیاویشه، شاه‌زید، عمارت، کلرد[۸]، کرسنگ[۹]، سلهار[۱۰]، لاغرزمین، آمل.

میرزاحسن‌خان‌اعتمادالسلطنه می‌نویسد:

« راهی‌که بسمت آمل می‌رود ازدامنهٔ جنوبی اسك‌است که‌به قریهٔ نیاك می‌رسند بعد به‌مون که داخل راهی‌است که درعهد ناصرالدین‌شاه قاجار ساخته شده.»[۱۱]

دهکدهٔ نیاك درتنگهٔ سمت راست است واز راه دور است واین راه هم درعهد ناصرالدین‌شاه تعمیرومرمت شده وساخته‌نشده است.

قلعه دختر

در پای بژم موشا (کتل امامزاده هاشم)، طرف شمالی، بربازویی شرقی غربی که دامنهٔ شرقی آن پرتگاهی‌است که‌منتهی به جادهٔ هراز می‌شود قلعه‌ای بسیارکهن‌و قدیمی به‌نام قلعه دختر است. دوناو با شیب بسیارتند طرف جنوب وشمال این بازوی کوه است که از این دوطرف هم به‌علت شیب‌تند این دو ناو دسترسی به قلعه تا امروز مشکل است. این بازو درست میان چشمه وپل پای کتل و نخستین بهمن‌گیر، قرار گرفته است وسراسر بناهای‌قلعه برسرآن ساخته شده است(عکس شمارهٔ ۲۱۳). بناهای قلعه بردوسطح سنگی است، سطح سنگی غربی بالاتر وسطح سنگی شرقی پایین‌تر

۱ـ بفتح میم وسکون زاء. ۲ـ بفتح میم. ۳ـ بکسر راء وسکون‌یاء. ۴ـ بفتح‌گاف وزاء ونون. ۵ـ بفتح‌شین وسکون‌نون وضم‌گاف. ۶ـ بفتح قاف و ضم باء. ۷ـ بکسر باء و سکون یاء. ۸ـ بفتح کاف و کسر لام. ۹ـ بفتح‌کساف وکسرراء. ۱۰ـ بکسرسین و سکون لام. ۱۱ـ کتب کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی،ج۲، شمارهٔ ۷۲۶، ص ۲۹ ب.

می‌افتد . دیوار شمالی در سراشیبی غـربی شرقی بنا شده است، درازای آن ده متر و بلندی آن درحدود سه متر است برکنج شمال‌شرقی دیوار، انحنایی است که ظاهـراً باقی ماندهٔ برجی است.دیوار شرقی‌سطح بالا شیبش کمتر است وبلندی آن درحـدود سه متر است (عکس شمارهٔ ۲۱۴). آب‌انبار قلعه درسطح سنگی پایین‌تر است (عکس شمارهٔ ۲۱۵). یکی ازاضلاع مربع دهانهٔ‌آن سه‌متر وضلع مربع‌کف‌آن دومتر است. بلندی دیوار سنگی آن از لبهٔ طاق تاکف بـه سه مترمی‌رسد (عکس شمارهٔ ۲۱۶).

قطر دیوارهای قلعه به‌۱۲۰ سانتیمترمی‌رسد وقطرسمت بالای دیوارها ازپایین آن کمتر است .

پوزه‌ای که قلعه برآن بناشده است طرف چپ‌آب هراز است . درست در مقال این پوزه طرف راست‌آب نیزقله‌ای مفرد است که پیش‌آمده ودرنتیجه درّه را تنگتر کرده است . بالای آن نیز آثار بنا از دور دیده شد .

قلعهٔ سنگدک[1]

در جنوب دهکدهٔ پلور

در جنوب دهکدهٔ پلور،طرف راست جادهٔ هراز واراضی سمت چپ رودخانه ، نزدیك پمپ‌بنزین، تپه‌ای منفرد وسرکشیده است. بربالای آن‌آجرپاره و بنیاد بنادیده می‌شود .

قلا= قلادوش

در غرب دهکدهٔ پلور

بر تیرهٔ کوهی‌که سمت چپ آب‌هراز و پشت دهکدهٔ پلور است ، آثار قلعه‌ای

۱ــ بکسر گاف و فتح دال .

قدیمی برجای است . ظاهراً در قدیم محل سکنای اهالی پلور، یا قلعهٔ دفاعی این منطقه بوده است . آثار ساختمان وپاره آجر درآن دیده می‌شود .

قلعهٔ تیرکوه
در شمال غربی دهکدهٔ پلور

دنبالهٔ تیرهٔقلادوش که رو به‌شمال می‌رود، به‌پلی که قدیم بر آب لار بسته‌بوده‌اند، می‌رسد . در اینجا نیز آثار بناهایی از آجر وگچ دیده می‌شود.

تپهٔ مروانك
درجنوب شرقی دهکدهٔ پلور

تپه‌ای بلند ومنفرد برسمت راست آب ، در جنوب‌شرقی دهکدهٔ پلـور است . بازوی شرقی این تپه را ظاهراً برشی داده‌اند. بربالای آن‌آثـار بنایی قدیمی است . میرزاحسن‌خان اعتمادالسلطنه این تپه‌را به نامهای «مهروان» و«مروان» ضبط کرده و شرحی دربارهٔ مروان و عمرولیث نوشته است.[۱]

آثار دهکده‌ای قدیمی به‌نام‌کاردی‌چال
متصل به تپهٔ مروانك پلور

درجنوب تپهٔ مروانك‌آثار دهکده‌ای قدیمی است . این دهکده به عللی رو به خرابی رفته واهالی آن به‌آمل رفته ودرآنجا ساکن شده‌اند. اینان‌که امروز «کاردل» خوانده می‌شوند، ادعاهایی نسبت به اراضی اینجا دارند.اعتمادالسلطنه شرحی راجع به‌این دهکده نوشته است .[۲]

۱ـ کتب‌کتابخانهٔ بیوتات‌سلطنتی، ج۲، شمارهٔ ۷۲۶، ص۳۳ب .

۲ـ همان‌صفحهٔ کتاب سابق‌الذکر .

پلی شاه‌عباسی بر رودخانهٔ لار
نزدیك محل التقای رودخانهٔ لار با هراز

میرزاحسن‌خان اعتمادالسلطنه می‌نویسد :

« پل برروی رودخانهٔ لار، شاه‌عباسی است. راه عبور مردم از تهران به‌آمل ، از همین پلور است . در تمام راه دو کاروانسرای سنگی، یکی پایین گردنهٔ امامزاده‌هاشم ، یکی درحوالی پل ، از بناهای شاه‌عباسی، برروی رودخانهٔ لار رود از قدیم الایام پلی بوده است ، الحال به حکم دولت تعمیر شده است . »[1]

رباط شاه‌عباسی
در دهکدهٔ پلور

این رباط که‌اعتمادالسلطنه از آن‌نام‌برده‌است، تاسال ۱۳۵۰شمسی برجای بود. سراسر بنای آن درجاده‌سازی برای سدلار ازمیان رفت. مصالح بنای‌آن تماماً سنگ‌و ساروج بود . درآن‌که طاق هلالی‌داشت رو به مشرق بود (عکس شمارهٔ ۲۱۷) . ازدر که وارد می‌شدیم در مقابل ، تختی‌بود به ابعاد پنج‌شش متروبلندی هشتاد سانتیمتر که مسافران‌وچهارپاداران‌روی‌آن‌می‌آرمیدند.دروسط‌کاروانسرا سه‌ردیف‌فیلپاقرارداشت که‌دوازده طاق‌مدورسنگی برفیلپاها ودیوارها متکی‌بود(عکس‌شمارهٔ ۲۱۸).این‌کتیبه را برپاره‌سنگی سیاه‌که متعلق به‌محل نبود، حك‌کرده وبربالای مدخل گذاشته‌بودند.

کتیبهٔ سردر ورودی رباط پلور :

« شدبدوران شاه عالمگیر   شاه‌عباس‌آن سپهر غلام

۱ـ کتب کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی ، ج۲، شمارهٔ ۷۲۶ ، ص۳۳ ب .

کمترین بندهٔ درش خاقان / کمترین بندگان او بهرام
بانی این رباط از سر صدق / ولی بن محمد خیّام
هم بسعی محمد بنّا / یافت اتمام این خجسته مقام
لازم آمد بیان تاریخش / تا شود ثبت دفتر ایام
بدز هجرت هزار و سی و چهار / کاین عمارت تمام گشت تمام»

خانقاهی قدیمی

در دهکدهٔ پلور از دهکده‌های بالا لاریجان

هنگامی که سیدظهیرالدین مرعشی در رجب ۸۶۰ هـ. ق. ملک کاووس را دنبال می‌کرد به این خانقاه درآمد ودربارهٔ آن چنین نوشته است :

« به قریهٔ پلور به خانقهی که آنجاست زمانی مکث رفت، چندانکه دست و پای مردم که خنك شده بود و نزدیك بود که از کار بیفتد درخانقاه به آتش گرم کردند . »[۱]

باقی بناها و آثار تاریخی پلور

۱ـ سنگهای قبورقدیمی درنیك. برای رسیدن به نیك، بایددرحدود ده کیلومتر در جادهٔ نوساز لار پیش رفت، سپس به راه فرعی آن که ازدست راست جاده جدا میشود وارد شد.

۲ـ گورستانی قدیمی درتپهٔ سرکش پلور .

۳ـ سد طاقچهٔ حجاری شده ، زیرپل قدیمی برروی آب لار .

۱ـ تاریخ گیلان ودیلمستان، ص۲۸۴. خانقاه رامعلوم نیست سیدظهیرالدین به چه معنی استعمال کرده است. شاید به معنی کاروانسرا و بدرا نداز باشد .

زیار[۱] و لاسم[۲]

آب زیار و لاسم از کوههای غربی قزقانچای فیروزکوه سرچشمه می‌گیرد وزیردست پلور، کمی بالاتر از تونل‌اول راه هراز به‌رودخانهٔ هراز می‌پیوندد. راه اصلی این دو دهکده کنار همین‌آب است اما از پهلوی تونل اول نیز راهی سربالا به زیار می‌رود وپس‌از مسافت سه‌کیلومتر به هکدهٔ زیار می‌رسد. از دهکدهٔ زیار تا لاسم درحدود دو فرسنگ سنگین است. از لاسم راهی به دریاچه‌های تار و مومج[۳] دماوند است که باگذشتن از گردنهٔ انگمار[۴] می‌توان به این دودریاچه رسید. ازلاسم راهی به فیروزکوه است که ازدهکده‌های قزقانچای می‌گذرد و به‌این‌ترتیب به فیروزکوه می‌رسد:

رزمون[۵]، وزنا[۶]، نجفدر[۷]، بهان، آسور، اندریه، ارجمند، وشتان[۸]، علی‌آباد، سوله‌بن، دوآب شهرآباد، فیروزکوه.

از لاسم راهی قدیمی به دهکدهٔ نوا می‌رود. این راه ازگردنهٔ املا[۹] می‌گذرد. در املا امامزاده قوام‌الدین‌بن سیدجلال الدین اشرف‌بن امام‌موسی الکاظم و گورستان قدیمی آن قابل بررسی است.

۱ـ ده ازدهستان بالالاریجان بخش‌لاریجان شهرستان‌آمل، دوازده‌کیلومتری جنوب رینه(فرهنگ جغرافیایی ایران،ج۳). ۲ـ بکسرسین،ده ازدهستان بالالاریجان بخش لاریجان‌شهرستان آمل،چهارده‌کیلومتری جنوب رینه (فرهنگ جغرافیایی ایران،ج ۳). ۳ـ بفتح میم دوم. ۴ـ بکسر گاف. ۵ـ بفتح راء و سکون زاء. ۶ـ بفتح واو وسکون زاء. ۷ـ بفتح نون وجیم وسکون‌فاء وفتح دال. ۸ـ بضم واو. ۹ـ بفتح الف وسکون میم.

امامزاده هادی بن موسی بن جعفر علیه‌السلام در دهکدهٔ زیار از دهکده‌های بالا لاریجان

بنایی است هشت ترك باگنبدی کلاه‌درویشی. بنا از داخل نیز هشت‌ترك است و گنبدی عرقچینی‌دارد (عکس شمارهٔ ۲۱۹). صندوقی چوبین ساده در وسط بناست.

امامزاده عبدالله بن موسی بن جعفر علیه‌السلام در دهکدهٔ زیار بالا لاریجان

بنایی است با همان‌مشخصات‌امامزاده هادی بن‌موسی بن جعفرعلیه‌السلام (عکس شمارهٔ ۲۲۰).

گورستانهای گبری

گورستانهای قدیمی درمراتع زیورکوه، بهین‌کوه، میانرود و خرابه خـوندسر است.

آبشار شیخ علی‌خان

این آبشار میان آبادی زیار و مرتع بزم واقع‌است وبلندی آن درحدود چهل متر است ومقدار ده سنگ آب آن به رودخانهٔ زیار می‌پیوندد.

کتیبه‌ای میان زیار ولاسم

میان زیار ولاسم رودخانهٔ کوچکی است که به‌آب مرارمعروف است. درکنار این رودخانه دوسنگ بسیار بزرگ بدهم متصل‌اند. برسنگی یك‌تن شکارچی باتفنگ و کلاه ظل‌السلطانـی است کـه روی اسب سوار است و شکاری در جلـو او زانـوزده

است و این ابیات براین سنگ حك شده است :

« بخ‌بخ این ماء سبیل است می‌کند اینجا گذار

یـا که زینها گشت پیـدا قدرت پروردگار

خوش بود اینجا سماور بـا کباب و یارو می

گه ببوئی گه بنوشی گه خوری گوشت شکار

سید غلامعلی لاریجانی .»

سیدغلامعلی اصلاً نیاکی بوده وپسران او در «رزکهٔ» آمل بد نام «نیاکیان» تا امروز هستند .

پلهای‌قدیمی بر روی رودخانهٔ لاسم

اعتمادالسلطنه می‌نویسد :

« برروی رودخانهٔ لاسم ازقدیم‌الایام پلهایی از سنگ وگچ بسته‌اند.» [۱]

پاره‌ای از این پلها وآثار آنها تا امروز برجای است .

امامزاده احمدرضا در دهکدهٔ لاسم از دهکده‌های بالا لاریجان

محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه دربارهٔ این امامزاده چنین نوشته است :

« امامزاده‌ای در لاسم است مشهور به احمدرضا،گنبدی ازگچو آجر دارد ، لوزی الشکل ، ضریح امامزاده از چوب است. ازدرکه وارد می‌شویم سمت در به‌ضریح آیةالکرسی نوشته شده ، طرف مقابل این کلمات نوشته شده :

۱ـ کتب کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی،ج ۲ ، شمارهٔ۷۲۶ ، ص۳۴ب .

هذه العمارة المبارکه و روضة المتبرکـه المزار المغفور المبرور المرحـوم السعید الشهید بن حماران قدس الله العزیز . در چند پارچه چوب دیگر که بین الکتیبتین پایین و بالا عمود است این کلمات نوشته شده است :

صدهزاران بشارت و مغفرت بروح روان او واصل کن عمل محمدعلی نجّار فی تاریخ ماه مبارك ربیع الاول سنة احدی وعشرین وثمانمائه. الله بر نـویسندهٔ این رحمت کن کاتب حسین بن اسکندر و بر ناظم این رحمت کن. در سایر اضلاع ضریح آیات قرآن است . »[1]

آنچه به نظر نگارنده، از این امامزاده رسید به این شرح است :

نام امامزاده به مرور ایام « احمدرضاکریم» شده است . بنایی است هشت ترك که هر ترك آن ۱۹۳ سانتیمتر است وبام آن گنبدی کلاه‌درویشی است (عکس شمارهٔ ۲۲۱) . بنا از داخل نیز هشت‌ترك است وگنبدی عرقچینی دارد . در ورودی اصلی دو لنگه است. بلندی آن ۱۴۰ وپهنای هر لنگه ۴۰ سانتیمتراست(عکس شمارهٔ ۲۲۲) . این عبارات بر این دولنگه دیده می‌شود :

« عمل استاد افراسیاب،

ابن استاد علی نجّار معروف بلارجانی .

در مسجد بهـرزه باز مکـن چون‌درایی بجز نماز مکن .»

صندوقی در وسط بنای اصلی، مرقدرا پوشانده است. این آیات وعبارات بر آن خوانده شد:

برحاشیهٔ بالای بدنهٔ شمالی آیة‌الکرسی بدین ترتیب حك شده است :

« الله لااله الاهوالحی القیوم ـــ تاـــ من ذا الذی یشفع .»

۱ـ کتب کتابخانهٔ بیوتات‌سلطنتی، ج۲،شمارهٔ ۷۲۶،ص ۳۴ب و۳۵ الف .

برحاشیهٔ پایین همین بدنه:

« عنده الا باذنه ـ تا ـ الا بعلمه وسع .»

برحاشیهٔ بالای بدنهٔ شرقی عبارات زیرحك شده است :

« امرهذا الصندوق ادریس‌بن‌صالح .»

بر بدنهٔ جنوبی صندوق عبارات زیر است :

« هذه العمارة المبارکه وروضة المتبرکه المزار المغفور المبرور المرحوم السعیدالشهید بن خیاران قدس‌الله‌العزیز .»

برهمین بدنه :

« کاتب‌خسروبن‌اسکندرطلب رحمت‌کن عمل محمدبن علی بابو نجّار.»

منبری چوبین دراین بقعه است‌که این‌کتیبه برآن حك شده است :

«الله محمد علی فاطمه حسن وحسین یاقاضی‌الحاجات وقف امامزادهٔلاسم نمود ۱۲۱۵ .»

برتخته پاره‌ای‌که بر دیوار امامزاده نصب بود ، باخط متوسط نسخ آیـاتی از ابتدای سورهٔ مبارکهٔ یس تاانتهای آیهٔ یازدهم حك شده است (عکس شمارهٔ ۲۲۳) .

تکیه‌ای قدیمی
در دهکدهٔ لاسم

نزدیك امامزاده و طرف جنوب آن ، تکیهٔ بزرگ قـدیمی است . پنجره‌های ارسی آن که تعداد آنها هم زیاد بود جلب نظر می‌کرد (عکس شمارهٔ ۲۲۴).

خانه‌ای قدیمی
در دهکدهٔ لاسم

خانه‌ای قدیمی و بزرگ در دهکدهٔ لاسم است که روی در خرابی دارد. بر دیوارهای اطاقهای مسکونی طبقهٔ دوم این خانه گچ بریهای جالبی دیده می‌شود (عکسهای شمارهٔ ۲۲۵ و ۲۲۶ و ۲۲۷).

قلعه‌ای قدیمی
بر بالای کوه انگمار[۱]

اعتمادالسلطنه می‌نویسد:

«کوه مرتفع برفی سخت سنگی که موسوم به انگمار است از قرار گفتهٔ شکارچیها قلعه‌ای قدیمی در این کوه است که آن قلعه هم موسوم به قلعهٔ انگمار است.»[۲]

کتیبه‌ای بر سنگ
در کنار چشمهٔ انگمار

در کنار چشمهٔ انگمار، تخته سنگی است که این بیت بر آن حك شده است:

«انگمار است سلسبیل و جنت المأوا الزور
حیف از اینجا نیست غلمان حیف از آنجا نیست حور.»

قلعهٔ گلندان[۳]
در املاء[۴]، سر راه لاسم به نوا

بر سر راه قدیمی لاسم به نوا در اراضی معروف به املا آثار قلعه‌ای قدیمی به نام

۱ـ بفتح الف وسکون نون وکسر گاف. ۲ـ کتب کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی، ج ۲، شمارهٔ ۷۲۶، ص ۳۵ الف. ۳ـ بکسر گاف وفتح لام و سکون نون. ۴ـ بفتح الف وسکون میم.

گلندان است . این راه ظاهراً درقدیم آمدورفتی داشته وآبادان بوده است. گمبوجی زیر قلعه، سرخیابان پای چشمهٔ طرف نوا است .

امامزاده قاسم‌بن حسن‌بن موسی‌الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ اسك[1] ازدهکده‌های بالالاریجان

بنای‌اصلی مسجدی‌است که مرقدی باصندوق مشبك‌تازه‌سازی درمیان آن است. در ورودی مسجد ومزارشرقی‌است. مصالح‌بنا سنگ وگل وگچ و بام‌آن گل‌سری‌است.

خانهٔ امینی

در اسك خانه‌های قدیمی نسبةً زیاداست ازآنها می‌توان خانهٔ امینی رانام برد که پنجره‌های ارسی وگچ‌بریهای‌آن قابل ملاحظه است (عکس شمارهٔ ۲۲۸) .

امامزاده یحیی در بالامحلهٔ دهکدهٔ اسك

بنایی تازه‌ساز است‌که‌آقای موسی‌گودرزی‌به جای‌بنای قدیمی ساخته است . سروی‌کهنسال نزدیك بقعه است . مسجدی ساده وبی‌پیرایه دارد .

مسجدجامع[2] اسك ومرقد امامزاده علی‌عسکر

بنایی است مستطیل‌شکل‌که شش فیلپا دردو ردیف درطول آن ساخته ودوازده

۱ـ دهکدهٔ اسك شامل محلات زیراست : درزی‌محله، قادی‌محله ، رئیس‌محله، کلاری‌محله، تیرگرمحله، دهل‌محله، باعث‌محله، امیرمحله. نام‌این محله‌ها به‌نام خاندانهایی است‌که درآنجا زندگی می‌کنند . کتب‌کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی، ج۲، شمارهٔ۷۲۶: ص ۳۰ الف ودرص ۳۰ ب،شرحی ازخاندانهای اسك دارد .

۲ـ مسجدجامع که منضم به تکیه است ازبناهای حاجی‌کاظم‌نام ازطایفهٔ درزی یکصدوبیست‌سال است که‌بنا شده . کتب‌کتابخانهٔ بیوتات سلطنلی، ج۲، شمارهٔ۷۲۶، ص۳۰ب،این مطالب را اعتمادالسلطنه‌در سال ۱۲۹۶در رکاب ناصرالدین‌شاه نوشته است .

طاق بر این فیلپاها ودیوارهای اطراف زده‌اند . ازداخل سفیدکاری است وازخارج گچ رابا دست مالیده‌اند . مصالح اصلی بنا سنگ وگچ است . مرقد امامزاده دروسط بنای مسجد است .

امامزادهٔ دیگری دردهکدهٔ اسك به‌نام « امامزاده‌محمد» است که بنایی ساده با ایوانی جلوآن است وبام هردو، گل‌سری است .

امامزاده علی‌بن‌عبدالله[1] معروف به فشنك‌آقا[2]

دراراضی پشنك دهکدهٔ اسك ازدهکده‌های بالا لاریجان

شجرهٔ این امامزاده بر تخته‌پاره‌ای باخط خوش‌نستعلیق، بسیارظریف بدین شرح کنده‌کاری شده و در دست متولی بود :

«علی بن عبدالله بن محمد بن حسن بن حسین بن طیمر بن امام الهمام زین العابدین بن حسین الشهید بن اسدالله الغالب مطلوب کل طالب امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه‌السلام شرف اختتام یافت» (عکس شمارهٔ ۲۲۹) .

درمقدمهٔ این شجره ظاهراً تاریخ بنای امامزاده بوده است .

بنای اصلی بقعه ازداخل وخارج هشت‌ترك است (عکس شمارهٔ ۲۳۰) . جلودر ورودی اصلی پیش‌صحنی یا کفش‌کنی‌است . در ورودی کفش‌کن و بقعه شمالی‌است . سقف‌بنا گنبدی عرقچینی وبام‌آن‌کلاه‌درویشی‌است. ازداخل وخارج سفیدکاری دارد و مصالح‌اصلی بنا سنگ وگچ است. همسر امیرمکرم‌لاریجانی معروف‌به «خاورخانم» در درگاه ورودی صحن مدفون است .

۱ــ نام‌این امامزاده‌را اعتمادالسلطنه علی‌عسکرذکر کرده است. کتب بیوتات‌سلطنتی، ج۵، شمارهٔ ۷۲۶، ص۳۰الف.

۲ــ بکسرفاء وسکون‌شین وفتح‌نون وسکون‌کاف، چون بنای‌این امامزاده در مزرعهٔ پشنك است به این نام معروف شده است .

بقعهٔ دیگری در اراضی پشنك اسك به نام امامزاده‌جعفراست که پیش‌صحن یا مسجدی جلو در ورودی است. درمسجد ودربقعه شمالی است . بنای اصلی ازداخل و خارج هشت‌ترك است. سقف‌بنا گنبدی عـرقچینی و بـام بنا کلاه‌درویشی است (عکس شمارهٔ ۲۳۱) .

بقعهٔ دیگری درهمین مزرعه به‌نام امامزاده‌شیرین است‌که معروف‌است خواهر امامزاده علی و امامزاده جعفراست . بنایی‌است محقر که ایوانی رو بـه‌جنوب دارد . طرف شمال‌شرقی بقعه‌به‌کوه متصل‌است . اهالی معتقدندکه شیرین دراینجا غیب شده‌و نظیر قصهٔ بی‌بی‌شهربانو را برای او ذکر می‌کنند .

باغ عباس‌آباد

این باغ در دهکدهٔ اسك به‌دست عباسقلی‌خان لاریجانی‌امیرمکرم احداث شد . محل‌تفریح و تابستان‌نشین اوبود . ساختمانی هم داشت‌که فعلاً یکسره خراب شده واز میان رفته است. جد امیرمکرم را در امامزاده‌ابراهیم‌آمل به خاك سپرده‌اند .

غار اسك

این غارکه ازطویلترین غارهای ایران است، بالای نخستین‌تونل راه هرازقرار دارد . طول غاردرحدود ۴۵۰ مترو‌پهنای‌آن درپاره‌ای جاها به‌ده‌متر می‌رسد . اوایل غار چاهی‌است‌که درحدود سی‌مترعمق دارد . چهارصد مترکه ازدهانهٔ غارپیش رفتیم به‌کوره راهی می‌رسد ودنبالهٔ‌غارپنجاه متردیگرپس‌ازاین‌کوره‌را ادامه‌پیدا می‌کند .[۱]

۱ـ برای اطلاعات بیشتر ن.ك. به‌مجلهٔ خواندنیها، سال دوازدهم، شمارهٔ ۴۳ شنبه‌پنجم بهمن ۱۳۳۰ . مجلهٔ نیرو وراستی سال پنجم ، شمارهٔ ۱۵۵ ، چهارشنبه۲۸ مردادماه۱۳۲۶ . کتب کتابخانهٔ‌بیوتات سلطنتی، ج۲، شمارهٔ ۷۲۶، ص۳۱الف، شرحی دربارهٔ این غار دارد .

کافر کلی

در نقاط مختلف بالالاریجان در میان بندها و پرتگاهها اطاقهایی درسنگ تراشیده‌اند . در هیچیك از نقاط ایران این اطاقها تااین حد متمرکز نیستند . این اطاقها ازکوه‌کاروان درشمال دهکدهٔ اسك شروع می‌شوند وبه زیربرج بیامه‌سی ختم می‌گردد. دردره‌های فرعی نظیردرهٔ نیاك نیز این اطاقها ساخته شده‌اند. اغلب آنها به‌نام «کافر کلی» یعنی «غار کافر» خوانده می‌شوند .اعتمادالسلطنه دربارهٔ کافر کلی اسك چنین نوشته است :

«سمت شمال اسك محدوداست به‌کوه کاروان که‌کوهی بی‌دامنهٔ تندی است مشابه دیوار وازبنیان این‌کوه تقریباً تا دوثلث‌آن مغاره‌های بزرگ مصنوعی‌و سوراخهائی که دست انسان‌باکلنگ‌کنده‌است دیده می‌شود. تقریباً ۲۰۰الی ۲۵۰سوراخ‌است .آنچه به‌نظرمن می‌آید وباید همین‌طورازروی تخمین باشد در سوابق ایام وقتی‌که اهالی این‌بلد مذهب زردشتی داشته ، دخمهٔ اموات بوده . اگر چه عقیدهٔ اهل بلد اینست که سکنهٔ سابق اینجا این مواضع را کنده بودند برای خودشان . این حدس صائب‌نیست شاید شق اول صحیح باشدوحالاآنچه دسترس‌است وممکن است‌گوسفندآنجا برود زاغه‌کرده‌اند. آنچه قدری‌بلند است وگوسفندنمی‌رود وآنچه‌با نردبان انسان صعودمی‌کند آذوقهٔ گوسفند می‌گذارند . آنچه هیچ نمی‌شود رفت به حالت اولیه باقی است. اگر صعود بواسطهٔ طناب وغیره‌کنند محتمل است استخوان آدم پیدا شود واین قسمت شمال به تفصیلی‌که مذکورشد فی‌الواقع ریشهٔ دماوند است به این معنی‌که از یك راه صعب‌المسلکی با سرازیری بسیار تند ویك دربند تنگی که درآن دربند هم ازاین دخمه‌ها زیاد است راهی است که

به قریهٔ رینه می‌رود وخود رینه وصل به ریشهٔ دماوند است. ازجلگهٔ رینه تقریباً سه هزار قدم‌که پایین می‌آیند به دربند سنگی تنگی می‌رسند که ابتدای آبادی اسك از اینجا شروع می‌شود.»[1]

کافرکلیهای دیگر بالا لاریجان

از کافرکلی اسك که بگذریم ودر امتداد رود هراز رو به‌شمال حرکت‌کنیم در کنار راه و دره‌های فرعی دست چپ ودست راست‌آب کافرکلیهای زیر را می‌بینم :

۱ـ در تنگهٔ پهلوی اسك به‌نام تنگهٔ سرره (عکس شمارهٔ ۲۳۲).[2]

۲ـ در نیم کیلومتری این تنگه داخل تنگهٔ دست چپ یك ردیف شش‌تایی .

۳ـ در تنگهٔ دیگری پایین‌تراز این تنگه کافرکلی تکی بغل‌کوه است .

۴ـ در تنگهٔ آنمنون در طرف چپ هراز روبروی درهٔ نیاك درآخر تنگه، سه کافرکلی است یکی طرف چپ ویکی طرف راست ویکی در میان آن دو .

۵ـ کمی پایین‌تراز این تنگه، دربند وپرتگاه دست‌چپ آب هراز یك ردیف ده عددی است . (عکس شمارهٔ ۲۳۳) .

۶ـ داخل درهٔ نیاك پشت انجیلا، ده عدد نامنظم پهلوی یکدیگر است .

۷ـ در درهٔ نیاك زیر راه نوا، چهار عدد پهلوی یکدیگر .

۸ـ کافرکلی تکی انهه در دهکدهٔ انهد .

۹ـ ردیف کافرکلیهای مون (عکس شمارهٔ ۲۳۴) .

۱۰ـ درپرتگاهی که پایین برج بیامه‌سی است سه عدد جدا از یکدیگر.

دمرگان در مطالعهٔ بالالاریجان طرحهای داخلی بعضی ازاین‌کافرکلیها را داده

۱ـ کتب‌کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی،ج ۲، شمارهٔ ۷۲۶ ، ص۲۹ الف .

۲ـ بفتح سین و کسر راء اول وفتح راء دوم .

است ولی معلوم نکرده که متعلق به‌کدام است .

رینه

رینه از دهکده‌های آباد بالا لاریجان است و به محلات زیر تقسیم می‌شود : سالارمحله ، موشامحله ، خیرمحله [۱] ، کریم‌محله ، قرقشه‌محله [۲] ، بایه‌محله ، فرامرز محله، خسین‌محله [۳] ، قصاب‌محله ، مسیرمحله [۴] ، ابیاک‌محله [۵] ، مهمیدمحله [۶] ، (شاید محمود) ، کردمحله .

محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه محلات رینه را بدین ترتیب یادکرده است:

« سالارمحله مرکب است ازسه محله : سالارمحله، گرجی‌محله، احمدان‌محله. چالکامحله ، کفشگرمحله ، بایه‌محله ، کردمحله، منصورمحله ، خمسین‌محله ، فرامرزمحله ، عرب‌محله ، قصاب‌محله ، این پنج محله جزء کردمحله هستند.» [۷]

خاندانهای زیر در محلات مختلف این دهکده زندگی می‌کنند :

کیاسالار ، موشائی ، خاندان محمدشاهی از کرمانشاهان آمده‌اند. گروهی که در رینه ساکن شدند جزء طایفهٔ ملابشمار آمدند دسته‌ای که به موشا رفتند جزء طایفهٔ برزگر شمرده شدند و جمعی که به‌آمل آمدند جزء طایفهٔ کفشگر شدند . کردهـی کردمحلهٔ رینه ازکردکوی گرگان بدینجا آمده‌اند. خاندان فرامرزهم از زابل‌سیستان بدینجا روی‌آورده‌اند. خاندان خسین خود را ازنسل خسروپرویز می‌دانند . خاندان قرقشه ازلار به رینه کوچ کرده‌اند . در اصل دو برادر بودند یکی به رینه و دیگری

۱ـ بفتح خاء و کسرياء . ۲ـ بفتح‌قاف وسکون راء وفتح قاف‌دوم وکسرشین .

۳ـ بفتح خاء . ۴ـ بفتح میم . ۵ـ بفتح الف . ۶ـ بفتح میم وسکون‌هاء.

۷ـ کتب‌کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی، ج۲ ، شمارهٔ ۷۲۶، ص ۳۱ب .

به لار فارس رفت . خاندان بابه (بائی) از سوادکوه‌اند و در رینه ساکن شده‌اند .

طایفهٔ قصاب از اعراب کوچ کننده بودند که در رینه مقیم شده‌اند . خاندان خیر در نوشته‌ها واسناد «خزر» خوانده می‌شوند .

خاندان ابیاك هم از اعراب هستند. خاندان سالارکیا ، خاندان اصلی وبومی رینه است .

امامزاده محمدطاهر
در اراضی امامزاده‌سر رینه

بنای اصلی بقعه از خارج و داخل هشت‌ترك است . بام‌آن کلاه‌درویشی است و از داخل گنبدی عرقچینی دارد . در ورودی اصلی بقعه شرقی است‌که درمسجدی باز می‌شود. در درازای مسجد، در وسط، پنج‌ستون چوبین است که بر بالای آنها فرسبی[1] کشیده‌اند .

طاق مسجد پلورکشی است ، پلورها چهارنبش است وبـردیوارهای دو طرف و فرسب میانی متکی‌است. بالای پلورها، پل‌کوبی بادرزپوش است . علمی نظیرعلمهای تهران در مسجد بود ولی زیاد قدیمی به‌نظر نرسید. مسجد دارای‌ایوانی ساده باهشت ستون چوبین‌است.درحرم بقعه صندوقی‌مشبك‌قدیمی‌است که‌سه‌طرف‌آن برجای‌است و یك‌بدنهٔ دیگر آن را به سرقت برده‌اند .

امامزده یحیی
در مسیرمحلهٔ رینه

بنای اصلی بقعه گل‌سری‌است‌که هفت‌پله ازکف دومسجدزنانه و مردانه بلندتر است . سقف بنای اصلی بقعه وسقف مسجدها پلورکشی وپل کوبی است .

۱ـ بفتح فاء وراء وسکون سین وباء . حمال ودوش‌کش را گویند .

امامزاده حمزة بن موسی بن جعفر علیه‌السلام
در کریم‌محلهٔ رینه

بنای اصلی بقعه از خارج هشت ترك با گنبدی کلاه درویشی واز داخل چهار-گوشه با گنبدی عرقچینی‌است. درهرضلع بقعه ازداخل دوطاقنما باطاق‌هلالی‌است که یکی داخل دیگری است. درها وصندوق بقعه تخته‌ایست وکنده‌کاری ندارد. بقعه را ازکاشیهای نقش‌دار دوران‌قاجاری فرش کرده‌اند. بنای‌بقعه مشرف برتکیه ودرجنوب مسجد جامع است . وسط تکیه تختی است ومنبری برآن است .

مسجد جامع رینه

بنای مسجد جامع قدیمی‌است . در درازای بنا دوفیلپا در وسط بنا ساخته‌اندو شش رواق با طاقهای گنبدی به وجود آورده‌اند . قبل‌از ورود به مسجد ، به مأذنه‌ای بـرمی‌خوریم که از سنگ وگچ ساخته وحلب‌پوش کرده‌اند . مصالح بنای مسجد نیز سنگ و گچ است .

قلعهٔ لوندر
در رینه از دهکده‌های بالا لاریجان

سید ظهیرالدین مرعشی دربارهٔ این قلعه می‌نویسد :

« سیدفخرالدین‌پس‌از تسخیرقلعهٔ کارو(کهرود) متوجه تسخیرلارجان وقلعهٔ لوندر گشت . کیاحسن‌کیای‌ضماندار، به قلعه متحصن شد و بنیاد عنادوتمرّد نمود ومطلقاً نصیحت قبول نکرد.اما مردم لارجان را عطایا وموهباب فریفته گردانید واکثر تابع وفرمانبردار گشتند و برابر قلعهٔ لوندر در موضع رینه، قلعه‌ای دیگر بنیادکردند و به زمان‌اندك به‌اتمام‌رسانیدند وچندنفر ازموافقان دولت خودرا باسردار نیاك بازگذاشتند و به‌قلع وقمع جمع‌لارجانی که موافق

کیاحسن کیا بودند اقدام نمودند وخود متوجه کجور گشتند و چون مـدت شش‌ماه برآن بگذشت، کیاحسن کیا امان طلبید وقلعه‌را تسلیم نمود و اورا از قلعه بیـرون آوردند وبه آمل جای دادنـد و قلعه را به کوتوالان لایق سپردند وقلعهٔ رینه‌که جهت تسخیر لوندر ساخته بودند خراب‌کردند وآثار آن هنوز باقی است . »[1]

کلماتی باخط کوفی
برلوحه‌ای سنگی میان راه رینه به پلور

محمدحسن‌خان‌اعتمادالسلطنه‌که‌درسال۱۲۹۶در رکاب ناصرالدین‌شاه به رینه‌و سایر دهکده‌های بالا لاریجان رفته‌است ، کتیبه‌ای به‌خط کوفی برسرراه رینه به‌پلور دیده ودر بارهٔ‌آن نوشته است:

« از قریهٔ رینه‌که به پلور می‌آیند، دروسط راه‌گردنه،کنار راه واقع شده. درسر این راه لوحی به‌خط کوفی برپارچه‌سنگی منقور بوده . بمروردهور بواسطهٔ زلزلهٔ یاعوارض دیگر،این پارچه‌سنگ محکوك، ازجای‌خود جدا شده،غلطیده،سیصدچهارصدذرع پایین‌افتاده‌است وشکسته‌است.آنچه دراین لوح باقی‌مانده‌بعینه در صفحهٔ ۲۱ نقـل شده. چون این‌لوح درکنار راه بـوده ، بنابراین لـوح اسم بانی ندارد .»[2]

۱ـ تاریخ‌طبرستان‌و رویان‌و مازندران، ص ۲۹۰ .

۲ـ کتب کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی، ج ۲ ، شمارهٔ ۷۲۶، ص۳۱ب .

پلی از سنگ معروف به پل مون
برسر راه نیاك در راه قدیم هراز

پلی ازسنگ ، برروی رودخانهٔ هراز ، برای رفتن بـه نیاك وسایر دهکده‌های مجاور آن ساخته‌اند. پال شرقی این پل تاجناق طاق شانزده متر ویال غربی آن تاجناق طاق چهارده متراست. پهنای اصلی پل دومتروبا درنظرداشتن جان‌پناهها ۲۴۵سانتیمتر است . بلندی جان‌پناهها ۴۰ تا ۵۰ سانتیمتر و بلندی پل ازسطح سنگ‌چین که محل عبوراست تا سطح آب، ۶۶۰ سانتیمتر است . پایهٔ غربی پل برکمری بـزرگ استوار است وپشت آن را سنگ‌چین کرده‌اند وخاکریز نموده‌اند. پایهٔ شرقی را تا جایی که در آب قرار می‌گیرد، ازسنگ رودخانه وساروج وقسمت بالا تر راازسنگ‌وگچ چیده‌اند و طرفین پل‌را با گچ غربالی سفید کرده‌اند (عکس شمارهٔ ۲۳۵).این پل درحدودپنجاه سال قبل به خرج حاجی آقا رضانیاکی ساخته شده است .

باقی بناها وآثار تاریخی مون واطراف آن

۱ـ قلعه‌ای قدیمی میان مون و انبه‌که آثاری ازآن باقی‌است . این‌آثار برسر گردنهٔ گمدگلی[1] است .

۲ـ چهاردرویش دردهکدهٔ مون .

۳ـ تونلی قدیمی میان نیاك ومون سمت راست رودخانه .

۱ـ بکسر گاف وفتح‌میم و گاف دوم.

قلا دوش

برکنارهٔ راست آب هراز نزدیك تخته پل نیاك

از تخته پل نیاك که به‌طرف دهکده می‌رویم، سمت‌راست بربالای قله‌ای سنگی منفرد وکوتاه آثار قلعه‌ای قدیمی‌است. این قلعه‌دارای سه زاغه‌بوده‌که دوتای آنها رو به غرب ویکی رو به جنوب است .

بقعهٔ درویش تاج‌الدین‌حسن‌ولی

در دهکدهٔ نیاك از دهکده‌های بالا لاریجان

بنایی است از داخل وخارج هشت‌ترك . برهریك از اضلاع داخلی طاقنمایی درازو باریك‌است ونورگیری‌کوچك درضلع قبلی‌است. سقف‌بنا ازداخل‌گنبدعرقچینی‌و از خارج کلاه‌درویشی است (عکس شمارهٔ ۲۳۶) . مصالح بنا سنگ وگچ است .

در ورودی بقعه در ضلع شمال‌شرقی است وکنده‌کاریهای بسیار ظریف دارد . این عبارات بردماغهٔ در نقرشده است :

«نذرحضرت زیارت‌پناه عدالت‌دستگاه معزالدولة والدین امیرحسین‌کیاابن المرحوم السعید الامیرالکبیر المتوفی بجوار الملك‌الولی سیفاً للحق و دولت (؟) امیرعلی خلدالله [ملکه‌الما]لی دوام دولته وعدالته وطاب‌ثراه فی‌عشرین‌شهرذوالقعدة سنةست وستین وثمانمائه عمل‌استادبایزیدابن‌استاد محمد نجّار جیلاردی»[1] (عکس‌شمارهٔ ۲۳۷) .

صندوقی چوبین مرقد درویش حسن‌ولی‌را پوشانده است. بربدنهٔ شرقی صندوق این عبارات حك شده است :

۱ــ عبارات کتیبه بهم ریخته وپریشان است .

«نذر کرد امیر اعظم امیر حسین بن امیر داود طاب ثراه فی تاریخ ماه محرم سنة ثمانة ستین و ثمانمائه.»

متصل به بقعهٔ درویش تاج‌الدین حسن مسجدی بزرگ و تازه‌ساز است. رختخوابهای متعدد و سماورهای مختلف را، برای رفع حاجت زوار، وقف این مسجد کرده‌اند. صندوقی نسوز بزرگ آهنین، برای تحف و هدایا، در این مسجد است که طایفهٔ نیاك آن را وقف کرده‌اند. این عبارات بر آن نوشته شده است:

«متعلق است به حضرت سید تاج‌الدین (سید حسن ولی) و این هدیهٔ ناچیزی است که از طرف طایفهٔ نیاك تقدیم گردید ۱۳۴۴.»

پشت قرآنی خطی نسبةً قدیمی، در مسجد درویش حسن ولی، مطالب زیر نوشته شده است:

«تاریخ غرس چنار کوچك در پیش روی تکیهٔ نیاك که سیادت‌پناه میر محمد شفیع ولد میر سعید نیاکی غرس کرد فی سنة ۱۲:۲۰۳ : »

تاریخ غرس چنار میان ده نیاك در پیش مسجد که سیادت‌پناه میر زین‌العابدین ولد میر عباس غرس نموده فی سنة ۱۲:۲۰۲ : »

سید علی = سید عالی

بقعه‌ای هشت ترك با گنبدی کلاه‌درویشی متصل به مسجد و بقعهٔ درویش تاج‌الدین حسن است (عکس شمارهٔ ۲۳۸). در ورودی آن داخل مسجد باز می‌شود. داخل بنا نیز هشت‌ترك است و گنبدی عرقچینی دارد. صندوق چوبین مشبك ساده مرقد سید را پوشانده است.

درویش سهراب

درجوار بقعهٔ درویش تاج‌الدین‌حسن، بقعهٔ دیگری به‌نام درویش سهراب‌است. بنایی است ازخارج‌وداخل هشت‌ترك(عکس شمارهٔ۲۳۹). بام‌آن‌گنبدی کلاه‌درویشی‌و سقف آن گنبدی عرقچینی است . در ورودی این بقعه شرقی است . صندوقی مشبك تازه‌کار مرقد درویش را پوشانده است . بنا از خارج‌و داخل سفیدکاری است .

امامزادهٔ عبدالله‌بن‌علی‌بن موسی‌بن جعفر علیه‌السلام در دهکدهٔ کنار انگام[1] از دهکده‌های بالا لاریجان

بنای اصلی بقعه مدور است وگنبدی کلاه درویشی دارد واز داخل هشت ضلعی است وسقف آن گنبدی‌عرقچینی است (عکس شمارهٔ ۲۴۰) . یك جا چراغی درکنج یکی ازاضلاع باگچ ساخته‌اند. صندوقی‌سادهٔ تخته‌ای مرقدراپوشانده‌است . مسجدی‌و ایوانی متصل به بقعه است .

بقعهٔ سید مصطفی وسید مرتضی متصل به‌بنای تکیهٔ‌این‌آبادی است. بنایی است گل‌سری باصندوقی چوبین ساده.

۱ــ بفتح الف ، کنارانگام دهکده‌ای است برسرراه نوا . درحدود سی‌وچهارخانوار تابستان‌نشین دارد که به‌خاندان : سادات‌حسنی واسحاق‌تبار تقسیم می‌شوند .

امامزاده یحیی بن موسی بن جعفر علیه‌السلام
در دهکدهٔ نوا[1] از دهکده‌های بالا لاریجان

اعتمادالسلطنه دربارهٔ امامزاده یحیی مطالب زیر را نوشته است :

« در نوا امامزاده‌ای دارد که اصل مزار روی تخته‌سنگ بزرگی است و گنبدی به شکل لوزی روی آن است . بتوسط چهار پله از مسجدی کـه دو ستون سنگی دارد به حرم امامزاده صعود می‌کنند. این مسجد سمت مغرب است و ازطرف سمت مشرق ایوانی است که بواسطهٔ یك در نیز داخل حرم امامزاده می‌شود . اسم امامزاده یحیی است .»[2]

سپس عباراتی را که بردرحك شده است نقل می‌کند .

نمای خارج بنا هشت‌ترك است با گنبدی کلاه‌درویشی و از داخل مدور است و سقف آن گنبدی عرقچینی است. تمام بنا، روی کمری یك پارچه ساخته شده و مرقد امامزاده را نیز درسنگ درآورده‌اند . صندوقی چوبین در میان بناست که پایه‌ای از سنگ وگچ دارد. درازای صندوق ۱۷۰ وپهنای آن ۷۵ وبلندی آن ۸۰ سانتمیر است. بربدنهٔ غربی آن این عبارات باخط نسخ متوسط حك شده است :

۱ـ خاندانهای چندی در دهکدهٔ نوا از قدیمترین ایام زندگی می‌کنند ونامهای این خاندانها از این قرار است: ۱ـ خاندان‌خان از نسل‌رضاقلی‌خان مستوفی که نسب‌او به‌امیر علیشیر نوائی می‌رسد. ۲ـ عاشق (بضم‌شین) که با طایفهٔ‌خان ارتباط دارند . ۳ـ خاندان ملا که از نسل ملامحمدشهرآشوب هستند. ۴ـ خاندان گودرز که خود را ازنسل گودرز کشواد می‌دانند . ۵ ـ خاندان درزی یا جامه‌گر . ۶ ـ خاندان جغتا ظاهراً بازماندگان نوکران امیرعلیشیروهمراهان‌اوهستند. ۷ـ خاندان‌بلالی. ۸ـ خاندان‌رئیس. ۹ـ خاندان‌باتب(بکسر تاء). ۱۰ـ خاندان جمال. تا جائیکه مورخان نوشته‌اند امیرعلیشیرنوائی را با این دهکدهٔ نوا ارتباطی نبوده است.

۲ـ کتب کتابخانهٔ بیوتات‌سلطنتی،ج۲،شمارهٔ۷۲۶،ص۳۸ب .

« هذه‌العمارة ازفرمودهٔ رئیس‌صالح‌حسین حماله عمل‌استاد محمود نجار در تاریخ سنهٔ تسع عشر و تسعمایه .»

بر بدنهٔ جنوبی‌صندوق با نوعی‌کنده کاری که خراش روی تخته است :

« بنا کنندهٔ این عمارت بایزید ابن‌حاجی جواد .»

صندوق ازچوب گردوست وسراسر قسمتهای آن‌کم وزبانه وقاب‌وآلت‌است واز نگاره‌های فراوان ترکیب شده است .

زیارتنامه‌ای بر سه پاره‌تخته که قابی چوبین دارد مورخ به سال ۱۳۰۰ با خط خوش نسخ و گل و بوته‌ای طرف‌راست و دوگل و بوته طرف پایین در امامزاده است.

مسجدی متصل به بنای بقعه است. دری دارد قاب وآلت که برپاسارها و باهوها کنده‌کاری ظریف است (عکس شمارهٔ ۲۴۱). بلندی‌آن از لبهٔ خارجی دوقسمت چهار- چوب ۱۹۰ وپهنای آن از دولبهٔ خارجی چهارچوب ۱۳۵ سانتیمتراست . این عبارات برکلگی چهارچوب حك شده است :

« این درمبارك بوجه سرکارمرحومه‌گلابی‌خانم صبیهٔ آصفجاهی میرزارضاقلی بعمل استاد آقابابا باتمام رسید سنهٔ ۱۲۱۷.»

امامزاده یحیی در محل معروف به «پیریاله» است واهالی کنارانگام در موارد اختلاف سامان ملکی بامردم نوا می‌گویند «سامان ما تا پیریالـه است» منظور ایشان بنای این بقعه است .

در دهکدهٔ نوا امامزاده‌های دیگری به نامهای: امامزاده زکریا وامامزاده اهل- علی وامامزاده عبدالله دیده شد که بناهایی مختصر وناچیز دارند .

تکیه و مسجد نوا[1]

در دهکدهٔ نوا تکیه‌ای بسیار بزرگ و قدیمی است. برجرزهای دوطرف طاقنماها گچ‌بریهای نسبةً ظریف است. بریکی از جرزها کلمات زیر خوانده شد:

«عمل کمترین قربانعلی جغتائی ــ کتبه مشهدی‌حسین روضه‌خوان.»

قلا پیش و قلا میرك

دو قلعهٔ قدیمی در دهکدهٔ نوا

نام‌اصلی «قلاپیش» قلعهٔ شروین بوده‌است‌که درمغرب‌آبادی نوا ساخته بوده‌اند. زمینهایی به‌نام «قلامیرك» تا امروزمعروف ومشهور است. تا چندی پیش برج وباروی هر دوقلعه برقرار بود. امروز از آنها نشانی برجای نیست.

نوا مولد سه تن از شاهزادگان‌قاجار

میرزاحسن‌خان اعتمادالسلطنه می‌نویسد:

«نوا مولد سه نفر از شاهزادگان بزرگ قاجار: عباس میرزا، محمدعلی ــ میرزا، محمدقلی میرزا است.»[2]

پشت یکی ازقرآنهای وقفی‌درموزهٔ‌آستانهٔ حضرت‌معصومه سلام‌الله‌علیها عبارات زیر دیده شد:

۱ــ محلات دهکدهٔنوا ازاین قرارند: ۱ــ جغتائی‌محله. ۲ــ عاشق‌محله (بضم‌شین). ۳ــ ملامحله. ۴ــ گودرز محله. ۵ــ جمالمحله. ۶ــ باتب‌محله (بفتح تاء) ۷ــ بیلی‌محله (بکسر باء وسکون یاء) ظاهراً بلالی‌محله. ۸ــ رئیس‌محله. ۹ــ حمزه‌محله. ۱۰ــ درزی‌محله. ۱۱ــ پیرعلی (پیلالی) محله. ۱۲ــ قرامحله. ۱۳ــ هواله‌محله (بفتح هاء).

۲ــ کتب کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی، ج۲، شمارهٔ ۷۲۶، ص۳۲ب.

« خداوند عالم در قصبهٔ نوا درسنهٔ ۱۲۰۳ پنج اولاد ذکور به خاقان مغفور مرحمت فرمود :

نـواب محمدعلی‌میرزا از زن‌گرجیهٔ تفلیسیه ۷ شهر ربیع‌الثانـی ۱۲۰۳ .

نواب محمدقلی‌میرزا ۲۳ شهر رمضان از دختر محمدخان دائی قوانلو دائی آقا محمد خان ۱۲۰۳.

محمدولی‌میرزا غرّهٔ ماه شوال از دختر اصفهانی ۱۲۰۳.

نواب‌عباس‌میرزا چهارشنبهٔ۴ذی‌حجةالحرام ازصبیهٔ فتحعلی‌خان دولو۱۲۰۳.

نواب حسینعلی‌میرزا روزعیداضحی از صبیهٔ محمدجعفرخان عرب بسطامی ۱۲۰۳. »

صاحب روضةالصفای ناصری نام این شاهزادگان را چنین یاده کرده است :

شاهزاده نایب‌السلطنه عباس‌میرزا در چهارشنبه ذی‌حجهٔ سال۱۲۰۳ درقصبهٔ نوا از بطن صبیهٔ محترمهٔ فتحعلی‌خان قاجار دولو، برادر جان‌محمدخان و در سال ۱۲۴۹ رحلت کرد. شاهزاده محمدقلی‌میرزا پسرسوم فتحعلی شاه در شب‌هفتم ربیع‌الثانی۱۲۰۳ درقصبهٔ نوا متولدشده، والده‌اش صبیهٔ محمدخان قوینلوخان خاقان شهید وهمشیرهٔ امیرکبیراعتضادالدوله سلیمان‌خان قاجار بوده .»[1]

نقوش وخطوط سیاه‌کوه و قبله کَتو[2] در آزوی نوا

درآخر درّه نوا خرابه‌های دامنه‌دار و وسیعی به نام «آزو»است‌که نشان‌می‌دهد روزگاری آبادی بزرگی در اینجا بوده است . بر سر راه این آبادی ابتدا به اراضی

۱ـ روضةالصفای‌ناصری، ج۹،ص۳۴۲.   ۲ـ بفتح کاف .

سیاه‌کوه و پس‌از آن در غـرب این خرابه‌ها به‌گلردی[1] به‌نام «قبله‌کتو» برمی‌خوریم .
دراین دونقطه نقوش‌وخطوطی‌است‌که ما تمام‌آنها را تقریباً بررسی‌کرده‌ایم. اعتمادـ
السلطنه ظاهراً درسال ۱۲۹۸ هـ. ق. به دوپاره از این سنگها برخورده واین شرح را
دربارهٔ آنها نوشته و رونویسی از آنها تهیه‌کرده است .

صورت خطوط سنگهایی که در نواست[2]

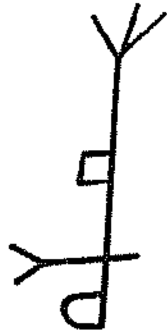
سنگی است کـه این چند کلمه درآن به این شکل :

در سنگ دیگر این چند نقش بود :

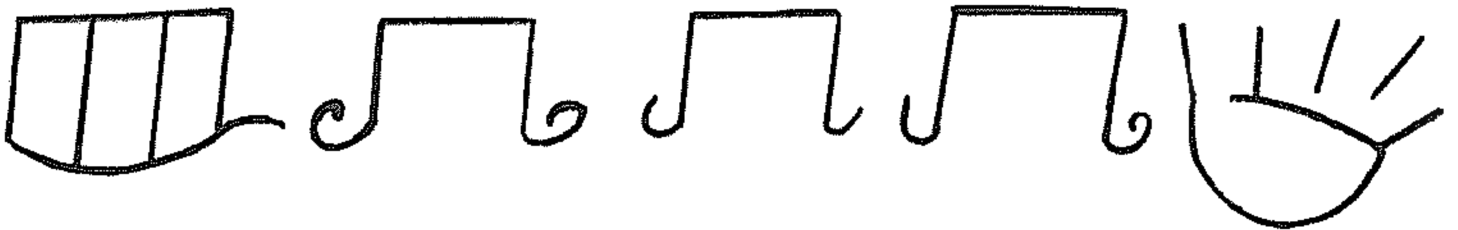
اما آنچه که مامطالعه و بررسی کردیم :

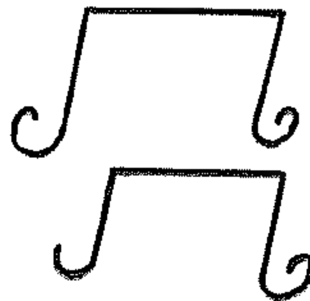
برسنگ اول درابتدای درّهٔ سیاه‌کـوه نقوش بزو میش‌کوهی و دو نقش بدیـن
ترتیب بود :

۱ـ گلرد(بفتح گاف ولام) و ولرد(بفتح واو ولام) به قسمتی ازکوه گویندکه سنگهای بزرگ درآن فروریخته یاغلتیده وجمع‌شده‌باشد . ۲ـ کتب‌کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی، ج۲، شمارهٔ ۷۲۶،ص۳۲ب .

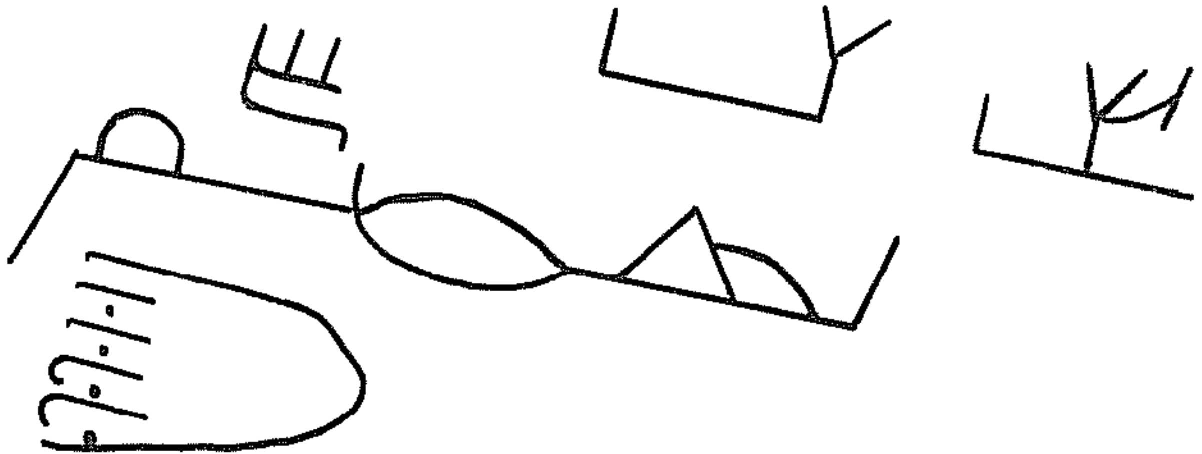



برسنگی که در دوراهان آزو متمایل افتاده بود، نقوش زیر نقر بود :

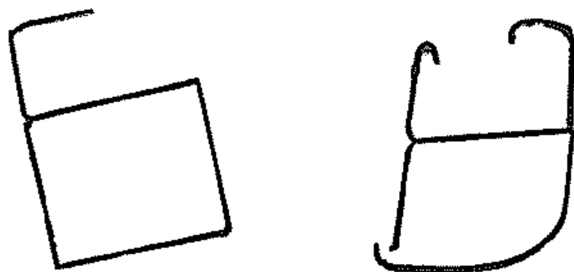




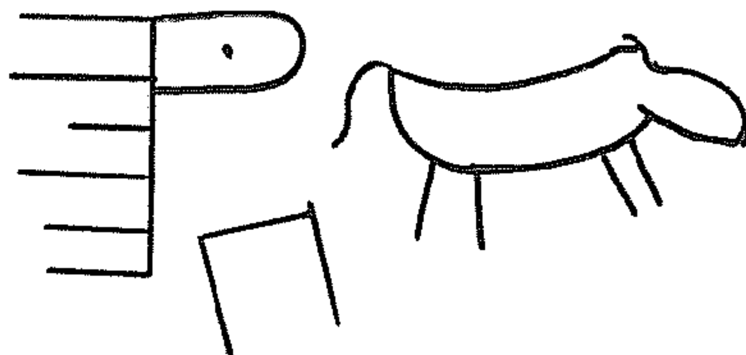
روی سنگی که افقی افتاده است :



برلبهٔ دست راست این سنگ :



برلبهٔ دست چپ این سنگ :



از دوراهان که گذشتیم به‌سر تخت کنار چشمه می‌رسد . لبهٔ بالای این تخت سنگی که نظیر نیمکت است ۱۲ سانتیمتر، پشتی تخت ۴۰ سانتیمتر و کف تخت ۴۵ سانتیمتر است. درازای تخت تاجایی که می‌توان حدس زد کنده‌کاری در سنگ دارد، ۲۸۰ سانتیمتر است. این حروف برطرف دست راست پشتی تخت دیده می‌شود ومابقی آن را به قصد گرفتن گنج شکسته‌اند :

پس‌از گذشتن از سر تخت وطی مسافتی به اراضی «قبله‌کتو» که‌گلرد وسیع و بزرگی است می‌رسیم . در اینجا سنگهای بزرگ وکمرها رویهم ریخته‌اند و سنگی نیست که در اینجا نقوش وخطوط بر آن نقر نشده باشد. مقداری از آنها عکسبرداری شده ودرعکسهای‌شمارهٔ ۲۴۲ و۲۴۳ و۲۴۴ و۲۴۵ و۲۴۶ و۲۴۷ و۲۴۸ و۲۴۹ و۲۵۰و ۲۵۱ و۲۵۲ نشان داده شده‌اند .

راه آزو به شونادشت (شاهان دشت)

ازآزوی نوا راهی برای شاهان‌دشت‌است و از محلهای زیر می‌گذرد :

انجی[1] ــ شونا ــ دجمار[2] .

درشونا سنگهای قبور زیادی‌است که کلمات عربی برآنها حك شده است .

امامزاده زین‌العابدین
در پایین‌محلهٔ گرنا[3] از دهکده‌های بالا لاریجان

بنایی است از سنگ وگچ . نمای خارج آن هشت‌ترك و بام آن کلاه درویشی است . در ورودی بقعه جنوبی است . ازکفش‌کن دری شرقی نیز به‌حرم باز می‌شود . در یکی ازاضلاع جنوبی، طاقنما مانندی‌است وبالای آن نورگیری تعبیه کرده‌انـد . در طرف‌غرب بقعه طاقنمای عمیقی‌است‌که به‌نام «حرم» معروف است ومی‌گویندهمسر امامزاده دراینجا به‌خاك‌سپرده شده‌است. درمحوطهٔ باز اطراف بقعه،گورستان عمومی است. درخت سفیدار کهنسالی درمحوطهٔ گورستان است . در نزدیك امامزاده‌تکیه‌ای قدیمی ومسجدی نوساز است (عکس‌شمارهٔ ۲۵۳) .

۱ــ بفتح الف . ۲ــ بکسردال . ۳ــ گرنا(بفتح گاف) ده‌ازدهستان‌بالاــ لاریجان بخش‌لاریجان شهرستان‌آمل،سه‌کیلومتری‌شمال‌رینه(فرهنگ‌جغرافیایی‌ایران،ج۳) .

امامزاده قاسم
در بالاخط گرنا

بقعه‌ایست هشت‌ترك با گنبدی کلاه درویشی . در اصلی بقعه شمالی است و داخل پیش‌صحنی باز می‌شود که فعلاً استفادهٔ مسجد از آن می‌کنند . داخل بقعه مدور و سقف آن گنبدی عرقچینی است . صندوق و درها تخته‌ای ، ساده و بدون کنده‌کاری است .

درویش‌حسین
در بالاخط گرنا

بنایی است از خارج و داخل چهارگوشه . بام بنا هرم مربع‌القاعده است . مسجدی متصل به‌بناست که در ورودی آن شمالی است . در اصلی بقعه شرقی است . چهارکنج بنا را از داخل باچهارگوشوار جمع کرده‌اند و گنبدی عرقچینی برآن زده‌اند . در ورودی بقعه دولختی است وکنده‌کاری قدیمی دارد . مصالح اصلی بنا سنگ و گچ است .

در اسناد و مدارکی که در مقبرهٔ درویش تاج‌الدین حسن‌ولی به‌دست‌آمده ، از این مرد یاد شده است . درگرنا ودهکده‌های اطراف معروف به «قاضی‌سوم» است.

حمام شاه‌عباسی
در دهکدهٔ آبگرم بالا لاریجان

اعتمادالسلطنه در بارهٔ این حمام می‌نویسد :

« سنگی بالای در حمام این‌جاست ، مشهور است ازبناهای شاه‌عباسی‌است.

معلوم است سنگهای‌آن وقت غالباً به‌خط رقاع بوده و سنگ‌الحال‌ریخته و شکسته است . آنچه خوانده می‌شود :

. . . السلطان الغازی شاه . . .»

آثار حمام شاه‌عباسی‌تا امروز برجای است .

خرابه‌های دهکده‌ای قدیمی در اراضی آبگرم بالا لاریجان

در اراضی آبگرم‌آثار دهکده‌ای آباد قدیمی به‌نام «وهمن‌آباد» است. ظاهراً این دهکده براثر زلزله خراب شده است .

برج بیامه‌سی در اراضی امیرآبادآبگرم بالا لاریجان

محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه دربارهٔ این برج چنین نوشته است:

« در انتهای جلگهٔ این‌آبادی (آبگرم) ، آثاری است مـربع‌شکل که از سنگ‌وگچ‌ساخته‌شده دوازده ذرع‌در دوازده ذرع‌است (عکس شمارهٔ۲۵۴). دری از سمت شمال دارد . از در که وارد می‌شوند، دیوار روبرو رامقابل درکنده‌اند، نصف دیوار خالی شده است . وسط این چهارحصار قبری‌است که در میان سنگ بیرون‌آورده‌اند . از قرار وضع مضجــع ، قبر مسلمان بوده است . واردآن‌قبرکــه می‌شوند پس ازچندقدم مضجــع است . جناب امین‌الملك در این فرجه رفته ، استخوان دست و پای مــرده هم دیده شده بوده است . طاقی از سنگ وگچ هم روی این قبرداشته‌که الحال هم قدری ازآن طاق باقی است. سمت مشرق این چهــاردیوار دره‌ایست که تقریبــاً

هزار وپانصد الی دوهزار ذرع عمق دارد، ته دره‌گزنك واقع است.»[1]

این بنا که تا امروز با همان مشخصاتی کـه اعتمادالسلطنه نقل‌کـرده برجای است ظاهراً مدفن ملك‌بهمن از سلاطین استندار است . درازا و پهنای بنا از داخـل ۹۸۵ سانتیمتر است . بـلندی مدخـل ۳۲۰ سانتیمتر(عکس شمارهٔ ۲۵۵) و بلندی دیوارهای باقیمانده بیش از شش‌متر و قطر دیوارها دومتر است .

امامزاده جعفر بن ربیع
در دهکدهٔ گزنگ[2] از دهکده‌های بالا لاریجان

بنایی است هشت‌ضلعی که دو ضلع جنوبی و شمالی‌آن بزرگتر از سایراضلاع است . درازای هریك ازآنها ۲۷۲ سانتیمتر و درازای اضلاع کوچکتر هریك ۱۲۰ سانتیمتر است . بام آن فعلاً گلی است و ظاهراً بامی گنبدی داشته که ریخته است . صندوقی مشبك سادهٔ چوبین مرقد را پوشانده است . در ورودی درکفش‌کنی ساده باز می‌شود .

امامزاده نبی وگورستانی قدیمی
در دهکدهٔ گزنگ از دهکده‌های بالا لاریجان

بنای امامزاده و تقریباً تمام‌گورهای این‌گورستان قدیمی را آب هراز کند و از میان برد.

امامزاده سلطان سید محمد قرشی
در اراضی امامزاده سرگزنگ بالا لاریجان

بنایی است هشت‌ضلعی . در ورودی آن شرقی‌است و در مسجدی باز می‌شود و

۱ـ کتب کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی، ج ۲، شمارهٔ ۷۲۶، ص۳۴ الف .

۲ـ گزنك (بفتح گاف و زاء و نون) ده از دهستان بالالاریجان بخش لاریجان شهرستان آمل ، هشت‌کیلومتری شمال رینه (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳).

از در غربی نیز به مسجدی دیگر می‌توان رفت. درازای هریك از اضلاع بنا ۲۱۸ سانتیمتر است وقطر دیوار بنا ۱۴۳ سانتیمتر است. در دو ضلع شمالی و جنوبی، دو صفه است که طاقی هلالی دارند و در زیر طاقها خفنگهای نورگیر تعبیه کرده‌اند. در چهار ضلع چهار درگاه باطاق هلالی‌است و در دوضلع دیگر دو در ورودی‌شرقی‌و غربی نصب شده است. بالای این اضلاع هشتگانه را جمع‌کرده ورف مانند مدوری به‌وجود آورده‌اند. سپس در امتداد اضلاع اصلی بنا، دیواری‌که‌کمی تمایل‌به‌داخل دارد چیده و با جمع‌کردن بالای این‌دیوارکمربندگنبدرا به‌وجود آورده‌اند وگنبدی نیز برآن زده‌اند.

نمای گنبد از خارج هشت‌ترك کلاه‌درویشی است (عکس شمارهٔ ۲۵۶). قسمت هشت ترکی زیرگنبد را با نوارهایی از رنگ به‌هشت قسمت کرده و درهر قسمت نقاشیهای گل و بوته‌کشیده‌اند. دو ردیف کتیبه در همین قسمت است. ردیف بالا اشعاری از هفت بند محتشم کاشانی است وکتیبهٔ پایین شامل ابیات زیر است:

« یارب این بارگه کیست چه فردوس برین

میبرد حسرت جاروکشیش حورالعین

پر به‌پر فوج ملك بردر او چون دربان

قدسیان بر در کاشانهٔ او سوده جبین

گوئیا باغ بهشت است که آید بنظر

چه عجب روضهٔ پر نور بخلد است قرین

خردم‌گفت که‌این در زکدامین صدف است

ساخته کحل بقا خاك درش روح‌الامین

خواهی عارف شوی از نام گرامیش اگر

شاه و سلطان محمد قریشی نسب این

بانی روضهٔ شه میرزا محمدخان است
که بنا کرد چنین گنبد فیروزه نگین »

برضلعی شمالی درقسمت زیرکمربند کنبد، تابلویی ازرنگ‌و روغن ازمیرزا محمدخان معروف به امیرمکرم لاریجانی‌است.

مسجد غربی

بنایی است مستطیل‌شکل (عکس شمارهٔ ۲۵۷) به درازای ۶۱۵ و پهنای ۳۴۰ سانتیمتر . ابتدا دو طاق جناقی برروی جرزهای دوطرف زده و سپس داخل‌آنهارا پر کرده و سقف‌بنا را به‌وجود آورده‌اند.در اضلاع شرقی‌و شمالی‌و غربی درهای چوبین دولختی نصب است . درضلع غربی دوچله‌خانه است. سنگ قبری بر ضلع شمالی این مسجد نصب است که عبارات زیر برآن خوانده می‌شود :

«کل شیی هالك‌الاوجهه
وفات مرحوم مغفور مبرور جنت ورضوان جایگاه مشهدی غلامحسین ولد مرحوم مغفور مبرور جنت و رضوان‌جایگاه نوروزعلی بیگ اسکی[۱] فیره[۲] مسکن بتاریخ پنجم محرم‌الحرام مطابق ۱۳۱۳ .

ای‌که بر ما بگذری دامن‌کشان   از سر اخلاص الحمدی بخوان »

در دو طرف سنگ دو بیت شعرفارسی است.

مسجد شرقی

در شرق بنای اصلی امامزاده ، مسجدی دیگر است که درازای آن ۷۱۵ و پهنایش ۶۰۰ سانتیمتر است . دو فیلپای مربع از سنگ وگچ در طول بناست که‌ابعاد

۱ـ اسك (بفتح الف و سکون سین وكاف) از دهکده‌های بالا لاریجان است .
۲ـ فیره از دهکده‌های دلارستاق نور است .

هریك ازآنها ۹۵×۹۲ سانتیمتر است. دو ردیف طاق درطول بنا زده‌اند که‌هر ردیف آن شامل سه قسمت است.

در ضلع قبلی محرابی از داخل دیوار اصلی درآورده‌اند . دو خفنگ نورگیر نیز در این ضلع تعبیه کرده‌اند . در منتهی‌الیه غربی ضلع جنوبی ، در پای طاقچه ، سنگ قبر مرمری زرد تیره با خط خوش نستعلیق نصب است که این عبارات بر آن خوانده می‌شود :

«هوالحی‌الذی لایموت

هذا القبر للعالم الفاضل الصمدانی و جامع‌المنقول والمعقول مروج مذهب جعفری الشیخ محمدعلی‌گزانی فی‌یوم الاحد السابع والعشرین من‌شهر ربیع‌المواود فیسنة ۱۳۲۷ . »

در دو طرف سنگ :

« وفدت علی‌الکریم بغیر زاد   مـن‌الحسنات والقلـب السلیم
و حمل‌الزاد اقبح کل شیئ   اذا کان الوفود علی‌الکریم »

وصل به دیوار شرقی این مسجد، در حیاط این بقعه چناری کهنسال است که گرداگرد تنهٔ آن بالغ بر ۳۶۵ سانتیمتر است .

امامزاده عابدین رضا

در دهکدهٔ شنگلده از دهکده‌های امیری لاریجان

بنایی است از خارج و داخل چهارگوشه ، از داخل چهار کنج آن‌را چهار ـ گوشوار زده و دهانهٔ چهارضلعی‌راگرد کرده و گنبدی مدور بر آن زده‌اند. بام بنا از خارج چهارترك است . ایوانی در سمت شمال و مسجدی در غرب این بناست (عکس

شمارهٔ ۲۵۸). در غرب بنای امامزاده گورستانی قدیمی است و درختان کهن گردو و چنار در این گورستان زیاد است.

گرداگرد تنهٔ یکی از گردوها ۳۹۶ سانتیمتر وگرداگرد چناری هفت شاخه که دارای ریشه‌ای تنهاست به دوازده‌متر می‌رسد.

امامزاده حسن

در اراضی جلیهٔ شونادشت[1] (شاهان‌دشت)[2] امیری لاریجان

بنای اصلی بقعه‌هشت ضلعی‌است که پهنای هرضلع آن ازخارج دومتر تمام‌است (عکس شمارهٔ ۲۵۹).صندوقی کوچك سادهٔ چوبین دروسط بناقبررا پوشانده‌است. این بنا که براثرزمین‌لرزه خراب شده‌بوددرسال ۱۳۵۲ش. با مخارج آقای هادی‌نژاد و کمك اهالی بازسازی شده وبام آن را که هرم مثمن‌القاعده است، حلب‌پوش کرده‌اند.

طرف غربی این بقعه آب‌هراز وطرف جنوبی آن آب‌آبشار است که از ییلاق شونا و دجمار می‌آید و پس‌ازگذشتن از اراضی پورشون‌دشت به آب‌هراز می‌پیوندد. چناری کهن‌سال نزدیك بقعه است و درختان خرمندی و ون (زبان گنجشك) در محوطهٔ آن زیاد است.

۱ـ شونادشت که امروز به غلط«شاهان‌دشت»می گویند یعنی دشت‌شونا و شونا دهکده‌ای قدیمی دردو سه کیلومتری‌ملك‌قلاطرف شرق بوده است که‌امروز امامزاده و گورستانی‌قدیمی درآنجا به‌جای مانده است و دمرگـان در سال ۱۳۰۷ قمری مکرر آن‌را « شونه‌دشت » خوانده است.

۲ـ شاهاندشت ده از دهستان امیری بخش لاریجان شهرستان‌آمل، ۱۵ کیلومتری شمال‌شرقی رینه ، آثار قلعه خرابه‌ای به نام ملك‌بهمن دارد . آبشارکنار قلعه‌در حدود ده سنگ و ارتفاع آن ۵۰ متر است (فرهنگ جغرافیایی‌ایران ، ج ۳).

ملک‌قلا[1] = قلعهٔ شو نادشت

در جنوب دهکدهٔ شونادشت (شاهاندشت) از دهکده‌های امیری لاریجان

عظیمترین وعجیب‌ترین بنای تاریخی لاریجان « ملک‌قلا » است که بـه‌معنی «ملک‌قلعه» است. ظاهراً این‌قلعه به‌نام ملک‌بهمن آخرین‌سلطان‌سلسلهٔ استندارلاریجان «ملک قلا» نامیده شده است .

ملک‌بهمن پسر ملک‌کیومرث پسر ملک‌کاووس از احفاد کیومرث‌بن بیستون بـن گستهم‌بن‌زیار است . درزمان حکومت شاه‌طهماسب (۹۸۴ـ۹۳۰) سه‌طبقه ازسلاطین استندار که بنی‌اعمام بودند حکـومت داشته‌اند .ملک عزیز والی نور، ملک سلطان محمد والی کجور و ملک‌بهمن والی لاریجان بوده‌اند .

فرهادخان قرامانلو ــ سپه‌سالارشاه عباس ــ پس از فتح‌قلعهٔ آمل کـه از قلاع ملک‌بهمن بود، به‌او پیغام فرستاد و اورا به‌اطـاعت شاه‌عباس دعوت‌کـرد . ملک‌بهمن بااینکه دوسه بار به‌خدمت شاه‌عباس رفته‌بود، باطناً خیال تسلیم نداشت . حتی ملک سلطان حسین‌لواسانی‌را که از خویشان اوبود و دم از اطاعت شاه‌عباس‌می‌زد بگرفت‌و بکشت .

فرهادخان به‌ملک‌قلاآمد وقلعه‌را به‌توپ‌بست ومشغول‌تهیهٔ‌سایرلوازم‌قلعه‌گیری شد. جماعت امیری که از سپاهیان ملک‌بهمن بودند با فرهادخان موافقتی نمودند . ملک‌بهمن دستور داد تا وردان‌امیر که رئیس ایشان بودبکشتند. جماعت امیری ازاو برمیدند و راه پنهانی قلعه‌را به‌فرهادخان نمودند .

۱ــ بفتح میم وکسرلام وفتح قاف، به معنی قلعهٔ ملک‌است که یادآور نام ملک‌بهمن‌بن ملک کیومرث‌بن ملک‌کاووس است که در سال ۱۰۰۶ قمری به‌امر شاه‌عباس اول به‌قتل‌رسید (عالم‌آرای عباسی،ص ۵۲۲).

ملك‌بهمن‌که حال‌را بدین‌منوال دید، به‌خانهٔ فرهادخان آمد و اورا دعوت به‌قلعه کرد تاحیله و تزویری درکار اوکند . فرهادخان قبول نکرد وخود اورا نیز اجازهٔ مراجعت نداد و اورا همراه خود به‌خدمت شاه‌عباس برد. شاه‌عباس ملك‌بهمن‌را به‌فرهادخان سپرد و فرهادخان به‌دست بازماندگان ملك‌حسین‌لواسانی داد تا اورا به قصاص خون‌پدر بکشتند .

ظاهراً این قلعه دراین ایام به‌نام «قلعهٔدشمنکور» خوانده می‌شده است چه روضةالصفا می‌نویسد که ملك‌کیخسرو پسر ملك بهمن -پس‌از قتل پدر- در سن‌هفده سالگی به قلعهٔ دشمنکور رفت که خزاین پدرش درآنجا بود و چون قدرت مخالفت درخودندید به‌خدمت شاه‌عباس آمد و لاریجان و دشمنکور ضبط دیوانی شاهی‌شد .[1] این وقایع در حدود سال ۱۰۰۵ رخ داده است .

وضع کنونی قلعه

بنای قلعه برسرکوهی منفرد و نوك‌تیزاست(عکس شمارهٔ۲۶۰) که یك‌طرف‌آن دره‌ایست که آب، بسترسنگی آن‌را به‌مرور ایام خورده وتنگی باریك‌به‌وجودآورده که منتهی‌به‌آبشاری درحدود۲۵متر‌می‌شود(عکس‌شمارهٔ ۲۶۱).آب این‌دره که بسیار صاف وگوار است از سرچشمه‌های شونا و دجمار شروع می‌شود و پس‌از گذشتن از آس‌تنگه وتنگهٔ آبشار و یورشون دشت ، از طرف راست به‌آب هراز می‌پیوندد و جنوب قلعه به رشتهٔ سنگی دیوار مانند به نام «مازیارکر»[2] منتهی می‌شود . دامنهٔ شمالی مازیارکر قطعه زمینی صاف‌است‌که بادیوارهای قطوراز‌سنگهای‌عظیم‌خشکه‌چین،آنرا محصورکرده‌اند(عکس شمارهٔ۲۶۲).ظاهراً این‌قطعه‌زمین‌صاف‌که‌امروز بدل به‌باغ سیب شده است‌گردشگاه و تفرجگاه اهالی قلعه بوده است. این‌دیوارها منتهی

۱ــ روضةالصفا، ج۸، ص ۱۲۲ و۱۲۳. ۲ــ بکسر راء وکاف .

به دروازه‌ای می‌شده که معروف به‌دروازهٔ سنگی بوده است و بیرون این دروازه که امروز نامی از آن باقی است برجی مدور بنا کرده بوده‌اند .

از بناهای قلعه دیوارهایی به‌ارتفاع هشت نه متر برجهای است که تمام از سنگ و گچ چیده شده‌اند . در قسمت تنگهٔ آبشار بناهایی ازخشت قالب بزرگ دیده شد که ظاهراً در ازمنه متأخر ساخته‌اند . چون بامهای ساختمانهای‌قلعه خراب شده وبالای قلعه‌را گنبد مانند کرده است، دسترسی به دیوارها و اندازه‌گیری آنها فعلاً غیرمقدور است . اطاقها و سایرساختمانهای قلعه درسطوح مختلف بنا شده‌اند.هرجاییکه‌می‌توانستند قطعه‌زمین مسطحی به وجودبیاورند، اطاقی‌وپناهگاهی ساخته‌اند . برای ساختن بنیاد دیوارها وبرجهای قلعه بی‌شك استادان بنارا در زنبیل گذاشته وآویخته‌اند و مصالح بنارا نیزبا زنبیل بدایشان رسانده‌اند تا سنگهای‌اولیه پی را در دل پرتگاههای مخوف‌کار گذارند . بااینکه نگارنده قلاع کوهستانی‌البرز را مورد مطالعه قرار داده ، اما قلعه‌ای به‌این عظمت کمتر یاد دارد .

دمرگان در نهم دسامبر ۱۸۸۹ (۱۳۰۷هـ .ق.) از خرابه‌های این‌قلعهٔ مستحکم دیدن کرده و در بارهٔ آن چنین نوشته است :

« بلندی‌کوهی‌که ملك قلعه (عکس شمارهٔ ۲۶۳) برآن بنا شده‌است ۱۶۳۰ متر است وارتفاع ده شونه‌دشت به۱۴۱۰متر ازسطح دریا می‌رسد.این قلعه که قرنها حافظ دروازه‌های دماوند بوده است ، برروی صخره‌ای عظیم که مأمن مستحکمی بوده ، بنا شده است . صخره‌ای که این دژ برآن بنا شده است ۲۲۰ متر ازسطح اراضی دهکدهٔ شونه‌دشت بلندتر است و از سویی‌که این دژ پشت به‌کوه داده ، بندی است که بلندی آن به ۶۳ متر می‌رسد . تمام سطح این صخره که تقریباً سیصد متر در صد متر است می‌تواند ازآب

تنگهٔ شونا به‌حد کافی مشروب شود . ساختمانهای این قلعه یکی بر روی دیگری و طبقه طبقه است و همچون آشیانهای عقاب به این صخره متکی است . پلکانی پیچ درپیچ در سراشیبی این صخره در دل سنگ کنده‌اند که دست یافتن به دژ با گذشتن از آنها ، بسیار مشکل بوده است . چنانکه از بناهای قلعه پیداست ، این قلعه در یك زمان ساخته نشده است ، بلکه مجموعه‌هایی از استحکامات است که آنهارا به‌یکدیگر مرتبط نموده‌اند . هیچ فضایی بی‌مصرف و بیهوده نمانده است . بر کوچکترین زوایا برجی و دیواری ساخته‌اند (عکس شمارهٔ ۲۶۴) .

دفاع این قلعه ازچهار جهت مورد مطالعه وبررسی قرارگرفته و به‌دقت‌زیاد تدارك آن را دیده‌اند . باره و حصارهای اصلی در جبههٔ جنوبی یکی بالای دیگری قرار گرفته و بلندی آنها به ۶۵ متر می‌رسد . ضخامت دیوارها در این قسمت به‌دو متر و سه متر می‌رسد و در زیر آنها پرتگاههای ترسناکی به‌وجود آمده است . قطر دیوارهای طرف کوه بیش‌از یك‌متر نیست. طبقات مختلف‌این‌بنا به‌وسیلهٔ پلکانها وراهروهای‌زیرزمینی به یکدیگر مرتبط بوده‌اند . این راهروها امروز مسدود شده‌اند ولی‌آثار آنها برجای است . پلکانی‌که به ارگ قلعه می‌رفته برجای است و درازای آن بیست تا سی متر است . آثار پله‌هایی در روی صخره‌ای که شیب ۳۰ درجه دارد و به داخل قلعه می‌آمده است برقرار است . قسمت پایین این پلکان از میان رفته است . باروها و برجها ودیوار بناها و درگاهها، چهار- گوشه و زاویه دارند وکوچکترین اثری ازنمای بیضی یا هلالی در بنادیده نمی‌شود. کتیبه و آثار نقاشی دراین بنا نبود.این‌قلعه دست‌کم دوبارگرفتار آتش‌سوزی شده است. در باروها وحصارها هنوزسنگهای سوخته ودود زده

که نشان آتش‌سوزی است دیـده می‌شود . پس از نخستین ویرانـی ظاهراً قسمتهای مختلف را از نـو ساخته‌اند . قسمتهای قدیمی‌تر بنا از سنگهای تراشیده و آهك بنا شده است. در بارهٔ تاریخ ساختمان قسمتهای‌قدیمی‌بنا، اظهار نظری نمی‌توان کرد . به‌موجب قطعات سفالی‌که در خرابه‌های قلعه دیده شد آخرین خرابی‌و ویرانی آن باید در حدود قرن چهاردهم (هشتم هجری)باشد . در اطراف قلعه نشانی از بناهای خراب است .»[1]

برج نگهبانی قلعه

در جنوب‌غربی قلعه در اراضی سنگ دروازه

برجی از سنگ وگچ که یك‌چهارم آن برجای مانده در جنوب غربی ملك‌قلا بر دامن رشتهٔ مازیارکر بنا شده است . این برج که مسلط بر راه قدیم آمـل است برج دیدبانی قلعه است ، تا در مواقع مخاطره اهالی قلعه را خبردار کند .

برج گنبدسی

در اراضی‌گنبدسی شونادشت (شاهان دشت) امیری‌لاریجان

در اراضی گنبدسی‌کـه در شمال قلعه قرار می‌گیرد ، در فـاصلهٔ سه‌کیلومتری قلعه برجی از سنگ و گچ است که روزی طاقی گنبدی داشته است . محیط داخلی برج ۱۷/۳۰ متر و پهنای دیـوار آن در یك‌متری کف اصلی بنا ۸۰ سانتیمتر و بلندی برج تا زیر لبهٔ طاق ۶۵ سانتیمتر است . با لبه‌ای سنگی دور دایـرهٔ بنا را جمع کرده و سقفی گنبدی برآن زده بوده‌اند(عکس شماره ۲۶۵) . قسمتی از سقف آن که از سنگ وگچ بنا شده بوده است تا امروز باقی است .

۱ــ هیأت علمی فرانسه در ایران ، ترجمهٔ کاظم ودیعی ، صفحـات ۲۴۱ـ۲۴۶ بـا دخل و تصرف و مقابله .

این بنا سه در ورودی به‌طرف شرق‌و غرب و شمال دارد. پهنای درهای شرقی‌و غربی ۷۰ سانتیمتر و پهنای در شمالی ۹۰ سانتیمتر است . چون طاق درگاهها را خراب کرده بودند بلندی درهای ورودی معلوم نشد . مصالح اصلی بنا سنگ و گچ است و داخل و خارج آن را با گچ ماله‌کشی کرده‌اند . رنگهای مختلف گچهای داخلی و قشرهای آن نشان می‌دهد که این بنا دو سه بار تعمیر شده است . ظاهراً مدفن یکی از بزرگان محل بوده است .

درویش الیاس

در آس‌تنگهٔ شونادشت (شاهان‌دشت) امیری‌لاریجان

بنای اصلی بقعه از داخل چهارگوشه و ابعادآن ۲۲۲ سانتیمتراست. در ورودی شرقی است و پهنای آن از داخل چهارچوب ۶۰ و بلندی آن ۱۲۲ سانتیمتر است . این در به داخل مسجدی باز می‌شود . طرف قبلی بنا طاقچه‌ای است که سوراخی نورگیر به خارج دارد . طرف غربی‌و شمالی طاقچه‌هایی در وسط اضلاع ساخته‌اند. بالای در ورودی رف مانندی باطاق جناغی است . قبری در وسط بناست که صندوقی کنده‌کاری داشته که به علت آتش‌سوزی از میان رفته است . بدنهٔ شمالی صندوق‌به پهنای ۹۰ و درازای ۱۶۰سانتیمتر باقی است (عکس شمارهٔ۲۶۷) .این صندوق مورخ ۹۲۰ قمری بوده است و آیاتی از قرآن‌مجید برحواشی بدنهٔ جنوبی حك شده بوده است .

درازای مسجدی که در شرق بنای‌اصلی است۴۸۰ و پهنای آن ۳۱۰ سانتیمتر است. سقف آن هلالی‌است و با سنگ و گچ زده شده است . دو صفه در ضلع شمالی‌و دو صفه در ضلع جنوبی است که یکی ازآنها را بعداً به بخاری تبدیل کرده‌اند .

نمای خارجی اصلی بقعه هشت ضلعی است و گنبدی کلاه‌درویشی کوتاه دارد

(عکس شمارهٔ ۲۶۸). بام مسجد شیروانی مانند است که روی آن را با سنگ لونه پوشانده‌اند. (عکس شمارهٔ ۲۶۹) .

مصالح اصلی بنا سنگ و ساروج است که به جای خاکستر داخل ساروج آن زغال‌چوب زده‌اند. نمای خارج بنای بقعه و مسجد گچ ماله‌کشی است .

غریب‌شاه

بقعه‌ای قدیمی بوده است که به تازگی آن را نوسازی کرده‌اند . بنای اصلی اطاقی است چهار گوشه که صندوقی چوبین ساده در میان‌آن بر روی قبر قراردارد. ایوانی در جلوی اطاق است .

باقی بناها و آثار تاریخی شونادشت (شاهان‌دشت)

۱ـ گورستانی قدیمی در ییلاق شونا .

۲ـ بقعهٔ سیدقوام‌الدین در گورستان وسط‌آبادی شونادشت .

برج گبری

نزدیك دهکدهٔ وانه از دهکده‌های امیری لاریجان

برجی است به شکل مخروط ناقص با گنبدی مخروطی . دمرگان در بارهٔ آن نوشته است :

«کمی دورتر از دهکدهٔ وانه برجی‌است‌که‌آن‌را به‌گبرها نسبت می‌دهند. طرح بنای آن جالب توجه است »[1] (عکس شمارهٔ ۲۷۰).[2]

۱ـ هیأت علمی فرانسه در ایران ، ترجمهٔ کاظم ودیعی ، ص ۲۴۱ . ۲ـ طرح دمرگان از برج گبری‌وانه . به‌صفحهٔ ۱۹۱ متن فرانسه مراجعه شود .

امامزاده عبدالله

در دهکدهٔ وانه از دهکده‌های امیری لاریجان

بنایی‌است هشت‌ترك که پهنای هر ترك آن از داخل ۱۵۴ سانتیمتر است. برهر ضلع داخلی غیر از ضلعی که در ورودی امامزاده در آن است، طاقنمای بلندی‌است که تا زیر کمربند گنبدمی‌رود و بالای کمربند، گنبدی توسری‌خورده زده‌اند که‌وسط آن بارنگ‌و روغن، ستاره‌ای هشت‌پر رسم‌کرده‌اند (عکس‌شمارهٔ ۲۷۱). سپس گنبدرا به‌چهارقسمت کرده و چهار بوته جیقه در هر قسمت کشیده‌اند و داخل آنها را با نقوش خورشید و ملائکه و گل و بوته پرکرده‌اند. در زیرکمربند گنبد نیز اشکالی از پرندگان باسر آدمی‌و شیرو اژدها با رنگ‌و روغن نقاشی شده است.

برکمربند گنبد کتیبه‌ایست که هر مصراع را درمستطیلی تحریرکرده‌اند. اشعار این‌کتیبه به‌این شرح است:

« این بارگاه کیست که پیوسته از زمین
نورش رود به کنگرهٔ چرخ چارمین
این بارگاه کیست که از بهر خدمتش
جمعی ملک ستاده فوجی ز حور عین
این بارگاه کیست که جاروب درگهش
مژگان جمله شاه و گدا سوده بر زمین
ای زادهٔ امام برادر ترا امام
بنما نظر به مهدی سلطان بی‌قرین »

در وسط بنا، صندوقی قاب و آلت ساده است که دورآن ضریح چوبین مشبك بسیار ظریف به درازای ۲۲۵ و پهنای ۱۷۲ و بلندی ۱۳۴ سانتیمتراست.

بنا از خارج نیز هشت‌ترك است و پهنای ترکها میان ۲۳۲ و ۲۴۶ سانتیمتر است . یعنی ترکها یکی‌در میان برابرند . درمیان ترکهای خارجی نیز طاقنماهایی به‌دهانهٔ ۸۴ سانتیمتر ساخته شده است .

اهالی محل‌گنبد قدیمی‌آن‌را که‌یکی از گنبدهای زیبای مازندران بود(عکس شمارهٔ۲۷۲) درسال ۱۳۵۳ خراب‌کردند وگنبدی تقریباً پیازی بی‌قواره (عکس‌شمارهٔ ۲۷۳) برای آن ساخته‌اند . چنانکه از برداشت کار معلوم بود قصد داشتند تمام بدنهٔ آن‌را موزائیك‌کاری کنند . عجیب است‌که تا امروزهم دستگاهی نیست که جلو این خرابکاریها را بگیرد .

مسجدی تازه‌ساز درضلع شمالی بناست و در ورودی امامزاده درآن بازمی‌شود.

امامزاده ابراهیم

در دهکدهٔ دینان[۱] از دهکده‌های امیری لاریجان

بنای بقعه از داخل چهارگوشه است که هرضلع‌آن ۳۰۷ سانتیمتر درازا دارد. چهارکنج بنارا با چهارگوشوار جمع کرده و تبدیل به هشت ضلعی نموده و گنبدی توسری خورده برآن زده‌اند.درحاشیه‌ای‌که ازپایین‌گوشوارها شروع می‌شود وسراسر طاق، نقش‌و نگار دارد . میان‌گنبد نقشی دایره‌ای و سپس بانوارهای رنگین‌گنبد را به‌هشت قسمت‌کرده و داخل قسمتهارا‌گل‌اندازی‌کرده و اسلیمیهای رنگین‌کشیده‌اند.

در ورودی شرقی است و بالای آن خفنگی نورگیر نصب‌کرده‌اند .

۱ـ دینان ده از دهستان امیری‌بخش لاریجان ۲۰ کیلومتری شمال‌خاوری‌رینه(فرهنگ جغرافیایی ایران، ج۳). محلات دهکدهٔ دینان بدین‌ترتیب‌اند:

۱ـ پاشامحله. ۲ـ چاله‌باغ. ۳ـ کلان(کلون)محله. ۴ـ توبن(بضم‌تاءوسکون واو وکسر باء) .

در ضلع قبلی نیز دری داردکه به‌انباری باز می‌شود. در دو ضلع شمالی وغربی دوطاقچه با طاق جناقی است .

در وسط بنا صندوقی از قاب وآلت مرقـد را پوشانده است . در این صندوق تخته‌های قاب‌را درمیان آلتهای چوبین سیاه‌رنگ قرارداده‌اند. بنااز خارج‌هشت‌ترك‌و بام‌آن گنبدی کلاه‌درویشی است . ایوانی در سمت شمالی بقعه‌است که جلوآن چهار فیلپای آجری است (عکس شمارهٔ ۲۷۴) . گورستانی قدیمی در شمال و شرق بنـای امامزاده است .

در ورودی بقعه دولختی است و درکفش‌کنی‌باز می‌شود.هرلنگهٔ آن ازیك‌پاره الوار است . پهنای هرلنگه ۷۳ و بلندی آن ۱۵۳ سانتیمتراست.

کتیبه‌های زیر برآنها دیده می‌شود :

بربالای لنگهٔ سمت راست در سه سطر:

«برتربت غریبت چون‌بگذرندخلایق

ازصدق دل بخوانند الحمدوقل‌هوالله

یادگاری میرمحمدشفیع در ماه ذی‌قعدهٔ سنهٔ ۱۲۲۳ .»

بربالای لنگهٔ سمت‌راست در سه سطر :

« تاریخ درقبل ازین سنهٔ ۸۹۸

هرکه بر درگهت از روی تکبر گذرد

بی‌شك از پای درآید بیقین سر بنهد »

باقی متن دولنگه گل‌اندازی رنگین است.

صندوق بقعه به‌درازای ۱۸۸ و پهنای ۱۲۶و بلندی ۱۳۳ سانتیمتر است. این عبارات و آیات برآن حک‌شده است:

کتیبهٔ حاشیهٔ بالای ضلع شرقی :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم الحمدلله رب‌العالمین ـ تا ـ ولاالضالین. »

کتیبهٔ حاشیهٔ بالای ضلع جنوبی :

« لااله الاهوالحی ـ تا ـ حفظهما و هوالعلی‌العظیم. »

کتیبهٔ حاشیهٔ بالای ضلع‌غربی :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم قل‌هوالله‌احد ـ تا ـ کفواً احد . »

کتیبهٔ حاشیهٔ بالای ضلع شمالی :

« حرره سید آقابزرگ فی شهرصفرسنهٔ ۱۲۰۴ ـ ابراهیم‌بن روح‌الله ابن زرین‌کیاابن جعفرابن موسی‌ابن محمدتقی ع ـ عمل نجّاری ازسید جعفر نیاکی استادزمان است .»

امامزاده روح‌الله

در دهکدهٔ دینان از دهکده‌های امیری لاریجان

بنای بقعهٔ امامزاده روح‌الله در شمال امامزاده ابراهیم‌است ، ازنسب‌نامه‌ای که برصندوق امامزاده ابراهیم حك شده است معلوم می‌شودکه روح‌الله پدر ابراهیم وپسر زرین‌کیا است . ابعاد بنا ۲۳۷ × ۲۴۹ سانتیمتر است . از داخل‌گنبدی‌توسری‌خورده دارد و گنبد خارجی قدیمی آن از میان رفته و فعلاً مأذنه‌ای به جای آن برگنبد داخلی ساخته‌اند . درگورستان قدیمی اطراف این دو بقعه، چناری کهنسال است که گرداگرد تنهٔ‌آن هفت متر تمام‌است .

باقی بناها وآثار تاریخی امیری لاریجان

۱ـ امامزاده‌ای در دهکدهٔ‌آخای امیری .

بند بریده
در زمان ناصرالدین‌شاه

اعتمادالسلطنه در بارهٔ بندبریده مطالب زیررا در سال ۱۲۹۲ قمری نوشته است :

« باز جاهای بدگذشتیم . به بندی رسیدیم که از همه سخت‌تر بود . انصافاً خوب ساخته‌اند . راه قدیم لاریجان ازطرف راست پیدا بود . بهیچوجه‌راه نبود . کوه‌که یك‌پارچه سنگ بود وصاف(عکس‌شمارهٔ ۲۷۵). از وسط‌دامنهٔ این‌کوه با آهك وسنگ سکوئی بسته‌اند‌که پی وپایهٔ سکو به‌زمین‌نرسیده . معلق است میان زمین و آسمان (عکس شمارهٔ ۲۷۶ و ۲۷۷). از روی‌این سکوها که عرض زیادتر از یك‌چارك نبود ، سابق عبور قوافل و مترددین مازندران بود . حالا طوری ساخته شده که‌کالسکه عبور می‌کند. در این تنگه تمثال مبارك شاه را بروی سنگ حجاری کرده است ، سواره بالباس رسمی . حسنعلی‌خان وزیر فواید هم پیاده ایستاده راپورت راه را عرض می‌کند .»[1]

شکل شاه
در تنگهٔ بندبریده

در تنگهٔ بندبریده ، برسمت چپ‌آب هراز، تمثال و کتیبه‌ای ازناصرالدین‌شاه برجای مانده‌است. بلندی‌آن ازکف فعلی جاده تازیرنقش ۲۷۰سانتیمتراست. درازای این‌نقش وکتیبه‌ها هشت‌متر تمام وپهنای‌کتیبه‌ها که دور می‌چرخد ۳٤سانتیمتر وعمق

۱ـ روزنامهٔ خاطرات اعتمادالسلطنه ، ص ۵۵ .

قسمت پایین شکل ۱۶۰ سانتیمتر است .

در شکل شاه ناصرالدین‌شاه در وسط براسب سوار است و پنج‌تن از درباریان طرف راست و پنج‌تن طرف چپ او حجاری شده‌اند (عکس شمارهٔ ۲۷۸) .

این ابیات بر اطراف این‌شکل حك شده است :

سطر بالا :

« در روزگار ناصردین شاه کامکار

کزعدل راه راست طلبکرد و یافت کام

امرش بهر طریق صراطی است مستقیم

امنش بهر فریق نشاطی است مستدام

منت خدایرا که ز تأیید خود چنین

شاهنشهی گزید مؤید بر اتام

شاهان دهر نامورند از برای مال

وین پادشاه مال فشاند از برای نام

هر کار خام عاقبت الامر پخته کرد

از بسکه زرّ پخته برافشاند و سیم خام

در راه لارجان که دژم بود کار جان

گاه عبور قافله از غفلت تمام »

سطر سمت راست سنگ :

« بیغولهٔ که گاه گذر غول سهمگین

اول سرود بسمله آنگه نهاد گام

از سهم مار گرزه نکردند زو گذر

وز هول‌شیر شرزه نجست اندرو کنام »

سطر افقی پایین :

« راهی که گر بریده‌شدن خواستی زاو

گفتی بپای خود نرود کس بسوی دام

در شاهنامه نیز ز زالی فسانه گوست

افسانهٔ که عبره در او کرد پور سام

بآسایش رعیت مازندران زمین

آراست حکم ساری شاهنشه اینمقام

بگشوده شد چو کف کریم ملك بملك

راهی که بسته بود چو پیشانی لئام

حجار ز امر خسرو فرهادسان بسنگ

تمثال کرد از شه پرویز احتشام

خور بی‌کله زکوه ادا برنمود رخ

چون تاج شهریار پدید آمد از رخام

تاریخ آن بامر شهنشاه خواستند

چون بود خاص خدمت مداحی اینغلام

محمدحسین میرزای مهندس راقمه ابوالفضل ساوجی

عام بناش خامهٔ رضوان نوشت و خواند

. . . .

وسط سنگ زیر سم اسب ناصرالدین‌شاه عبارت زیر است :

« عمل کمترین علی‌اکبر فی سنة ۱۲۹۵ . »

پلی از سنگ و ساروج
نزدیك به انتهای تنگهٔ بندبریده

نزدیك به دهانهٔ شمالی تونلی که در سمت راست تنگهٔ بندبریده زده‌اند، پلی آهنی است که می‌توان باگذشتن از روی‌آن به‌دست چپ آب هراز رسید . در حدود یك‌کیلومتر که درجادهٔ سمت چپ آب هراز روبه‌جنوب رفتیم به پلی خراب می‌رسیم پایهٔ سمت راست‌آن و مقداری از هلال طاق آن تا امروز باقی است . راه قدیمی که ظاهراً مربوط به دوران ساسانی است ، از سمت راست آب هراز با گذشتن ازاین پل به‌سمت چپ آب می‌آمده است (عکس شمارهٔ ۲۷۹) . مقداری از راه قدیم ، برسمت راست آب که به‌این پل‌منتهی می‌شود، بربالای دیواری از سنگ وگچ دیده می‌شود.

پل قلابن[1]
میان قهوه‌خانهٔ بایجان و آب‌گرم استرابکو (استراباکو)

نزدیك به بهمن‌گیری که در شمال قهوه‌خانهٔ قلابن است پایه‌های پلی قدیمی تا امروز برجای است (عکس شمارهٔ ۲۸۰) . مصالح پل، سنگ و ملاط ساروج بوده است . پایه‌ها برکمرهایی از سنگ استوارند . پلی یك‌دهانه برروی این دو پایه زده بوده‌اند . فاصلهٔ میان دو پایه ۱۸ متر تمام است .

۱ـ بفتح قاف و ضم باء .

امامزاده هفت‌تنان

در دهکدهٔ هفت‌تنان[1] از دهکده‌های بهرستاق لاریجان

در ورودی اصلی بقعه به بلندی ۱۹۸ و پهنای هر لنگهٔ آن ۶۱ سانتیمتر است (عکس‌شمارهٔ ۲۸۱). هر دو لنگه دارای پاشنه‌های گردان‌است. بر روی لنگهٔ سمت راست عبارات زیر خوانده می‌شود:

« صاحب‌الخیرات هذه‌الباب والعمارات ملك‌سلطان حسین واخوه ملك‌بهمن ابن‌کیومرث مع‌والدة سیمین خونرا (؟)بنت‌ملك‌بهمن فی‌شهر ذوالحجه سنة سبعین وتسعمایه » (عکس شمارهٔ ۲۸۲) .

این در به‌کفش‌کنی باز می‌شود که در امتداد شمال و جنوب‌است. درازای‌آن ده‌متر و پهنای آن ۲۰۸ سانتیمتر است که سه مدخل به‌مسجد طرف شرقی دارد.

مسجد

در میان مسجد شش‌فیلپا در دو ردیف سه‌تایی است. ابتدا برروی فیلپاها و دیوارهای جنبی طاقهای جناغی زده و سپس قسمتهای خالی میان طاقهارا گنبدوار پر کرده‌اند. درضلع‌جنوبی مسجد، محرابی در دیوار دیده می‌شود که بالای‌آن خفنگی نورگیراست.

در انتهای ضلع‌غربی کفش‌کن، دری دولختی است که به اطاقی چهارگوشه باز می‌شود. با در نظرگرفتن چهارچوب، بلندی‌آن ۱۴۴ و پهنایش ۹۵ سانتیمتر است.

۱ــ هفت‌تنان ده از دهستان بهرستاق بخش لاریجان شهرستان آمل، ۲۴ کیلومتری شمال شرقی دینه، چهارکیلومتری مشرق بایجان (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳).

لنگه‌ها دارای کنده‌کاری بسیار ظریف و پرکار است. بر کلگی چهارچوب این در کتیبهٔ زیر است.

« نادعلیاً مظهرالعجایب ـ تا ـ یاعلی یاعلی یاعلی لافتا الا علی لاسیف الا ذوالفقار .»

اطاق مزبور به‌ابعاد ۲۶۲ × ۲۲۵ است. طاقی کوتاه و گنبدی دارد. در عرض اطاق صفه‌ای باطاق هلالی دیده می‌شود.

در پهنای شمالی کفش‌کن، در ورودی اصلی بقعه است. بلندی آن ۱۶۲٫۵ و پهنای آن ۳۸٫۵ سانتیمتر است. هردو لنگه برروی پاشنه‌هایی گردان هستند.

عبارات زیر بر قسمت بالای لنگهٔ سمت راست است :

«امامزاده‌های واجب التعظیم والتکریم امامزاده نبی وولی ومالك ومعصوم وکنانه.»

برقسمت بالای لنگهٔ سمت چپ این عبارات خوانده می‌شود :

« ویسعه و خدیجه ایشان فرزندان هادی بن موسی کاظم اند صلوات‌الله علیه و علیهم اجمعین برحمتك .»

برقسمت پایین لنگهٔ سمت‌راست عبارات زیرحك شده است :

« وقف کنندهٔ هذه‌الباب خواجه کمال‌الدین بن خواجه‌زرین کمرمونی[۱] المعروف بصالحانی[۲] فی‌تاریخ ۹۸۱.»

برقسمت پایین لنگهٔ سمت‌چپ کتیبهٔ زیر است :

« عمل استاد شرفالدین ابن‌افضل صوفی نقّار لباسانی و بابوحسین وزرین‌کمروخوجه‌نی یادگاری خوتون حانیه یعقوب مانی[۳] مراة ما(؟)»

۱ـ مون ده ازدهستان بالالاریجان بخش لاریجان شهرستان آمل، چهارکیلومتری شمال شرقی رینه(فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳). ۲ـ صالحان ده ازدهستان توابع کجور بخش‌مرکزی شهرستان نوشهر ، شش کیلومتری جنوب‌شرقی کجور(فرهنگ‌جغرافیایی ایران، ج ۳). ۳ـ ظاهراً منظور نویسنده مونی بوده که به‌لفظ قلم نوشته است .

از این‌در به بنای اصلی بقعه وارد می‌شویم‌که هشت‌ترك دو بدومساوی است و قطر جنوب به شمال بلندتر از قطرشرق به غرب است . در میان ترکها طاقنماهایی با طاق جناغی‌است که از پایین تا زیر گنبد می‌رود . درطرفین‌بالای طاقنماها، ابیاتی فارسی نوشته‌اند که درست خوانده نشد. در ضلع شرقی و غربی خفنگهای نورگیر چوبین مشبك است . قطردیوار بنا ۱۵۴ سانتیمتر است. سقف‌بنا از داخل‌گنبدی واز خارج هشت‌ترك کلاه‌درویشی‌است (عکس‌شمارهٔ ۲۸۳).

صندوقی بسیاربزرگ در وسط این‌بناست که‌گور هفت‌تن از امامزادگان را پوشانده‌است. میان صندوقهای بررسی شده تاکنون صندوقی به‌این بزرگی دیده نشده است . درازای آن ۵۷۷ و پهنایش ۱۹۳ و بلندیش ۱۵۰ سانتیمتراست.

این کتیبه‌ها برچهار طرف آن حك شده‌است :

بر قسمت بالای ضلع شرقی صندوق:

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم یس‌والقرآن الحکیم ـتاـ وجعلنامن[1] الله محمد علی . »

برقسمت بالای ضلع قبلی دنبالهٔ آیات بدین‌ترتیب است:

« خلفهم سداً ـ تاـام لم‌تنذرهم لا یؤمنون.»[2]

برقسمت بالای ضلع غربی :

« بین‌ایدیهم سداً ـتاـ القریه اذجاءها المرسلون.»[3]

برقسمت بالای ضلع شمالی :

« اذ ارسلنا علیهم‌اثنین ـتاـ قالواماانتم الابشر مثلنا.»[4]

۱ـ سورهٔ یس، ۳۶ ، آیات ۱تا۹ . ۲ـ سورهٔ یس ، ۳۶ ، آیات ۹ و ۱۰ .

۳ـ سورهٔ‌یس،۳۶، آیات ۱۱تا۱۳. ۴ـ سورهٔ یس، ۳۶، آیات ۱۴ و ۱۵.

برقسمت پایین ضلع شرقی عبارات زیراست :

« نصرمن‌الله و فتح‌قریب و بشرالمؤمنین یامحمد. »

این قسمت ظاهراً نسبت به‌سایر کنده‌کاریهای صندوق تازه‌تراست .

« صاحب‌الخیرات هذه‌القبر خواجه کمال‌الدین مونی مع ولدها خصوصاً بابو حسین وزرینکمر و مراد مونی المعروف بصالحانی‌عمل بابوشاه‌ابن جلال‌الدین نجّار دماوندی و استاد ضحاك در تاریخ محرم‌الحرام‌سنة تسع سبعین[و] تسعمایه .»

برقسمت پایین ضلع قبلی عبارات زیرحك شده است :

« نادعلیاً مظهرالعجایب ـ تا ـ یاعلی یاعلی یاعلی

عمل استادضحاك‌ابن‌استاد حسین نجّار اروی . »

برقسمت پایین ضلع غربی صلوات‌کبیر بدین‌ترتیب حك شده است :

« اللهم‌صل‌علی محمدالمصطفا وصل‌علی‌علی‌المرتضا وصل علی فاطمة‌الزهرا وصل علی حسن‌الرضا وصل‌علی‌حسین‌کربلا وصل‌علی‌زین‌العابدین وصل‌علی محمدالباقر وصل‌علی جعفرالصادق وصل‌علی موسی‌کاظم‌وصل‌علی‌موسی‌الرضا وصل علی محمدالتقی وصل‌علی علی‌النقی . »

برقسمت پایین ضلع شمالی دنبالهٔ‌آن بدین‌ترتیب حك شده است :

«وصل علی‌حسن‌العسکری وصل‌علی امام محمدمهدی صاحب‌الزمان صلوات الله علیه وعلیهم اجمعین.»

سنگهای‌قبوری که‌در کفش‌کن است

بر دیوار غربی کفش‌کن سه‌سنگ قبر به شرح زیر نصب شده است:

«وفات‌مرحوم محرم ولدمرحوم‌کربلائی‌جمال‌بهرستاقی‌نوسرمسکن بتاریخ

آذرماه قدیم سنهٔ ۱۲۲۹.»

« وفات مرحوم کربلائی قربان ولد مرحوم زکی ۱۲۷۸. »

« وفات مرحوم صفرسلمانی [شکستگی‌سنگ] سنهٔ ۱۲۸۰.»

« وفات مرحوم عباسقلی ولد حاجی قربانعلی سنهٔ ۱۲۹۳. »

مرقد آقا ملاحسین نوسری

در جنوب غربی بنای اصلی بقعهٔ هفت‌تنان بقعهٔ کوچکتری است که از داخل هشت‌ترك و از بیرون چهارترك است. سقف‌آن از داخل گنبدی‌است توسری‌خورده و از بیرون هشت‌ترك است (عکس‌شمارهٔ ۲۸۴). داخل این بنا آقاملا حسین‌نوسری به خاك سپرده شده است.

امامزاده زین[۱]علی

در دهکدهٔ لوت[۲] از دهکده‌های بهرستاق لاریجان

ظاهراً بنایی است هشت‌ترك و گنبدی هشت‌ترك کلاه درویشی دارد. نگارنده به علت بوران شدید موفق به دیدن‌آن نشد.

قلابن[۳]

در اراضی قلابن پایین لاریجان

در فاصلهٔ میان قهوه‌خانهٔ قلابن وآب‌گرم «استرابکو» (استراباکو) برطرف‌دست چپ آب هراز بربالای دامنه‌ای خاکی بنایی است که قدمت‌آن به‌دوران قبل ازاسلام

۱ـ بکسر زاء و سکون باء وکسرنون. ۲ـ در فرهنگ جغرافیایی ایران این کلمه‌را با طاء مؤلف نوشته‌اند. ۳ـ بفتح قاف و ضم باء.

می‌رسد . درازای آن ۱۲٫۷۰ و پهنایش ۹٫۲۵ متر است. این بنا پرستشگاه یامسکن پیشوایان دینی بوده است . پی‌بنا و قسمتی ازپایهٔ بنا از سنگ شکسته و ملاط گچ و بقیهٔ آن تا بام طبقهٔ دوم از خشتهای خام به ابعاد ۵٫۵ X ۲۰ X ۲۰ و ۸ X ۳۶ X ۳۶ سانتیمتر ساخته شده‌است (عکسهای شمارهٔ ۲۸۵ و ۲۸۶). قسمتی ازدو ضلع شمالی و شرقی بنا برکمری استوار است .

در ضلع شمالی صفه‌ای با طاق جناغی است که دهانهٔ آن ۳۳۰ سانتیمتر است . دیوار این قسمت پس از پایهٔ سنگی ، خشت با ملاط گل است . دو طرف پایهٔ طاق‌را چوبهایی چهارنبش‌کارکرده‌و طاق صفه‌را برروی چوبها، باخشت وگچ زده‌اند (عکس شمارهٔ ۲۸۷) . انتهای این‌صفه‌کمری‌است که ازآن یادکردیم . در قسمت شمالی ضلع شرقی صفه‌ای به دهانهٔ ۳۳۵ و ۲۶۰ سانتیمتراست که باز منتهی به‌همان کمر می‌شود. به همان سبك صفهٔ ضلع شمالی، در این صفه نیز طاق زده‌اند . دیوار صفه سفیدکاری داشته که ظاهراً در ادوار بعد روی‌آن‌را کاهگل‌کشیده‌اند . کف این‌صفه سنگ‌چین با ملاط گچ است . دنبالهٔ صفه، باقی ضلع دیوار شرقی است .

مدخل اصلی بنا درضلع جنوبی بوده است که ظاهراً به‌طبقهٔ پایین و بالا راه داشته است . این قسمت بنارا طوری کندوکاو کرده بودندکه آثار آن کم وبیش محو شده بود . از طبقهٔ بالا دیواری به درازای ۳۶۰ و قطر ۹۵ سانتیمتر تا امروز (دی‌ماه ۱۳۵۳) برجای‌است (عکس شمارهٔ ۲۸۸). در اطراف بنا تا فاصلهٔ زیادی‌تکه سفالهای ادوار مختلف فراوان است . پاره سفالی با لبهٔ دوران پارتی دیده شد.

در جنوب این بنا، به فاصلهٔ صدمتری، کمری عظیم بوده‌است که روی آن‌را تراشیده و صاف کرده و سطحی به‌ابعاد ۲۶۰ X ۲۸۰ سانتیمتر به‌وجود آورده‌اند . برروی این سطح صاف ناوی‌کنده و چهارگوشه‌ای به ابعاد ۱۴۵ سانتیمتر ساخته‌اند . دهانهٔ ناو در سطح سنگ ۲۱ و عمق آن ۲۷ سانتیمتراست (عکس‌شمارهٔ۲۸۹). دهانهٔ

ناو گشادتر از ته و کف آن است . دوپله درسمت غربی سنگ درآورده‌اند ، درازای آنها ۴۶ و پهنایشان ۲۵ و بلندیشان ۲۸ سانتیمتر است (عکس شمارهٔ ۲۹۰) . این سنگ‌را سیدقربان شاهاندشتی درحدود چهل‌سال قبل بادیلم وباروت، به‌قصدگنج‌یابی شکسته است .

در شمال این بنا و دامنهٔ تپه وکوه نزدیك به‌آن ، بقایای بناهـا و دیوارهای اطراف آنها که با سنگ چیده شده‌اند دیـده می‌شود و نزدیك به‌این بناهـا پله‌های سنگ‌چین شده که از شمال به جنوب امتداد دارد فراوان است (عکسهای شمـارهٔ ۲۹۱ و ۲۹۲) .

کلاه‌فرنگی
در علی‌آباد لاریجان

مقابل قهوه‌خانهٔ پنجو، برطرف راست‌آب هراز، بنایی دوطبقهٔ‌ظریف و زیباست که‌به‌نام‌کلاه‌فرنگی معروف است (عکس‌شمارهٔ۲۹۳). این‌بنارا میرزا محمدخان امیر مکرم‌لاریجانی بناکرد وپس‌از اوبه‌آقا علی بیگ ازنزدیکان اومنتقل شد.دراین وقت به‌نام علی‌آباد خوانده شد . امروز در دست‌آقای فریدون زارع ــ نوهٔ‌نامبرده ــ است.

کلاه‌فرنگی بنایی‌است، ازداخل وخارج هشت‌ترك. پهنای ترکهای‌داخلی‌طبقهٔ پایین‌هریك دومتر تمام است.درهر ترك، صفه‌ای به دهانهٔ۱۷۱ وعمق۱۷۶ وبلندی۲۴۵ سانتیمتر از تیزی طاق است. برای پوشاندن سقف هرصفه ، ابتدا دو طاق هلالی‌زده و سپس میان آنهارا پرکرده‌اند . در ورودی بنا شرقی‌است و صفه‌های شمالی و غربی و جنوبی درهایی به‌خارج دارند .کف صفه‌ها شصت‌سانتیمترازکف‌اصلی بنا بلندتراست. برای پوشاندن سقف فضای‌وسط دوسرکش(حمال) قطور، درجهت شرقی غربی‌انداخته و روی آنها را پل‌کوبی کرده‌اند .

طبقهٔ دوم که برروی صفه‌ها و فضای وسط طبقهٔ اول ساخته شده‌است اطاقی‌است هشت‌ترك که پهنای هرترك آن ۲۷۴ سانتیمتر است. در میان هرترك دری‌نصب‌کرده‌اند که به ایوانی باز می‌شود که دور بنا می‌گردد. برای پوشاندن سقف اطاق طبقهٔ دوم، سرکشی (حمالی) در وسط‌کشیده و روی آن‌را پـردی‌کوبی (پل‌کوبی) کرده‌اند. سرکشها و تیر و تخته‌های سقف طبقهٔ اول و طبقهٔ دوم تمام نقش‌ونگار و رنگ‌کاری دارد.

پهنای ترکهای خارجی طبقهٔ اول بنا ۳۵۴ سانتیمتر وبلندی‌کرسی ازکف‌زمین ۸۳ سانتیمتر است، حمامی قدیمی در شمال بناست. اطراف‌بنای‌کلاه‌فرنگی و اراضی نزدیك به‌آن‌باغ و درختکاری است.

در جنوب کلاه‌فرنگی، برکنارهٔ راست آب‌هراز، در دامن‌کوه، دیواری دراز ازسنگ وگچ است که ظاهراً راه‌قدیمی‌آمل از بالای‌آن می‌گذشته است.

باقی بناها و آثار تاریخی بهرستاق لاریجان

۱ــ امامزاده‌ای در دهکدهٔ نوسر بهرستاق.

۵ـ جغرافیای طبیعی و انسانی دلارستاق[1]

دلارستاق دره‌ایست که سمت آن از جنوب‌غربی به‌شمال‌شرقی است . آب آن از آبریزها و چشمه‌های شمالی دماوندکوه است ودر رباط (کهرود)[2] به‌رودخانهٔ‌هراز می‌ریزد. آب دره‌های دهکده‌های کرف[3] و تینه و فیره‌که جـزء دلارستاق بشمـارند، بالاتر از رودخانهٔ اصلی دلارستاق به‌آب هراز می‌پیوندند .

دلارستاق شامل یازده‌آبادی بزرگ وکوچك بدین شرح‌است:

۱ـ دیلا(= دلا،حاجی‌دلا) تابستان‌نشین‌آن درحدود ۵۰ خانوار است وشامل خاندانهای زیراند :

ابیاك[4]، رعیّت‌باب (شامل : گوسر وجك[5] وقلیاف[6] ، سلمـان ، میون ملیج[7]) . مجموع این خاندانهارا دیگران ، یعنی ساکنان دهکده‌های دیگر بـه نام « غائـی» می‌شناسند .

۲ـ میانده (دهکده‌ای میان دلا و نااندل) که نه خانوار تـابستان‌نشین دارد و خاندانهای زیر درآن ساکنند .

۱ـ بکسر دال، معمولاً بشکل دیلارستاق می‌نویسند و با یاء مجهول تلفظ می‌کنند.
۲ـ بفتح کاف . ۳ـ بضم کاف. ۴ـ بفتح الف . ۵ـ بفتح جیم. ۶ـ بضم قاف. ۷ـ بفتح‌میم دوم .

پیروسری[1]، جورملیج، سادات جعفری که از دهکدهٔ دینان (دینون) امیری آمده‌اند و سه پشت است که در اینجا ساکنند، میون سری .

۳ـ رزان[2] (رزن)[3] که‌هشت خانوار تابستان‌نشین دارد و ساکنان آن از طایفهٔ «مغول»اند .

۴ـ ناندل[4](= نونّل)[5] که درآن ۷۰ خانوار تابستان‌نشین مقیم‌اند وشامل این خاندانها هستند:

بیلار[6] (= بیلدار که به‌معنی‌رعیت است. امروز در صفحات مازندران بلودار (بفتح باء)همین معنی‌را دارد)،سم‌تراش[7]، متنهار[8]،درکائی[9]، خواجه، ابیاك، سلیمانی، الکائی[10] ، (= ایلدائی) ، نوری.

۵ـ دهکدهٔ لهر[11] که ساکنان‌آن‌به چهارده‌خانوار می‌رسند وشامل خاندانهای زیراند :

الیاس، رئیس، حسن، حاجی ولك[12](= ویلك) ، خدری ، [13] مجموع ایـن خاندانهارا ساکنان دهکده‌های دیگر به‌نام بنّار[14] (= بندار) می‌شناسند .

۶ـ کیان (کیون) که در تابستان ۱۵ خانوار تابستان‌نشین درآن ساکنند و از خاندانهای زیر تشکیل می‌شوند :

۱ـ بکسر پ و سکون یـاء . ۲ـ بفتح راء . ۳ـ بفتح راء و ضـم زاء
۴ـ بفتح‌دال . ۵ـ بضـم نـون اول و تشدید و فتح‌نون دوم. ۶ـ بتشدید لام .
۷ـ بضـم سین . ۸ـ بضـم میم و فتـح تـاء و سکون نـون . ۹ـ بفتـح دال .
۱۰ـ بفتح الف و کسر لام . ۱۱ـ بکسر لام و هاء . ۱۲ـ بکسر واو وفتح‌لام.
۱۳ـ بفتح خاء . ۱۴ـ بفتح باء و تشدید نون .

کیانی ، اراغه[1] ، بنّار(= بندار)، اسپی‌جن[2] .

۷ـ کارو (کهرود) که شامل ۴۵ خانوار تابستان‌نشین است.

۸ـ نل[3] ، فقط دو خانوار دراین دهکده ساکنند .

۹ـ کرف، دارای ۳۵ خانوار تابستان‌نشین است .

۱۰ـ تینه، در حدود سی خانوار تابستان‌نشین دارد .

۱۱ـ فیره ، در این دهکده بیست خانوار ساکنند .

۱ـ بفتح الف اول.   ۲ـ بکسر الف وضم جیم .   ۳ـ بضم نون .

۶- بناها و آثار تاریخی دلارستاق

مرقد سلطان احمد نریزنده

در دهکدهٔ دیلا[1] از دهکده‌های دلارستاق لاریجان

بنایی است از سنگ و گچ ازخارج هشت‌ترك(عکس شمارهٔ ۲۹۴) و از داخل مدور. سقف‌آن گنبد عرقچینی وبام آن کلاه‌درویشی است و اخیراً تمام‌بدنهٔ خارجی بنارا حلب‌پوش کرده‌اند . برکمربند گنبد داخلی ابیات زیررا گچ‌بری کرده‌اند :

« این بارگاه کیست که تا صبح واپسین
جن و ملك بخاك درش مینهد جبین
این بارگاه‌کیست که محتاج درگهش
هستند کائنات همه روی این زمین
این بارگاه کیست که از فیض رحمتش
خوشحال و خرّمند هزاران دل غمین
این بارگاه کیست که تابنده نور او
باشد یکی چو روضهٔ فردوس عنبرین

۱- با یاء مجهول .

این بارگاه کیست که شاهنشاهان عصر

از خرمن عنایت اویند خوشه چین »

در ورودی بقعه ساده است وکنده‌کاری و تزیین ندارد فقط بر بالای لنگهٔ سمت راست این عبارات حك شده است:

« وقف هذاالباب صناعت دستگاهان مشهدی گلبابا و استاد ملا آقا نجار بتاریخ‌شهر ذی‌العقده سنة ۱۱۰۰.»

مرقد سلطان شهاب‌الدین بن سلطان احمد در دهکدهٔ دیلا از دهکده‌های دلارستاق لاریجان

بنایی است از سنگ وگچ که نمای خارج آن هشت‌ترك و بام آن کلاه‌درویشی است (عکس شمارهٔ ۲۹۵) . طرح داخل بنا نیز هشت‌ترك است و در هر ترك صفه مانندی‌است.درازای هرضلع از داخل ۲۱۰ ودهانهٔ صفه ۱۰۰ وعمق صفه ۵۰ وپهنای انحنای طرفین صفه ۴۵ سانتیمتراست. اضلاع و صفه‌هارا به‌بلندی ۸۰ سانتیمتر کاشی‌کاری ظریف‌کرده‌اند . تمام‌کاشیها ستاره‌ایست و در فرورفتگیهای آن شش‌لوزی کار کرده‌اند . طرفین صفه‌ها وبالای‌کاشیها حاشیه‌ای از کاشی دارد که طرح آن‌حاشیه‌بندی است .

اینك از سمت راست در ورودی نوشتهٔ کاشیهای زوایا و صفه‌هارا از نظر می‌گذرانیم .

برسمت راست در ورودی این‌کلمات برکاشیها خوانده می‌شود:

« آقا رضی‌بن حیدرکرار.» [وچندین‌کاشی شکستهٔ دیگر که عبارات آن قابل خواندن نبود].

بر زاویهٔ میان در ورودی و درگاه شمارهٔ یك عبارات زیر بر کاشیها نوشته‌شده است :

« الحکم‌لله تعالی و تقدس ـ بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ـ الاحسان یقطع‌اللسان ـ الخالق المتکبر ـ العلم‌عندالله ـ من‌طلب شیاء جدّ وجد[۱] ـ التصوف کله‌ادب ـ بالله‌العلی‌العظیم ـ الراحة فی‌القناعة ـ یااکرم‌الاکرمین خیر . »

در درگاه شمارهٔ یك‌عبارات زیر خوانده می‌شود :

« والسلام علی من‌اتبع‌الهدی ـ منم غلام غلامان خواجهٔ قنبر ـ بسم‌الله الرحمن‌الرحیم ـ لاشفیع‌انجح [من] التوبه ـ الشباب شعبة من‌الجنون ـ الکریم اذا وعدالوفا ـ السعیدمن‌وعظ لغیره ـ التعظیم لامرالله ـ لولاالسیاسة لبطل‌الریاسة ـ یاالله‌المحمود فی‌کل فعاله ـ هوالملك‌العزیزفی کل حکم ـ یافی‌کل‌حکم‌هوالملك‌العزیز ـ بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ـ فی‌سنة‌ثلاث‌و تسعمایه ـ نصر من‌الله و فتح‌قریب بشر ـ چشم عنایت و نظر لطف واملـه ـ بسم‌الله‌الرحمن الرحیم ـ العبد یدبروالله‌یقدر ـ السلطان ظل‌الله ـ دانی بسزاصاد تصوف ز کجاست از صبر و صفا حد بالیف (؟) صدق و صفاست در راه تصوف آنکه‌او راهنماست شاهنشاه اولیا علی‌شیرخداست [این رباعی بریك‌کاشی قرائت‌شد] ـ نصرمن‌الله و فتح‌قریب و بشرالمؤمنین یا محمد یاعلی . »

عباراتی که برزاویهٔ دوم دست راست از در ورودی است :

« لااله الاالله ـ نصر من‌الله و فتح قریب ـ والشفقة علـی خلق‌الله ـ عاقبت محمودباد ـ النوم اخ‌الموت ـ بالله تستعبدالحرّ ـ العلم‌عندالله ـ من‌طلب جدّوجد ـ هوالملك‌العلی‌العظیم ـ هوالملك‌العلی‌العظیم ـ السعید من وعظ بغیره ـ البخیل لایدخل‌الجنة ـ الشباب‌شعبة من‌الجنون . »

۱ـ اغلاط چنانکه در متن است نقل شده است .

عباراتی که برکاشیهای درگاه دوم است :

« الشرف بالفضل والادب ـ الدولت والسعادت ـ هوالله الرحمن الرحیم ـ زمشرق تا بمغرب گر امامست علی و آل اومارا تمامست سنة احدی وتسعمایه ـ یاالله یا محمد یاعلی یاحسن یاحسین ـ البخیل لایدخل الجنة ـ الله محمد علی حسن حسین ـ صلوا علی خیرالوری ـ یا سلطان کوچك نزاونی همتی خاطری ـ محمد رسول الله حقاً ـ اللهم صل علی محمد ـ الدنیا ساعة وجعلها طاعة ـ العلم عندالله ـ التصوف کله ادب صدق ـ الدنیا فقیروها عمروها و ولاوقطب (؟) ـ دینم بمحمد و علی هست درست ـ از شور زمین حمرحی(؟) هیچ نرست ـ خواهی که ز حوض کوثرت آب دهند ـ رومذهب شاه گیر دین درست ـ [چهارعلی که عین آنها در وسط و چهارمحمد در دل یاء شکستهٔ علی و دومحمد خارج بریك قالب کاشی] ـ یادگار علی حدادابن بایزید ـ السلطان ظل الله فی الارضین ـ التصوف کله ادب ـ الحکم لله تعالی العبد حبیب الله اسدالله الغالب علی ابن ابی طالب ـ السلطان ظل الله فی الارضیین ـ ربّ طامع کاذب ـ المکتسب حرص العلم (؟) ـ بسم الله الرحمن الرحیم هست کلید در گنج حکیم ـ ان هذا هوالحق الیقین ـ ربّ آمل خایب ـ الذی تعالی وتقدس ـ الفقر تحفة الحق ـ یاکاشف کل کربه ـ اله است والله رحمن خدای ـ الشرف بالفضل والادب لا بالاصل والنسب یاعلی ـ السلطان ظل الله .»

عباراتی که برزاویهٔ سوم دست راست از در ورودی برکاشیها نوشته‌اند :

« از حمدالله بن یدالله جعفر عاقبت بخیر باد آمین یارب العالمین ـ وبالله العصمة والتوفیق ـ یادگار سلطان کمانگر ـ النوم اخ الموت ـ یادگار کمال سرخاب ـ الحکم لله تعالی وتقدس ـ الحکم لله تعالی و تقدس ـ السلامة اجمل من الناس(؟) یا مفتح الابواب ـ البخیل لایدخل الجنة ـ العلم عندالله ـ یاالله یا رحمن یا

رحیم ـ القدوس السلام المؤمن ـ بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ـ التعظیم لامرالله السلام المؤمن القدوس ـ من طلب جدّ وجد ـ قسمت کل ما بحسنه (؟) »

ازارهٔ درگاه سوم فقط کاشیهای نقش‌دار است و نوشته‌ای بر آنها نیست. بر زاویهٔ میان درگاه سوم و چهارم عبارات زیر بر قالبهای کاشی نوشته شده است :

«قال رسول‌الله ـ اللهم‌صل‌علی محمد و آل‌محمد ـ السلطان ظل‌الله ـ الله‌مفتح الابواب ـ الشرف بالفضل‌والادب ـ الشرف بالفضل والادب ـ النثار العاقل قلبه ـ یارب ذوالجلال والاکرام ـ الهیبت‌لله تعالی و تقدس ـ هو الملك العلی العظیم الوهاب ـ المهیمن العزیز الجبار ـ العبد یدبر والله‌یقدر ـ الحکم لله تعالی و تقدس ـ جناح الطالب الشفیع ـ ربناستار العیوب و» [یکی دو کلمه خوانده نشد] .

عباراتی که بر کاشیهای ازارهٔ درگاه چهارم است :

« السلطان ظلّ‌ظلّ [ظلیل] ـ العبد یدبر والله‌یقدر ـ بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ـ اکرم‌النسب‌خلق‌الحسن ـ [خوانده نشد] علی‌بن‌ابی‌طالب ـ الفقر سوادالوجه فی‌الدارین ـ التصوف کله‌ادب ـ فی‌سنة اثنی وتسعمایه ـ الاکرام عزمن‌التقی ـ ان هذا هو الحق‌الیقین ـ اما من‌هلك عرف‌قدره ـ العبد یدبر والله یقدر ـ بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ـ هوالغنی‌المغنی ـ و قلب‌احمق الافمه ـ بالله‌العلی العظیم ـ الله مفتح‌الابواب ـ لا برّمع‌الشح (؟) ـ العلیم‌الحافظ [خوانده‌نشد] السلطان ظل‌الله ـ باز جسم مس کند (؟) یارب بحق مصطفی سلطان‌تخت اصطفی آن بدر درطاهرین شمس‌الضحی بدرالدجی ـ الراحة فی‌القناعه ـ العلی‌العظیم ـ العبد یدبر والله یقدر ـ فانه من‌مفاتیح‌الزر [چهار علی‌دروسط و چهارمحمد حسن وحسین تقی جعفر نقی] ـ بسم‌الله الرحمن‌الرحیم ـ یا مفتح‌الابواب ـ المشورت رکن من‌الاصواب (؟) المسار السرّ جامع‌العیوب (؟)

النوم اخ الموت [دوبار بریك قالب کاشی] ـ بسم الله الرحمن الرحیم ـ السلطان ظل الله ـ لولا السیاسة لبطل الریاسة ـ السخی لایدخل النار ـ الرفعة والعزة والشوکت ـ یادگار محمد لوّاف ـ الفقر فخری.»

مطالبی که برزاویهٔ میان درگاه چهارم و پنجم است :

« قلب الاحمق فی فمه ـ السخی لایدخل النار ـ قال امیرالمؤمنین ـ العبد یدبر والله یقدر ـ لاحیاء لحریص ـ اکرم الضیف ولوکان کافرا ـ لااله الاالله ـ هوالعلی العظیم ـ العلم تاج سلطنتی ـ هوالغفار القهار ـ السعید من وعظ لغیره ـ الواثق بالملك الغنی ـ المرءُ محبواً تحت لسانه ـ احذرمن نعامة النعم ـ الله هو الرحمن الرحیم ـ الشباب شعبة مـن الجنون ـ نصر من الله و فتح قریب ـ من عرف نفسه فقد عرف ربه ـ السخی لا تدخل النار ـ الخلف الصالح والعبد [خوانده نشد] ـ السلطان ظل الله .»

عباراتی که بر کاشیهای ستاره‌ای درگاه پنجمین است :

« السلطان ظل الله ـ من طلب جدّ وجد ـ اناالعلم المقتی ـ یا خالق کل شیی ـ الله مفتح الابواب ـ الله مفتح الابواب ـ خواجهٔ ابرار حیدر کرّار ـ التصوف کله ادب ـ الفقر تحفة الحق ـ در را ز هوای خود به‌بستیم بگل زان درگه ما سجده‌گه شاهانست ـ اطیع الله واطیعوا الرسول ـ فی سنة احدی و تسعمایه هجریة النبویه ـ قال النبی علیه السلام ـ قال امیرالمؤمنین ـ لاثناء مع الکبر هر که‌را کبر پیشه شد همه خلق در محافل خفاء او گویند آنکه بر منهج تواضع رفت همه عالم ثناء او گویند ـ والله المرجع والمآب ـ وبالله العصمة والتوفیق ـ الحمدلله الذی جعل لناظهور ـ الله مفتح الابواب [دوبار] الکریم اذا وعدالوفا [کذا] بیت خمسهٔ نظامی آنکه تغییر نپذیرد توئی وانکه نمردست ونمیرد توئی علیه الرحمة والثواب ـ الله مفتح الابواب ـ التصوف

کله ادب‌صدق ــ الاحسان یقطع‌اللسان ــ لافتی الاعلی‌لاسیف الاذوالفقار ــ اللهم صل علی‌محمد ــ الحکم‌لله تعالی ــ التعظیم‌لامرالله‌ــ الله‌العلی‌العظیم.»

مطالبی که بر زاویهٔ میان درگاه پنجم و ششم است :

«السلطان ظل‌الله ــ السعید من وعظ لغیره [دوبار]ــ بسم‌الله الرحمن الرحیم الاحسان یقطع‌اللسان ــ الدولت والسعادت ــ نصرمن‌الله و فتح‌قریب ــ العبد یدبر والله یقدرــ العلم‌عندالله ــ التصوف‌کل [کله] ادبــ ان هذا لهوحق الیقین ــ الله مفتح‌الابواب والمرجع والمآب الفقر تحفةالحق ــ ثم‌الجزع عندالبلا ــ التصوف کله‌ادب ــ العلام‌المهین‌العزیز ــ الحب‌والبغض‌بتوارثــ الاحسان یقطع‌اللسان .»

عباراتی که برکاشیهای درگاه ششمین نوشته شده است :

« الله یقدر والعبدیدبر ــ حیدر علی‌بن‌ابی‌طالب ــ اغنی‌غنی‌العقل ــ لاحیاء [خوانده نشد] مع‌الحرصــ الکریم اذا وعدالوفا [کذا] ــ فان احسنتم لایعلم حسبتمــ لااله‌الا هوالحی‌الاــ یا مؤلفةالقلوب، ــلاشرف مع‌سوءالادبــ القلب المرة عمی ــ الاحسان تقطع اللسان ــ الحکم‌لله تعالی و تقدس ــ بسم‌الله‌الرحمن الرحیم ــ لوکتب الکتب صانعاً نجارا ــ اکرم‌الضیفــ ولو کان کافرا ــ لابرّمع‌الشحــ افقرالفقر الحمق صدق ــ ان‌الله یحب التوابین ــ ان هذا لهو حق‌الیقین ــ الله یقدر والعبدیدبر ــ لااله‌الاالله محمد رسول‌الله ــ و بالجلال والاکرام ــ قیمةکل امرء مایحسنهــ العبد الخاکی صوفیــ الوهاب الرزاق‌الفتاح ــ العبدیدبر والله یقدر ــ نصرمن‌الله وفتح‌قریبــ اللغت‌مفتاح مفتاح‌الفتح ــ لسانك مابعد[خوانده نشد] ــ قلب‌الاحمق فی فمه ــ لوکتب الکتب صانعاً نجاراً (؟) لولاالسیاسة لبطل الریاسة محمدالمصطفی »

بر زاویهٔ میان درگاه ششمین و هفتمین عبارات زیر برکاشیها خوانده شد :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ـ یا واسع‌المغفرت‌الذنوب ـ الله‌التوفیق‌بالله ـ الحکم العدل اللطیف الجنة (؟) ـ الله مفتح‌الابواب ـ الله‌یقدر والعبدیدبر ـ الرحمن الرحیم الحی‌القیوم ـ اکرم‌المنیف ولوکان‌لافرا ـ ادب المرء حسن‌الخلق ـ ان دین عندالله الاسلام ـ الناس بهم منهم سنة بایاتهم (؟) ـ والله‌التوفیق ـ لقدرالله تعالی و تقدس ـ الله مفتح‌الابواب. »

در ازارهٔ درگاه هفتم فقط کاشیهای گلدار چسبانیده شده است.

برزاویهٔ میان درگاه هفتم و هشتم عبارات زیر برکاشیها نوشته شده است:

« والله اعلم و احکم ـ الله مفتح‌الابواب ـ العلی‌العظیم ـ من‌عذب لسانه انه لنرجو(؟) ـ الطامع فی وثاق الذّل ـ یاخیر خلق‌الله ـ ولله‌الذی لااله(؟) ـ صلوا علیه وآله ـ ظل‌السلطان الظل‌الله ـ الحافظ المعزالرافع‌المدرك السمیع ـ الحمدلله الذی‌ذمت عن‌الخرب(؟) التعظیم لامرالله ـ حسن‌الرضاو حسین‌شهیدکربلا ـ العلم تاج‌الفتی ـ فانه من‌مفاتیح‌الرزق ـ لااله‌الاالله ـ یادگار سهراب سرخاب‌آهی. »

بر بدنهٔ سمت چپ درگاه هشتم که در ورودی اصلی بناست، عبارات زیر است:

«لااله الا هوالحی القیوم لاتأخذه ـ سنة ولانوم له مافی ـ بسم‌الله‌الرحمن الرحیم ـ قال امیرالمؤمنین من نطر اعتبر ـ البخیل لاتدخل‌الجنة ـ بسم‌الله الرحمن الرحیم ـ الباری المصورالغفار ـ هوالله الرحمن‌الرحیم ـ الفقر سوادالوجه فی‌الدارین ـ هوالملك‌العزیز کل حکم » (عکسهای شمارهٔ ۲۹۶ و ۲۹۷ و ۲۹۸ و۲۹۹ و ۳۰۰ و ۳۰۱ و ۳۰۲ و۳۰۳) .

ازجملات دینی وعرفانی ومسلکی فتیان‌که بگذریم ، در چهاردرگاه به‌ترتیب زیر یادی ازسالهای کاشیکاری شده است :

سال ۹۰۱ در درگاه دوم ودرگاه‌پنجم و سال ۹۰۲ در درگاه چهارم وسال ۹۰۳ دردرگاه اول . ازذکر این‌تواریخ می‌توان‌به این‌نتیجه رسیدکه دوران‌کاشیکاری ازارهٔ مرقد سلطان‌شهاب‌الدین درحدود سه‌سال طول‌کشیده است . بنابراین می‌توان‌گفت که کاشیها درمحل تهیه نشده بلکه ازخارج بدینجا حمل شده است .

دیگر اینکه نامهای چندین تن درمیان نوشته‌های کاشیهای ازاره بدین‌ترتیب آمده است .

آقا رضی‌بن حیدر کرار در سمت راست در ورودی .

العبد حبیب‌الله، یادگارعلی‌حدادبن بایزید در درگاه دوم .

یادگارسلطان‌کمانگر ، یادگارکمال سرخاب، حمدالله‌بن یدالله .

جعفر درزاویهٔ میان درگاه دوم و سوم.

یادگارمحمد لوّاف در درگاه چهارم .

العبد خاکی صوفی در درگاه ششم .

یادگار سهراب سرخاب‌آهی در درگاه هفتم .

اما معلوم نیست اینان‌کاشیکار یا کاشی‌ساز یاکاتب‌نوشته‌های کاشیها هستند ، زیرا سمت هیچیك دراین نوشته‌ها مشخص‌نیست .

در ورودی بقعه دولنگه‌ای است. بلندی هرلنگه ۱۶۵ وپهنای‌آن ۴۰سانتیمتر است . عبارات زیربراین دولنگه حك شده است :

بربالای لنگهٔ سمت راست :

« وقف هذاالباب لمزار سلطان‌العارفین . »

بربالای لنگهٔ سمت چپ :

« سلطان‌حاجی قدس‌سرّه . »

بروسط لنگهٔ سمت راست :

«البناء التناء معظم[1] شیرانشاه ابن شیرامه فی تاریخ.»

بروسط لنگهٔ سمت چپ :

«شهر ربیع‌الاخر سنة اربعا سبعین وثمانمائه . »

برپایین لنگهٔ سمت راست :

«[عمل] حسین نجار لواسانی و محمدشاه نجار لارجانی . »

قسمت پایین لنگهٔ سمت چپ وطـرف راست آن سوخته و از بین رفته است . غیراز عباراتی که نقل شد بر قسمتهای دیگر در یعنی بائوها و پاسارها کنده‌کاری متوسط داشته که براثر بارندگی خورد شده واز میان رفته است.

چنانکه ازکتیبهٔ در پیداست این در وقف برمزار سلطان‌العارفین‌سلطان‌حاجی شده است ، درصورتیکه مدفون دراین مرقد درنزد اهالی معروف‌به شیخ شهاب‌الدین استو اغلب انتساب« سهروردی» را نیز به‌نام او می‌افزایند وبرای این انتساب دلیلی دارند ومی‌گویند:«چون مدفن این مرددرمرتع سردور[2] است واین مرتع درنوشته‌های دیوانی «سهرود»[3] ضبط شده است ازاینرو سلطان‌شهاب‌الدین‌که دراین اراضی به خاك سپرده شده است به « سهروردی » معروف شده است . پای این استدلال سخت چوبین است .

ازطرف دیگر بایدگفت دری‌که در بالا شرح داده شد ، متعلق به بقعه نیست ، زیرا درطرف دست راست‌آن بازویی ازگچ درحدود بیست‌سانتیمتر درکنارچهارچوب افزوده‌اند تا در، دراین پهنا جایگزین شود. گذشته از این طاق درگاه هلالی است و قسمت بالای‌چهارچوب درافقی، است وهیچگونه نشانی‌نداردکه روزی‌کتیبه‌ای اضافه بالای‌آن‌بوده‌که هلال طاق راپر کند . ازاینرو مجبور شده‌اند ، دوپاره‌تخته‌که خـود

۱ـ معنـی ایـن دولفظ روشن نشد .
۲ـ بفتـح سین وسکون راء وکسردال و فتح واو .
۳ـ بفتح سین وسکون هاء وفتح راء وواو وسکون راء ودال .

روزی قسمتهایی ازدری بوده است با پارهٔ تختهٔ قطوری در هلال بالای در بکوبند و این‌فاصله را پر کنند. بااین‌آشفتگی ودرهم‌ریختگی قضاوت اینکه اینجا مرقد سلطان شهاب‌الدین سهروردی یا مدفن سلطان‌حاجی است امری دشوار است .

از داستانهای محلی که مبیّن‌کرامات صفویان است داستان زیر را می‌توان نقل‌کرد .

روزی محمدشاه‌هندی ، در زمان حیات سلطان‌شهاب‌الدین ، به عزم شکار ، به حاجی‌دیلا[1] آمده و به ملاقات او رفته و سه‌کرامت زیررا ازاو خواسته است تا اعتقاد خودرا نسبت به‌او صافی‌کند .

نخست آنکه‌کومهٔ محل اقامت سلطان‌شهاب‌الدین وسعت پیداکند وشاه وصدتن ازنوکرانش را جای دهد . چنین امری جامهٔعمل پوشیده وشاه ونوکرانش درآنجا نشسته‌اند .

دوم آنکه چهارفصل را درآن محل به او نشان بدهد . سلطان‌شهاب‌الدین پنجرهٔ کومهٔ خود راگشوده وچهارفصل رایکی پس‌ازدیگری نمایانده است .

سوم اینکه خود وهمراهانش را ازشیر بزکوهی آش‌شیر(شیر برنج) دهد . ماده بزی‌کوهی لنگ پیدا شد سلطان شهاب‌الدین شیرکافی برای شاه و همراهانش از او دوشید وخود آش‌شیر پخت و سفره گسترد وایشان را غذا داد وظروف غذای ایشان را خود شست .

پس‌ازدیدن‌کرامات، محمدشاه به او وعده‌کردکه پس‌ازمرگش مقبره‌ای‌برای او بسازد. سلطان‌شهاب‌الدین مشتی خاك‌بدو داد وگفت:« هروقت این خاك‌تبدیل‌به خون

۱ــ دهکدهٔ دیلا (بایاء مجهول) در دامنهٔ شمالی‌کوه دماوندکه مسلماً ازدهکده‌های قدیمی است ، امروزبه‌نام « حاجی‌دیلا » معروف است . شاید پس‌از سکونت سلطان‌حاجی در این دهکده به این‌نام معروف شده‌باشد .

شد ، من در آن وقت مرده‌ام . » محمدشاه هنوز به هند نرسیده بود که خاك بدل به‌خون شد دستور داد تامقبرهٔ او را به‌بهترین وجهی ساختند .

مقبرهٔ آقا سید محمد کیا
در بالا محلهٔ نونل (ناندل) از دهکده‌های دلارستاق

بنایی است ازخارج هشت‌ترك با بامی‌کلاه درویشی . نمای داخلی‌آن‌نیز هشت ترك است . درهر ترك يك طاقنما است که طاقی هلالی دارد . سقف داخل بقعه گنبد عرقچینی است . کفش‌کنی باسقف هلالی متصل به بقعه است . مصالح بنا سنگ وگچ است . در ورودی بقعه درکفش‌کن باز می‌شود . برباتوها و پاسارها کنده‌کاری دارد و تنکه‌های آن مشبك است . یعنی تخته‌ای را مشبك‌کاری کرده و در جام تنکه جای داده‌اند. درحاشیهٔ چهارچوب کنده‌کاری مارپیچ ازچوب‌آزاد است . درنونل (ناندل) بقعه‌ای دیگر به نام « درویش‌حسن » است که چهارگوشه‌است و بام‌آن‌گنبد عرقچینی است . درورودی بقعه شرقی است. این‌بنا قدیمی بنظر رسید .

بقعه‌ای دیگر به نام « میرشمس‌الدین » درمرتع « اوجاله » است‌که اثرتاریخی درآن دیده نشد .

بقعهٔ مظفرسلطان
در میانده [1] دلارستاق لاریجان

نزديك تکیهٔ میانده اطاق‌کوچك سادهٔ گل‌سری است . اثرتاریخی نداشت .

درمیانده سه‌تن به‌نام شیث واسحق واسماعیل درحصاری مدور مدفون بودند .

۱ــ این‌دهکده چون میان دلا وناندل است به‌این نام معروف شده است.

امامزاده عباس و علی پسران اسمعیل بن موسی بن جعفر علیه‌السلام دردهکدهٔ لهر[1] ازدهکده‌های دلارستاق لاریجان

بنایی است ازخارج هشت‌ترك با گنبدی کلاه‌درویشی . مسجد و کفش‌کنی به‌ترتیب متصل به‌در ورودی امامزاده‌اند . درهای مسجد و کفش‌کن و بقعه به‌طرف شمال گشوده می‌شوند . بنا ازداخل چهارگوشه است که چهارکنج آن‌را باچهارگوشوارجمع کرده‌و گنبدی عرقچینی ازسنگ وگچ برآن زده‌اند.

مرقد دو برادر به نام درویش‌حسن و درویش‌علی دردهکدهٔ کیون(کیان) ازدهکده‌های دلارستاق لاریجان

بنایی است چهارگوشه با گنبدی مخروطی. صندوقی‌سادهٔ چوبین دروسط بناست. درورودی ساده است و به‌طرف شمال بازمی‌شود . برچهارکنج بنا ازداخل چهارگوشوار ساخته‌اند وگنبدی عرقچینی برآن زده‌اند . مصالح اصلی‌بنا سنگ وگچ است .

قلعهٔ باحرب = قلعهٔ کهرود = قلعهٔ کارو در دهکدهٔ کهرود از دهکده‌های دلارستاق

منوچهرمرزبان‌لاریجان ، قلعهٔ کهرود راکه بعدها به‌کارو معـروف شد ، چنان آبادکرده بودکه افرادی ازهر صنف ، ازهندوستان ومصر وسوریه به‌آنجاآمده، اقامت گزیده بودند . این دژ در سال ۷۸۳ قمری به دست سید فخرالدین مرعشی تسخیر و ویران‌گردید وبه‌حال ویرانی باقی ماند تابه دست ملك کیومرث مرمت شد .[2]

خرابه‌های این دژ برتیغهٔ کوه جنوب‌شرقی آبادی‌کهرود که یکی از بازوهای شمالی دماوندکوه‌است وبه پل رباط[3] درکنار هراز ختم می‌شود، تا امروز باقی است .

۱ـ بکسرلام و هاء . ۲ـ ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران واسترابادرابینو، ص ۱۵۵.

۳ـ رباط نام قـدیـم کهرود است وچنانکه ازنام‌آن پیداست ، رباطی بر سرراه هراز دراین مکان بوده است .

مصالح ساختمانی این قلعه ، سنگ وگچ و خشت‌خام و چوب و ساروج بوده است . چون تیغه‌ای‌که این قلعه بر آن بنا شده است خاکی است ، بر اثر زلزله‌های متوالی درهٔ‌لاریجان قسمتی ازکوه که بنیاد بناهای قلعه بر آن بوده ، فروریخته وقلعه روز بروز خرابتر شده است ، بطوریکه راه وصول به خرابه‌های قلعه از روی تیغهٔ بسیارباریکی است‌که دوطرف‌آن پرتگاهی خطرناك است . آنچه ازاین قلعه برجای است بازماندهٔ دیوارهای بناست که پهنای آنها به یك‌متر می‌رسد . چهارآب‌انبار در امتداد تیغهٔ کوه است که یکی پس‌از دیگری قرار می‌گیرد . ابعاد آب‌انبارها تقریباً دومتر در چهارمتر است وعمق آب‌انبار دوم بیش ازسایر آب‌انبارهاست و بالاتر قرار گرفته‌است . در داخل آب‌انبارها برای اینکه جلو نفوذ آب را بگیرند ، ساروجی سفیدرنگ کشیده‌اندکه نظیرآن در دژهای دیگر دیده نشده است . معروف است‌که آب این قلعه، از چشمهٔ کوهستانی « نسوم‌لبی » که یکی از مراتع دهکدهٔ دلا است ، باگنگ (تنبوشه) به‌قلعه می‌آمده است .

زیر ساختمانهای قلعه ، به‌طرف شرق ، مسلط به درّهٔ هراز ، در حدود دوازده زاغه است که یکی از آنها پس از زلزلهٔ سال ۱۳۳۶ خراب شد ، در یکی مقداری گردوی پوك و در دیگری شلتوك فراوانی پیدا شد که مغز نداشت.

در مقابل آبادی‌کهرود ، سه زاغه خیلی پایین‌تر از بنای قلعه دیده می‌شود که زاغهٔ میانی راهی به زاغهٔ سمت چپ دارد . سقف زاغه‌ها تیرپوش است برای اینکه جلو فرو ریختن سقف را بگیرند. داخل اطاقهای قلعه و داخل زاغه‌ها سفیدکاری است .[۱]

۱ــ اطلاعات در بارهٔ زاغه‌ها از اهالی کسب شده است .

جوانمرد حمزه

درکهرود (= کارو) دلارستاق نور

بنایی است از داخل هشت‌ترک که پهنای ترکهای آن از ۱۵۲ تا ۱۵۸سانتیمتر است . در هر ترک طاقنمایی باطاقی هلالی است . صندوقی چوبین‌ساده ، در وسط بنا، مرقدرا پوشانده است .

نمای بنا از خارج هشت‌ترک و پهنای ترکهای آن میان ۲۳۰ تا۲۴۵ سانتیمتر است (عکس شمارهٔ ۳۰۴). پوشش بنا گنبدی کلاه‌درویشی هشت‌ترک است. مسجدی محقر متصل به‌بنا ساخته‌اند .

باقی بناها و آثار تاریخی دلارستاق

۱ـ سیدیوسف در دهکدهٔ تینه .[1]

۲ـ امامزاده‌ای در دهکدهٔ کرف .[2]

۱ـ تینه: ده ازدهستان دلارستاق‌بخش لاریجان شهرستان‌آمل ، بیست‌وچهار کیلومتری شمال رینه (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳) . ۲ـ کرف(بضم‌کاف) ده ازدهستان دلارستاق بخش لاریجان شهرستان آمل، بیست‌و هشت‌کیلومتری شمال‌شرقی رینه (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج۳).

۷ـ جغرافیای طبیعی و انسانی نمارستاق[1]

نمارستاق یکی از دره‌های فرعی سمت چپ آب هراز است. آب این دره از گردنه‌های سرخ چاله[2] (میان نیج و درون[3]) و نازر[4] (میان چل وهترو نمار) سرچشمه می‌گیرد و پس از طی سی کیلومتر در پنجو (پنجاب)[5] به آب هراز می‌ریزد. آبادیهای زیر از بالا به پایین کنار این آب قرار می‌گیرند.

۱ـ درون در حدود ده خانوار تابستان‌نشین از خاندان آریج.

۲ـ نمار در حدود پنجاه خانوار تابستان‌نشین از خاندانهای: آهی، مشائی[6]، خسینگ[7].

۳ـ کفا[8] در حدود هفت خانوار تابستان‌نشین از خاندان تیرگر[9].

۴ـ کلری[10] در حدود یازده خانوار تابستان‌نشین از خاندان دیلمی.

۵ـ پلریه[11] در حدود پانزده خانوار تابستان‌نشین از خاندان من.

۶ـ سلور[12] در حدود چهار خانوار تابستان‌نشین از خاندان آهنگر.

۷ـ دزور[13] دو خانوار تابستان‌نشین از خاندان آهنگر.

۱ـ بفتح نون وضم راء. ۲ـ بضم سین وکسر خاء. ۳ـ بکسر دال. ۴ـ بفتح زاء. ۵ـ بفتح پ. ۶ـ منسوب به دهکدهٔ مشاء دماوند. ۷ـ بکسر خاء. ۸ـ بضم کاف. ۹ـ این خاندان در دهکدهٔ کوشکک لورا نیز ساکنند. ۱۰ـ بضم کاف ولام. ۱۱ـ بضم پ ولام وکسر راء. ۱۲ـ بکسر سین وضم لام. ۱۳ـ بکسر دال و ضم زاء.

۸ـ شیخ‌محله درحدود ۹۰خانوار تابستان‌نشین ازخاندانهای: چالی و نوری .

۹ـ اطاق‌سره[1] درحدود ۱۵خانوار تابستان‌نشین ازخاندان درویش که از دهکدهٔ لاسم بالالاریجان بدینجا آمده‌اند .

۱۰ـ امره[2] درحدود سی خانوارتابستان‌نشین ازخاندانهای : ماهینی وبندپی‌ای و بنه‌لس[3] .

۱۱ـ سوآ[4] درحدود صد خانوارتابستان‌نشین ازخاندانهای : جلهت[5] ونجّار و بهین[6] .

۱۲ـ نسل[7] درحدودهیجده خانوار تابستان‌نشین‌ازخاندانهای : سیف وچرخ و موسوی .

۱۳ـ درکنار[8] در حدود هشت خانوار تابستان‌نشین از خاندان پولاد .

۱۴ـ عبدالمناف در حدود ده خانوار تابستان‌نشین از خاندانهای: درویش و نوائی .

۱۵ـ پنجو[9] درحدود پانزده‌خانوار تابستان‌نشین ازخاندانهای:مزو[10] و باغن[11] .

۱ـ بفتح‌سین و کسر راء . ۲ـ بفتح‌الف وسکون میم و کسر راء. ۳ـ بکسر باء ونون ولام. ۴ـ بضم‌سین . ۵ـ بضم‌جیم‌وسکون لام وفتح هاء . ۶ـ بفتح بـاء . ۷ـ بفتح نون وکسرسین. ۸ـ بفتح دال . ۹ـ بفتح پ وضم جیم . ۱۰ـ بفتح میم وضم زاء . ۱۱ـ بکسر غین .

۸ـ بناها و آثار تاریخی نمارستاق نور

امامزاده محمد

دردهکدهٔ نمار از دهکده‌های نمارستاق نور

بنایی است هشت‌ترک ازداخل وخارج وبام آن کلاه‌درویشی است . کفش‌کنی ساده از سنگ و گچ در جلو این بناست .

ملك قالا [۱]

بالاسر دهکدهٔ نمار روبروی دهکدهٔ درون

بر بالای کوهی آثار آب‌انبار ودیوارهایی ازسنگ‌وگچ برجای است . چنانکه از نام آن پیداست قلعه‌ای قدیمی بوده است .

امامزاده عبدالله از نوادگان موسی‌بن جعفر علیه‌السلام

در اطاق‌سره [۲] از دهکده‌های نمارستاق نور

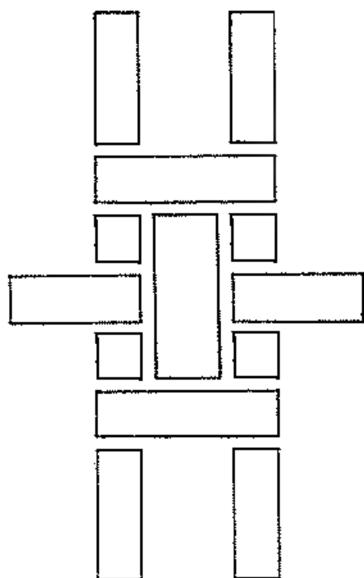
بنایی است ازخارج هشت‌ترك با بامی‌کلاه‌درویشی . کفش‌کنی ساده متصل بـه

۱ـ بفتح‌میم و کسرلام وضم قاف. ۲ـ این‌دهکده به‌نام امامزاده‌عبدالله نیزمعروف است،ده ازبخش دهستان نمارستاق بخش نور شهرستان آمل، چهل‌و چهار کیلومتری جنوب غربی آمل و نه کیلومتری غرب راه‌آمل به لاریجان (فرهنگ جغرافیایی ایران،ج ۳).

بناست . گورستان اطراف بقعه گورستانی قدیمی است.

امامزادگان عبدالمناف و عبدالمطلب بن ابراهیم بن زید بن حسن مجتبی علیه‌السلام در دهکدهٔ عبدالمناف[1] از دهکده‌های نمارستاق نور

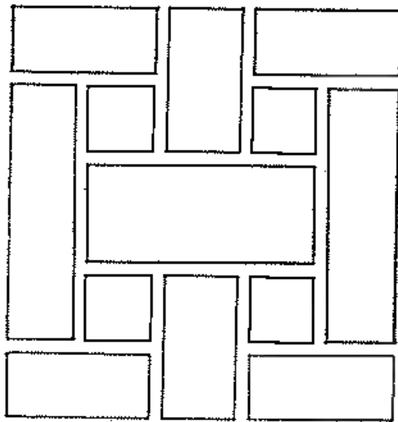
بنای اصلـی بقعه از خارج و داخل هشت‌ترك است و پوشش آن کلاه‌درویشی است (عکس شمارهٔ ۳۰۵). مسجد اول و کفش‌کن متصل به‌بقعه، گل‌سری است. مسجد دوم از سنگ‌وگچ بنا شده و قدیمی‌است و بام‌آن‌را با سنگ و گچ‌ضربی زده‌اند. درخت کرب کهنسالی جلو حصار امامزاده است .



در ورودی مسجد زنانه و کفش‌کن رو به‌شمال و در ورودی مسجد مردانه رو به‌مشرق باز می‌شود. دری‌است‌باقاب‌وآلت که نگارهای اصلی‌آن بدین‌قراراست.

در اصلی بقعه از دو پارچه چوب آزاد است با نقشهای ساده‌که‌درحاشیه‌بندی‌آن کنده‌کاری کـرده‌اند . این در رو بـه‌مشرق گشوده می‌شود . صندوق بقعـه در وسط بنای اصلی است و از قسمتهـای مختلف تکـه چوبهـای

۱ــ عبدالمناف، ده ازدهستان نمارستاق‌بخش‌نورشهرستان‌آمل ، چهل وهفت‌کیلومتری‌جنوب غربی‌آمل ویازده کیلومتری غرب شوسهٔ‌آمل به لاریجان(فرهنگ جغرافیایی‌ایران، ج ۳).



چهارگوشه ومستطیل که به‌هم کم‌وزبانه کرده‌اند ساخته شده‌است. صندوق هم ازچوب آزاداست‌و کتیبه‌ای برآن دیده نشد. نگار اصلی آن‌بدین شکل است :

منبری در مسجد امامزاده است که روی تکیه‌گاه آن عبارات زیر حك شده است :

« وقف امامزاده عبدالمناف نموده ملانظرعلی ولدآقاجان گاوزن[1] سنهٔ ۱۲۳۰ عمل محمدعلی .»

مقبرهٔ کوچکی‌چهارگوشه که‌بام‌آن هرم مربع‌القاعده است، نزدیك بقعهٔ‌اصلی است و به‌نام عبدالمطلب خوانده می‌شود .

مرقد بی‌بی‌خانم
در دهکدهٔ نسل از دهکده‌های نمارستاق نور

در زیر دهکدهٔ نسل بقعه‌ای قدیمی و مسجدی متصل به‌آن است.سقف بنا فرو نشسته و دیوارها در حال خراب شدن است . دراین بقعه صندوقی قابل بررسی بود . اجزای این صندوق درهم‌ریخته و یك بدنهٔ آن از میان رفته بود . پاره‌های چوبهای اطراف آن که آیات قرآنی برآن دیده می‌شد ، بی‌نظم و بی‌ترتیب پهلوی‌هم‌قرارداده بودند . چهارچوبهٔ اصلی صندوق شکسته و صندوق درحال ازهم پاشیدن بود .

۱ـ گاوزن ظاهراً نام یکی از خاندانهای قدیمی نور است . گاوزن‌کلا(ده‌ازدهستان پازوار بابلسر) وگاوزن‌محله (ده‌ازدهستان رودبست بابلسر) وگاوزن‌محلهٔ‌دیگر (ده ازبخش بندپی بابل) تمام مرکز سکونت این خاندان بوده است .

برتخته‌ای در بدنهٔ شمالی «نادعلی» تا آخر با خط خوش نسخ حك شده بود .
برهمین بدنه عبارات زیر نیز حك شده بود :

«امر باتمام هذه صندوق حضرت ذات‌الدولة الابدیه والسعادة السرمدیه سلطان‌الخواتین بلقیس‌الزمان قیدافةالدوران خلاصةالنسوان تی‌تی فاطمه استی خلّدت عصمتها وحشمتها فی‌تاریخ ماه مبارك شعبان سنهٔ ۹۲۶.»

«قال‌النبی صلی‌الله علیه و سلم‌الدنیا ساعة وجعلها طاعة تمام شد صندوق شغ خواجه محمد .»

از بدنهٔ جنوبی صندوق عباراتی که خواندنی و قابل نقل بود عبارات‌زیراست:

«عمل محمدبن حسن و خشنام‌بن علاءالدین‌بن محمود لباسانی فی‌تاریخ ماه مبارك شعبان سنة ستة و عشرین تسعمایه ۹۲۶.»

قلعهٔ سوآ

در اراضی پاقلعهٔ سوآ[1] از دهکده‌های نمارستاق نور

در پایین دهکدهٔنسل، درزمینهای‌کشت دهکدهٔسوآ به‌نام «پاقلعه»، دست‌راست رودخانهٔ نمار ، بربالای‌کوهی سنگی و صعب‌العبور، قلعه‌ای عظیم از سنگ وگچ‌بنا شده است (عکس شمارهٔ ۳۰۶) . این قلعه شامل دو قسمت اصلی یعنی ارگ وبناهای اطراف آن است . باروهای ارگ تا امروز باقی ونمایان است و در پاره‌ای جاها چهار متر ازبلندی آنها باقی است (عکس‌شمارهٔ ۳۰۷). قسمتی از ارگ‌که امروز بالای راه عمومی و رودخانه است ، فرو ریخته است . خانه‌های اطراف ارگ بارویی جداگانه دارند و سراسر این‌بارو غیر از قسمتی‌که کنار رودخانه می‌افتد برجای است . برجی

۱ـ سوآ،ده ازدهستان نمارستاق بخش نورشهرستان آمل، چهل کیلومتری‌جنوب‌غربی آمل وپنج کیلومتری غرب شوسهٔآمل به‌لاریجان یعنی راه هراز(فرهنگ جغرافیایی ایران،ج۳).

بزرگ دراین بارو ساخته‌اند . آب‌انباری دراین قسمت از قلعه باقی مانده است. از گذشتهٔ این قلعه خبری نداریم و درکتب تاریخی یادی ازآن نشده است.

بابا شجاع‌الدین
در دهکدهٔ پنجو (پنجاب) از دهکده‌های نمارستاق نور

نمای اصلی بقعه هشت‌ترك باگنبدی کلاه‌درویشی‌که قسمتی از سفیدکاری روی آن ریخته است . مسجدکوچکی متصل به در ورودی بناست (عکس شمارهٔ ۳۰۸) . مصالح اصلی بنای بقعه ومسجد سنگ‌وگچ است. این بقعه پای‌کوه و متصل‌به‌قلمستان تبریزی است . پهنهٔ مقابل‌آن روزی دیواری از سنگ وگچ داشته که فعلاً در حال فرو ریختن بود . محوطهٔ بقعه برسمت چپ رودخانهٔ نمار است .

پلی قدیمی
در درهٔ نمارستاق

میان عکسهای آلبوم‌ناصرالدین‌شاه عکس پلی‌است‌که زیرآن‌نوشته شده است:

«پلی است در میان دره درنمارستاق.»

ودنبالهٔ این شرح‌را ناصرالدین‌شاه چنین نوشته است :

«تعمیر راه ده نمارستاق[1] است که پسرحاجی غلامرضای آملی‌کرده است.»[2]

طاق هلالی‌آجری این‌پل‌را ابتدا بر دوسنگ بزرگ دو طرف رودخانه زده‌اند وسپس طرفین و روی آن‌را با سنگ وگچ پرکرده وپوشانده‌اند (عکس شمارهٔ ۳۰۹). ازاین‌پل امروز نشانی نیست .

۱ــ نمارستاق نام ناحیه‌است نه نام‌ده . ۲ــ عکس شمارهٔ ۹۹۹۸ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران .

تعلیقات و اضافات

قلعه‌ای قدیمی

داخل دریا مقابل رودخانهٔ نمک‌آبرود

نمک‌آبرود رودخانه‌ایست که از قدیم سامان میان تنکابن و کلارستاق بوده و امروز نیز چنین است . صاحب سفرنامهٔ استراباد و مازندران می‌نویسد :

« در سر رودخانهٔ نمک‌آبرودسر ، میان دریا ، علامت قلعه‌ای می‌باشد که در عهد کیان آباد بوده است . »[1]

مرکز دیو سفید

در چلندر کجور

مؤلف سفرنامهٔ استراباد و مازندران می‌نویسد :

« یک زاویه طاق که همه چهارذرع نمی‌شود در آنجا می‌باشد و یک طاقچه مانند ناهموارهم دارد و سطحش معدن مس است و از آنجا جمیع دریا و صحرا نمایان می‌باشد. »[2]

۱ــ سفرنامهٔ استراباد و مازندران مورخ ۱۲۷۵ ه . ق . به‌کوشش مسعود گلزاری، ص ۱۴۰.

۲ــ همین کتاب ، ص ۱۴۰ .

درسال ۱۲۷۵ قمری که این سفرنامه نوشته می‌شد هنوز اطراف دهکدهٔ چلندر آب بوده است. درهمین کتاب آمده است:

«دست چپ راهی‌است که می‌آید سررودخانهٔ چلندرکه بارو بنه وآدم‌کلاً باید با نو ازآب‌بگذرندو داخل چلندر شوندکه دورتا دور چلندرهمه‌آب است.»[۱]

تپه‌ای قدیمی

مقابل تپهٔ کاسه‌گرمحلهٔ کجور، پانصد متری جادهٔ گلندرود

درامتداد تپهٔ کاسه‌گرمحله به‌طرف‌غرب ، در پانصد متری جادهٔ گلندرود تپهٔ کوتاهی بودکه درازای‌آن ازشمال به‌جنوب درحدود صدمترمی‌شد. این تپه از طرف غرب نزدیك تبرکده ازدهکده‌های کجه‌رستاق کجورقرار داشت. درسال۱۳۵۳شمسی که جاده‌ای ماشین‌رو عریضی موازی جادهٔ‌کناره مشغول ساختن بودند، این‌تپه‌یکسره از میان رفت. مقداری از سفال این تپه را آقای داوود لبافی جمع‌آوری کرده‌اند . بیشترآنها اسلامی و متعلق به ادوار مختلف بود . بر پاره سفالی که متعلق به کاسه‌ای بود «سنهٔ ۱۰۳۸» دیده می‌شد .

تپهٔ قدیمی دیگر

درجنوب‌غربی‌منوچهرکلا (مناچیرکلا) ازدهکده‌های کجه‌رستاق کجور

این راه عریض(اتوبان)که ازکاسه‌گرمحله شروع شده و به‌طرف دهکدهٔ ونوش پیش می‌رفت، تپهٔ تاریخی دیگری را از میان برد . این تپه در نزدیکی منوچهرکلا

۱ــ سفرنامهٔ استرابــاد و مازندران مورخ ۱۲۷۵ ه . ق . به‌کوشش مسعودگلزاری، ص ۱۳۸ و ۱۳۹ .

مقابل حمام دهکده قرار داشت. آنچه از محیط بالای آن باقی بود بیشتر از پنجاه‌متر مربع نبود . سفالهای این‌تپه‌را گردآوردیم بیشترآنها متعلق به‌ادوار مختلف اسلامی بود . سکه‌ای مسی در پی و شالودهٔ یکی ازپلها به دست آمد . آثار نوشتهٔ آن محو شده بود .

دو سنگ قبر

در گورستان قدیمی میناك ازدهکده‌های اوزرود نور

درسفراول‌که به‌کوهستان نوررفتم دو سنگ قبردرگورستان قدیمی‌میناك دیدم که در سفرهای بعدآنها را نیافتم . ظاهراً به خیال اینکه‌گنجی درمیان آنهاست آنها را شکسته و از میان برده بودند . تاریخی بر آنها دیده نشد . از تراش سنگ و نوع خط آن‌که نظایر آنها در همین دره دیده شد می‌توان حدس زد که متعلق بـه اوایل قرن دهم قمری است .

عباراتی که بر سنگ اول خوانده شد :

« لاالهالاالله محمد رسوالله علی ولی‌الله

وفاة مرحوم الی رحمةالله تعالی درویش گرشاسف درزی .»[1]

عباراتی که بر سنگ قبر دوم خوانده شد :

« لاالهالاالله محمد رسول الله علی ولی الله

حب دنیا را بقا [ئی] نیست انتم غافلون

جهد کن تا در نمانی در صف لایعقلون

وفاة مرحوم الی رحمةالله‌تعالی مولانا قاسمی‌نورالله قبره .»

۱ــ درزی از خاندانهای قدیمی ساکن دهکده‌های مختلف نور است .

بیت، مولد میرزا حسینعلی بهاءالله[1]
در دهکدهٔ تاکر از دهکده‌های میانرود بالای نور

« میرزاعباس معروف به میرزابزرگ در تاکــر که تیول ایشان بود عمارت ملوکانه تأسیس فرمودند وچون جمال مبارک (میرزاحسینعلی بهاءالله) اکثر موسم تابستان در آنجا بودند مرحــوم میرزا بــه خط خویش در موقعی از مواقع خانه به قلم جلی این دوبیت مرقوم فرمودند :

بر درگه دوست‌چون‌رسی گو لبیك کانجــا نه‌سلام راه دارد نه علیك
این وادی عشق است نگهدار قدم این‌ارض‌مقدس‌است فاخلع نعلیك»[2]

«مرحوم میرزا بزرگ این قطعه شعر را روی الواری نوشته وبموجب بیان مبارك دریکی از مواقع بیت نصب بوده است . ولی در سال ۱۲۶۸ هجری موقع غارت تاکر میرزاابوطالب که سقف آن‌را خراب نمود سایر مردم نیز چوب‌آلات آن‌را بردند و پس‌از چندی نیز فاطمه‌خانم عیال میرزایحیی‌ازل به‌کمك میرزا محمدهادی پسر خود درب و چوب‌آلات آن خانه خرابه را به‌جای دیگر منتقل و برف وباران‌نیز به‌مرور زمان دیواروآثار بیت‌را از بین‌برده و بصورت تل خاکی‌درآورده است.»[3]

« به‌امرعباس عبدالبها ، مرحوم میرزا فضل‌الله‌نظام‌الممالك نقشهٔ اصلی بنارا که یادش بود ترسیم و نزد عبدالبها می‌فرستد . درسالهای ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱ شمسی که آقا سیدمحسن‌اساسی نزد عبدالبها می‌رود ، او دستور می‌دهد که

۱ـ میرزاحسینعلی پـدرش میرزاعباس معروف به میرزابزرگ ومادرش خدیجه‌خانم از خانوادهٔ نمه‌سواز دهکدهٔ فیول میانرودبالای‌نور است . پدرمیرزاعباس، رضاقلی‌بیگ‌تاکری‌و مادرش شاه‌سلطان خانم تاکری است . ۲ـ اقلیم نور ، ص ۲۰ . ۳ـ اقلیم نور، حاشیهٔ ص ۲۱ .

بیت تاکر را طبق نظر میرزا فضل‌الله بسازند . ایشان هم قبول می‌کنند و بنا را از نو می‌سازند .»[۱]

بنای بیت که در ص ۳۱۰ این کتاب یاد شده، بنای تازه ساز آن است .

« مرحوم نظام‌الممالك تاکری برای تعویض چوبهای شکستهٔ سقف مسجد مجاور بیت‌مبارك اقدام‌به برچیدن تیرهای چوبی سقف شبستان مسجد نمود. ضمن تعویض معلوم شد که بیکی از چوبهای سقف خطی از مرحوم میرزا نوشته شده. چون این خط به‌مرور ایام زیر گل و شفتهٔ سقف مانده و کم‌رنگ گشته بود، لهذا با مرکب اورا پررنگ نموده جای امنی که بین مسجد و تکیه بوده باشد نصب مینماید.

فعلاً این الوار سر درب مسجد در داخل تکیه است.»[۲]

مبایعه نامچهٔ مورخ ۱۲۶۹ ه . ق.

در این سند میرزا آقاخان صدراعظم شش‌دانگ دومرتع سفید واش‌چال ولیزنك تاکرنور را به مبلغ دویست و چهل و نه تومان از میرزا حسینعلی خلف میرزا عباس خریده است .

« الحمدلله الذی احل البیع والشری وحرم الغصب والربا وصلی‌الله علی‌محمد وآله الاتقیاء الانجباء وسلم تسلیما کثیراً کثیرا اما بعد باعث بر تحریر این کلمات واضحة الدالالات وغرض از تسطیر این سطور مرضیة العبارات و داعی بر انشاء این حروف ملیة المقولات آنست که حاضر شد بدار الشرع انور عالیجاه آمیرزا حسینعلی خلف مرحوم میرزا عباس الشهیر بمیرزا بزرگ نوری

۱ــ اقلیم نور، ص ۱۱۷ . ۲ــ اقلیم نور، ص ۲۱ .

من طایفهٔ تاکری من قراء رودبارسفلی نور وبفروخت به‌بیع لازم جازم شرعیهٔ ملیهٔ اسلامیه همگی وتمامی کل شش‌دانگ زمستانی و تابستانـی مرتعین سفیدواش چال و لیزنك‌را که واقع در جبال تاکراست و زمستانی آن‌عبارت از چهل‌رأس باجیهٔ گوسفندی و تابستانی آن عبارت از بیست‌من‌روغن بوزن تبریزاست مع‌طالار قامه واعیانی آن از علف چر و علف‌چین و آب‌خور و ممر و مدخل وکل مایتعلق‌بها آنچه ملکیت را شاید و باید محدود بحدود اربعه از قرار تفصیل ذیل

مرتع سفیدواش‌چال که از بابت ابتیاع انتقال یافته بود بـاجیهٔ گوسفندی ۲۵ رأس روغن ۱۲/۵ من از قرار حدود حدی متصل‌بسامان مرتع‌یل‌زمین حدی متصل بسامان مرتع اناریکه حدی متصل بسامان مرتع شوروك حدی متصل بمرتع ایرنجه‌بن.

مرتع لیزنك‌که از بابت ارث انتقال یافته بود باجیهٔ گوسفندی ۱۵ رأس و روغن ۷/۵من از قرار حدود حدی متصل بمرتع تنگه حدی متصل بمرتع نمدساب‌کلا حدی متصل بملك گندیاب حدی متصل بمرتع برسنگ بسرکار شوکت اقتدارجناب جلالتمآب عظمت وحشمت و جلالت دستگاه اجل‌اکرم افخم معتمدالسلطان صدراعظم ایران میرزا آقاخان دام‌اقباله‌العالی بمبلغ دویست وچهل ونه تومان وجه تبریزی رایج‌الحال بمبایعهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ ملیه مشتمل‌برایجاب‌وقبول‌وصیغهٔ مبایعه بالعربیة والفارسیه علی‌نهج‌الشرع الشریف‌الانور واقع و جاری گردید و ثانی‌الحال مصالحهٔ شرعیهٔ اسلامیه نمود بایع مذکور با مشتری معزی‌الیه هـر حقی و نصیبی که اورا بود در مراتع مزبوره سیّما غبن غبن وغبن فاحش بل‌افحش‌را بمال‌المصالحه مبلغ یکتومان وجه تبریزی وصیغهٔ مصـالحه‌بالعربیة والفـارسیه علـی‌نهج شرع

الشریف واقع گردید وقبض ثمن واقباض مثمن درموطن عقد نمودند ومشتری راست تصرف دراملاك مذکوره

وکان ذلك فی ۲۱ شهر ربیع الاول سنة ۱۲۶۹.

جای مهر میرزا آقاخان صدراعظم[۱]

جای مهر میرزا حسینعلی[۲]

عالیجاه بایع طایع مصالح حضوراً در دیوانخانهٔ علیه بمراتب محرره و صریحاً اجرای عقد واخذ نقد اعتراف نمود.

غیر از مهر میرزا آقاخان و میرزاحسینعلی چهل وشش مهردیگر به عنوان شهود درپای قباله هست. بعضی از امهار متعلق به برادران و بستگان میرزا حسینعلی است ومهر محمودخان کلانتر نیز دیده می‌شود.»[۳]

عمارت و حمام و پل آجری سه‌چشمه
در دهکدهٔ سولده از دهکده‌های ناتل کنار نور

عمارت و حمام و پل آجری سه‌چشمه از آثار میرزاآقاخان صدراعظم است که در سال ۱۲۷۳ قمری بنا شده است.[۴]

۱- مهری با سجع: «عبده آقاخان بن اسدالله». ۲- مهری بانام «حسینعلی».

۳- اقلیم نور، صفحات ۱۷۱-۱۷۴. ۴- سفرنامهٔ استراباد و مازندران، مورخ ۱۲۷۵ ه. ق. به کوشش مسعود گلزاری، ص ۱۳۶.

عکسهای بناها و آثار تاریخی مازندران غربی

تفصیل کلاردشت[1]

تقریر ناقص ریش سفید خواجه‌وند است

درسنهٔ هزار و سیصد سید حسنی به‌این ولایت آمد به عنوان اینکه مال جدش را از این ایل خواجه‌وند بگیرد . بنای بعضی اختراعات را گذاشته که قلیان نکشید روزه بخورید ونمازنخوانید . کم‌کم این مردم‌عوام‌را از راه در برد و به خودش بگرداند و مختصراً مردم را فریب داده و به خودش رام کرد . مردم گفتند که اگر قلیان حرام بود چرا پیغمبرما (ص) نهی نفرمود چنانچه شراب و غیره را نهی فرمود و حرام کرد . بعضی‌ها برضداو برخاستند و نتوانست طاقت بیاورد به طرف تبریز رفت و در واقع این مقدمه را از اول آن‌سید چید و وقت رفتن هم همراه‌خودش چندنفر از ایل این ولایت را درویش کرده به اسامی مختلف که اسرافیل و میکائیل و جبرائیل باشد اسم داده تا به خاك شیروان همراه برد و بعد از آنجا هم خبر رسید که بعضی کارهای بد کرده‌اند و امپراطور روسیه حکم به حبس آنها داده‌اند . حالا هم بعضیها می‌گویند که درآنجایند وبعضی می‌گویند مرده‌اند و اصل حرف

۱ـ خط آقامیرزاحیدرعلی‌منشی ومسوده‌نویس دارالتألیف است که‌بدومغشوش تقریر و تحریر شده است غلامحسین . تفصیل کلاردشت را آقای مجتبی مینوی استاد محترم به اینجانب مرحمت کردند . از ایشان بسیار سپاسگزارم .

آن سید این بود که وقت ظهور است و من نایب امام عصرم باینجهت مردم را ازراه دربرد تادرسنهٔ هزاروسیصد وهشت همشیره‌زادهٔ آن سید حسن کـه میرزا سیدمحمدبود آمد و از آن هفت‌هشت‌نفری که سابق همراه سیدحسن رفته بودند دونفرش که باقی بودند همراه این‌همشیره‌زاده‌اش به کلاردشت آمدند و گفته بودند که باید برویم و عمل کلاردشت را اصلاح کنیم و همان نقش سیدحسن را بـه آنها بـزنیم و در هنگـام ورود همشیره زاده‌اش همه اشخاص که به سیدحسن مذکور گرویده بودند از رودبارك و غیره جمع شده همشیره‌زادهٔ او را استقبال کرده و به‌جلال تمام ورودش دادند کم‌کم بنای فریب دادن اینها را گذاشت و می‌گفت کـه حالا لقب او سیدحسن نیست و شاه‌حسن است و مرا مأمور به این کرده است که آمده شماها را دعوت کنم به ظهور کـه عنقریب است حضرت ظهور فـرمایند و شاه‌حسن نایب حضرت است و مال و مخلفات اینها دیگر بـه‌چه درد شماها می‌خـورد همه را بایـد بفروشید و اسب و شمشیر بگیـرید که حاضر به رکـاب باشید کـه جنـگ صاحب‌زمانی است و در رکـاب مبارك مشغول جنگ باشید و اشخاصی کـه فریفتهٔ او شدند همه زندگانیشان را فـروخته اسب و شمشیر خـریده حاضر شدند و آنهائی که اعتقاد به این حرفها نداشتند و نمی‌گرویدند و نمی‌گفتند حسن حق است می‌کشتند تا کم‌کم امت زیادی جمع کرده و همه اسباب جنگ را فراهم‌کردند و جمیع زندگی را فروخته و مهیا شدند بعد به این امتهایش می‌گفت‌که همینقدر با اشخاصی که مطیع نمی‌شوند مدارا کنیدکـه این ریش سفیده از آسمان بیاید یعنی برف بعد از آنکه زمینها را بـرف گرفت راه ممر آنها را گرفته از اینجا تا استراباد شمشیر را کشیده همه را قتل‌عـام می‌کنیم و بعضی از اشخاص که‌مطیع نبودند محض تزویر گاهی‌رفته یـك هوئی برایش کشیده به خیال اینـکه اینها هم مطیع شده‌انـد چیزی نمی‌گفت اما آنهائی که این هوی مختصر را هم نمی‌کشیدند و اعتنا نمی‌کردند همه را می‌کشتند اینقدر کار کردند که میانهٔ سبحان‌قلی خان و یزدانقلی‌خان که سابقاً

هم عداوتی بود مجدداً غلیظ‌تر شد و خبر به‌سبحان‌قلی خان دراستراباد دادند مشارالیه سه‌جوبه اسب داده درکلاردشت حاضرشد چهار ساعتی طول نکشید که در حسن‌کیف سبحان‌قلی‌خان را کشتند به این تفصیل وقتیکه وارد حسن‌کیف شد دورش را احاطه کردند رفته در اندرونی خودش قایم شد دور عمارت سبحان‌قلی‌خان را آتش زدند تا بجائی رسید سبحان‌قلی‌خان دید که آتش رسید والآن می‌سوزد خود را بیرون عمارت انداخت که فرار نماید با گلوله زدندش و وقتی که افتاد پاره‌پاره کردندش بعد از کشته شدن سبحان‌قلی‌خان با دو بنی‌عمش هر سه را سوزاندند . سید گفت که الحمدالله عثمان را کشتیم حالا باید به خواجه‌وند پرداخت و یورش بردند به تودره سراغ خواجه‌وندها خواجه‌وندها که‌این‌فقره رافهمیدند فرار کردند به سمت جنگل نعمت‌الله‌خان سرتیپ‌دید درصورتی‌که مثل سبحان‌قلی‌خان را نگذارند چهار ساعت زنده بماند چاپاری فراراً به طهران رفت و این تفصیل را به امین‌السلطان و صاحبجمع عرض کرد در این اثنا ساعدالدوله سردار را مأمور کلاردشت کردندازآنجائی که جمیع‌اعیان‌دولت‌می‌دانندکه سابقاً هم‌این‌مملکت یاغی بوده‌اند و ادعای سلطنت می‌کرده‌اند و در آن اوقات سکه هم زده بودند و درسکه اینطور نوشته شده‌بود آب‌دریا و لنگرکشتی سکه برزر می‌زند آقانعیم کلاردشتی و این تفصیل در عهد کریم‌خان‌زند بوده و هم در همان ایام اردوئی با سرداری مأمور کلاردشت شده آقانعیم را گرفته به اصفهان برده چشمهایش را در آوردند بعد از آنی که آقا محمدخان سلطان شد خواجه‌وند را از سردبند و سیلاخور به حکم پادشاه آوردند و در کلاردشت سکنی دادند و این عداوت از آن وقت تابحال در میان خواجه‌وند وگیل ماند و باز رحمت به پدر این مأموری که از جانب پادشاه آمده بود که گیل هزار درجه از ساعدالدوله‌و اتباعش بدتر بودند . ساعدالدوله سردار وارد شد که در مرزن‌آباد قاصدی فرستاد به عقب سید که بیاید سید نیامد و مریدهایش می‌گفتند که آقاتوب و توپخانه آمده جوابشان می‌داد که

توب به شماها کارگر نخواهد بود و آسوده باشید این اردوئی که از طهران آمده است مثل پشه به‌نظر شماها خواهد آمد مختصر طلوع آفتاب هردو طرف مقابل بهم شدند و سید دو بیرق داشت یکی سبز و یکی سرخ از طلوع آفتاب تا غروب دربین‌الطرفین مجادله بود و سید خودش لباس جنگ پوشیده و شمشیربسته و تفنگ طلیعه‌داشت و درجلوگیلها ایستاده بود و جنگ می‌کردتاغروب سید راگرفتند واردو به‌منزلش مراجعت کرد اشخاصی هم که اطاعت به نبوت سید نکرده بودند رفته دوراردو جمع شدند از طرف خواجه‌وندها پانصد نفر اززن و مرد و بچه‌کشته شد بعد از رفتن ساعدالدوله و بردن سید مذکور پسرهای ساعدالدوله تا سه ماه در هرکجا که از این خواجه‌وندها گیر می‌آوردند به درخت بسته با گلوله می‌زدند بعضیها را دست و پایشان را بسته زنده زنده به خاك می‌سپردند و چند قریه که از خواجه‌وندها در لب دریا باقی بود همه را چاپیدند و اهالی‌اش را اسیر کردند و یك‌دختری از خواجه‌وندها تا یك‌سال در خرم‌آباد درخانهٔ ساعدالدوله بود و تا وقتی که انتظام‌الدوله حاکم مازندران نشده بود خواجه‌وندها همه متزلزل بودند بعداز آنکه انتظام‌الدوله حاکم شد از جانب دیوان آمده با پسر ساعدالدوله در میان‌خواجه‌وندها وگیل‌ها اصلاح دادند و گفتند ضرر هردو طرف به‌پای همدیگر در صورتی که ضرر کلی مال خواجه‌وند بود و به گیلها ضرری نرسیده بود در واقع آنوقتی‌که ما وارد کلاردشت شده بودیم از هیچ‌چیز باکی نداشتیم حالا قسمی‌شده که به‌مفاد این شعر :

چنان کار ممالك خورده‌برهم   که‌زالی کرده پیدا زور رستم

مقصود از زال گیلها هستند .

تصحیحات و تعلیقات

صفحه سطر

۱۰/۱۲ــ ساری به‌جای امل صحیح است

۱۹/۱۳ــ آقا محمدخان صحیح است .

۱۰/۱۷ــ اشرف صحیح است .

۶/۲۴ــ تیلارود صحیح‌است . حرف راء اضافه است .

۷/۲۷ ــ جورده صحیح است .

۱/۲۹ ــ سخت‌سر (رامسر) تنکابن صحیح است .

۱۷/۴۱ ــ قلعۀ دیزکول شاید قابل تطبیق با دزدکول ص ۸/۳۹ باشد که همان قلعۀ گرزمان‌سر است .

۱/۴۷ ــ مزر باتقدیم زاء برراء صحیح‌است .

۵۳/سطر ۳ حاشیه ــ گیجان صحیح است .

۳/۶۵ ــ خاك ریز صحیح است .

۵/۷۳ ــ کیاابوالحسن چنانکه مردم می‌گویند . ولی در اغلب متون من‌جمله تاریخ طبرستان ابن‌اسفندیار کیا ابوالحسین آمده است .

۶/۱۰۱ ــ ختم به‌جای خم صحیح است .

۱/۱۰۳ ــ عبدالله‌حازم باحاء مهمله صحیح است وظاهرا اعتمادالسلطنه اشتباه کرده است .

۷/۱۰۹ ــ کنیزك دمرد بازاء منقوط صحیح است .

۴/۱۱۱ ــ قلعه درست است .

۱۶/۱۱۷ ــ ۳/۵×۱۸/۵×۱۸/۵ درست است .

صفحه سطر

۱۱/۱۳۱ ــ بارس‌ئیل باباء صحیح‌است .

۱۵/۱۳۲ ــ جناغی با غین صحیح است .

۱۲/۱۳۵ ــ قلعه صحیح است .

۲۱/۱۴۰ ــ لاچ لنگری با چ درست است .

۱۶/۱۵۴ ــ در گرم‌کش پس از دوسه بار طی این مسیر کاروانسرائی نیافتم ظاهراً راهنمای این راه اشتباه کرده است .

۲/۱۶۰ ــ اگربرسفردلوات از تویر به الت رفته چگونه از رزان گذشته است . این دهکده کنار رودخانهٔ‌چالوس و نزدیک‌بهبابوده است . باز می‌نویسد در محاذی الت در یك فرسنگی قریه‌ایست موسوم به مرزان‌آباد. در اینجا هم ظاهراً اشتباه کرده است . الت هیچگونه ربطی به مرزن‌آباد ندارد مگر دهکدهٔ دیگری باشد که ما نمی‌شناسیم .

۱۸/۱۶۱ ــ شاه علمدارهمان بقعه‌ایست‌که برىالای قله‌ای میان بلوك بیرون بشم و کلاردشت است و درص ۱۳/۱۲۴ آن را شرح داده‌ایم .

۲۰/۱۶۱ ــ از قلعهٔ برار یکی دوبار در کتب تاریخی محلی یاد شده است و ما به اشتباه بازاء منقوط چاپ کرده‌ایم .

۳/۱۶۲ ــ بر سرراه ناصرالدین‌شاهی در گرم‌کش کاروانسرائی نیافتم .

۴/۱۶۲ ــ امامزاده محمد بر بالای سنگی در مرتع اولا است و آثار تاریخی وکارهای هنری ندارد .

۱۸/۱۶۸ ــ بنا با تقدیم باء برنون درست است .

۱۵/۱۶۹ ــ بنا با تقدیم باءبرنون صحیح است .

۱۸/۱۸۰ ــ سال ۱۲۲۴ صحیح است .

۱۸۳/سرصفحه ــ بناهاو آثار تاریخی کوهستان کجور درست است .

۳/۱۹۴ ــ اللهم صل‌علی محمدالمصطفی درست است .

۱۱/۱۹۸ ــ جناغی باغین صحیح است .

۷و۸/۲۰۶ ــ جناغی با غین صحیح است .

۱۶/۲۰۹ ــ جناغی با غین صحیح است .

۱۶/۲۱۲ ــ درویش‌امیر به‌جای درویش رستم درست است .

۱و۲/۲۱۳ ــ درویش امیر به‌جای درویش رستم صحیح است .

۳/۲۱۳ ــ درویش امیر به‌جای درویش رستم درست است .

۱۹/۲۱۹ ــ مبایعه‌نامه به‌جای هبه‌نامه درست است .

۱۱/۲۲۲ ــ جناغی باغین صحیح است .

صفحه سطر

۱۲/۳۲۲ ــ عرقچین بایاء نسبت صحیح است .
۵/۳۳۶ ــ شهر کجور به‌جای نهر کجور درست است .
۱۰/۳۴۳ ــ رزن به‌جای رزان صحیح است .
۵/۳۴۴ ــ عمود به‌جای عبود صحیح است .
۳/۳۴۷ ــ که‌خرابه‌های آن برکنار راست رودخانهٔچالوس تا امروز باقی است صحیح است .
۱۳/۳۴۷ ــ ایلکا قاعدةجزء خاک‌نور است‌بااینکه آب‌ریزآن جزء رود چالوس است ولی نمی‌تواند جزء اوزرود نور باشد .
۱۷/۳۵۲ ــ طیب وطاهر لقب قاسم پسر پیغمبر از خدیجه است . کنیه‌اش ابوالقاسم بوده است . در دوران کودکی فوت شد . طیب و طاهر نام پسران امام زین‌العابدین شناخته نشدند .
۳/۳۵۶ ــ عکس شمارهٔ ۸۵ مربوط به این قسمت نیست .
۱۹/۳۶۳ ــ یک‌دریك لختی است صحیح است .
۷/۳۶٤ ــ بخرید استادسهراب درست است .
۱۵/۳۶٤ ــ گنبدی عرقچینی است صحیح است .
۱۷/۳۷۸ ــ جناغی‌با غین صحیح است.
۱۷/۳۸۳ ــ گته‌آقا و اخوه صحیح است .
۸/۲۹۸ ــ جناغی باغین صحیح است .
۸/۳۰۱ ــ کیومرث صحیح است .
۱۵/۳۰۱ ــ دو دهکدهٔ بنفشه ده و بوته ده از موقوفات امامزاده محمد در کلا است. عایدات سه‌دانگ بنفشه‌ده میان خادمان‌که چراغ‌بر و جاروکش هستند قسمت می‌شود . سه دانگ دیگر با شش دانگ بوته ده تولیتش با آقای قوام‌الدین مجیدی است . نامبرده‌هم تولیت این نه دانگ را دارد و هم‌نمایندهٔ اوقاف است . مخارج تعمیر و مرمت و مصارف، ایام عاشورا و نظایر آن زیرنظر ایشان است .
۱۸/۳۰۳ ــ رضینا باضاد معجمه صحیح است .
۱۳/۳۰۵ ــ سنه ستةخمسین‌مابه (؟)
۱/۳۱۶ ــ فاصلهٔ دهکده‌های تترستاق از بلده ــ مرکز نور ــ در حدود ۲٤ کیلومتر است . از تترستاق راهی قدیمی به گزناسرا و رودبارك می‌رود . از این راه می‌توان به واز تنکهٔ نائیج و چماستان یا به درهٔ لاویج رفت . راه آمدوشد اهالی نور از دشت به کوهستان و از کوهستان به دشت بیشتر از این مسیر قدیمی بوده

صفحه سطر

است . آب رودخانهٔ نور پس از گذشتن ازتترستاق در هردو رود به آب‌هراز می‌پیوندد.

۳۱۷/۶و۷ ــ جناغی با غین درست است .

۳۳۲/۱۳ ــ شاید : بانو خلد (؟)

۳۳۶/۱۵ ــ پلارود با پ صحیح است .

۳۳٤/۱و۲و۳ ــ جناغی باغین صحیح است .

۳۶۳/۱۵ ــ پلارود با پ صحیح است .

۳۳۸/۱۹ ــ اسپی‌کلا با پ صحیح است .

۳۳٤/۱ ــ در اقلیم نور راجع به دارکلا چنین آمده است : عبدالبها به اتفاق عده‌ای (ملازین‌العابدین ــ ملا باقر ــ حاجی میرزاجانی ــ میرزایحیی و چند نفر دیگر) به سمت قشلاق‌نور حرکت و به‌دارکلا که تیول اباء و اجدادشان بود ورود فرموده و جمعی از رجال و محترمین و علمای نور در دارکلا حضور مبارك مشرف شده و چندین شبانه‌روز بساط تبلیغ دائر بوده و عده‌ای‌مخصوصاً چهارنفر از مجتهدین مؤمن گشته‌اند از آنجمله ملاعباس (پدر شیخ‌فضل‌الله‌ــ نوری) و میرزا ابوالقاسم مجتهد که هردو دامادهای ملا محمد تقی مجتهد بوده‌اند (اقلیم‌نور ،ص ۳۵) .

۳٤۵/۱۰ ــ یا سینه کفتری صحیح است .

۳٤۵/۱۷ ــ دو بیت زیر مربوط به‌بقعهٔ شاه‌بالو نیست . این ابیات در بیت تاکر بر چوبی نوشته شده بوده است و فعلادر تکیه تاکر است .

۳٤٤/۳ ــ دارکلادر تقسیمات جزء میانرود پایین نور است نه جزء ناتل رستاق ن . ك . به ص ۳۲۷ .

۳۶۰/۱۱ ــ مدرسهٔ آقا شیخ محمدتقی مجتهدکلاگر در ص ۳۵۲ شرح داده شده است.

۳۷۰/۸ ــ جناغی با غین صحیح است .

۳۷۱/۱ ــ شهر در محل به معنی شمشاد جنگلی است و کتی (=کوتی) به معنی تپه است یعنی تپه شمشادی .

۳۷۸/۹ ــ در قم به جای ارقم صحیح است .

۳۷۹/۱ ــ صنیع‌الدوله صحیح است که لقب اول‌محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه است .

۳۹۳/۱ ــ دلارستاق امروز جزءنور به‌حساب می‌آید . دردوران قاجاری جزءپایین ــ لاریجان بوده است .

۳۹٤/۱ ــ دشت لار در این جمله زیاد است .

۳۹۶/۱ ــ وسرکتل کلماتی زائد است .

صفحه سطر

۱۹/۳۹۹ ــ جناغی با غین صحیح‌است .
۱/۴۰۰ ــ جناغی با غین صحیح است .
۴/۴۰۱ ــ محمدحسن‌خان درست است .
۹/۴۰۲ ــ مقابل به‌جای مقال صحیح است .
۱۰/۴۰۲ ــ منفرد درست است .
۱۱/۴۰۳ ــ محمدحسن‌خان صحیح است .
۳/۴۰۴ ــ محمدحسن‌خان درست است .
۱۰/۴۰۶ ــ زرمون با تقدیم زاء صحیح است .
۱۶/۴۰۷ ــ آب مراد صحیح است .
۷/۴۱۶ ــ سرده بادال صحیح است .
۴/۴۲۱ ــ جناغی با غین درست است .
۱۱/۴۲۷ ــ محمدحسن‌خان صحیح است .
۱۵/۴۲۸ ــ دائی خاقان شهید صحیح است .
۲۰/۴۶۸ ــ جد با تشدید دال صحیح است .
۸/۴۷۱ ــ مخبوء صحیح است .
۴/۴۷۶ ــ صوفیان به‌جای صفویان صحیح است .
۲/۴۸۰ ــ دلارستاق مدتی جزء لاریجان و زمانی جزءنور بوده است .
۶/۴۸۲ ــ نجار با تشدید جیم صحیح است .
۱۳/۴۹۱ ــ رسول‌الله صحیح است .

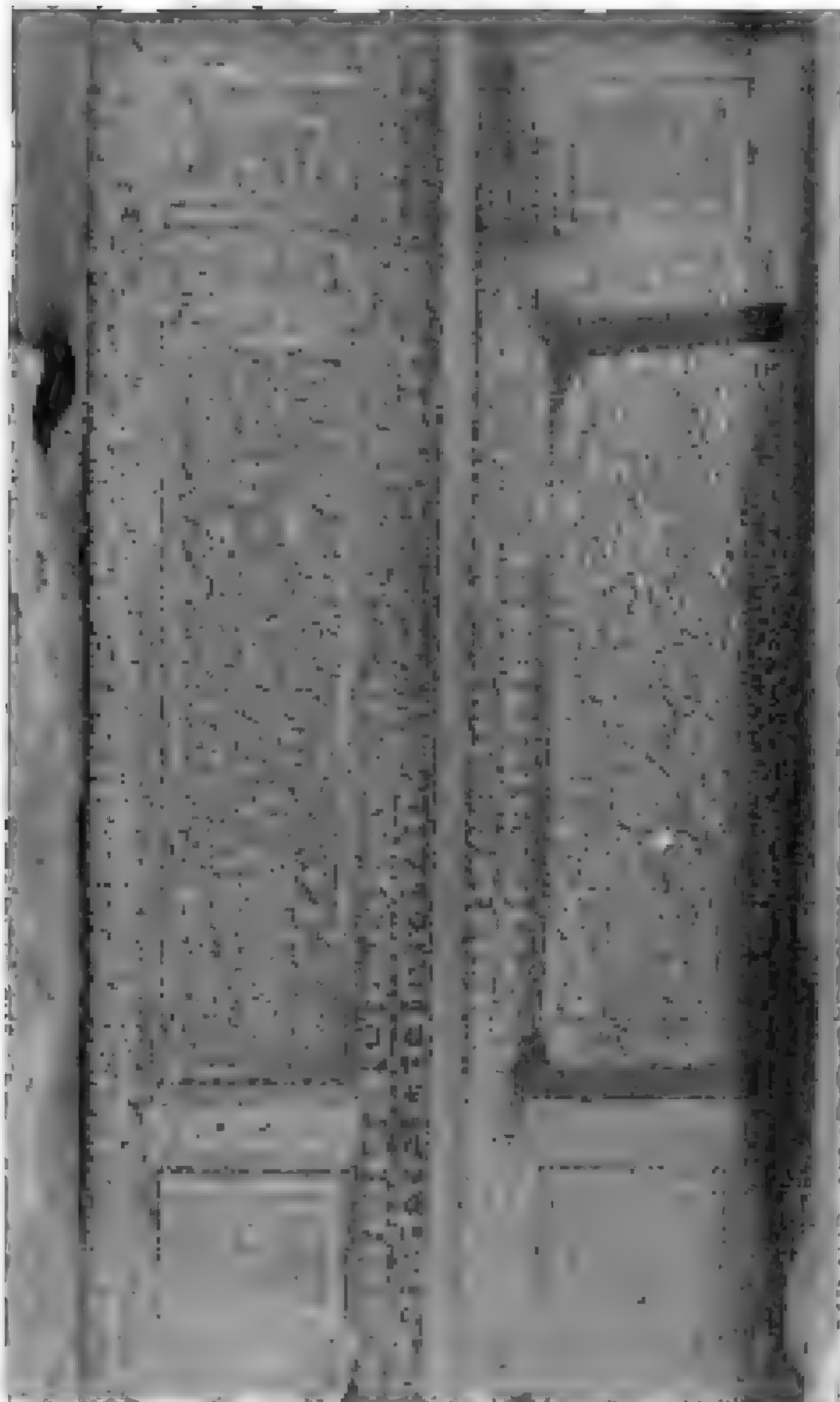


(شکل شماره ۱) مسجد [illegible]

تصویر شماره ۱۰ سنگ قبر [illegible] در محوطه مسجد [illegible] مرکزی

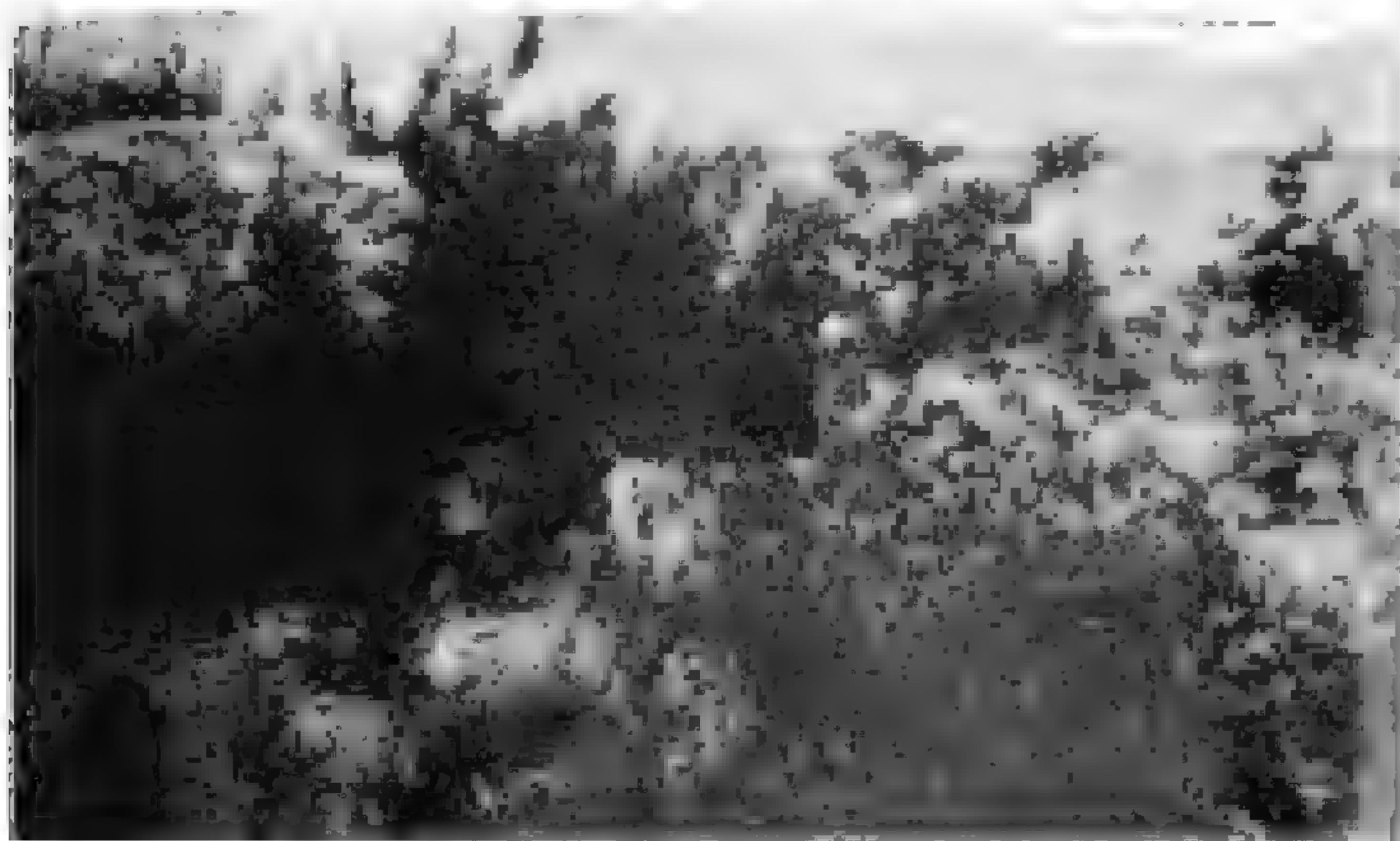


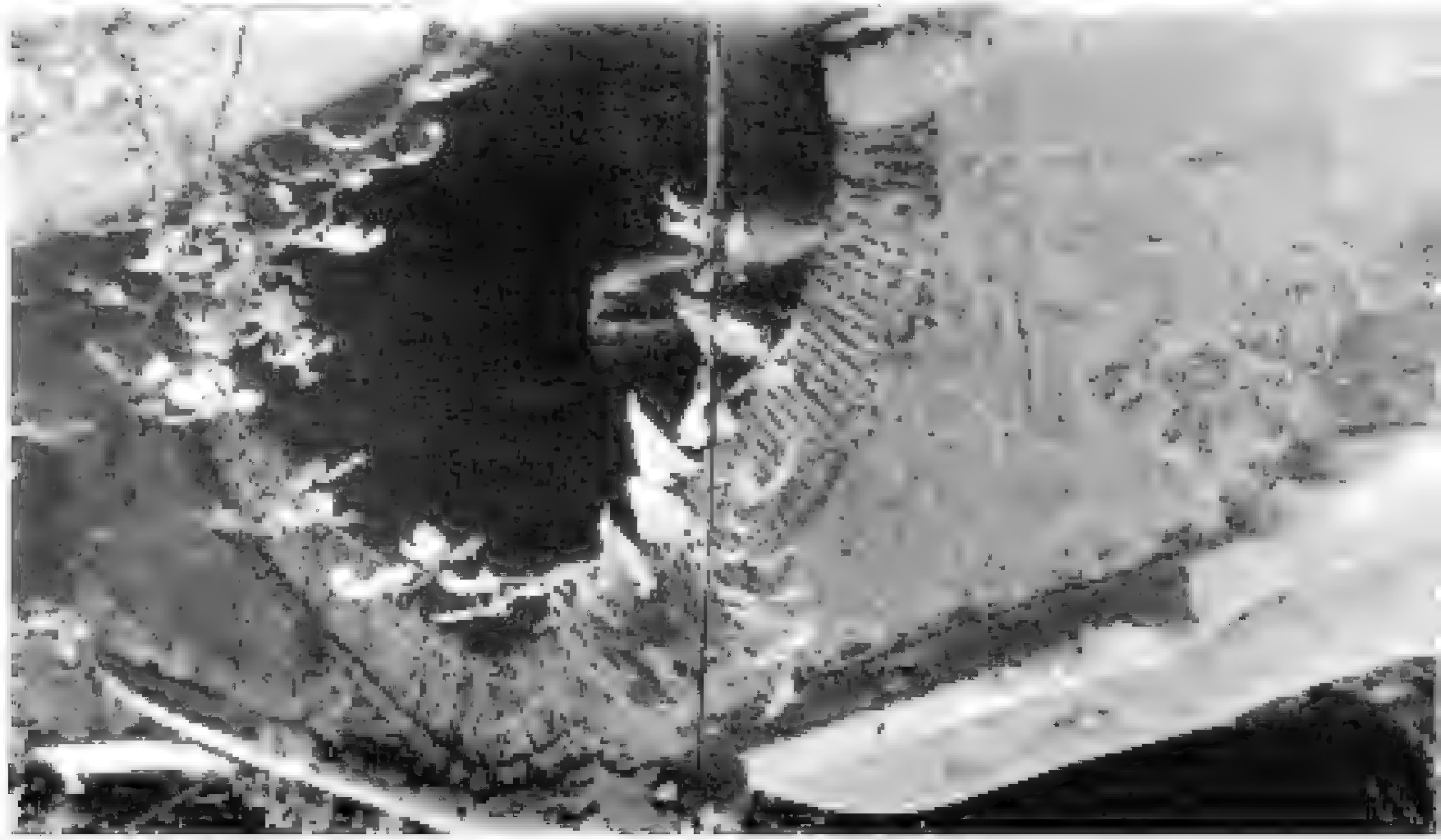
[illegible]



(عکس شماره [illegible]) سور شرقی قلعه [illegible] از سمت شرقی [illegible]

(عکس شماره [illegible]) سور شمالی قلعه [illegible] از سمت شرقی [illegible]









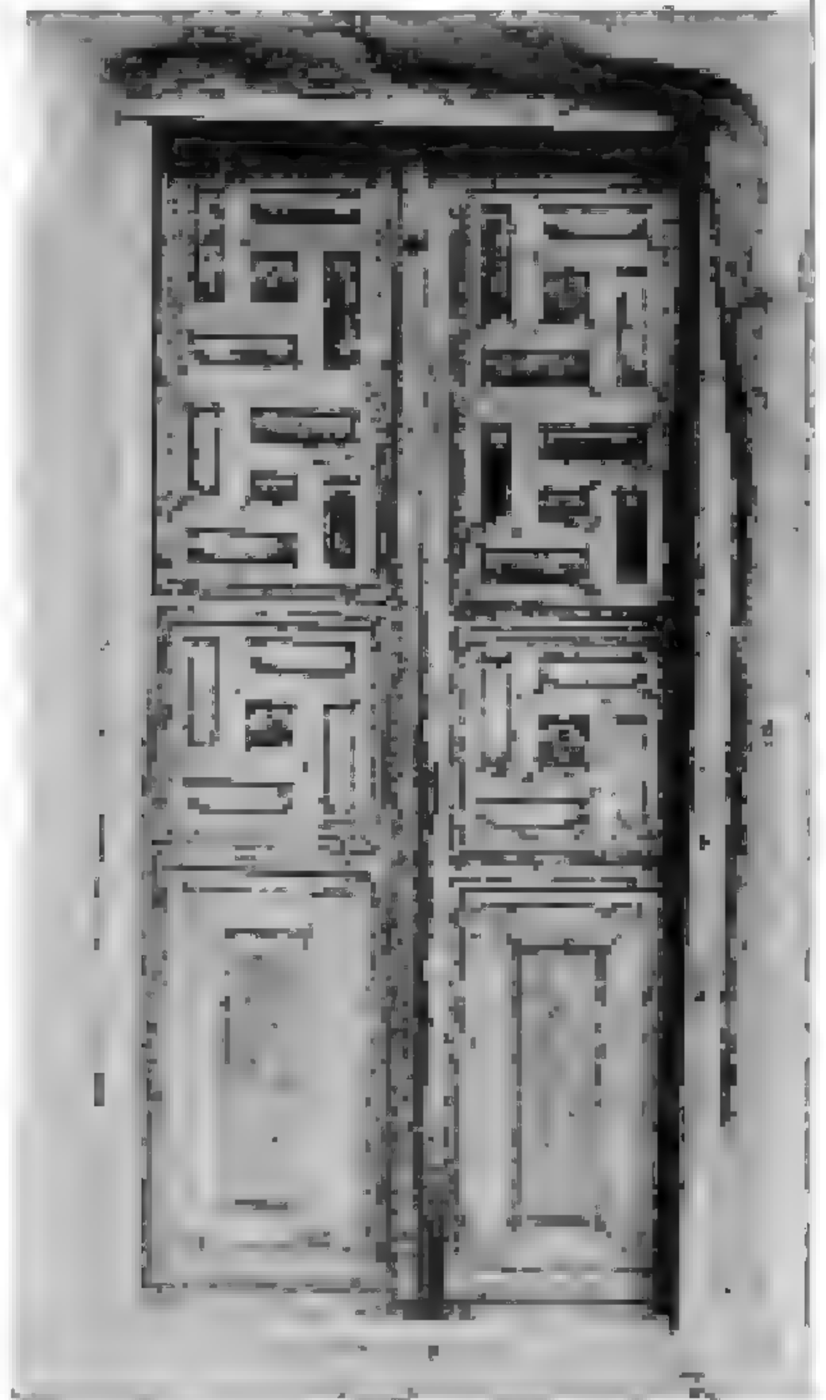




[عکس شمارهٔ ۱۰] کاجهای کهنسال باغ امیر احمد در غرب شهر تنکابن

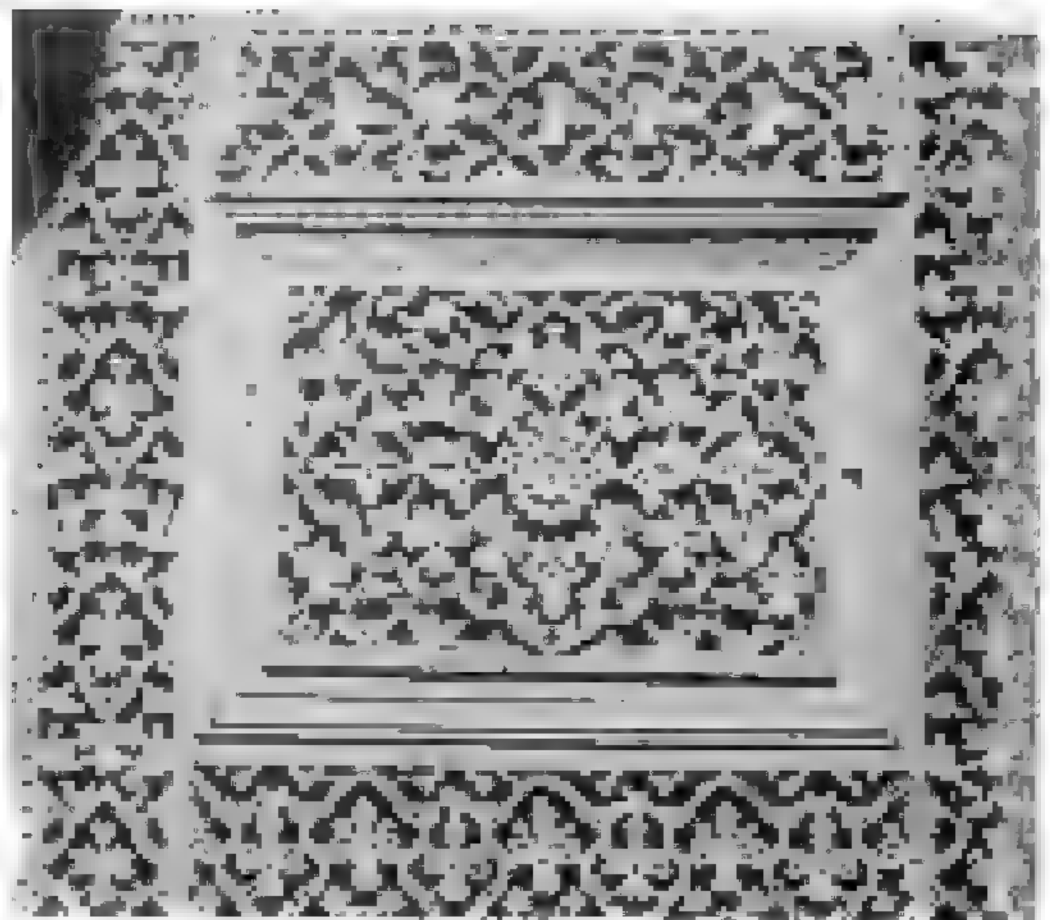


(عكس شمارة ٥٥) بناي [illegible] و [illegible] [illegible] (اثر) در منطقه [illegible] (جرگا) در [illegible] آباد [illegible]

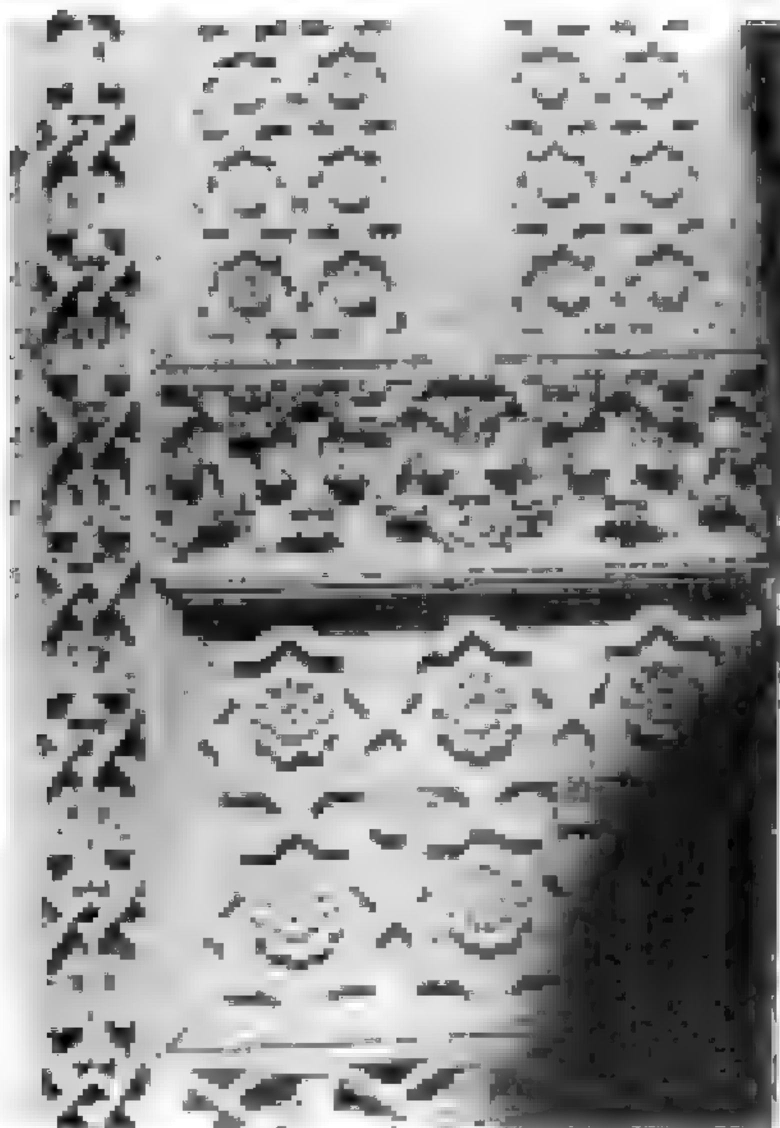


(عكس شمارة ٥٦) در [illegible] [illegible] از منطقه [illegible] [illegible] [illegible]

(عکس شمارهٔ ۱۷) قسمت وسط [illegible]
[illegible]



(عکس شمارهٔ ۸۵)



(عکس شمارهٔ ۸۶)

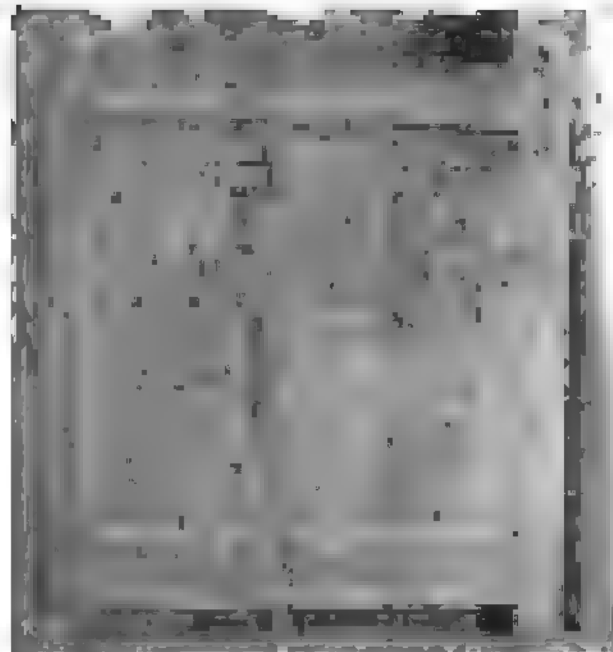
گچ‌کاریهای پشت ورودی در ایوان مسجد متبرک
مقبرهٔ امام ابوالقاسم در محوطهٔ آستان قدس
موجود در موزهٔ آستان قدس





[عکس شمارهٔ ۹۲] ملا حمزه رضا در محکمهٔ گرفتار سرای جالوس

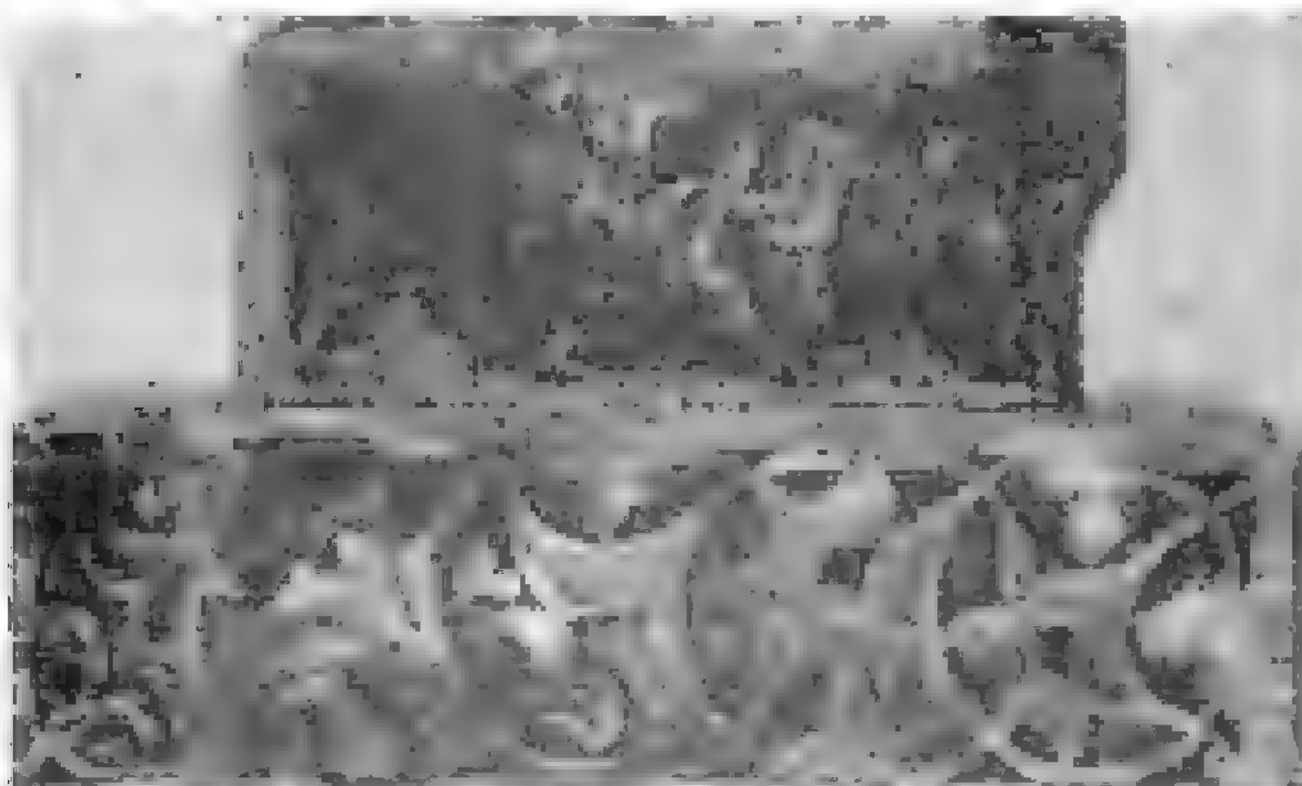




[عکس شمارهٔ [illegible]] قسمتی از صندوق قبر شاه آقا
عطارها از دهکدهٔ ورسکون
بیرون شهر گلارستان

[عکس شمارهٔ [illegible]] در صندوق قبر شاه آقا عطارها

[عکس شمارهٔ [illegible]] پارهٔ چوب کنده کاری در
ایوان امامزاده آقا عطارها در
دهکدهٔ ویسکول بیرون شهر گلارستان





(عکس شماره [illegible]) [illegible]





(عکس شماره ۴۰) سرستون چوبی [illegible]



(عکس شماره ۱۲۰) کتیبه‌ای در پشت امامزاده علی در محلهٔ حسن‌کیف کلاردشت



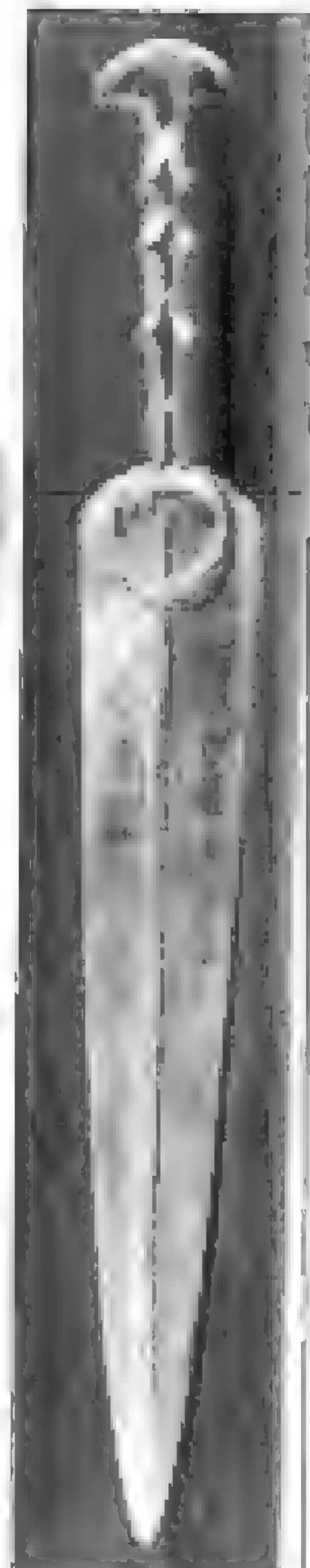
(عکس شماره ۲۴۴) نمای خارجی اندرونی منزلی در محله حسن‌کیف کلاردشت



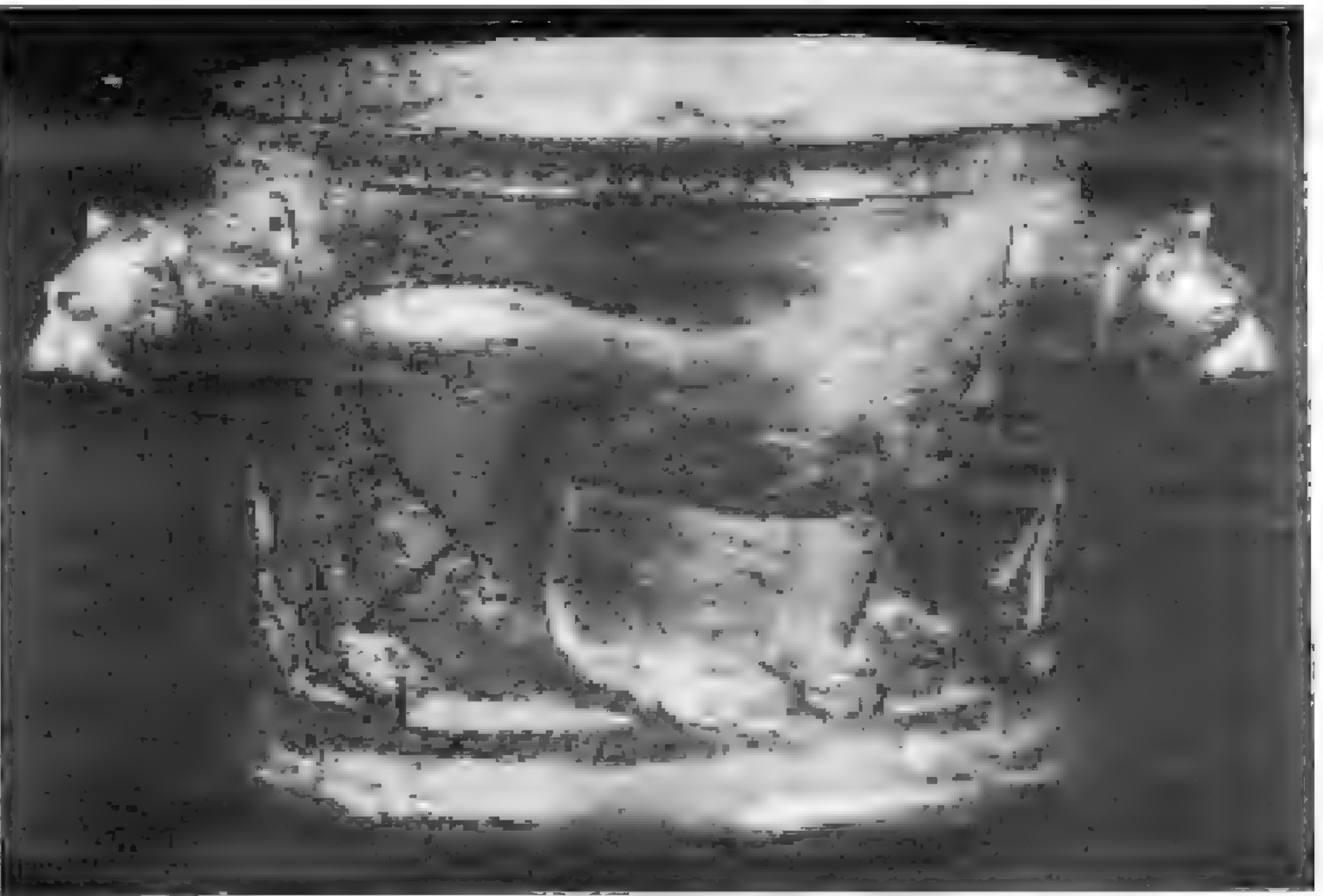


[شكل نمرة ٤٢] كبشة كلارنت

[شكل نمرة ٤٣] كبشة كلارنت



الشكل [illegible] ٢٣١ [illegible]



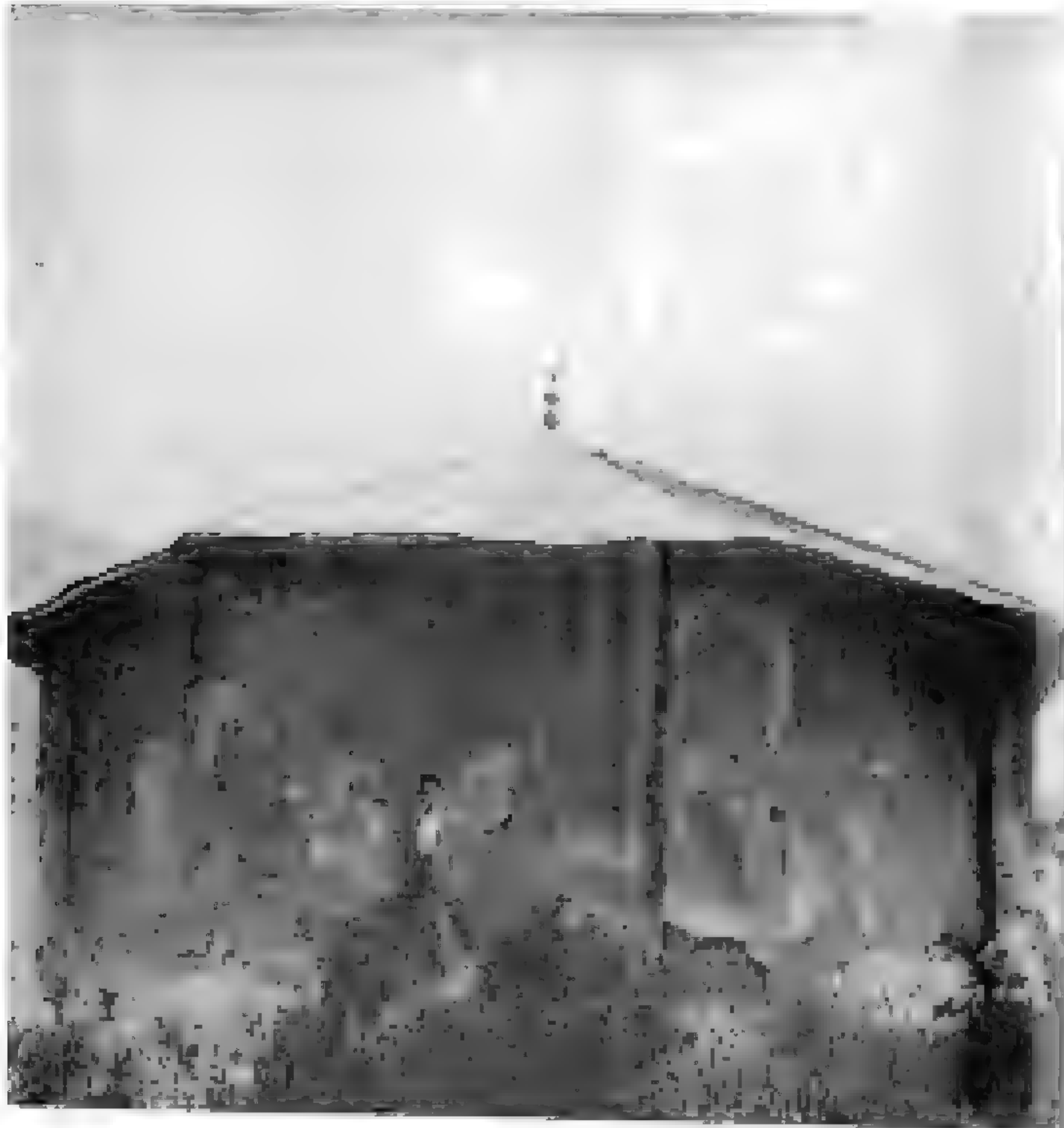
المكي سنة ١٩٣ كصبيا كلاوستن

عکس شماره [illegible] سنگ قبری در [illegible] گورستان [illegible]

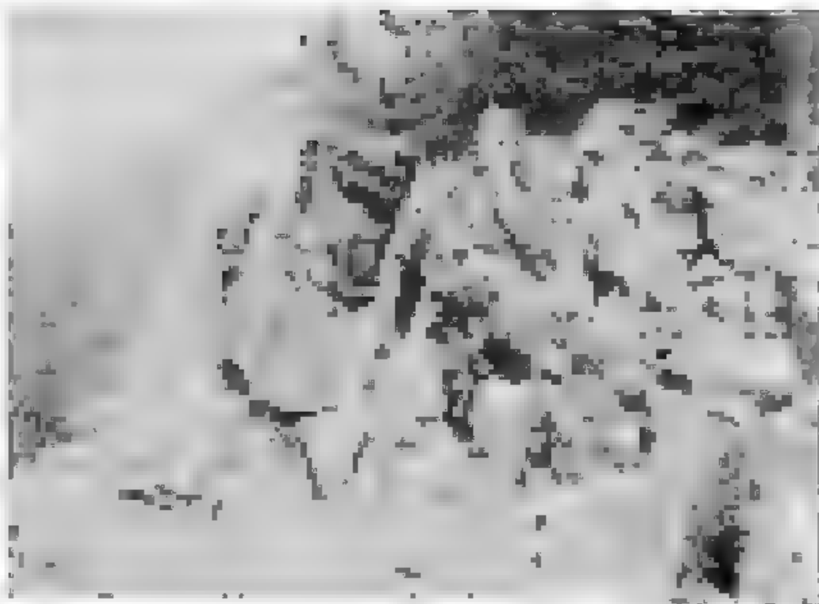
عکس شماره [illegible] سنگ قبری در گورستان [illegible]

(عکس شمارهٔ [illegible]) سنگ قبری در گورستان [illegible] در منطقهٔ [illegible] کوهستانی [illegible]

(عکس شمارهٔ [illegible]) سنگ قبری در گورستان قدیمی در منطقهٔ [illegible] کوهستانی [illegible]



(عکس شماره [illegible]) نمای خارجی امامزاده اسماعیل در [illegible] کوهستان کلارستاق



(عکس شمارهٔ ٤٣) اسبی از [illegible]
(راه قدیم کرمان)

(عکس شمارهٔ ٤٤) دروازهٔ سنگی ناصرالدین شاهی بر راه قدیم کرمان

(عکس شمارهٔ ۹۹) کتیبهٔ عربی طرف چپ دروازهٔ سنگی راه شمس الدین ظاهر

(عکس شمارهٔ ۱۰۰) بنای کاروانسرای پای گردنهٔ کندوان در آبریز رودخانهٔ چالوس





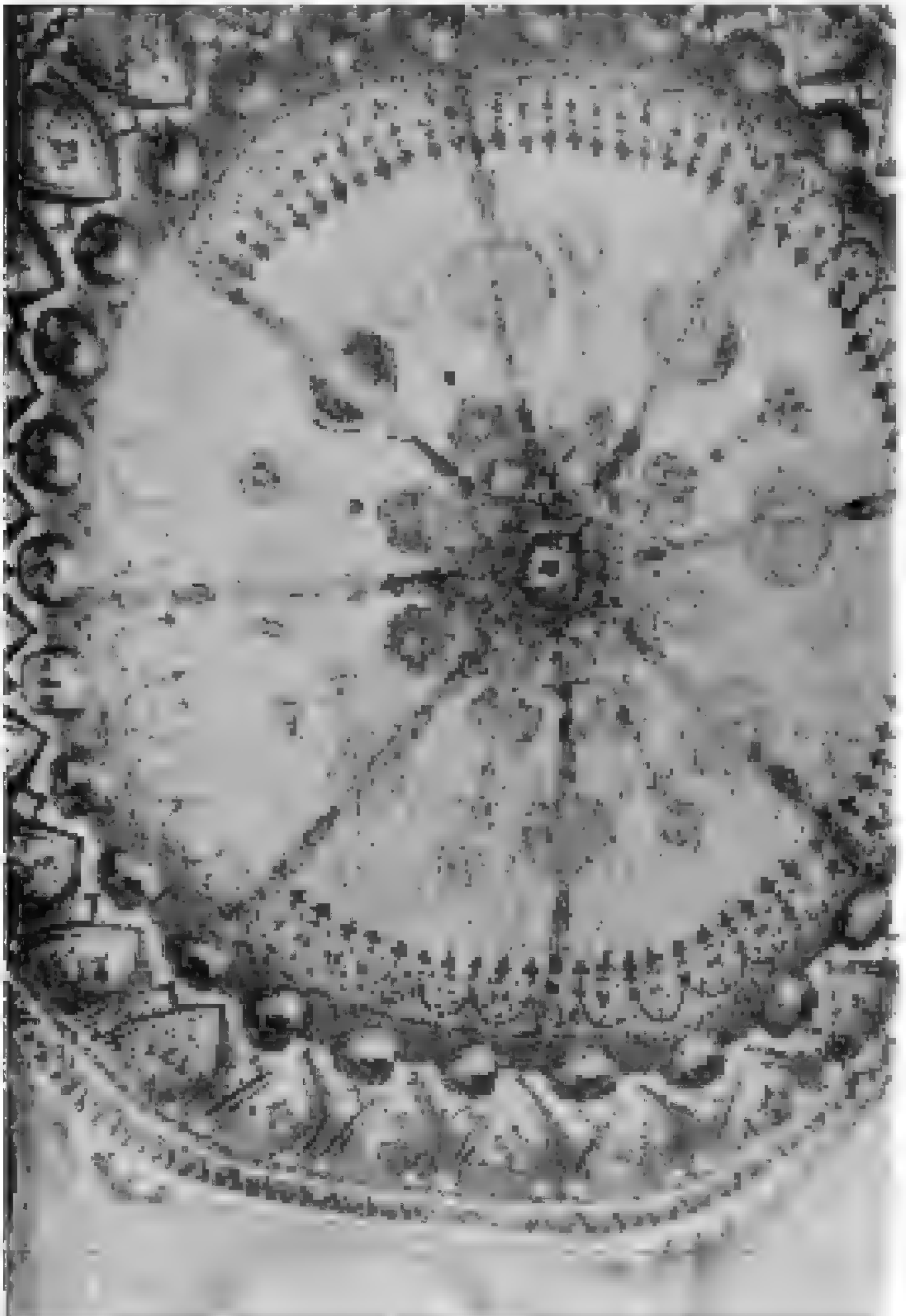
(عکس شمارهٔ ۹۱) گنبدی از گورستان کرنا کشوان در آبریز رودخانهٔ چالوس

(عکس شمارهٔ ۹۲) امامزاده جعفر و امامزاده حسن در حسن‌آباد بخش رستاق کجور





(عکس شمارهٔ ۹) : گچبریها و نقاشیهای زیر گنبد امامزاده جعفر در محل خیل مرده کمره



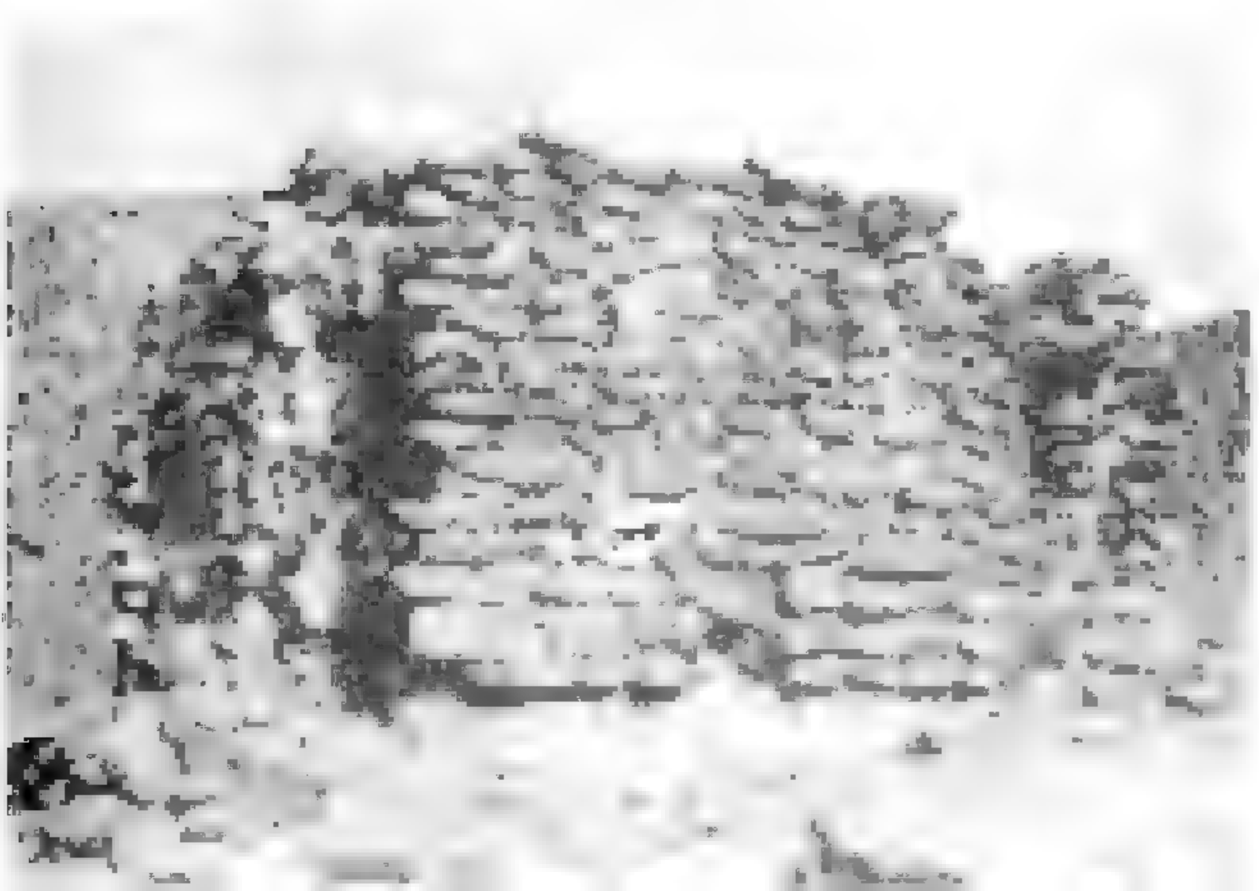


[illegible]



[عکس شمارهٔ ۴۹] سنگ قبری قدیمی در امامزاده [illegible] در اراضی [illegible]

[عکس شمارهٔ ۵۰] [illegible] در اراضی [illegible]





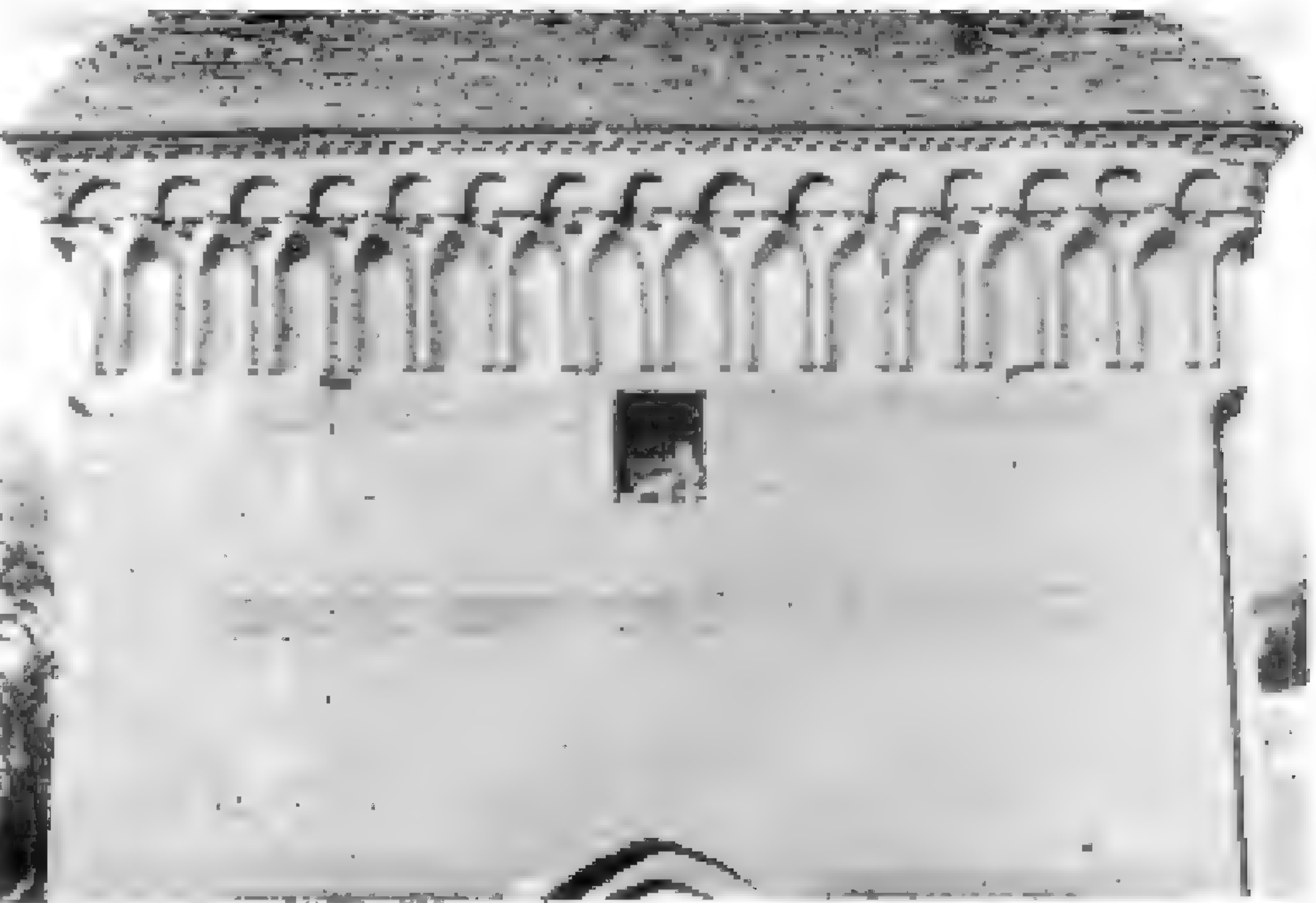
(عکس شماره [illegible]) بنای گنبد شاه طاهر و مطهر در سال [illegible] ه.ق. (عکس شماره [illegible] کتابخانهٔ
مرکزی دانشگاه تهران)

[illegible]

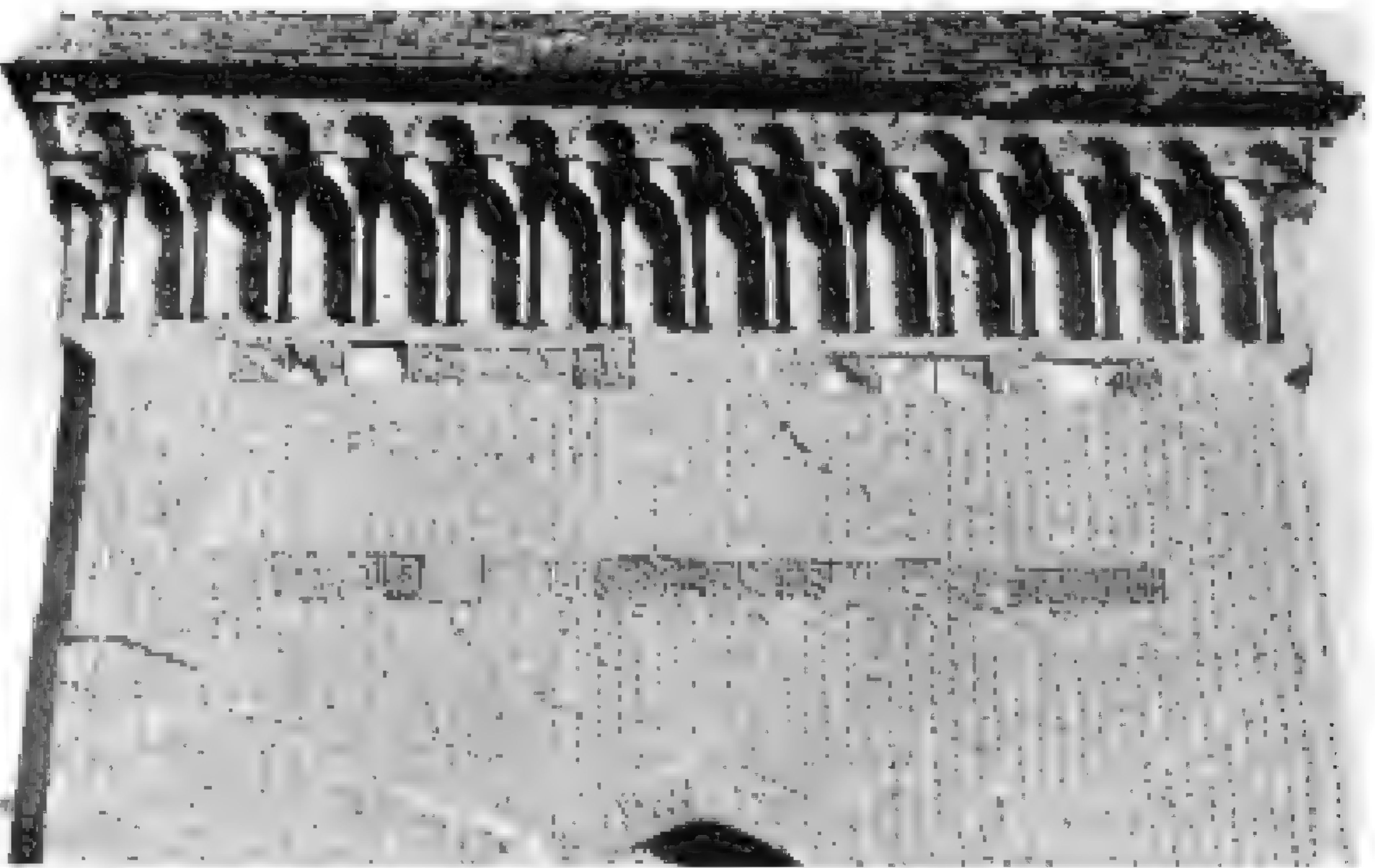
[illegible]

(عکس شمارهٔ [illegible]) قسمتی از کتیبهٔ بالای طرف شرقی صندوق مرقد [illegible] کوچک در [illegible] و [illegible]

(عکس شمارهٔ [illegible]) نمای جنوبی صندوق مرقد [illegible] کوچک در [illegible] و [illegible]



(عکس شمارهٔ ۸۸) کنگره‌های ضلع جنوبی بنای شه طاهر و مطهر



[عکس شمارهٔ ۶۸] کتیبه‌های خطی عربی بنای طاهر و مطهر

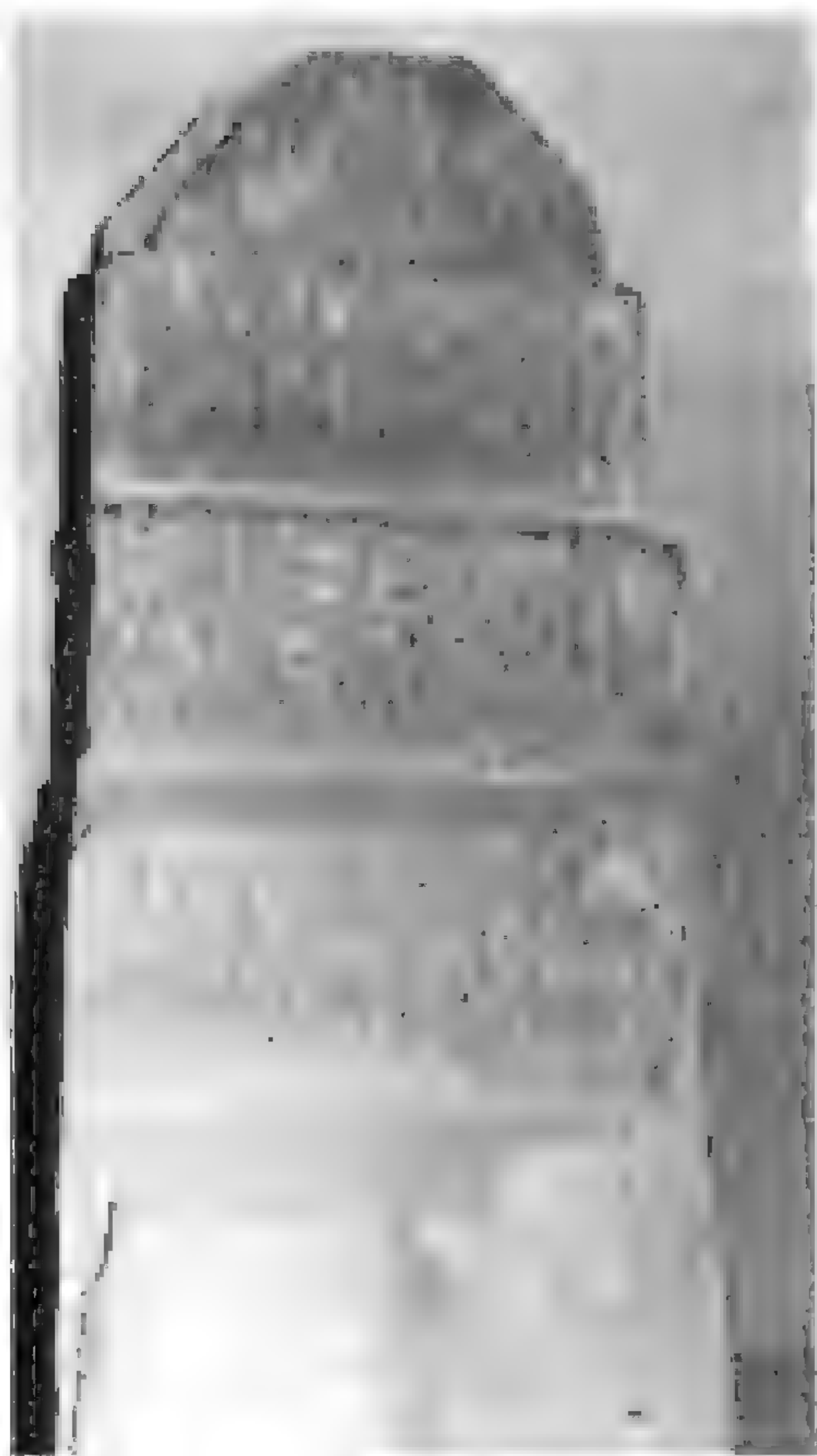


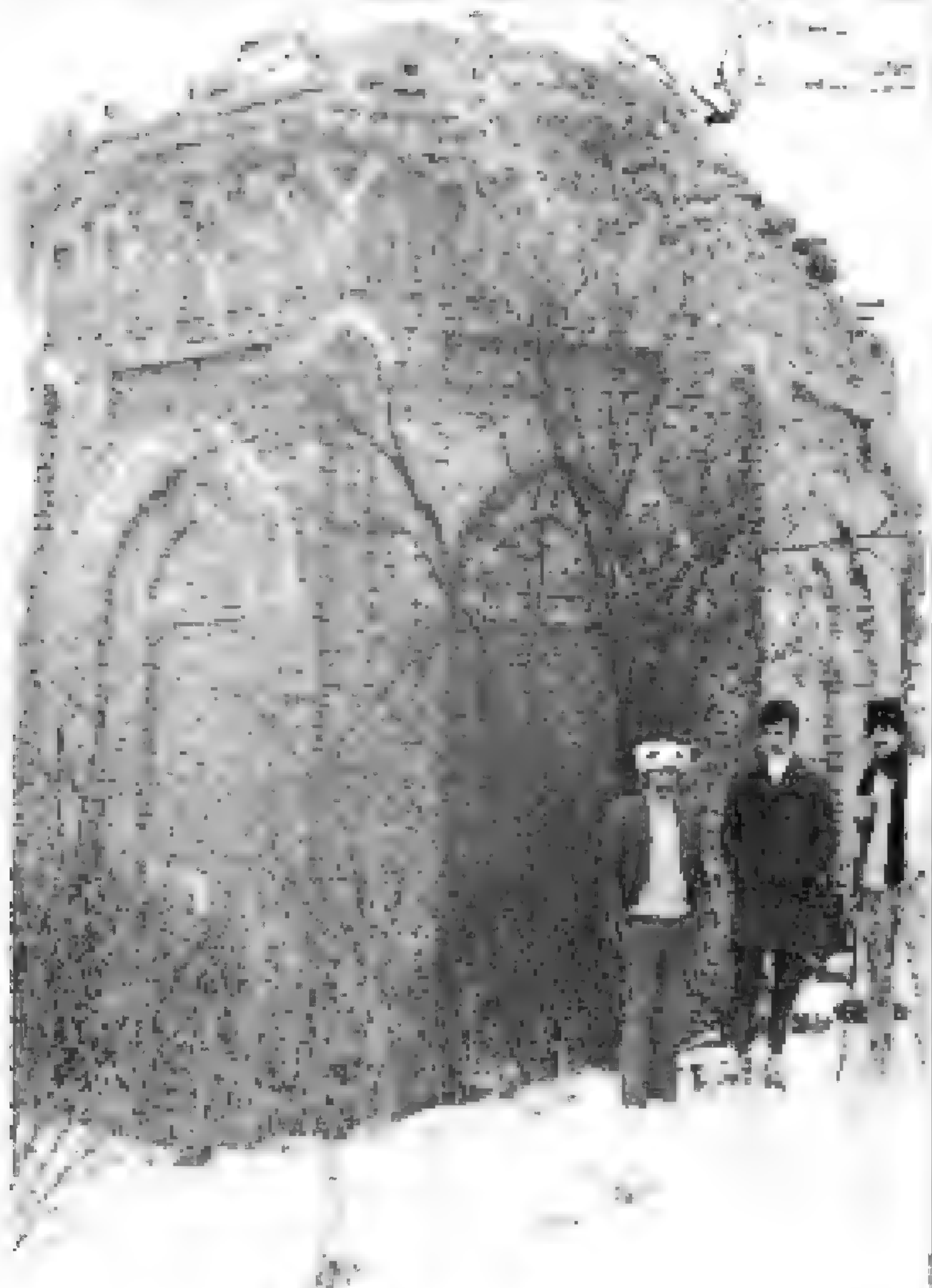
[عکس شمارهٔ ۱۰] [illegible]



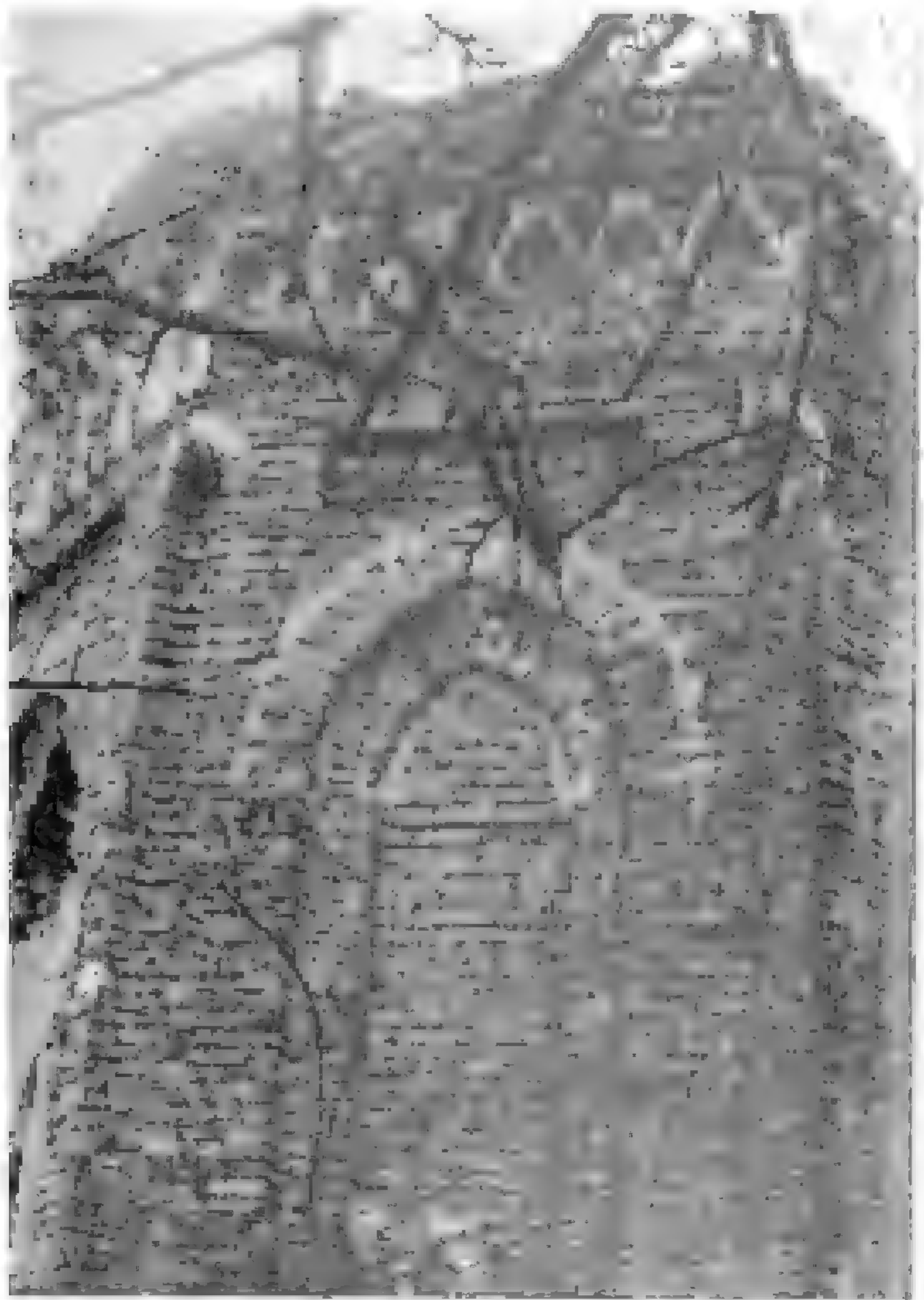
[عکس شمارهٔ ۶۶] مرقد سید محمد گیاخور جنگلی در دهکدهٔ سالمان کشور

(عکس شمارهٔ ۱۰۶) منبری سنگی در ایوان صفای محکمهٔ ساختمان کسری





(عکس شمارهٔ ۱۶) نمای عرضی قبر در اراضی دستگاه لاکات گیلور



[عکس شمارهٔ ۲۷] قرنیزها و طاقنماهای یکی از اضلاع نمای خارجی [illegible]



(عکس شماره: ۸۶) بقعهٔ فروریختهٔ پیش در محوطهٔ لالا میرزا زاوری گیلان

(عکس شماره ۹۸) بقعهٔ درویش شهراگیم در محلهٔ لتلزمرا دامون کجور





(عکس شمارهٔ ۲۷۰) مقبره سید علی کیا در مجموعهٔ سید علی کیا در شیر رود کنار کجور



(عکس شمارهٔ ۲۱) مائده بقعهٔ سید علی گیا در محکمهٔ سید علی گیا در خیر رود کنار کجور

(عکس شماره ۲۲) کوهی که قلعهٔ دیو سفید در دامن آن بنا شده در جنوب غربی کشور





(عکس شماره [illegible]) درخت سرو کهنسال [illegible]



(عکس شمارهٔ ۷۴) بنای بقعهٔ خالد کیا سلطان در ماچیر کلاری طرف کلارکرود

(عکس شماره [illegible]) [illegible]





(عکس شمارهٔ ۲۶) نمای بقعهٔ مشهد کیا سفلی در دهکدهٔ السه مرکز قنات کمر

(عکس شماره [illegible]) کتیبهٔ آجری [illegible] کیا [illegible]

(عکس شماره [illegible]) [illegible]

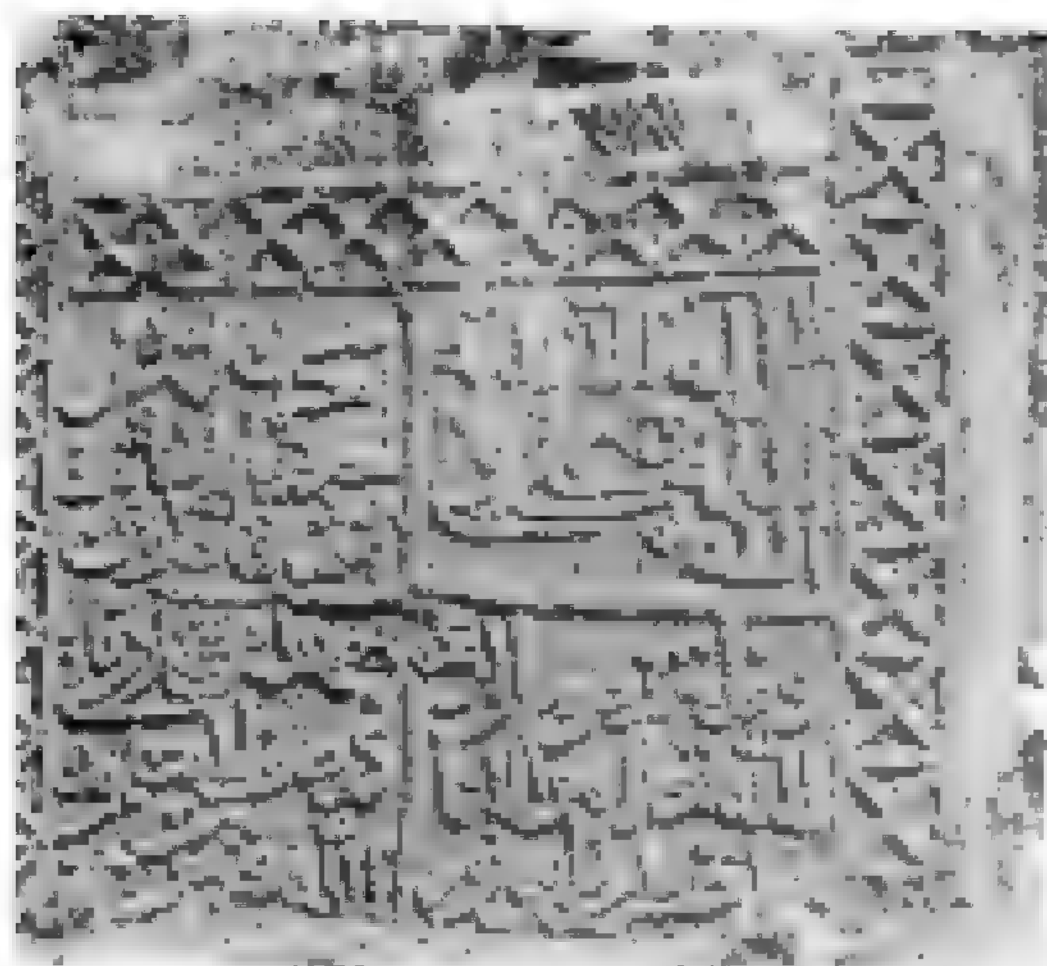




(عکس شماره ۳۹) راه خاکی در اراضی کمه گرسنهٔ کاخ کسرود



(عکس شمارهٔ ۱۷) سنگ قبری در گورستان قدیمی محکمهٔ سن ارز روه نور



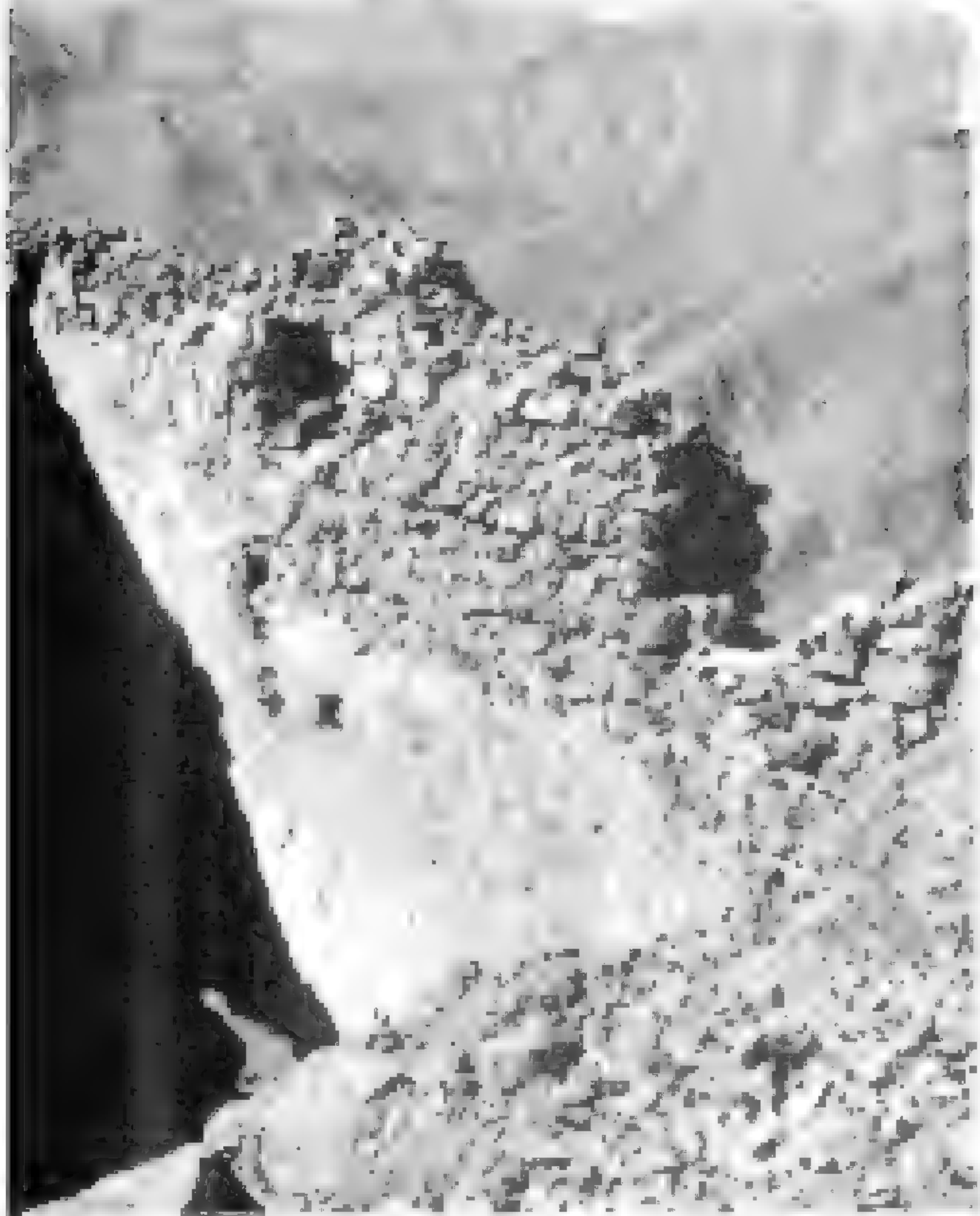
(عکس شمارهٔ ۱۸) سنگ قبری در گورستان قدیمی محکمهٔ پل اورزروه نور



[عکس شمارهٔ ۸۲] امامزاده طیب و طاهر در کلاک بالای امامزاده داود



(عکس شمارهٔ ۴۳) کوهی که قلعهٔ طرم بر آن ساخته شده است



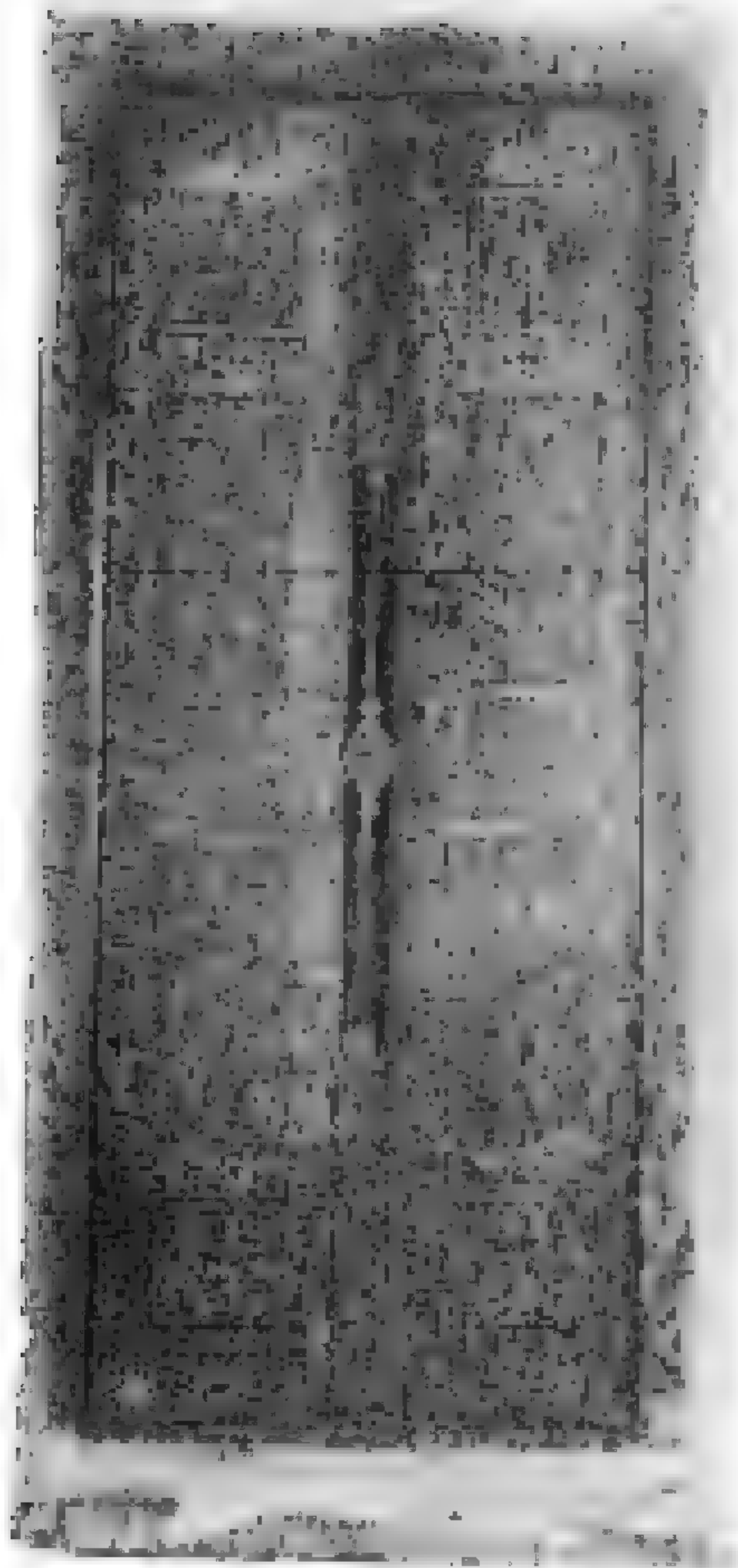
(عکس شماره [illegible]) قسمتی از بیرون قلعه خیبر



(عکس شمارهٔ ۹۰) قلهٔ آزاد کوه که بنای قدیمی بر آن ساخته است

(عکس شمارهٔ ۹۰) امامزاده موسی در دهکدهٔ لور از عکسهای آقای [illegible]





(عکس شمارهٔ ۲۸۹) در ورودی بقعهٔ امامزاده موسی در ابرکوه



(عکس شمارهٔ [illegible]) امامزاده سید زکریا در [illegible]

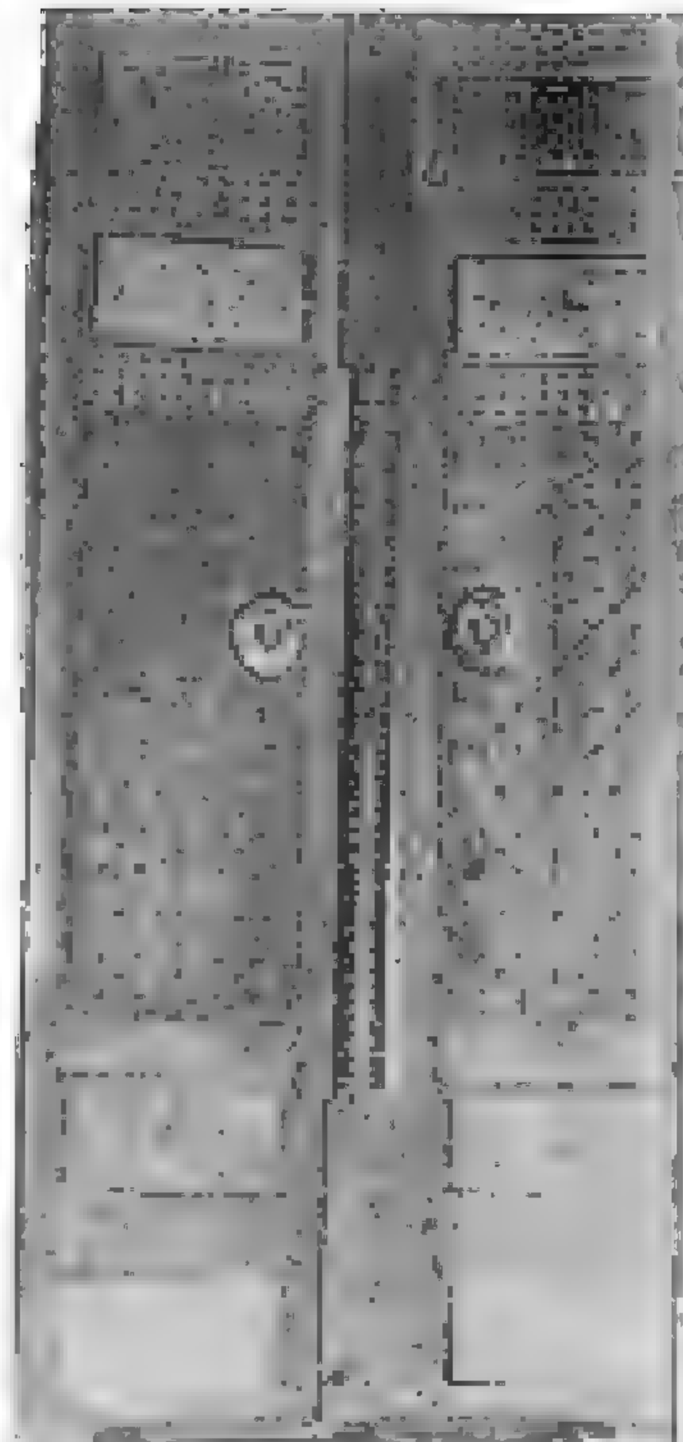


(عکس شمارهٔ ۲۰۶) نمای کلی از محلهٔ ازکلا و بقعهٔ امامزاده سید زکریا

(عکس از آلبوم ناصرالدین شاه ، کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران)

(عکس شمارهٔ ۵۰): انجرات مسجد در منطقهٔ ... طلای تابهٔ اوز روده جور





(عکس شماره [illegible]) در ورودی بقعهٔ امامزاده محمود در آبه



(عکس شماره [illegible]) در مسجد [illegible] متصل به بقعهٔ امامزاده محمود در آبه



(عکس شمارهٔ [illegible]) [illegible]



(عکس شمارهٔ [illegible]) [illegible]

(عکس شمارهٔ ۹۹) امامزاده [illegible]





(عکس شماره [illegible]) [illegible]



(عکس شمارهٔ ۹۷) در منبت امامزاده جعفر در انگوره طرزیرود بور

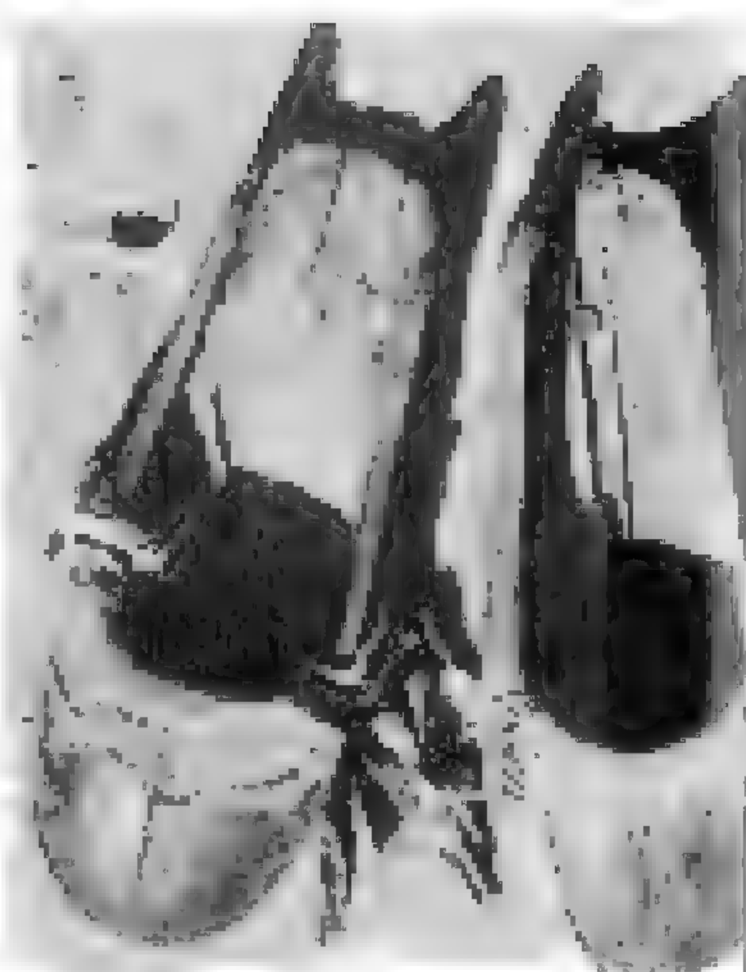


(عکسی ژمارە ٩٩) گۆڕ کیا داوه لە قەبرستانی عمومی [illegible] لە [illegible]

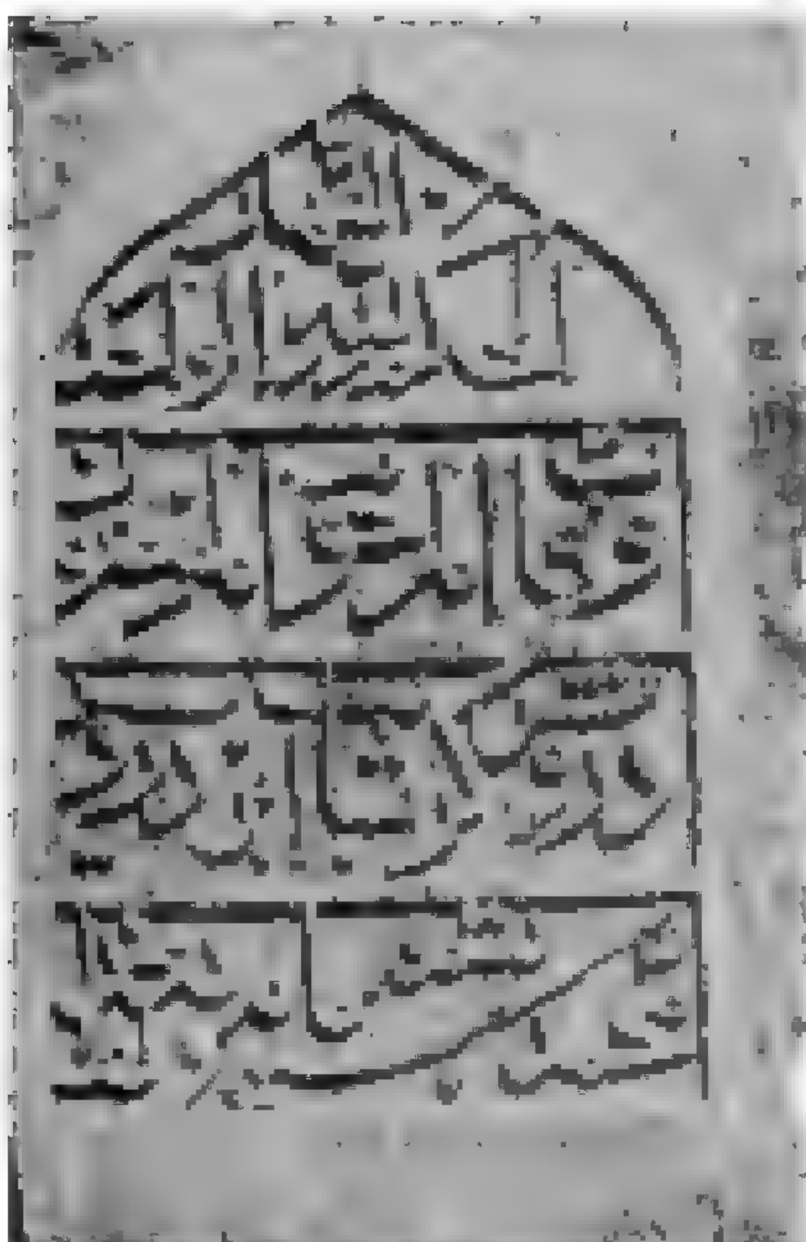
[عکسی ژمارە ١٠٠] کتیبەکای لە سەنگ مرمر و بالای دەرگای گۆڕ کیا داوە







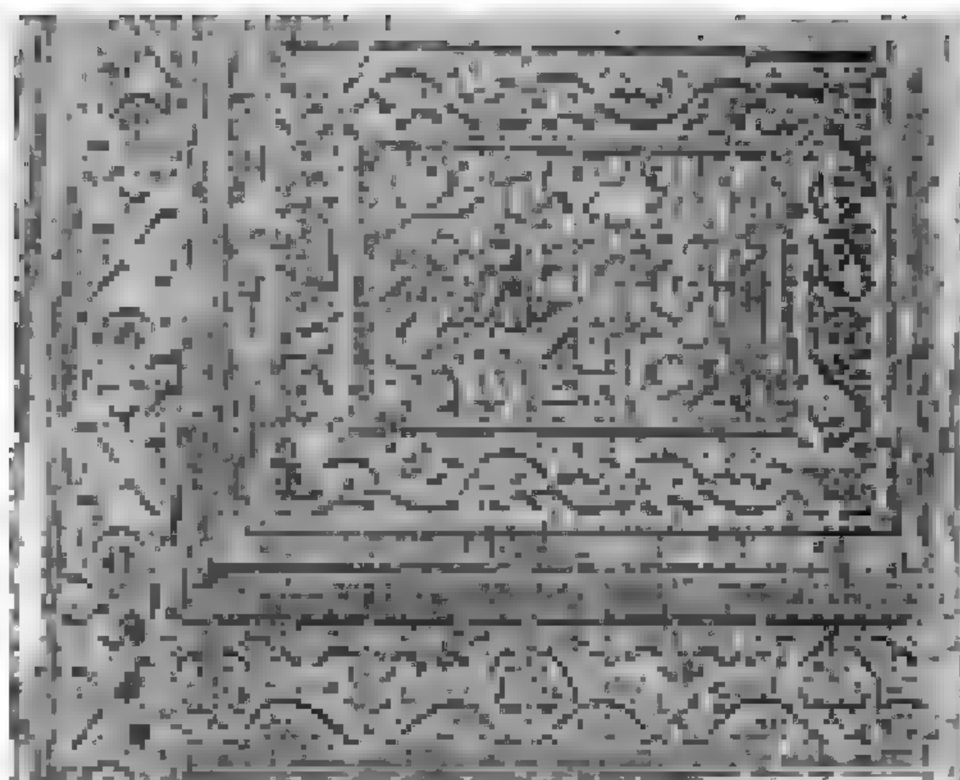
(عکس شمارهٔ [illegible]) کتیبهای چوبی [illegible] در
[illegible]



(عکس شمارهٔ [illegible]) کتیبهٔ چوبی که ظاهراً
[illegible] گور [illegible] گرفته است در [illegible]
[illegible]

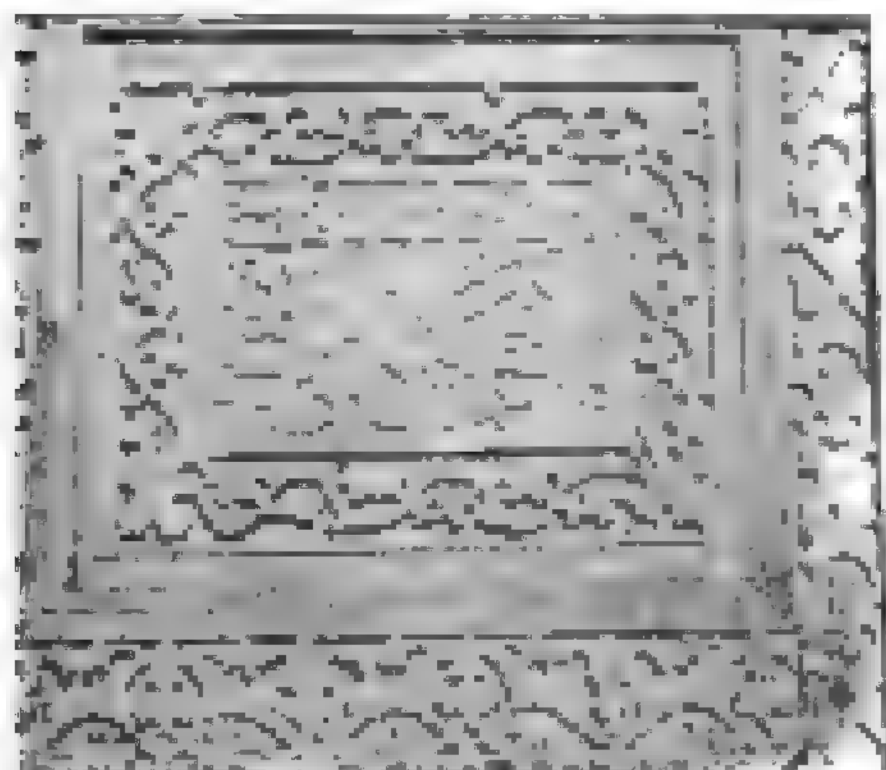


[illegible]



(عکس شماره ۱۰۵)

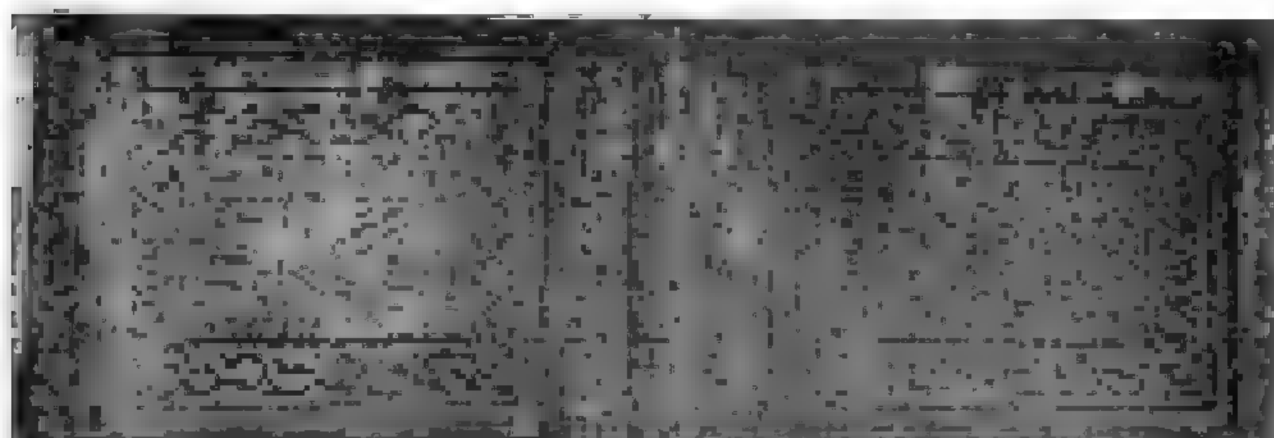
کتیبهٔ لچکی سمت راست سر در بقعهٔ امامزاده یوسف (میان بقعه و مسجد)

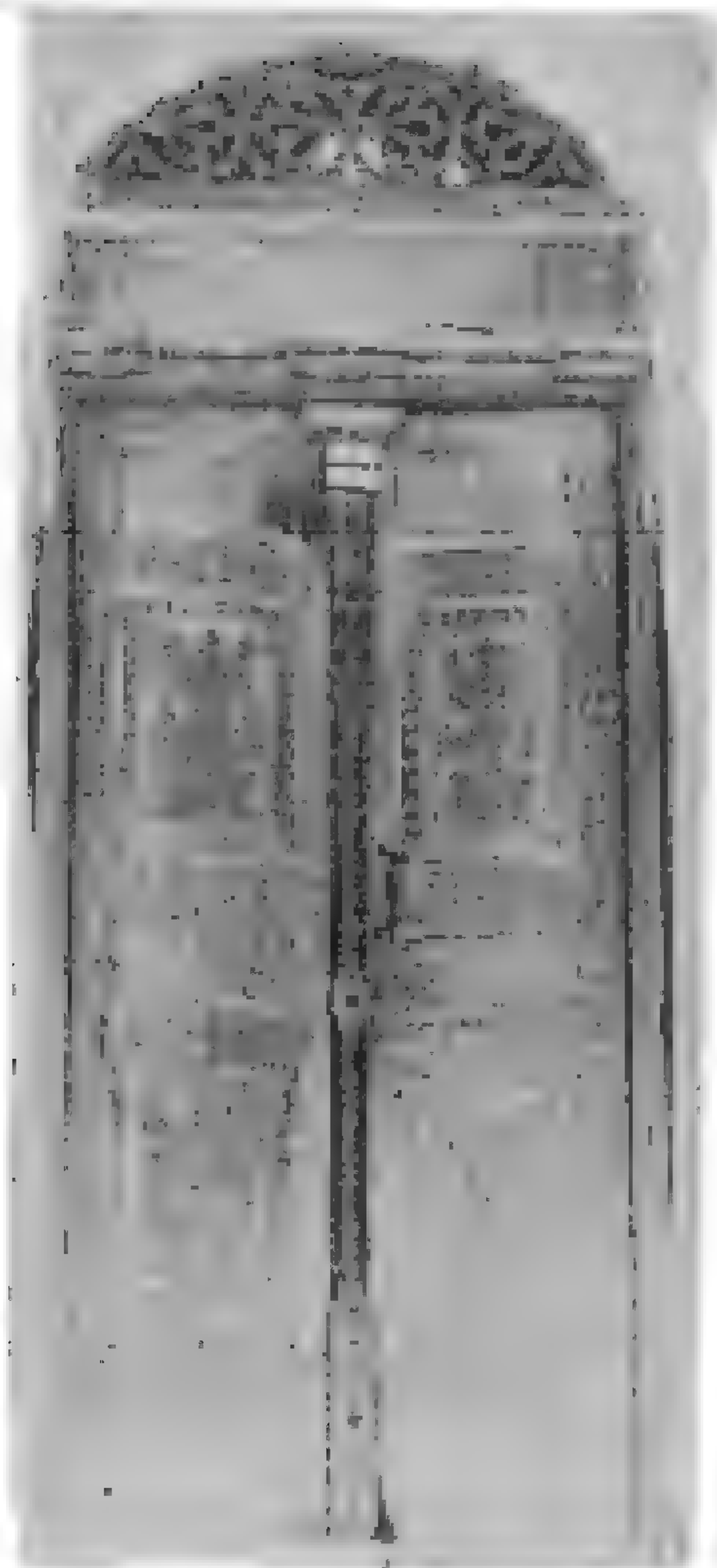


(عکس شماره ۱۰۶)

کتیبهٔ لچکی سمت چپ سر در بقعهٔ امامزاده یوسف (میان بقعه و مسجد)

قسمتی از بالای در بقعهٔ امامزاده یوسف به مسجد در کتیبهٔ کمر و دو در





(عکس شمارهٔ ۲۰۱) در ورودی بقعهٔ امامزاده یوسف در محلهٔ کلباد کرکرود نور

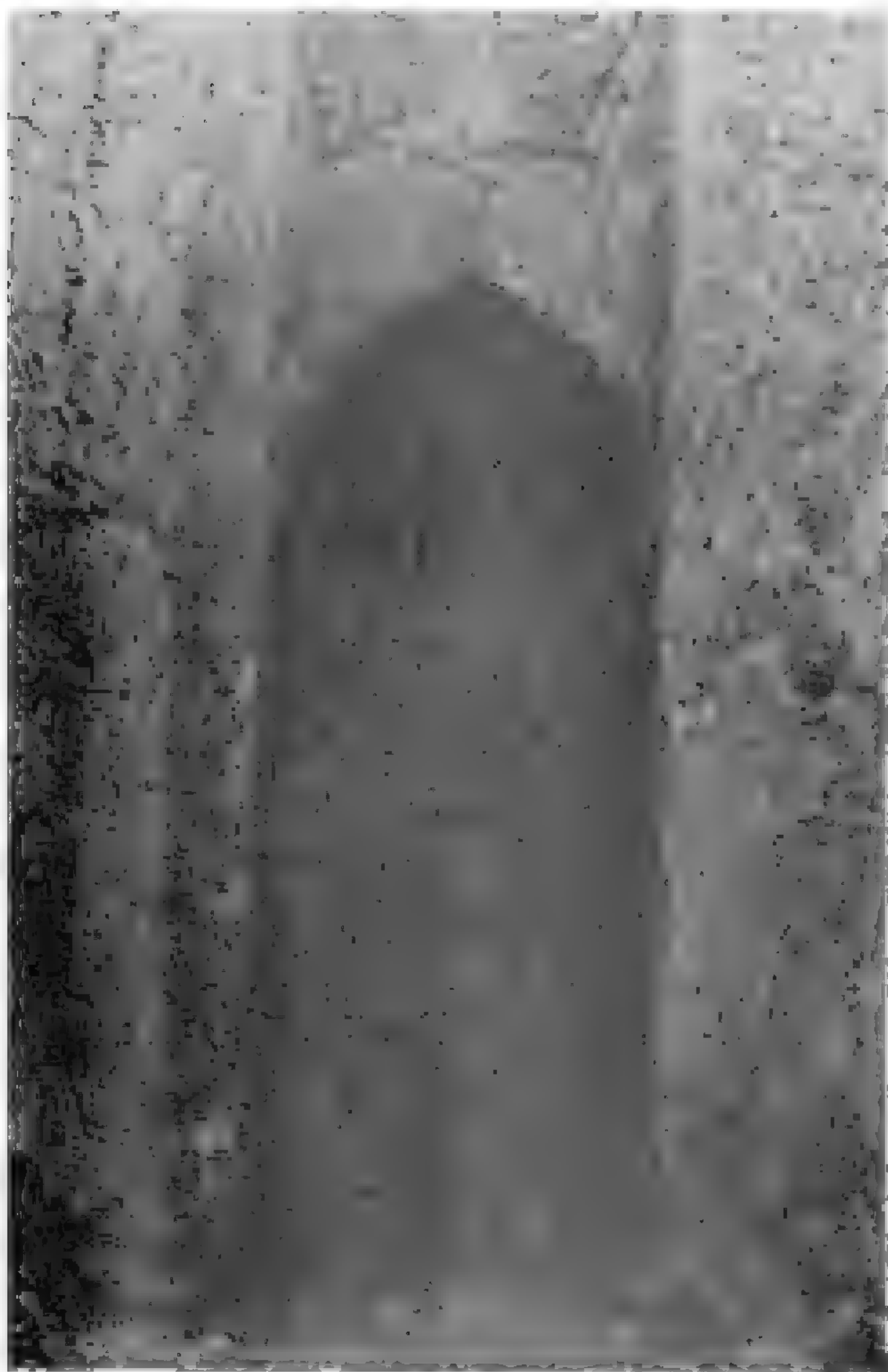


(عکس شماره ۱۰۱) ظاهراً مقبره شماره یک تپه گورستان معکسا کم خود

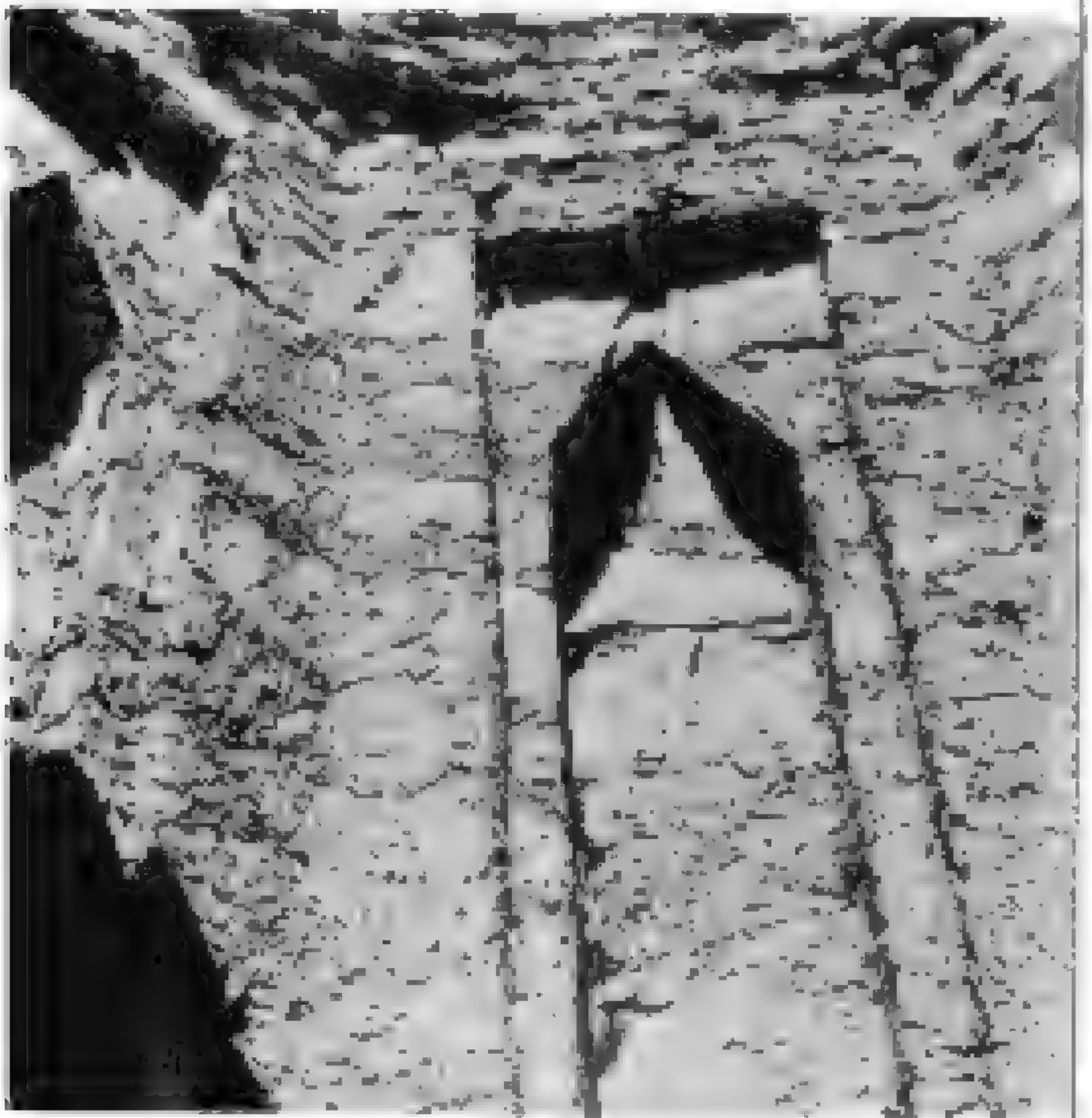


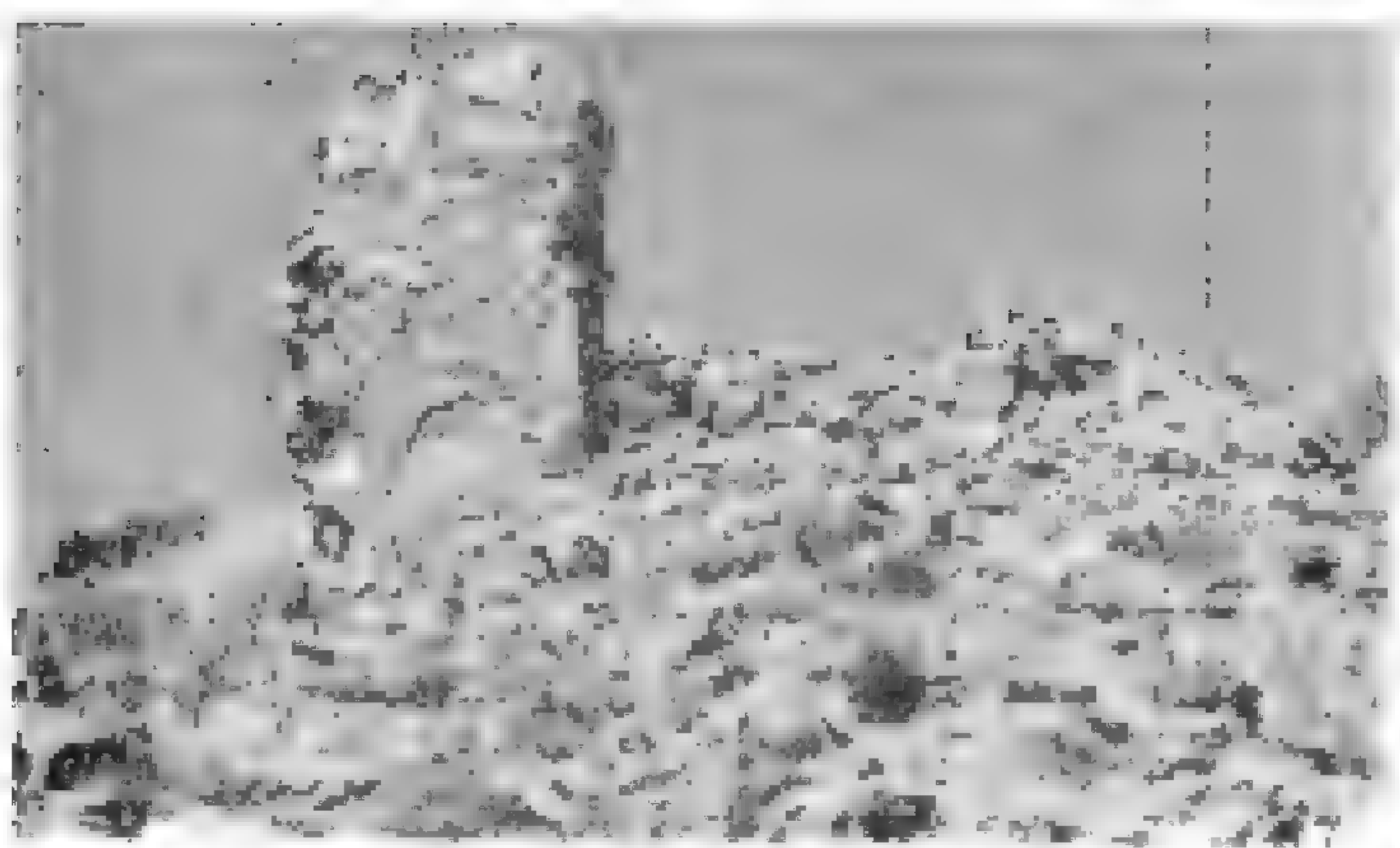
(عکس شمارهٔ ۲۰۰) مقبرهٔ شمارهٔ سوم گورستان منطقهٔ کمرجو

(عکس شمارهٔ ۵۱۰) طاقنمای زیرین یکی از اضلاع خارجی مقبرهٔ شمارهٔ دو تپهٔ گورستان کبر مرد



[illegible]



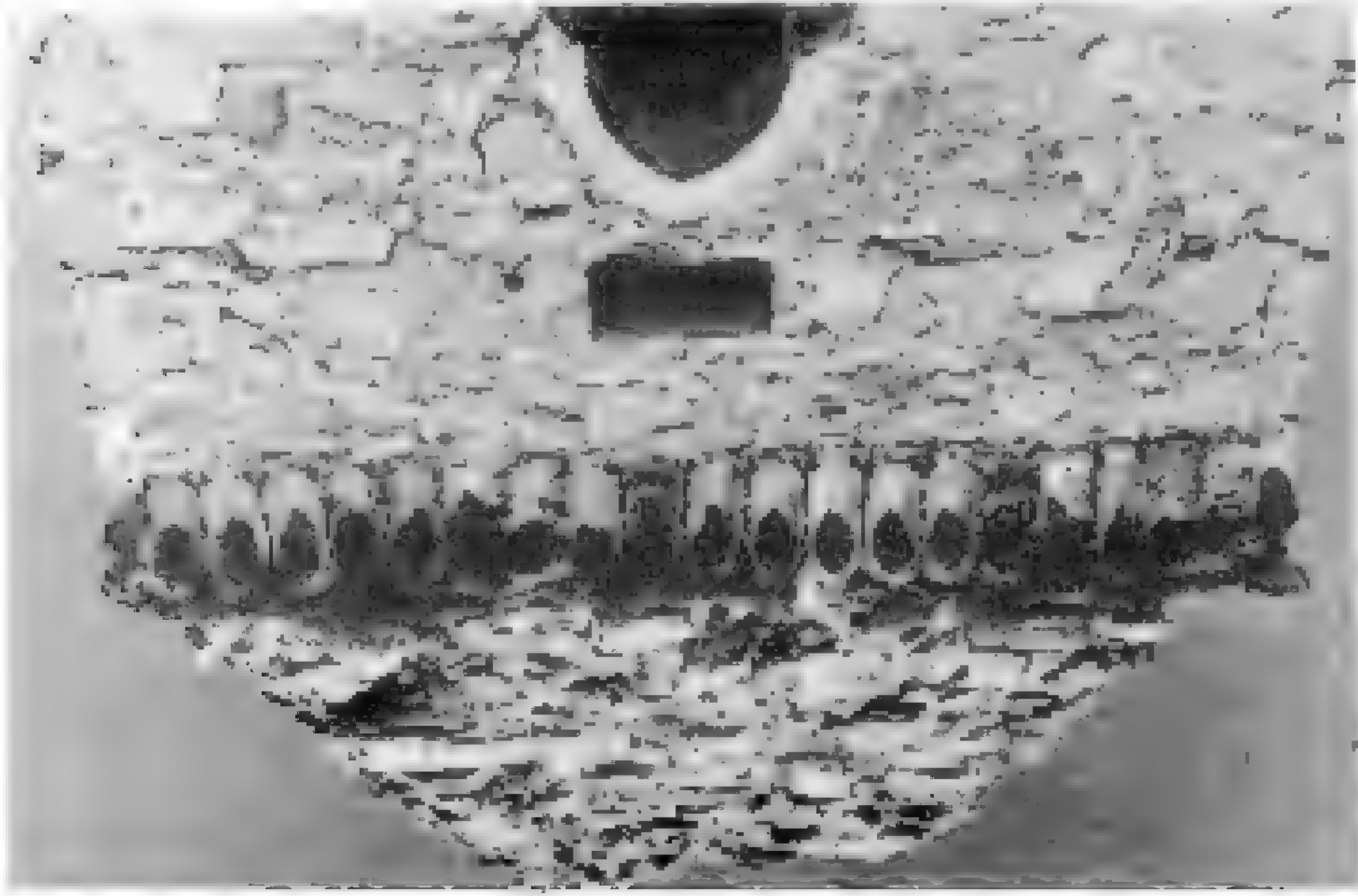


(عکس شمارهٔ ۱۲۹۹) [illegible] مقبرهٔ [illegible] گورستان محکمهٔ [illegible]



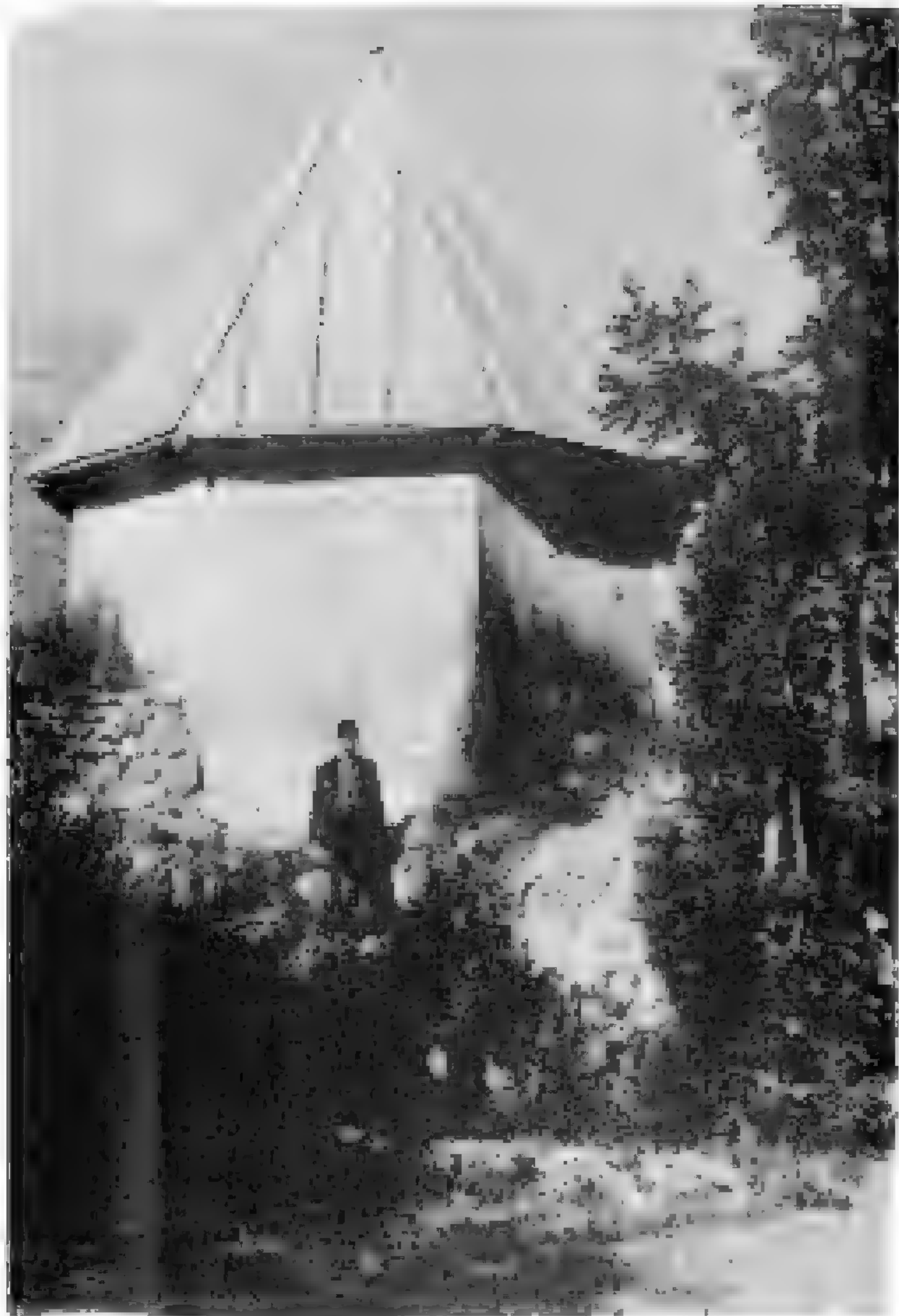
(عکس شمارهٔ ۱۳۰۰) مقبرهٔ [illegible] گورستان محکمهٔ [illegible]





(عکس شماره ۱۰۶) امامزاده محمد در شیخ محلهٔ رحمن کبر رودبار





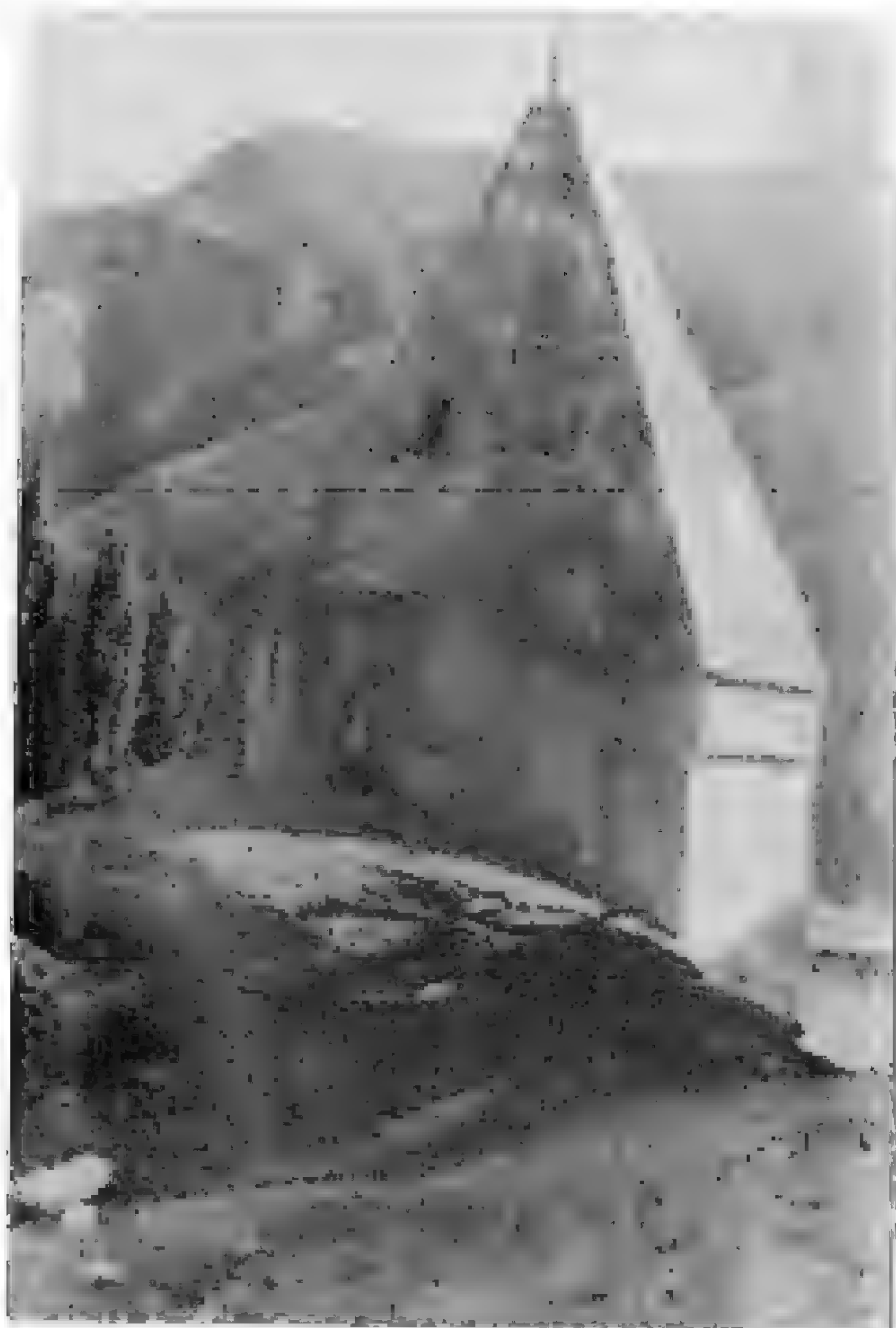
[عکس شمارهٔ ۳۹۱] امامزاده سپه سالار در محلهٔ سرلی گسر رودبار

(عکس شماره ۶۹۸) [illegible]

(عکس شماره ۶۹۹) [illegible]



(عکس شمارهٔ ۲۰) [illegible]



[عکس شماره ۱۳۹] سقاخانهٔ چوبین تکیهٔ محکمهٔ بالو از عکسهای بالو دره مرد





(عکس شمارهٔ ۳۹۱) هم تکهٔ عکسهٔ بالا از عکسهای بالا زده شد



(عکس شمارهٔ ۱۲۶) [illegible] در دهکدهٔ [illegible] از دهکده‌های بالارود نور

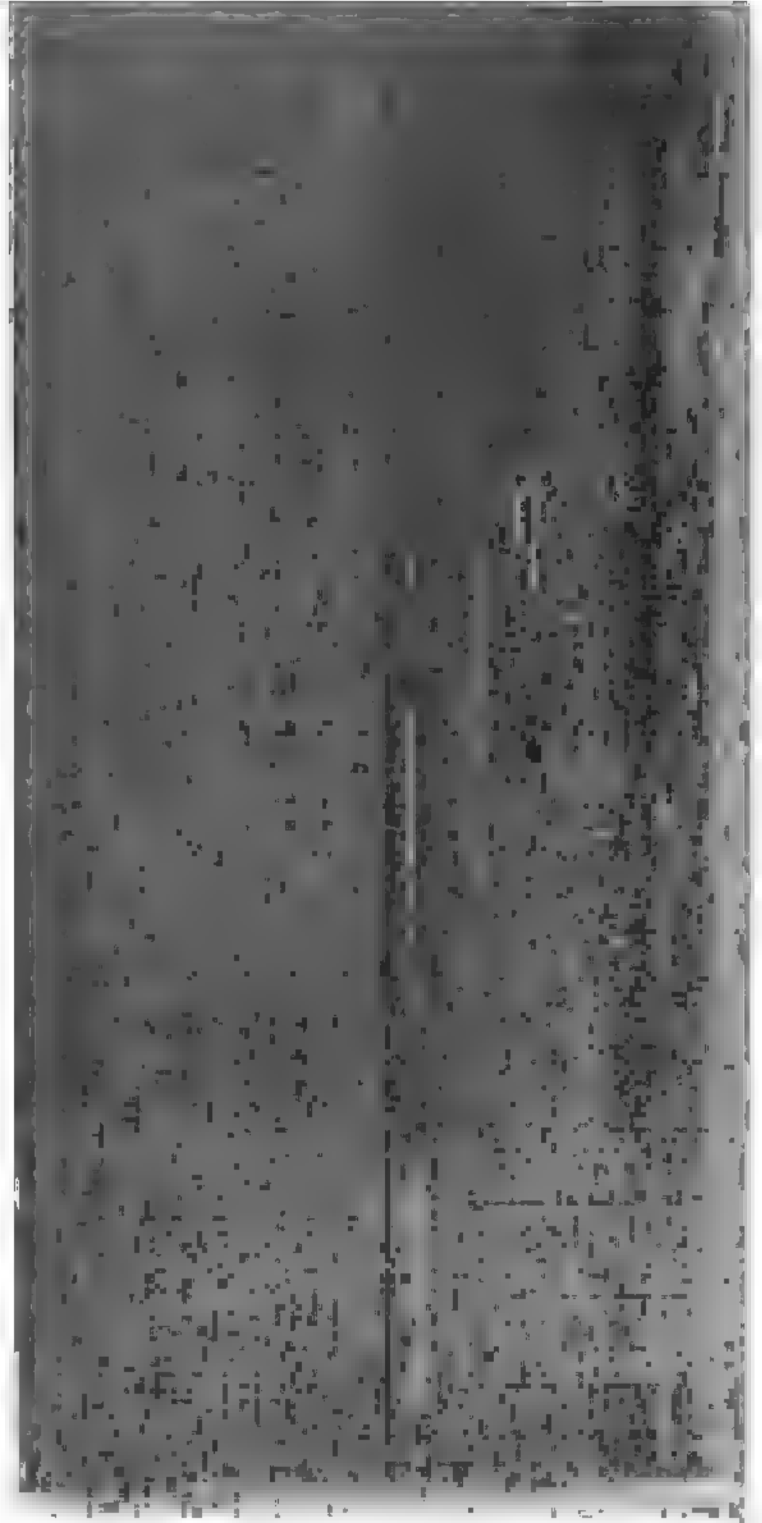




(عکس شماره ۱۹۹) امامزاده محمد ورزن بالارود نور



[illegible]



(عکس شمارهٔ ۱۲۸) در بقعهٔ امامزادگان محمد و ابراهیم در [illegible]



(عکس شمارهٔ ۱۲۹) نمای [illegible] گنبد بقعهٔ امامزادگان محمد و ابراهیم در [illegible]



(عکس شمارهٔ ۱۳۰) فانوس ظریف و زیبا در مسجد جامع یکتا نور





(عکس شماره ۲۳۳) خانهٔ مسکونی آقا علی صدراعظم نوری در قریهٔ یکه مرد

(عکس شماره ۲۳۱) سرستون قلعهٔ ...
جهان ... سمت راست ...

(عکس شمارهٔ [illegible]) معرکهٔ علم و صنعت میرزا آقاخان در ربیع‌الثانی ۱۲۶۹ [illegible]

(عکس از آلبوم ناصرالدین شاه، شمارهٔ [illegible] کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران)



[illegible]

(عکس شمارهٔ [illegible]) منظر از طرف جنوبی قلعهٔ [illegible]





[illegible]

(شكل لوحة [illegible]) برج حجري [illegible]



[عکس شمارهٔ ۲۷۰] برج نیمسای قلعه بور





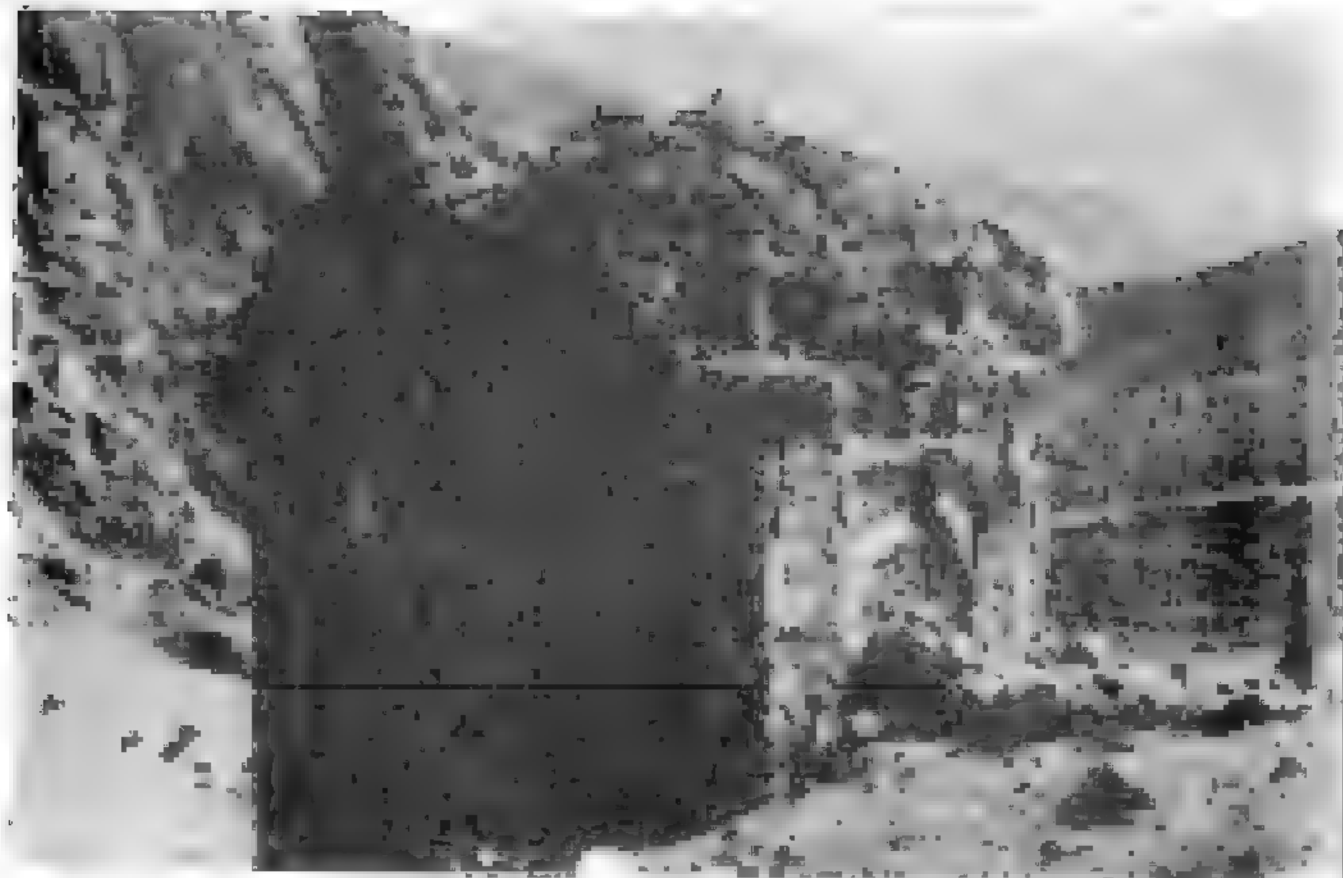
(عکس شمارهٔ ۲۰۹) یکی از برجهای باروی قلعهٔ دز که بر کمری عظیم برجست

(شکل نمرهٔ ۱۱۴۹) ارگ قندهار



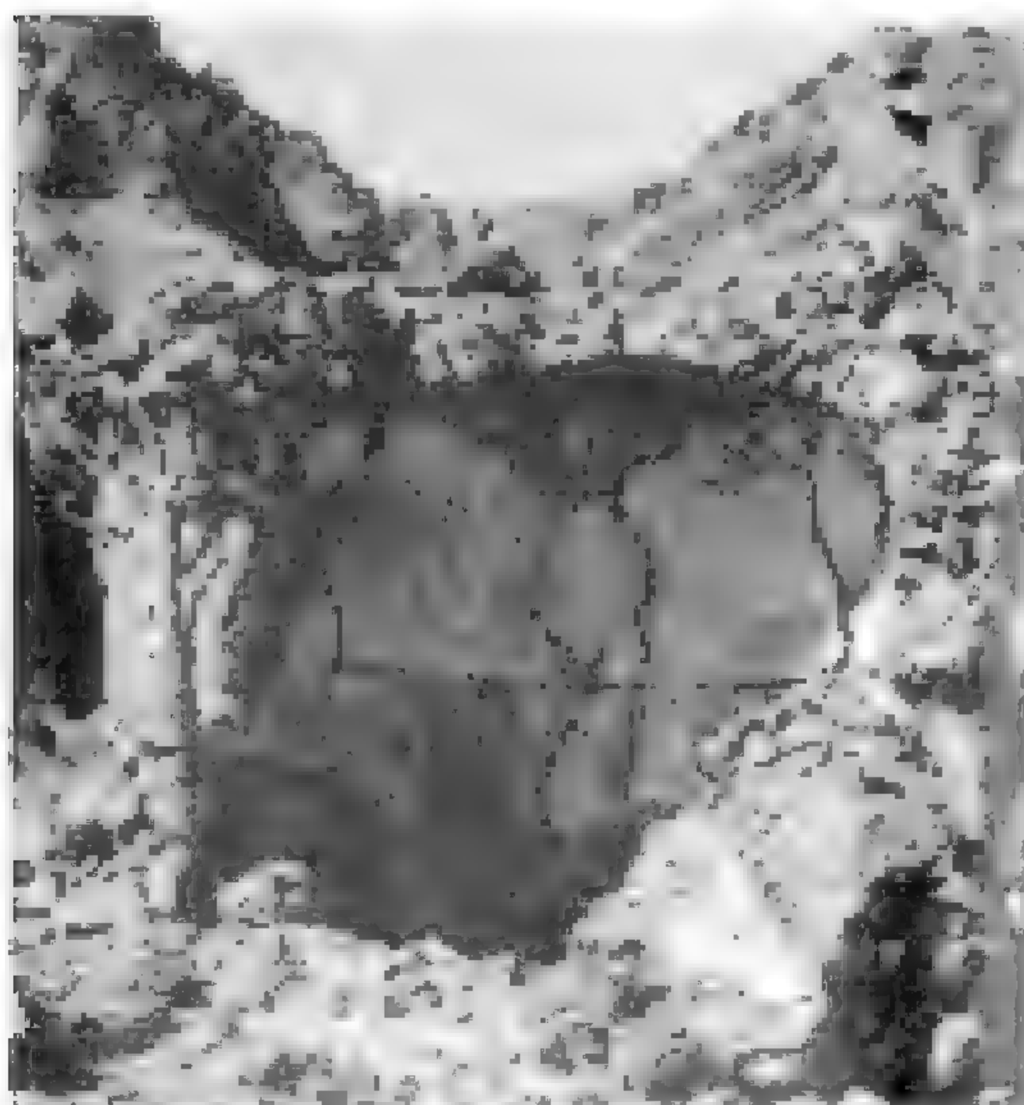


(عکس شماره ۹۰) منظر زیروس للشاعر



[illegible]

[illegible]





(عکس شمارهٔ ۵۹۱) امامزاده [illegible] در محلهٔ [illegible]



[عکس شمارهٔ ۱۰۹۶] سنگ تاریخ سال نوین کتابت در محکمهٔ جل عطارود مرو

(عکس شمارهٔ ۲۲۷) کوهی که تخت گیسو بر آن ساخته شده است در مازندران





(عکس شماره ۵۴۹) کتیبهٔ سنگی در کوه سرخ کمر روبروی قلعهٔ کهیر ماوراء مرو

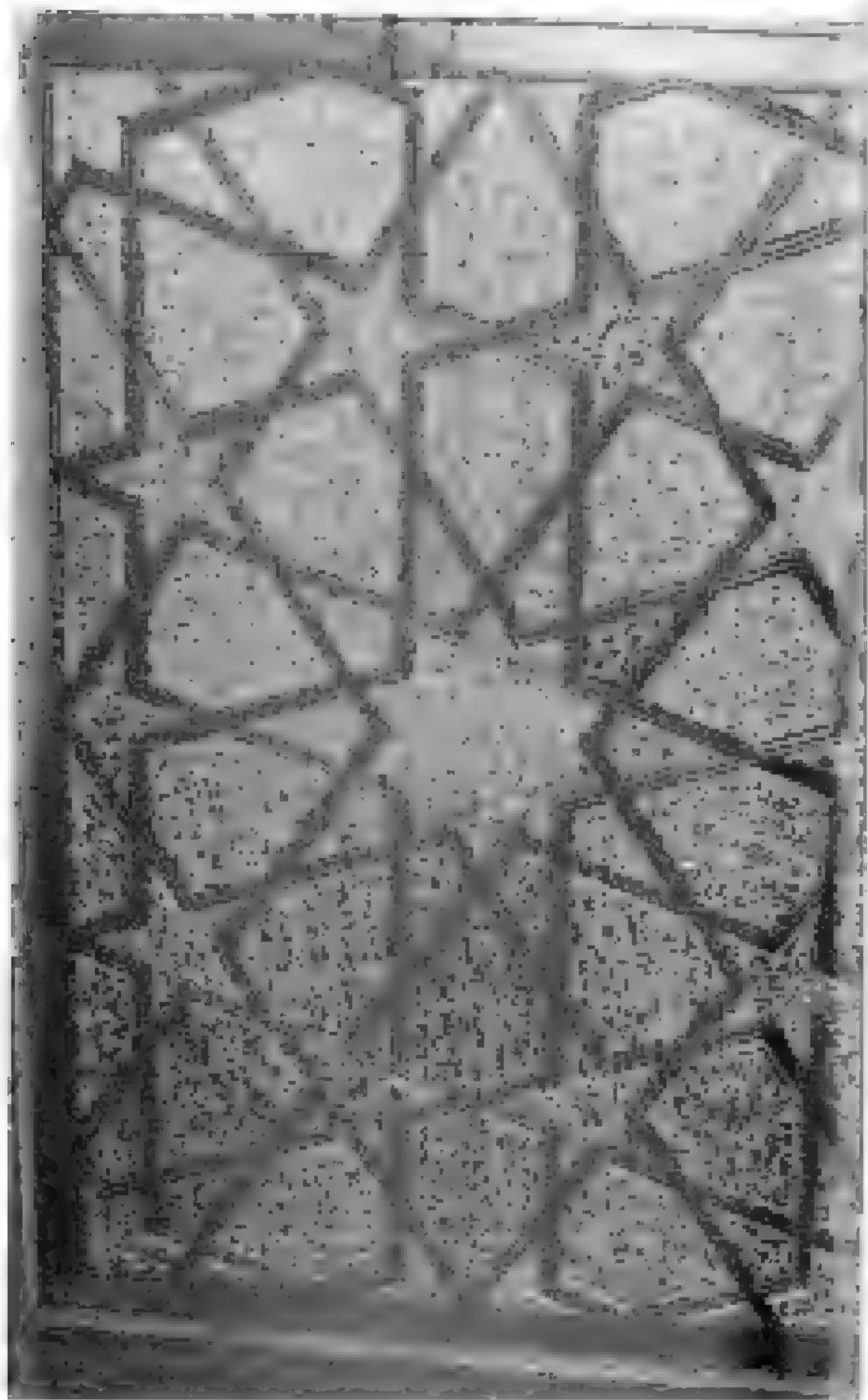
(عکس شماره ۹-۱۰۱) پل قدیمی پایین دهکده کلاک میان رود نور







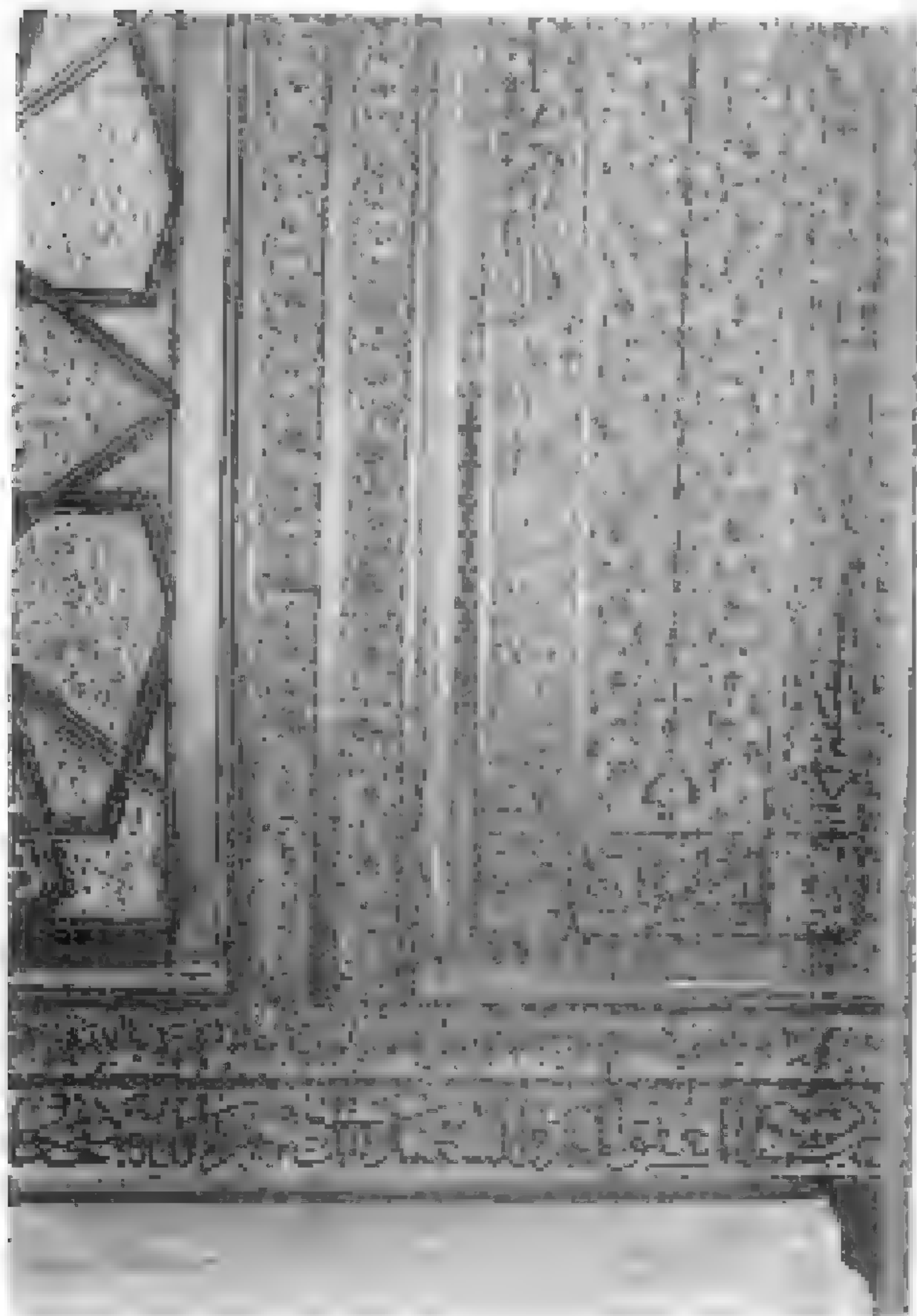
[عکس شمارهٔ [illegible]] قسمت وسط جبههٔ شمالی صندوق امامزاده محمد در [illegible]





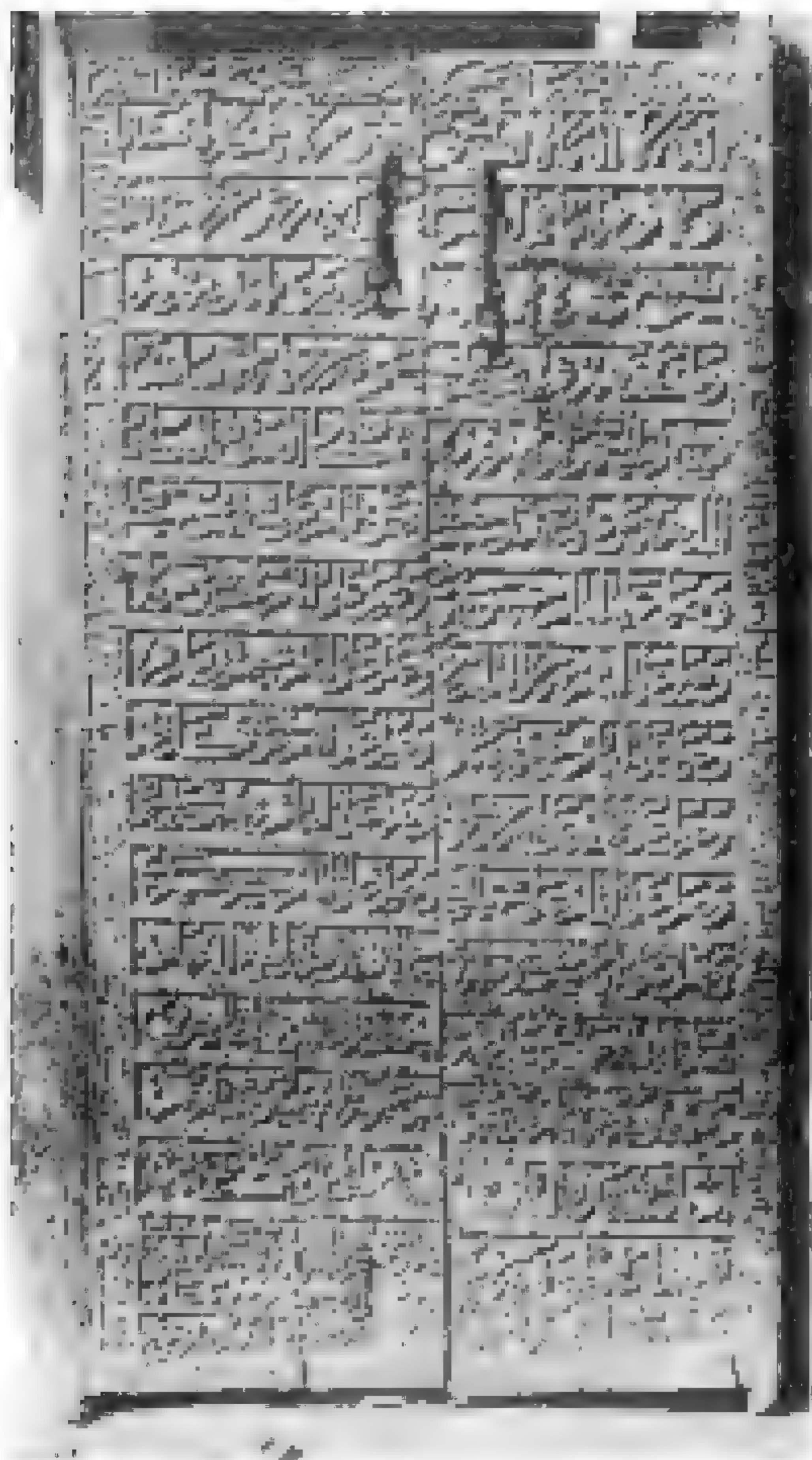
(عکس شماره ۳۰۱) قسمت سمت چپ جبههٔ شمالی صندوق امامزاده محمد در [illegible]

[شکل شمارهٔ [illegible]] [illegible]
بعکس آقای [illegible]



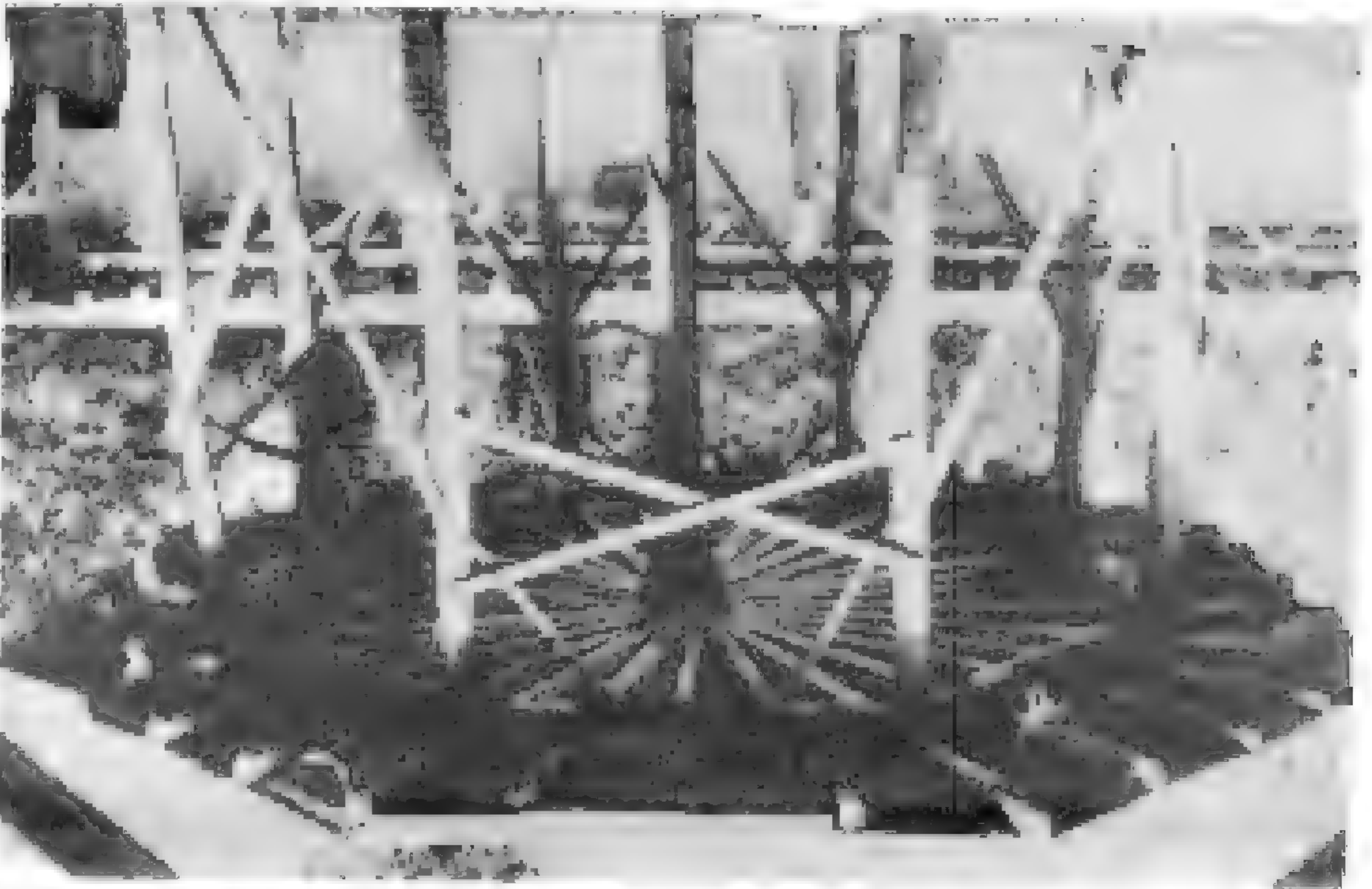


[عکس شمارهٔ ۵۵۰] قسمتی از سمت چپ صفحهٔ صوری صندوق [illegible] در محکمهٔ [illegible]





(عکس شمارهٔ [illegible]) در دیگر مسجد امامزاده سعید در مجموعهٔ [illegible]





(عکس شماره ...) ... میرزا حسینعلی بهاءالله در عکا ...



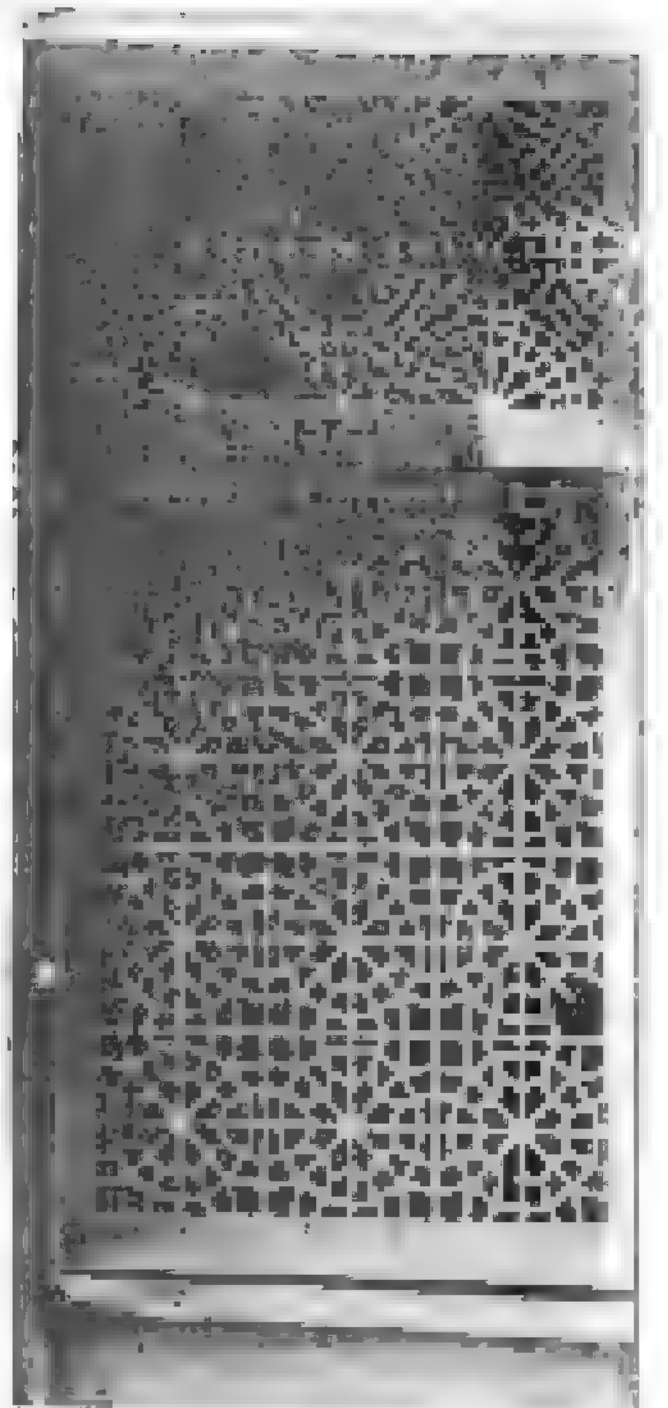
(عکس شماره ۱۱۰) پنجره مشبک چوبی در [illegible]

(عکس شمارهٔ ۱۶۶۰) جای قبهٔ درویش محمد در اقلاق سرای تیم .

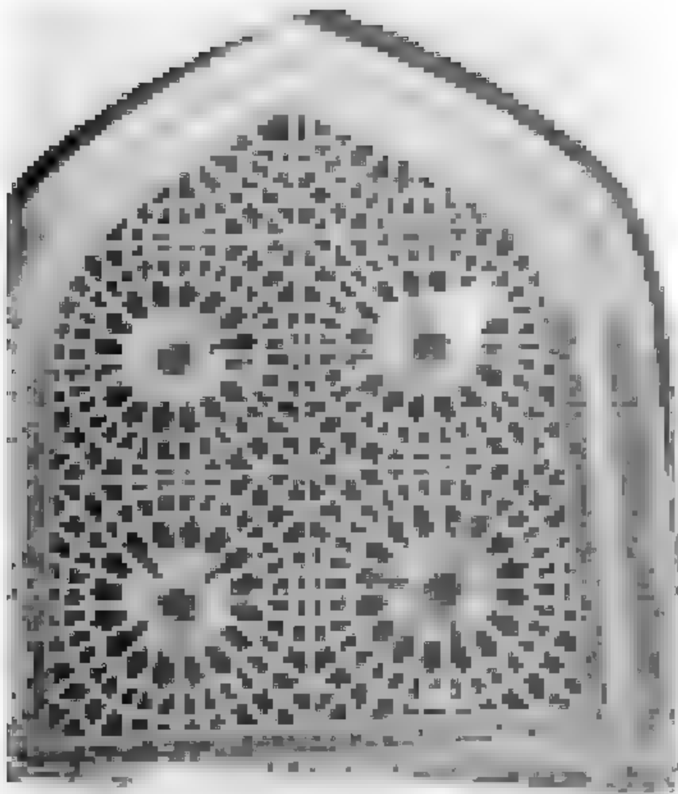


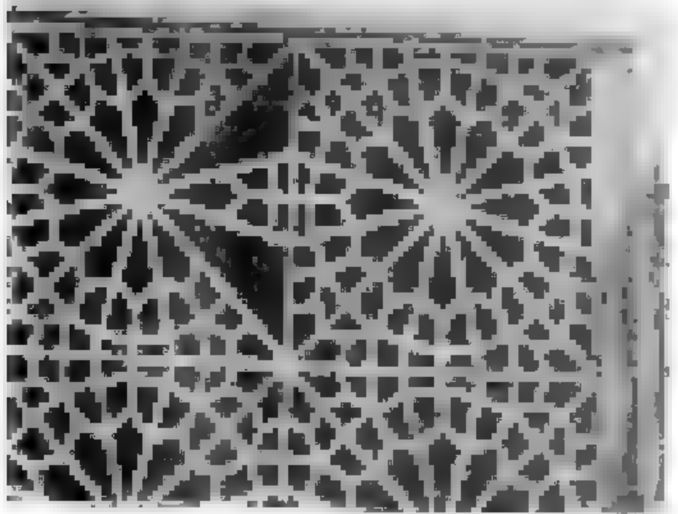
(عکس شمارهٔ ۱۶۶۱) چار ماهچهٔ صندوق مرقد

درویش محمد در اقلاق سرای تیم



(عکس شماره ۱۹۳) پنجرهٔ مشبک در خانهٔ منتظم لشکر
در دهکدهٔ نیم ماوره بالای لور





(عکس شماره ۱۹۴) پنجرهٔ مشبک چوبین در خانهٔ م
لشکر در نیم ماوره بالای لور



(عکس شمارهٔ ۱۶۵) خشت پل بر رودخانهٔ [illegible] در تالش گیلان

(عکس شمارهٔ ۱۶۶) [illegible] در [illegible] تالش گیلان [illegible]



(عکس شمارهٔ ۳۶۱) حمام مشیر الملک در محلهٔ سرلطانه باتال کوه تخت مرم

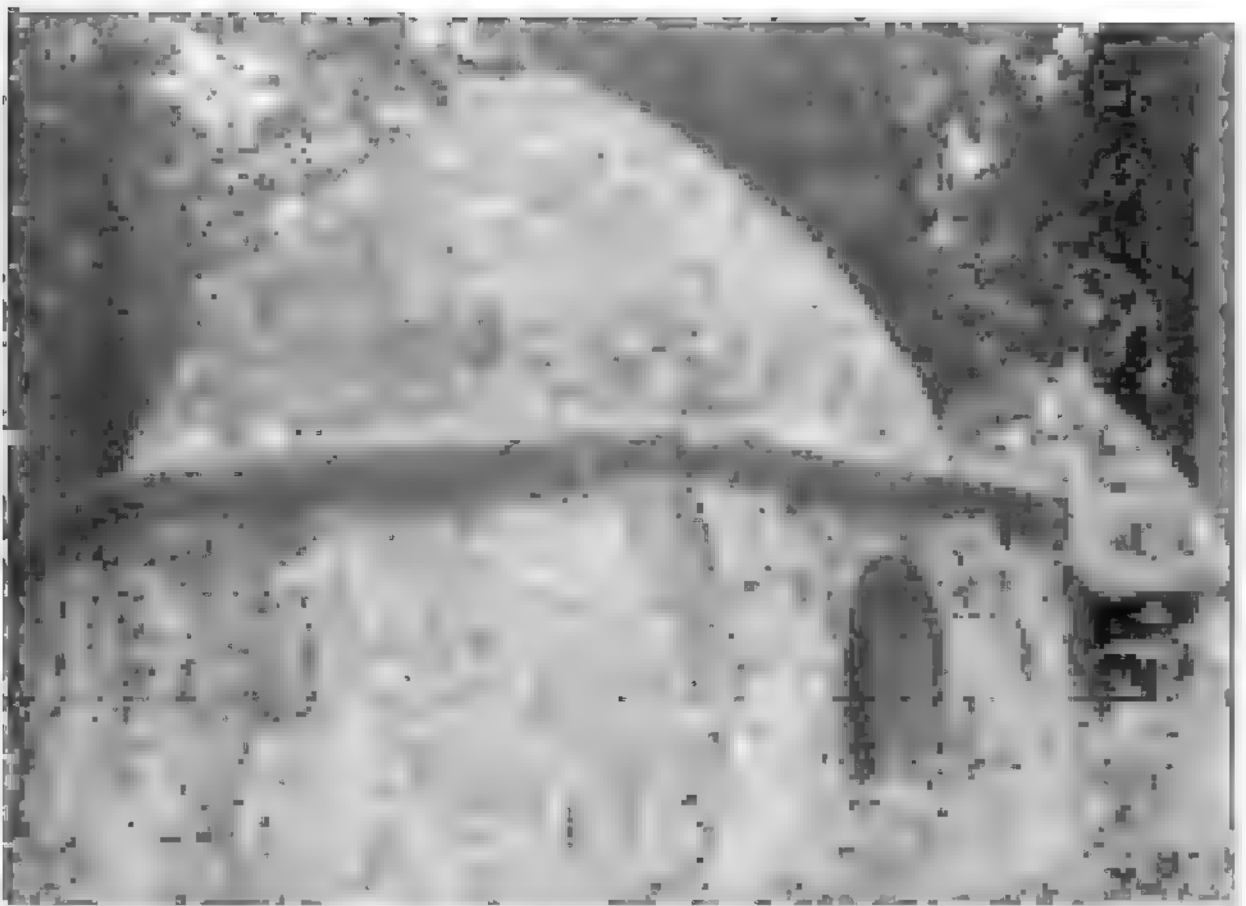
(عکس شمارهٔ ۸۶۸) ایوان خانهٔ نظام الملک مرزی در محلهٔ چسخان نگارستانی نخیعود





(عکس شمارهٔ ۱۶۹) خانهٔ کاظم خان ملک‌الملک نوری در چمستان تاکل و منطقهٔ [illegible]

(عکس شمارهٔ ۱۷۰) حمام میرزا کاظم‌خان ملک‌الملک نوری در چمستان تاکل و منطقهٔ تخت نور



[illegible]

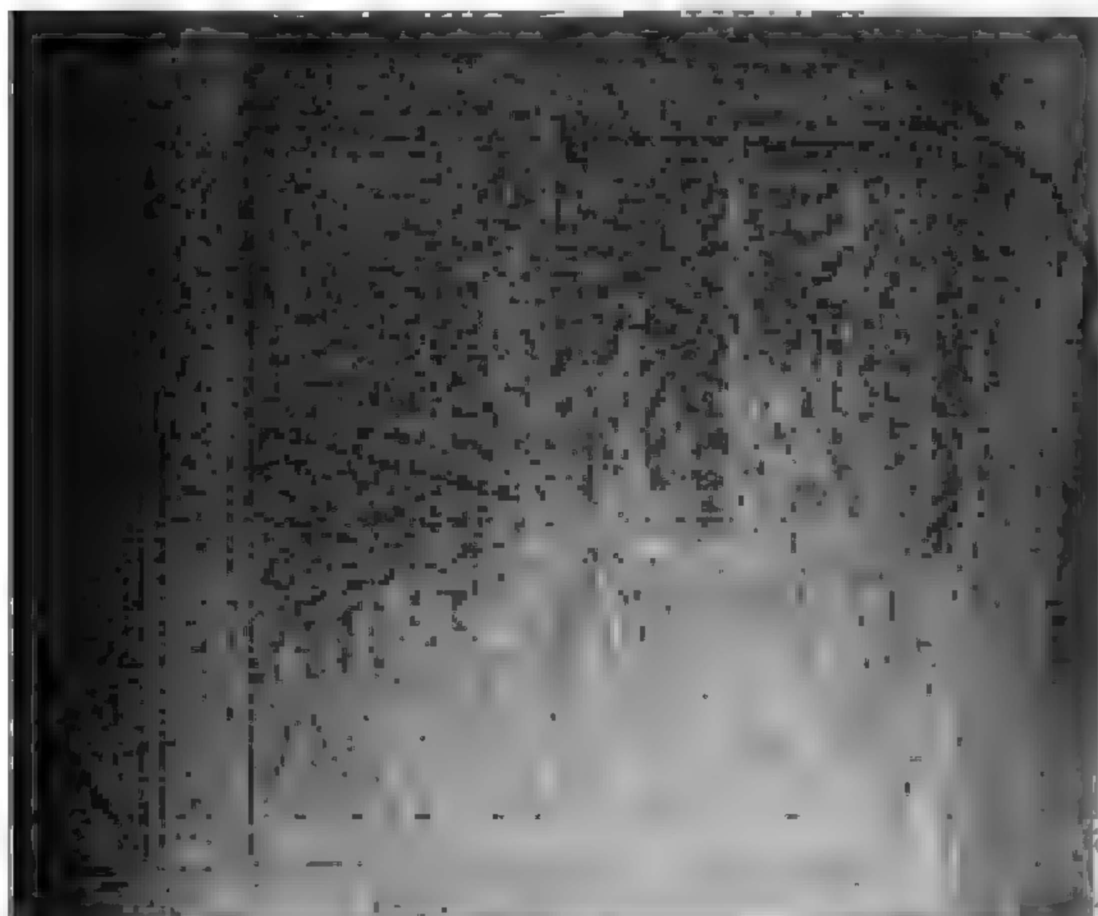


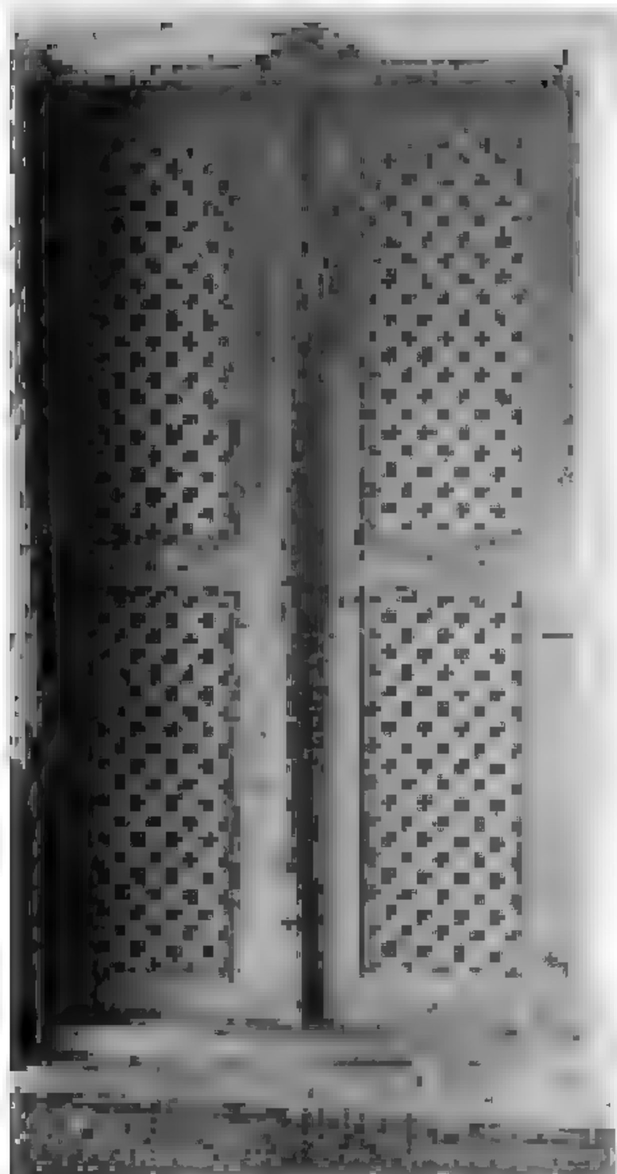
[illegible]



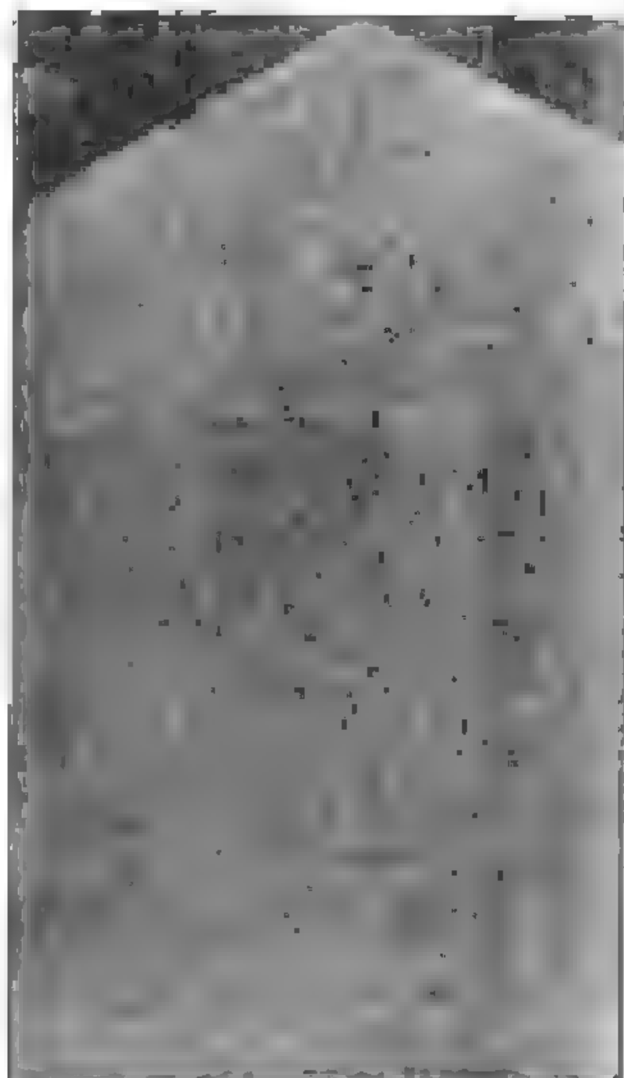
(عکس شمارهٔ ۱۶۵) امامزاده قاسم در محلهٔ پایین دروازهٔ بابل [illegible]

(عکس شمارهٔ ۱۶۶) صندوق چوبی ظریف مرقد امامزاده قاسم در پایین دروازه بابل [illegible]



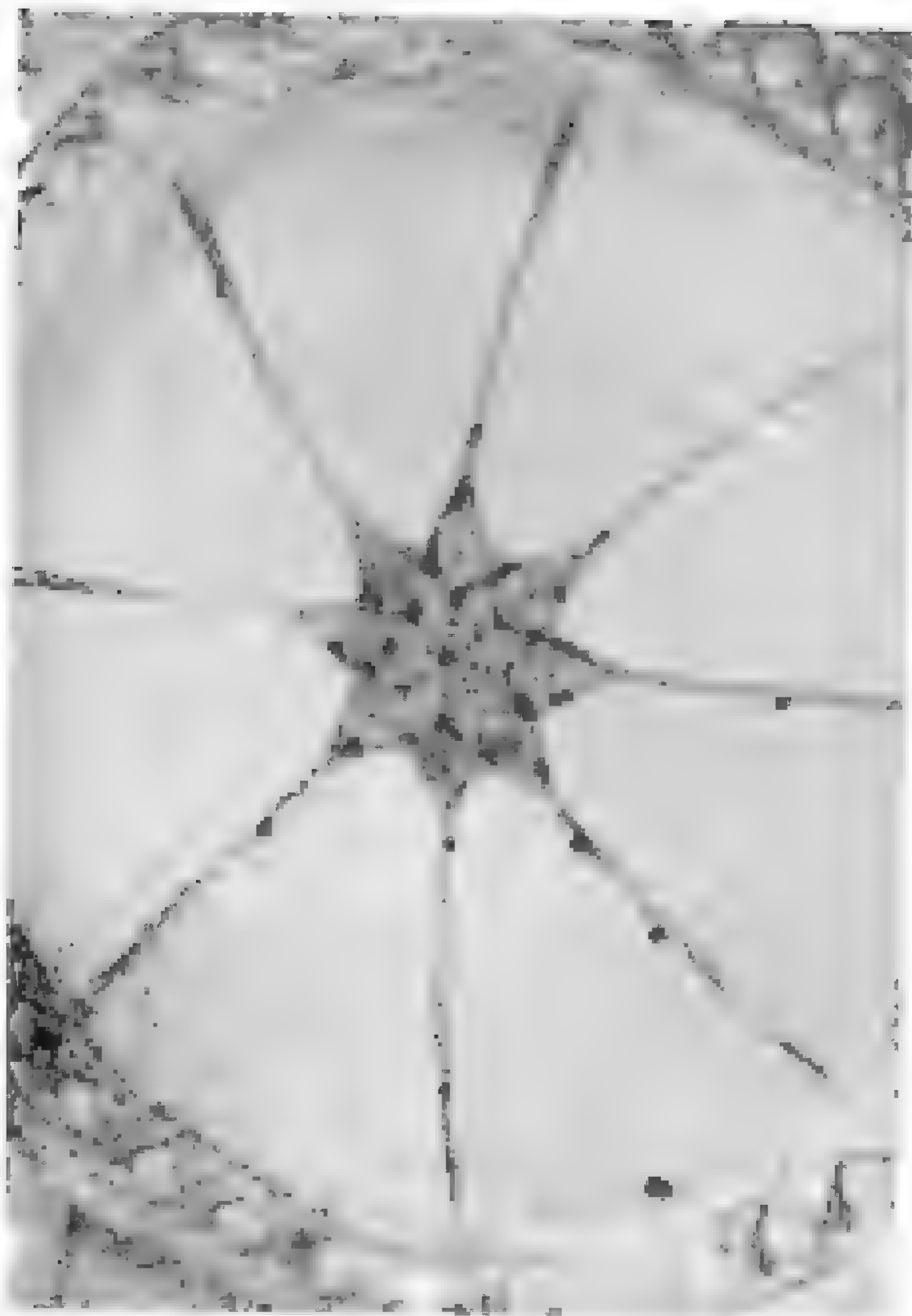


(عکس شمارهٔ [illegible]) در مشبک کاری چوبی امامزاده
[illegible]



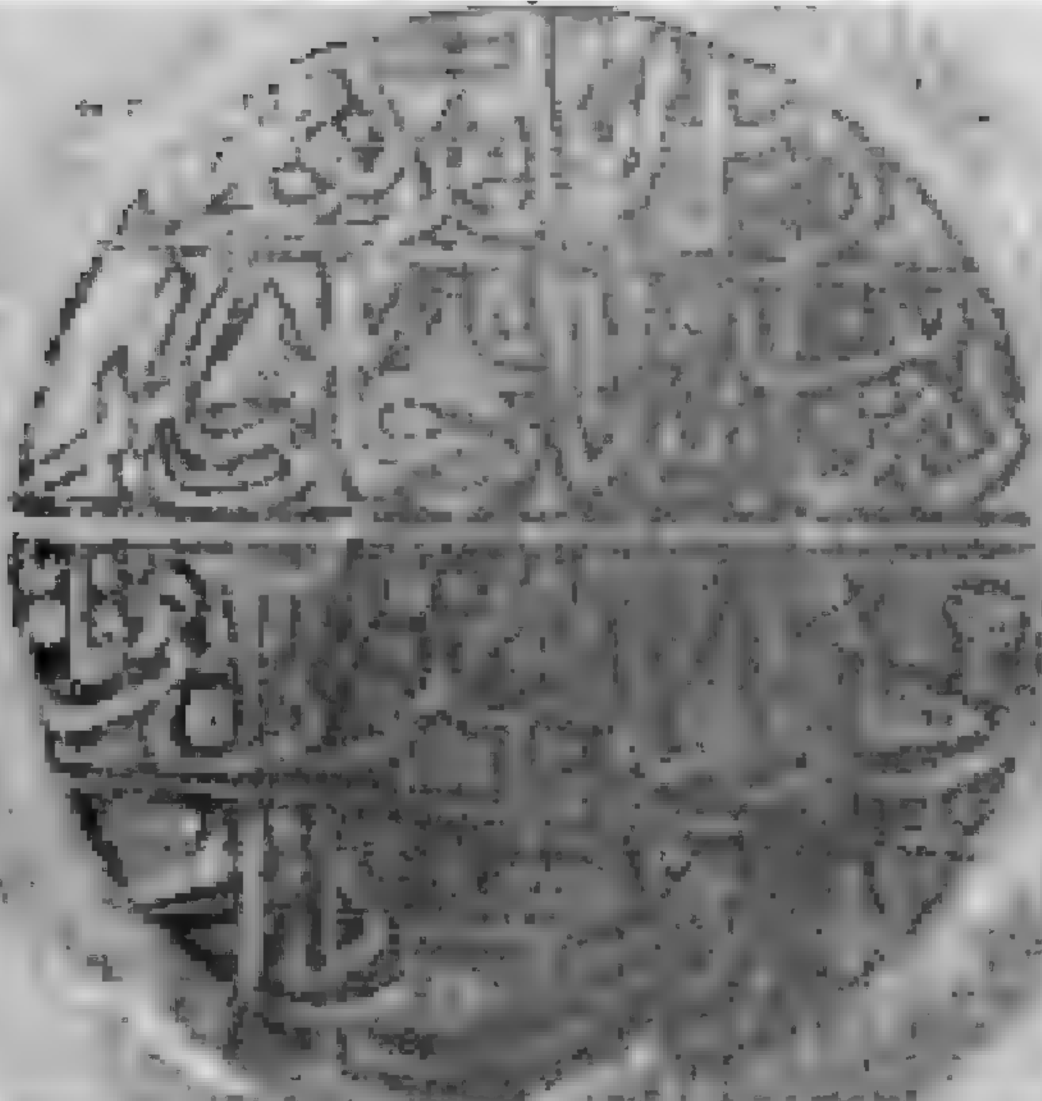
(عکس شمارهٔ [illegible]) سنگ قبری در امامزاده
[illegible]

(عکس شماره [illegible]) [illegible]
[illegible]



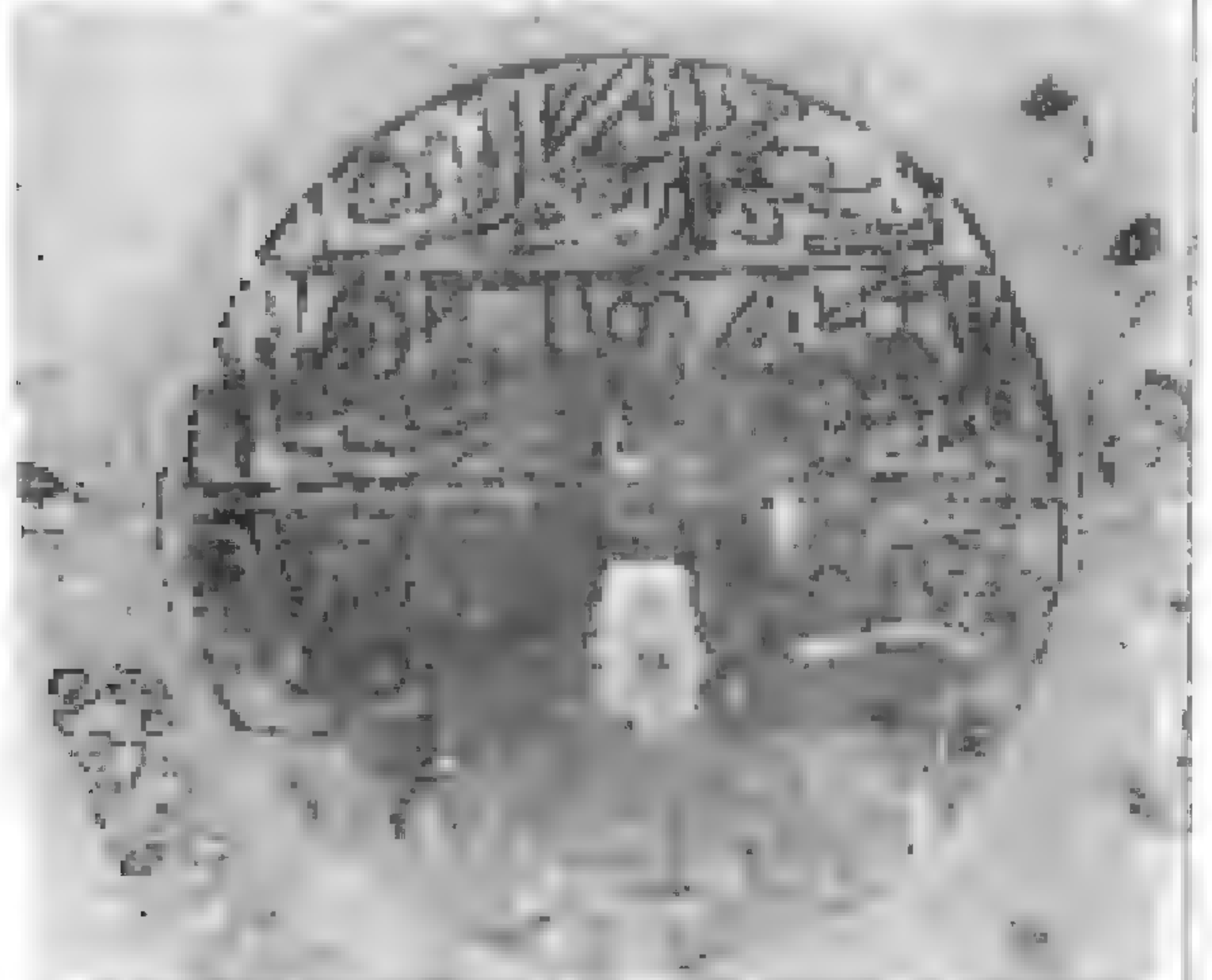
(عکس شماره ۸۷۸) نقش و نگارهای رنگین [illegible]

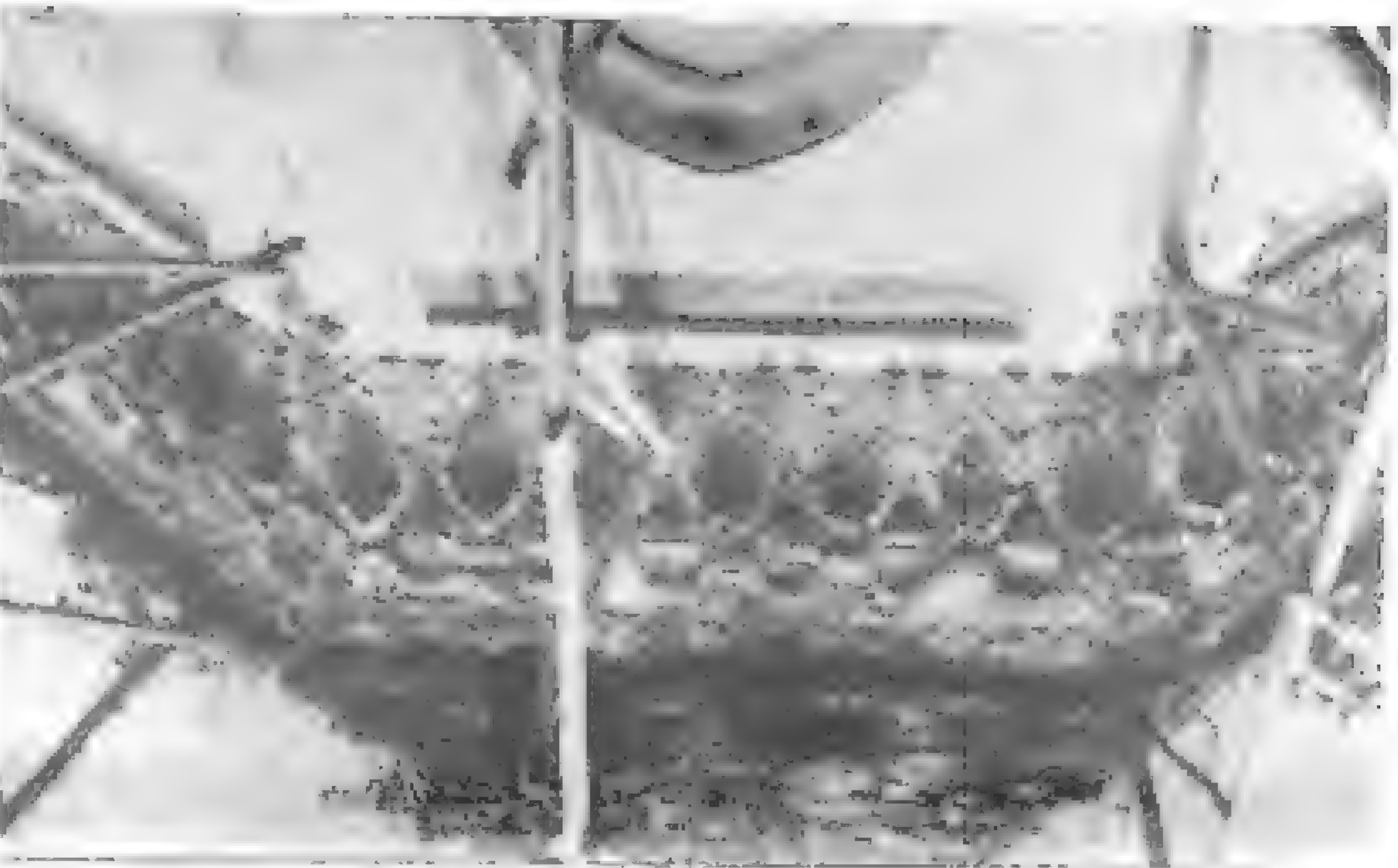




[illegible]

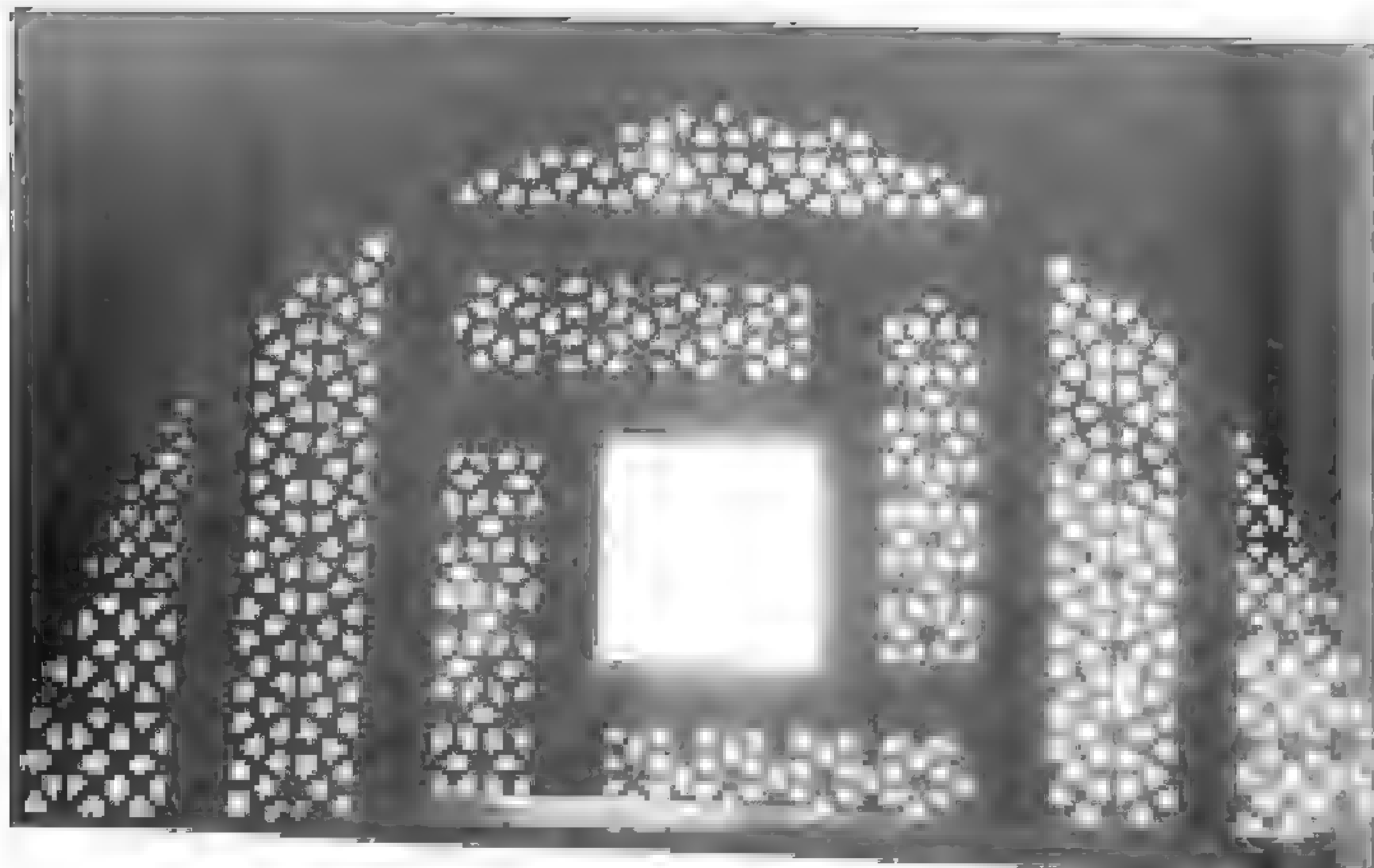
[illegible]



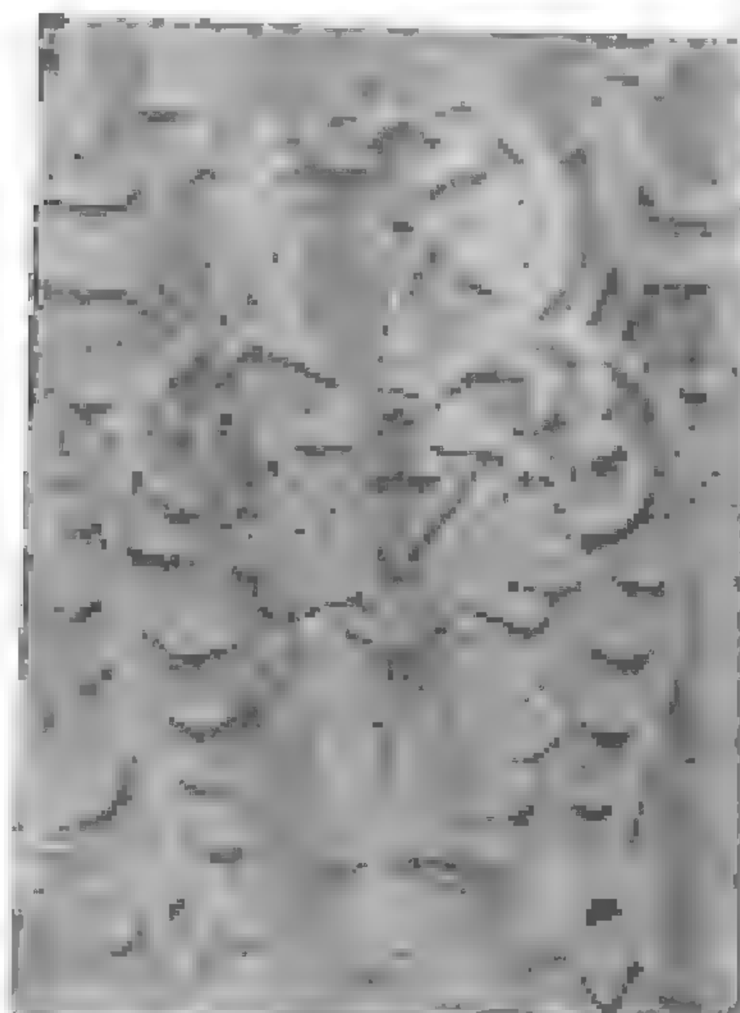


(عکس شمارهٔ [illegible]) کتیبهٔ [illegible]

(عکس شمارهٔ [illegible]) [illegible]



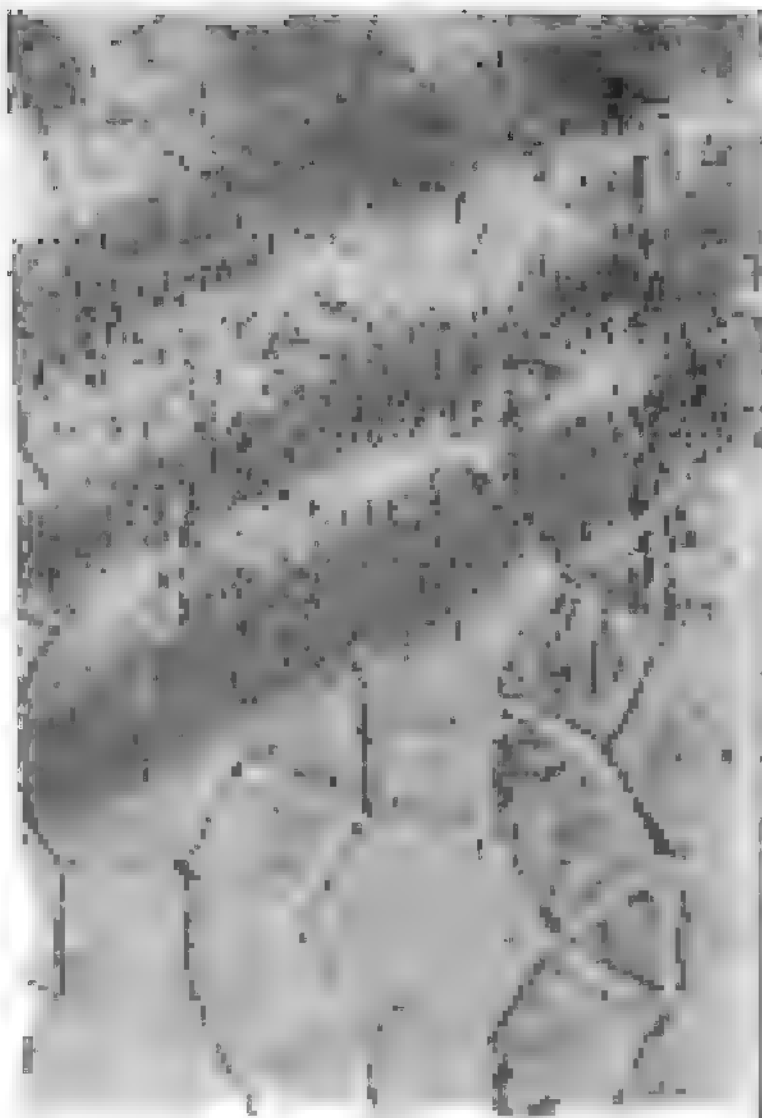
(عکس شمارهٔ ۹۸۹) جعبه‌گک مشبک مرمری بالای در ورودی خانه خاصالو



(عکس شمارهٔ ۹۹۰) گلهای برجستهٔ طرحدار و ریحان به
راست در ورودی خانه خاص



(عکس شمارهٔ ۸۸۶) بنای [illegible] پهلوی بقعهٔ
[illegible]



(عکس شمارهٔ ۸۸۷) گچکاری [illegible] سر در ورودی بقعهٔ [illegible]

(عکس شمارهٔ ۸۸۸) سنگ قبری قدیمی که حکم امیر [illegible] در روی سنگ در آمده است











(عکس شماره [illegible]) عمارت ییلاقی امیر مسعود [illegible]

(عکس شمارهٔ [illegible]) [illegible] در محکمهٔ [illegible]



(عکس شمارهٔ [illegible]) گچبریهای دو طرف
[illegible]





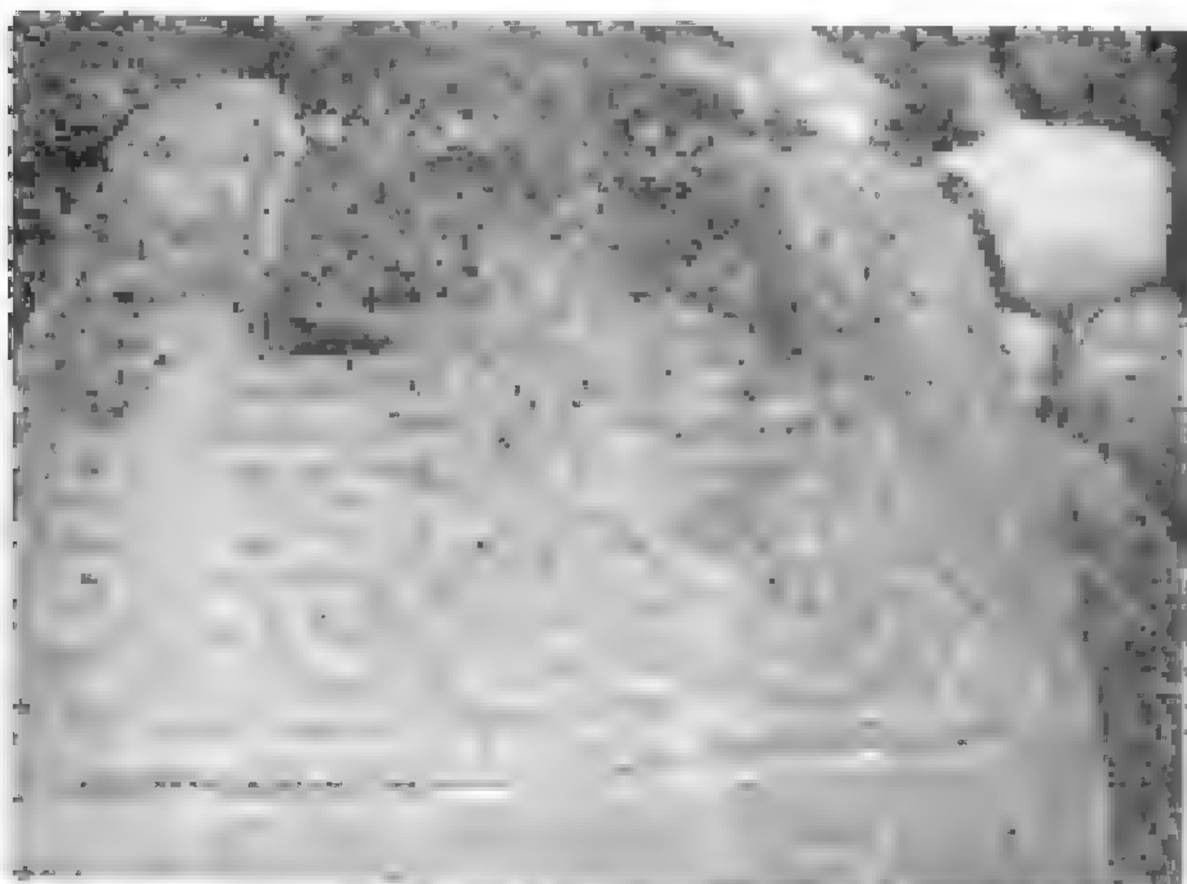
[illegible]

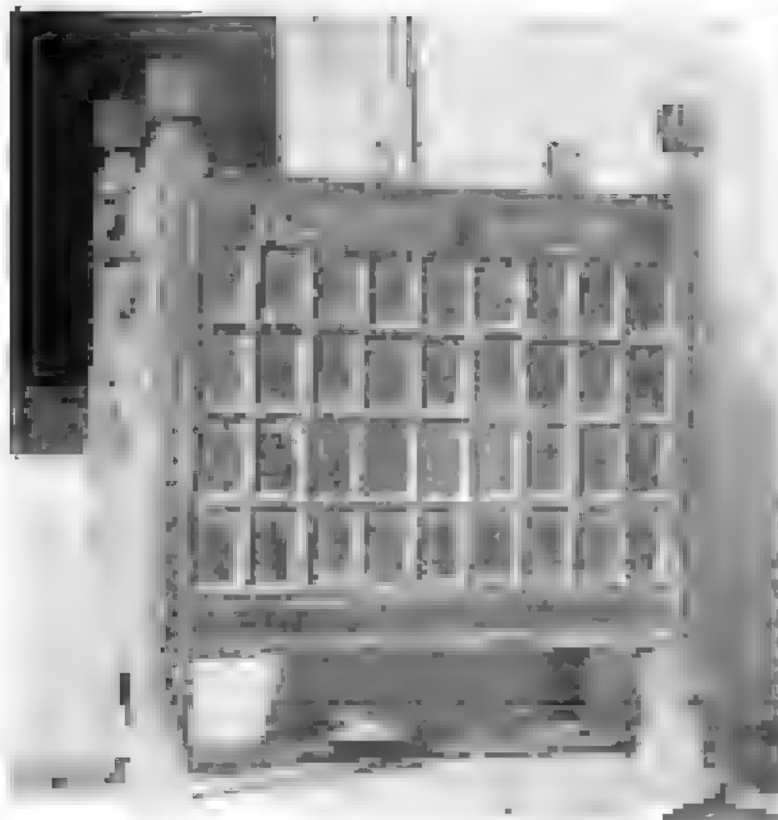




(عکس شماره ۵۰۵) قسمتی از دیوار قلعهٔ قدیمی در جنگل [illegible]

(عکس شماره ۵۰۶) سنگ قبری در قلعهٔ [illegible]



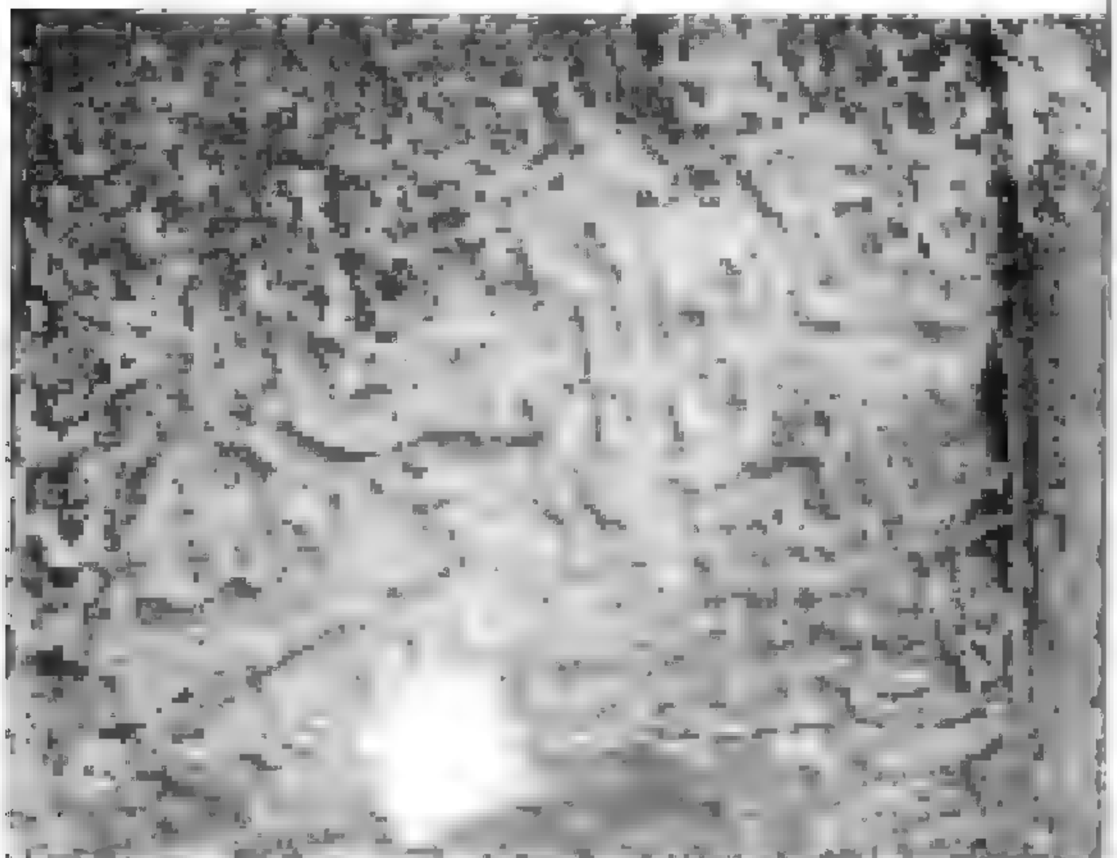


(عکس شمارهٔ ۱۰۳) صندوق چوبی در یکی از خانه‌های
[illegible]



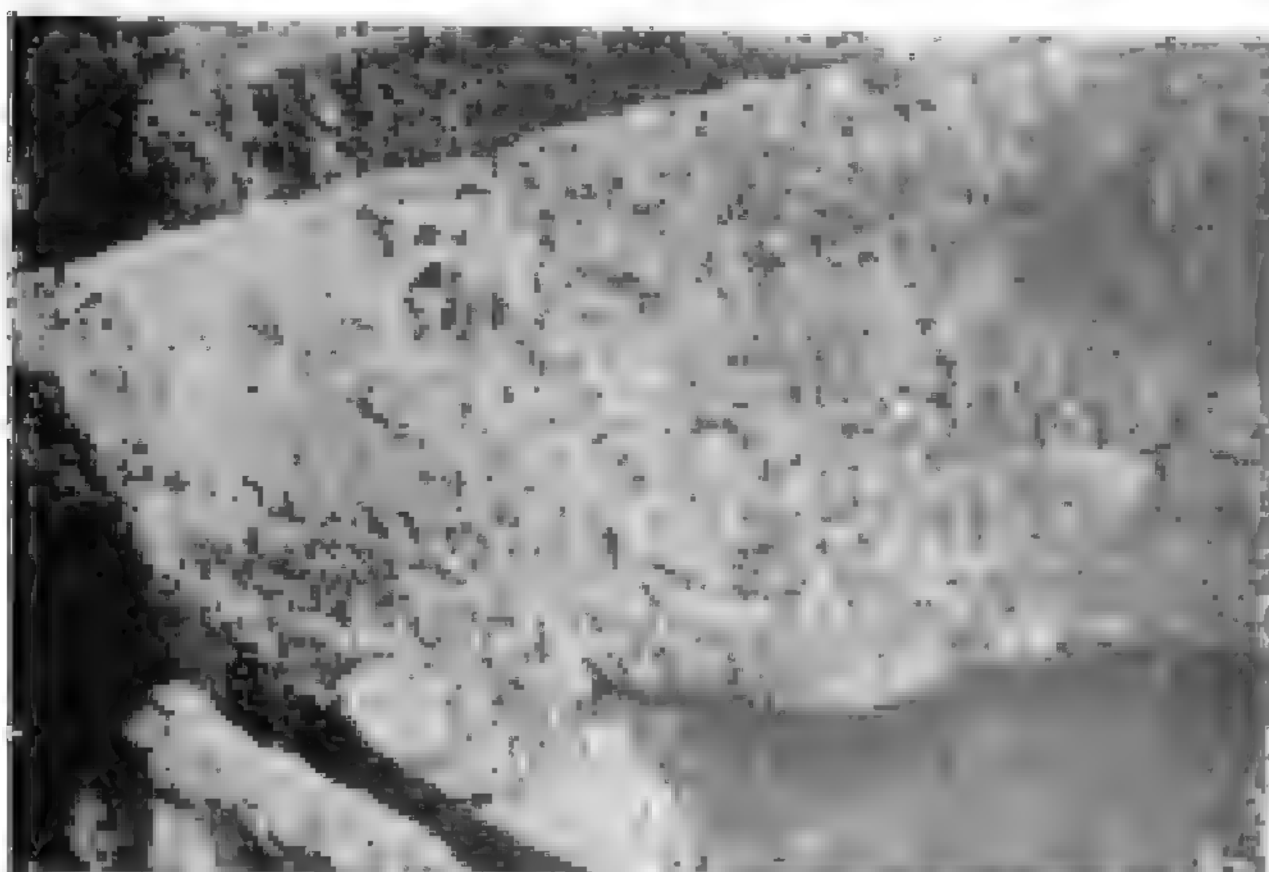
(عکس شمارهٔ ۱۰۴) یکی از ستونهای چوبی داخلی خانهٔ
[illegible]

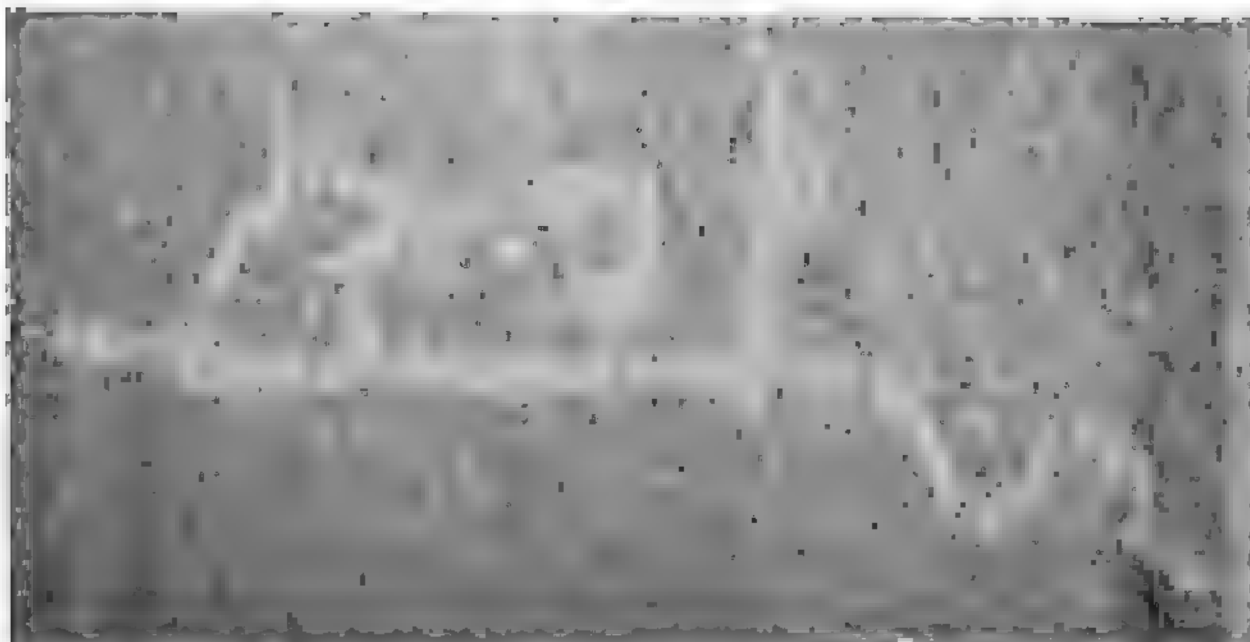
(عکس شمارهٔ ۱۰۵) [illegible]



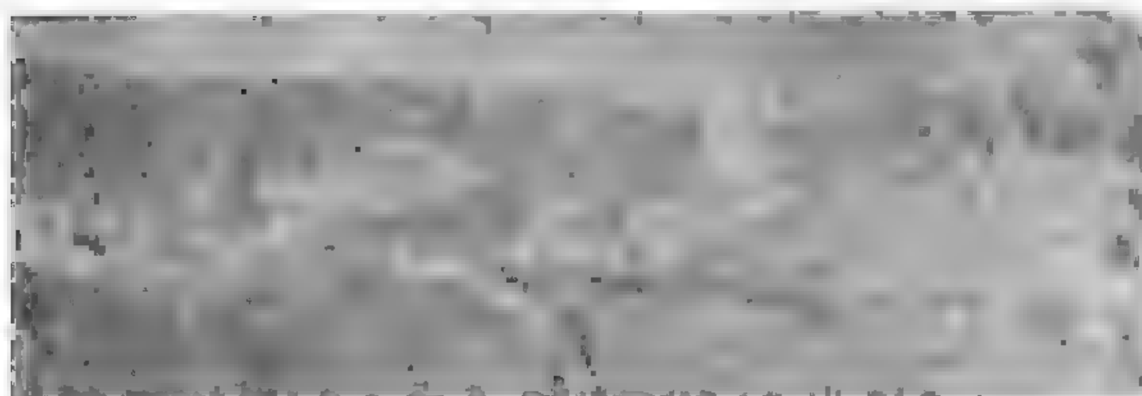
(عکس شمارهٔ ۲۰۵) مسیر نهر مسروق در آب سنگ

(عکس شمارهٔ ۲۰۶) از کتیبه‌هایی که بر سنگ در کنار مسروق است



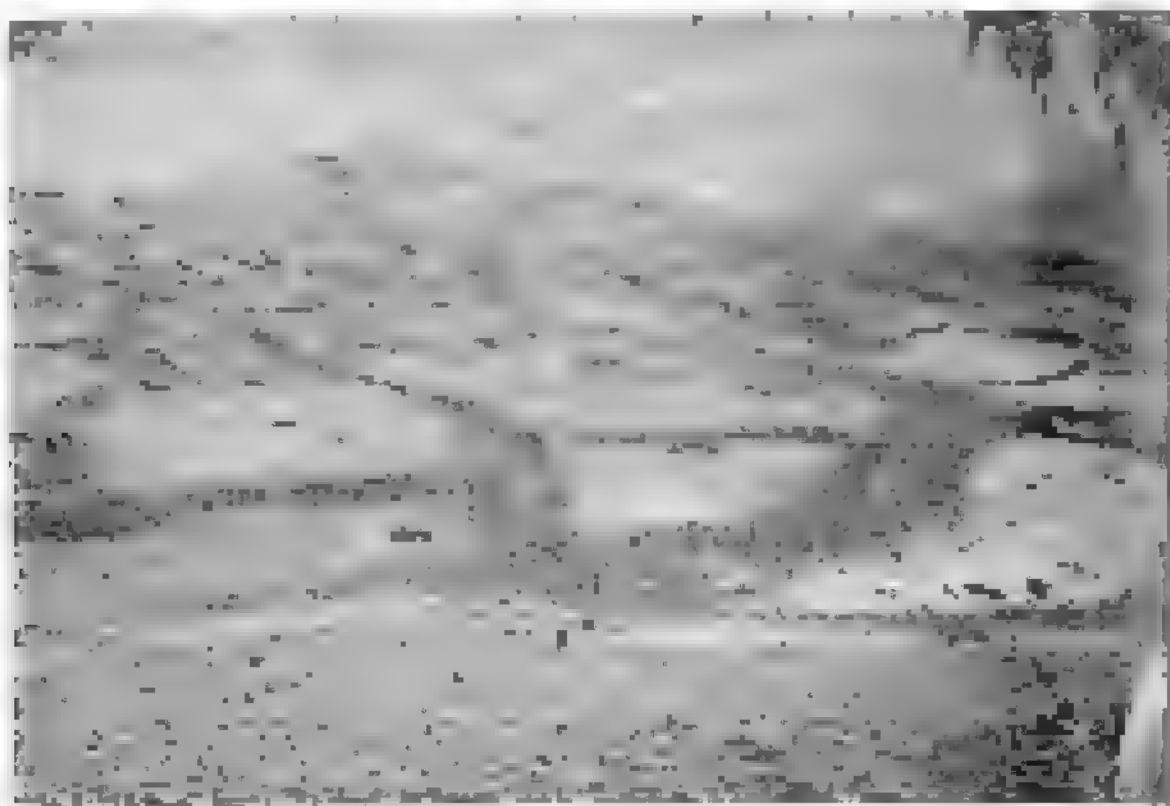


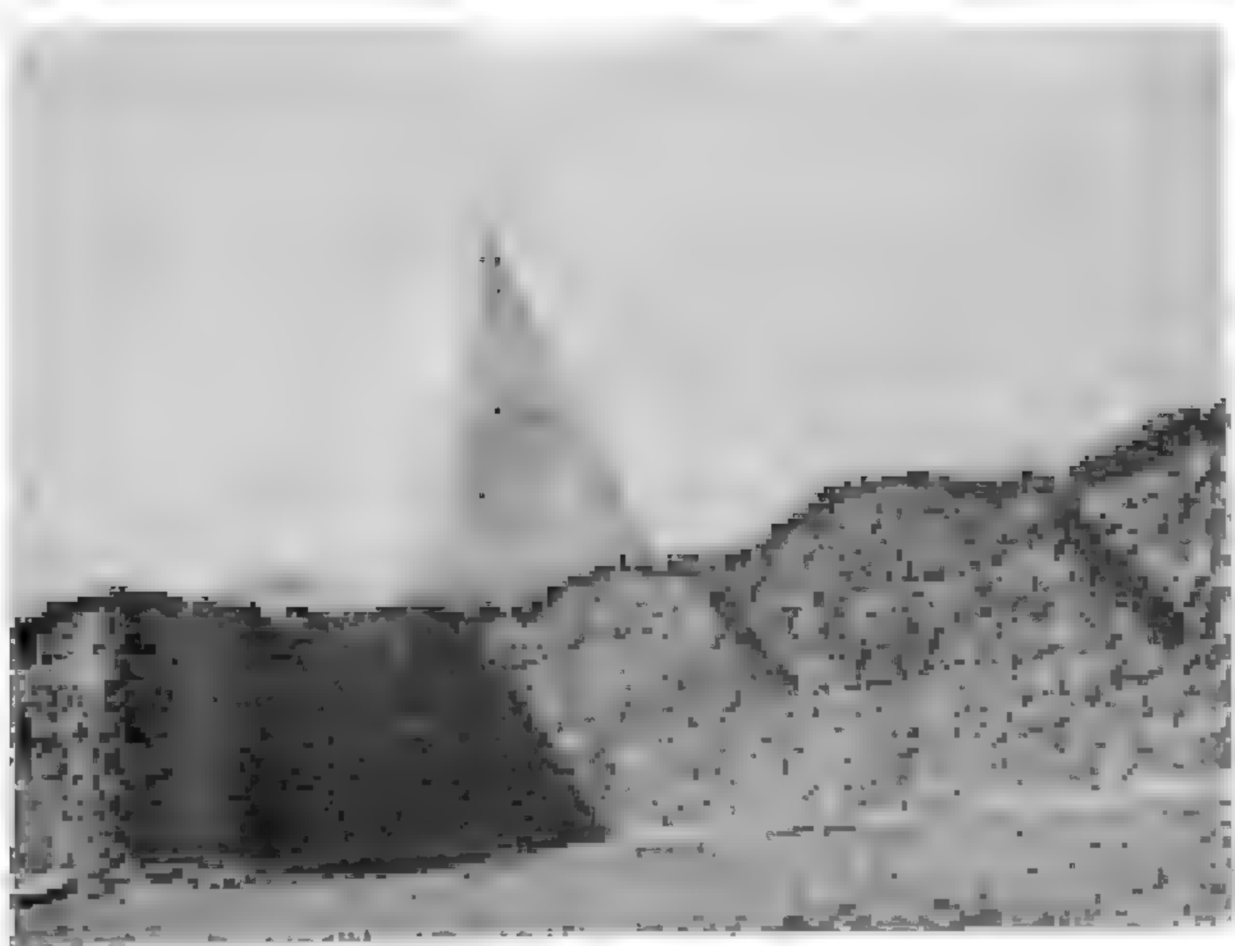
(عکس شمارهٔ ۲۰۷) از کتیبه‌ای که بر سنگ‌های کنار سد جوی شن



(عکس شمارهٔ ۲۰۸) از کتیبه‌هایی که بر سنگ‌ها در کنار سد جوی شن

(عکس شمارهٔ ۲۰۹) حوضچه‌های مشکیذی طبیعی در اراضی سنگلاخی کنار رودخانهٔ دره جای آب





(عکس شمارهٔ ۲۶۰) امامزاده هاشم در کنار امامزاده هاشم

(عکس شمارهٔ ۲۶۱) بنای سنگی تازهٔ امامزاده هاشم که بر روی پایه‌های ساختمان کهن‌تر ساخته شده است



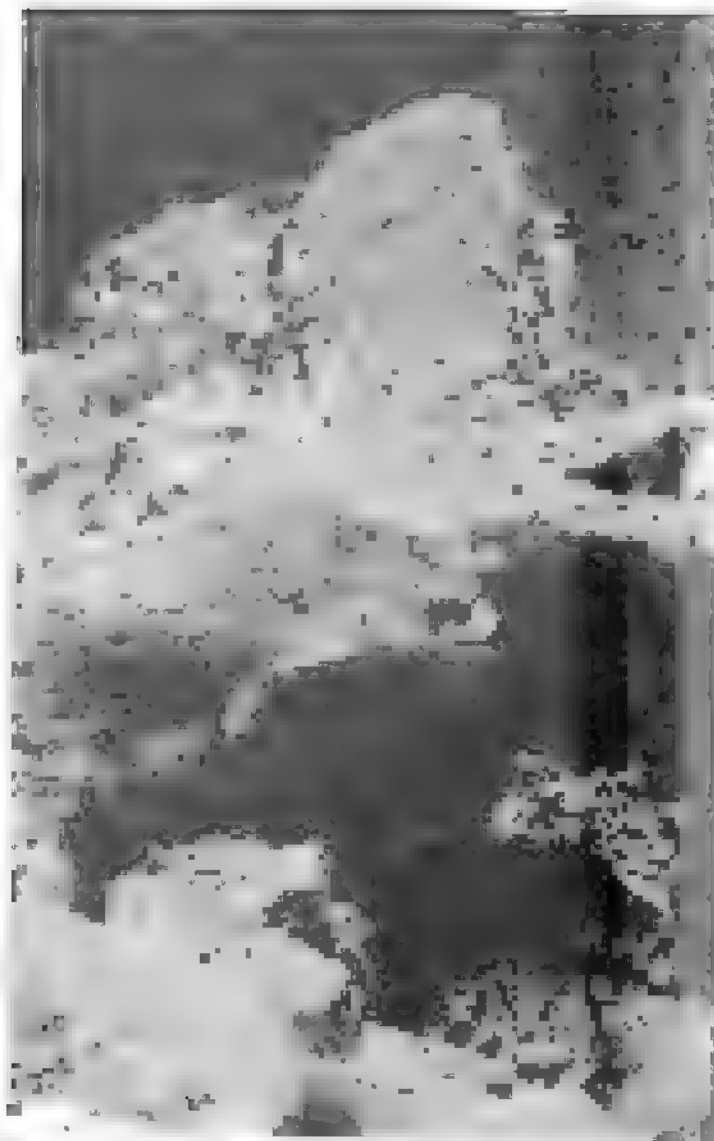


(عکس شماره ۳۲۲) طرزی که بر سر آن قلعهٔ دختر ملا الاربعان ساخته شده است

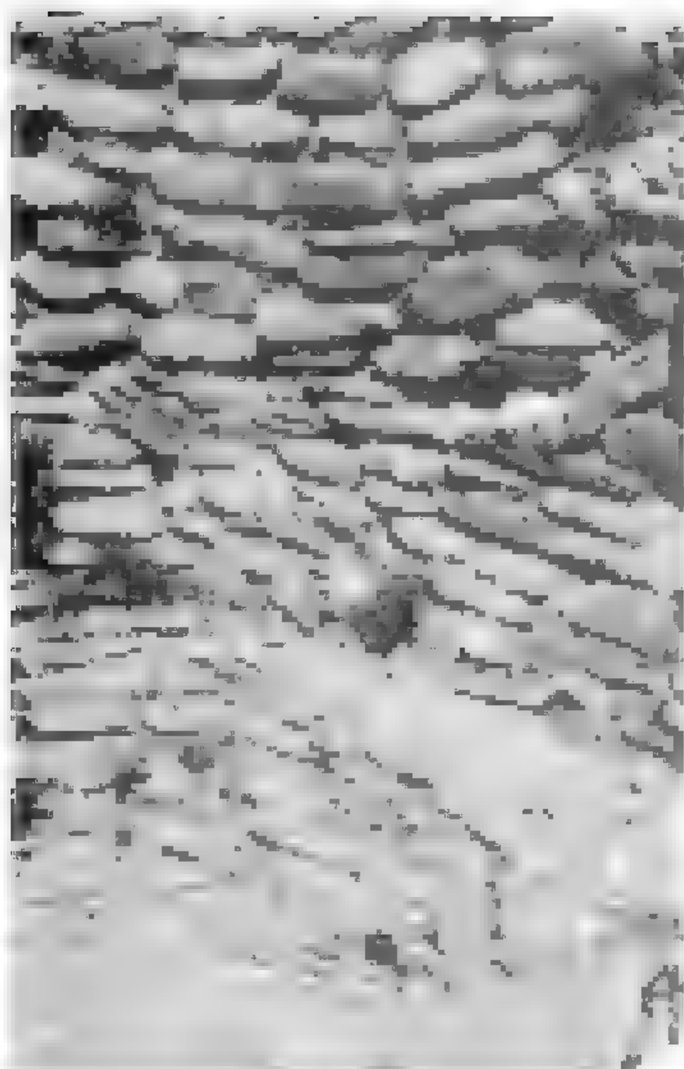


(عکس شماره ۳۲۱) قسمتی از دیوار شرقی قلعهٔ دختر ملا الاربعان





[مكبر صفحة ٢٦٥]
آبار قطا سحر الأ الأرجعلى



[مكبر صفحة ٢٦٦] مما يبرز أسفل قطا سحر
الأ الأرجعلى



(الشكل رقم [illegible]) [illegible]

عکس شمارۀ ۹-۲۱ نمای داخلی رباط شاه عباسی در قم





(عکس شماره ۲۰۹) امامزاده هاشم در محلهٔ زیار بالا لاریجان

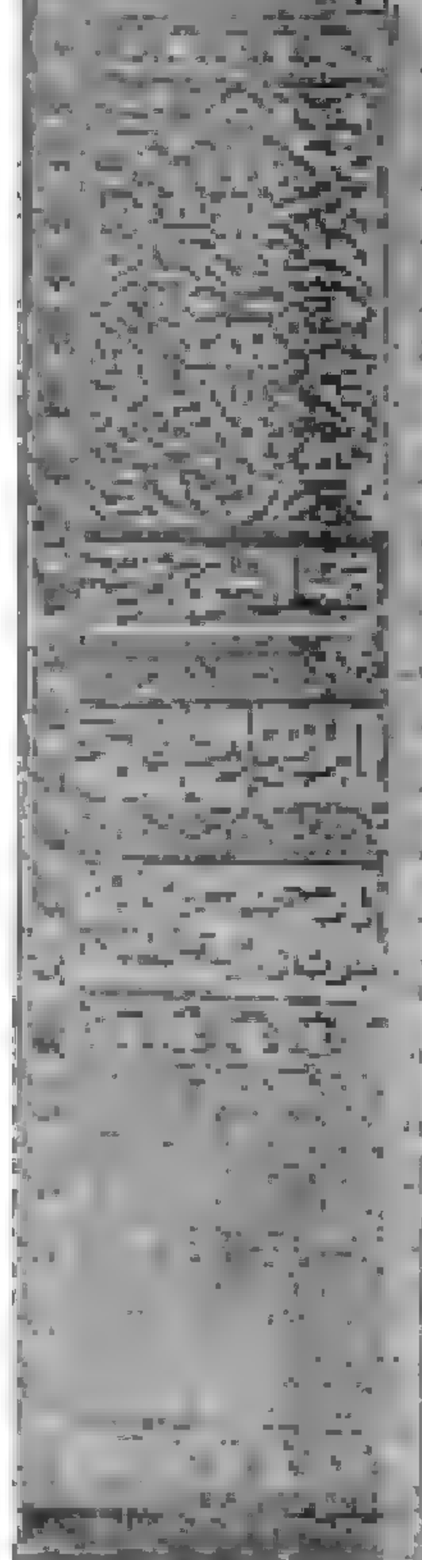


(شكل نمرة [illegible]) الطرف الجنوبي من مقبرة رمال [illegible]

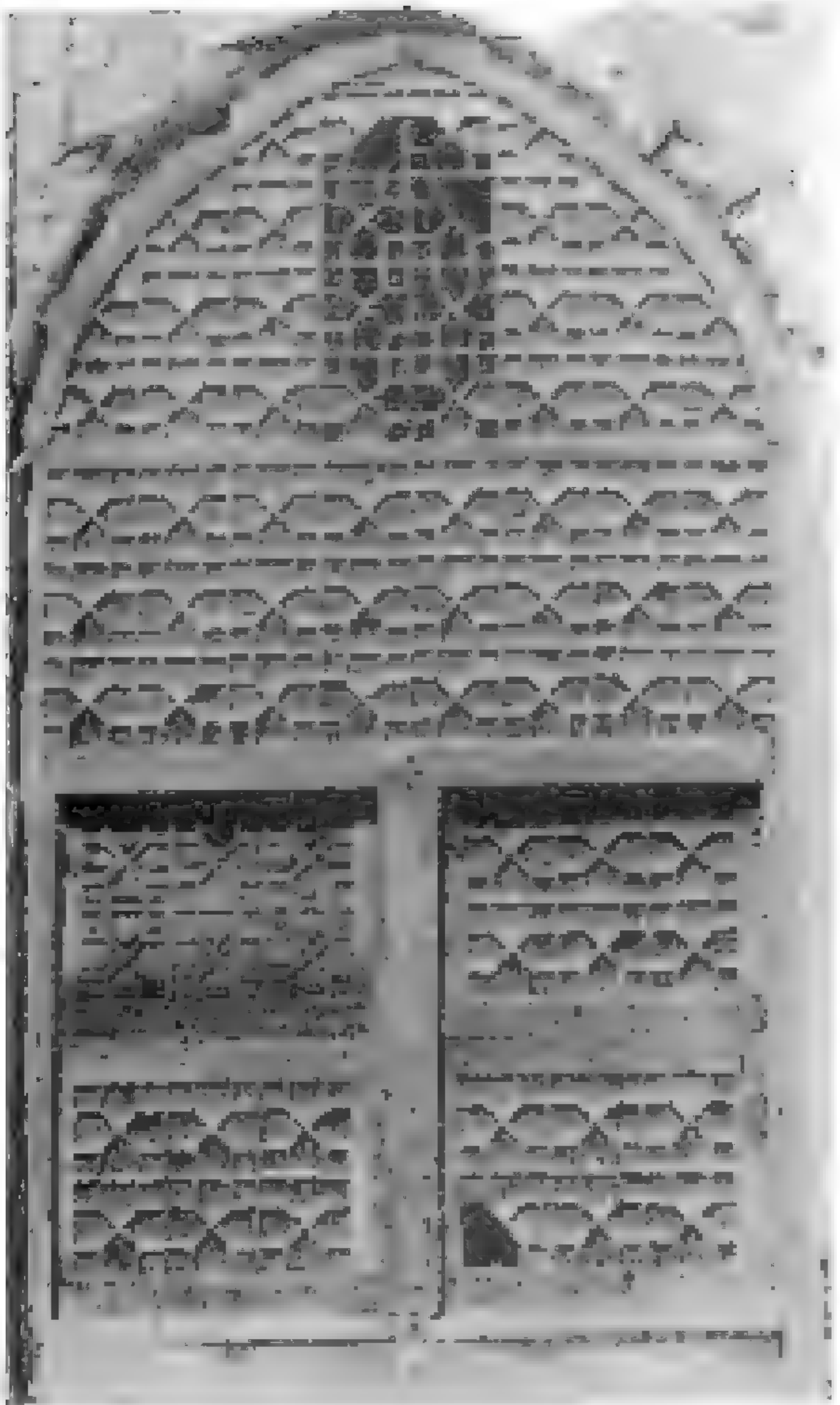


(عكس شمارة ٢٢٩) امامزاده شيخ رضا در منطقة زنوز بالا آذربايجان

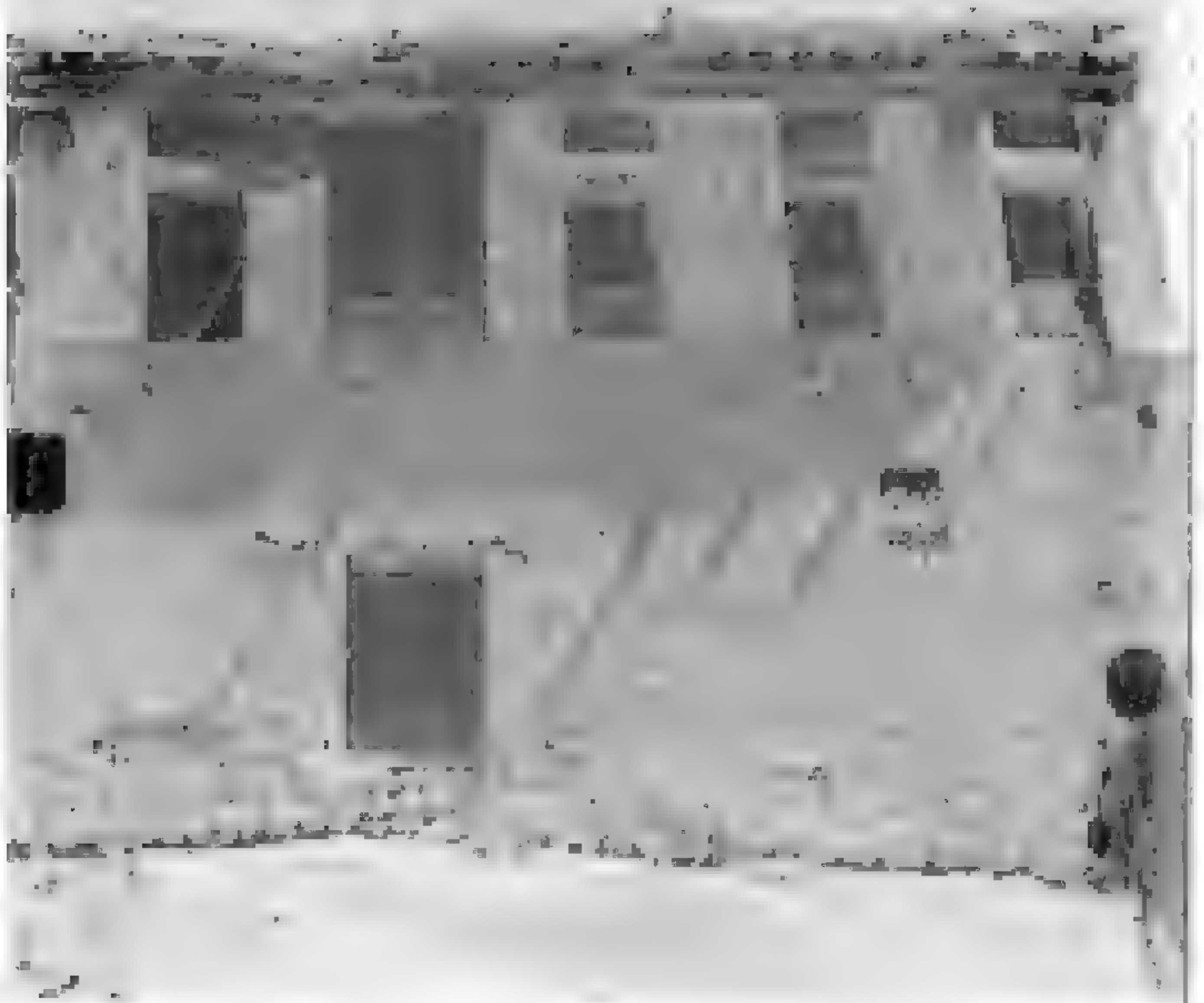
(عکس شمارهٔ ۳۴۳)
کتیبهٔ چوبین درِ ورودی امامزاده احمد رضا در لاهیم بالا گیلان



(عکس شمارهٔ ۳۴۲) لنگه‌ای از در ورودی امامزاده احمد رضا



(عکس شمارهٔ ۲۲۴) یکی از پنجره‌های ارسی تکیهٔ قدیمی محلهٔ لاسم بالا لاریجان



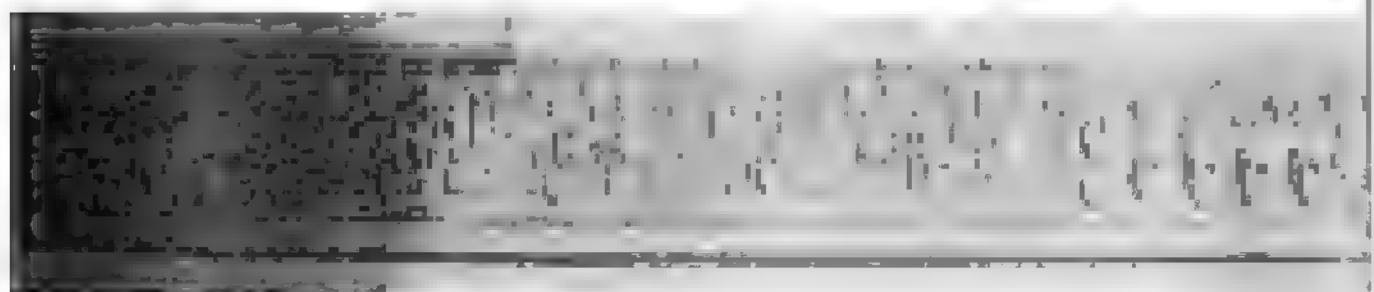
(شكل نمرة ٢٢٤) مدخل قديم من محكمة الامراء الاربعة

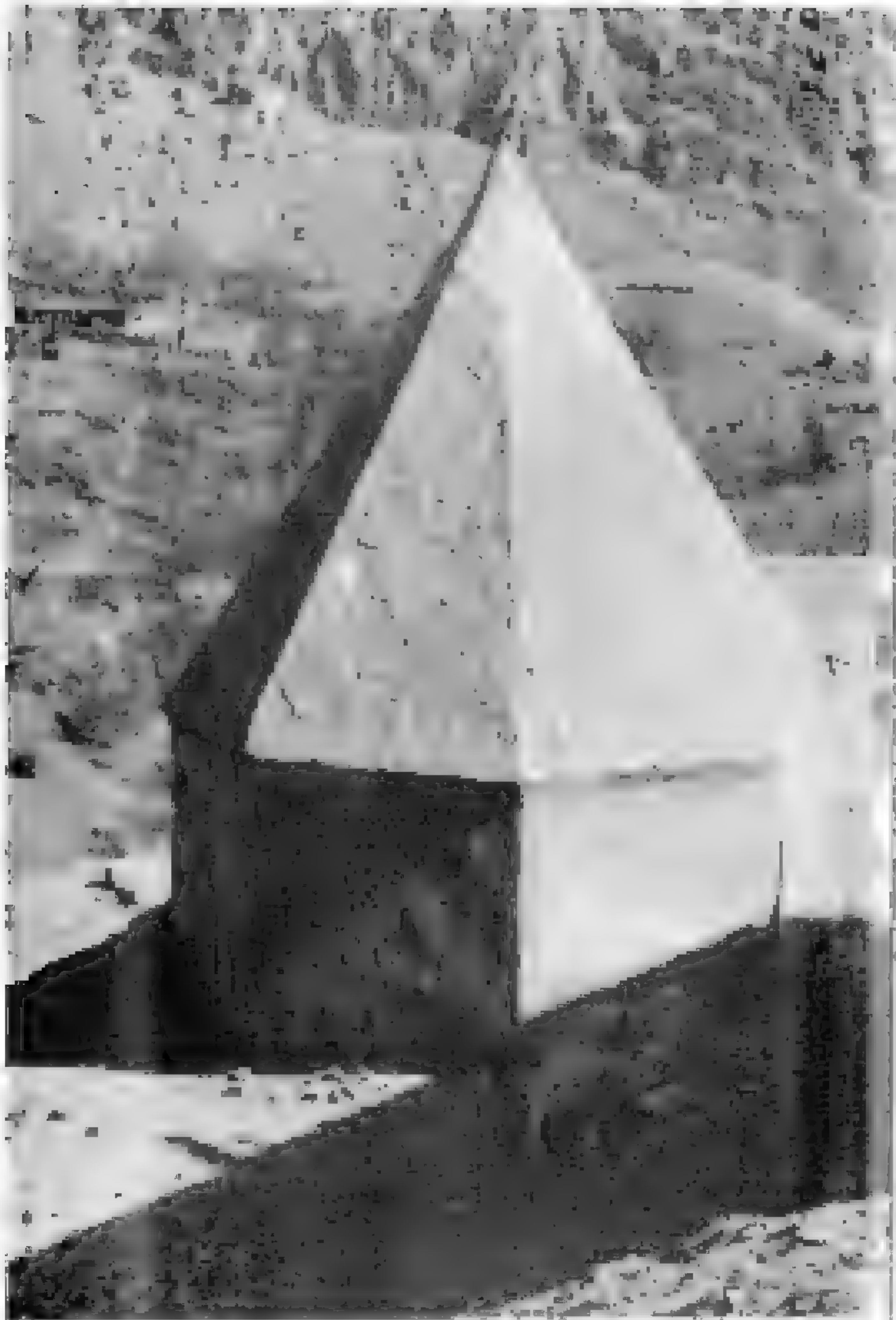
(الشكل رقم ٩٢٦) نقش من كهوف [illegible]، منطقة [illegible]

(الشكل رقم [illegible]) نقش من كهوف [illegible]، منطقة [illegible]

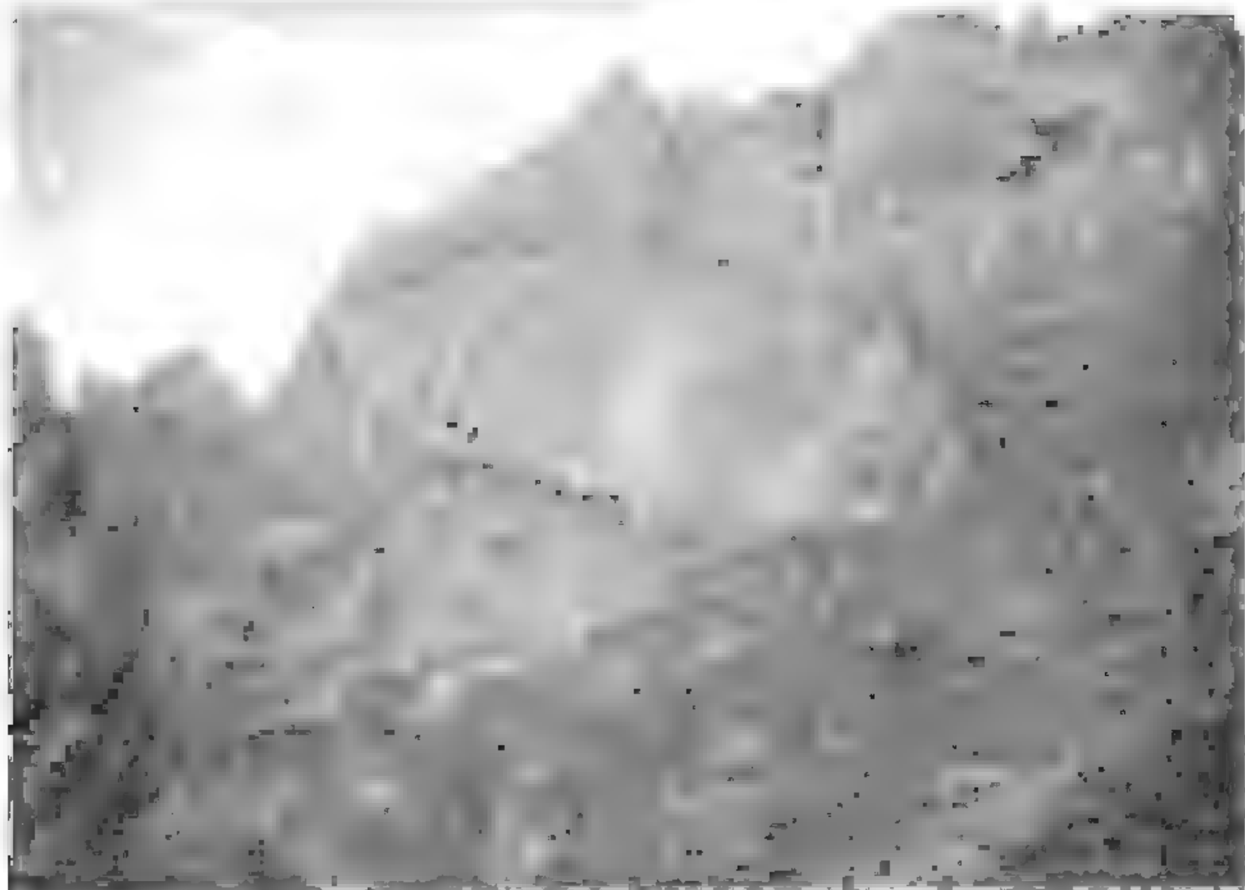
[illegible]

[illegible]





(شكل منارة [illegible]



(عکس شمارهٔ [illegible]) کلفز کلیهای سوخته

(عکس شمارهٔ [illegible]) کلفز کلی ۹۰٪ (لارستان) روی دست تنگهٔ آسمون و بصنعی آستراز





(عکس شمارهٔ ۲۹۳) بقعهٔ مربوط بتاج الدین حسن ولی در محلهٔ لیلک بالا لارستان



(عکس شماره [illegible]) در ورودی بقعهٔ شیخ تاج‌الدین حسن ولی



(عکس شمارهٔ ۳۸۹) قبهٔ سید علی ـ سید هال متصل به بقعهٔ درویش تاج‌الدین حسن

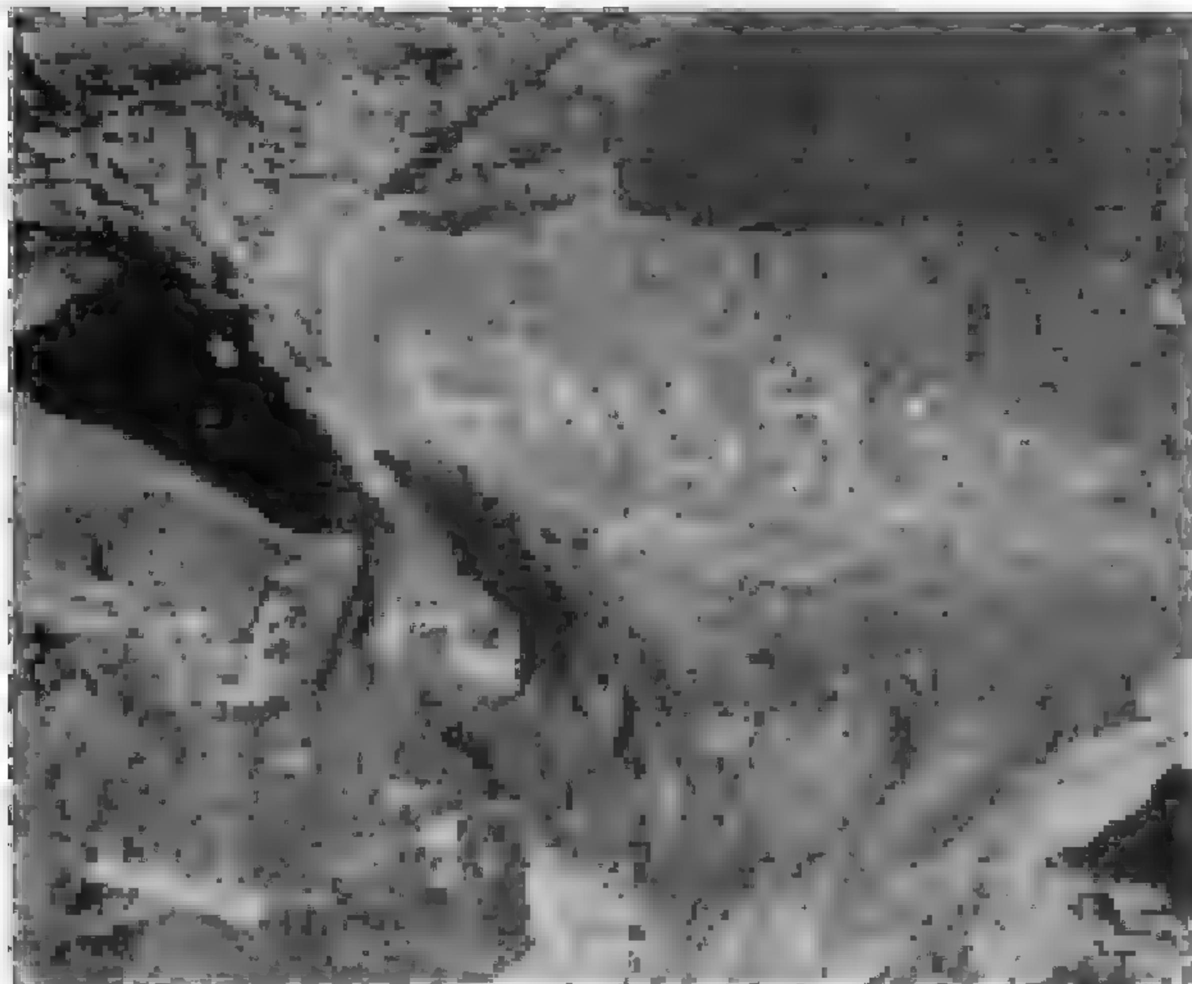




(شكل نمرة [illegible]) [illegible] عبدالله [illegible]

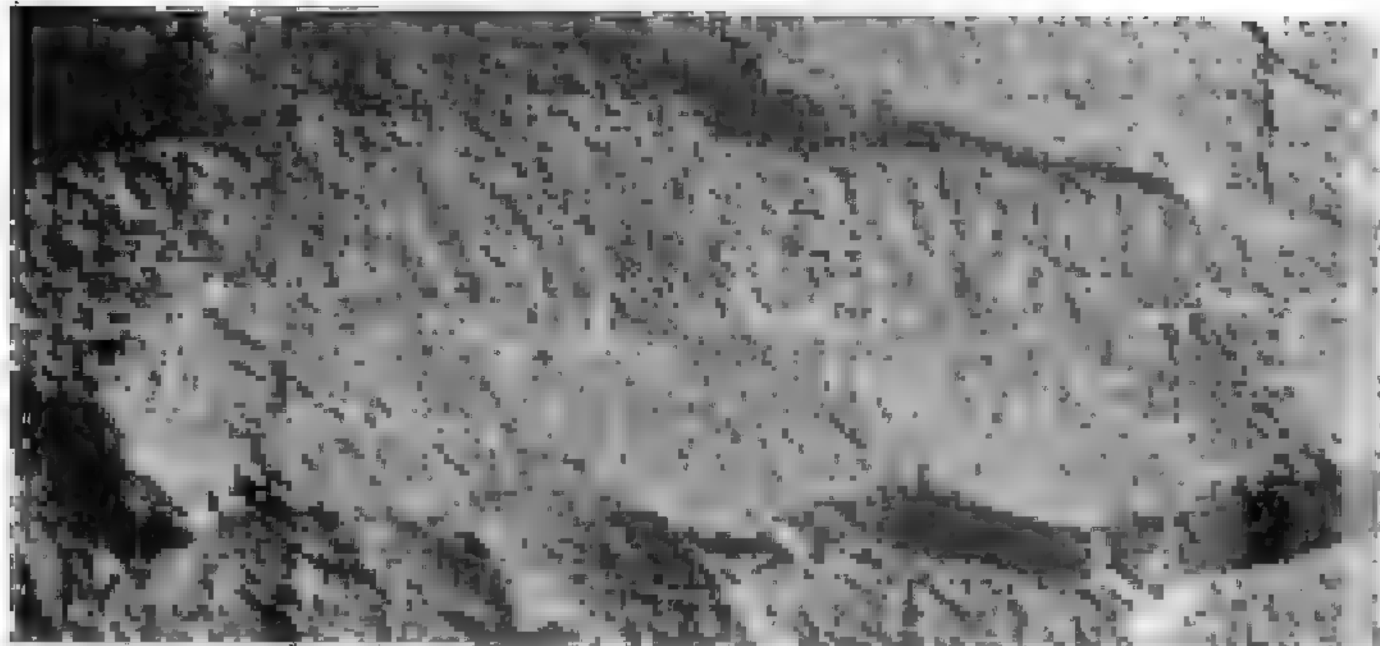


(شكل نمرة (٤٤) [illegible]



(عکس شمارهٔ ۲۹۴) نمونهٔ خطوطی بر سنگ در آنوی جوا

(عکس شمارهٔ ۲۹۵) نمونهٔ خطوطی بر سنگ در آنوی جوا



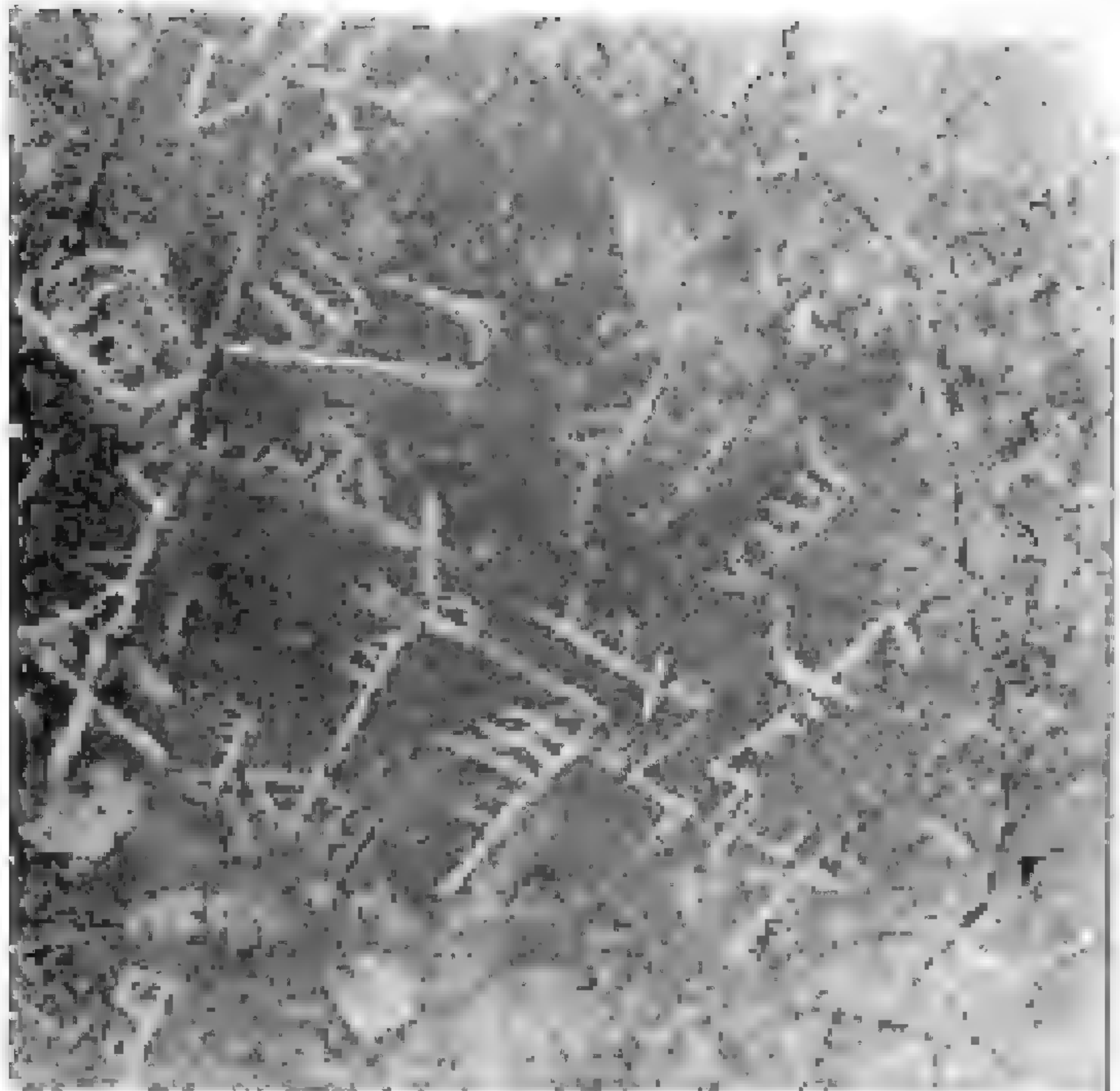
(عکس شمارهٔ [illegible]) صورت خطوطی روی سنگ در آبرون هو

(عکس شمارهٔ [illegible]) صورت خطوطی روی سنگ در آبرون هو



(عکس شماره [illegible]) [illegible] از روی هوا

(عکس شماره [illegible]) [illegible] از روی هوا



(عکس شمارهٔ ۲۴۸) نمونهٔ خطوطی برجسته در آزری ها

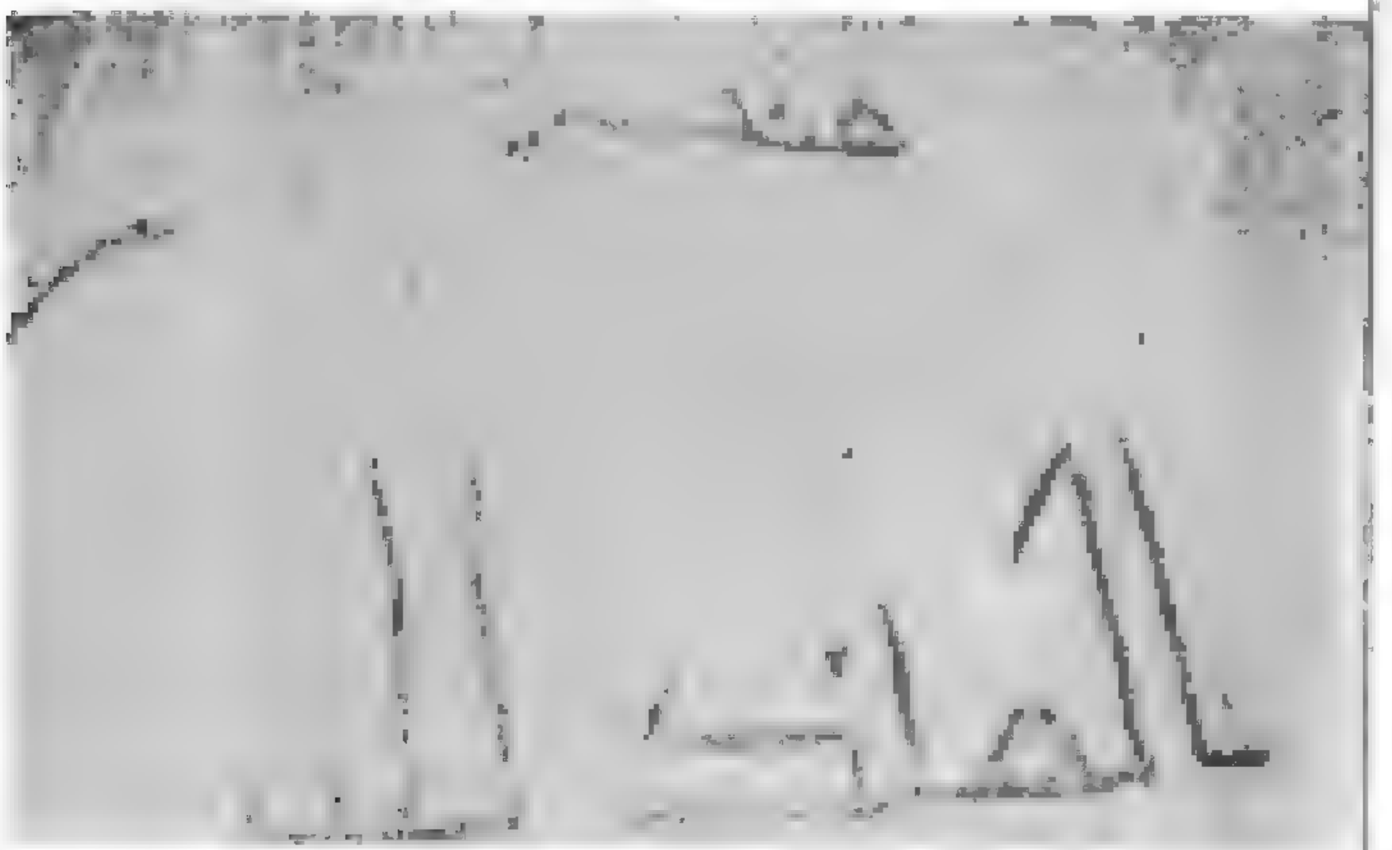
(عکس شمارهٔ ۲۴۰)
نمونهٔ خطوطی برجسته در آثره



(عکس شماره ۱۹۱) نمونهٔ خطوطی بر سنگ در آزرو ما

(عکس شمارهٔ ۹۰۴) نمونهٔ خطوط بر سنگ در آذری برا

(عکس شمارهٔ ۹۰۵) نمونهٔ خطوط بر سنگ در آذری برا





(عکس شمارهٔ [illegible]) امامزاده زین‌العابدین در پایین محله گزنا در بالا لاریجان



(شکل شمارهٔ ۴۵۹) برج جنوبی در اراضی حصار قلعه آبگرم بالا لاریجان

(عکس شمارهٔ ۲۳۹) مدخل برج جنوبی با طرهٔ طاق چهن در آب گرم بالا کالیمش



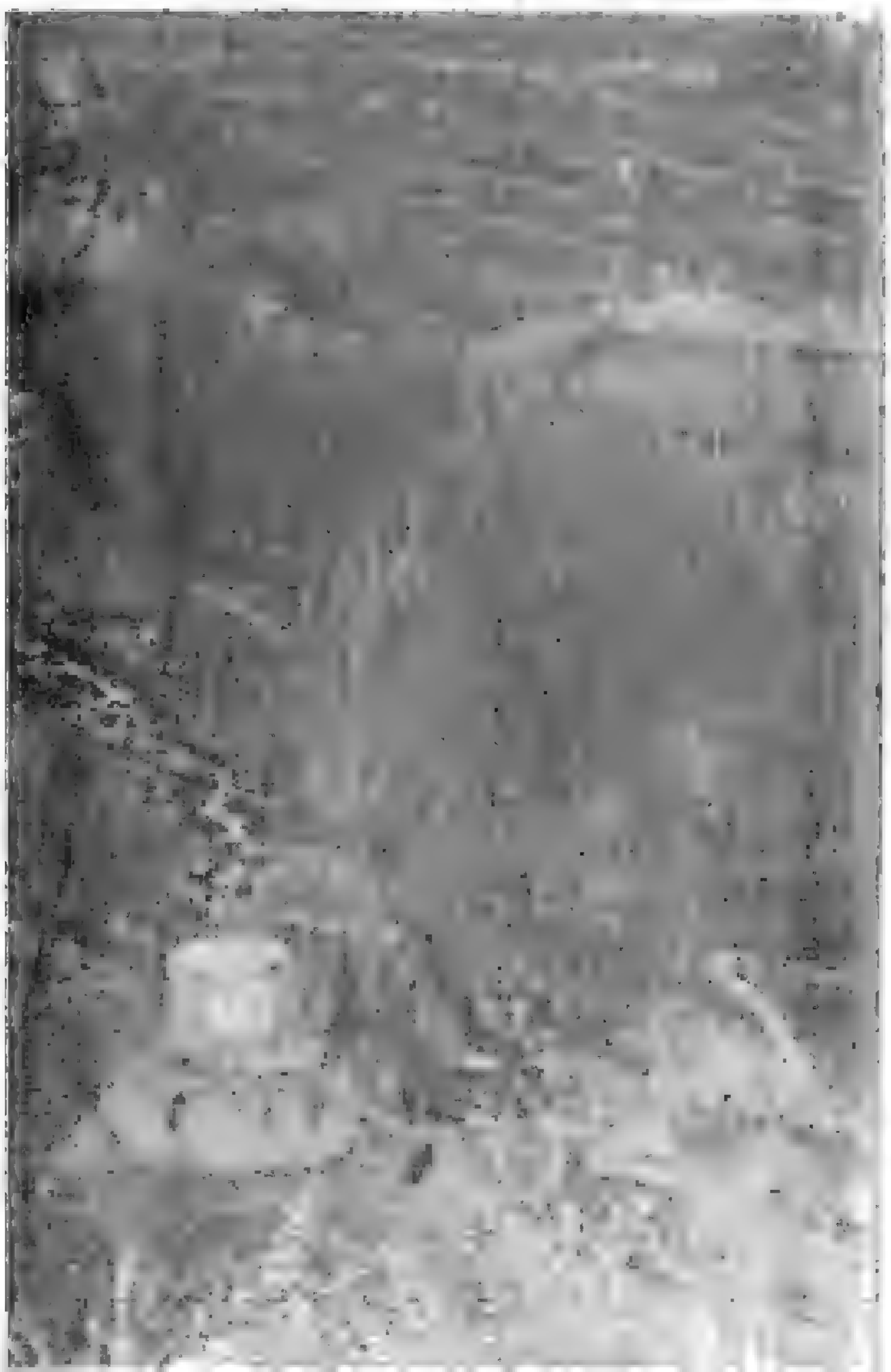


(تصویر شماره ۲۲۶) آثار قبر سلطان سید محمد قرشی در گرشه بالا لارستان





(عکس شمارهٔ ۵۰۹) [illegible] در محوطهٔ جنگلی امیری لاهیجان



(عکس شمارهٔ ۲۳۹) برجی قدیمی در [illegible]



[عکس شمارهٔ ۱۱۶۵] تنگه و آبشاری که منشی و قلعهٔ خود ساخت است





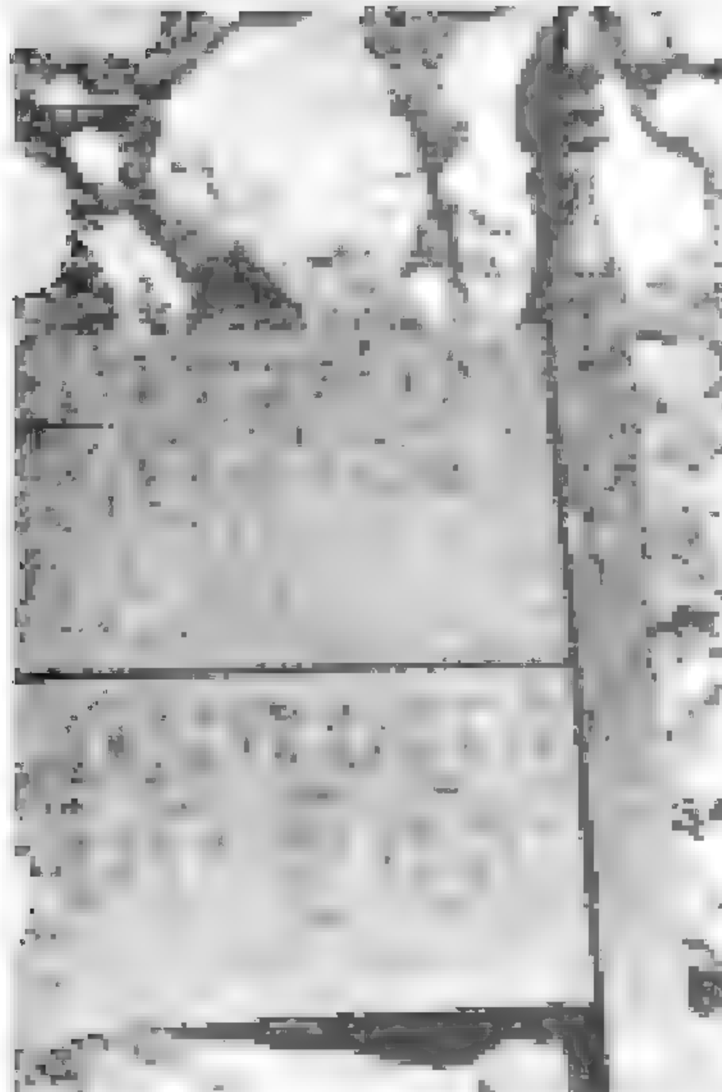
(عکس شمارهٔ ۲۹۶) قسمتی از دیوار سنگی انطوران که در اراضی دامنهٔ شمالی ماریار گرفته شده است

[عکس شمارهٔ ۶۹۴] نمای ملک قلا که دمرگان کشیده است

[عکس شمارهٔ ۶۹۵] نقشهٔ جاهای ملک قلا از دمرگان







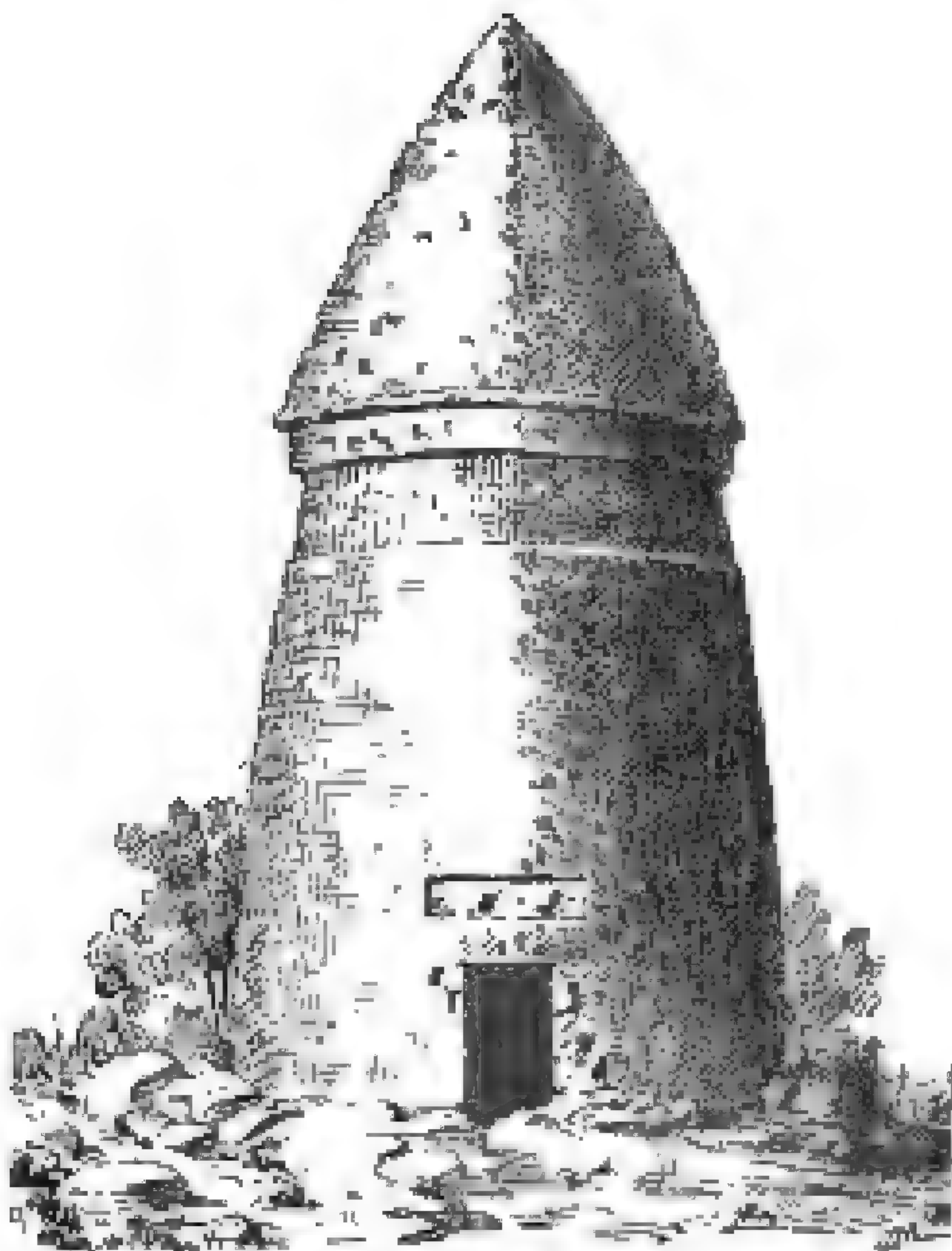
عکس شمارهٔ [illegible]) قسمتی از بقعهٔ [illegible] درویش الیاس در آق‌تکا ترخانت

(عکس شمارهٔ [illegible]) نمای بنای بقعهٔ درویش الیاس در آق‌تکا ترخانت





(عکس شماره ۲۶۹) نمای بنای قلعه مریوش ... در آن تکیه ...



(عکس شمارهٔ ۲۲۴) برج گنبدی نزدیک بمکنش راه آهن لاهیجان (طرح برج از دمرگن در کتاب هیأت علمی فرانسه در ایران - ص ۱۶۹)





(عکس شمارهٔ [illegible]) گنبد [illegible]

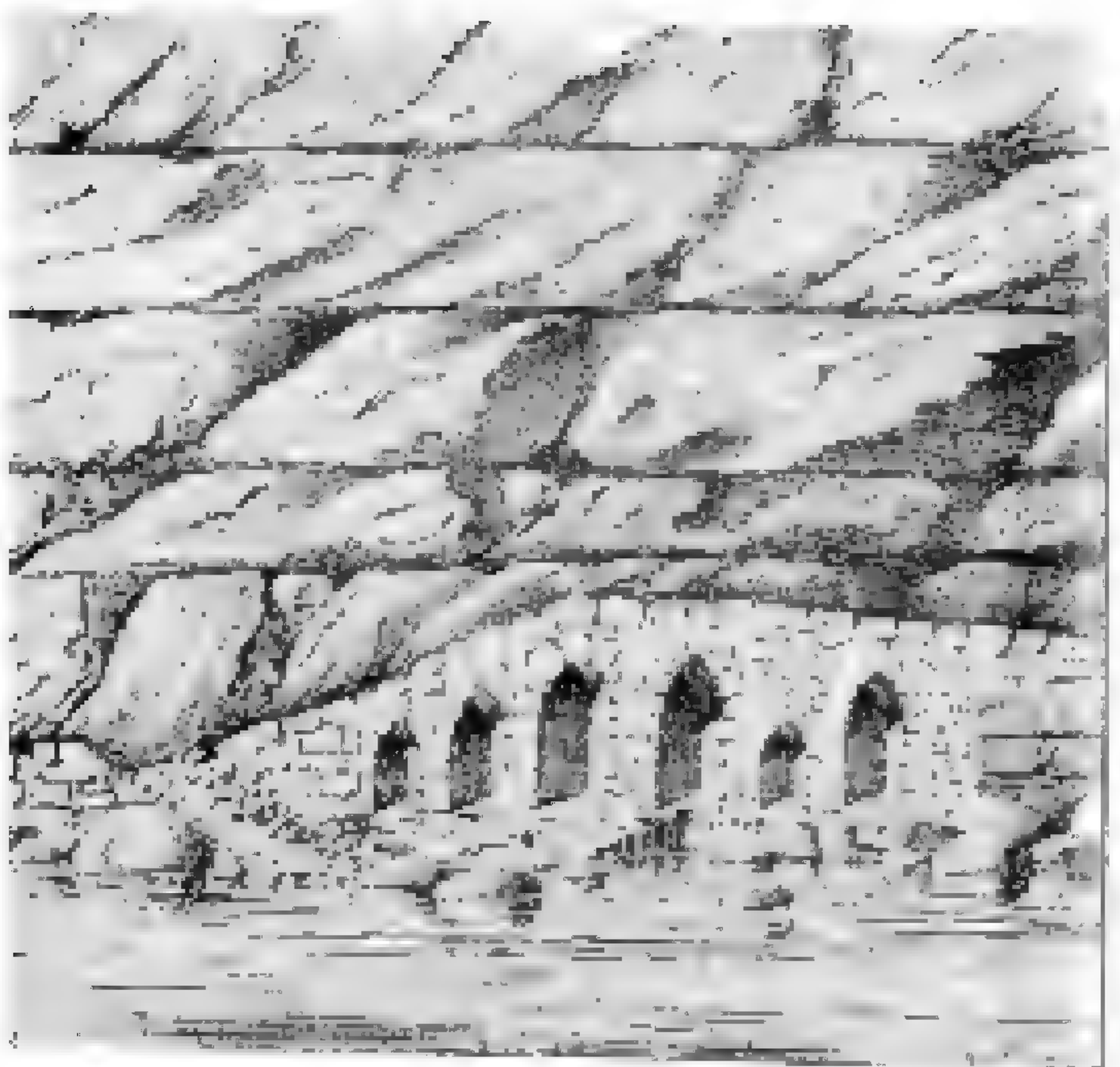


(نقش شمارهٔ ۲۹۴) بند مرغ (طرح از تصرگان - بخش چهارم - فصل سوم - ص



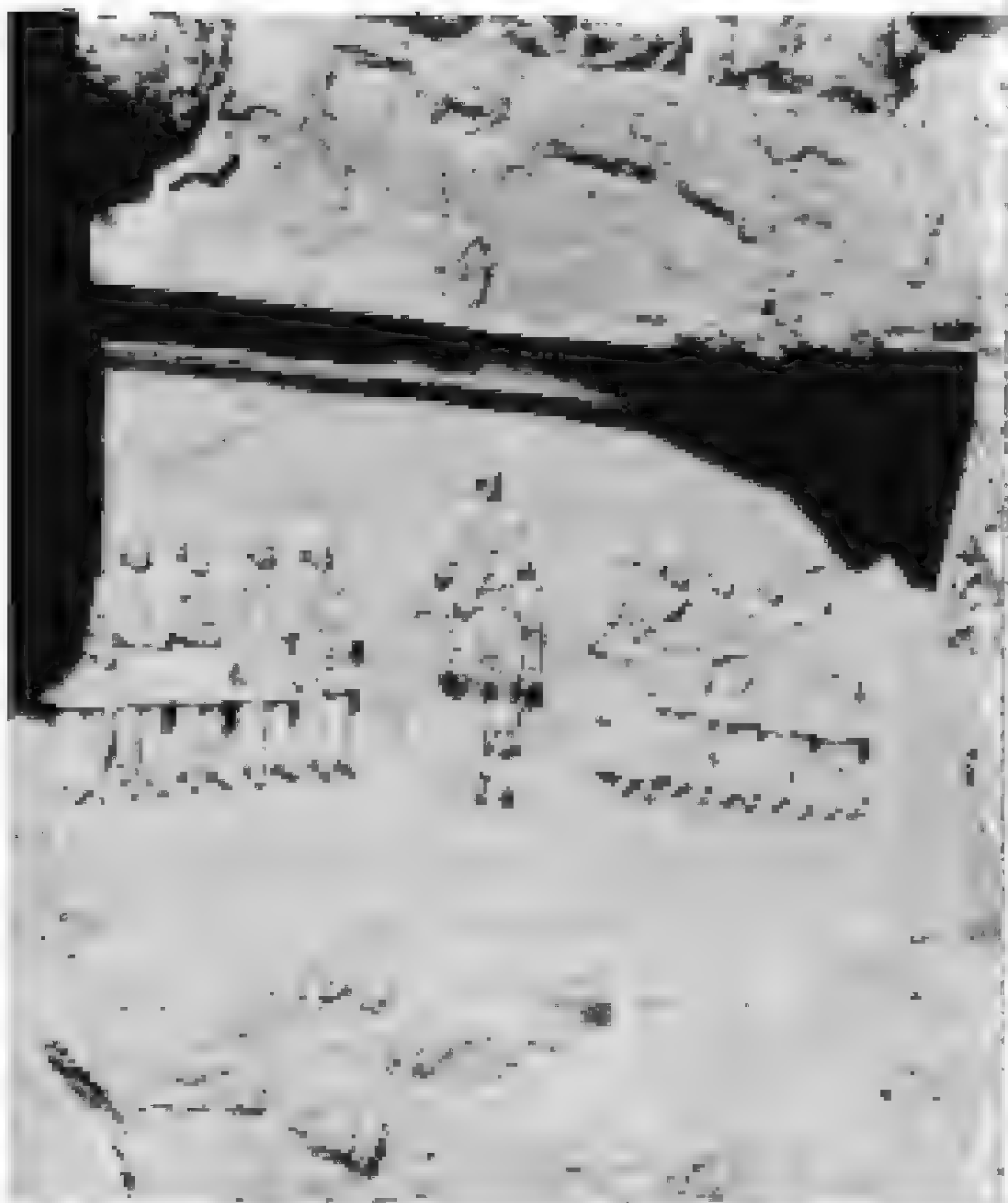


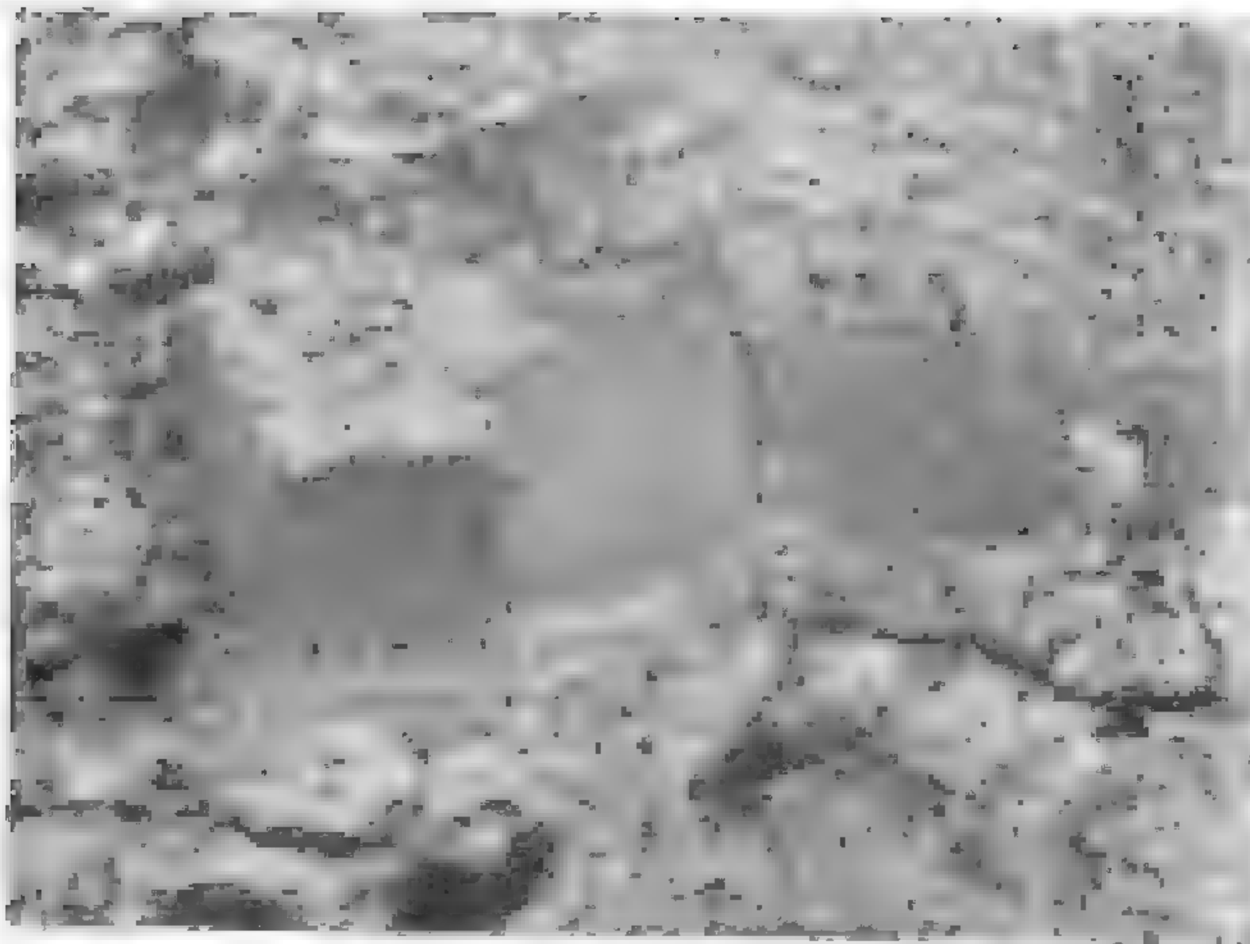
[illegible]



(عکس شمارهٔ ۲۲۷) [illegible]

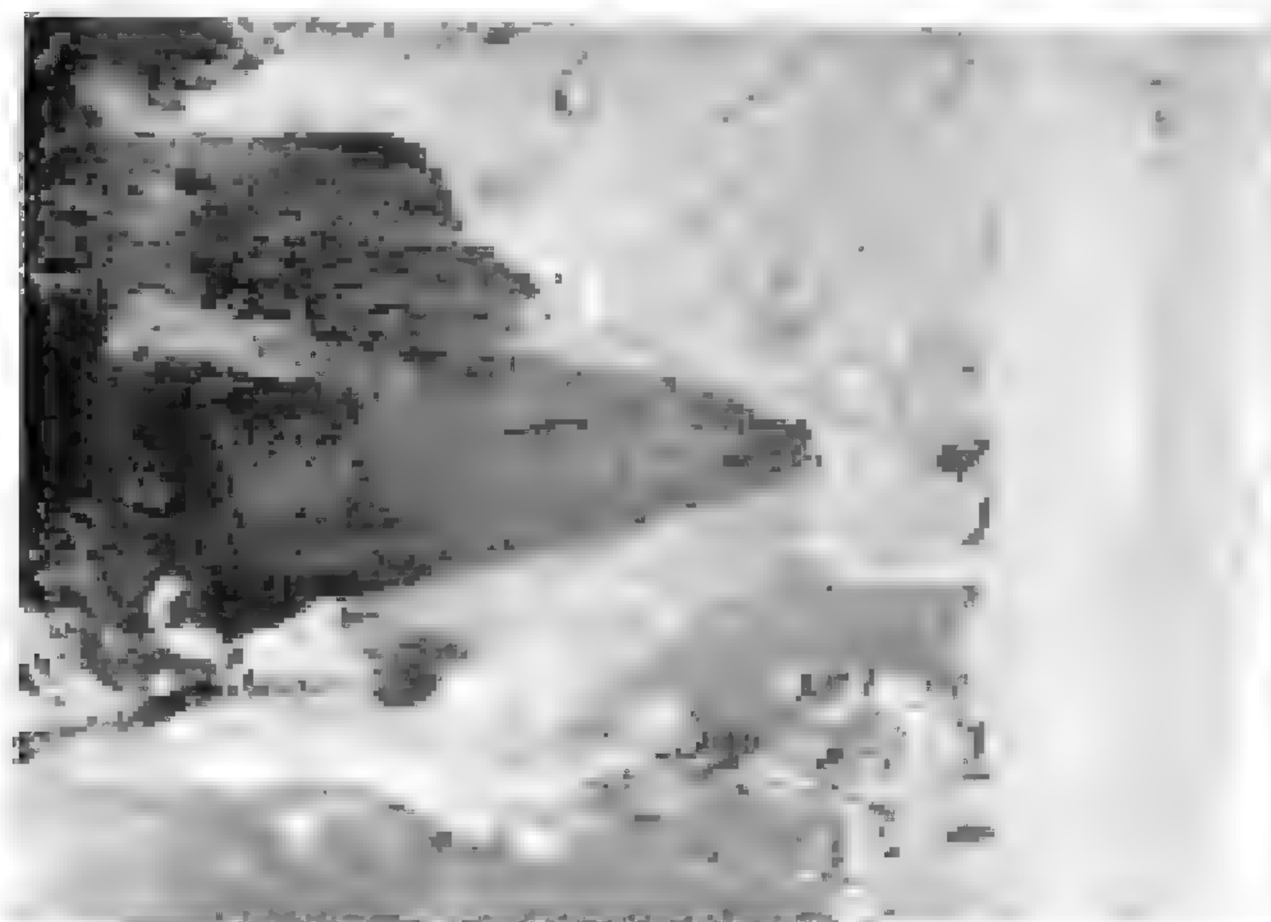
(عکس شمارهٔ ۲۷۶) شکل شاه در تنگهٔ بند بریده





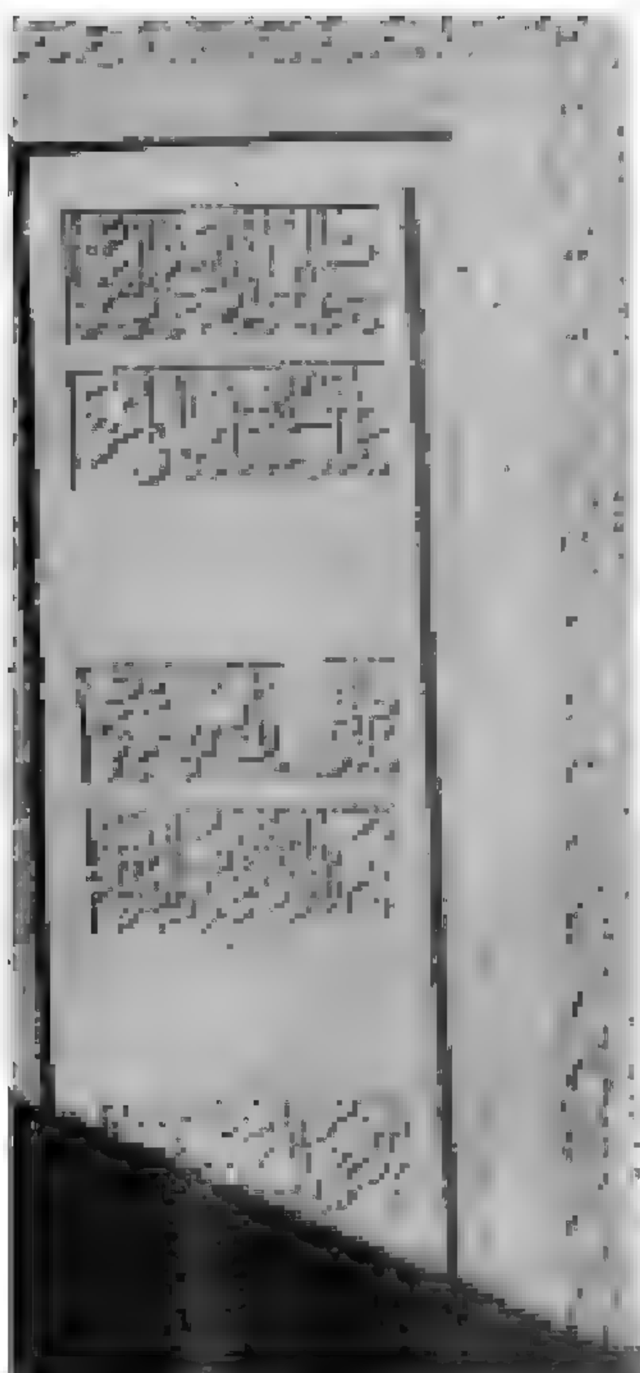
[illegible]

[illegible]



(عکس شمارهٔ [illegible]) در ورودی امامزاده [illegible] در [illegible] لرستان





(عکس شمارهٔ [illegible])
لنگهٔ سمت راست در ورودی امامزاده [illegible]





عکس شمارهٔ [illegible] مرقد آقا ملا حسین [illegible]

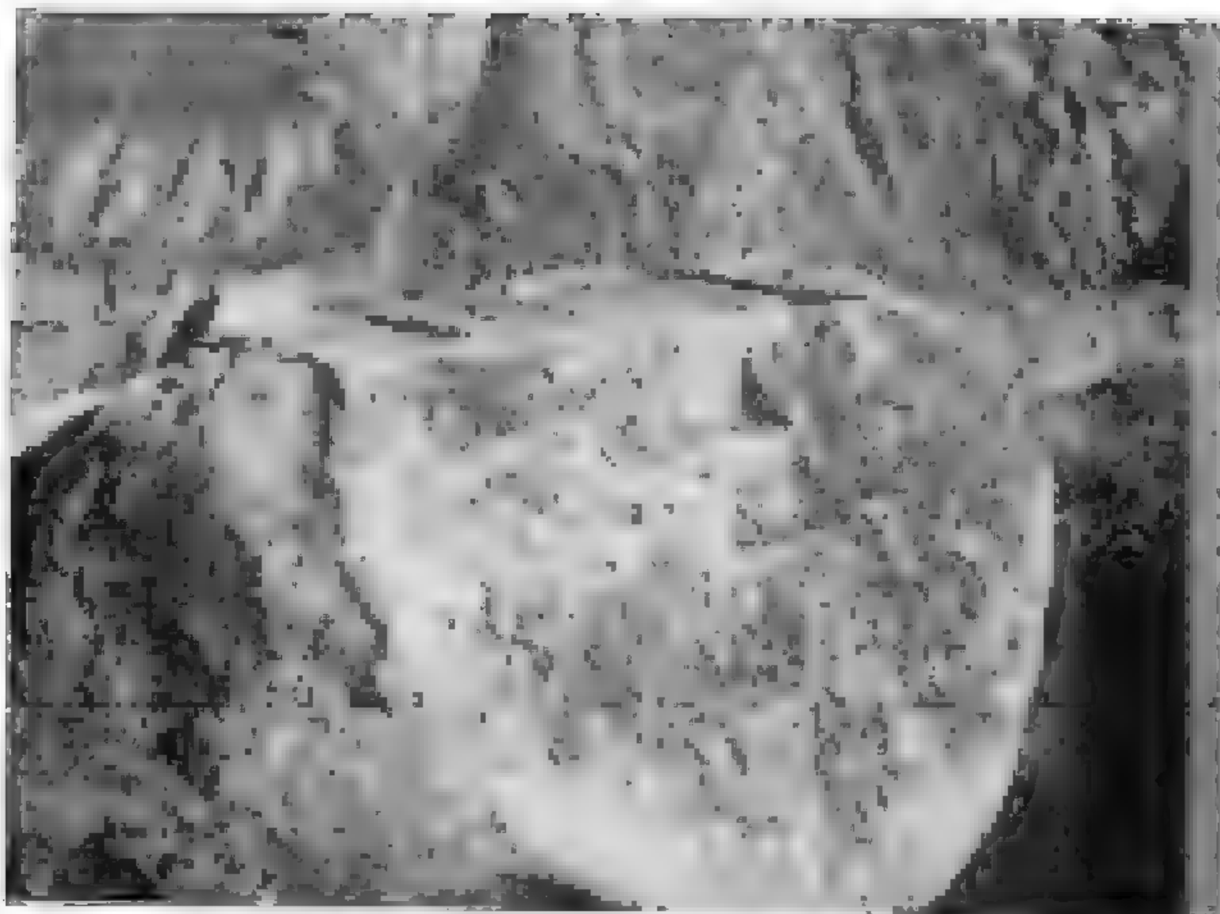
عکس شمارهٔ [illegible]



(عکس شمارهٔ ۱۸۷) [illegible]

(عکس شمارهٔ ۱۸۸) [illegible]

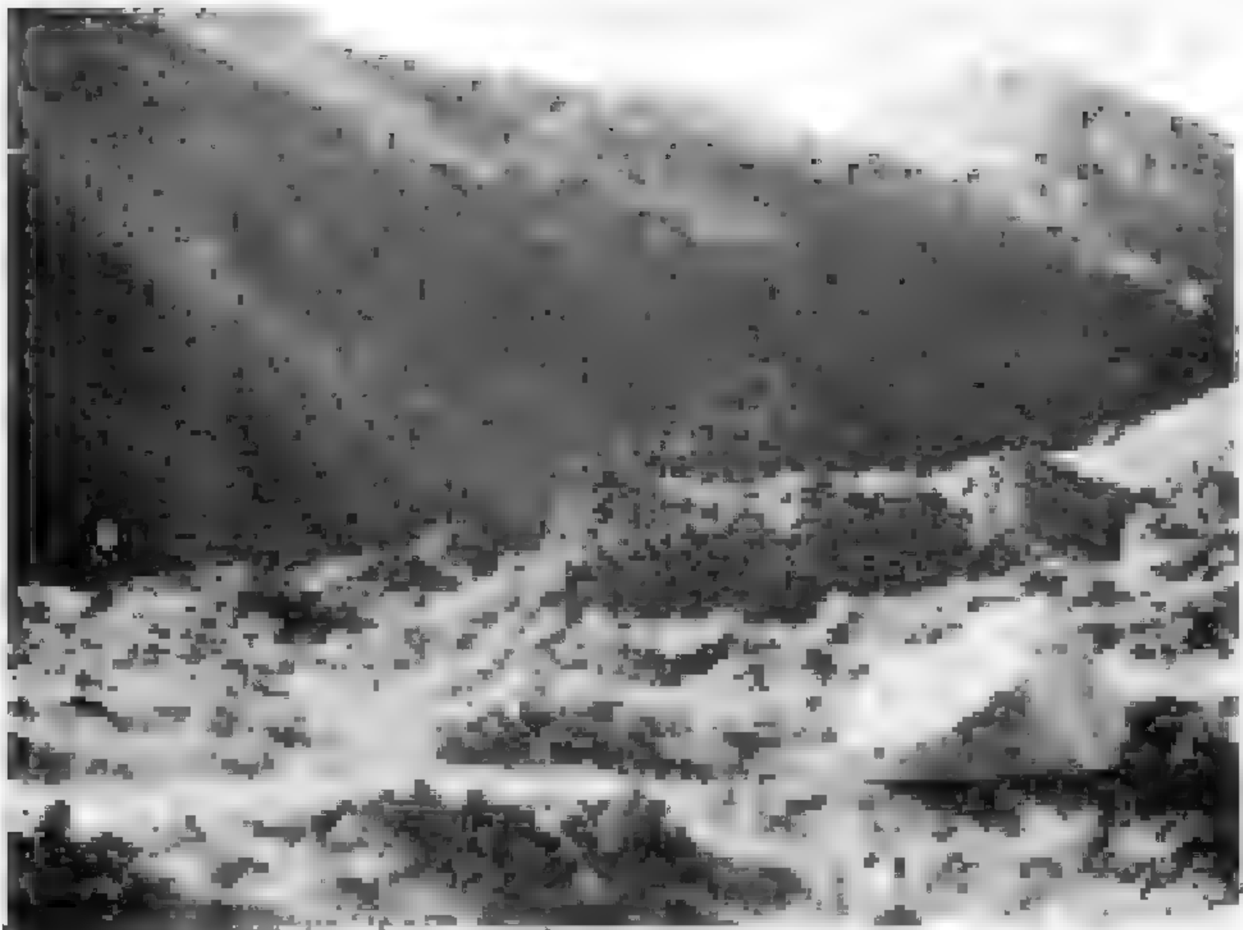




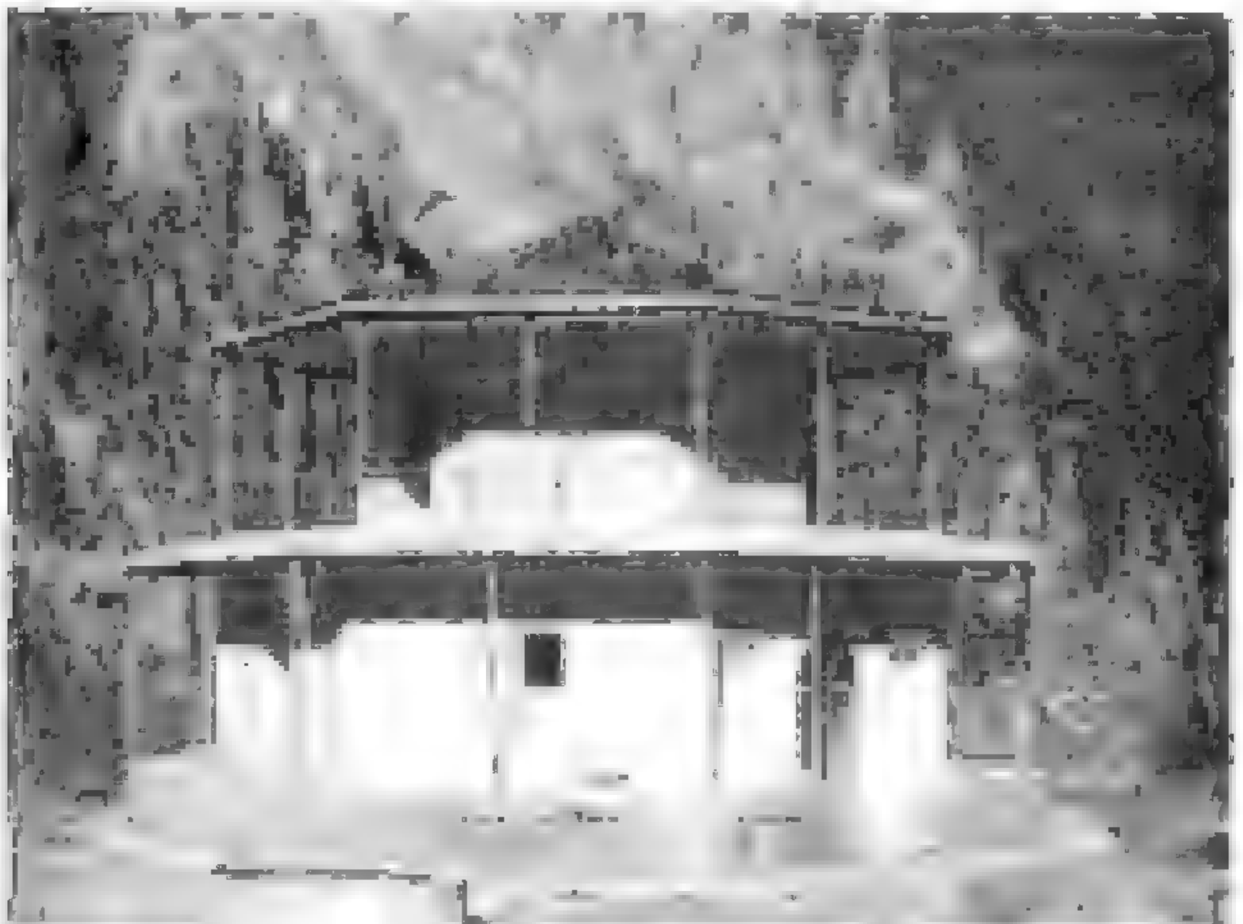
(عکس شماره ۱۹۸) گور [illegible] از جهت دیگر

(عکس شماره ۱۹۹) [illegible] که در [illegible] است





(عکس شمارهٔ ۲۶۹) بناهای ماسوله که بر شمال [illegible] است



(عکس شمارهٔ ۲۷۰) کلاه فرنگی در طرآنچ لاهیجان



[عکس شماره ۱۴۹] مرقد سلطان احمد [illegible] در دهکده [illegible] از دهکده‌های [illegible]

عکس شماره (۲۹۰) مرقد سلطان شهاب‌الدین در منطقه دارالسلام نور

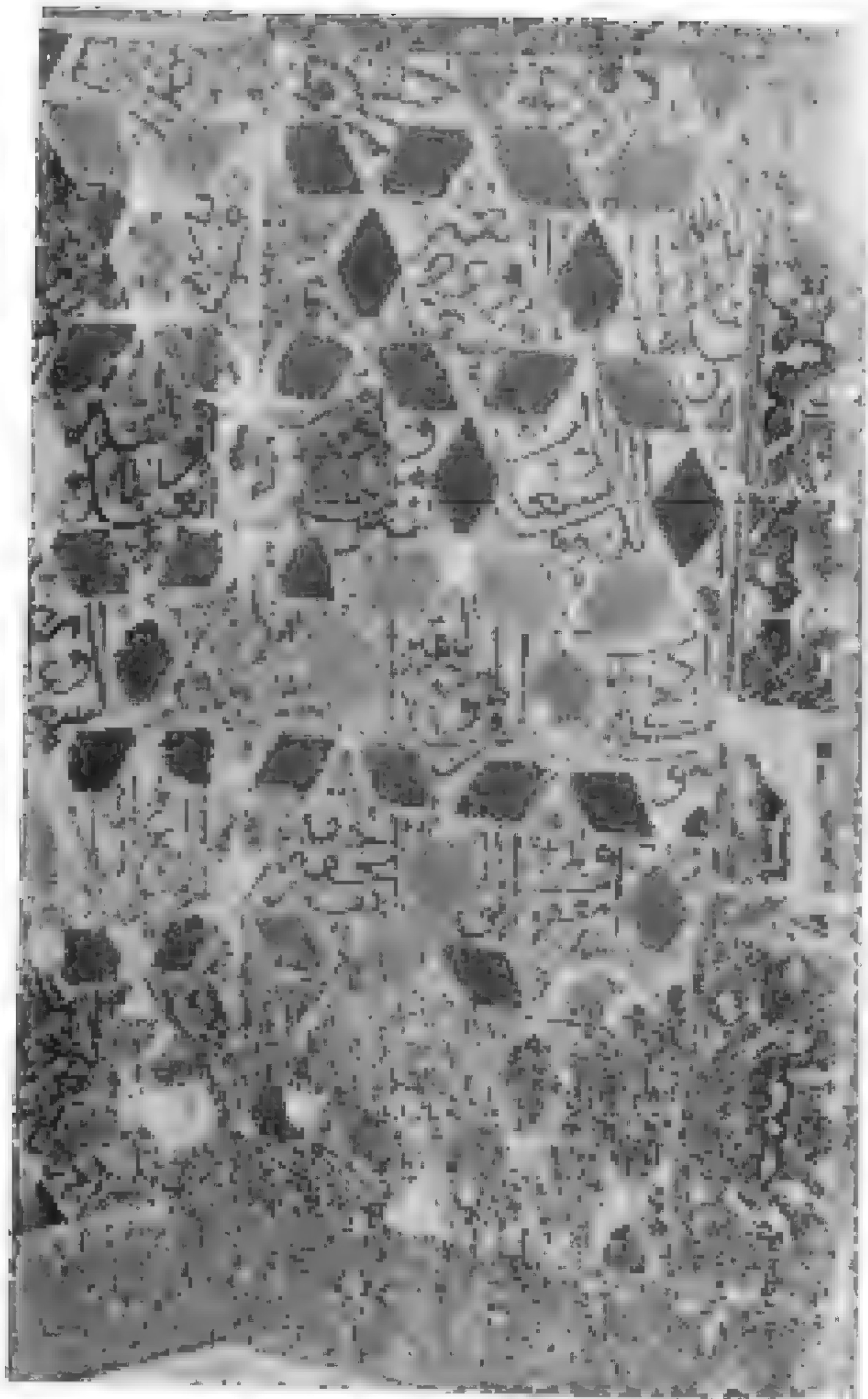


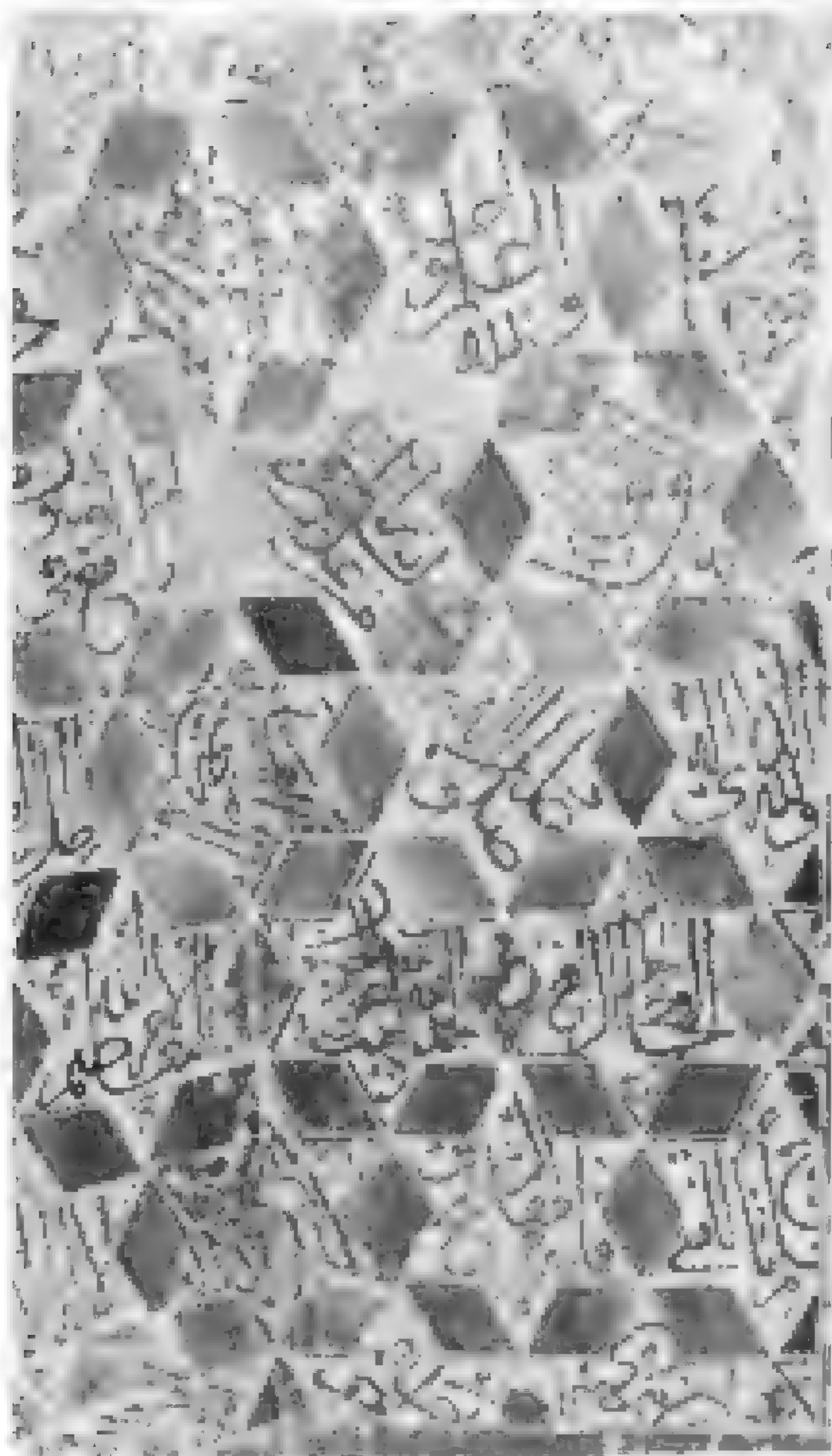
عکس شماره [illegible]: قسمتی از کاشیکاری [illegible] سلطان جهانشاه [illegible]



(عکس شمارهٔ ۲۹۹) قسمتی از کاشیکاری زاویهٔ شمال مرکز پنجم و ششم داخل بقعهٔ

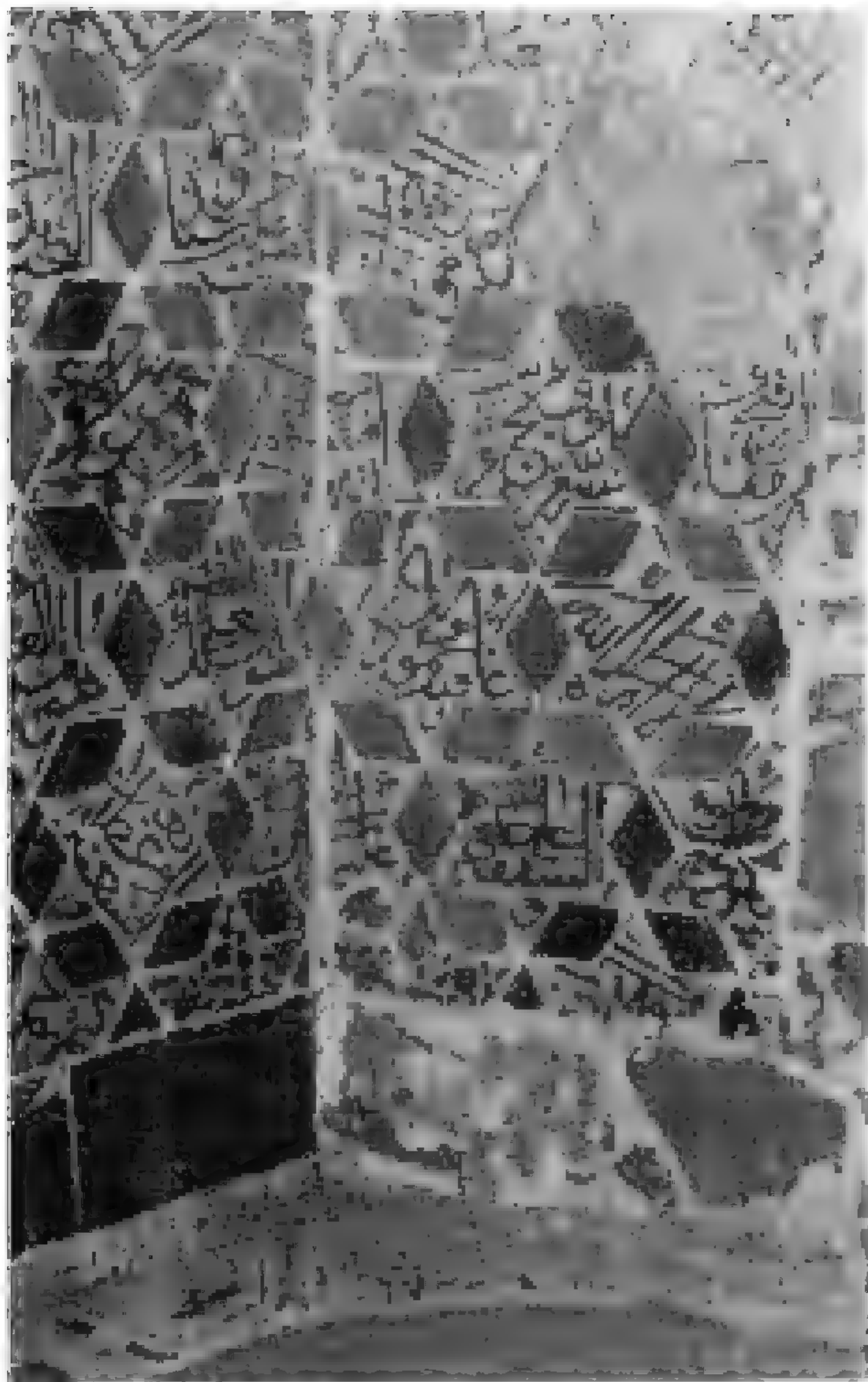
مرقد سلطان جهانشاهی





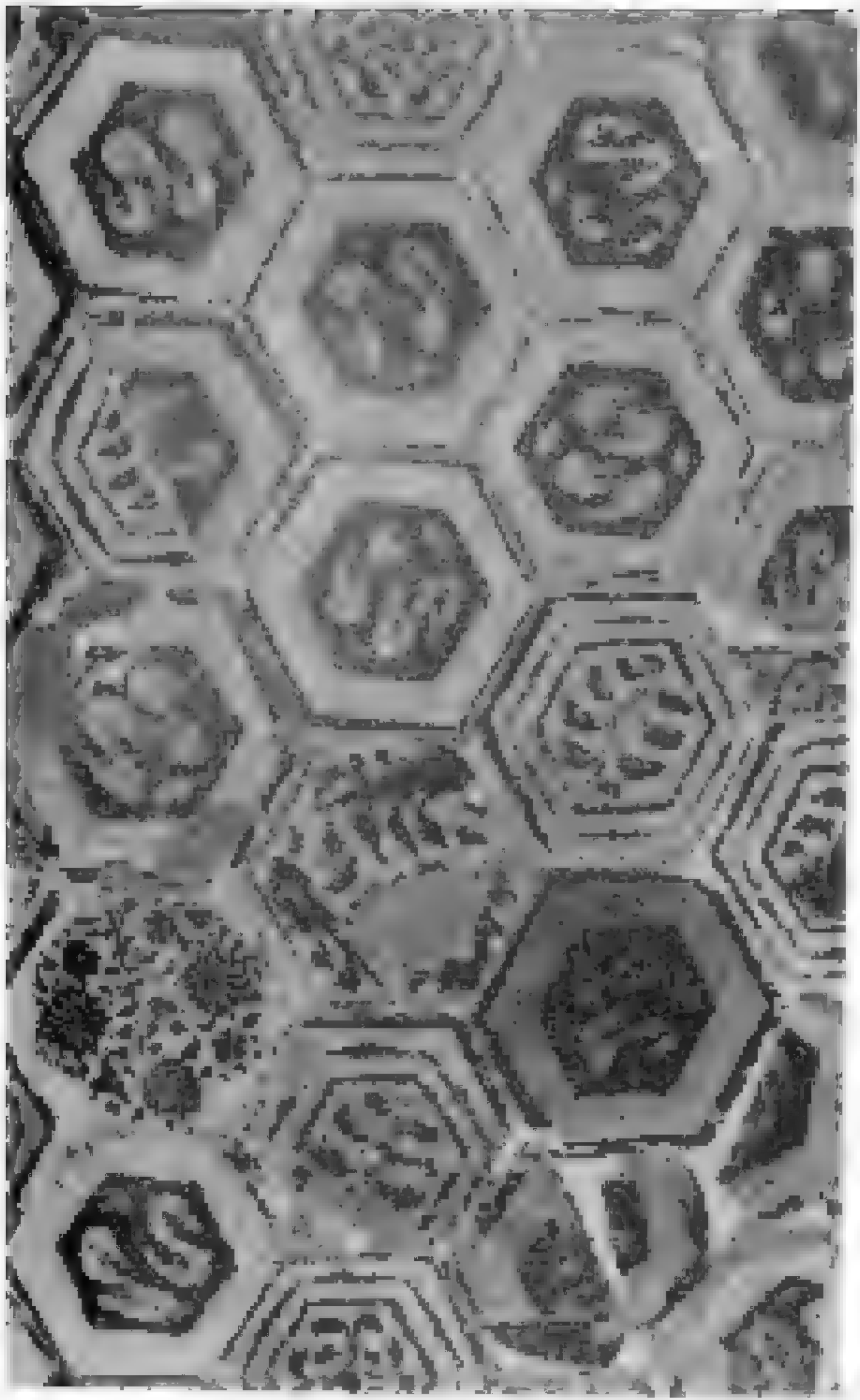
(عکس شمارهٔ ۹۹۱) قسمتی از کاشیکاری ازارهٔ سمت درگاه صحن و مقبرهٔ شاهزاده حسین
مرقد سلطان شهاب‌الدین





(عکس شمارهٔ ۳۰۶) قسمتی از کاشیکاری زاویهٔ دو دست راست در ورودی مرقد سلطان کمال‌الدین





(عکس شمارهٔ ۲۰۲۴) قسمتی از کاشیکاری ازارهٔ بزرگ هشت ضلعی بنای مرقد سلطان
شهاب‌الدین





(عکس شمارهٔ ۵-۳) [illegible]

عکس شمارهٔ (۶-۳)

[illegible]

(عکس شمارهٔ ۲۰۹) نمای جنوب غربی قلهٔ سوا در ارادمین با قلهٔ سوا در سارمنش چور

(عکس شمارهٔ ۲۱۰) بزرگ قلهٔ سوا در ... با قلهٔ سوا در سارمنش نور





(عکس شماره [illegible]) پل قدیمی در درهٔ [illegible]

(عکس از آلبوم ناصرالدین شاه، شماره [illegible] کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران)



بنای حکومتی [illegible] و قسمتی از [illegible] ناصرالدین‌شاه قاجار
(عکس از آلبوم ناصرالدین‌شاه، به شمارهٔ [illegible]، کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران)



نمای کلی محکمهٔ بلخ

(عکس از آلبوم ناصرالدین شاه قاجار به شمارهٔ [illegible] کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران)

فهرست نامها

الف

پ

ت

ح

خ

د

ش

ص

ض

ط

غ

— ۷۶ .

ق

ك

ل

و

ی

فهرست انتشارات انجمن آثار ملی

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۱ـ	فهرست مختصری از آثار و ابنیهٔ تاریخی ایران	شهریورماه ۱۳۰۴
۲ـ	آثار ملی ایران (کنفرانس پرفسور هرتسفلد)	مهرماه ۱۳۰۴
۳ـ	شاهنامه و تاریخ (کنفرانس پرفسور هرتسفلد)	شهریورماه ۱۳۰۵
۴ـ	کشف دولوح تاریخی در همدان (تحقیق پرفسور هرتسفلد ـ ترجمهٔ آقای مجتبی مینوی)	اسفندماه ۱۳۰۵
۵ـ	سه خطابه در بارهٔ آثار ملی و تاریخی ایران (از محمدعلی فروغی و هرتسفلد و هانی‌بال)	مهرماه ۱۳۰۶
۶ـ	کشف الواح تاریخی تخت‌جمشید (نوشتهٔ پروفسور هرتسفلد)	سفندماه ۱۳۱۲
۷ـ	کنفرانس محمدعلی فروغی راجع بفردوسی	بهمن‌ماه ۱۳۱۳
۸ـ	تحقیق مختصر دراحوال وزندگانی فردوسی (بقلم فاطمه سیاح)	۱۳۱۳
۹ـ	تجلیل ابوعلی‌سینا در پنجمین دورهٔ اجلاسیه یونسکو درفلورانس	اسفندماه ۱۳۲۹
۱۰ـ	رسالهٔ جودیهٔ ابن‌سینا (بتصحیح آقای دکترمحمود نجم‌آبادی)	اسفندماه ۱۳۳۰
۱۱ـ	رسالهٔ نبض ابن‌سینا (بتصحیح آقای سیدمحمد مشکوةاستاد دانشگاه)	اسفندماه ۱۳۳۰
۱۲ـ	منطق دانشنامهٔ علائی ابن‌سینا (بتصحیح آقایان سید محمد مشکوة و دکتر محمد معین استادان دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۳ـ	طبیعیات دانشنامهٔ علائی ابن‌سینا (بتصحیح آقای سید محمد مشکوة)	۱۳۳۱
۱۴ـ	ریاضیات دانشنامهٔ علائی ابن‌سینا (بتصحیح آقای مجتبی مینوی)	۱۳۳۱
۱۵ـ	الهیات دانشنمهٔ علائی ابن‌سینا (بتصحیح آقای دکترمحمد معین)	۱۳۳۱
۱۶ـ	رسالهٔ نفس ابن‌سینا (بتصحیح آقای دکترموسی عمیداستاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۷ـ	رساله‌ای درحقیقت وکیفیت سلسلهٔ موجودات (بتصحیح آقای دکتر موسی عمید استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۸ـ	ترجمهٔ رسالهٔ سرگذشت ابن‌سینا (ازآقای دکتر غلامحسین صدیقی)	ـــ
۱۹ـ	معراج‌نامهٔ ابن‌سینا (بتصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی)	ـــ
۲۰ـ	رسالهٔ تشریح اعضاء ابن‌سینا (بتصحیح آقای دکترغلامحسین صدیقی)	ـــ
۲۱ـ	رسالهٔ قراضهٔ طبیعیات منسوب بابن‌سینا (بتصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی استاد دانشگاه)	ـــ

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۲۲	ظفرنامه منسوب به‌ابن‌سینا (بتصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی)	۱۳۴۸
۲۳	رسالهٔ کنوزالمعزمین ابن‌سینا (بتصحیح آقای جلال‌الدین همایی)	۱۳۳۱
۲۴	رسالهٔ معیارالعقول ـ جرثقیل ابن‌سینا (بتصحیح آقای جلال‌الدین همایی استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۲۵	رسالهٔ حی‌بن‌یقظان ابن‌سینا با ترجمه و شرح فارسی آن از یکی از معاصران ابن‌سینا (به‌تصحیح آقای هانری کربن)	۱۳۳۱
۲۶	جشن‌نامهٔ ابن‌سینا (مجلد اول ـ سرگذشت و تألیفات و اشعار و آراء ابن‌سینا) تألیف آقای دکتر ذبیح‌الله صفا استاد دانشگاه	۱۳۳۱
۲۷	ترجمهٔ مجلد اول جشن‌نامه بفرانسه (بوسیلهٔ آقای سعیدنعیسی)	۱۳۳۱
۲۸	ترجمهٔ اشارات و تنبیهات (بتصحیح آقای دکتر احسان یارشاطر)	۱۳۳۲
۲۹	پنج رسالهٔ فارسی و عربی از ابن‌سینا (بتصحیح آقای دکتر احسان یارشاطر استاد دانشگاه)	۱۳۳۲
۳۰	آثار تاریخی کلات و سرخس (تألیف آقای مهدی بامداد)	بهمن‌ماه ۱۳۳۳
۳۱	جشن‌نامهٔ ابن‌سینا مجلد دوم (حاوی نطقهای فارسی اعضای کنگرهٔ ابن‌سینا)	۱۳۳٤
۳۲	جشن‌نامهٔ ابن‌سینا مجلد سوم (کتاب المهرجان لابن‌سینا) حاوی نطقهای عربی اعضای کنگرهٔ ابن‌سینا	۱۳۳۵
۳۳	جشن‌نامهٔ ابن‌سینا مجلد چهارم (شامل خطابه‌های اعضای کنگرهٔ ابن‌سینا بزبانهای آلمانی و انگلیسی و فرانسوی)	۱۳۳٤
۳۴	نبردهای بزرگ نادرشاه (بقلم سرلشکر غلامحسین مقتدر)	۱۳۳۹
۳۵	جبر ومقابلهٔ خیام (به‌تصحیح وتحشیهٔ آقای دکتر جلال مصطفوی)	۱۳۳۹
۳۶	شاهنامهٔ نادری تألیف مولانا محمدعلی فردوسی ثانی (بتصحیح و تحشیهٔ آقای احمد سهیلی خوانساری)	۱۳۳۹
۳۷	اشترنامهٔ شیخ فریدالدین عطار (بتصحیح وتحشیهٔ آقای دکتر مهدی محقق)	۱۳۳۹
۳۸	حکیم عمرخیام بعنوان عالم جبر تألیف آقای دکتر غلامحسین مصاحب	۱۳۳۹
۳۹	نادرشاه تألیف آقای دکتر رضازادهٔ شفق استاد دانشگاه	۱۳۳۹
۴۰	درهٔ نادره تألیف میرزا مهدی‌خان (با تصحیح وتحشیهٔ آقای دکتر سید جعفر شهیدی)	۱۳٤۰
۴۱	شرح احوال ونقدو تحلیل آثار شیخ فریدالدین عطار تألیف آقای	

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
	فروزانفر استاد دانشگاه	۱۳٤۰
۴۲ـ	خسرونامه تألیف شیخ فریدالدین عطار (بهتصحیح و اهتمامآقای احمد سهیلی خوانساری)	۱۳٤۰
۴۳ـ	نامههای طبیبنادرشاهترجمۀآقای دکترعلیاصغرحریری (باهتمام آقای حبیب یغمائی)	۱۳٤۰
۴۴ـ	دیوان غزلیات و قصائد عطار (باهتمام و تصحیحآقای دکترتقی تفضلی	۱۳٤۱
۴۵ـ	جهانگشای ندری تألیف میرزا مهدیخان استرآبادی (باتصحیح و تعلیقۀ آقای سید عبدالله انوار)	۱۳٤۱
۴۶ـ	طربخانه (رباعیات حکیم عمر خیامنیشابوری) تألیف یار احمدبن حسین رشیدی تبریزی (با مقدمه و تصحیح و تحشیۀ آقـای جلالالدین همایی استاد دانشگاه)	۱۳٤۲
۴۷ـ	نادرۀ ایام ، حکیم عمرخیام ورباعیات او بقلمآقای اسمعیل یکانی	۱۳٤۲
۴۸ـ	اقلیم پارس (آثار باستانی و ابنیۀ تاریخی فارس) تألیف سید محمدتقی مصطفوی	۱۳٤۳
۴۹ـ	سفارشنامۀ انجمن آثار ملی	اردیبهشت ۱۳٤٤
۵۰ـ	یادنامۀ شادروان حسین علاء	۱۳٤٤
۵۱ـ	ذخیرۀ خوارزمشاهی ، تـألیف زینالدین ابوابراهیم اسمعیل جرجانی سنۀ ٥۰٤ هجری (بهاهتمام و تصحیح و تفسیر دکتر محمدحسیناعتمادی ـ دکترمحمد شهرادـ دکترجلالمصطفوی) (کتاب نخستین)	۲٥شهریور ۱۳٤٤
۵۲ـ	دیوان صائب ، با حواشی و تصحیح بخط خوداستاد ـ مقدمه و شرح حال بخط و خامۀ استاد امیری فیروزکوهی	۱۳٤٥
۵۳ـ	عرائسالجواهر و نفایسالاطایب تألیف ابوالقاسم عبدالله کاشانی بسال ۷۰۰ هجری بهکوششآقای ایرج افشار	۱۳٤٥
۵۴ـ	ری باستان (مجلد اول) مباحث جغرافیائی شهرری بهعهدآبادی تألیف دکتر حسین کریمان	۱۳٤٥
۵۵ـ	خیامینامه (جلد اول) تألیف استاد جلالالدینهمائی	آبان ۱۳٤٦
۵۶ـ	فردوسی و شعر او تألیف آقای مجتبی مینوی استاد دانشگاه	آبان ۱۳٤٦
۵۷ـ	خردنامه تألیف ونگارش ابوالفضل یوسفبنعلی مستوفی بکوشش	

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
	آقای عبدالعلی ادیب برومند	فروردین ۱۳۴۷
۵۸ـ	فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان عربی تألیف‌آقای سید محمدعلی امام شوشتری	تیرماه ۱۳۴۷
۵۹ـ	کتابشناسی فردوسی . فهرست آثار وتحقیقات دربارهٔ فردوسی و شاهنامه ، تدوین آقای ایرج افشار	مرداد ۱۳۴۷
۶۰ـ	روزبهان‌نامه بکوشش آقای محمدتقی دانش‌پژوه	اسفند ۱۳۴۷
۶۱ـ	کشف‌الابیات فردوسی (جلداول) بکوشش دکترمحمد دبیرسیاقی	اردیبهشت ۱۳۴۸
۶۲ـ	زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه نگارش دکتر محمد علی اسلامی ندوشن	خرداد ۱۳۴۸
۶۳ـ	آثار باستانی کاشان و نطنز تألیف آقای حسن نراقی	مهر ۱۳۴۸
۶۴ـ	بزرگان شیراز تألیف‌آقای رحمت‌الله مهراز	آبان ۱۳۴۸
۶۵ـ	آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج‌فارس ودریای عمان تألیف‌آقای احمد اقتداری	آذر ۱۳۴۸
۶۶ـ	تاریخ بناکتی بکوشش دکتر جعفرشعار	دی ۱۳۴۸
۶۷ـ	عهد اردشیر برگرداننده‌بفارسی سید محمد علی امام شوشتری	دی ۱۳۴۸
۶۸ـ	یادگارهای یزد (جلداول) تألیف‌آقای ایرج‌افشار	بهمن ۱۳۴۸
۶۹ـ	ری‌باستان (مجلد دوم) تألیف‌آقای دکترحسین کریمان	خرداد ۱۳۴۹
۷۰ـ	ازآستارا تا استاراباد (جلد اول بخش‌اول) آثار و بناهای‌تاریخی گیلان بیه‌پس ، تألیف دکتر منوچهر ستوده	مرداد ۱۳۴۹
۷۱	یادنامهٔ فردوسی،حاوی‌مقالات وچکامه‌ها به‌مناسبت‌تجدیدآرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی	آبان ۱۳۴۹
۷۲ـ	فردوسی و شاهنامه او باهتمام آقای حبیب یغمائی	آذر ۱۳۴۹
۷۳ـ	فیلسوف‌ری‌ـ محمدبن‌زکریای رازی‌تألیف‌آقای دکترمهدی‌محقق	آذر ۱۳۴۹
۷۴ـ	سرزمین قزوین تألیف‌آقای دکتر پرویز ورجاوند	آذر ۱۳۴۹
۷۵ـ	یادنامهٔ شادروان سید حسن تقی‌زاده به‌اهتمام حبیب یغمائی	بهمن ۱۳۴۹
۷۶ـ	ذخیرهٔ خوارزمشاهی تألیف زین‌الدین ابوابراهیم‌اسمعیل‌جرجانی، سنهٔ ۵۰۴ هجری به‌اهتمام وتفسیر وتصحیح دکترجلال مصطفوی ـ (کتاب دوم)	بهمن ۱۳۴۹
۷۷ـ	نظری اجمالی به‌تاریخ‌آذربایجان وآثار باستانی وجمعیت‌شناسی آن تألیف‌آقای دکتر محمد جواد مشکور	بهمن ۱۳۴۹

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار	
۷۸ــ	تاریخچهٔ ساختمانهای ارگ سلطنتی تهران وراهنمای کاخ گلستان نوشتهٔ آقای یحیی ذکاء	فروردین	۱۳۵۰
۷۹ــ	کشف الابیات شاهنامهٔ فردوسی جلد دوم ــ بکوشش دکتر محمد دبیر سیاقی	خرداد	۱۳۵۰
۸۰ــ	آثار باستانی و تاریخی لرستان ــ جلد نخست ــ تـألیف آقای حمید ایزدپناه	تیر	۱۳۵۰
۸۱ــ	در دربار شاهنشاه ایران ــ تألیف ا . کمپفر آلمانی ــ ترجمهٔ آقای کیکاووس جهـانداری	مرداد	۱۳۵۰
۸۲ــ	نگاهی به شاهنامه ، تألیف آقای پروفسور فضل‌الله رضا	شهریور	۱۳۵۰
۸۳ــ	مونس‌الاحرار فی‌دقایق‌الاشعار (جلد۲) تألیف محمدبن‌بدرجاجرمی بسال۷٤۱هجری با تحشیه وتفسیر آقای میرصالح طبیبی	شهریور	۱۳۵۰
۸۴ــ	مقدمه‌ای برشناخت اسناد تاریخی تألیف سرهنگ دکترجهانگیر قائم مقامی	شهریور	۱۳۵۰
۸۵ــ	فرهنگ شاهنامه تألیف دکتر رضازاده شفق	مهر	۱۳۵۰
۸۶ــ	دانش و خرد فردوسی فراهم‌آوردهٔ دکترمحمود شفیعی	مهر	۱۳۵۰
۸۷ــ	وقفنامهٔ ربع رشیدی (چاپ‌عکسی) از روی‌نسخهٔ مورخ به‌سال۷۰۹ قمری زیرنظرآقایان مجتبی مینوی و ایرج افشار	اسفند	۱۳۵۰
۸۸ــ	ذیل جامع‌التواریخ رشیدی‌تألیف‌حافظ ابرو مورخ دوران‌تیموری با مقدمه و تعلیقات آقای دکتر خانبابا بیانی	اسفند	۱۳۵۰
۸۹ــ	از استارا تا استاراباد (مجلد دوم) آثار وبناهای تاریخی گیلان بیه‌پیش تألیف دکتر منوچهر ستوده	خرداد	۱۳۵۱
۹۰ــ	نصیحةالملوك تألیف امام محمد غزالی با مقدمه وتصحیح وتحشیهٔ استاد جلال‌الدین همایی	آذرماه	۱۳۵۱
۹۱ــ	آثار باستانی آذربایجان (جلد اول‌آثار تاریخی شهرستان تبریز) تألیف آقی عبدالعلی‌کارنگ	آذرماه	۱۳۵۱
۹۲ــ	مجموعه انتشارات قدیم انجمن	دی‌ماه	۱۳۵۱
۹۳ــ	مجموعهٔ مقالات فروغی دربارهٔ شاهنامه و فردوسی به‌اهتمام آقای حبیب یغمائی	بهمن‌ماه	۱۳۵۱
۹۴ــ	داستان داستانها (داستان رستم و اسفندیار) تنظیم متن وشرح و توضیح به‌کوشش دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن	اسفندماه	۱۳۵۱

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۹۵ــ	فردوس در تاریخ شوشتر تألیف علاءالملك حسینی شوشتری (قرن ۱۱هجری) با مقدمه و تصحیح و تعلیق‌آقای جلال محدث	خرداد ۱۳۵۲
۹۶ــ	تاریخ تبریز تاپایان‌قرن‌نهم هجری‌تألیف دکتر محمد جواد مشکور	تیرماه ۱۳۵۲
۹۷ــ	ذخیرهٔ خوارزمشاهی تألیف زین‌الدین‌ابوابراهیم اسماعیل جرجانی سنهٔ ۵۰٤هجری باهتمام و تفسیر و تصحیح دکتر جلال مصطفوی (جلد سوم)	شهریور ۱۳۵۲
۹۸ــ	ترجمهٔ یك فصل‌ازآثارالباقیهٔ ابوریحان‌بیرونی‌بخامهٔعلیقلی‌میرزا اعتضادالسلطنه و ملاعلی محمد اصفهانی بکوشش آقای اکبر داناسرشت با مقدمه والحاقاتی از ایشان	آبان ۱۳۵۲
۹۹ــ	مادها و بنیانگذاری نخستین شاهنشاهی در غرب فلات ایران تألیف آقای جلیل ضیاءپور	بهمن ۱۳۵۲
۱۰۰ــ	سیر فرهنگ‌ایران دربریتانیا یا تاریخ‌دویست‌سالهٔ مطالعات‌ایرانی تألیف آقای دکتر ابوالقاسم طاهری	اسفند ۱۳۵۲
۱۰۱ــ	آثار ملی اصفهان تألیف‌آقای ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی	اسفند ۱۳۵۲
۱۰۲ــ	سیراف (بندر طاهری) تألیف آقای غلامرضا معصومی	اسفند ۱۳۵۲
۱۰۳ــ	فرهنگ فارسی به پهلوی تألیف آقای دکتر بهرام فره‌وشی استاد دانشگاه تهران	فروردین ۱۳۵۳
۱۰۴ــ	کتابشناسی کتابهای‌خطی تألیف شادروان دکتر مهدی بیانی استاد دانشگاه به‌کوشش آقای حسین محبوبی اردکانی	خرداد ۱۳۵۳
۱۰۵ــ	تاریخ بافت قدیمی شیراز ، تألیف‌آقای کرامت‌الله افسر	مرداد ۱۳۵۳
۱۰۶ــ	فرار از مدرسه ، در بارهٔ زندگی و اندیشهٔ ابوحامد غزالی ، تألیف دکتر عبدالحسین زرین‌کوب	مرداد ۱۳۵۳
۱۰۷ــ	بیرونی‌نامه ، پژوهش و نگارش آقای ابوالقاسم قربانی	مهر ۱۳۵۳
۱۰۸ــ	جامع جعفری ، تاریخ یزد در دوران‌نادری وزندیه وعصر سلطنت فتحعلیشاه ، تألیف محمد جعفربن محمد حسین نائینی متخلص به «طرب» ، به‌کوشش‌آقای ایرج افشار	آبان ۱۳۵۳
۱۰۹ــ	کتاب‌التفهیم لاوائل صناعةالتنجیم ، تألیف ابوریحان محمدبن احمد بیرونی خوارزمی ، با تجدیدنظر و مقدمهٔ تازه به‌خامهٔ استاد جلال‌الدین همائی	دی‌ماه ۱۳۵۳
۱۱۰ــ	«دیار شهریاران» آثار و بناهای تاریخی خوزستان ، جلدنخستین،	

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
	بخش اول ، تألیف آقای احمد اقتداری	خرداد ۱۳۵٤
۱۱۱ــ	«دیار شهریاران» آثار و بناهای تاریخی خوزستان ، جلدنخستین، بخش دوم ، تألیف آقای احمد اقتداری	خرداد ۱۳۵٤
۱۱۲ــ	احوال واقوال شیخ‌ابوالحسن خرقانی به‌ضمیمهٔ «منتخب‌نورالعلوم» تألیف آن عارف بزرگوار ، به‌اهتمام استاد مجتبی مینوی	خرداد ماه ۱۳۵٤
۱۱۳ــ	شرح احوال و آثار و دوبیتی‌های باباطاهر عریان به‌انضمام شرح و ترجمهٔ کلمات قصار وی منسوب به‌عین‌القضاة همدانی (؟!) با اصل وترجمهٔ کتاب «الفتوحات‌الربانیة فی‌مزج‌الاشارات‌الهمدانیه» به‌شرح وتفسیر محمدبن ابراهیم مشهور به‌خطیب وزیری‌به‌کوشش دکتر جواد مقصود	تیرماه ۱۳۵٤
۱۱۴ــ	کتاب «الغارات» تألیف ابواسحق ابراهیم‌بن محمدبن سعید ثقفی کوفی‌اصفهانی‌باهتمام استاد میرجلال‌الدین محدث (بخش نخست)	شهریورماه ۱۳۵٤
۱۱۵ــ	کتاب «الغارات» به‌شرح مذکور در شمارهٔ ۱۱٤ (بخش دوم)	شهریورماه ۱۳۵٤
۱۱۶ــ	یادگارهای‌یزد (جلددوم‌باضمیمه‌ـشهریزد) تألیف‌آقای‌ایرج افشار	شهریورماه ۱۳۵٤
۱۱۷ــ	تاریخ روابط بـازرگانی و سیـاسی ایران و انگلیس از دوران فرمانروائی مغولان تا پایان عهد قارجاریه تألیف و تدوین‌آقای دکتر ابوالقاسم طاهری	مهرماه ۱۳۵٤
۱۱۸ــ	از آستارا تا استارباد (مجلد ششم) شامل اسنـاد تاریخی گرگان به‌کوشش‌آقایان مسیح ذبیحی ودکترمنوچهرستوده (بخش‌نخست)	مهرماه ۱۳۵٤
۱۱۹ــ	ازآستارا تا استارباد مجلد هفتم بشرح مذکور در شمـاره ۱۱۸ (بخش دوم)	آذرماه ۱۳۵٤
۱۲۰	سفرنامهٔ حکیم‌ناصرخسرو به‌کوشش وتصحیح دکترمحمد دبیرسیاقی	بهمن‌ماه ۱۳۵٤
۱۲۱ــ	آثار باستانی خراسان جلد اول شامل آثار وابنیه تاریخی جام و نیشابور و سبزوار ــ اثر آقای عبدالحمید مولوی	اردیبهشت ۲۵۳۵ شاهنشاهی (۱۳۵۵ خورشیدی)
۱۲۲ــ	تاریخ باستانی ایران بر پایهٔ باستان‌شناسی‌تألیف پرفسور هرتسفلد ترجمهٔ آقای علی‌اصغر حکمت استاد ممتاز دانشگاه تهران	اردیبهشت ۲۵۳۵ شاهنشاهی (۱۳۵۵ خورشیدی)

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۱۲۳ــ	آثار باستانی و تاریخی لرستان (جلد دوم) تألیف آقای حمید ایزدپناه	خرداد ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی (۱۳۵۵ خورشیدی)
۱۲۴ــ	تحریر کتاب استخراج‌الاوتـار تألیف استـاد ابوریحان بیرونی پژوهش و نگارش آقای ابوالقاسم قربانی	تیر ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی (۱۳۵۵ خورشیدی)
۱۲۵ــ	تاریخ نیشابور ــ تألیف آقای سید علی مؤید ثابتی	تیر ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی (۱۳۵۵ خورشیدی)
۱۲۶ــ	وادی هفت‌واد ــ بحثی در تاریخ اجتماعی و آثار تاریخی کرمان (جلد اول) تـألیف آقای دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی استاد دانشگاه تهران	بهمن ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی (۱۳۵۵ خورشیدی)
۱۲۷ــ	مجموعهٔ آثار قلمی ثقةالاسلام شهید تبریزی ــ به‌کوشش آقای نصرت‌الله فتحی	بهمن ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی (۱۳۵۵ خورشیدی)
۱۲۸ــ	«المختارات من‌الرسائل» مجموعهٔ اسناد و وثایق تاریخی از روی نسخهٔ خطی کتابخانهٔ وزیری یزد بـا مقدمه و زیر نظر آقـای ایرج افشار	بهمن ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی (۱۳۵۵ خورشیدی)
۱۲۹ــ	آثارباستانی‌آذربایجان (جلد دوم ــ آثار وابنیهٔ‌تاریخی‌شهرستانهای اردبیل ــ ارسباران ــ خلخال ــ سراب ــ مشکین‌شهر ــ مغان) تألیف آقای سید جمال ترابی طباطبائی	اسفند ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی (۱۳۵۵ خورشیدی)

از آستارا تا استارباد

جلد نهم

تألیف

دکتر منوچهر ستوده

سلسله انتشارات انجمن آثار ملی

۱۳۷۰